دپارتمان حقوق و علوم سیاسی

دایرة المعارف

دوره پیشرفته :

حقوق جزای اختصاصی

منطبق با قانون جدید مجازات اسلامی

(دکتری)

گروه آموزشی حقوق جزا

۱۳۹۶

چاپ اول–طرح جدید

DEPARTMENT
of law and political sciences

حقوق جزای اختصاصی

قسمت اول – جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص

فصل اول – کلیات
گفتار اول – ماهیت حقوق جزای اختصاصی ۱۳
گفتار دوم – اهمیت حقوق جزای اختصاصی ۱۳
گفتارسوم- منابع حقوق جزای اختصاصی ۱۵
گفتارچهارم- مبانی مجازاتها در حقوق جزای اختصاصی ۲۰

فصل دوم – جنایات عمدی
گفتار اول- ارکان تشکیل دهنده جنایات عمد ۳٤
گفتار دوم – شروع به جنایت عمد ٦٤
گفتارسوم – شرکت در جنایت عمد ٦٥
گفتارچهارم- معاونت در جنایت عمد ۷۲
گفتارپنجم- شرایط دعوی جنایت عمد ۷۸
گفتارششم- ادله اثبات جنایت عمد ۷۸
گفتارهفتم- مجازات جنایت عمد [قصاص] ۸۹
گفتارهشتم- قطع و ضرب و جرح عمدی ۹۸

فصل سوم – جنایات غیرعمدی
گفتار اول – جنایات شبه عمد ۱۰۲
گفتار دوم – جنایات خطای محض ۱۰۷
گفتار سوم – جنایات در حکم خطای محض ۱۱۰
گفتارچهارم- جنایات در حکم شبه عمد ۱۱۲
گفتارپنجم- مجازات جنایات غیرعمدی [دیه، تعزیر] ۱۱٤

فصل چهارم – جنایات تعزیری
گفتار اول - عدم اجرای قصاص علیه مرتکب ۱۳۷
گفتار دوم – جراحات ناشی از پاشیدن اسید ۱۳۸
گفتار سوم – جنایات ناشی از تخلفات رانندگی ۱٤۰
گفتار چهارم – منازعه ۱۵۳
گفتار پنجم – سقط جنین ۱۵۹
گفتار ششم - جرایم حدی ۱٦٤
گفتار هفتم - تسبیب و ضمان ۱۷۰

فصل پنجم – مجموعه قوانین، مربوط به [جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص]، شامل :
گفتار اول – قانون جدید مجازات اسلامی [مواد ۲۱۷ الی ۷۲۸] ۱۷۵
بند اول – حدود [مواد ۲۱۷ الی ۲۸۸] ۱۷۵
بند دوم – قصاص [مواد ۲۸۹ الی ٤٤۷] ۱۷۹
بند سوم – دیات [مواد ٤٤۸ الی ۷۲۸] ۱۹۰
گفتار دوم – قانون تعزیرات ۲۰۸
بند اول –جرایم علیه اشخاص [مواد ٦۱۲ الی ٦۳٦] ۲۰۸
بند دوم – جرایم ناشی از تخلفات رانندگی [مواد ۷۱٤ الی ۷۲۵] ۲۰۹

فصل ششم – پرسشنامه، شامل تمام سوالات آزمونهای گذشته وکالت، قضاوت، سردفتری، مشاوره حقوقی، کارشناسی ارشد و دکتری مربوط به [جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص] از اولین آزمون تا آخرین آزمون ۲۱۱

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

قسمت دوم – جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص

فصل اول – جرایم علیه حریم خصوصی اشخاص

گفتار اول – توهین ۲۶۱
گفتار دوم – افترا ۲۷۶
گفتار سوم – افترای عملی ۲۸۰
گفتار چهارم – نشراکاذیب ۲۸۱
گفتار پنجم – قذف ۲۸۳
گفتار ششم– هتک حرمت | منزل ، املاک غیر ، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی | مردگان | ۲۸۹
گفتار هفتم – مزاحمت تلفنی ۳۰۰

فصل دوم – جرایم علیه امنیت عمومی اشخاص

گفتار اول– آدم ربائی ۳۰۲
گفتار دوم– توقیف و بازداشت غیرقانونی و حبس | جرایم علیه آزادی تن | ۳۰۷
گفتار سوم– تهدید اشخاص | اخاذی ، اخذ مال به عنف یا شانتاژ | ۳۱۴
گفتار چهارم – صدمات معنوی علیه شخصیت اطفال ۳۱۸
گفتار پنجم– اخلال در نظم و آسایش عمومی ۳۱۹
گفتار ششم– جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی ۳۲۰
گفتارهفتم– جرایم برضد حقوق و تکالیف خانوادگی ۳۲۱
گفتارهشتم– قسم و شهادت دروغ و افشاء سر ۳۲۲
گفتار نهم– تجاهر به استعمال مشروبات الکلی و قماربازی و ولگردی ۳۲۳

فصل سوم – قانون تعزیرات ، به همراه آراء وحدت رویه و نظرات مشورتی مربوط به | جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص | ، شامل :

گفتار اول – افترا ، توهین و هتک حرمت ۳۲۵
گفتار دوم– هتک حرمت اشخاص ۳۲۵
گفتار سوم– هتک حرمت منازل و املاک غیر ۳۲۵
گفتارچهارم– تهدید و اکراه ۳۲۶
گفتار پنجم– قذف | قانون جدید مجازات اسلامی | ۳۲۶
گفتار ششم – جرایم علیه اطفال | مواد ۶۳۱ الی ۶۳۳ قانون تعزیرات | ۳۲۷
گفتار هفتم – جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی ۳۲۸
گفتار هشتم – جرایم بر ضد حقو ق و تکالیف خانوادگی ۳۲۹
گفتار نهم – قسم و شهادت دروغ و افشاء سر ۳۲۹
گفتار دهم – قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت ، توهین و یا هتک حرمت ۳۲۹
مندرج در مقررات جزئی مواد ۵۱۳، ۵۱۴، ۶۰۸ قانون تعزیرات
و بندهای ۷ و ۸ ماده ۶ و مواد ۲۶ و ۲۷ قانون مطبوعات

فصل چهارم – پرسشنامه ، شامل تمام سوالات آزمونهای گذشته وکالت ، قضاوت ، سردفتری ، مشاوره حقوقی ،کارشناسی ارشد و دکتری مربوط به | جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص | از اولین آزمون تا آخرین آزمون . ۳۳۰

قسمت سوم – جرایم علیه اموال و مالکیت

فصل اول– کلاهبرداری
گفتار اول – مفهوم و تعریف کلاهبرداری ۳۴۸
گفتار دوم – عناصر تشکیل دهنده جرم کلاهبرداری ۳۴۸
گفتار سوم – همکاری در جرم کلاهبرداری ۳۵۴
گفتار چهارم – تعدد یا تکرار جرم کلاهبرداری ۳۵۷
گفتار پنجم– جرایم در حکم کلاهبرداری ۳۵۷
گفتار ششم – مجازات جرم کلاهبرداری ۳۶۷

فصل دوم – رشوه | رشا و ارتشا |
گفتار اول – تعاریف و مفاهیم ۳۷۰
گفتار دوم – ارکان ارتشا ۳۷۲
گفتارسوم – شروع به ارتکاب رشا و ارتشا ۳۷۷
گفتار چهارم – سیستم مجازات جرم ارتشا ۳۷۸
گفتار پنجم – موارد خاص رشا و ارتشا و جرایم مرتبط ۳۸۱

فصل سوم – سرقت
گفتار اول – تعریف و مفهوم سرقت ۳۸۵
گفتار دوم – ارکان اختصاصی سرقت ۳۸۵
گفتار سوم– انواع سرقت ۳۹۰
گفتار چهارم – شروع به جرم در سرقت تعزیری ۴۱۴
گفتار پنجم – موارد تشدید مجازات در سرقت تعزیری ۴۱۵

فصل چهارم– خیانت در امانت
گفتار اول – کلیات ۴۱۶
گفتار دوم – عناصرمتشکله جرم خیانت در امانت ۴۲۲
گفتار سوم– مجازات جرم خیانت در امانت ۴۳۳
گفتار چهارم– صور خاص جرم خیانت در امانت ۴۳۴

فصل پنجم – صدور چک پرداخت نشدنی
گفتار اول – تعریف و مفهوم چک در حقوق کیفری ۴۴۸
گفتار دوم – عناصر تشکیل دهنده جرم صدور چک پرداخت نشدنی ۴۵۱
گفتار سوم – جهات کیفری چک ۴۵۳
گفتار چهارم – شکایت و دادرسی در جرم صدور چک پرداخت نشدنی ۴۶۱
گفتار پنجم – مجازات جرم صدور چک پرداخت نشدنی ۴۶۹
گفتار ششم – تکرار یا تعدد جرم صدور چک پرداخت نشدنی ۴۷۰

فصل ششم– دیگر جرایم
گفتار اول– جرایم مربوط به مال مسروق ۴۷۱
بند اول– ارکان تشکیل دهنده جرم مال مسروق ۴۷۱
بنددوم– دیگر عناصر تشکیل دهنده جرم مال مسروق ۴۷۲
بند سوم– کیفر جرایم مربوط به مال مسروق ۴۷۲
گفتار دوم – جرایم مربوط به اموال توقیف شده ۴۷۲
بند اول –ارکان جرایم مربوط به اموال توقیف شده ۴۷۲
بند دوم– عناصر تشکیل دهنده جرایم مربوط به اموال توقیف شده ۴۷۳
بند سوم – کیفر جرایم مربوط به اموال توقیف شده ۴۷۳
گفتار سوم – ساخت کلید یا هر وسیله دیگر جهت ارتکاب جرم ۴۷۳
بند اول –ارکان تشکیل دهنده جرایم مربوط به ساخت کلید ۴۷۳
بنددوم– کیفر جرایم مربوط به ساخت کلید ۴۷۴
گفتار چهارم– تخریب و تحریق اموال ۴۷۴
بند اول– مفهوم و تعریف ۴۷۴
بند دوم –عناصر تشکیل دهنده تخریب و تحریق اموال ۴۷۵
بند سوم – کیفر و جرایم مربوط به تخریب و تحریق اموال ۴۷۸
گفتار پنجم– جرائم رایانه ای ۴۷۸
گفتار ششم – جرائم بورسی ۴۸۶
گفتار هفتم – پولشویی ۴۸۷
گفتار هشتم – ورشکستگی ۴۸۹
گفتار نهم – جرایم اقتصادی | تعزیرات حکومتی | ۴۸۹

فصل هفتم – مجموعه قوانین ، به همراه آراء وحدت رویه و نظرات مشورتی مربوط به | جرایم علیه اموال و مالکیت | ، شامل :
گفتار اول – قانون تعزیرات ۵۰۰
بند اول –ارتشا و ربا و کلاهبرداری ۵۰۰
بند دوم – سرقت و ربودن مال غیر ۵۰۰
بند سوم– خیانت در امانت ۵۰۲
بند چهارم– احراق و تخریب و اتلاف اموال و حیوانات ۵۰۲
بند پنجم – ورشکستگی ۵۰۳
گفتار دوم– قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری ۵۰۳
گفتار سوم – قانون مبارزه با پولشویی ۵۰۵
گفتار چهارم – قانون صدور چک ۵۰۷

فصل هشتم – پرسشنامه ، شامل تمام سوالات آزمونهای گذشته وکالت ، قضاوت ، سردفتری ، مشاوره حقوقی ،کارشناسی ارشد و دکتری مربوط به | جرایم علیه اموال و مالکیت | از اولین آزمون تا آخرین آزمون ۵۱۲

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که منشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

قسمت چهارم– جرایم علیه امنیت کشور

فصل اول – جرایم علیه امنیت داخلی کشور

گفتار اول – محاربه ۵۵۳
گفتار دوم – تشکیل یا اداره یا عضویت در دسته یا جمعیت به قصد بر هم زدن امنیت کشور ۵۶۰
گفتار سوم – تبلیغ علیه نظام یا به نفع گروه های مخالف نظام ۵۶۱
گفتارچهارم – تهدید به بمب گذاری ۵۶۲
گفتار پنجم– تخریب ۵۶۳
گفتار ششم – تبانی ۵۷٤
گفتار هفتم – اشاعه اکاذیب ۵۷۹
گفتار هشتم – تظاهر ، قدرت نمایی و هیاهو و جنجال ۵۸۰
گفتار نهم – اقدام برای جدا کردن قسمتی از قلمروی حاکمیت ایران ۵۸۱
گفتار دهم– دیگر جرایم | مصرحه در قانون تعزیرات | ۵۸۲
۱. محو یا شکستن مهر و پلمپ و سرقت نوشته‌ها از اماکن دولتی ۵۸۲
۲. فرار محبوسین قانونی و اخفای مقصرین ۵۸۲
۳. غصب عناوین و مشاغل ۵۸۳
٤. تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی ۵۸۳
۵. امتناع از انجام وظایف قانونی ۵۸۵
٦. تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت ۵۸۵
۷. تمرد نسبت به مأمورین دولت ۵۸٦

فصل دوم – جرایم علیه امنیت خارجی کشور

گفتار اول – خیانت ۵۸۷
گفتار دوم – جاسوسی ۵۹۲
گفتار سوم– دیگر جرایم | جرایم با ماهیت دو گانه علیه امنیت داخلی و خارجی کشور | ٦۰۰
بند اول– جمع آوری اطلاعات طبقه بندی و انتقال آنها به دیگری ٦۰۰
بند دوم– جرائم علیه امنیت در ارتباط با وظایف خاص نظامی و انتظامی ٦۰۱
بند سوم– تخلیه اطلاعاتی ٦۰۳
بند چهارم– سوء قصد ٦۰٤
بند پنجم– توهین ٦۰۷

فصل سوم– مجازات جرایم علیه امنیت کشور

گفتاراول– تشدید مجازات ٦۱۳
گفتار دوم– تخفیف و معافیت از مجازات ٦۱۳

فصل چهارم– قانون تعزیرات ، به همراه آراء وحدت رویه و نظرات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه مربوط به | جرایم علیه امنیت کشور | ، شامل :
گفتار اول – جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور ٦۱۵
گفتار دوم – اهانت به مقدسات مذهبی و سوء استفاده به مقامات داخلی ٦۱٦
گفتار سوم – سوء قصد به مقامات سیاسی خارجی ٦۱٦
گفتار چهارم – محو یا شکستن مهر و پلمپ و سرقت نوشته ها از اماکن دولتی ٦۱٦
گفتار پنجم– فرار محبوسین قانونی و اخفای مقصرین ٦۱٦
گفتار ششم – غصب عناوین و مشاغل ٦۱۷
گفتار هفتم – تخریب اموال تاریخی ، فرهنگی ٦۱۸
گفتار هشتم – تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی ٦۱۹
گفتار نهم – امتناع از انجام وظایف قانونی ٦۲۰
گفتار دهم – تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت ٦۲۰
گفتار یازدهم – تمرد نسبت به مأمورین دولت ٦۲۱
گفتار دوازدهم – اجتماع و تبانی برا ی ارتکاب جرایم ٦۲۱

فصل پنجم– پرسشنامه ، شامل تمام سوالات آزمونهای گذشته وکالت ، قضاوت ، سردفتری ، مشاوره حقوقی ،کارشناسی ارشد و دکتری مربوط به | جرایم علیه امنیت کشور | از اولین آزمون تا آخرین آزمون ٦۲۲

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

قسمت پنجم – جرایم علیه آسایش عمومی

فصل اول – بزه سکه | سکه قلب |
گفتار اول – ساختن سکه ٦٤١
گفتار دوم – تخدیش سکه ٦٤٣
گفتار سوم – ترویج سکه تقلبی یا مخدوش ٦٤٤
گفتار چهارم – وارد کردن سکه تقلبی یا مخدوش ٦٤٤

فصل دوم – جعل و تزویر
گفتار اول –رکن قانونی یا شرط مقدم و الزامی جعل و تزویر ٦٤٧
گفتار دوم – عنصرمادی جعل و تزویر ٦٤٧
گفتار سوم– اضرار به غیر در جرم جعل ٦٦٠
گفتار چهارم – عنصر معنوی در جعل ٦٦٢
گفتارپنجم – کیفر جرم جعل ٦٦٢
گفتار ششم– مجازات شروع به جرم جعل و تزویر ٦٦٤
گفتار هفتم– استفاده از اسناد و نوشته های جعلی ٦٦٥

فصل سوم – مصادیق جعل
| در قانون تعزیرات |
گفتار اول – جعل اوراق بهادار به قصد اخلال در امور مملکت ٦٦٩
گفتار دوم – جعل احکام مقامات عالیه کشور ٦٧٠
گفتار سوم – جعل حکم ، مهر ، تمبر ، منگنه ، اسکناس و غیره ٦٧١
گفتار چهارم – جعل اسناد توسط کارمندان دولت ٦٧٢
گفتار پنجم– جعل در اسناد رسمی و قضائی ٦٧٣
گفتار ششم– استفاده از اوراق مجعول مذکور ٦٧٤
گفتار هفتم– جعل اسناد یا نوشته های غیررسمی و مورد استفاده قراردادن آنها ٦٧٤
گفتارهشتم– جعل مهر یا منگنه یا علامت ادارات عمومی غیردولتی و استفاده از این اشیاء مجعوله ٦٧٤
گفتار نهم– جعل مهر یا منگنه یا علامت شرکتهای غیردولتی و تجارتخانه ها و استفاده از این اشیاء مجعوله ٦٧٥
گفتار دهم– استعمال مهر، تمبر یا علامت ادارات یا شرکتهای غیردولتی یا تجارتخانه ها بدون اجازه صاحبان آنها ٦٧٦
گفتار یازدهم– عذر قانونی برای تخفیف یا معافیت از مجازات ٦٧٧
گفتار دوازدهم– جعل مدرک تحصیلی یا استفاده از مدرک تحصیلی مجعول ٦٧٨
گفتار سیزدهم– تقلب در آزمون تحصیلی ٦٧٩
گفتار چهاردهم– مهر نکردن عکس یا رونوشت اسناد و استفاده از این قبیل مدارک ٦٨٠
گفتار پانزدهم– جعل گواهی پزشکی توسط غیرپزشک ٦٨٢
گفتار شانزدهم– جعل گواهی پزشکی توسط پزشک ٦٨٤
گفتار هفدهم– جعل سایر تصدیقنامه ها ٦٨٥
گفتار هجدهم– محو یا شکستن مهر و پلمپ و سرقت و نوشته ها از اماکن دولتی ٦٨٥

فصل چهارم – مصادیق جعل
| در سایر قوانین |
گفتار اول – جعل اسناد رسمی توسط مأمورین اداره ثبت و دفاتراسناد رسمی ٦٨٧
گفتار دوم – صدور تصدیقات خلاف واقع ٦٨٧
گفتار سوم– ماده ۸ قانون مجازات راجع به انتقال مال غیرمصوب ۱۳۰۸ ٦٨٨
گفتار چهارم– قید تاریخ مقدم در ظهرنویسی برات ٦٨٨
گفتار پنجم– جعل های ارتکابی در اسناد سجّلی ٦٨٨
گفتار ششم – جعل و تزویر ارتکابی نظامیان ٦٨٩
گفتار هفتم– جعل تمبر و نقش تمبر ٦٨٩
گفتار هشتم– جعل کالا برگ (کوپن) ٦٨٩
گفتار نهم– جعل چک های تضمین شده ٦٩٠
گفتار دهم– جعل گذرنامه یا جواز اقامت یا جواز عبور ٦٩٠
گفتار یازدهم– جعل تصدیق صدور و ورود ٦٩٠
گفتار دوازدهم– ارتکاب جعل توسط کارشناس ٦٩٠
گفتار سیزدهم – ارتکاب جعل برای فرار از خدمت وظیفه عمومی ٦٩١
گفتار چهاردهم– جعل و تزویر در انتخابات ٦٩١

فصل پنجم – قانون تعزیرات ، به همراه آراء وحدت رویه و نظرات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه مربوط به | جرایم علیه آسایش عمومی | ، شامل :
گفتار اول – تهیه و ترویج سکه قلب ٦٩٢
گفتاردوم– جعل و تزویر ٦٩٢

فصل ششم – پرسشنامه، « شامل تمام سوالات آزمونهای گذشته وکالت ، قضاوت ، سردفتری ، مشاوره حقوقی ،کارشناسی ارشد و دکتری مربوط به | جرایم علیه آسایش عمومی | از اولین آزمون تا آخرین آزمون ٦٩٤

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

پیوست ۱ – موضوعات مکمل و خاص | توجیه جرم و مسئولیت |

گفتار اول - توجیه جرم [علل موجهه جرم] ۷۱۰
بند اول- دفاع مشروع ۷۱۰
بند دوم- ضرورت ۷۱٦
بند سوم- حکم قانون ۷۱۷
بند چهارم- امر آمر قانونی ۷۱۸
بند پنجم- رضایت ۷۲۱
بند ششم- در حکم رضایت و ضرورت ۷۲۵
گفتار دوم- توجیه مسئولیت [علل رافع مسئولیت] ۷۲٦
بند اول- کودکی ۷۲٦
بند دوم- اکراه ۷۲۸
بند سوم- اجبار ۷۳۱
بند چهارم- اضطرار ۷۳۵
بند پنجم- جنون ۷۳۸
بند ششم- اشتباه ۷٤۰
بند هفتم- مستی ۷٤٤
بند هشتم- خواب و هیپنوتیزم ۷٤۵
بند نهم- بیماریهای اراده ۷٤۵

پیوست ۲ – ترمینولوژی حقوق جزا

گفتار اول – لغات و اصطلاحات حرف [الف] ۷٤۸
گفتار دوم – لغات و اصطلاحات حروف [ب الی ث] ۷۵۰
گفتار سوم- لغات و اصطلاحات حروف [ج الی خ] ۷۵۲
گفتار چهارم – لغات و اصطلاحات حروف [د الی ف] ۷۵۳
گفتار پنجم – لغات و اصطلاحات حروف [ق الی م] ۷۵٤
گفتار ششم- لغات و اصطلاحات حرف [ن الی ه] ۷۵٦

پیوست ۳ – سوالات جدید حقوق جزای اختصاصی دکتری

۱. سوالات حقوق جزای اختصاصی ، آزمون دکتری حقوق جزا ، دانشگاههای سراسری ، اسفند ماه ۱۳۹۲ ۷۵۸
۲. سوالات حقوق جزای اختصاصی ، آزمون دکتری حقوق جزا ، دانشگاههای سراسری ، اسفند ماه ۱۳۹۳ ۷۶۱
۳. سوالات حقوق جزای اختصاصی ، آزمون دکتری مجموعه حقوق ، دانشگاههای سراسری ، اسفند ماه ۱۳۹٤ ۷٦٤
٤. سوالات حقوق جزای اختصاصی ، آزمون دکتری حقوق جزا ، اسفند ماه ۱۳۹۵ ۷٦٦

مقدمه

توصیه می شود ، متن ذیل که نحوهٔ استفاده از جزوهٔ حقوق جزای اختصاصی را بیان می دارد ، با دقت هرچه تمام تر مطالعه شود[۱] .

بند اول – ترکیب و پلان بندی جزوهٔ حقوق جزای اختصاصی

آنچه در پیش رو دارید ، ماحصل تفکر و نتیجه ای است که بی شک اگر درست از آن استفاده شود شما را در صدر هر موفقیتی که بدان منظور اقدام داشته اید ، قرار خواهد داد . بنابراین برای حصول به آن ، توصیه می شود آنچه که در ذیل می آید به دقت مطالعه و عمل شود.

همانگونه که از صفحات یک الی پنج آمده است ، موضوعات این جزوه در پنج قسمت به شرح ذیل پلان بندی و تقسیم و تفکیک موضوع شده است :

قسمت اول – جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص
قسمت دوم – جرائم علیه شخصیت معنوی اشخاص
قسمت سوم - جرائم علیه اموال و مالکیت
قسمت چهارم- جرائم علیه امنیت کشور
قسمت پنجم- جرائم علیه آسایش عمومی

هر قسمت از جزوه ، به ترتیب عبارت است از :

- شرح دروس
- مجموعه قوانین
- تست و آزمون

الف- هر قسمت از جزوه ابتدا به توضیح و شرح درس می پردازد.

برای تدوین شرح دروس که به صورت موضوعی و تخصصی انجام شده ، از جمیع منابع موجود در کشور ، شامل : منابع دانشگاههای تهران شهید بهشتی، ... ، منابع موضوعی ، منابع مکمل و کمک آموزشی ، بر پایه جدیدترین منابع طرح سوال و بر اساس آخرین سرفصل های وزارت علوم و شورای عالی برنامه ریزی درسی دانشگاهها ، البته در سطحی جلوتر و وسیع تر از سطح تمام آزمون های حقوق استفاده شده‌است . به گونه ای که با یک مطالعه مفید بتوان تقریباً به همه سوالات امتحانی پاسخ صحیح داد ، درصورتیکه برای بدست آوردن بالاترین رتبه در هر امتحان حقوقی در سطح کشور ، پاسخگویی میانگین حدود هشتاد درصد به سوالات معمولاً کفایت می کند . بر این اساس نه تنها به هیچ منبعی آموزشی نیاز نخواهیم داشت ، بلکه اگر بهینه و درست از آن استفاده شود سطح داده ها و اطلاعات هر فرد را به قدری افزایش و ارتقاء خواهد داد که موفقیت برای هر امتحان ورودی یک امر آسانی خواهد شد .

توضیح و شرح درس ، هدف اصلی ارائه جزوات است . چراکه شما زمانی می توانید به پرسشهای پیرامون یک موضوع پاسخ صحیح دهید که پیرامون آن موضوع از لحاظ داده ها و اطلاعات اشراف داشته باشید . چنین خاصیتی می تواند حتی این توانایی را نیز برایتان به دنبال داشته باشد که به پرسشهای مفهومی و ایهام در جواب نیز در نهایت آخرین پاسخ درست را داشته باشید. براین اساس ، حرکت پایه ای و اصولی آن است که اهم وقت خود را صرف یادگیری عمیق و دقیق توضیح درسها نمایید . برای یادگیری عمیق و دقیق توضیح درسها ، حتی‌الامکان مطابق با استانداردهای علمی و نوین مطالعه شود . بدین منظور باید از تفکر مدرسه ای و سیستم سنتی آموزشی رایج ، فاصله گرفت و از عیوب مطالعه ، یعنی ازهرگونه تقیدات وخود محدودیتی تحت عنوان به ظاهر برنامه مطالعه [یعنی مقید کردن خویش به ساعت و سقف مطالعه] که از نتایج و طبیعت سیستم سنتی آموزشی است ، پرهیز نمود . برای مطالعه علمی و نوین ، و به تبع بازدهی و نتیجه ای متفاوت ، لطفاً موارد مذکور در بند دوم همین مقدمه ، مندرج در صفحهٔ ۱۱ ، با دقت مطالعه شود .

ب- هر قسمت از جزوه بعد از توضیح و شرح درس به قوانین می پردازد .

دربحث قوانین ، ابتدا قانون پایه موضوع هر قسمت آمده است ، سپس قوانین ، مقررات و آیین نامه های مکمل و متمم و در پاورقی ها نیز آرای‌وحدت رویه و نظرات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه آمده است ، به گونه ای که شما را از داشتن هر گونه کتاب قانون بی نیاز می‌کند . هدف از ارائه مجموعه قوانین بعد از شرح دروس جهت دو منظور ذیل است :

۱. شناخت دقیق تر و موضوعی مواد قانون یا مجموعه قوانین
۲. تطبیق متن با مواد قانون در مواقع ارجاع و ضرورت متن

[۱]. مقدمه و نحوه استفاده از جزوات ، با اندکی تفاوت در برخی نکات و موارد خاص ، تقریباً مشابه است . علت موارد تشابه و تکرار آن در تمام جزوات ، برای آن است که برخی از متقاضیان ، جزوات را به صورت تکدرس تهیه می کنند .

توصیه می شود جهت موارد فوق به مجموعه قوانین مراجعه ، و به سبب ذیل از مطالعه صرف مواد قانون خودداری شود :

- توضیع قوانین در قوانین پیشرفته توسط منتخبی از برجسته ترین تخصصها از بین گروههای بس فنی و کارشناسی منتخب و با خصایص جامعیت و صراحت وضع می شوند که از نتایج مهم آن مراجعه مستقیم به قوانین و نیز عدم تفسیر به رای است . لیک قوانین مورد مراجعه ما در واقع امور اولی وکلی هستند ووضعیت حقوقی موارد ثانوی منبعد مشخص می شوند، هرچند در امور اولی و کلی نیز در بسیاری موارد قوانین ما ساکتند ، وانگهی به سهولت قابل تفسیر به رای اند. بنابراین درمراجعه به قوانین ، در واقع با مجموعه ای از شماره و کدها روبرو خواهیم بود که نه تنها جامعیت و قابلیت یادگیری و فهم و هضم و دریافت را ندارند بلکه از نظر روان شناسی مطالعه ممکن است منع موثر در آینده یادگیری بوده ، به آینده یادگیری نیزآسیب برسانند . بنابراین توصیه می شود جز در موارد لزوم [موارد ۱و ۲ بند ب] از پرداختن صرف به قوانین خودداری شود .
- در واقع منشا رجوع به مواد قانون را باید بیشتر در آزمونهایی چون وکالت ، قضاوت و سردفتری جستجوکرد که سئوالات این آزمونها با گرایش وتاکید به مواد قانون طرح می شد. علت آن نیز این نوعیت تفکر بود که فکر می شد. داوطلبان دارای اطلاعات جامع کارشناسی هستند، مضافا تسلط به مواد قانونی نیز تمایز وضعیت و رقابت باشد . البته این نگرش به میزان بس کمتر هنوز هم وجود دارد ، بنابراین در تدوین شرح دروس سعی شده است ، قوانین پایه هر درس با متن درس تطبیق ، نهایتا در متن درس گنجانیده شده است تا حتی الامکان دانشجویان و داوطلبان آزمونهای فوق را از مراجعه مستقیم به قوانین مستغنی نماید . در عین حال ، آرای وحدت رویه و نظرات مشورتی ادارهٔ حقوقی دادگستری که در پاورقی های قوانین آمده است ، حتی الامکان بعد از مطالعهٔ توضیحات دروس ، مطالعه شود .

ج- هر قسمت از جزوه بعد از توضیح و شرح درس و ارائه قوانین ، به تست و آزمون می پردازد .

در بحث تست و آزمون ، تقریباً تمام سوالات آزمونهای گذشته وکالت ، قضاوت ، سردفتری ، مشاوره حقوقی و کارشناسی ارشد مربوط به درس مورد بحث از اولین آزمونها تا آخرین آزمونها به هنگام ارائه جزوات آورده شده است.

هدف از ارائه مجموعه سوالات آزمونها در پایان هر قسمت از جزوه صرفاً جهت دو منظور است :

۱. آشنایی با نمونه سؤالات آزمون‌های گذشته

۲. تمرین و ممارست با نمونه سؤالات با عطف و تاکید به سؤالات سالهای موخر .

بحث تست و آزمونها برای آنانی در نظر گرفته شده است که در دریافتها و فهم و هضم موضوعات از جمع بندی و قدرت حافظه ی ضعیف‌تری برخوردار هستند . بنابراین اگر از قدرت حافظه ی بالایی برخوردار هستید و می توانید شرح دروس را به بهترین نحو وارد حافظه نمایید ، بی نیاز از موارد مطروحه در بند [ج] خواهید بود . چرا که در پروسه مطالعات علمی و اصولی، بی شک آنانی که دریافت‌های قوی و عمیقی دارند و به موضوع مورد بحث از نظر فراگیری اشراف پیدا می کنند ، خواهند توانست به هر پرداخت و پرسشی در اطراف آن موضوع پاسخ صحیح دهند ، دراین صورت نه تنها تست توصیه نمی شود ، بل نوعی بدآموزی تلقی و سببی برای انحراف و اشتباهات در پاسخ به تستهای آتی خواهد بود . شما تست مشابهی را در آزمون آتی مشاهده می کنید ، در صورتی که طراح سوال ممکن است اساساً پاسخ دیگری را خواسته باشد ، یا تغییر جزئی در گزینه ها باشد که شما متوجه آن‌نباشید .

توجه – در مجموع و در نهایت آنانی که از پرسشنامه ها استفاده می کنند ، توصیه می شود حتی الامکان پاسخ هر تست با توجه به متن درس داده شود . پاسخهایی که در پاسخنامه ها آمده است ، چون از پاسخهای مرسوم و رایج استفاده شده ، بعضاً موارد اشتباه هم دارند ، این اشتباه ممکن است ناشی از عدم دریافت منظور طراح سوال باشد یا تست مشابهی که اساساً طراح سوال پاسخ دیگری را خواسته باشد یا اشتباه در ارائه باشد و به هر دلیل دیگر . پس پاسخ هر تست، جهت اطمینان ، با شرح درس تطبیق و کنترل شود. چون شرح درس متن آخر برای آزمون آتی است . وانگهی اگر در فهرست تست ها ، بعضاً تستی باشد که در متن درس به آن اشاره نشده باشد ، چنین تستی به هر دلیلی ، اعم از اینکه موضوع آن امروزه عملا منتفی شده باشد یا موضوعی ایهام و انحرافی بوده ، دیگر موضوعیت نداشته ، آن را کنار بگذارید .

د – همان گونه که در صفحات ۶ ، ۷ و ۸ آمده است ، این جزوه علاوه بر پنج قسمت اصلی ، دارای سه پیوست به شرح ذیل نیز می باشد :

پیوست ۱ – موضوعات مکمل و خاص ، که در واقع به عنوان ادامه متن دروس محسوب می شود . بنابراین توصیه می شود در صورت وجود وقت کافی ، حتی‌الامکان به عنوان ادامه توضیحات و متن دروس مطالعه شود .

پیوست ۲– ترمینولوژی حقوق جزا ، که در حین مطالعهٔ توضیحات دروس ممکن است مورد استفاده قرار گیرد .

پیوست ۳– سؤالات جدید آزمون ها ، که در این پیوست ، معمولاً سؤالات آخرین آزمون ها ، جهت آشنایی داوطلبان آورده می شود که شاید بتواند در نوعیت مطالعهٔ آنان مؤثر باشد ، همچنان که پس از اتمام مطالعهٔ جزوه ، می تواند جهت خودآزمایی نیز مورد استفاده قرار گیرد .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

بند دوم – مطالعه جزوهٔ حقوق جزای اختصاصی

الف– نحوهٔ مطالعه

۱. از موارد و مبادی بسیار مهم برای یک مطالعه مفید ، ابتدا نوعیت **تفکر مطالعه** است . در تفکر مطالعه ، همیشه باید تفکر و اندیشه این باشد که می خواهید بالاترین و بهترین باشید . در این نوعیت تفکرحتی بالاترین آزمون ها نیز پایه مطالعه قرار می گیرد و به بالاتر از آن تفکر می‌شود . به عبارتی با اعتماد به نفس بس بالا و اینکه می خواهید واقعاً متفاوت باشید و دانش بالایی داشته باشید مطالعه کنید ، نه صرف جبرامتحان .

۲. همچنین **شرایط و محیط مطالعه** را مناسب سازید . حتی الامکان سعی شود ، در محیطی کاملا ساکت و به دور از هرگونه آلودگی صوتی و سروصدا و عاری از هرگونه **مشغله فکری** وارد مطالعه شوید. اگر ذهنتان مشغول و مشوش موضوعی شده است آن را حل کنید، سپس وارد مطالعه شوید . با **انگیزه و علاقه** مطالعه نمایید و هرزمان احساس کردید که خسته هستید، خمیازه می کشید یا خوابتان می آید، موقتاً مطالعه را کنار بگذارید.

۳. حتی الامکان برای مطالعه **تایم** مشخصی از قبل فرض نکنید و درنظر نگیرید . همچنین از قبل پیش فرض **سقف مطالعه** یا تعداد صفحات نیز نشود . یعنی نه از قبل مشخص نمایید که مثلا هر روز ۵ ساعت مطالعه نمایید و نه از قبل مشخص نمایید که مثلا هر روز ۱۰۰ صفحه مطالعه داشته باشید . وقتی که چنین پیش فرض هایی را ایجاد می کنیم ، از یک طرف می خواهیم به هرطریق ممکن به آن برسیم و این ممکن است خارج از قواعد توانایی باشد که به تبع ، باعث پایین آمدن کیفیت مطالعه خواهد بود و از طرف دیگر، هرگونه تغییر در ساعت یا سقف مطالعه پیش فرض شده که به خاطر اتفاقات روزمره که در زندگی‌های امروز بسیار محتمل و عادی است ، حادث شود ، می تواند اثرات بس منفی در مطالعه ، اعم از مطالعات گذشته یا آتی داشته باشد . به عبارتی برای آنکه بالاترین کیفیت را در مطالعه داشته باشیم ، باید فراغ بال مطالعه نماییم و خود را مقید به ساعت یا سقف مطالعه نکنیم .

وقتی که به مسائل و موضوعات زندگی خویش به طور کلی می نگرید و در نهایت دست به اولویت بندی و انتخاب اهداف می‌زنید، اینکه تصمیم می‌گیرید که در آزمون یا امتحانی شرکت داشته باشید ، اینکه می خواهید با توجه به شرایط خویش اوقاتی را به مطالعه اختصاص دهید ، این یک برنامه است . در صورتی که حجم وسیعی از داوطلبان ، حتی در سطوح تحصیلات عالیه ، دچار مشتبه معانی و خلط مبحث شده ، درگیر کردن خویش به ساعت یا سقف مطالعه را به برنامه تعبیر می نمایند .

۴. حتی الامکان به صورت انتقادی و کاربردی مطالعه شود . منظور از **انتقادی** این است که مطالعه باید آن قدر عمیق و دقیق باشد ، به گونه‌ای که می‌خواهیم از موضوعات مورد مطالعه ایراد و عیب یابی کنیم و منظور از **کاربردی** آن است که موضوعات مورد مطالعه ، مفهومی و به طور کلی [نه نکته‌ای] وارد حافظه شود ، سپس برای خود یا دیگران توضیح داده شود .

۵. با توجه به تفاوت افراد در استعداد و توانایی ، اگر دیرتر مطلبی را یاد می گیرید ، مطالعات روزانه تان را افزایش ندهید بلکه طول مدت مطالعاتتان را در دراز مدت بیشتر کنید .

۶. توصیه می شود ، قبل از مطالعهٔ جزوه ، ابتدا پلان جزوه [صفحه ۱ الی ۵] به عنوان رئوس مطالب و سرفصل ها مطالعه شود . پس از آن به مطالعه هر قسمت از جزوه می پردازیم . برای مطالعهٔ هر قسمت از جزوه نیز ابتدا باید پلان آن قسمت در ابتدای جزوه مطالعه شود ، تا بدون ساختار و چارچوب وارد حجمه ای از موضوعات برای مطالعه نشویم ، مثلاً برای مطالعه قسمت اول ، ابتدا پلان آن در صفحهٔ یک مطالعه شود یا برای قسمت دوم پلان آن در صفحه دو و الی آخر .

ب – ترتیب مطالعهٔ موضوعات حقوق جزای اختصاصی

اگر دچار ضیق وقت نیستید ، حتی الامکان به ترتیب تقسیم بندی جزوه ، یعنی ، به ترتیب از قسمت اول الی پنجم مطالعه شود. در غیر این صورت ، به ترتیب اولویت مطالب ، در سه مرحله به شرح ذیل مطالعه نمایید :

مرحلهٔ اول : فصل اول الی چهارم قسمت اول [جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص] ○○ فصل اول الی ششم قسمت سوم [جرایم علیه اموال و مالکیت] ○○

مرحلهٔ دوم: فصل اول الی سوم قسمت چهارم [جرایم علیه امنیت کشور] ○○

مرحلهٔ سوم: فصل اول و دوم قسمت دوم [جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص] ○○ فصل اول الی چهارم قسمت پنجم [جرایم علیه آسایش عمومی] ○○

در هر مرحله ، پس از مطالعهٔ هر موضوع ، می توانید دایرهٔ جلوی آن موضوع را پررنگ نمایید و برای بار دوم [مرور] نیز ، دایرهٔ دوم را ، و اگر به دفعات مطالعه شد ، می‌توانید با ایجاد دایره های جدید ، به تبع قبل عمل نمایید .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

قسمت اول

جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

فصل اول

کلیات

گفتار اول – ماهیت حقوق جزای اختصاصی

در حقوق جزا ، مثل بسیاری از رشته های دیگر ، دو دسته از مباحث طرح می شوند :

دسته اول مباحثی هستند که می توان آنها را عمومات و کلیات حقوق جزا نامید ، که در آنها بر جرم خاصی تأکید نشده ، بلکه به بیان کلیات اکتفا می شود . به عبارتی این مباحث درآنچه که حقوق جزای عمومی نامیده می شود مورد بحث قرار می‌گیرند . مانند شرایط عمومی جرائم و تقسیم کلی آنها بر حسب نوع مجازاتها ، کیفرهای اصلی و تکمیلی و تبعی ، تکرار و تعدد جرم ، شرکت و معاونت در جرم ، حدود مسئولیت جزائی ، تخفیف مجازات ، آزادی مشروط زندانیان ، تعویق وتعلیق اجرای مجازات ، که مواد ۱ الی ۲۱۶ قانون جدید مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ به این مباحث اختصاص داده شده‌اند .

دسته دوم و از سوی دیگر ، هر جرمی عناصر مادی و روانی خاص خود را دارد که آن را از دیگر جرایم متمایز می سازد . بررسی این عناصر در رابطه با جرایم مختلف در شاخه دیگری از حقوق جزا انجام می گیرد ، که آن را حقوق جزای اختصاصی می‌نامند[۱] .

بنابراین این رشته از حقوق ، قسمت خاص یا اختصاصی حقوق جزا را تشکیل می دهد و مربوط است به بحث در خصوصیات هر یک از جرائم بطور جداگانه . مانند قتل عمدی ، قطع عضو یا جرح آن ، زنا ، قذف ، شرب خمر و غیره که موضوع مواد ۲۱۷ الی ۷۲۸ قانون جدید مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می‌باشد[۲]. همچنین جرائم بر ضد امنیت و آسایش عمومی ، خیانت ، جاسوسی ، جعل و تزویر ، قلب سکه ، جرائم بر ضد اموال و مالکیت ، تخریب ، کلاهبرداری و خیانت در امانت و نیز جرائم ناشی از تخلفات رانندگی از موارد قابل طرح در حقوق جزای اختصاصی می باشند که مربوط می شود به مواد ۴۹۸ الی ۷۸۵ قانون تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده مصوب ۱۳۷۵. در مجموع باید گفت ، موضوع بحث حقوق جزای اختصاصی نفس جرم است . بدین لحاظ این رشته از حقوق ، شعبه ای از حقوق جزایی است که بطور تفکیک و جداگانه ، تمامی افراد جرائم را مطرح می سازد وهر یک از آنها را چه از نظر عناصر تشکیل دهنده و چه از نظر کیفیت مجازات آن تعریف و بیان می کند .

***

گفتار دوم – اهمیت و فواید مطالعه حقوق جزای اختصاصی

ضرورت مطالعه و آشنایی با حقوق جزای اختصاصی و نیز اهمیت آن از جهات مختلفی می تواند قابل توجه باشد که به برخی از این موارد ذیلاً اشاره می شود :

الف– از جهت رعایت اصل قانونی بودن جرایم و حفظ آزادیهای فردی و اجتماعی

این شعبه از حقوق جزا در جهت رعایت اصل قانونی بودن جرائم از اهمیت ویژه ای برخوردار است . این امر به خصوص با توجه به ناپایداری و تحول بخش وسیعی از عادات عمومی و مصالح اجتماعی و به تبع آن تغییرات در سیاهه جرایم دارای حساسیت بیشتری خواهد بود . رفتارهای بسیاری که در اکثر قوانین قدیمی جرم قلمداد می شده اند ، امروزه کم و بیش وصف جزایی خود را از دست داده‌اند[۳] و در مقابل ، اعمال بسیاری که امروزه به عنوان جرم قابل تعقیب کیفری هستند ، در گذشته هرگز جرم شناخته نشده اند . در نظام حقوقی اسلام

---

[۱]. دکتر حسین میرمحمد صادقی ، جرایم علیه اشخاص ، نشر میزان .

[۲]. دکتر ایرج . گلدوزیان ، حقوق جزای اختصاصی ، انتشارات دانشگاه تهران

[۳]. در بسیاری ازشهرهای یونان قدیم برخی از مصادیق جرم قتل ممنوع نبوده است . همچنان که در میان بعضی از قبایل عرب پیش از ظهور اسلام کشتن فرزندان از خوف فقر و نیز قتل فرزندان دختر جرم محسوب نمی گردید. همچنین رومیان قدیم قتل کودکانی را که دارای امراض عقلی و یا نقایص جسمانی بودند غیر مجاز نمی دانستند . ویل دورانت می نویسد: ساکنان ملانزی بیماران و پیران را زنده در خاک می کنند و این امر را وسیله خوبی برای رهایی از بقایای آنان می دانند. سامنر می گوید: در جزیره « نیوبریتین » گوشت انسان را در دکانها می‌فروشند، همچنان که قصابان ما گوشت خوک را می‌فروشند . دست کم در بعضی از جزایر سلیمان مردم بومی و به خصوص زنان را مانند خوکان می پرورانند و برای میهمانیهای بزرگ آماده می‌سازند .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

تحول و دگرگونی قوانین و مقررات به ویژه در احکام حکومتی و قواعدی که متاثر از عرف و ضرورتهای متغیر اجتماعی هستند ، در دو سطح منطقه ای و تاریخی پذیرفته شده است . فقهای اسلامی ضمن تاکید بر رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات در جنایات و جرایم مشمول حد به بررسی دقیق و موشکافانه این جرایم پرداخته‌اند . لکن در تشخیص و تعیین عناصر بزه و بررسی تحلیلی جرایم مستوجب تعزیر چنین جهد و تلاشی مشاهده نشده و هیچیک از فقها، جرایم تعزیری را با دقتی که در حدود و قصاص به کار برده اند ، مورد ارزیابی قرار نداده‌اند. به طوری که سابقه مطالعه حقوق جزای اختصاصی در تعزیرات بسیار محدود و کاملاً ناچیز است.

این اختلاف در چگونگی بررسی جرایم ، ناشی از « تعدیل اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها » در نظام تعزیرات است . چراکه از طرفی توصیف جزایی جرایم تعزیری غالباً طی قواعد کلی صورت می گیرد که ممکن است اشکال متنوعی از رفتار مجرمانه با عناوین مختلف و متفاوت را شامل شود و از طرف دیگر توسعه اختیارات قاضی در گزینش مناسبترین و شایسته ترین واکنش جزایی ضمن لحاظ موقعیت جرم ارتکابی ، شخصیت بزهکار و شرایط اجتماعی ، موجب عدم رعایت کامل اصل قانونی بودن مجازاتها می گردد.

ب- توصیف قضایی جرم

از دیگر آثار مطالعه حقوق جزای اختصاصی توصیف قضایی هر جرم با تعیین عناصر اختصاصی آن است. و از این جهت مکمل و متمم حقوق جزای عمومی است.

در بحث ازکلیات و عمومات حقوق جزا ، ارکان تشکیل دهنده جرم را سه جزء قانونی مادی و معنوی که در همه جرایم مشترک است ، ذکر کرده‌اند .

علاوه بر ارکان عمومی بزه ، در هر جرم نیز عناصر و اجزاء خاصی وجود دارد که ویژه آن جرم بوده موجب تفکیک و تمایز آن از جرایم دیگر می گردد . از این رو هر چند جرائمی مانند سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت ، تخریب و . . . همه ، علیه اموال و حق مالکیت دیگران صورت می گیرد ، اما وجود اجزاء و عناصری خاص در هریک از عناوین مذکور موجب جدایی و تفکیک آنها از یکدیگر است . برای مثال سرقت را « ربودن مخفیانه مال متعلق به دیگری » تعریف کرده اند . به طوری که برای تحقق آن علاوه بر عناصر عمومی جرم ، وجود اجزاء اختصاصی دیگری که در تعریف مذکور آمده است ، نیز ضرورت دارد .

بنابراین ، حقوق جزای اختصاصی عناصر ویژه و مشخصه هر جرم را مورد بررسی قرار داده ، ملاک تمیز و تشخیص جرایم را از یکدیگر روشن می کند .

ج – طبقه بندی جرایم

طبقه بندی جرایم و معیارهای مختلفی که مبنای تقسیم آنها قرار می گیرد ، از موضوعات مورد بحث در حقوق جزای عمومی است . اما اینکه جرم معینی در کدامیک از طبقات جای دارد از مواردی است که در حقوق جزای اختصاصی مشخص می‌گردد. در حقوق جزای اختصاصی گروه بندی جرایم از دو جهت مورد توجه قرار دارد :

۱. تعیین اینکه جرم در زمره « حق مردمی » (حق الناس) یا « حق خداوندی » (حق الله) است[1] .

۲. تعیین اینکه جرم در کدامیک از طبقات چهارگانه جرایم در ماده ۱۴ قانون جدید مجازات اسلامی قرار می گیرد .

به موجب ماده ۱۴ قانون جدید مجازات اسلامی ، جرایم به اعتبار واکنشی که برای آنها پیش‌بینی شده است ، به صورت زیر طبقه بندی می شوند :

- حدود
- قصاص
- دیات
- تعزیرات

---

[1] . **مطابق ماده ۸ قانون جدید آیین دادرسی کیفری :** محکومیت به کیفر فقط ناشی از ارتکاب جرم است و جرم که دارای جنبه الهی است ، می تواند دو حیثیت داشته باشد :

الف – حیثیت عمومی از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلال در نظم عمومی

ب– حیثیت خصوصی از جهت تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین

همچنین مطابق ماده ۹ قانون جدید آیین دادرسی کیفری : ارتکاب جرم می تواند موجب طرح دو دعوی شود :

الف– دعوای عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی

ب–دعوای خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه دیده است مانند حد قذف و قصاص

در قسمت کلیات و عمومات حقوق جزا ضمن تشریح طبقه بندی مذکور، به آثار و ممیزات هر یک از آنها پرداخته می شود ، بدون آنکه به تعیین واکنش ویژه هر جرم و نیز طبقه خاص آن توجه گردد . در حالی که تعیین جایگاه هر جرم در هر یک از طبقات مذکور به وسیله حقوق جزای اختصاصی صورت می گیرد . بدیهی است موقعیت جرایم در هر یک از این گروهها دارای عوارض و آثار متعددی است که بر اهمیت تعیین و تشخیص آن می افزاید .

د – تشخیص صلاحیت محاکم

نکته دیگری که در بیان اهمیت و آثار مطالعه حقوق جزای اختصاص لازم به ذکر است ، نقش این رشته از حقوق جزا در تشخیص صلاحیت محاکم و اجرای مقررات آیین دادرسی کیفری است. ماده ۷ قانون تشکیل دادگاههای کیفری ۱ و ۲ مصوب تیر ماه ۱۳۶۸ مقرر می دارد ؛ دادگاههای کیفری با رعایت ماده یک این قانون به جرایم زیر رسیدگی می نمایند :

- جرمی که کیفر آن اعدام ، رجم ، صلب و نفی بلد به عنوان حد باشد
- جرمی که کیفر آن قطع یا نقص عضو باشد
- جرمی که کیفر آن بر حسب قانون ده سال زندان و بالاتر باشد
- جرمی که کیفر آن بر حسب قانون بیش از دویست هزار تومان جزای نقدی باشد
- جرمی که کیفر آن نصف دیه کامل هریک از موارد ششگانه و یا بالاتر باشد ، اعم از عمد یا شبه عمد و یا خطا محض »

و در ماده ۸ همین قانون رسیدگی به جرایمی را که مجازات آنها غیر از کیفرهای مذکور است ، در صلاحیت دادگاههای کیفری شماره دو قرار داده شده است .

اگر چه پس از تصویب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ ، نقش حقوق جزای اختصاصی در تشخیص صلاحیت محاکم کاهش یافت، اما با توجه به مواد ۲۹۷ ، ۳۰۲ و ۳۰۳ قانون جدید آیین دادرسی کیفری ، تمیز صلاحیت دادگاههای انقلاب از دادگاههای عمومی منوط به مطالعه حقوق جزای اختصاصی خواهد بود . علاوه بر این تمیز جرایم سیاسی و جرایم نظامی و عمومی از یکدیگر بر عهده قسمت اختصاصی حقوق جزا واگذار شده است .[۱]

***

گفتار سوم – منابع حقوق جزای اختصاصی

با توجه به اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها ، اولین و مهمترین منبع حقوق جزای اختصاصی قانون است . عرف و عادت ، رویه قضایی و دکترین نیز از منابع مهم این رشته حقوقی محسوب می شوند .

بند اول– قانون

اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها یکی از اصول اساسی حقوق جزاست . اصل سی و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این مورد مقرر می دارد :

« حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد . » همچنین طبق اصل یکصدو شصت و ششم قانون اساسی مزبور « احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است » بعلاوه برابر اصل یکصدوشصت و نهم همین قانون « هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود » .

ماده ۲ قانون جدید مجازات اسلامی نیز مقرر می دارد : « هررفتاری ، اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می شود » ضمانت اجرای اصول و ماده مزبور ماده ۵۳ قانون تعزیرات سابق و ماده ۵۷۵ قانون لاحق مزبور است که تعیین جرم و مجازات را درخارج از مواد قانونی مستوجب انفصال دائم از شغل و ۵ سال محرومیت از خدمات دولتی می داند .[۲]

---

[۱]. دکتر محمد هادی صادقی ، جرایم علیه اشخاص « صدمات جسمانی » نشر میزان .

[۲]. **ماده ۵۷۵ قانون تعزیرات :** هرگاه مقامات قضایی یا دیگر مامورین ذیصلاح ، بر خلاف قانون ، توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزائی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند به انفصال از سمت قضائی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

بدین ترتیب حقوق جزای اختصاصی ایران متکی بر حقوق مدون یعنی قانون می باشد و هیچ دادگاهی نمی‌تواند بدون نص صریح قانون جزایی ، شخصی را مثلاً به موجب « عرف و عادت » محکوم به مجازات نماید ، زیرا عرف و عادت نمی تواند موجد جرم و مجازات باشد .

منابع قانونی حقوق جزای اختصاصی عبارتند از :

الف – قانون اساسی

اصولی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از جمله اصول :

(۲۲- ۲۳- ۲۵-۳۲ - ۳۳- ۳۸ -۳۹ - ۴۶- ۴۷ - ۴۹ - ۱۶۸) از منابع حقوق جزای اختصاصی محسوب می‌گردد .

اصل بیست و دوم – حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

اصل بیست و سوم – تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

اصل بیست و پنجم – بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل سی و دوم – هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پروندهٔ مقدماتی به مراجع صالحهٔ قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

اصل سی و سوم – هیچ کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.

اصل سی و هشتم – هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

اصل سی و نهم – هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکام قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

اصل چهل و ششم – هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.

اصل چهل و هفتم – مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند.

اصل چهل و نهم – دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیلهٔ دولت اجرا شود.

اصل یکصد و شصت و هشتم – رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوهٔ انتخاب، شرایط، اختیارت هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند.

ب– قوانین عادی

مهمترین قوانین موضوعه که از منابع مستقیم حقوق جزای اختصاصی بشمار می روند شامل موارد زیر است :

۱. قانون جدید مجازات اسلامی ۱۳۹۲– شامل حدود ، قصاص و دیات ، مشمول مواد ۲۱۷ الی ۷۲۸ .

مواد ۱ الی ۲۱۶ مربوط به جزای عمومی می شود .

۲. قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵– شامل تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده ، مشمول مواد ۴۹۸ الی ۷۸۵ . مواد ۱ الی ۴۹۷ نیز با تصویب و لازم الاجرا شدن قانون جدید مجازات اسلامی نسخ شد .

۳. قانون تعزیرات حکومتی – مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام

۴. مجموعه قوانین و مقررات آیین دادرسی کیفری – از جمله قانون جدید آیین دادرسی کیفری ، مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴

۵. قوانین عادی متفرقه – تحولات اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی موجب تغییر و اصلاح بسیاری از مواد قوانین جزایی می‌گردد. تعداد این قوانین دائماً در حال افزایش است . قوانین مزبور که متضمن ضمانت اجرایی کیفری برای موارد تخلف و نقض است پس از انتشار در روزنامه رسمی در مجموعه سالیانه روزنامه رسمی نیز منتشر می‌گردد. از جمله قوانین عادی متفرقه می توان از، قانون

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

جرائم رایانه‌ای ، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری نام برد . همچنین **تصویب نامه ها و آئین‌نامه‌های جزائی ،** که این قبیل مقررات که در اجرای اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها و اصل تفکیک قوا باید مستند قانونی داشته باشند ، از منابع حقوق جزای اختصاصی محسوب می شوند ، مانند آیین نامه اجرایی قانون وصول مالیات از اتومبیلهای سواری برای بهبود امر عبور و مرور در تهران که بر اساس مقررات قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرائم مصوب سال ۱۳۵۰ می باشد.[۱]

ج– منابع شرعی

در امور کیفری ماده ۲۹ قانون تشکیل دادگاههای کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوانعالی کشور مصوب ۱۳۶۸ ، با الهام از اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می دارد : «احکام دادگاههای کیفری باید مستدل و موجه بوده و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است. دادگاهها مکلفند حکم هر قضیه را در قوانین مدونه بیابند و اگر قانونی نباشد با استناد به منابع فقهی معتبر یا فتاوی معتبر حکم قضیه راصادر نمایند و دادگاهها نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقض اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به شکایت و دعاوی و صدور حکم امتناع ورزند » به موجب تبصره ماده ۲۹ قانون مزبور نیز، در صورتی که قاضی مجتهد جامع الشرایط باشد و فتوای فقهی او مخالف قانون مدون باشد ، پرونده جهت رسیدگی به قاضی دیگر محول می شود .

در مورد منع قضات دادگستری از تعیین مجازات برای عملی که قانوناً مجازاتی برای آن مقرر نشده است ، نظریه مشورتی شماره ۶/۲۴۳ – ۱۳۶۹/۱/۱۸ اداره حقوقی دادگستری به شرح زیر اعلام شده است: « قضات دادگستری که به موجب ابلاغ شورایعالی قضات یا ریاست قوه قضائیه منصوب شده اند قاضی ماذون محسوب می شوند و حدود اذن آنان همان است که در ابلاغ آنها ذکر شده است و نمی توانند برای اعمالی که قانوناً کیفری از برای آنها مقرر نشده است تعیین مجازات نمایند[۲] ».

با توجه به اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها و ضمانت اجرای کیفری آن که در ماده ۵۳ قانون تعزیرات سابق و ماده ۵۷۵ قانون تعزیرات فعلی پیش بینی گردیده و صراحتاً مقرر می دارد که توقیف یا صدور دستور بازداشت یا تعقیب جزایی یا قرار مجرمیت ، بر خلاف قانون ممکن نیست و ضمانت اجرا دارد ، بنظر می رسد موارد زیرمی‌تواند از مصادیق اجرایی منابع شرع باشد :

۱. تکلیف دادگاه کیفری در رسیدگی به دعوای خصوصی فقدان قانون

ماده ۹ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ مقرر می داشت که : هرگاه دعوی جزائی در دادگاه به صدور حکم برائت قطعی و یا قرار موقوفی تعقیب قطعی منتهی شود دادگاه صادر کننده رای در صورت آماده بودن پرونده به دعوی خصوصی رسیدگی و رای دهد و الا رسیدگی به آن را به دادگاه صلاحیتدار محول می‌دارد و دادگاه اخیر به دادخواست مدعی خصوصی بدون پرداخت هزینه دادرسی مجدد رسیدگی نماید.

متعاقباً ، در این قبیل موارد، تبصره ماده ۱۶ قانون تشکیل دادگاههای کیفری ۱ و۲ و شعب دیوانعالی کشور (مصوب ۱۳۶۸) دادگاه جزائی را مکلف به رسیدگی به دعوی حقوقی نموده و مقرر می دارد « در صورتی که دعوی جزایی در دادگاه کیفری منتهی به صدور حکم برائت متهم یا قرار موقوفی تعقیب شود دادگاه مزبور مکلف است به دعوی حقوقی در صورتی که در دادگاه کیفری مطرح شده باشد. رسیدگی کرده و رای صادر نماید » . همچنین ماده ۲۰ قانون جدید آیین دادرسی کیفری نیز مقرر می دارد : سقوط دعوای عمومی موجب سقوط دعوای خصوصی نیست . هرگاه تعقیب امر کیفری به جهتی از جهات قانونی موقوف یا منتهی به صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت شود ، دادگاه کیفری مکلف است ، در صورتی که دعوای خصوصی در آن دادگاه مطرح شده باشد ، مبادرت به رسیدگی و صدور رأی نماید .

بنابراین دادگاه کیفری علی رغم صدور حکم برائت قطعی یا قرار موقوفی تعقیب مکلف به رسیدگی به دعوی حقوقی خصوصی) می باشد. در این رابطه در مواردی چون اختلاف در اصل نکاح و طلاق و شرعی یا غیر شرعی بودن رابطه زوجیت

---

[۱]. روزنامه رسمی شماره ۹۲۴۲–۱۳۵۵/۶/۱۸

[۲]. ضمیمه روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران – شماره مسلسل ۵۶۸– ص ۹۹۱

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که منابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

در موارد زنا و اعمال منافی عفت و امتناع از پرداخت نفقه یا تعیین مقدار دیه کافر ذمی در جرائم ناشی از تخلفات رانندگی، در صورت فقدان منابع قانونی دادگاه کیفری ناگزیر است با استناد به منابع فقهی معتبر یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید . بطور مثال پس از ثبوت جرم و احراز مسئولیت کیفری مرتکب مسلمان در مورد قتل غیر عمدی ناشی از تخلفات رانندگی بر طبق ضوابط قانونی، مقدار دیه غیر مسلمان مقتول با استناد به منابع فقهی معتبر یا فتاوی معتبر با توجه به ماهیت امر قابل تعیین است. [۱]

۲. صدور حکم بر مبنای تشخیص غیر شرعی بودن رفتار در موارد قانونی

طبق ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات ، هر کس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر ، تظاهر به عمل حرامی نماید ، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی باشد ولی عفت عمومی را جریحه دار نماید ، فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. برابر تبصره ماده قانون مزبور زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد . بدیهی است تشخیص امر تظاهر به عمل حرام موکول به استناد به منابع فقهی معتبر با عنایت به قرآن مجید و سنت است که امر تحلیل و تحریم اصولاً ناشی از آنهاست. مع هذا در صورتی که قاضی مجتهد جامع الشرایط باشد و فتوای فقهی او مخالف قانون مدون باشد ، پرونده جهت رسیدگی به قاضی دیگر محول می‌شود (تبصره ماده ۲۹ قانون تشکیل دادگاههای کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوانعالی کشور مصوب ۱۳۶۸).

بند دوم – عرف و عادت

گر چه حقوق جزائی و حقوق مدنی هر دو بر پایه حقوق مدون و قانون مدون استوار هستند، در عین حال عرف و عادت نیز در تکمیل و تدوین هر دو حقوق نقش بسزایی دارد.

عرف و عادت شامل مجموعه عادات و رسوم رایج بین مردم ، ممکن است در حقوق خصوصی برای تکمیل ورفع نقص قانون به عنوان یک قاعده حقوقی مورد استفاده قرار گیرد ، بطوریکه ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد : « دادگاههای دادگستری مکلفند به دعاوی موافق قوانین رسیدگی کرده ، حکم داده یا فصل نمایند و در صورتیکه قوانین موضوعه کشوری کامل یا صریح نبوده و یا متناقض باشد یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد ، دادگاههای دادگستری باید موافق روح و مفاد قوانین موضوعه و عرف و عادت مسلم، قضیه راقطع و فصل نمایند » .

ولی درحقوق جزا ، اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها و بطور کلی اصول ۳۶، ۱۶۶،۳۷، ۱۶۹،۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مواد ۲و ۱۰ قانون جدید مجازات اسلامی ، دادگاهها را مکلف می نماید که قانون را اساس رسیدگی و صدور حکم قرار دهند . بنابراین مراجع انتظامی و قضائی نمی توانند به استناد عرف ، فعل یا ترک فعلی را جرم دانسته و یا کیفری را بر طبق عرف مورد حکم قرار دهند .

به هر حال گر چه در امور جزائی با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات ، عرف و عادت نمی توانند موجد جرم و مجازات باشد و هیچ دادگاهی نمی تواند بدون نص صریح قانون شخصی را تنها به موجب عرف و عادت مسلم محکوم به مجازات نماید، با وجود این در مقام تطبیق قانون موجود با موارد خاصه ، از عرف و عادت الهام گرفته می‌شود .

طبق ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات « هر گاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نباشد ، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند به شلاق تا ۹۹ ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عنف و اکراه باشد فقط

---

[۱]. دکترایرج گلدوزیان ، حقوق جزای عمومی ، انتشارات دانشگاه تهران ، شماره ۲۰۲۵

در مورد تساوی دیه مسلمان و اقلیت‌های دینی ، شعبه ده دادگاه تجدید نظر استان ، مبادرت به صدور دادنامه شماره ۷۶۷ مورخ ۳۰ دی ۱۳۸۰ (کلاسه پرونده ۴۴۲/۱۰/۷۹) نموده و چنین استدلال می نماید: «. . . مواد ۲۷۹،۳۰۰،۳۶۸ تا ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ که متضمن بیان احکام و مقررات مربوط به دیات است، ناظر به قتل و صدمات وارده بر تمامیت جسمانی زن و مرد مسلمان است و در قوانین موضوعه هیچ دلالتی بر شمول مقررات مزبور نسبت به صدمات بدنی وارده به غیر مسلمان و اقلیت مذهبی وجود ندارد . بنابراین ، موضوع دیه و جبران قتل و صدمات بدنی غیر عمدی وارده به اهل کتاب و اقلیت های مذهبی رسمی پذیرفته شده در قانون اساسی جمهوری ایران مشمول اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۲۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب ، مصوب ۱۳۷۸ در الزام قاضی به مراجعه به منابع معتبر فقهی و یا فتاوی معتبر فقهاست. در اجرای این الزام قانونگذار ، این دادگاه حکم قضیه رادر فتاوی و نظرات فقهای معظم معاصر جست و جو و احراز گردیده . . . مطابق فتوای حداقل سه نفر از مراجع تقلید و فقهای زنده زمان حاضر. . . دیه ذمی بادیه مسلم یکسان اعلام شده است .

www.departeman.com تمام جزوات دیارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

اکراه کننده تعزیر می شود » در اینجا تشخیص « عمل منافی عفت غیر از زنا» با توجه به مثالهای قانونی مذکور در ماده مورد بحث و خارج از موارد شرعی با عرف و عادت مردم محل است .

بعلاوه طبق قسمتی از ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات هر کس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید ، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می گردد و در صورتیکه مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی باشد ولی عفت عمومی را جریحه درا نماید فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد» همچنین قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباسهایی که استفاده از آنها در ملاء عام بر خلاف شرع است و یا عفت عمومی را جریحه دار می‌کند (مصوب ۱۳۶۷) مصادیقی از جریحه دار شدن عفت عمومی را معین نموده است . بدین ترتیب برای تشخیص رفتاری که عفت عمومی را جریحه دار می سازد ناگزیر باید به عرف و عادت مراجعه نمود.

بند سوم – رویه قضائی

در **معنی عام** مقصود از رویه قضایی کلیه آرائی است که در خصوص مسائل معین و مشابه از طرف دادگاهها صادر می شود. رعایت این آراء برای محاکم و مراجع دیگر الزامی نیست.

در **معنی خاص** ، رویه قضائی عبارت از آرائی است که هیئت عمومی دیوان عالی کشور در موارد زیر صادر می نماید و برای کلیه محاکم به عنوان آراء وحدت رویه لازم الاتباع است.

الف– آراء وحدت رویه در موارد اتخاذ رویه های مختلف در شعب دیوان عالی کشور

در سال ۱۳۲۸ برای جلوگیری از آراء متشتت و رویه های قضائی متفاوت قانونی تحت عنوان « ماده واحده مربوط به وحدت رویه قضایی » به تصویب رسید. طبق قانون مزبور ، هرگاه در شعب دیوانعالی کشور نسبت به موارد مشابه رویه های مختلف اتخاذ شده باشد به تقاضای رئیس دادگستری یا رئیس دیوانعالی کشور یا دادستان کل هیئت عمومی دیوانعالی کشور که در این مورد لااقل با حضور سه چهارم از رؤسا و مستشاران دیوان مزبور تشکیل می یابد موضوع مختلف فیه را بررسی کرده نسبت به آن اتخاذ تصمیم می نمایند. در این صورت نظر اکثریت آراء مزبور برای شعب دیوان عالی کشور و برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع بوده و جز به موجب نظر هئیت عمومی یا قانون قابل تغییر نیست.

مطابق ماده ۴۷۳ قانون جدید آیین دادرسی کیفری : آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور ، فقط به موجب قانون یا رأی وحدت رویه مؤخری که مطابق ماده ۴۷۱ این قانون صادر می شود ، قابل تغییر است .

ب– آراء هئیت عمومی در مورد اتخاذ رویه های مختلف به وسیله دادگاهها در استنباط از قوانین

در **سابق** ، به موجب ماده ۳ از مواد الحاقی به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ « هر گاه طرف دادگاهها اعم از جزائی یا حقوقی، راجع به استنباط از قوانین رویه های مختلفی اتخاذشده باشد ، دادستان کل پس از اطلاع مکلف است موضوع را در هیئت عمومی دیوان کشور مطرح نموده و رای هیئت عمومی را درآن باب بخواهد . رای هیئت عمومی در موضوعاتی که قطعی شده بی اثر است ولی از طرف دادگاهها باید در موارد مشابه پیروی شود » در این قبیل موارد نیز دادگاهها مکلف به تبعیت از آراء هیئت عمومی دیوانعالی کشور می باشند .

و **اکنون** به موجب ماده ۴۷۱ قانون جدید آیین دادرسی کیفری : هرگاه از شعب مختلف دیوان عالی کشور یا دادگاهها نسبت به موارد مشابه ، اعم از حقوقی ، کیفری و امور حسبی ، با استنباط متفاوت از قوانین ، آراء مختلفی صادر شود ، رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور ، به هر طریق که آگاه شوند ، مکلفند نظر هیأت عمومی دیوان عالی کشور را به منظور ایجاد وحدت رویه درخواست کنند . هر یک از قضات شعب دیوان عالی کشور یا دادگاهها یا دادستانها یا وکلای دادگستری نیز می‌توانند با ذکر دلیل از طریق رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور ، نظر هیأت عمومی را درباره موضوع درخواست کند . هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رئیس دیوان عالی یا معاون وی و با حضور دادستان کل کشور یا نماینده او و حداقل سه چهارم رؤسا و مستشاران و اعضای معاون تمام شعب تشکیل می شود تا موضوع مورد اختلاف را بررسی و نسبت به آن اتخاذ تصمیم کنند . رأی

اکثریت در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها و سایر مراجع ، اعـم از قـضائی و غیـر آن لازم الاتبـاع اسـت ؛ امـا نسبت به رأی قطعی شده بی اثر است . در صورتی که رأی ، اجراء نشده یا در حال اجـراء باشـد و مطـابق رأی وحـدت رویـه هیـأت عمومی دیوان عالی کشور ، عمل انتسابی جرم شناخته نشود یا رأی به جهاتی مساعد به حال محکوم علیه باشد ، رأی هیـأت عمـومی نسبت به آراء مذکور قابل تسری است و مطابق مقررات قانون مجازات اسلامی عمل می شود .

از مهمترین آراء وحدت رویه قضائی به دو مثال زیر در ارتباط با موضوع می توان اشاره نمود :

مثال اول – در مورد مجازات قصاص و خروج از قوانین و احکام الهی از قلمرو ماده ۶ قانون راجع به مجازات اسلامی [مـاده ۱۰ قـانون جدیـد]، رای وحـدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور (شماره ۴۵- ۱۳۶۵/۱۰/۲۵) مقرر می دارد :

« ماده ۶ قانون راجع به مجازات اسلامی ، مصوب مهر ماه ۱۳۶۱ [ماده ۱۰ قانون جدید] که مجازات و اقدامات تامینی و تربیتی را بر طبق قانونی قرار داده کـه قبل از وقوع جرم وضع شده باشد منصرف از قوانین و احکام الهی از جمله راجع به قصاص می باشد که از صدر اسلام تشریع شده اند. بنابراین رای شعبه چهاردهم دیوانعالی کشور که حسب درخواست اولیاء دم و به حکم آیه شریفه « ولکم فی القصاص حیوه یا اولی الالباب » بر این مبناء به قـصاص صـادر گردیده صحیح تشخیص می شود... »

مثال دوم – در مورد قتل ناشی از تخلفات رانندگی ، رای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور (ردیف ۱۵/۶۲ - رای شماره ۱۳) به شـرح زیـر صـادر شده است که به علت اهمیت موضوع در اینجا یاد آوری می شود :

« چنانچه قتل خطئی باشد و کسی که ارتکاب آن به او نسبت داده شده هیچگونه خلافی مرتکب نشده باشد و وقوع قتل هم صرفاً به لحاظ تخلف مقتول باشد ، راننده مسئول نبوده و بالنتیجه رای شعبه ۲۱ دادگاه کیفری ۲ مشهد به اتفاق آراء تایید می‌شود . . . »

بطور کلی در حقوق جزای اختصاصی با وجود اصل قانونی بودن جرم و مجازات ، رویه قضائی فاقـد نقـش آفرینـنده‌ای اسـت کـه در سـایر رشـته هـای حقوقی دارد. در امور جزایی فقط نص صریح قانون که قبل از ارتکاب عمل وجود داشته است می تواند مبنای عمل قضایی قرار گیرد و نه رویه قضائی.

مع هذا ، وقایع و مصادیق حقوق جزای اختصاصی از تنوع و تفاوت زیادی برخوردارنـد و بـه همـین جهـت در مجموعـه‌هـای حقـوق جـزای بـسیاری از کشورها در ذیل هر قانونی ، رویه قضائی مربوطه به تفصیل ذکر می شود تا راهنمایی برای شناختن مصادیق مربوط به هر مـاده باشـد . در کـشور مـا آراء هیئت عمومی دیوان عالی کشور (وحدت رویه) از منابع قانونی و رسمی و الزام آور حقوق است. لذا آراء مزبور برای اطلاع عامـه و مراجـع قـضائی در روزنامه رسمی کشور جمهوری اسلامی ایران چاپ و منتشر می گردند . بعلاوه مجموعه آراء وحدت رویه قضائی هر چند سال یکبـار توسـط اداره کـل آموزش دادگستری جمهوری اسلامی ایران منتشر و در دسترس عموم قرار می گیرد .

بند چهارم – دکترین [عقاید علمای حقوق]

مقصود از دکترین ، تفسیر مواد قانونی و تجزیه وتحلیل آراء محاکم و رویه های قضائی و ارائه طریق برای آینده می‌باشد . مفسرین حقوقی اعم از قضات، استادان و علمای حقوق از میان آراء حقوقی، اصولی را که حاکم بر تصمیمات حقوقی است مورد انتقاد علمی قرار داده و با تشریح و تفسیر آنها راههای کوتاهتر و بهتری را برای ایجاد یـک رویـه قـضائی ثابـت کـه متکـی بـر اصـول منطقـی و مـسلم باشـد عرضـه می‌نمایند. بدین ترتیب مفسرین حقوقی با تفسیر هدف واقعی مقنن و آراء صادر شده در طرز فکر و نحوه استنباط قـضات و مجریـان قـانون نقش موثری دارند . بعلاوه دکترین یا عقاید علمای حقوق هم در تنظیم مقررات و قوانین جدید و هم در تحول رویه قـضایی مـوثر اسـت و لذا می‌توان آن را یکی از منابع ارشادی مهم حقوق جزا دانست . [1]

***

گفتار چهارم – مجازات ها در حقوق جزای اختصاصی

بند اول – اصول حاکم بر مجازاتها

الف – اصل قانونی بودن مجازاتها و استثنائات از اصل

تضمین آزدیهای فردی و اجتماعی، جلوگیری از استبداد و احترام بـه شخـصیت انـسانی، مـستلزم رعایـت اصـل قـانونی بـودن «جـرائم » و مجازاتهاست . با رعایت این اصل هیچ دادگاهی نمی تواند رفتاری را جرم بشناسد مگر آنکه قانون آن رفتار را جرم بدانـد و هـیچ مجـازاتی را نمی‌توان به مورد اجزا گذارد مگر آنکه قانون آن را صریحاً تعیین کرده باشد . اصل ۳۶ قانون اساسـی جمهـوری اسـلامی ایـران صـراحتاً مقرر می دارد : « حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد . »

[1] . دکتر ایرج گلدوزیان ، حقوق جزای عمومی ، انتشارات دانشگاه تهران ، شماره ۲۰۲۵ ، با اندکی تلخیص و تصرف

اصل اسلامی « **منع یا قبح عقاب بلابیان** » مؤید این نظریه است. به موجب اصل اسلامی مزبور ، تا زمانی که رفتاری از طرف شارع ، جرم یا گناه مستوجب عقوبت شناخته نشده و کیفر شرعی هم برای آن تعیین نشده باشد نمی توان آن رفتار را گناه یا جرم مستوجب کیفر دانست و برای آن مجازات تعیین نمود .

اصل قانونی بودن « جرائم و مجازاتها » در حقوق کیفری اسلامی با آیهٔ مبارکه « و ما کنا معذبین حتی نبعث رسولاً » « سوره اسراء ، آیهٔ ۱۵ » (یعنی ما هیچ کس را کیفر نمی کنیم تا اینکه پیامبری بفرستیم) مورد تأئید قرار گرفته و مقام و ارزش خود را در طول تاریخ زندگی بشر یافت. بطوریکه رفتار مجرمانه و مجازات تحت نظم و ضوابطی مشخص بیان گردید.

در ارتباط با اصل « قانونی بودن جرائم و مجازاتها » می توان نتیجه گرفت که ، گرچه از نظر احترام به اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری، عقاب بلابیان در حقوق جزای اسلامی وضع شده ، در عین حال در مورد اصل «قانونی بودن جرائم و مجازاتها » بر خلاف حقوق موضوعه در جوامعی که پیش بینی و تعیین جرائم و مجازتها را مستلزم وجود قبلی نصّ صریح قانون در هر مورد می‌داند، وجود نصّ صریح متکی به منابع اولیه «قرآن وسنت» در حقوق جزای اسلامی برای تعیین بزه کیفر، شرط لازم محسوب نمی‌گردد ، زیرا فلسفه و حکمت شریعتی که می‌خواهد جهانی، همگانی و همیشگی باشد اقتضای آن را دارد که تعدادی از جرائم و کیفر آنها را « حدود » تعیین نماید و مواردی که با گذشت زمان و تحولات انکار ناپذیر سیاسی، اقتصادی ، اجتماعی ، علمی و اخلاقی جوامع ، مصلحت ایجاب نماید ، اعمال و رفتاری جرم «تعزیری » تلقی و کیفر آن تعیین گردد و یا کیفر «تعزیری» در جهت انطباق با شخصیت بزهکار و رسیدن به هدفهای گوناگون مجازاتها ، در شرایط زمانی و مکانی مختلف متغّیر و در حال نوسان باشد، این امر در فقه جزائی با توسل به سایر منابع حقوق اسلامی « عقل و قیاس و اجماع » و یا استحسان و مصلحت مرسله و در نظام حکومت اسلامی و خصوصاً در نظام جمهوری اسلامی ایران توسط قوهٔ مقننه میسر شود.

به همین لحاظ اصل ۳۶ قانون اساسی ، حکم به مجازات و اجرای آن را تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون دانسته است . همچنین ماده ۲ قانون جدید مجازات اسلامی ، صراحتاً ، اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها را مورد تأکید قرار داده و می‌گوید : «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می شود » ضمانت اجرای قوانین مزبور ماده ۵۷۵ قانون تعزیرات مصوّب ۱۳۷۵ می باشد که مقرر می دارد : « هرگاه مقامات قضائی با دیگر مأمورین ذیصلاح بر خلاف قانون توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزائی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند به انفصال دائم از سمت قضائی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد » دو قاعدهٔ مهم عطف به ماسبق نشدن قوانین جزائی «موضوع اصل ۱۶۹ قانون اساسی » و « ماده ۱۰ قانون جدید مجازات اسلامی » وهمچنین تفسیر مضیق یا محدود قوانین کیفری از نتایج اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها می‌باشند[1].

ب – اصل تساوی مجازاتها

در حقوق موضوعه ، کیفر در مقابل جرم است. تمام کسانی که مرتکب جرم مستلزم کیفر می‌شوند در مقابل قانون مساوی هستند . درشریعت جزائی اسلام نیز عقوبت دنیوی و اخروی در مقابل جرم و گناه مطرح است. رعایت اصل تساوی مجازاتها در شریعت اسلام مستلزم این است که هیچ فرد خاص و یا طبقه ای خاص نتواند در صورت ارتکاب جرم و گناه از کیفر بگریزد .

---

[1] . دکتر ایرج گلدوزیان ، حقوق جزای عمومی ، انتشارات دانشگاه تهران ، شماره ۲۰۲۵

اصل ۱۶۹ قانون قانون اساسی : هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود.

ماده ۱۰ قانون جدید مجازات اسلامی : در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدام تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است و مرتکب هیچ رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل را نمی توان به موجب قانون مؤخر به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم کرد . لکن چنانچه پس از وقوع جرم، قانونی مبنی بر تخفیف یا عدم اجرای مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی یا از جهاتی مساعدتر به حال مرتکب وضع شود ، نسبت به جرائم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعی ، مؤثر است . هرگاه به موجب قانون سابق ، حکم قطعی لازم الاجراء صادر شده باشد به ترتیب زیر عمل می شود :

۱. اگر رفتاری که در گذشته جرم بوده است به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود ، حکم قطعی لازم الاجراء نمی شود و اگر در جریان اجراء باشد اجرای آن موقوف می شود . در این موارد و همچنین در موردی که حکم قبلاً اجراء شده است هیچ گونه اثر کیفری بر آن مترتب نیست .

۲. اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق ، تخفیف یابد قاضی اجرای احکام موظف است قبل از شروع به اجراء یا در حین اجراء از دادگاه صادرکنندهٔ حکم قطعی ، اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا کند . محکوم نیز می تواند از دادگاه صادرکنندهٔ حکم ، تخفیف مجازات را تقاضا نماید. دادگاه صادرکنندهٔ حکم با لحاظ قانون لاحق ، مجازات قبلی را تخفیف می دهد . مقررات این بند در مورد اقدام تأمینی و تربیتی که در مورد اطفال بزهکار اجراء می شود نیز جاری است . در این صورت ولی یا سرپرست وی نیز می تواند تخفیف اقدام تأمینی و تربیتی را تقاضا نماید .

تبصره– مقررات فوق در مورد قوانینی که برای مدت معین و یا موارد خاص وضع شده است مگر به تصریح قانون لاحق اعمال نمی شود .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که منابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

نژاد ، جنس ، موقعیت اجتماعی ، مقام علمی ، شغل و ثروت وسیله‌ای برای استفاده از مصونیت ، معافیت و یا تخفیف در میزان کیفر نیست . بنابراین کیفرهر تبهکاری اعم از زن یا مرد صرف نظر از هر نوع امتیازی دنیوی و مادّی بنابر « عدم رجهان » مطابق با استحقاق او تعیین می گردد.

۱. تساوی افراد در قبال حدود در حقوق جزای اسلامی

آن قسمت از جزائیات که مستند به آیات قرآن مجید است « و در واقع متمایز از کیفرهای تعزیری می باشد» اصولاً از نظر ابعاد جغرافیایی، جهانی بوده و در تمام جوامع از اصل تساوی برخوردار است.

بدین ترتیب، در حالی که قبل از اسلام، در بسیاری از جوامع، هر گاه فرد ضعیف و بی پناهی مرتکب جرم یا گناهی می شد او را کیفر می دادند و چنانچه شخصی از طبقه اقویا، مرتکب همان جرم یا گناه می شد، از کیفر دادن خودداری می کردند ، در شریعت اسلام، تمام مردم دارای حقوق و تکالیف یکسان بوده و ضمانت اجرای تعدّی و تجاوز از حقوق و عدم انجام تکالیف به طور کلّی برای همه مردم یکنواخت بوده است. اصولاً مقررات جزائی ، عمومی و کلّی است وناظر و حاکم بر شخص و فرد معینی نبوده و از انسانی نسبت به انسانی دیگر متغیر نیست.

۲. کیفرهای تعزیری بر اساس استحقاق و ضرورت

در عین حال رعایت اصل تساوی قانونی در کیفر ، مانع انطباق دادن کیفر باشخصیت بزهکار در جهت تهذیب اخلاق و اصلاح، ارعاب و یا مصون ماندن وی به خود داری از ارتکاب جرم مجدد نیست . زیرا در کیفر جرایم تعزیری که بیشترین جرائم ارتکابی را شامل می شود ، مقتضیّات مصالح اجتماعی از لحاظ زمان و مکان و شخصیت محکوم علیه در نظر گرفته می شود. دادگاه می تواند در میزان کیفر قانونی تعدیل به عمل آورده و یا حتی در مواردی بزهکار را به کلی از کیفر معاف دارد .

بدین جهت ، کیفر صاحبان حیثیت و وقار که برای اولین بار مرتکب جرم شوند ، درصورت اقتضای سیاست کیفری مناسب می تواند ازکیفر مفسدین و بزهکاران حرفه‌ای سبک‌تر باشد .

علی هذا ، به رغم اصل برابری مجازاتها در قانون، تأثیر مجازات و رنج و مشقت ناشی از آن نسبت به افراد مختلف متفاوت و بستگی به شخصیت ، مقام و موقعیت اجتماعی ، امکانات مالی و تاب و تحمل بزهکار دارد . محکومیت به جزای نقدی برای فردی که توانایی پرداخت آن را ندارد مجازات سنگین و شدیدی است در حالیکه همین کیفر برای بزهکاری ثروتمند مجازاتی ضعیف و گاهی بی تأثیر است. بدین ترتیب اختیارات دادگاه در جرائم تعزیری، تأدیب و عقوبت مؤثر، مستلزم این است که در جرائم مشابه و از یک نوع که اشخاص مختلف مرتکب شده‌اند ، با توجه به عوامل ارتکاب جرم و شخصیت بزهکار و اصلاح وی و اصل فردی کردن مجازات، کیفرهای متناسب و متفاوت تعیین گردد[۱].

ج – اصل شخصی بودن مجازاتها

یعنی مجازات تنها نسبت به شخص مرتکب جرم اعمال می‌شود و نه کسان وی . مع ذلک در مواردی استثنایی ، مجازات نسبت به عامل جرم اعمال نمی شود . مانند مسئولیت عاقله در مورد جنایت عمدی و شبه عمدی نابالغ و دیوانه یا مسئولیت ناشی از جرائم اشخاص حقوقی که به رغم ارتکاب آن از ناحیهٔ کارمند، مدیر یا مسئول دستور دهنده به مجازات می رسد. [۲]

بند دوم – خصوصیات و اهداف مجازاتها

الف – ویژگیهای بنیادی مجازاتها

ویژگیهای بنیادی مجازات ها از همان هدفهای قضاوتی که در اجرای مجازات تعقیب می شود مایه میگیرد . هدفهای مجازات پیچیده است وهر یک باید در مجازاتهای گوناگونی که به اجرا در می‌آید تحقق یابد . بر حسب آنکه کدام یک از هدفهای مذکور در ذهن قانونگذار و یا دادرسی غلبه دارد، این صفات ضعف و قوتهای گوناگون به خود می‌گیرد ولی، اصولاً هر کیفری ماهیتاً جامع صفاتی است که در ذیل اشاره می‌شود :

---

[۱]. دکتر ایرج گلدوزیان ، منبع پیشین

[۲]. **مطابق مادهٔ ۵۶۸ قانون مجازات اسلامی** تعزیرات در مورد تخریب اموال تاریخی، فرهنگی « در مورد جرائم مذکور در این فصل که به وسیله اشخاص حقوقی انجام شود هریک از مدیران و مسئولان که دستور دهنده باشند بر حسب مورد به مجازاتهای مقرر محکوم می شوند. »

۱. آزاردهی و آسیب رسانی

خصوصیت آزار دهندهٔ مجازات ، از همان هدف مکافات دهی آن سرچشمه می گیرد . مجازات ، عذاب و دردی است که بزهکار باید با تمام وجود آنرا تحمّل کند . عموماً هدف ارعابی مجازاتها جز با تقویت خصیصه رنج‌آوری آن ممکن نیست . قانونگذاران امیدوارند که با وضع مجازاتهای شاق ، رعب و وحشت در دل مردم پدید آورند تا شاید بیم و هراس ، آنان را از ارتکاب جرم باز دارد. به عکس ، برای تأمین هدف اصلی مجازاتها ناگزیرند بیش از پیش از خشونت آنها بکاهند[۱] .

۲. تحقیر آمیز بودن

اجرای مجازات، محکوم علیه را در میان مردم انگشت نما می سازد. داغ محکومیّت اعتبار و حیثیت اجتماعی او را می زداید . در گذشته فلسفه ترذیلی[۲] یا خوار و خفیف کننده این بود که مردم از بیم از دست دادن آبرو و مقام اجتماعی خود گرد بزهکاری نگردند . البته سرافکندگی محکوم علیه از اجرای مجازات بستگی تام به قضاوت مردم دربارهٔ اعمال او دارد.

اجرای مجازات که نشانهٔ سرزنش عمومی است ، عموماً پیوندهای اجتماعی محکوم علیه را با اجتماع سست می گرداند . گفته می شود بزهکار به جامعه خود مدیون است و باید دین خود را به آن ادا کند . در این حال ، با اجرای مجازات به نظر می رسد که بزهکار باید حساب خود را با جامعه تسویه کرده باشد.

لیکن دشواریهایی که بزهکار عموماً با آن روبرو است دقیقاً پس از اجرای مجازات ظاهر می شود. زیرا، داغ ننگ که بر پیشانی او نقش بسته است بازگشت او را به جامعه به خطر می اندازد . از این رو گفته می شود خصیصه رسواکنندگی مجازات نباید آنچنان قوی باشد که باز سازگاری اجتماعی بزهکار را تهدید کند. مقررات ناظر بر اعاده حیثیت بزهکاران به این دلیل در قوانین کیفری وضع شده اند که از شدت آثار محکومیتها و تبعات آن بکاهند تا بزهکاران بار دیگر بتوانند مناسبات اجتماعی خودرا با جامعه استحکام بخشند.

۳. معین بودن مجازاتها

هدفهای مجازات به ویژه ارعاب و مکافات بدکاران هنگامی تحقق خواهد یافت که مجازات ثابت و مشخص باشد. فرض آن است که قاضی می تواند میزان آشفتگی اجتماعی ناشی از جرم و تقصیر بزهکار را در هر مورد بسنجد و اورا به مجازات معینی محکوم کند . باصدور حکم محکومیت به مجازات هم محکوم علیه و هم افکار عمومی در خواهند یافت که عدالت کیفری به اجرا در آمده و حقوق جامعه استیفاء شده است.

اعلام حکم مجازات این حسن را دارد که بزهکاران بالقوه به عواقب رفتار سوء خود خواهند اندیشید. همچنین ، محکوم علیه واقف خواهد شد که چه تکالیفی بر عهده اوست و چگونه و چه زمان مجازات او به پایان خواهد رسید. تعیین نوع و میزان مجازات ، محکوم علیه را از هر گونه خودسری و میل و نظر مجریان احکام کیفری مصون خواهد داشت . و اگر هدف از مجازات، بازسازگار کردن محکوم علیه باشد ، مجریان را بر آن می دارد تا در حدود مدت مقرر در حکم به برنامه ریزی مناسب بپردازند.[۳]

۴. قطعی بودن مجازاتها

خصیصه قطعیت حکم با ویژگی معین بودن مجازات مرتبط است. مقصود از قطعی بودن مجازات این است که پس از رسیدگی به دعوی کیفری و پیمودن مراحل تجدیدنظر و یا گذشتن مهلتهای قانونی ، هیچ گونه رسیدگی مجدد قانوناً ممکن نیست . به عبارت دیگر حکم محکومیت اعتبار امرمختومه پیدا می کند و جز در موارد اعاده دادرسی یعنی رفع اشتباه های موضوعی قابل ابطال نیست. به این ترتیب مجازاتی که به حکم دادگاه صادر گردیده لازم‌الاجرا است و در سجل قضایی محکوم علیه ثبت می‌شود.

---

[۱]. دکتر محمد علی اردبیلی ، حقوق جزای عمومی ، جلد ۲ ، نشر میزان

[۲]. ماده ۱۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری ، مصوب ۹ رمضان ، ۱۳۳۰ قمری مطابق با ۱۱ شهریور ماه ۱۲۹۰شمسی

[۳]. دکتر محمدعلی اردبیلی ، منبع پیشین

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ب – اهداف مجازاتها

هدف اصلی از تاسیس کیفرها، مبارزه علیه بزهکاری و حفظ نظم و امنیت در جامعه است. میل به حق و عدالت‌خواهی و نفرت از ظلم در فطرت آدمی است و تدریجاً که مجازات شکل قانونی و مشخصی به خود گرفت به عنوان ضمانت اجرای جزائی گاهی نسبت به شخص مجرم (مثل مجازات اعدام) و گاهی نسبت به اموال وی (چون توقیف و مصادره اموال) اعمال گردید و گاهی هم آبرو و حیثیت افراد را (مانند محرومیتهای اجتماعی) در معرض تهدید قراد داد . در واقع ، هدف اصلی کیفر مبارزه علیه بزهکاری و ایجاد نظم و امنیت در جامعه است.

۱. هدف عینی مجازاتها (اصلاح و تربیت)

پیشینیان هیچ گاه در اجرای مجازات از اصلاح و تربیت بزهکاران غافل نبودند. منتهای مراتب در اجرای مجازات امیدوار بودند رنج و مشقتی که بزهکار تحمل می کند در رفتار او تغییر پدید آورد و او را متنبه کند . ولی امروزه دانش ما از رفتار و خلق و خوی انسانها فزونی یافته است. تغییر رفتار و یا به عبارت دیگر عادات زشت و ناپسند انسان موضوع پژوهشهای روان شناسی است. بر این اساس، رفتار مجرمانه نوعی ناسازگاری اجتماعی است و بزهکار کسی است که بنا به دلایلی قادر نیست خود را با خواسته های جامعه تطبیق دهد.

امروزه دیگر از اعجاز زندانها سخنی نیست ، بلکه سعی بر این است که با تعلیق اجرای مجازات و یا آزادی مشروط و یا راه کارهای دیگر حتی المقدر از آثار زیانبار تا حدودی کاسته شود . مجازاتهای مالی به ویژه جریمه نقدی ، عیوب مجازاتهای دیگر را کمتر دارد . شاید به همین دلیل اثر بازدارندگی آن در پیشگیری از جرائم خاص نسبتاً قوی است ، ولی به طور کلی مجازاتها به صفاتی متّصف اند که گاه مانع وصول هدفی که قانونگذار از اجرای مجازات قصد کرده است می‌شوند[۱].

۲. پیگیری و بازدارندگی (ارعاب)

ویژگی ایجاد رعب و هراس ، راهنمای قانونگذار در تشدید مجازات اعمالی است که بیشترین اختلال را در نظام اجتماعی پدید می آورد و مایه تشویش اذهان عمومی است. بازدارندگی مجازات ممکن است عمومی و یا اختصاصی باشد.

پیشگیری عمومی زمانی با ارعاب دیگران حاصل می شود که اوضاع اجتماعی و فرهنگی تحقق آن را ممکن سازد . به عبارت دیگر این اعتقاد که مجازات درباره عموم مردم یکسان به اجرا در می آید و جامعه از خطای هیچکس بی‌دلیل چشم پوشی نخواهد کرد، باید در اذهان مردم رسوخ کند ، وگرنه ترس از مجازات نه تنها تاثیری بر اندیشه‌های سوء مردم نخواهد داشت، بلکه تبعیض اجتماعی ، آنان را به درستی اعمال مجرمانه خود قانع خواهد کرد . با پیشگیری اختصاصی انتظار این است که بزهکار با تحمل سختی و رنج مجازات از کرده خود پشیمان شود و از اعمال گذشته خود دست بشوید، ولی این انتظار همیشه با واقع منطبق نیست . زیرا ، تاثیر بازدارنده مجازاتها بر حسب وضع روانی و اجتماعی محکوم علیه شدت و ضعف دارد . به همین دلیل ، علمای حقوق برای اخذ بهترین نتیجه از اجرای مجازات ، سیاست فردی کردن آن را پیشنهاد می کنند.

۳. هدف ذهنی مجازات (اجرای عدالت)

در اذهان عموم مردم مفهوم عدالت وقتی معنی و تحقق می یابد که بزهکار به سزای همان میزان گناهی که مرتکب شده است رسیده باشد. مجازات وظیفه دارد که این تعادل را برقرار کند. در روزگار ما وقتی بزهکار به کیفر می رسد ، همگان او را مستحق (سزاوار) چنین مشقتی می دانند و این احساس در مردم پدید می آید که عدالت تحقق یافته است . زیرا عقیده عموم بر این است که اجرای مجازات آثار جرم را می‌زداید و جراحات و لطمات را ترمیم می کند، از این رو گفته می شود که مجازات همواره به گذشته توجه دارد.

بند سوم – طبقه بندی قانونی مجازات ها

مجازات را به کیفرومشقت و رنجی ارعاب آور ، رسواکننده وهشدار دهنده تعبیر می نمایند که مجرم در نتیجه ارتکاب جرم متحمل می شود . مجازاتها طبق سلایق قانونگذاری کیفری وحقوقدانان جزایی از ابعاد گوناگونی طبقه بندی می شوند. طبقه بندی معروف مجازاتها در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ ، طبقه بندی جرایم از حیث درجهٔ ورتبهٔ آنها ونوع جرایم بود که عبارت بودند از جنایات ،جنحه ها وجرایم خلافی.

---

[۱]. دکتر محمد علی اردبیلی ، منبع پیشین

طبق قانون جدید مجازات اسلامی ، انواع مجازاتها عبارتند از :

- مجازات های اصلی
  - مجازات های اشخاص حقیقی : حدود ، قصاص ، دیه ، تعزیر
  - مجازات های اشخاص حقوقی
- مجازات های تکمیلی و تبعی

اول – مجازات های اصلی

الف– مجازات های اشخاص حقیقی

طبق ماده ۱۴ قانون جدید مجازات اسلامی ، مجازات های مقرر در این قانون چهار قسم است :

- حد
- قصاص
- دیه
- تعزیر

۱. حدود

حدود ، مجازاتهایی هستند که نوع ، میزان و کیفیت اجراء آنها در شرع مشخص شده است (ماده ۱۵ قانون جدید مجازات اسلامی) این تعریف با توجه به اینکه دیات وقصاص هم مجازاتهایی با نوع ومیزان وکیفیت مشخص در شرع می باشند، مانع نمی باشد. از طرفی برخی از انواع تعزیرات هم در شرع میزان ومقدار معین شده دارند مانند مجازات ممسک وناظر، که در مورد آنها مجازات معین ومشخصی در شرع ومتون شرعی دیده می شود. پس از این لحاظ هم تعریف حد در مادهٔ ۱۵ مانع نمی باشد .

حد مندرج درقانون مجازات شامل طیف مختلفی از مجازاتها مانند قتل (به روش های رجم ، مصلوب کردن ، قتل با شمشیر وغیره) وشلاق وقطع عضو ونفی بلد وتبعیدرا شامل می شود . که وجه مشخصهٔ این حدود این است که این کیفرها عمدتاً کیفرهای بدنی هستند که از پیش مقدار و اندازهٔ و کیفیت اعمال آن مشخص شده است وقاضی در دست کاری در این محدودهٔ آنها اختیار واجازه ای ندارد.

مطابق مواد ۲۱۷ الی ۲۲۰ قانون جدید مجازات اسلامی :

در جرائم موجب حد ، مرتکب در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن علم ، قصد و شرایط مسئولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتکابی نیز آگاه باشد .

در جرائم موجب حد هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری را در زمان ارتکاب جرم نماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و اگر ادعا کند که اقرار او با تهدید و ارعاب یا شکنجه گرفته شده است ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می شود .

تبصره۱ در جرائم محاربه و افساد فی الارض و جرائم منافی عفت با عنف ، اکراه ، ربایش یا اغفال ، صرف ادعا ، مسقط حد نیست و دادگاه موظف به بررسی و تحقیق است .

تبصره۲ اقرار در صورتی اعتبار شرعی دارد که نزد قاضی در محکمه انجام گیرد .

دادگاه نمی تواند کیفیت ، نوع و میزان حدود شرعی را تغییر یا مجازات را تقلیل دهد یا تبدیل یا ساقط نماید . این مجازات ها تنها از طریق توبه و عفو به کیفیت مقرر در قانون قابل سقوط ، تقلیل یا تبدیل است .

در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است طبق اصل یکصد و شصت و هفتم (۱۶۷) قانون اساسی عمل می‌شود .

اصل یکصدو شصت و هفتم قانون اساسی مقرر می دارد : قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانهٔ سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

www.departeman.com تمام جزوات دیارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۲. قصاص

قصاص مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس ، اعضاء و منافع است که به شرح مندرج در قسمت قصاص این قانون اعمال می‌شود . قصاص را به مقابله به مثل نمودن در جنایات علیه تمامیت جسمانی تعبیر نموده‌اند و خصلت اصلی آن برابری ومقابله با جنایت جانی است که شامل قصاص نفس درقتل‌های عمدی و قصاص عضو در قطع عضو وجرح عمدی وقصاص منابع اعضای بدن می‌شود. قصاص منابع اعضای بدن مواردی مانند قصاص حس بینایی شنوایی وبویایی افراد را شامل می‌شود.

مطابق مواد ۲۸۹ الی ۲۹۵ قانون جدید مجازات اسلامی :

جنایت بر نفس ، عضو و منفعت بر سه قسم : عمدی ، شبه عمدی ، خطای محض است .

جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می شود :

۱. هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود ، خواه کار ارتکابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت بشود ، خواه نشود .

۲. هرگاه مرتکب ، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایتِ واقع شده می گردد ، هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب جنایت یا نظیر آن می شود .

۳. هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است ، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایتِ واقع شده یا نظیر آن نمی شود ، لکن در خصوص مجنی علیه ، به علت بیماری ، ضعف ، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت می شود ، مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.

۴. هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد ، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد و در عمل نیز جنایتِ مقصود یا نظیر آن واقع شود . مانند اینکه در اماکن عمومی بمب گذاری کند .

تبصره۱ در بند ۲ عدم آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات گردد و در صورت عدم اثبات جنایت عمدی است ، مگر جنایت واقع شده صرفاً به علت حساسیت زیاد موضع آسیب واقع شده باشد و این حساسیت نیز غالباً شناخته شده نباشد که در این صورت آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات شود و در صورت عدم اثبات ، جنایتِ عمدی ثابت نمی شود .

تبصره۲ در بند ۳ باید آگاهی و توجه مرتکب به اینکه کار نوعاً نسبت به مجنی علیه موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می شود اثبات شود و در صورت عدم اثبات ، جنایت عمدی ثابت نمی شود .

جنایت در موارد زیر شبه عمدی محسوب می شود :

۱. هرگاه مرتکب نسبت به مجنی علیه قصد رفتاری را داشته ، لکن قصد جنایتِ واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد ، و از مواردی که مشمول تعریف جنایات عمدی می گردد ، نباشد .

۲. هرگاه مرتکب ، جهل به موضوع داشته باشد مانند آنکه جنایتی را با اعتقاد به اینکه موضوع رفتار وی شیء یا حیوان و یا افراد مشمول مادهٔ (۳۰۲) این قانون است به مجنی علیه وارد کند ، سپس خلاف آن معلوم گردد .

۳. هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود ، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده یا نظیر آن مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد .

جنایت در موارد زیر خطاء محض محسوب می شود :

۱. در حال خواب و بی هوشی و مانند آنها واقع شود .

۲. به وسیلهٔ صغیر و مجنون ارتکاب یابد .

۳. جنایتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را ، مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید .

تبصره – در مورد بندهای ۱ و ۳ هرگاه مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می گردد ، جنایت عمدی محسوب می شود. هرگاه فردی مرتکب جنایت عمدی گردد لکن نتیجهٔ رفتار ارتکابی ، بیشتر از مقصود وی واقع شود ، چنانچه جنایت واقع شده ، مشمول تعریف جنایات عمدی نشود ، نسبت به جنایت کمتر ، عمدی و نسبت به جنایت بیشتر ، شبه عمدی محسوب می‌شود ؛ مانند آنکه انگشت کسی را قطع کند و به سبب آن دستش قطع شده و یا فوت کند که نسبت به قطع انگشت عمدی و نسبت به قطع دست و یا فوت ، شبه عمدی خواهد بود .

اگر کسی به علت اشتباه در هویت ، مرتکب جنایتی بر دیگری شود در صورتی که مجنی علیه و فرد موردنظر هر دو مشمول ماده (۳۰۲) این قانون نباشند ، جنایت عمدی محسوب می شود .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

هرگاه کسی فعلی که انجام آن را بر عهده گرفته یا قانون وظیفهٔ خاصی را بر عهدهٔ او گذاشته است ، ترک کند و به سبب آن ، جنایتی واقع شود ، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد جنایتِ حاصل ، به او مستند می شود و حسب مورد عمدی ، شبه عمدی ، یا خطای محض است ، مانند اینکه مادر یا دایه ای که شیردادن را بر عهده گرفته است ، کودک را شیر ندهد یا پزشک یا پرستار وظیفهٔ قانونی خود را ترک کند .

۳. دیات

دیه اعم از مقدر و غیرمقدر ، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیرعمدی بر نفس ، اعضاء و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد ، به موجب قانون مقرر می شود .

دیه به موارد زیر تعلق می گیرد :

- قتل یا جرح یا نقص عضو که به طور خطاء محض واقع شود .
- قتل یا جرح یا نقص عضو که به طور خطاء شبیه عمد (شبه عمدی) واقع می‌شود .
- قتل یا جرح یا ضرب غیر عمدی به تسبیب (یا ناشی از تقصیر مرتکب) .
- موارد سقوط قصاص و تبدیل توافقی آن به دیه .

مباحثات زیادی دربارهٔ مجازات یا جبران خسارت بودن دیه بین حقوقدانان رایج بوده و هریک در توجیه نظریه خود استدلالهای متفاوتی نموده اند . واقعیت این است که دیه خصلت های خاص خودش را دارد و ذو وجهین است وتلاش برای مجازات یا جبران خسارت بودن دیه تلاش بی ثمری است . در قانون مجازات از « ارش » هم در مواردی که دیهٔ مشخص ومعین برای جنایت تعیین نشده وبه اختیار حاکم واگذار شده باشد نیز یاد می شود که دادگاه طبق نظر کارشناسی خبرگان خود ، ارش یا حکومت را معین می کند (تبصره ماده ۵۸۷ قانون جدید مجازات اسلامی) .

قانون جدید مجازات اسلامی در ماده ۱۷ خود ، به ماهیت دین بودن دیه توجه و آن‌را صرفا مالی دانسته که از طرف شارع برای جنایت معین شده است . بنابراین چنانچه محکوم علیه فوت شود ، دیه ساقط نشده و از ورثه محکوم علیه قابل مطالبه و یا از دارائی وی استیفا ء می‌شود . در حالی‌که ، اگر دیه مجازات بود با فوت محکوم علیه اجرای مجازات ساقط می‌شد .

درخواست ضرر و زیان ناشی از جرم مستلزم پرداخت هزینه دادرسی است . ولی در مورد دیه ، هرگاه شاکی مطالبه دیه نماید هزینه دادرسی از وی مطالبه نمی‌شود . به‌طور کلی تنها تقدیم شکایت و درخواست مطالبه دیه برای صدور حکم به پرداخت دیه توسط دادگاه کافی است و مطالبه دیه مستلزم تقدیم دادخواست و الصاق تمبر قانونی برای هزینه دادرسی نیست .

موارد تفاوت دیه با جزای نقدی عبارتند از :

- دیه به نفع اولیای دم یا مجنی علیه اخذ می‌شود . در مقابل جزای نقدی به نفع بیت‌المال و خزانه دولت دریافت می‌شود .
- ضوابط تعلیق و تخفیف و تبدیل کیفر در احکام دیه قانونا جاری نیست . در مقابل در مورد مجازات‌های تعزیری از جمله جزای نقدی ، تخفیف و تبدیل مجازات در محدوده‌ی ضوابط قانونی امکان‌پذیر است . در عین‌حال، تنها درمواردی که جزای نقدی با دیگر تعزیرات همراه باشد ، تعلیق آن منع شده است .
- دیه به درخواست شاکی قابل وصول و با عفو ویا رضایت شاکی منتفی می‌شود ولی جزای نقدی و وصول آن با دادگاه و دادستان است . مانند دیه مربوط به جرائم ناشی از تخلفات رانندگی موضوع ماده ۷۱۴ به بعد قانون تعزیرات یعنی قتل و صدمات بدنی ناشی از تقصیر جزائی در رانندگی که فقط در صورت مطالبه اولیای دم دیه قابل وصول است .
- دیه غالبا غیر نقدی و از امول معینی است که در اجرا عملا و گاهی به قیمت مال تبدیل می‌شود ولی جزای نقدی همیشه با واحد ریالی اعلام و قابل وصول است .
- زمان پرداخت دیه در جرائم عمدی و شبه‌عمدی و خطائی موضوع ماده ۴۸۸ قانون جدید مجازات اسلامی معین است[1] . ولی جزای نقدی با صدور حکم و بر حسب امکانات محکوم‌علیه درمحدوده حداقل و حداکثر قانونی گاهی با تخفیف اعمال می‌شود و متغیر است.

---

[1] . **ماده ۴۸۸ قانون جدید مجازات اسلامی مقرر می دارد :** مهلت پرداخت دیه ، از زمان وقوع جنایت به ترتیب زیر است ، مگر اینکه به نحو دیگری تراضی شده باشد :

الف – در عمد موجب دیه ، ظرف یک سال قمری

ب– در شبه عمد ، ظرف دو سال قمری

ج– در خطای محض ، ظرف سه سال قمری

تبصره – هرگاه پرداخت کننده در بین مهلت های مقرر نسبت به پرداخت تمام یا قسمتی از دیه اقدام نماید ، محکوم له مکلف به قبول آن است .

- دیه گاهی از عاقله (در جهت مسوولیت دسته جمعی و مشترک خانواده در قدیم) به عنوان مسوولیت ناشی از عمل دیگری اخذ می‌شود . ولی جزای نقدی از شخص محکوم علیه اخذ می‌شود (به استثنای جرائم خلافی در رانندگی) .
- دیه مخصوص جرائم علیه تمامیت جسمانی و اشخاص است ولی جزای نقدی علیه مرتکب جرم در انواع جرائم تعزیری مانند جرائم علیه اموال و مالکیت قابل طرح است .
- دیه در مواردی چون فرار قاتل و عدم دسترسی به وی و فوت او که پس از مرگ قصاص تبدیل به دیه می‌شود، با فقدان مال و فقدان خویشاوندملی برای قاتل باید از بیت‌المال پرداخت شود . ولی جزای نقدی از محکوم‌علیه دریافت می‌شود و در صورت عدم پرداخت ، محکوم‌علیه به ازای هر پانصدریال یک‌روز حبس می‌گردد و تا حداکثر ۵ سال کلا قابل اعمال است .
- در شرایطی که به قاتل فراری تا هنگام مردن دسترسی نباشد ، در صورت فوت جانی ؛ دیه از اموال متوفی قابل دریافت است . بنابراین در صورتی که وراث ترکه را قبول نموده باشند ، چون دیه ماهیت دین را دارد در این‌صورت از وراث قابل مطالبه است (در مورد قبول ترکه به مواد ۲۴۰ به بعد قانون امور حسبی مراجعه شود) . ولی در مورد جزای نقدی با فوت محکوم‌علیه ، الزاما و همیشه قابل مطالبه از وراث نیست . اصل شخصی بودن مجازات‌ها مانع از تسری جزای نقدی به وراث است .
- برابر رای شماره ۱۰۴ مورخ ۱۳۶۸/۹/۱۴هیئت عمومی دیوان عالی کشور (رای اصراری) طرح دعوای ضرر و زیان ناشی از جرم تحت عنوان دیگری غیر از دیه (مثلا تسبیب) فاقد مجوز است ، ولی اعتراض در مورد کمیت دیه می‌تواند مطرح شود . بنابراین با جزای نقدی که مقدار آن ثابت است فرق دارد .

در حال حاضر ، هیئت عمومی اصراری حقوقی دیوان‌عالی کشور ، (متشکل از قضات حقوقی) صدور حکم مبنی بر پرداخت خسارت ضرر و زیان ، مازاد بر دیه را با اخذ نظریه کارشناسی رسمی و در حدود متعارف حتی خسارت بی‌بهرگی از سود (عدم‌النفع) متضرر از جرم را هم به عنوان ضرر و زیان متعارف پذیرفته است (رای اصراری شماره ۶- ۱۳۷۵/۴/۵ ردیف ۳۶/۷۴) .

۴. تعزیرات

تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد ، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد . نوع ، مقدار ، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف ، تعلیق ، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می شود .

دادگاه در صدور حکم تعزیری ، با رعایت مقررات قانونی ، موارد زیر را مورد توجه قرار می دهد :

- ✯ انگیزهٔ مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم .
- ✯ شیوهٔ ارتکاب جرم ، گسترهٔ نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن .
- ✯ اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم .
- ✯ سوابق و وضعیت فردی ، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی .

برخی نظام تعزیرات را بانظام مجازاتهای نا معین مقایسه نموده و آنرا سیاست جنایی اسلام در تقریر مجازاتها قلمداد نموده‌اند.[1] و اعمال طیف گسترده ای از واکنش‌ها از وعظ توبیخ و تهدید و درجات تعزیر را شامل منطقه حکومت قاضی قلمداد نموده اند . البته با وجود اینکه رگه‌هایی از این اندیشه در موادی مانند مادهٔ ۱۲۷ قانون جدید هنوز هم مشهود است ولی قانون مجازات ما با مقید بودن به اصل قانونی بودن مجازاتها ، نظام تعزیرات مدون ومعین وقطعی را مقرر نموده وقاضی را ملزم به تبعیت از آن کرده است وحوزه‌های اقتدار قاضی را هم اعم از تخفیف ، تبدیل ، تعلیق ، آزادی مشروط وتشدید ویا جمع مجازاتها را مشخص نموده است. پس تعزیرات به معنی واقعی کلمه در قانون مجازات اسلامی نمود ندارد. البته برخی از افراد با تفسیر قاعدهٔ « التعزیر بمایراه الحاکم » از حاکم معنایی بدست داده اند که شامل قوهٔ قانونگذاری ونه قاضی کیفری می‌گردد. از این دید تعزیر در دست حاکم است وبا اصول اساسی حقوق جزا همسویی دارد . تعزیرات ومجازاتهای تعزیری در قانون مجازات اسلامی شامل انواع مجازاتها مانند کیفر حبس ، جزای نقدی ، شلاق ، محرومیت از حقوق اجتماعی ، ضبط ومصادرهٔ اموال می‌شود برخلاف نظریهٔ بعضی از فقها منحصر به شلاق نمی باشد .

[1]. مقاله دکتر وحید صادق نیا ، مجله دادگستری ، شماره ۳

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

مطابق ماده ۱۹ قانون جدید مجازات اسلامی ، مجازات های تعزیری به هشت درجه تقسیم می شود :

درجهٔ یک :

- حبس بیش از بیست و پنج سال .
- جزای نقدی بیش از یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال .
- مصادرهٔ کل اموال
- انحلال شخص حقوقی

درجهٔ دو :

- حبس بیش از پانزده تا بیست و پنج سال .
- جزای نقدی بیش از پانصد و پنجاه میلیون (۵۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا یک میلیارد . (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال .

درجهٔ سه :

- حبس بیش از ده تا پانزده سال .
- جزای نقدی بیش از سیصد و شصت میلیون (۳۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا پانصد و پنجاه میلیون (۵۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال .

درجهٔ چهار :

- حبس بیش از پنج تا ده سال .
- جزای نقدی بیش از یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا سیصد و شصت (۳۶۰/۰۰۰/۰۰۰) میلیون ریال .
- انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی

درجهٔ پنج :

- حبس بیش از دو تا پنج سال .
- جزای نقدی بیش از هشتاد میلیون (۸۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال .
- محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از پنج تا پانزده سال .
- ممنوعیت دائم از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی
- ممنوعیت دائم از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی

درجهٔ شش :

- حبس بیش از شش ماه تا دو سال .
- جزای نقدی بیش از بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا هشتاد میلیون (۸۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال .
- شلاق از سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه و تا نودو نه ضربه در جرائم منافی عفت
- محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال .
- انتشار حکم قطعی در رسانه ها .
- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال
- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال
- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال

درجهٔ هفت :

- حبس از نود و یک روز تا شش ماه .
- جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال .
- شلاق از یازده تا سی ضربه .
- محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه .

درجهٔ هشت :

- حبس تا سه ماه
- جزای نقدی تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال .
- شلاق تا ده ضربه .

تبصره۱ موارد محرومیت از حقوق اجتماعی همان است که در مجازات های تبعی ذکر شده است .

تبصره۲ مجازاتی که حداقل آن منطبق بر یکی از درجات فوق و حداکثر آن منطبق با درجهٔ بالاتر باشد ، از درجهٔ بالاتر محسوب می شود .

تبصره۳ در صورت تعدد مجازات ها ، مجازات شدیدتر و در صورت عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر ، مجازات حبس ملاک است . همچنین اگر مجازاتی با هیچ یک از بندهای هشتگانهٔ این ماده مطابقت نداشته باشد مجازات درجهٔ هفت محسوب می شود .

تبصره۴ مقررات این ماده و تبصره های آن تنها جهت تعیین درجهٔ مجازات است و تأثیری در میزان حداقل و حداکثر مجازات های مقرر در قوانین جاری ندارد .

www.departeman.com تمام جزوات دیارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

تبصره ۵ مصادرهٔ اشیاء و اموالی که در ارتکاب جرم به کار رفته یا مقصود از آن به کارگیری در ارتکاب جرم بوده است از شمول این ماده و بند (۲) ماده ۲۰ خارج و در مورد آنها طبق مادهٔ (۲۱۵) این قانون عمل می شود[۱] . در هر مورد که حکم مصادرهٔ اموال صادر می شود باید هزینه های متعارف زندگی محکوم و افراد تحت تکفل او مستثنی شود .

ب – مجازات های اشخاص حقوقی

بر اساس ماده ۲۰ قانون جدید مجازات اسلامی ، در صورتی که شخص حقوقی بر اساس مادهٔ (۱۴۳) این قانون [۲]مسئول شناخته شود ، با توجه به شدت جرم ارتکابی و نتایج زیانبار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می شود ، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست :

۱. انحلال شخص حقوقی

۲. مصادرهٔ اموال

۳. ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

۴. ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

۵. ممنوعیت از اصدار اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال

۶. جزای نقدی

۷. انتشار حکم محکومیت به وسیلهٔ رسانه ها

تبصره – مجازات موضوع این ماده ، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می کنند ، اعمال نمی شود .

میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که در قانون برای ارتکاب همان جرم به وسیلهٔ اشخاص حقیقی تعیین می شود .

انحلال شخص حقوقی و مصادرهٔ اموال آن زمانی اعمال می شود که برای ارتکاب جرم ، به وجود آمده یا با انحراف از هدف مشروع نخستین ، فعالیت خود را منحصراً در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد .

دوم – مجازات های تکمیلی و تبعی

مطابق ماده ۲۳ قانون جدید مجازات اسلامی ، دادگاه می تواند فردی را که به حد ، قصاص یا مجازات تعزیری از درجهٔ شش تا درجهٔ یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون ، متناسب با جرم ارتکابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات های تکمیلی زیر محکوم نماید :

۱. اقامت اجباری در محل معین .

۲. منع از اقامت در محل یا محل های معین .

۳. منع از اشتغال به شغل ، حرفه یا کار معین .

۴. انفصال از خدمات دولتی و عمومی .

۵. منع از رانندگی با وسایل نقلیهٔ موتوری و یا تصدی وسایل موتوری .

---

[۱]. **ماده ۲۱۵ قانون جدید مجازات اسلامی مقرر می داره:** بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب باید تکلیف اشیاء و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیلهٔ ارتکاب جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب ، استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است تعیین کند تا حسب مورد ، مسترد ، ضبط یا معدوم شود . در مورد ضبط ، دادگاه تکلیف اموال و اشیاء را تعیین می کند . همچنین بازپرس و یا دادستان مکلف است مادام که پرونده نزد وی جریان دارد به تقاضای ذینفع و با رعایت شرایط زیر دستور رد اموال و اشیاء مذکور در فوق را صادر نماید :

۱. وجود تمام یا قسمتی از آن اشیاء و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد .

۲. اشیاء و اموال بلامعارض باشد .

۳. جزء اشیاء و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم گردد .

در کلیهٔ امور جزائی دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن ، اعم از اینکه مبنی بر محکومیت یا برائت یا موقوفی تعقیب متهم باشد ، در مورد اشیاء و اموالی که وسیلهٔ ارتکاب جرم بوده یا در اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب ، استعمال و یا برای استعمال اختصاص یافته است ، باید رأی مبنی بر استرداد ، ضبط یا معدوم شدن آن صادر نماید .

تبصره ۱ متضرر از قرار بازپرس یا دادستان یا قرار یا حکم دادگاه می تواند از تصمیم آنان راجع به اشیاء و اموال مذکور در این ماده شکایت کند و طبق مقررات در دادگاههای جزائی شکایت خود را تعقیب و درخواست تجدیدنظر نماید ، هرچند قرار یا حکم دادگاه نسبت به امر جزائی قابل شکایت نباشد.

تبصره ۲ مالی که نگهداری آن مستلزم هزینهٔ نامتناسب برای دولت است یا موجب خرابی یا کسر فاحش قیمت آن می گردد و حفظ مال هم برای دادرسی لازم نیست و همچنین اموال ضایع شدنی و سریع الفساد حسب مورد به دستور دادستان یا دادگاه به قیمت روز فروخته شده و وجه حاصل تا تعیین تکلیف نهایی در صندوق دادگستری به عنوان امانت نگهداری می گردد .

[۲]. **ماده ۱۴۳ قانون جدید مجازات اسلامی :** در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نمایندهٔ قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود . مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۶. منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجارتی .

۷. منع از حمل سلاح .

۸. منع از خروج اتباع ایران از کشور .

۹. اخراج بیگانگان از کشور .

۱۰. الزام به خدمات عمومی .

۱۱. منع از عضویت در احزاب ، گروهها و دسته جات سیاسی یا اجتماعی .

۱۲. توقیف وسایل ارتکاب جرم یا رسانه یا مؤسسهٔ دخیل در ارتکاب جرم .

۱۳. الزام به یادگیری حرفه ، شغل یا کار معین .

۱۴. الزام به تحصیل .

۱۵. انتشار حکم محکومیت قطعی .

تبصره۱ مدت مجازات تکمیلی بیش از دو سال نیست مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید .

تبصره۲ چنانچه مجازات تکمیلی و مجازات اصلی از یک نوع باشد ، فقط مجازات اصلی مورد حکم قرار می گیرد .

تبصره۳ آئین نامه راجع به کیفیت اجراء مجازات تکمیلی ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می شود و به تصویب رئیس قوهٔ قضائیه می رسد .

چنانچه محکوم طی مدت اجراء مجازات تکمیلی ، مفاد حکم را رعایت ننماید ، دادگاه صادرکنندهٔ حکم به پیشنهاد قاضی اجرای حکم برای بار اول مدت مجازات تکمیلی مندرج در حکم را تا یک سوم افزایش می دهد و در صورت تکرار ، بقیهٔ مدت محکومیت را به حبس یا جزای نقدی درجهٔ هفت یا هشت تبدیل می‌کند . همچنین بعد از گذشتن نیمی از مدت مجازات تکمیلی ، دادگاه می تواند با پیشنهاد قاضی اجرای حکم در صورت اطمینان به عدم تکرار جرم و اصلاح مجرم ، نسبت به لغو یا کاهش مدت زمان مجازات تکمیلی وی اقدام کند .

مطابق ماده ۲۵ قانون جدید مجازات اسلامی ، محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی ، پس از اجراء حکم یا شمول مرور زمان ، در مدت زمان مقرر در این ماده، محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند :

۱. هفت سال در محکومیت به مجازات های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی .

۲. سه سال در محکومیت به قطع عضو ، قصاص عضو در صورتی که دیهٔ جنایت وارد شده بیش از نصف دیهٔ مجنی علیه باشد ، نفی بلد و حبس تا درجهٔ چهار .

۳. دو سال در محکومیت به شلاق حدی ، قصاص عضو در صورتی که دیهٔ جنایت وارد شده نصف دیهٔ مجنی علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجهٔ پنج .

تبصره۱ در غیر موارد فوق ، مراتب محکومیت در پیشینهٔ کیفری محکوم درج می شود لکن در گواهی های صادره از مراجع ذی ربط منعکس نمی‌گردد، مگر به درخواست مراجع قضائی برای تعیین یا بازنگری در مجازات .

تبصره۲ در مورد جرائم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی ، اجرای مجازات موقوف شود اثر تبعی آن نیز رفع می شود .

تبصره۳ در عفو و آزادی مشروط ، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدت های فوق از زمان عفو یا اتمام مدت آزادی مشروط رفع می‌شود . محکوم در مدت زمان آزادی مشروط و همچنین در زمان اجراء حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم می‌گردد .

بر اساس ماده ۲۶ قانون جدید مجازات اسلامی ، حقوق اجتماعی موضوع این قانون به شرح زیر است :

۱. داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری ، مجلس خبرگان رهبری ، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا .

۲. عضویت در شورای نگهبان ، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیأت دولت و تصدی معاونت رئیس جمهور .

۳. تصدی ریاست قوهٔ قضائیه ، دادستانی کل کشور ، ریاست دیوان عالی کشور ، ریاست دیوان عدالت اداری .

۴. انتخاب شدن یا عضویت در انجمن ها ، شوراها ، احزاب و جمعیت ها به موجب قانون یا با رأی مردم .

۵. عضویت در هیأت های منصفه و امناء و شوراهای حل اختلاف .

۶. اشتغال به عنوان مدیر مسئول یا سردبیر رسانه های گروهی .

۷. استخدام و یا اشتغال در کلیهٔ دستگاههای حکومتی اعم از قوای سه گانه و سازمانها و شرکتهای وابسته به آنها ، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح و سایر نهادهای تحت نظر رهبری ، شهرداری ها و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و دستگاههای مستلزم تصریح یا ذکر نام برای شمول قانون بر آنها .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۸. اشتغال به عنوان وکیل دادگستری و تصدی دفاتر ثبت اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتریاری .

۹. انتخاب شدن به سمت قیم ، امین ، متولی ، ناظر یا متصدی موقوفات عام .

۱۰. انتخاب شدن به سمت داوری یا کارشناسی در مراجع رسمی .

۱۱. استفاده از نشان های دولتی و عناوین افتخاری .

۱۲. تأسیس ، اداره یا عضویت در هیأت مدیرهٔ شرکت های دولتی ، تعاونی و خصوصی یا ثبت نام تجارتی یا مؤسسهٔ آموزشی ، پژوهشی ، فرهنگی و علمی .

تبصره۱ مستخدمان دستگاههای حکومتی در صورت محرومیت از حقوق اجتماعی ، خواه به عنوان مجازات اصلی باشد و خواه مجازات تکمیلی یا تبعی ، حسب مورد در مدت مقرر در حکم یا قانون ، از خدمت منفصل می شوند .

تبصره۲ هرکس به عنوان مجازات تبعی از حقوق اجتماعی محروم گردد پس از گذشت مواعد مقرر در ماده ۲۵ این قانون اعاده حیثیت می‌شود و آثار تبعی محکومیت وی زائل می گردد مگر در مورد بندهای (۱) ، (۲) ، (۳) این ماده که از حقوق مزبور به طور دائمی محروم می شود .

***

فصل دوم

جنایات عمدی

مطابق ماده ۲۸۹ قانون جدید مجازات‌های اسلامی ، جنایت بر نفس و منفعت بر سه نوع است : عمدی ، شبه عمدی ، خطای محض به طوری کلی جنایات را میتوان به دو دسته عمده تقسیم نمود :

- جنایات عمدی
- جنایات غیر عمدی

در قانون مجازات اسلامی قانونگذار از ارائه تعریفی جامع و مانع از جنایت عمدی خودداری کرده است و در بیان احکام این جرم و در مقام ذکر موجبات قصاص ، به شرح مصادیق و مواردی که جنایت ارتکابی به عنوان قتل عمدی قلمداد می‌گردد ، اکتفا نموده است . بر اساس ماده ۲۹۰ قانون مذکور « جنایت در موارد زیر عمدی است :

۱. هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود ، خواه کار ارتکابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت بشود ، خواه نشود .

۲. هرگاه مرتکب ، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایتِ واقع شده می‌گردد ، هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب جنایت یا نظیر آن می شود .

۳. هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است ، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایتِ واقع شده یا نظیر آن نمی شود ، لکن در خصوص مجنی علیه ، به علت بیماری ، ضعف ، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت می شود ، مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.

۴. هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد ، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد و در عمل نیز جنایتِ مقصود یا نظیر آن واقع شود . مانند اینکه در اماکن عمومی بمب گذاری کند .

تبصره۱ در بند ۲ عدم آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات گردد و در صورت عدم اثبات جنایت عمدی است ، مگر جنایت واقع شده صرفاً به علت حساسیت زیاد موضع آسیب واقع شده باشد و این حساسیت نیز غالباً شناخته شده نباشد که در این صورت آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات شود و در صورت عدم اثبات ، جنایتِ عمدی ثابت نمی شود .

تبصره۲ در بند ۳ باید آگاهی و توجه مرتکب به اینکه کار نوعاً نسبت به مجنی علیه موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می شود اثبات شود و در صورت عدم اثبات ، جنایت عمدی ثابت نمی شود .

همچنین : مطابق ماده ۲۹۴ قانون جدید مجازات اسلامی ، اگر کسی به علت اشتباه در هویت ، مرتکب جنایتی بر دیگری شود در صورتی که مجنی علیه و فرد موردنظر هر دو مشمول ماده (۳۰۲) این قانون نباشند[1] ، جنایت **عمدی** محسوب می شود .

مطابق ماده ۲۹۳ قانون جدید مجازات اسلامی ، هرگاه فردی مرتکب جنایت عمدی گردد لکن نتیجهٔ رفتار ارتکابی ، بیشتر از مقصود وی واقع شود ، چنانچه جنایت واقع شده ، مشمول تعریف جنایات عمدی نشود ، نسبت به جنایت کمتر ، عمدی و نسبت به جنایت بیشتر ، شبه عمدی محسوب می‌شود ؛ مانند آنکه انگشت کسی را قطع کند و به سبب آن دستش قطع شده و یا فوت کند که نسبت به قطع انگشت عمدی و نسبت به قطع دست و یا فوت ، شبه عمدی خواهد بود .

---

[1] **ماده ۳۰۲ قانون جدید مجازات اسلامی :** در صورتی که مجنی علیه دارای یکی از حالات زیر باشد مرتکب به قصاص و پرداخت دیه ، محکوم نمی شود :

۱. مرتکب جرم حدی مستوجب سلب حیات است .

۲. مرتکب جرم حدی که مستوجب قطع عضو است ، مشروط بر اینکه جنایت وارد شده ، بیش از مجازات حدی او نباشد ، در غیر این صورت ، مقدار اضافه بر حد ، حسب مورد ، دارای قصاص و یا دیه و تعزیر است .

۳. مستحق قصاص نفس یا عضو ، فقط نسبت به صاحب حق قصاص و به مقدار آن قصاص نمی شود .

۴. متجاوز و کسی که تجاوز او قریب الوقوع است و در دفاع مشروع به شرح مقرر در مادهٔ (۱۵۶) این قانون جنایتی بر او وارد شود .

۵. زانی و زانیه در حال زنا نسبت به به شوهر زانیه در غیر موارد اکراه و اضطرار به شرحی که در قانون مقرر است .

تبصره۱ اقدام در مورد بندهای ۱و ۲ و ۳ این ماده بدون اجازهٔ دادگاه جرم است و مرتکب به تعزیر مقرر در قسمت تعزیرات این قانون محکوم می شود .

تبصره۲ در مورد بند ۴ چنانچه نفس دفاع صدق کند ولی از مراتب آن تجاوز شود قصاص ، منتفی است . لکن مرتکب به شرح مقرر در قانون به دیه و مجازات تعزیری محکوم می شود .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

مطابق ماده ۲۹۵ قانون جدید مجازات اسلامی : هرگاه کسی فعلی که انجام آن را بر عهده گرفته یا قانون وظیفهٔ خاصی را بر عهدهٔ او گذاشته است ، ترک کند و به سبب آن ، جنایتی واقع شود ، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد جنایتِ حاصل ، به او مستند می شود و حسب مورد **عمدی** ، شبه عمدی ، یا خطای محض است ، مانند اینکه مادر یا دایه ای که شیردادن را بر عهده گرفته است ، کودک را شیر ندهد یا پزشک یا پرستار وظیفهٔ قانونی خود را ترک کند .

دکتر گلدوزیان در تعریف قتل عمدی چنین می گویند : قتل عمدی ، عبارتست از رفتار بدون مجوز قانونی عمدی و آگاهانه یک انسان به نحوی که منتهی به مرگ انسان دیگری شود. [۱]

دکتر آقایی نیا ، تعریف حقوقی قتل عمدی را ، سلب عمدی جنایت از دیگری بر خلاف قانون ، می‌داند .

در متون فقهی ، فقهای اسلامی قتل موجب قصاص را به این ترتیب ذکر کرده اند:«و هُوَ اِزهاقَ اَلنفسِ اَلمعصُومَه اَلمکافِئَه عَمداً وَ عُدواناً»

به نظر می رسد که تعریف قتل عمدی به نحوی که با قانون و رویه قضائی منطبق باشد ، در صورتی عملی است که قتل عمدی را اینگونه تعریف کنیم : سلب ارادی حیات از انسان زنده به وسیله انسان دیگری به طرق معین شده در قانون .[۲]

پرفسور اُشورث [۱] ، حقوقدان کیفری مشهور انگلستان ، اهمیت جرم قتل را در قالب این کلمات بیان کرده است ، « ... مرگ ، صدمه نهایی است . همین نهایی بودن ایجاب می کند که مرگ را شدیدترین صدمه‌ای که می تواند به دیگری وارد شود دانسته و کسی را که ، بدون هیچ عذر یا توجیهی ، آن را به دیگری تحمیل می کند گناهکارترین مجرم بشناسیم . »

***

گفتار اول – ارکان تشکیل دهنده قتل عمد

با توجه به آنچه که در فوق آمد ، برای تحقق قتل عمدی و مجازات آن سه رکن لازم است :

- رکن مادی
- رکن معنوی عمد و قصد
- رکن قانونی

بند اول – رکن مادی قتل عمد

الف – شخص موضوع جنایت

منظور از موضوع جرم ، چیزی است که عمل مرتکب بر آن واقع می‌شود و به عبارتی دیگر ، ارزشی که مقنن تجاوز و تعدی به آن را جرم می‌شمارد ، موضوع آن جرم است . بنابراین موضوع جرایم سرقت ، توهین ، محاربه و زنا به ترتیب عبارتند از مال، حیثیت ، امنیت و آزادی و ناموس . در قتل عمدی موضوع جرم حیات انسان است و به عبارت بهتر **انسان زنده** است و این همان ارزشی است که مقنن از بین بردن آن را جرم می‌شناسد[۳] .

با توجه به اینکه قتل را سلب حیات از دیگری تعریف کرده اند ، بنابر این وجود فردی ذی روح از عناصر ضروری و لازم در تحقق جرم قتل است ، تا موضوع جنایت واقع شده صدمات جانی متوجه حیات وی گردد، چنانکه در جنایات مادون نفس نیز زنده بودن مجنی علیه شرط شده است. ویژگی ها و خصوصیات بزه دیده ، موثر در موضوع نبوده ، مجنی علیه در هر موقعیت جسمی وحالات روحی که قرار داشته باشد ، صدمه بر وی با حصول شرایط لازم جنایت عمد تلقی می‌گردد[۴] .

همانگونه که گفته شد موضوع جرم در قتل ، انسان است. از زمانی به شخص ، انسان اطلاق می شود که روح در وجود او دمیده شده باشد ، اعم از آنکه در رحم باشد یا خارج از آن .

---

[۱]. دکتر ایرج گلدوزیان ، حقوق جزای اختصاصی ، انشارات دانشگاه تهران ، شماره ۲۴۹۹

[۲]. دکتر سپهوند ، تقریرات حقوق جزای اختصاسی (۱)

1. Ashworth

[۳]. دکتر حسین آقایی نیا ، جرایم علیه اشخاص ، نشر میزان

[۴]. دکتر محمد هادی صادقی ، جرایم علیه اشخاص « صدمات جسمانی » نشر میزان

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

موضوع قتل عمدی انسان زنده است . بنابراین سلب حیات از **جنین** یا حیوان از شمول بحث خارج است . در تایید این نکته می‌توان از جمله به مواد ۶۲۲ ، ۶۲۳ و ۶۲۴ قانون تعزیرات استناد کرد [۱]. سلب حیات از جنین در هر مرحله‌ای که باشد قتل محسوب نمی‌شود و عنوان سقط جنین دارد . بنابراین اگر در جنین روح دمیده شده و زنده متولد شود از همان لحظه انسان تلقی می‌شود و کشتن آن قتل است .

اکنون پرسش این است که اگر وضع حمل قبل از موعد طبیعی واقع شود و حفظ حیات نوزاد موکول به نگهداری او با دستگاه‌های حمایتی باشد ولی در مدت نگهداری کشته شود عنوان اتهامی مرتکب چه خواهد بود . از یک سو ، جنینی است که زنده متولد شده و پس از خروج از مادر ، ظاهرا جنین محسوب نمی‌شود ، از سوی دیگر هر چند لازمه انسان به حساب آمدن ، زنده متولد شدن است ولی این شرط کافی نیست ، بلکه داشتن قابلیت زیست مستقل نیز شرط است . به نظر می‌آید با توجه به این که این نوزاد پس از تولد نیز در داخل دستگاه حمایتی و به دور از شرایط طبیعی نگهداری می‌شود و شرایط دستگاه ، مشابه شرایط مادر است ، به معنای این است که قابلیت زیست مستقل ندارد و اطلاق انسان بر او میسر نیست .

پرسش دیگر این که اگر جنین در جریان خروج از مادر و در حالی که کاملا متولد نشده است کشته شود حکم قضیه چه خواهد بود ؟ یکی از دادگاه‌های ایالات متحده در این خصوص چنین رای داده است : « جنینی که در اثنای تولد کشته شده است به استناد قانون قتل ، انسان تلقی می‌شود مشروط بر این که در روند طبیعی وقایع ، ولادت او به طور کامل با موفقیت به انجام می‌رسید » . هر چند حکم چنین قضیه‌ای در قانون مجازات اسلامی به طور صریح بیان نشده ، ولی با توجه به مفهوم لغوی و حقوقی جنین و این که در این جا ، بخشی از جنین خارج شده و حداقل وصف جنین بودن را به طور کامل ندارد اگر پزشک قابلیت زیست مستقل نوزاد را تایید نماید الحاق وی به انسان با ایراد قابل توجهی مواجه نیست [۲].

تشخیص پایان حیات نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است . به طور کلی انسان از نظر حیات ممکن است در یکی از سه وضعیت زیر باشد :

- حیات پایدار
- حیات غیر مستقر (در حکم مرده – مرگ مغزی)
- مرگ قطعی

قتل شخصی که در حالت نخست باشد عمومی است و جنایت بر کسی که در حالت مرگ قطعی است جنایت بر مرده قلمداد می گردد. جنایت بر کسی که در حیات غیر مستقر باشد نیز در حکم جنایت بر مرده است و عنوان قتل بر آن صدق نمی کند لیکن تشخیص آن بعضاً مشکل است. در این مورد ، عده ای در طول زمان قابل زیستن را ملاک قرار داده ، کسی را که قریباً (ظرف یک یا دو روز) بمیرد دارای حیات غیر مستقر می دانند و عده ای وضعیت جسمی و نشانه هایی نظیر زوال ادراک، شعور ، نطق ، حرکت اختیاری را نمایان گر حیات غیر مستقر می‌دانند.

از آنجا که هیچ یک از این دو ملاک به تنهایی برای تشخیص حیات غیر مستقر کافی نیست باید از عرف نیز کمک گرفت و در جمع اینها گفت : برای تشخیص انسان در حکم مرده بایدبه هر دو عنصر طول زمان و شرایط بدنی مجنی علیه بر فهم عرف توجه شود.

تعیین زمان پایان حیات از این جهت مشکل ساز است که اعضا و جوارح مختلف انسان ممکن است در زمانهای مختلفی از کار بازایستند . به همین دلیل قبلاً زمان مرگ قلب و قطع تنفس به معنی لحظه پایان حیات شمرده می شد . لیکن ، با توجه به این که

---

[۱]. **ماده ۶۲۲ قانون تعزیرات :** هرکس عالماً عامداً به واسطهٔ ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۲۳ قانون تعزیرات : هرکس به واسطهٔ دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب سقط جنین زن گردد به شش ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود و اگر عالماً و عامداً زن حامله‌ای را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری نماید که جنین وی سقط گردد به حبس از سه تا شش ماه محکوم خواهد شد مگر این که ثابت شود این اقدام برای حفظ حیات مادر می‌باشد و در هر مورد حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط داده خواهد شد.

ماده ۶۲۴ قانون تعزیرات : اگر طبیب یا ماما یا دارو فروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا داروفروشی اقدام می‌کنند وسایل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت.

[۲]. دکتر حسین آقایی نیا ، جرایم علیه اشخاص ، نشر میزان

در حال حاضر به دلیل پیشرفت علم پزشکی می توان ، با استفاده از دستگاه های مختلف ، ضربان قلب و جریان تـنفس فـرد را ، حتی پس از توقف آنها ، تا مدتی ادامه داد ، امروزه مرگ غیرقابل بازگشت مغز را زمان پایان یافتن حیات تلقـی مـی کننـد . در مورد ضابطه پذیرفته شده در حقوق ایران ، با توجه به متن « قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیمارانی کـه مـرگ مغـزی آنان مسلم است » ، مصوب سال ۱۳۷۰ ، به نظر می رسد که از لحاظ مقنن ایران هم مرگ مغزی زمان پایان یـافتن حیـات تلقـی می شود . ماده واحده مذکور اشعار می دارد :

« بیمارستان های مجهز برای پیوند اعضا پس از کسب اجازه کتبی از وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشـکی مـی تواننـد از اعضای سالم بیماران فوت شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنان بر طبق نظر کارشناسان خبره مسلم باشد ، به شرط وصیت بیمـار یا موافقت ولی میت ، جهت پیوند به بیمارانی که ادامه حیاتشان به پیوند عضو یا اعضای فوق بستگی دارد استفاده نمایند ».

یکی دیگر از شرایط موضوع جرم قتل این است که « شخص دیگری » غیر از جانی باشد . در اینجا موضـوع خودکـشی مطـرح است. البته **خودکشی** جنبه کیفری نداشته لذا شرکت و معاونت و شروع به آن نیز جرم محسوب نمی شود . لیکن اگر کسی شخص بی اطلاعی را وادار به خودکشی نماید ، مثل اینکه سیم لخت برق را در اختیار دیوانه ای قرار دهد ، در واقع سبب قتل محسوب می گردد . سبب قتل نیز همان گونه که قبلاً اشاره شد در صورتی که قصد قتل داشته یـا عمـل نوعـاً کـشنده باشـد قتـل عمـدی محسوب می گردد. در این حالت نیز سبب اقوا از مباشر است.

از تعریف حقوقی قتل عمدی (سلب عمدی حیات از دیگری بر خلاف قانون) و نیز از مفاد ماده ۲۹۰ قـانون جدیـد مجـازات اسـلامی [هرگـاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد و افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشـد] بـه روشـنی مـشخص است که مقتول باید شخصی غیر از قاتل باشد و به عبارت بهتر لازمه تحقق قتل عمدی ، سلب حیـات از دیگـری اسـت و نـه از خـود و آن دیگری هم به شرحی که آمد انسان زنده است . خودکشی در اسلام حرام و از جمله مستندات آن ، آیه ۲۹ سوره نساء است .

برای خودکشی در قانون مجازات اسلامی مجازات تعیین نشده است و به عبـارت بهتـر خودکـشی از جـرایم مـذکور در قـوانین جزایی ایران نیست . اما منظور از خودکشی از نظر ماهوی سلب عمدی حیات از خویشتن اسـت و بـه عبـارت دیگـر خودکـشی مصداقی از قتل عمدی است با این تفاوت که جانی و مجنی علیه یک نفر است و در هر حال مرتکب باید مختار باشد . بنـابراین چون خودکشی جرم محسوب نمی‌شود ، شروع به آن حتی در مصداق عقیم و نیـز معاونـت در آن بـه لحـاظ ویژگـی اسـتعاری بودن معاونت ، جرم نخواهد بود . با این حال استناد به چنین قواعدی در برابر اقدامی که از نظر شرعی ، اخلاقی و نظم عمـومی مردود است چندان قابل قبول نیست . مقنن ما در بعضی موارد که اقدام مرتکب را مخل نظم و امنیت تشخیص داده است بـدون رعایت قواعد شروع و معاونت ، عمل ارتکابی را جرم و مرتکب را قابل مجازات دانسته (مـواد ۵۱۲ و ۶۱۱ قـانون تعزیـرات) و حتـی گاهی صدمه جسمانی به خود را جرم محسوب داشته است . (ماده ۵۱ قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲) .

با توجه به تعریف خودکشی (سلب عمدی حیات از خود) و ضرورت اختیار مرتکب در تحقق آن ، هر عـاملی کـه عمـد و یـا اختیار مرتکب را متزلزل یا زایل نماید موجب انتفاء عنوان خودکشی در این مفهوم خواهد بود . بنابراین سبب اقوی از مباشر در فرضی مصداق دارد که مرتکب قاصد و یا مختار نبوده ، در اثر فریب یا اجبـار دیگـری مبـادرت بـه خودکـشی کنـد . در یـک مفهوم کلی‌تر می‌توان گفت اگر خودکشی ناشی از سببی باشد که تاثیر آن از مباشرت بیشتر باشد سبب بـه عنـوان قاتـل عمـدی قابل تعقیب خواهد بود . تاثیر سبب و تشخیص اقوی بودن آن از مشکلات حقوق جزا است .

اکراه نیز از مصادیق بارز سبب اقوی از مباشر است ، به موجب ماده ۳۷۵ قانون جدید مجازات اسلامی : « اکراه در قتل ... مجوز قتل نیست بنابراین اگر کسی را وادار به قتل دیگری کنند ..... مرتکب قصاص مـی‌شـود و اکـراه کننـده بـه حـبس ابـد محکـوم می‌گردد.»[1]

[1]. دکتر حسین آقایی نیا ، جرائم علیه اشخاص ، نشر میزان

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

تبصره۱ اگر اکراه شونده طفل غیرممیز یا مجنون باشد فقط اکراه کننده محکوم به قصاص است .

تبصره۲ اگر اکراه شونده طفل ممیز باشد عاقلهٔ او دیهٔ مقتول را می پردازد . در این مورد اکراه کننده به حبس ابد محکوم می شود.

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد این است که مساعدت به خودکشی دیگری با کشتن دیگری بنا به درخواست او (اوتانازی) متفاوت است . اقدام اخیرالذکر ، از لحاظ قوانین ایران ، جرم محسوب می شود و قابل مجازات است[۱] .

استثنائاً در برخی موارد **خودزنی** مثلاً به قصد معافیت از خدمت نظام وظیفه جرم شناخته شده است [۲]. مثلا برابر ماده ۵۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۱) هر کس برای معافیت از خدمت نظام و یا تهدید فرمانده یا رئیس و یا دیگر افراد مافوق عمدا به نحوی به خود صدمه وارد کند که مستلزم معافیت از خدمت باشد . علاوه بر انجام خدمت مقرر به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم می‌شود ، همچنین ماده ۳۳ قانون مزبور می‌گوید : « هر نظامی که برای فرار از کار یا انجام وظیفه یا تهدید فرمانده یا رئیس یا هر مافوق دیگر عمدا به خود صدمه وارد آورد یا به طور مکرر به عدم توانایی جسمی یا روحی متعذر شود و بنابه گواهی پزشک نظامی تمارض او ثابت گردد یا در انجام خدمت بی‌علاقه باشد و این بی‌علاقگی و سهل انگاری عملا در موارد متعدد ظاهر شده باشد »، به مجازات محارب و یا حبس بر حسب مورد مجازات می‌شود .

نهایتا ، برابر ماده ۵۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب بهمن ۱۳۸۲ (روزنامه رسمی شماره ۱۷۱۶۸ – ۱۳۸۲/۱۱/۱۲) هر نظامی که برای فرار از کار یا انجام وظیفه و یا ارعاب و تهدید فرمانده یا رئیس و یا هر مافوق دیگر یا برای تحصیل معافیت از خدمت و یا انتقال به مناطق مناسبتر و یا کسب امتیازات دیگر عمدا به خود صدمه وارد آورد یا تهدید به خودزنی نماید یا به عدم توانایی جسمی یا روحی متعذّر شود و بنا به گواهی پزشک نظامی یا پزشکان قانونی تمارض او ثابت گردد و یا در انجام وظایف نظامی بی‌علاقگی خود را در موارد متعدد ظاهر کند به نحوی که در تضعیف سایر نیروهای نظامی موثر باشد ، علاوه بر جبران خسارت وارده به ترتیب زیر محکوم می‌گردد :

الف – هرگاه در مقابل دشمنان باشد چنانچه عمل وی موجب اخلال در نظام (به هم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام گردد، به مجازات محارب و در غیر این صورت به حبس از دو تا ده سال .

ب – هرگاه در زمان جنگ باشد و در مقابل دشمنان نباشد ، به حبس از یک تا پنج سال .

ج – در سایر موارد ، به استثناء مواردی که صرفا تخلف انضباطی محسوب می شود ، به حبس از سه ماه تا یک سال .

تبصره– مرتکبان به جرائم مذکور در نتیجه اعمال فوق از هیچ امتیازی برخوردار نمی‌گردند و خدمت خود را مطابق مقررات انجام خواهند داد ، مگر آن که ادامه خدمت به هیچ وجه مقدور نباشد .

جرایم جسمانی علیه اشخاص ، اعم از قتل و ایراد ضرب و جرح ، در صورتی به وقوع می پیوندند که جسم و جان قربانی مورد حمایت قانون قرار داشته باشد . در غیر این صورت ، یعنی هرگاه وی به تعبیر فقهی **مهدورالدم** محسوب شود ، ضارب یا قاتل را نمی توان به ارتکاب این جرایم محکوم کرد . به همین دلیل ، تقریباً در همه کتاب های فقهی تعریف قتل را « ازهاق النفس المعصومه » دانسته اند .

بدین ترتیب و با توجه به مقررات فقهی ، همواره اصل بر محقون الدم بودن و حرمت خون انسان است و خلاف آن نیازمند اثبات می‌باشد . اداره حقوقی قوه قضائیه در یک نظریه مشورتی بر این نکته تأکید ورزیده است :

صرف ادعای قاتل به این که مقتول را مهدورالدم می دانسته است کافی برای سقوط مجازات قاتل نمی باشد بلکه مهدورالدم بودن مقتول باید بر دادگاه ثابت شود ».

البته به نظر می رسد که با توجه به این که ممکن است فعل مجرمانه (مثلاً تیراندازی یا چاقو زدن) و نتیجه مجرمانه (مثلاً مرگ در جرم قتل) در دو زمان متفاوت رخ دهند ، اثبات مهدورالدم بودن قربانی در هر یک از این دو زمان برای فرار مرتکب از مسئولیت

---

[۱]. دکتر حسین میر محمد صادقی ، جرائم علیه اشخاص ، نشر میزان

[۲]. ماده ۵۹ ق. مجازات جرائم نیروهای مسلح

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

کیفری کفایت نماید . به عبارت دیگر ، مقتولی **محقون الدم** محسوب می شود که حیات وی هم در زمان وقوع عمل مجرمانه و هم در زمان وقوع نتیجه تحت حمایت قانون قرار داشته باشد . به علاوه ، صرف اثبات مهدورالدم بودن مقتول برای عدم قصاص قاتل کفایت می کند ، اعم از این که قاتل در زمان قتل از این موضوع اطلاع داشته یا بعداً از آن مطلع شود ، زیرا در هر دو حالت یکی از شرایط لازم برای تحقق عنصر مادی جرم وجود ندارد .

حال مهمترین سوالی که باقی می ماند این است که چه اشخاصی مهدورالدم بوده و کشتن آنها ، باعث مسئولیت کیفری مرتکب نمی شود ؟

زن و مرد اجنبی که در حال ارتکاب زنا توسط شوهر زن مشاهده می شوند تنها به نسبت او مهدورالدم هستند و فقط او می‌تواند، بر اساس حق مذکور در ماده ۶۳۰ قانون تعزیرات ، « در همان حال آنان را به قتل برساند » و یا مضروب و مجروح سازد.

گاه خون کسی نسبت به همه مباح است (غیرمعصوم بالاصل) که نمونه بارز آن ساب النبی یا دشنام دهنده به پیامبر « صلی ا... علیه و آله » و ائمه « علیهم السلام » می باشد که به نسبت هر شنونده ای مهدورالدم محسوب می شود .

آنچه که پیچیده تر از موارد فوق به نظر می رسد وضعیت کسانی است که ، به دلیل ارتکاب جرایم مستوجب حد یا حتی محکوم شدن به آنها از نظر قانون و شرع ، مستحق قتل می باشند ، که شامل افرادی مثل لواط کننده ، (یعنی کسی که با محارم نسبی یا با زن پدر یا به عنف زنا کرده و یا غیرمسلمانی که با زن مسلمان زنا کرده است) ، محارب ، تکرار کننده بعضی از جرایم مستوجب حد (مثلاً ارتکاب چهارمین سرقت حدی) و نظایر آنها می شود .

گاه ممکن است کسی مستحق قصاص نبوده و مهدورالدم هم نباشد لیکن دیگری ، به طور صادقانه ، وی را مستحق قصاص یا مهدورالدم تصور کرده و به قتل رساند . در چنین حالتی ، قتل به منزله خطای شبیه عمد بوده و مرتکب محکوم به پرداخت دیه خواهد شد[۱] .

چند نکته :

- برای تحقق جرم قتل تشخیص و تعیین هویت مجنی علیه شرط نیست ولی وجود حیات وی در لحظه وقوع این جرم یکی از شرایط لازم و حتمی است . بدین ترتیب عدم ثبت رسمی واقعه ولادت و یا نداشتن ورقه هویت برای مقتول از نظر قضائی مانع تحقق قتل نیست .
- در سیستم حقوق موضوعه ایران ، طبق ماده ۳۷۱ قانون جدید مجازات اسلامی « هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند و بعد از آن دیگری او را به قتل برساند قاتل همان نفر دوم است اگرچه آسیب سابق به تنهایی موجب مرگ می‌گردید و اولی فقط به قصاص عضو محکوم می شود » . به علاوه ماده ۳۷۲ قانون مزبور می گوید : « هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند به گونه ای که وی را در حکم مرده قرار دهد و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری با انجام رفتاری به حیات غیرمستقر او پایان دهد نفر اول قصاص می شود و نفر دوم به مجازات جنایت بر میت محکوم می‌گردد . حکم این ماده و مادهٔ (۳۷۱) در مورد جنایت غیرعمدی نیز جاری است » .
- در قانون ایران حکم خاصی برای **پدرکشی** موجود نیست و قتل عمدی پدر و مادر و اجداد ، مشمول مقررات عمومی قتل عمدی و مستوجب قصاص می‌باشد . در عین حال علاوه بر کیفر قصاص محرومیت خاصی نیز در این باره پیش‌بینی شده است . طبق ماده ۸۸۰ قانون مدنی قتل از موانع ارث است بنابراین کسی که مورث خود را عمدا بکشد اعم از این که قتل بالمباشره باشد یا بالتسبیب و منفردا باشد یا به شرکت ، دیگری از ارث محروم می‌شود . البته برابر ماده ۸۸۱ قانون مدنی (اصلاحی ۱۳۶۱/۱۰/۸) در صورتی که قتل عمدی مورث به حکم قانون یا برای دفاع باشد مفاد ماده فوق مجری نخواهد بود .
- در قوانین جزائی ایران خودکشی ، شروع و معاونت در آن جرم نیست و مجازاتی ندارد[۲] .
- ماده ۶۳۳ قانون تعزیرات **بچه‌کشی** بر نحو تسبیب را مورد حکم قرار داده چنین مقرردراشته‌است : هر گاه کسی شخصا یا به دستور دیگری طفل یا شخصی را که قادر به محافظت خود نمی‌باشد در محلی که خالی از سکنه است رها نماید به حبس از شش ماه تا دو سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا دوازده میلیون ریال محکوم خواهد شد و اگر در آبادی و جائی که دارای سکنه باشد رها کند تا نصف مجازات مذکور محکوم خواهد شد و چنانچه این اقدام سبب وارد آمدن صدمه یا آسیب یا فوت شود رها کننده علاوه بر مجازات فوق حسب مورد به قصاص یا دیه یا ارش نیز محکوم خواهد شد .[۳]

---

[۱]. دکتر حسین میرمحمد صادقی ، جرایم علیه اشخاص ، نشر میزان .

[۲]. دکترایرج گلدوزیان ، حقوق جزای اختصاصی ، انتشارات دانشگاه تهران

[۳]. دکترمحمدهادی صادقی ، جرایم علیه اشخاص ، انتشارات میزان

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ب – فعل ارتکابی جنایت

قصد ارتکاب جرم باید فعلیت یافته و جانی نیت مجرمانه خویش را جامه عمل بپوشاند. زیرا فقط در این صورت است که مسئولیت جزایی مجرم محقق شده ، قابلیت تعقیب می یابد. بنابراین جانی به مجرد قصد قتل ، هر چند شخص مقصود به سبب دیگری کشته شود، مستوجب عقوبت نمی گردد بلکه باید با انجام عملی وقوع قتل را به سبب آن فعل موجب شود.

۱. فعل و ترک فعل

جانی در اجرای نیت شوم خویش باید متوسل به ارتکاب فعلی شود که بر آن **فعل** صلاحیت انتساب قتل را به خود دارا باشد ، چه در غیر اینصورت نمی توان وی را جنایتکار قلمداد کرد. پس اگر بعد از فعل غیر کشنده‌ای که اصولاً قابلیت ایجاد قتل را ندارد (مانند زدن به دست مجنی علیه با قلم) مرگ حادث گردد ضارب مسئول شناخته نمی شود. زیرا احتمال اسناد جنایت به آن فعل ولو نادر وجود ندارد.

معمولا جانی پس از قصد جنایت با ارتکاب افعالی که وقوع جنایت مترقب بر آن است نیت مجرمانه خویش را محقق می سازد. فعل جانی ممکن است به صور و اشکال مختلف از قبیل زدن ، مجروح کردن با شیئی برنده یا با سلاح گرم، پرتاب کردن و . .. واقع شود.

در مواردی که جانی قصد صریح بر قتل دارد، ویژگی غالباً کشنده بودن فعل ارتکابی ضروری نبوده بلکه به هر نحو و با هر وسیله ای (هر چند نادراً کشنده) جنایت صورت پذیرد، قتل عمدی خواهد بود.

قتل و جنایت اصولاً جرم فعل بوده و **ترک فعل** ، هر چند شخص اخلاقاً و یا به موجب قانون موظف به انجام آن باشد، جزئی از رکن مادی جنایت محسوب نمی گردد . زیرا نمی توان نتیجه مجرمانه را بدان منتسب ساخته آن را علت جنایت دانست . از این رو ترک فعل نه از جهت مباشرت و نه تسبیب و نه از جهت افعالی که شرعاً بر آنها ضمان مترتب است ، مقتضی جنایت انجام شده نیست . لذا ترک محافظت از آفات ، هر چند شرعاً شخص مکلف بدان باشد ، موجب ضمان نمی گردد ، اگر چه تارک گناهکار قلمداد می‌شود . بنابراین ضمان جنایت مترتب به فعل بوده اصل بر عدم ضمان تارک فعل است و از این جهت هر کس انسانی را درحال هلاکت ببیند و با وجود قدرت وی بر نجات ، اقدام به رهایی مهلک ننماید هیچگونه ضمانی نخواهد داشت.

قانونگذار نیز به تبع متون فقهی ترک فعل را مقتضی ضمان ندانسته و انجام فعل مثبت را در تحقق جرم قتل ضروری می شمارد. به موجب ماده ۲۹۰ قانون جدید مجازات اسلامی ، در قتل عمد «ارتکاب فعل » از سوی جانی لازمه تحقق جنایت عمدی بوده و فعل مثبت را جزء ضروری در حصول رکن مادی جنایت عمدی محسوب کرده است .

نهایت اینکه با توجه به مدارک فقهی و قوانین موجود ترک فعل مبنای ضمان در جنایات واقع نمی شود. اگر چه ممکن است درمواردی ، موجب مسئولیت جزایی به عنوان جرمی مستقل از جنایت بر نفس گردد . بنابراین ترک نجات غریق و اطفاء حریق و مانند آن هر چند مرتکب متمکن در دفع آفات مذکور باشد ضمان آور نخواهد بود. مگر در شرایطی که تارک فعل علت جنایت قلمداد می‌گردد.[۱]

اگر چه ترک فعل به تنهایی نمی تواند موجب جنایت گردد. اما در شرایطی خاص وقتی مسبوق به برخی افعال باشد ممکن است به طور غیر مستقیم منتهی به قتل و صدمات بدنی شود. با توجه به ماده ۴۹۲ قانون جدید مجازات اسلامی جنایت ممکن است به مباشرت یا بالتسبیب واقع شود و ماده ۵۰۶ همین قانون در تعریف تسبیب آورده است : تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود . بنابراین چنانچه ترک فعل در شرایطی صورت گیرد که بتوان مرتکب را سبب جنایت محسوب داشت ، با احراز رابطه استناد ، تارک فعل ، هر چند به طور غیر مستقیم عامل جنایت قلمداد شده ، ضامن نتیجه حاصله خواهد بود.

بنابراین عنصر مادی قتل عمدی می تواند از «ترک فعل» نیز تشکیل شود، لیکن باید شرایط ذیل وجود داشته باشد:

- انجام عمل به موجب وظیفه ضروری باشد
- ترک فعل ، عمدی باشد
- نتیجه حاصل شود
- رابطه سببیّت بین ترک فعل و نتیجه ، موجود باشد
- ترک فعل مسبوق به فعل باشد .[۱]

---

[۱] . دکتر محمد هادی صادقی ، منبع پیشین ، ص ۶۵

[۲] . دکترآقایی نیا مخالف شرط پنجم فوق بوده ، معتقد است ترک فعل نباید مسبوق به فعل باشد .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

در صورتی که ترک فعل از وظایف مرتکب نبوده مسبوق به فعل مثبت نباشد قتل عمدی نیست . لیکن مسئولیتهای دیگر در پی دارد و تعزیر می گردد ، همچون موارد مذکور در قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی. همچنین اگر ترک فعل توام با خطای جزایی باشد ، عنصر مادی قتل در حکم شبه عمد را تشکیل می دهد ، مثل سوزن بانی که در راه‌آهن به وظیفه خود عمل نکرده ، موجب مرگ عده‌ای گردد که بر اساس ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات ، مجازات خواهد شد.[1]

از مصادیق قتل عمدی از طریق ترک فعل ، می توان به موارد ذیل اشاره کرد :

مرگ ناشی از ترک فعل متعاقب حبس و توقیف غیر قانونی - اگر کسی مبادرت به حبس و توقیف غیر قانونی شخص دیگری کند متعاقبا او را تشنه و گرسنه نگهدارد تا بمیرد مرتکب قتل عمدی شده است زیرا عمل منفی مرتکب در این حالت مسبوق و مربوط به فعل مثبت قبلی او یعنی حبس و توقیف غیر قانونی می‌باشد .

خودداری از شیر دادن طفل به قصد سلب حیات - برابر ماده ۱۱۷۶ قانون مدنی ، مادر مجبور نیست که به طفل خود شیر بدهد مگر در صورتی که تغذیه طفل به غیر شیر مادر ممکن نباشد . حال چنانچه در شرایط خاصی تغذیه طفل منحصر به شیر مادر باشد و آن مادر به قصد خاتمه دادن به حیات طفل از شیر دادن به او خودداری نماید و طفل بمیرد ، چنین ترک فعلی عنصر مادی قتل عمدی را تشکیل می‌دهد . رها کردن طفل (یا شخصی که قادر به محافظت خود نمی‌باشد) در محلی که خالی از سکنه است ، چنانچه این اقدام سبب وارد آمدن صدمه یا آسیب یا فوت شود ، رها کننده در اجرای ماده ۶۳۳ قانون تعزیرات علاوه بر مجازات حبس یا جزای نقدی حسب مورد به قصاص یا دیه یا ارش نیز محکوم خواهد شد . بدین ترتیب ، ترک فعل مجرمانه می‌تواند ، قانونا منتهی به صدور حکم قصاص شود .

خودداری از نجات طفل در معرض خطر مرگ به قصد سلب حیات - برابر ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی ، نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوین است حال اگر پدری طفل خود را در معرض خطر مرگ ببیند و به تکلیف حضانت خود عمل نکرده و عمدا از نجات طفل خودداری نماید و طفل بمیرد مسئول قتل وی می‌باشد .

خودداری از دادن دارو یا غذا به بیمار به قصد سلب حیات - پزشک و پرستار که بر طبق قرار داد و یا بر حسب وظیفه مسئول مراقبت و مداوا و تغذیه بیمار هستند هر گاه عمدا و به قصد سلب حیات از بیمار و از طریق ندادن دارو و یا غذا موجب فوت بیمار شوند در معرض اتهام قتل عمدی می‌باشند .

خودداری مامور زندان از تحویل لباس و یا دارو به زندانی به قصد سلب حیات - ماموری که مسئول تحویل لباس و یا دارو به زندانی است ، در صورتی که از تکلیف خود عالما و عامدا خودداری کند تا زندانی بمیرد مسئول قتل عمدی او می‌باشد .

خودداری عمدی از نجات غریق - در مورد که کسی موظف به نجات غریق است وقتی با خودداری عمدی از نجات موجب مرگ غریق شود ، در معرض اتهام قتل عمدی است .

خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی — بند ۱ ماده واحده قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی مصوب خرداد ماه ۱۳۵۴ که آیین نامه اجرائی آن در تاریخ ۱۳۶۴/۱۰/۱۰(روزنامه رسمی ۱۱۹۱۳ - ۱۳۶۴/۱۰/۲۹ و ضمیمه ، شماره مسلسل ۵۰۹) به تصویب رسیده مقرر می‌دارد : « هر کس شخص یا اشخاصی را در معرض خطر جانی مشاهده کند و بتواند با اقدام فوری خود یا کمک طلبیدن از دیگران یا اعلام فوری به مراجع یا مقامات صلاحیتدار از وقوع خطریا تشدید نتیجه آن جلوگیری کند بدون اینکه با این اقدام خطری متوجه او یا دیگران شود و با وجود استمداد یا دلالت اوضاع و احوال بر ضرورت کمک ، از اقدام به این امر خودداری نماید ، به حبس جنحه‌ای تا یکسال و یا جزای نقدی تا پنجاه هزار ریال محکوم

---

[1]. نظریه اداره حقوقی شماره ۷/۳۶۴۵ – ۶۹/۱۱/۱۶

ماده ٦١٦ قانون تعزیرات : در صورتی که قتل غیر عمد به واسطهٔ بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود مسبب به حبس از یک تا سه سال و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیهٔ اولیای دم محکوم خواهد شد مگر اینکه خطای محض باشد.

تبصره – مقررات این ماده شامل قتل غیر عمد در اثر تصادف رانندگی نمی گردد.

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

خواهد شد . در این مورد اگر مرتکب از کسانی باشد که به اقتضای حرفه خود می‌توانسته کمک موثری بنماید به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده هزار ریال محکوم خواهد شد . مسئولان مراکز درمانی اعم از دولتی یا خصوصی که از پذیرفتن شخص آسیب دیده و اقدام به درمان او و یا کمکهای اولیه امتناع نمایند به حداکثر مجازات ذکر شده محکوم می‌شوند . نحوه تامین هزینه درمان این قبیل بیماران و سایر مسائل به موجب آیین نامه‌ای است که به تصویب هیات وزیران خواهد رسید . »

بند ۲ ماده واحده برای اشخاصی که قانونا یا بنا به وظیفه ، مکلف به کمک هستند ولی خودداری نمایند . مجازات بیشتری قائل شده و مقرر می‌دارد : « هر گاه کسانی که حسب قانون یا وظیفه مکلفند به اشخاص آسیب دیده و اشخاصی که در معرض خطر جانی قرار دارند کمک نمایند ، از اقدام لازم و کمک به آنها خودداری کنند به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد . » [۱]

از دیگر مصادیق ترک فعل می توان به موارد ذیل اشاره کرد :

ترک انفاق (موضوع ماده ۵۳ قانون جدید حمایت خانواده ، جایگزین ماده ۶۴۲ « قانون تعزیرات » ، مصوب سال ۱۳۷۵) **عدم ثبت واقعه ازدواج دائم** (موضوع ماده۴۹ قانون جدید حمایت خانواده ، جایگزین ماده ۶۴۵ « قانون تعزیرات ») **عدم قبول یا رسیدگی به شکایت یا تظلم از سوی مقامات قضایی** (موضوع ماده ۵۹۷ « قانون تعزیرات ») **گزارش نکردن جرایم مالی توسط رؤسا ، مدیران یا مسئولان سازمانها** (موضوع ماده ۶۰۶ « قانون تعزیرات ») **عدم استماع شکایت کسی که برخلاف قانون حبس شده است از سوی ضابطین دادگستری با مأمورین انتظامی** (موضوع ماده ۵۷۲« قانون تعزیرات ») **عدم تسلیم زندانی یا تظلمات وی به مقامات صالح از سوی مسئولان بازداشتگاه ها و ندامتگاه ها** (موضوع ماده ۵۷۴ « قانون تعزیرات ») **عدم گزارش برخی از جرائم از سوی مأموران** (موضوع ماده ۷۱۱ « قانون تعزیرات ») **عدم گزارش سرقت یا مفقود شدن وسیله نقلیه یا پلاک آن از سوی اشخاص متصرف** (موضوع ماده ۷۲۲ « قانون تعزیرات ») **عدم ذکر تمام واقع از سوی کارشناس** (موضوع ماده ۲۸ « قانون راجع به کارشناسان رسمی »، مصوب سال ۱۳۱۷) **و خودداری از ثبت ولادت یا فوت** (موضوع ماده ۴۸ « قانون ثبت احوال » ، مصوب سال ۱۳۵۵) .

در مورد **فعل ناشی از ترک فعل** باید گفت ، این اصطلاح که در آثار بعضی از حقوق دانان کیفری به کار رفته است ، در ظاهر، جایگاهی در نظام قانونی و فقهی ما ندارد و در عین حال مفاهیم و مصادیق آن هم محل اختلاف است . به نظر می‌رسد پیام حقوقی این اصطلاح این باشد که در باب قتل ، نتیجه را باید ناشی از ترک فعل دانست و نه فعلی که به طور مستقیم علیه مقتول به انجام رسیده است . اظهار نظر دقیق تر در خصوص این اصطلاح که به نظر می‌رسد از نظام‌های حقوقی دیگر به عاریت گرفته شده ، مستلزم بررسی مصادیق مختلف آن است :

- اگر مرتکب ترک فعل و فعل یک نفر باشد ، کاربری این اصطلاح قابل اعتنا نیست زیرا در عمل و صرف‌نظر از این که نتیجه را ناشی از فعل یا ترک فعل بدانیم فقط یک نفر مسئول است .
- اگر مرتکب ترک فعل و فعل دو نفر باشند و منظور ما از به کارگیری اصطلاح فعل ناشی از ترک فعل ، مسئول شناختن ، تارک فعل باشد ، اصطلاح سبب اقوی از مباشر ما را از استفاده از چنین اصطلاحی بی‌نیاز می‌سازد[۲] .

گاه قانونگذار نه فعل یا ترک فعل ، بلکه حالت و وضعیت خاصی را دارای وصف مجرمانه قلمداد می کند . به عنوان نمونه این موارد می توان اعتیاد یا همراه داشتن سلاح ، مواد مخدر ، مشروبات الکلی ، آلات و وسایل مخصوص قمار را نام برد .

سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که آیا جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص به ویژه قتل ، که معمولاً با افعال مثبتی مثل چاقو زدن ، تیرانداختن ، ایراد ضربه ، پرتاب کردن از بلندی ، انداختن در آب ، سم دادن ، فشار دادن گلو و از این قبیل ارتکاب می یابند ، ممکن است در شرایط خاص با ترک فعل ، مثلاً غذا یا آب ندادن یا فرد در حال غرق شدن را از آب بیرون نکشیدن و نظایر آنها ، هم ارتکاب یابند یا خیر .

---

[۱]. دکتر ایرج گلدوزیان ، حقوق جزای اختصاصی ، انتشارات دانشگاه تهران

[۲]. دکتر حسین آقایی نیا ، جرائم علیه اشخاص ، نشر میزان

دکتر میرمحمد صادقی در مجموع شرایط ذیل را برای تحمیل مسئولیت بر تارک فعل در حقوق ایران ضروری می داند :

اولین شرط ، وجود یک وظیفه قانونی (و نه صرفاً اخلاقی) است . لیکن منظور از قانون صرفاً قانون جزا نمی باشد ، بلکه سایر قوانین لازم الاجرا را نیز در بر می گیرد . برای مثال ، مطابق ماده ۱۱۶۸ « قانون مدنی » ، « نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوین است . » همین طور ، طبق ماده ۱۱۷۶ « قانون مدنی » ، هر چند مادر مجبور نیست که به طفل خود شیر بدهد لیکن در صورتی که تغذیه طفل به غیر شیر مادر ممکن نباشد وی چنین وظیفه ای را خواهد یافت . در مواردی هم که دولت و یا اشخاص حقیقی یا حقوقی قراردادهایی را برای انجام وظیفه خاصی با افرادی مثل پزشک ، پرستار ، سوزنبان قطار ، نگهبان زندان و ناجی غریق منعقد می کنند ، می توان گفت که این افراد ، به موجب ماده ۱۰ « قانون مدنی » ، ملزم به اجرای تعهدات ناشی از قراردادهای مذکور بوده و در نتیجه عدم اجرای این وظیفه « قانونی » برای آنان تعهدآور خواهد بود . بدین ترتیب ، ترک فعل اشخاصی چون هم اتاقی یا هم گروه ورزشی و نظایر آن در حقوق ایران ، برخلاف حقوق انگلستان ، نمی تواند موجب مسئولیت آنان در قبال مرگ یا صدمات جسمانی ناشی از ترک فعل مورد نظر باشد .

با توسیع معنی « وظیفه قانونی » می توان گفت که ، با توجه به قواعدی مثل « قاعده لاضرر » و نظایر آن ، ضرر نرساندن به دیگران و رفع خطرات ناشی از اعمال فرد جزء وظایف قانونی اشخاص می باشد و عدم انجام آن موجب مسئولیت آنها خواهد شد . بدین ترتیب ، هر گاه کسی خانه ای را ، به قصد ایراد خسارت به صاحب آن ، آتش بزند و بعد متوجه شود که صاحب خانه در آن خوابیده است ولی ، به جای اقدام به خاموش کردن آتش و نجات جان صاحب خانه ، پیش خود بیندیشد : « چه تصادف خوبی ! چه بهتر ! حالا با مرگ او از شرش راحت می شوم » ، و بدین ترتیب ، علیرغم توانایی برای خاموش کردن آتش ، نظاره گر جان باختن صاحبخانه در آتش شود ، شاید بتوان وی را قاتل عمد محسوب کرد . بدیهی است در صورت عدم احراز عنصر قصد در این حالت اتهام وارده قتل غیرعمدی خواهد بود .

تسری حکم فوق به ماردی که خطر اولیه ناشی از اقدام غیرعمدی فرد بوده است مشکلتر بوده ولی بعید به نظر نمی رسد . فرض کنید راننده ای بر اثر سرعت زیاد و یا هر گونه بی احتیاطی یا بی مبالاتی با عابری برخورد نماید . وی سراسیمه ، به قصد کمک به فرد مصدوم ، از خودرو پیاده می شود ولی وقتی مصدوم را می بیند متوجه می شود که وی طلبکاری است که ماههاست امان وی را برای دریافت طلب خود بریده است . راننده ، برای این که فرد مصدوم بمیرد و از شرش رهایی یابد ، وی را همان طور رها کرده و از صحنه می گریزد و مصدوم ، به دلیل خونریزی زیاد (نه بر اثر تصادف اولیه) جان می دهد . شاید در اینجا بتوان ، به جای استناد به ماده ۷۱۹ « قانون تعزیرات » در مورد فرار راننده پس از تصادف و در نتیجه تعیین مجازات مذکور در ماده برای وی ، در صورت احراز سوء نیت که البته احراز آن آسان نیست ، او را قاتل عمد محسوب کرد .

شرط دوم برای انتساب نتیجه ، یعنی مرگ یا صدمه جسمانی ، به تارک فعل وجود رابطه سببیت است . در صورتی می توان تارک فعل را به دلیل مرگ یا صدمه جسمانی که به دیگری وارد شده است مسئول دانست که این نتیجه از ترک فعل وی ناشی شده باشد . بنابراین ، در صورت وجود یک عامل مستقل دیگر که مرگ قابل استناد به آن باشد ، تارک فعل را نمی توان مسئول نتیجه حاصله دانست .

نمی توان پزشک یا پرستاری را که ، علیرغم وظیفه ای که طبق قانون دارند ، از پذیرش بیمار یا مصدومی در بیمارستان خودداری می کنند و در نتیجه مصدوم می میرد قاتل (اعم از عمدی یا غیرعمدی) دانست . هر گاه بیماری که در بیمارستان بستری است و دوران نقاهت را می گذراند نیاز به تنفس مصنوعی پیدا کند و پزشک یا پرستار وظیفه خود را برای ارائه تنفس مصنوعی به وی انجام ندهد ، یا از روشن کردن مجدد دستگاهی که به بدن بیمار وصل شده و برای ادامه حیات وی ضروری است پس از خاموش شدن آن خودداری نماید ، وی ، حسب مورد و بر اساس عنصر روانی خود ، قاتل عمدی یا غیرعمدی خواهد بود .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

اگر فردی مورد تعقیب حیوان درنده ای قرار گیرد و دیگران به وی پناه ندهند تا حیوان درنده وی را از هم بدرد ، در چنین حالتی نمی توان کسانی را که از پناه دادن فرد فراری خودداری کرده اند قاتل دانست . در برخی از کتب فقهی مسئولیت مربی شنا در مورد مرگ یا صدمه وارد شده به شناگر محدود به حالتی شده است که شخص شناگر یک کودک نابالغ باشد و نه یک شخص بالغ رشید . برعکس ، شنا کردن فرد بالغ رشید ، که بر کار و امور خود مسلط است ، و عدم کمک مربی به وی در حالت نیاز (مثلاً گرفتگی عضله پا) دو موضوع کاملاً متفاوت می باشند و در نتیجه اگر صدمه ای به چنین شناگری وارد شود ناشی از شنا کردن خود اوست و نه عدم کمک مربی به وی .

غذا ندادن مادر به نوزاد شیرخوار ، همان طور که قبلاً دیدیم ، موجب مسئول شناخته شدن مادر در قبال مرگ نوزاد خواهد بود. لیکن هر گاه شخص بالغ رشیدی از پدر و مادر خود درخواست پول برای خرید غذا کند ولی آنان ، علیرغم وظیفه ای که در مورد دادن نفقه به وی دارند ، به او پول یا غذا ندهند و او از گرسنگی بمیرد ، نمی توان پدر و مادر را قاتل (چه عمدی و چه غیرعمدی) دانست ، زیرا عرف مرگ فرزند را در این حالت ناشی از گرسنگی می داند ، که عدم اقدام پدر و مادر باعث ایجاد آن نبوده بلکه آنها تنها مانع تأثیر آن نشده اند ، و عدم ایجاد مانع برای مسئول شناخته شدن فرد در قبال نتیجه حاصله کافی نیست از این روست که به قول صاحب جواهر ، « ترک فعلها در صورتی که علت تلف غیرآنها باشد موجب ضمان نمی گردند... » .

شرط سوم برای مسئول شناخته شدن تارک فعل در قبال مرگ یا صدمه جسمانی حاصله از ترک فعل ، توانایی او برای انجام دادن اقدام مورد نیاز می باشد . بنابراین ، پدری که با مشاهده افتادن و غرق شدن فرزند خردسالش در استخر وی را نجات نمی دهد تنها در صورتی قاتل محسوب خواهد شد که توانایی نجات دادن وی را داشته ولی این کار را نکرده باشد . این مسئولیت شامل پدری که خود اساساً شنا بلند نیست تا بتواند فرزندش را نجات دهد نمی شود . « قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی » مصوب سال ۱۳۵۴ نیز مجازات شدن فرد خودداری کننده از کمک را منوط به « متوجه نبودن هیچ خطری به خود او یا دیگران » کرده است . همین طور اگر بیماری ، که تمایل به مردن دارد ، خود مانع گذاشته شدن دستگاه تنفس مصنوعی از سوی پزشک یا پرستار شود مسئولیتی متوجه آنها در قبال مرگ بیمار نخواهد بود . در صورت «تداخل وظایف » ، مثل این که ناجی غریقی تنها قادر به نجات دو طفل غریق باشد و از آن میان طفلی را که مورد علاقه بیشتر وی است یا با وی رابطه خویشاوندی نزدیکتری دارد نجات دهد ، نیز مسئولیتی در قبال غرق شدن و مرگ طرف دوم متوجه ناجی غریق نخواهد بود .

بالاخره **شرط چهارم** در مورد مسئول شناخته شدن تارک فعل ، وجود عنصر روانی لازم در وی می باشد . به عبارت دیگر ، برای این که تارک فعل به ارتکاب قتل عمدی یا ایراد ضرب و جرح عمدی به دیگری محکوم شود باید این نتیجه مورد تمایل و نظر او بوده یعنی وی این نتیجه را خواسته باشد . بنابراین ، هر گاه ترک فعل صرفاً ناشی از سهل انگاری و غفلت او بوده باشد مسئولیت وی تنها به ارتکاب قتل یا ایراد ضرب و جرح غیرعمدی خواهد بود[1] .

۲. فعل مادی و غیر مادی

گرچه جنایت علیه نفس غالباً به صورت فعل مادی واقع می گردد اما افعال نفسانی و غیر مادی نیز ممکن است در شرایطی منتهی به جنایت شده و مرتکب آن ضامن شناخته شود.

منظور از فعل مادی فعلی است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر بدن مجنی علیه اثرگذار بوده و مرگ در نتیجه صدمات وارده به عضوی محقق می‌شود . از جمله مصادیق این اصطلاح که گاهی **فعل اصابتی** نیز گفته می‌شود عبارتند از ایراد ضرب و جرح ، مسموم کردن ، از ارتفاع پرتاب کردن ، فشار دادن گلو ، آتش زدن و امثال آنها . اغلب قریب به اتفاق قتل‌های عمدی

[1]. دکتر حسین میرمحمد صادقی ، جرائم علیه اشخاص ، نشر میزان

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ناشی از فعل مادی است ولی منحصر به آنها نیست . در تمام این مصادیق دو نکته مشترک است . نخست این که فعلی از ناحیه مرتکب به انجام می‌رسد اعم از این که به طور مستقیم بر تمامیت جسمانی مجنی علیه وارد شود مانند زدن با چوب به سر که منتهی به خونریزی مغزی شود و یا به طور غیر مستقیم به انجام رسد مانند تنظیم بمب ساعتی که متعاقبا منفجر و منتهی به مرگ گردد . در مورد اخیر نیز هر چند عمل مرتکب یعنی تنظیم و یا کنترل بمب از راه دور به طور مستقیم بر بدن مجنی علیه وارد نمی‌شود ولی مرگ در اثر صدمات وارد به اعضای بدن او محقق می گردد . دوم این که در تمام این موارد ، مرگ ناشی از صدمات و ضایعات مادی بر اعضا بدن است .

هرگاه مرتکب با انجام فعلی بدون اینکه که منتهی به صدمه جسمانی به مجنی‌علیه شود موجب مرگ او گردد ، عمل ارتکابی را می‌توان به عنوان رکن مادی قتل عمدی و در مصداق فعل غیر مادی لحاظ کرد . بنابراین تفاوت فعل مادی با فعل غیر مادی منتهی به قتل آن است که در دومی ، صدمه بدنی به مجنی علیه وارد نمی‌شود و به عبارت دیگر مرگ ناشی از ضرب و جرح نیست . لذا می‌توان گفت لازمه تحقق قتل عمدی شکستگی ، پارگی ، سوختگی ، انهدام و یا متلاشی شدن عضوی از اعضاء نیست و گاهی **افعال غیر اصابتی** می‌توانند منتهی به مرگ شده و مرتکب را تحت عنوان قتل عمدی تعقیب و مجازات کرد .

ماده ۵۰۱ قانون جدید مجازات اسلامی مقرر می‌دارد : هرگاه راننده ای که با داشتن مهارت و سرعت مجاز و مطمئن و رعایت سایر مقررات در حال حرکت است ، در حالی که قادر به کنترل وسیله نباشد و به کسی که حضورش در آن محل مجاز نیست ، بدون تقصیر برخورد نماید ، ضمان منتفی و در غیر این صورت راننده ضامن است .

تبصره۱ در موارد فوق ، هرگاه عدم رعایت برخی از مقررات رانندگی تأثیری در حادثه نداشته باشد ، به گونه ای که تقصیر مرتکب علت جنایت حاصله نباشد ، راننده ضامن نیست .

تبصره۲ حکم مندرج در این ماده در مورد وسایل و ابزارآلات دیگر نیز جاری است .

از دیگر مصادیق افعال غیر مادی یا غیر اصابتی ، سحر و جادو است که در متون فقهی موضوع بحث قرار گرفته است. این اقدامات هر چند می‌تواند از مصادیق افعال مذکور در ماده ۵۰۱ قانون مزبور به حساب آید ولی چون معمولا موجب هراس و وحشت نمی‌شود از شمول حکم اخیر خارج است[1] .

در مواردی که فعل غیر مادی صلاحیت ایجاد جنایت را داشته و بتوان وقوع تلف و صدمه را به سبب آن افعال دانست، مرتکب جانی محسوب و محکوم به مجازات می گردد . حقوقدانان اسلامی موارد مختلفی از مصادیق وقوع قتل با اعمال غیر مادی را به استناد روایات مورد بحث و دقت نظر قرار داده اند. از قبیل فریاد زدن بر دیگری و وقوع مدت بلافاصله بعد از آن ، کشیدن سلاح بدون به کار گیری آن به روی دیگری که هراس از آن منجر به مرگ گردد، قتلی که به سبب سحر و علوم غریبه ایجاد شود . در بررسی این مصادیق آنچه مورد توجه حقوقدانان اسلامی است احراز صلاحیت افعال غیر مادی در ایجاد قتل است. برخی ضمن تردید دراستناد قتل به عوامل مذکور ، بنا بر فرض انتساب مرتکب را ضامن شمرده اند.

بنابراین اگر کسی زن بارداری رابه منظور سقط حمل وی بترساند ، در صورت وجود شرایط عمد می تواند محکوم به قصاص گردد. نهایت اینکه منحصر دانستن فعل موجب جنایت در اعمال مادی بلاوجه بوده و در صورت امکان رابطه استناد ، افعال غیرمادی نیز می‌تواند عامل ایجاد جنایت باشد و در این صورت ضمان مرتکب متوقف بر احراز عدوانی بودن فعل اوست زیرا چنانچه گذشت ارتکاب جنایت به وسیله اعمال غیر مادی از مصادیق سببیّت قلمداد شده است.

از این رو اگر کسی کشته شدن فرزند جوان زنی را به طور متعارف به وی اطلاع دهد و آن زن در اثر تألم شدید فوت نماید مسئولیتی متوجه خبر دهنده نخواهدبود.

« سوال : اگر کسی اسب مورد علاقه شخصی را بکشد و یا ساختمان کسی را آتش بزند و صاحب آنها به مجرد دیدن این واقعه سکته کند و بمیرد و پزشک متخصص و موثق علت مرگ را از بین رفتن آنها بداند ، آیا دیه به عهده سبب خواهد بود یا نه ؟ »

---

[1]. دکتر حسین آقایی نیا ، جرائم علیه اشخاص ، نشر میزان

« جواب : در فرض سوال اگر یقیناً بدانیم که عمل شخص سبب مرگ شده ، دیه بر عاقله اوست ، مگر این که شخص متوجه شود که اگر عمل مذکور انجام بگیرد ، صاحب مال سکته خواهد نمود . در این فرض دیه به عهده خود اوست . »

به نظر می رسد حکم به قصاص در حالت اخیر در صورت اثبات شدن عنصر روانی بلاوجه نمی باشد .

سوال قابل طرح در مورد ماده ۵۰۱ این است که آیا حکم آن را باید محدود به موارد ایجاد هراس و وحشت کرد یا این حکم شامل سایر حالات روحی و روانی ، مثل ایجاد شوق ، هیجان ، اضطراب و شادی زایدالوصف هم می شود ؟

۳. صورتهای دخالت در وقوع جرم

جانی ممکن است با ایجاد یکی از عوامل ذیل در وقوع جنایت مداخله نماید :

- مباشرت [علت]
- سبب
- جمع سبب و مباشرت
- شرط

گاه مرتکب مستقیماً موجب بروز جنایتی می شود ، به گونه ای که عرف بدون هیچ گونه شک و تردیدی نتیجه را منتسب به وی می داند . این را مباشرت در جنایت می نامند . [ماده ۴۹۴ قانون جدید مجازات اسلامی]

از سوی دیگر ، گاه مرتکب بدون آن که مستقیماً مرتکب جنایت شود سبب بروز آن را مع الواسطه فراهم می آورد . حالت اول، شامل مواردی است مثل تیراندازی ، سنگ زدن ، فشردن گلو ، قطع اعضا و جوارح ، پرتاب کردن از بلندی یا به درون آب ، ریختن مایع مسموم در حلق قربانی ، انداختن آتش به لباس قربانی ، حبس کردن قربانی و منع وی از غذا و آب و نظایر آنها که موجب مرگ یا ورود صدمه جسمانی به قربانی شود . از سوی دیگر، مواردی مثل چاه کندن یا ریختن مواد لغزنده یا سنگ گذاشتن در محل عبور دیگری ، مسموم کردن غذا یا نوشیدنی که قربانی مصرف می کند ، کرایه دادن خودروی دارای نقص فنی یا سوار کردن مسافر داخل خودرویی که در آن، به دلیل نقص فنی یا زیاد بودن تعداد مسافران ، بین راه باز شده و مسافر به بیرون پرتاب شود ، در اختیار قرار دادن کشتی ناسالم که موجب غرق شدن و مرگ مسافران شود ، گذاشتن چمدان و اثاثیه از سوی راننده یا یکی از مسافران به شکل نامناسبی در بالای سر مسافر دیگر به طوری که ، بر اثر حرکت عادی وسیله نقلیه ، چمدان یا اثاثیه بر روی سر وی بیفتد ، گذاشتن چیزی بر روی دیوار در هوای طوفانی که باعث افتادن آن بر روی رهگذران شود ، برانگیختن حیوان درنده به سوی دیگری یا انداختن او به دریا برای آن که طعمه حیوانات دریایی شود و نظایر آنها ، در صورتی که موجب بروز جراحت یا مرگ قربانی شود ، تسبیب در جنایت نامیده می شود ، که در ماده ۵۰۶ قانون جدید مجازات اسلامی به شکل زیر تعریف شده است :

« تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود ، به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی شد ، مانند آن که چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند . »

حقوق ایران ، به تبعیت از اکثریت فقهای شیعه و سنی ، جنایت را اعم از این که به مباشرت یا تسبیب انجام شده باشد موجب مسئولیت مرتکب می داند . بدین ترتیب ، ماده ۴۹۲ قانون جدید مجازات اسلامی اشعار می دارد ، « جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجهٔ حاصل شده مستند به رفتار مرتکب باشد ، اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آنها انجام شود » . بدیهی است چگونگی این مسئولیت از لحاظ عمدی محسوب شدن یا نشدن و نوع مجازات بستگی به عنصر روانی مرتکب در هر حالت دارد [۱].

در مجموع باید گفت گاه جانی خود مستقیماً علت جنایت را ایجاد می سازد (مباشرت) و در مواردی به طور غیر مستقیم وبا ایجاد سبب جنایت مرتکب جرم می شود (تسبیب) و یا اینکه شرایط تاثیر عوامل فوق را در حصول جنایت فراهم می کند.

از آنجا که معمولا عنوان سبب بر شرط نیز اطلاق شده است قانونگذار متعرض شرط نشده با ذکر سبب خود را بی‌نیاز از بیان شرط دانسته است در صورتی که شرط و سبب در همه موارد از موقعیت و آثار یکسانی برخوردار نبوده و ناگزیر از تفصیل این دو از یکدیگر خواهیم بود .

[۱]. دکتر محمد هادی صادقی ، جرایم علیه اشخاص « صدمات جسمانی » نشر میزان .

اول – مباشرت (علت)

مباشر کسی است که نسبت اتلاف ولو به ایجاد علت بر وی صادق است . مباشرت را ایجاد علت گفته اند و در تعریف علت آورده اند « علت ، هر امری است که از وجود آن معلول و از عدم آن عدم معلول لازم آید مانند قتل با شمشیر و کارد و چوب و خفه کردن با دست و نظیر آنکه همه اینها از مصادیق علت تام و مستقیم و بی واسطه و یا قتل بالمباشره شده است.

علت ممکن است بلا واسطه سبب قتل شود یا با واسطه مانند جراحات کشنده ای که موجب سرایت شده و آن سرایت قتل را باعث گردد. ماده ۳۱۷ قانون مجازات اسلامی و در تعریف مباشرت آورده است : مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شده باشد.

منظور از عبارت جنایت مستقماً توسط مرتکب ..... وقوع بلا واسطه فعل جانی نیست ، بلکه مقصود وجود رابطه مستقیم علیت است ، به طوری که جنایت مستقیماً از نفس فعل جانی ناشی شده و بتوان گفت نوعاً یا بر حسب خصوصیت‌های مورد، تلف از لوازم آن کار است . به عبارت دیگر مباشر کسی است که وقوع تلف عرفاً به نفس کار وی منسوب است و نه به اثر آن.

دوم – سبب

در مواردی مداخله بزهکار و وقوع جرم فراتر از اقدامات ایجادکننده شرط وضعیف تر از علت است ، بگونه ای که جانی با ایجاد سبب جنایت بدون آنکه خود مستقیماً در آن مباشرت نماید مرتکب جرم می گردد.

حقوقدانان اسلامی در تعریف سبب و تشخیص مصادیق آن اختلاف کرده اند . با توجه به تعاریف مختلفی که از سبب شده است می توان گفت : سبب، عاملی است که از عدم آن عدم وقوع تلف و جنایت لازم آید لکن به وجود آن نیز وجود جنایت لازم نمی آید بنابراین گرچه آن عامل علت جنایت نیست اما موثر در وقوع آن است :

مانند کندن چاه در معبر مردم ، انداختن چیزی که موجب لغزش رهگذران در مسیر می گردد. گذاشتن سنگ در راه آلوده کردن غذای مجنی علیه به سم و . . . . . [1]

با توجه به تنوع فعل جانی درایجاد سببیّت در جنایت حقوقدانان اسلامی سبب را به سه نوع متمایز به شرح زیر تقسیم کرده اند:

سبب قانونی، در این نوع جنایت ، جانی ایجاد کننده سببی است که با وجود آن به اعتبار احکام قانونی و شرعی، مجنی علیه نسبت به مرگ یا صدمات مادون نفس استحقاق می یابد . مانند شهادت زور بر قتلی که مستوجب قصاص است که در این گونه موارد قاضی به استناد بینه اقامه شده اقدام به صدور حکم قتل و کمتر از آن می‌نماید.

در این صورت هر چند جنایت واقع شده مبتنی بر حکم قاضی است ، اما در واقع این شهادت کذب است که به حکم قانون موجبات اجرای کیفر را فراهم کرده است . پس اگر شهود در شهادت کذب خود تعمد در قتل داشته باشند ، محکوم به قصاص می گردند ، هر چند گواهان، خود مباشرت در قتل نکرده باشند . بدیهی است اگر قاضی با آگاهی بر کذب بودن گواهی شهود اقدام به صدور حکم کند محکوم به مجازات خواهد بود.

سبب حسی، دخالت در جنایت با ایجاد سبب روانی و با اقدامات غیر مادی از دیگر انواع جنایت بالتسبیب است. در اینگونه موارد علت جنایت فعل دیگری است . اما جانی احساس و اراده مباشر را تا حدودی به خدمت گرفته است.

قتل به سبب عرفی، گاهی ممکن است جانی به اعمالی روی آورد که تفاهم عرفی فعل وی را سبب جنایت می شناسد ، در حالیکه علت جنایت امر دیگری است. اطعام مجنی علیه با غذای مسموم از مصادیق سبب عرفی قتل است ، هر چند که این خود مقتول است که با مباشرت در تناول غذای آلوده به سم اقدام به قتل خود کرده است ، اما در چنین شرایطی با توجه به جهل وی بر موضوع ،عرفاً سبب قتل را میزبان می شناسد.

بدین ترتیب ، برای محکوم کردن کسی به ارتکاب قتل در همه نظام های حقوقی ، صرف اثبات وقوع رفتار خاصی از متهم و رخ دان مرگ قربانی کفایت نمی کند بلکه ، علاوه بر آن ، وجود رابطه سببیت بین این دو نیز باید اثبات شود . این امر صرفاً با نشان دادن

[1]. دکترآقایی نیا ، تقریرات حقوق جزای اختصاصی ۱

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

این که رفتار متهم شرط لازم و ضروری برای تحقق نتیجه بوده است ، و به عبارت دیگر این که « اگر رفتار متهم نبود ، مرگ رخ نمی داد » ، اثبات نمی شود ، بلکه باید رابطه سببیت موثر بین این دو اثبات شود . مثال معروف زیر را به خاطر آورید :

شخصی سگ خود را بدون قلاده به خیابان می آورد . بچه شیطانی سنگی را به طرف سگ پرتاب می کند . سگ ترسیده به وسط خیابان می پرد . راننده ای که در سمت خلاف می راند ، برای پرهیز از برخورد با سگ ، فرمان خودرو را می چرخاند و به عابری که از محلی غیر از محل خط کشی مخصوص عبور عابران از عرض خیابان می گذشته است برخورد می کند . عابر را به بیمارستان می رسانند که بر اثر تزریق داروی غلط از سوی پرستار جان می سپارد .

بدیهی است اگر هر یک از پنج عامل دخیل در حادثه فوق (یعنی نبستن قلاده ، سنگ پرانی ، حرکت خودرو در جهت مخالف ، عبور عابر از محل نامناسب و تزریق نادرست) « وجود نمی داشت » قربانی نمی مرد . لیکن این ضابطه برای تعیین قاتل کافی نیست بلکه باید «عامل موثر » را تشخیص دهیم ، که در مثال مذکور تزریق داروی نادرست است . تشخیص عامل موثر ارتباطی با عمدی یا غیرعمدی بودن آن هم ندارد . فرض کنید کسی عمداً و بدون هیچ دلیل موجهی دیگری را شدیداً مضروب می سازد . شخص ثالثی از روی خیرخواهی مضروب را سوار خودروی خود کرده و بدون مطمئن شدن از بسته بودن کامل درها به حرکت می افتد . در بین راه و در هنگام پیچیدن با سرعت زیاد ،در خودرو باز شده ، مضروب به بیرون افتاده و بر اثر برخورد با سطح خیابان می میرد . در این جا مرگ قربانی را باید به راننده خودرو (هر چند به شکل غیرعمدی) نسبت داد نه به ضاربی که عمداً و با سوء نیت وی را مضروب کرده است ، هر چند که اگر هر یک از این دو واقعه نمی بود ، مرگی هم رخ نمی داد .

صرف این واقعیت که در صورت فقدان یک عامل ، خسارتی وارد نمی شد موجب ایجاد مسئولیت برای به وجود آورنده آن عامل نخواهد شد ، بلکه باید در پی یافتن « عامل موثر » باشیم .

همان طور که صرف اثبات این نکته که در صورت فقدان عامل خاصی مرگی رخ نمی داد باعث احراز رابطه سببیت بین آن عامل و نتیجه نمی شود ، صرف اثبات این که مرگ در هر حال و حتی بدون وجود آن عامل هم رخ می داد لزوماً باعث عدم احراز رابطه سببیت نخواهد شد .

بدین ترتیب کسی نمی تواند ، برای رد اتهام قتل ، مدعی آن شود که قربانی در هر حال ، حتی در صورت عدم دخالت متهم ، به دلایل دیگری مثل بیماری ، در آن زمان یا اندکی پس از آن ، می مرده است . پس کشتن یک بیمار سرطانی یا حادثه دیده که چند روزی بیشتر به پایان عمرش نمانده است باز قتل محسوب می شود . به همین دلیل ، ماده ۳۷۱ قانون جدید مجازات اسلامی اشعار می‌دارد ، « هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند و بعد از آن دیگری او را به قتل برساند قاتل همان نفر دوم است اگرچه آسیب سابق به تنهایی موجب مرگ می‌گردید و اولی فقط به قصاص عضو محکوم می شود » . تنها استثنا در این مورد ، مربوط به زمانی است که هر چند هنوز آثار حیات تا حدی در شخص باقی است ولی وی را در واقع می توان « در حکم مرده » دانست ، که این حالت قابل مقایسه با آخرین دست و پازدنهای یک فرد اعدام شده یا یک حیوان ذبح شده است . ماده ۳۷۲ در این مورد اشعار می‌دارد ، « هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند به گونه ای که وی را در حکم مرده قرار دهد و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری با انجام رفتاری به حیات غیرمستقر او پایان دهد نفر اول قصاص می شود و نفر دوم به مجازات جنایت بر میت محکوم می‌گردد . حکم این ماده و مادهٔ (۳۷۱) در مورد جنایت غیرعمدی نیز جاری است .»

هر چند که این ماده در فصل سوم قانون تحت عنوان « شرکت در قتل » آمده است ولی به نظر می رسد که حکم آن محدود به زمانی که دو نفر هر یک جراحتی بر شخصی وارد کرده اند نیست ، بلکه فرد ممکن است به دلیل دیگری (مثل بیماری یا تصادف یا حمله حیوان) در حکم مرده قرار گرفته و در واقع حیات غیرمستقره داشته باشد ، و در چنین حالتی شخصی با انجام کاری به حیات او پایان بخشد . در چنین حالتی نیز شخص مذکور تنها به پرداخت دیه جنایت بر مرده محکوم خواهد شد .

با توجه به آنچه که گفتیم ، هر عامل مستقلی که رابطه سببیت بین فعل یا ترک فعل اول و نتیجه حاصله را قطع کند (مثل نمونه های فوق) موجب عدم انتساب نتیجه به فاعل یا تارک فعل اول خواهد شد . به عبارت دیگر ، اگر « سلسله ای » از وقایع موجب تحقق

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

نتیجه خاصی شود ، در حالی که همه آن وقایع زنجیروار به یکدیگر متصل می باشند ، انتساب نتیجه به عامل اول بلاوجه نخواهد بود . نمونه بارز این حالت وقتی است که کسی دیگری را مجروح سازد و قربانی بر اثر بی مبالاتی و در نتیجه ابتلا به بیماری کزاز جان بازد . در این حالت ، مرگ را می توان به شخص مجروح کننده نسبت داد ، و وی را قاتل دانست ، چون هیچ عامل مستقلی رابطه سببیت را قطع نکرده بلکه بیماری نیز ناشی از همان جراحت اولیه بوده است . به همین دلیل ، دیوان عالی کشور ایران در پرونده ای که بی مبالاتی پس از جراحت باعث ابتلای قربانی به بیماری کزاز و سپس مرگ وی شده بود اظهار داشته است ، « در منتهی شدن ضرب و جرح عمدی به فوت مجنی علیه ، که موضوع این ماده [ماده ۱۷۹ « قانون مجازات عمومی » سابق در مورد ضرب و جرح منتهی به فوت] می باشد ، اعم است از این که مستقیماً منتج به موت مجنی علیه گردد یا به جهتی از جهات ، ولو این که آن جهت از قبیل نادانی یا بی احتیاطی و بی مبالاتی مجنی علیه باشد و تخصیص دادن ماده به صورت علیت مستقیم و بلافاصله خروج از ظاهر و محتاج به مخصص قانونی است ».

همین طور ، وجود فاصله زیاد بین جراحت و مرگ ، مسئولیت مرتکب را نفی نمی کند . البته هر چه این فاصله بیشتر باشد احراز رابطه سببیت مشکلتر خواهد بود .

- اگر شخص مجروح ، به جای این که از بیماری کزاز یا در نتیجه سرایت زخم بمیرد ، در نتیجه ابتلا به بیماری وبا ، که اپیدمی شده است ، بمیرد ضارب را نباید قاتل دانست ، حتی اگر ابتلای مجروح به بیماری وبا ناشی از ضعف بدنی وی ، که خود در نتیجه جراحت حاصل شده است ، باشد . همین طور ، اگر عدم معالجه جراحت وارده از سوی شخص مجروح آن چنان سهل انگارانه و نامعقول تلقی شود که عرف این بی‌توجهی را عامل موثر مستقلی برای تحقق مرگ بداند ، مجروح کننده را نباید قاتل محسوب کرد ، مثل این که قربانی خواهان مرگ آن چنان در معالجه یک جراحت جزئی بی توجهی نشان داده و قصور ورزد که بر اثر عفونی شدن زخم بمیرد . بر همین اساس ، هر چند اگر کسی با ترساندن دیگری موجب فرار وی و افتادن بدون اراده او از بلندی یا به درون چاه شود ، نتیجه حاصله (مرگ یا جراحت) را می توان به موجب ماده ۴۹۹ قانون جدید مجازات اسلامی ، به ترساننده نسبت داد ، ولی اگر در حین فرار درنده ای وی را مجروح کند یا بکشد ، مسئولیتی متوجه ترساننده نخواهد بود . دلیل این امر آن است که حیوان درنده عامل موثر مستقلی بوده است ، علیرغم این که اگر ترساننده قربانی را نمی‌ترساند وی فرار نمی کرد و در نتیجه به چنگ حیوان درنده هم نمی افتاد . باز به همین دلیل ، در صورتی که قربانی زنای به عنف در حال وضع حمل بمیرد متجاوز را نمی توان قاتل محسوب کرد ، هر چند که اگر او تجاوز نکرده بود وضع حمل پیش نمی آمد و در نتیجه مرگی هم رخ نمی داد . همین طور اگر دختری ، پس از رها شدن از دست آدم ربایان ، از شدت ناراحتی خود را بکشد ، بعید به نظر می رسد که بتوان آدم ربایان را در قبال مرگ وی مسئول دانست ، هر چند که اگر آدم ربایی رخ نمی داد وی خود را نمی کشت . دلیل این امر آن است که با اقدام دختر زنجیره سببیت بین آدم ربایی و مرگ قربانی قطع شده است . از سوی دیگر ، محاکم فرانسه در یک مورد حکم به مسئولیت پرستاری دادند که مسئول نگهداری بیماری بود که مبتلا به جنون خودکشی بود و در غیاب او خود را حلق آویز کرده بود . در پرونده دیگری، راجع به مجنی علیهی که بر اثر ورود جراحت دچار نابسامانی روحی غیرعادی شده و خودکشی کرده بود ، حکم به وجود رابطه سببیت بین فعل متهم و مرگ مجنی علیه داده شد .

سوم – جمع سبب و مباشر

در اینجا جای این سوال هست که در صورت جمع بین سبب و مباشر ، مثل این که کسی چاهی را بکند و دیگری شخص ثالثی را به درون آن بیفکند ، کدام یک را باید مسئول نتیجه حاصله ، اعم از مرگ یا صدمه جسمانی ، دانست . پاسخ این سوال بر اساس نظر مشهور فقهای امامیه ، داده شده است : « در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت مباشر ضامن است ، مگر این که سبب اقوی از مباشر باشد . » همین حکم در مورد اتلاف مال در ماده ۳۳۲ « قانون مدنی » پذیرفته شده است [۱].

بدین ترتیب معلوم می شود که مسئول بودن مباشر منطبق با اصل است و اقوی بودن سبب و مسئول بودن آن نیاز به اثبات دارد .

این صورت [جمع سبب و مباشر] که در واقع جمع دو صورت قبلی است خود دارای دو مصداق است :

مباشر اقوی است . به عبارت دیگر نتیجه یعنی قتل ، به مباشر که مستقیما در سلب حیات مداخله دارد قابل انتساب باشد . چنانچه سبب در قتل عمدی ، عالم و عامد باشد عنوان او معاون در قتل عمدی خواهد بود مانند کسی که سلاح خود را برای ارتکاب قتل در

[۱]. **مطابق ماده ۳۳۲ قانون مدنی :** هرگاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود مباشر مسئول است نه مسبب مگر اینکه سبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد .

اختیار دیگری قرار دهد و قتل با همین سلاح محقق گردد . در غیر این صورت، عمل سبب عنوان جزایی نخواهد داشت. از نظر ساختاری ، مباشر زمانی اقوی محسوب می‌شود که ارکان جرم یعنی ارکان مادی ، معنوی و قانونی را به طور کامل داشته باشد .

سبب اقوی است . در این صورت سبب ضامن است و در مصداق قتل عمدی ، چنین سببی قصاص می‌شود . در بحث جمع سبب و مباشر در قتل عمدی و هر جرم یا جنایتی، توجه به نکات ذیل ضروری است :

۱. در جنایات و از جمله قتل عمدی ، مباشر و سبب هر دو باید انسان باشند و لذا حیوان با شیئی را نمی‌توان مباشر جنایت به حساب آورد . در مثالهای فقها به این نکته توجه شده است . در قانون مجازات اسلامی نیز شیئی یا حیوان علی‌الاصول وسیله ارتکاب جنایت به حساب آمده‌اند (ماده ۵۲۲ قانون جدید مجازات اسلامی) .

۲. در قتل عمدی ، سبب در صورتی اقوی از مباشر است که اختلال و تزلزلی در رکن معنوی و یا شرایط مسئولیت کیفری (عقل ، بلوغ ، اختیار) مباشر حاصل شود به نحوی که جرم محقق نگردد و یا به او قابل انتساب نباشد . بنابراین اگر مباشر قتل، صغیر ، مجنون، جاهل به موضوع یا وصف وسیله ، مکره و غیره باشد و سبب ، عالم ، عامد ، عاقل بالغ و مختار بوده و از این طریق وقوع قتل را هدایت کرده باشد اکراه کننده ، عالم به کشنده بودن وسیله قتل ، شهود عالم به کذب بودن شهادتشان در مقابل مباشر قتل که هیپنوتیزم شونده ، مکره ، جاهل به موضوع یا وسیله ، قاضی جاهل به کذب بودن شهادت هستند با لحاظ سایر شرایط لازم ، سبب اقوی محسوب می‌شوند . با این حال باید توجه داشت که علاوه بر شرایط کلی مذکور ، تعیین سبب اقوی از مباشر باید بر حسب مورد صورت پذیرد و نمی‌توان به طور مثال صرف صغیر بودن مباشر در قتل را لزوما مانعی برای اقوی بودن آن از سببی دانست که عاقل ، بالغ و مختار است . در واقع موضوع یک امرماهوی‌ومفهومی‌است‌ونه‌شکلی.

۳. در قتل عمدی و در مصداق سبب اقوی از مباشر ، احراز رکن معنوی قتل عمدی در سبب ، موضوع ماده ۲۹۰ قانون جدید مجازات اسلامی ضروری است . بر همین اساس است که سبب اقوی را گاهی مباشر معنوی هم نامیده‌اند .

مثال های زیر را می توان از جمله مواردی دانست که در آنها سبب اقوی از مباشر محسوب می شود :

پرستاری ، در اجرای دستور پزشک ، داروی سمی را ، که نمی داند سمی است ، به بیمار می خوراند ، مأمور اجرای حکم اعدام ، به دستور مقام مافوق و بدون اطلاع از نادرستی دستور ، شخص بی گناهی را به جای شخص محکوم اعدام می کند ، زنی که توسط دیگری با خودرو ربوده شده است برای فرار از دست وی خود را از خودروی در حال حرکت به بیرون پرتاب می کند ، زنی برای فرار از تهاجم و تعرض دیگری ، خود را از طبقه بالا به پائین می اندازد ، صغیر غیرممیزی به راهنمایی یک فرد بالغ یا در نتیجه تهدید وی دکمه انفجار بمب را فشار می دهد ، کسانی که در ساختمان بمب گذاری شده یا منفجر شده گرفتار شده اند برای فرار از خطر بمبی که دیگری کار گذاشته یا آتشی که دیگری برافروخته است ، خود را به پائین پرتاب می کنند (مثل بعضی از قربانیان حمله به برجهای دوقلوی سازمان تجارت جهانی در نیویورک در روز یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱) یا بر اثر تبادل آتش بین پلیس و گروگانگیران ، گروگانهائی که در دست گروگانگیران اسیرند و امکان فرار به آنها داده نمی‌شود ، مورد اصابت گلوله های شلیک شده از اسلحه مأموران پلیس قرار می گیرند . مورد اخیرالذکر در دعوایی در سال ۱۹۸۳ در انگلستان مطرح شد که در آن متهم قربانی را به گروگان گرفته و از او به عنوان سپر بلا استفاده و به طرف مأموران پلیس تیراندازی کرده بود . مأموران پلیس در دفاع از خود متقابلاً به طرف گروگان گیر تیراندازی کردند ، که یکی از تیرها به قربانی خورد و وی را کشت . دادگاه ، گروگان گیر را به ارتکاب قتل غیرعمدی محکوم کرد . به نظر می رسد که در همه این موارد، در صورت وقوع جراحت یا مرگ ، سبب (یعنی در مثال های بالا ، به ترتیب ، پزشک ، مقام مافوق ، شخص رباینده یا مهاجم ، شخص بالغ ، بمب گذاران و گروگان گیران) مسئولیت دارند و نمی توان مسئولیت مرگ یا جراحت را به پرستار یا مجری حکم اعدام یا صغیر غیرممیز و یا مأموران پلیس نسبت داد ، یا این که در مثال های مربوط به بیرون پریدن از خودروی در حال حرکت یا از طبقهٔ فوقانی و یا از ساختمان بمب گذاری یا آتش زده شده ، خود قربانی را عامل مرگ یا جراحت وارده به او تلقی نموده و مسبب را از مسئولیت مبری دانست .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

« قانون مجازات اسلامی » معیار خاصی را برای تشخیص اقوی بودن سبب از مباشر ارائه نکرده است . از مجموع مباحث فقها و اشارهٔ ماده ۳۳۲ « قانون مدنی » به عرف به نظر می رسد که اقوی بودن را باید با مراجعه به عرف مشخص کرد و داوری عرف در این مورد بستگی به عواملی چون قانونی بودن اقدام مباشر (مثلاً کشته شدن فرد به گروگان گرفته شده به وسیله تیراندازی مأموران پلیس) ، صغر سن ، جنون ، جهل یا فریب خوردن قربانی (مثلاً راهنمایی کردن یک صغیر غیر ممیز یا مجنون و یا اکراه آنها به تیراندازی به سوی دیگران یا ارائه غذای مسموم به شخص ناآگاه به مسموم بودن آن) و نیز ماهیت انتظار عرف از هر یک از مسبب یا مباشر دارد. برای مثال ، در مورد آنچه که قبلاً راجع به دادن داروی سمی یا نامناسب از سوی پرستار به بیمار بر اثر تجویز پزشک گفتیم ، دلیل انتساب مرگ ناشی از استعمال دارو به پزشک به جای پرستار به بیمار از سوی عرف (حتی در صورت ناآگاهی هر دو نسبت به سمی یا نامناسب بودن دارو) آن است که عرف از پزشک انتظار تجویز داروی مناسب و از پرستار انتظار اجرای دستور پزشک را ، بدون تحقیق در مورد درستی یا نادرستی آن ، دارد . بنابراین ، در مثال مذکور ، عرف پزشک را مقصر می شمارد . برعکس ، در صورت آگاهی پرستار نسبت به این که دارو سمی یا برای بیمار مهلک است ، عرف از وی انتظار عدم اجرای دستور پزشک را دارد . در نتیجه در این حالت پرستار در صورت اجرای دستور پزشک ، به عنوان مباشر مسئول مرگ یا صدمات وارده به بیمار خواهد بود و پزشک ممکن است معاون جرم محسوب شود . همین طور ، موضع حقوق ایران (مذکور در ماده ۳۷۵ قانون جدید مجازات اسلامی) و حقوق انگلستان در مورد مسئولیت مباشر بالغ عاقل ، حتی در صورت اکراه شدن به قتل یا دریافت دستور قتل دیگری ، را می توان مبتنی بر آن دانست .

حکم صحیح در مثال های مربوط به زنی که برای فرار از مورد تجاوز واقع شدن ، خود را از پنجرهٔ طبقهٔ بالا یا از خودروی در حال حرکت به بیرون پرتاب می کند یا فرد گرفتار دریک ساختمان منفجر شده توسط تروریستها که برای فرار از آتش گرفتن به بیرون می پرد و مجروح شده یا می میرد را نیز می توان با مراجعه به عرف روشن کرد . در این موارد عرف مسبب مرگ یا جراحت را شخص متجاوز یا تروریست می داند .لیکن ، هرگاه عکس العمل قربانی از نظر عرف کاملاً نامعقول و غیرمتعارف باشد (مثل این که دختری برای فرار از متلک گویی یک شخص مزاحم خود را زیر چرخهای خودروی در حال حرکتی بیندازد) مرگ یا جراحت وارده را نمی توان به آن شخص مزاحم نسبت داد ، زیرا در چنین حالتی وی عرفاً سبب اقوی از مباشر محسوب نمی‌شود .

انعکاسی از آنچه که گفته شد را می توان در ماده ۴۹۹ قانون جدید مجازات اسلامی ملاحظه کرد که اشعار می دارد ، [هرگاه کسی دیگری را بترساند و آن شخص در اثر ترس بی اختیار فرار کند یا بدون اختیار حرکتی از او سر بزند که موجب ایراد صدمه بر خودش یا دیگری گردد ، ترساننده حسب تعاریف جنایات عمدی و غیرعمدی مسئول است .]

به موجب ماده ۵۲۶ قانون جدید مجازات اسلامی ، هرگاه دو یا چند عامل ، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی ، تأثیر داشته باشند ، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد ، به طور مساوی ضامن می باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئولند . در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار ، جاهل ، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب ، ضامن است .

« قانون مجازات اسلامی » در حالت اجتماع دو سبب عدوانی ، سببی را که تأثیر کارش در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب دیگر باشد ضامن دانسته است .

مطابق ماده ۵۳۵ قانون جدید مجازات اسلامی ، هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد ، ضامن است مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت ، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است . مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می‌شود .

و بر اساس ماده ۵۳۶ ، هرگاه در مورد ماده (۵۳۵) این قانون عمل یکی از دو نفر غیرمجاز و عمل دیگری مجاز باشد مانند آنکه شخصی وسیله یا چیزی را در کنار معبر عمومی که مجاز است ، قرار دهد و دیگری کنار آن چاهی حفر کند که مجاز نیست ، شخصی که عملش غیرمجاز بوده ، ضامن است . اگر عمل شخصی پس از عمل نفر اول و با توجه به اینکه ایجاد آن سبب در کنار سبب اول موجب صدمه زدن به دیگران می شود انجام گرفته باشد ، نفر دوم ضامن است .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

به موجب مواد ۵۰۷ و ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی :

هرگاه شخصی در معابر و اماکن عمومی یا ملک دیگری بدون اذن مالک ، گودالی حفر کند یا چیز لغزنده ای در آن قرار دهد و یا هر عملی انجام دهد که سبب آسیب دیگری گردد ، ضامن دیه است مگر اینکه فرد آسیب دیده با علم به آن و امکان اجتناب ، عمداً با آن برخورد نماید .

هرگاه شخصی یکی از کارهای مذکور در مادهٔ (۵۰۷) این قانون را در ملک خویش یا مکانی که در تصرف و اختیار اوست، انجام دهد و سبب آسیب دیگری گردد ، ضامن نیست مگر اینکه شخصی را که آگاه به آن نیست به آنجا بخواند و به استناد آن ، جنایتی به وی وارد گردد .

تبصره۱ هرگاه شخص آسیب دیده بدون اذن مالک یا با اذنی که قبل از انجام اعمال مذکور از مالک گرفته ، وارد شود و صاحب ملک از ورود او اطلاع نداشته باشد ، مالک ضامن نیست مگر اینکه صدمه یا تلف به علت اغواء ، سهل انگاری در اطلاع دادن و مانند آن مستند به مالک باشد .

تبصره۲ هرگاه کسی در ملک دیگری و بدون اذن او ، مرتکب یکی از کارهای مذکور در ماده (۵۰۷) این قانون گردد و شخص ثالثی که بدون اذن وارد آن ملک شده است ، آسیب ببیند ، مرتکب عهده دار دیه است ، مگر اینکه بروز حادثه و صدمه مستند به خود مصدوم باشد که در این صورت مرتکب ضامن نیست . مانند اینکه مرتکب علامتی هشداردهنده بگذارد یا درب محل را قفل کند لکن مصدوم بدون توجه به علائم یا با شکستن درب وارد شود .

چهارم – شرط

وقوع هر پدیده مجرمانه منوط به وجود شرایطی است که زمینه های ارتکاب آن را فراهم می سازد. شرط هر چیزی است که تاثیر فعل جانی متوقف بر وجود آن است ، اگر چه خود آن در وقوع جنایت دخالت ندارد. به عبارت دیگر شرط آنچنان امری است که از عدم آن عدم وجود معلول لازم می آید ، لکن از وجود آن وجود معلول (جرم) لازم نمی آید.

از این رو وقوع جنایت محصول شرط نیست ، اگر چه همراه و در کنار علت جنایت است ، به نحوی که تحقق جنایت متوقف بر وجود آن است. بنابر این شرط از اجزاء و عناصر اصلی در تکوین جنایت نبوده و فی نفسه موثر درآن نیست ، گر چه ضرورتاً به انتفاء شرط ، حدوث جنایت نیز منتفی می گردد. برای مثال ممسک در جنایت که مجنی علیه را نگه می دارد تا دومی او را به قتل برساند شرط محسوب است. زیرا علت جنایت فعل دومی بوده و امساک مجنی علیه ولوبر نحو اهمال هیچگونه مدخلیتی در سلب حیات نداشته است.

به موجب آراء فقیهان اسلامی گر چه تاثیر موثر منوط به وجود شرط است اما قصاص به شرط متعلق نشده وایجاد کننده شرایط وقوع قتل را مشمول این مجازات ندانسته اند.[۱]

در مورد **اثبات رابطه استناد** باید گفت ، قتل عمدی به عنوان یک جرم مقید نیاز به اثبات این امردارد که بین عمل مجرمانه مرتکب ووقوع نتیجه (سلب حیات دیگری) رابطه علیت وجود دارد و عوامل دیگری اگر چه طبیعی این رابطه را قطع نکرده اند . در صورتی که تنها یک عامل انسانی بدون دخالت سایر عوامل انسانی و طبیعی ، مرگ دیگری را به وجود آورده باشند تشخیص عامل قتل مشکل نیست ، اما در غالب موارد تشخیص مقصر به سادگی امکان پذیر نیست.

در مورد **حالات مختلف تاثیر عوامل گوناگون در قتل** باید گفت ، اگر عوامل متعدد در عرض یکدیگر باشند(هر یک به تنهایی موثر بوده، تاثیر یکی منوط به دیگری نباشد) همگی عوامل ضامن هستند، خواه این عوامل سبب باشند خواه مباشر ، مثل اینکه علت قتل ، ضربه چاقو از طرف « الف » و خوردن غذای مسموم که « ب » برای مقتول تهیه کرده است باشد . در صورتی که عوامل متعدد در طول یکدیگر واقع شده باشند به نحوی که تاثیر هر یک متوقف به وجود دیگری باشد ، تشخیص مقصر با مشکل مواجه است. در این صورت نظریات گوناگون ذیل مطرح شده است :

عامل ضروری – سبب جنایت عاملی است که بدون آن ، مجرم واقع نمی شود در واقع اولین عامل از سلسله مراتب عوامل است. مثال : سگی به علت عدم مراقبت مالک ، پای عابری را گاز گرفته ، این امر موجب سرایت آلودگی شده ، عابر بر اثر بیماری کزاز فوت می کند ، که طبق این نظریه ، صاحب سگ ، ضامن است.

---

[۱]. دکتر محمد هادی صادقی ، منبع پیشین

برابری عوامل – در این نظریه همه عوامل بطور مساوی مسئولیت دارند ، چرا که هر یک در وقوع قتل نقش داشته اند.

عامل مستقیم و بی واسطه – نزدیکترین سبب ، عامل جرم شناخته می شود . این نظریه به آخرین عامل توجه دارد.

عامل پویایی نتیجه – در میان عوامل پویا وایستا، نتیجه جرم مستند به عامل پویاست ، مثال: سابقه بیماری قلبی و ضربه وارده موجب مرگ شخص می شود. طبق این نظریه ، ضارب عامل قتل شناخته می شود. هر چند به تنهایی مرگ آور نباشد.

عامل متعارف و اصلی – تنها اسبابی که عادتاً نتیجه مجرمانه را به وجود می آورد مقصر هستند و عوامل اتفاقی مسئولیت زا نیستند . در مجموع باید گفت آراء قضایی به نظریه خاصی تمایل ندارند . به نظر می رسد بهترین ملاک در احراز رابطه علیت و انتساب جنایت صدق عرفی باشد، لذا باید عرف را ملاک قرار داد.

در مورد **عوامل قاطع رابطه استناد** باید گفت ، گاهی اوقات ، عواملی ارتباط میان فعل و نتیجه مجرمانه را قطع می کنند، گاهی مجنی علیه این عمل را انجام می دهد و گاهی شخص ثالث این نتیجه را قطع می کند ، مثل شخصی که دیگری را با قصد از ارتفاع غالباً کشنده پرتاب می کند ولی قبل از اصابت به زمین دیگری او را با شلیک گلوله به قتل می رساند که شخص اخیر، ضامن است. عامل طبیعی نیز می تواند رابطه استناد را قطع کند . مثل اینکه شخصی ، دیگری را مجروح ساخته و مجنی علیه مورد حمله وحوش قرار می‌گیرد که در این صورت ، جارح ضامن نیست ، زیرا ظهور عامل جدید مرگ را به خود منتسب ساخته است ، لیکن در این موارد اگر جارح خود سبب حیوان را فراهم کرده باشد ، مسئول جنایت خواهد بود.

در مورد **جرایم علیه مادون نفس** باید گفت ، در جرایم علیه مادون نفس نتیجه ای که حاصل می شود کمتر از مرگ قربانی است ، و بنابراین ، مجازات این جرایم هم از مجازات قتل کمتر است . شدت مجازات این جرایم در قوانین کشورهای مختلف معمولاً رابطه مستقیم با شدت صدمهٔ وارده به قربانی دارد .

در حقوق ایران و فقه اسلامی نیز میزان صدمهٔ وارده ضابطهٔ مهمی برای تعیین شدت جرم و میزان مجازات مرتکب [اعم از قصاص ، دیه یا تعزیر] می باشد . بدین ترتیب ، دیهٔ اعضاء ، حواس و منافع مختلف و دیهٔ انواع جراحات و صدمات در مواد گوناگون " قانون مجازات اسلامی " تعیین شده است . در صورت عدم تعیین دیهٔ خاص برای صدمهٔ وارده ، ارش [یعنی تفاوت قیمت بین عضو سالم و معیوب] از سوی دادگاه تعیین می شود ، که طبعاً میزان آن بر اساس شدت صدمهٔ وارده متفاوت خواهد بود . ایرادی که از این نظر به قانون ایران وارد است عدم تعیین تکلیف برخی از صدمات ، مثل ابتلا به بیماری ایدز یا هپاتیت و نظایر آنها می باشد . عدم تعیین میزان دیهٔ این صدمات در قانون به معنی لزوم تعیین ارش برای آنها از سوی قاضی است ، در حالی که به نظر می رسد ارش برای صدمات جزئی تری که تکلیف آنها از سوی شارع مشخص نشده پیش بینی شده است و تعیین آن از سوی قاضی برای صدمات سنگینی مثل آنچه که مورد اشاره قرارگرفت صحیح نمی باشد .

آنچه که از مجموع مواد قانون برمی آید ، آن است که حداقل صدمهٔ لازم برای شمول دیه نسبت به مرتکب ، تغییر رنگ دادن پوست صورت یا هر عضو دیگر بدن است که میزان دیهٔ موارد مختلف تغییر رنگ [سیاه شدن ،کبود شدن ، سرخ شدن] در ماده ۷۱۴ قانون جدید مجازات اسلامی پیش بینی شده است . در صدمات کمتر از آن تنها اگر تورم ایجاد شود ، به موجب ماده ۷۱۵ و اگر پوست سر تغییر رنگ دهد ، به موجب تبصره ۲ ماده ۷۱۴ ، پرداخت ارش لازم خواهد بود و البته هرگاه عمل ارتکابی نوعی توهین عملی محسوب شود ، به نظر می رسد ، اعمال مجازات توهین [به شرح مذکور در ماده ۶۰۸ قانون تعزیرات ، در مورد توهین ساده یا موارد دیگر قانون در مورد توهین های مشدد] نیز امکان پذیر خواهد بود .

مجازات تعزیری علیه آن دسته از مرتکبان جرایم علیه مادون نفس که قصاص علیه آنها قابل اجرا نیست در صورتی که عمل آنها موجب [نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دایمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنیٌ علیه گردد] ، به موجب ماده ۶۱۴ قانون تعزیرات ، تعیین شده است . در صورت منتهی نشدن صدمه به نتایج مذکور ، مجازات مرتکب ، مقدارکمتری خواهد بود . به علاوه ، ممکن است وجود عوامل دیگری باعث جرم انگاری

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که منابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

از سوی قانونگذار شده باشد ، مثل استفاده از اسلحه ،چاقو و امثال آن [موضوع تبصره ماده ۶۱۴ " قانون تعزیرات "] ، اخاذی و تهدید و سلب آسایش و آرامش عمومی از طریق قدرت نمایی با اسلحه یا هیاهو و جنجال (موضوع مواد ۶۱۷ و ۶۱۸ قانون تعزیرات) ، استفاده از دستگاه های مخابراتی ، مثل تلفن ، جهت ایجاد مزاحمت برای مردم (موضوع ماده ۶۴۱ قانون تعزیرات) و نظایر آنها .

یکی دیگر از مواردی که جرایم علیه اشخاص بدون نیاز به منتهی شدن به نتیجهٔ خاصی قابل مجازات دانسته شده است موردی است که این جرایم به شکل تهدید دیگر ی به قتل و ضرب و جرح ارتکاب می یابد . این عمل در ماده ۶۶۹ " قانون تعزیرات " مصوب سال ۱۳۷۵ با شلاق تا ۷۴ ضربه یا حبس از دو ماه تا دو سال و نیز در قوانین بسیاری از کشورهای دیگر قابل مجازات دانسته شده است[۱] .

بند دوم – رکن معنوی جنایات عمدی

رکن معنوی به عنوان یکی از پایه های اساسی در جرائم عمدی به نیت باطنی و خواست مجرمانه مرتکب تعبیر شده است . به نحوی که طی آن اراده جانی متوجه انجام فعل ممنوع و تحقق نتیجه‌ای است که از طرف قانونگذار جزائی جرم قلمداد شده‌است .

در تبیین مفهوم عمد می توان چنین گفت : « عمد یا قصد جزائی عبارت از انصراف اراده جانی به وقوع فعل و عنوان مجرمانه با علم به ممنوعیت آن است ».

رکن معنوی جنایات عمدی متشکل از چندعنصر اساسی است . زیرا جنایت از جرائم مقید به نتیجه است به همین دلیل نه فقط سوء نیت عام بلکه احراز سوء نیت خاص نیز شرط تحقق عمد است.

در تالیفات حقوقدانان اسلامی از این دو جزء به عنوان عمد در فعل و عمد در نتیجه تعبیر شده است . علاوه بر قصد عام و قصد خاص ، آگاهی جانی بر ممنوعیت فعل و نتایج مورد نظر و نیز امکان اسناد معنوی جنایت به اراده جانی از موضوعات دیگری است که در بررسی رکن روانی جنایات عمدی باید مورد توجه قرارگیرد[۲] .

الف– قصد فعل

به منظور احراز عمد در جنایات ،قصد نتیجه به تنهایی کافی نبوده و علاوه بر آن قصد فعل نیز از اجزاء ضروری در تشخیص عمد است ، به طوری که فقدان هر یک مخل ثبوت عمد در جنایت می‌گردد. [عاملاً فی فعله ، عاملاً فی قصده]

مراد از عمد در فعل آن است که جانی به منظور دستیابی به نتیجه مجرمانه، عمل موثر در وقوع جنایت را آگاهانه و با اختیار قصد کند. از این رو اگر جانی پس از قصد جنایت و پیش از به مرحله اجرا در آوردن قصد خویش به سبب عروض جنون ، فاقد قصد و اختیار شده و در همین حال مرتکب جنایت بر شخص مقصود گردد ، جانی عمد شناخته نمی شود. زیرا ، هر چند در زمان افاقه قصد صدمه بر مجنی علیه را داشته است ، اما با توجه به حالت جنون وی ، قصد فعل واقع شده مخدوش بوده و مانند آن است که شخص دیگری را بر روی مجنی علیه پرتاب کرده و اورا بکشند ، در این صورت اگر چه شخص پرتاب شده

---

[۱]. دکتر حسین میرمحمد صادقی ، جرایم علیه اشخاص ، نشر میزان .

ماده ۶۰۸ قانون تعزیرات : توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه و یا پنجاه هزار ریال تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود.

ماده ۶۱۴ قانون تعزیرات : هر کس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضاء یا منتهی به مرض دایمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی علیه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می‌شود.

تبصره– در صورتی که جرح وارده منتهی به ضایعات فوق نشود و آلت جرح اسلحه یا چاقو و امثال آن باشد مرتکب به سه ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد.

ماده ۶۱۷ قانون تعزیرات : هر کس به وسیلهٔ چاقو و یا هر نوع اسلحهٔ دیگر تظاهر یا قدرت نمایی کند یا آن را وسیلهٔ مزاحمت اشخاص یا اخاذی یا تهدید قرار دهد یا با کسی گلاویز شود در صورتی که از مصادیق محارب نباشد به حبس از شش ماه تا دو سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۶۱۸ قانون تعزیرات : هرکس با هیاهو و جنجال یا حرکات غیر متعارف یا تعرض به افراد موجب اخلال نظم و آسایش و آرامش عمومی گردد یا مردم را از کسب و کار باز دارد به حبس از سه ماه تا یک سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۶۴۱ قانون تعزیرات : « هرگاه کسی به وسیله تلفن یا دستگاههای مخابراتی دیگر برای اشخاص ایجاد مزاحمت نماید علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات، مرتکب به حبس از یک تا شش ماه محکوم خواهد شد.»

ماده ۶۶۹ قانون تعزیرات : هر گاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشاء سری نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

[۲]. دکتر محمد هادی صادقی ، جرائم علیه اشخاص (صدمات جسمانی) ، نشر میزان

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که منشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

قبلاً قصد قتل مجنی علیه را داشته باشد ، اما از آنجا که در زمان وقوع فعل بدون قصد و اراده است ،امکان انتساب جنایت به وی منتفی بوده، قاتل شناخته نمی شود.

باید توجه داشت که در جنایات آنچه ملاک در سوء نیت عام است قصد فعل واقع شده بر مجنی علیه است و از این رو در احراز عمد در فعل باید به دو نکته اساسی توجه شود . اول اینکه جنایت به همان فعلی که مقصود جانی بوده است صورت پذیرد و ثانیاً فعل متوجه شخص مورد نظر جانی شده و بر روی شخص مقصود واقع گردد .

۱. وقوع جنایت به فعل مقصود

احراز عمد در جنایت آن است که مجنی علیه به همان فعلی صدمه دیده باشد که از طرف جانی برای ارتکاب جرم قصد شده است ، پس اگر جانی قصد قتل دیگری را با مسموم کردن وی داشته و اتفاقاً در جریان شکار و در حالیکه به طرف حیوانی تیراندازی می کند به طور ناگهانی شخص مورد نظر را به قتل برساند ،قاتل عمد شناخته نمی شود. زیرا هر چند شخص مقصود کشته شده است، لکن فعل واقع شده بر مجنی علیه را قصد نکرده است. بنا بر این اگر جنایت به سبب علتی غیر از آنچه که مقصود جانی بوده است حادث شود جنایت عمدی نخواهد بود ، اگر چه اصل جنایت مستند به وی تشخیص می گردد.

حال این سؤال مطرح می شود که اگر جانی قصد کند که مجنی علیه را با پرتاب کردن از بلندی به قتل برساند ، در صورتی که پس از پرتاب و قبل از اصابت به زمین در اثر خوف و هراس بمیرد ، یا در صورتی که پس از پرتاب مجنی علیه به طرف دریا کوسه وی را ببلعد ، آیا عمد تلقی می شود ؟ در پاسخ ، حقوقدانان اسلامی نظریات متفاوتی مطرح کرده اند :

برخی جانی را عامد در جنایت شناخته‌اند . گروهی دیگر جنایت را عمدی نشمرده‌اند . زیرا قاتل این نحو از اتلاف را قصد نکرده است و تلف با وسیله ای روی داده که مقصود نبوده و مانند آن است که اصلاً قصد تلف او را نداشته است[۱].

بنابراین آنچه متقین در ثبوت قصاص می باشد، حاصل نیامده و این مانند آن است که جانی مقتول را از بلندی به زیر افکند و بر زمین نرسیده ، دیگر ی وی را با سلاح به قتل برساند. صاحب شرایع این نظر را مرجع دانسته است.

با توجه به اقوال مختلفی که در این باره ذکر شده است و در مقام جمع آرا مذکور می توان گفت : چنانچه جانی به طور مطلق قصد اتلاف و جنایت را به هر نحو داشته باشد، در عمدی بودن جرم تردیدی نخواهد بود. زیرا هر نوع تأثیری که فعل مقصود در وقوع جنایت داشته باشد، داخل در قصد بوده و از این رو در احراز عمد وی کافی است. زیرا قصد جنایت به طور مطلق داشته است. همچنین در مواردی که جانی سبب معینی را قصد کند ، لکن جنایت به علتی دیگر واقع شود ، چنانچه عامل و سبب جنایت داخل در قصد سبب معین باشد ، جنایت عمدی است . زیرا آنچه موجب جنایت شده است ، امری منفک و منتزع از سبب مقصود جانی نبوده و در واقع ضمن قصد سبب معین ، بدان نیز قصد شده است ، از این رو اگر مجنی علیه را به قصد غرق کردن در آب به دریا افکند و قبل از رسیدن به آب کوسه وی را در هوا بکشد ، قتل عمدی است. زیرا وجود اینگونه خطرات در دریا قابل پیش‌بینی بوده و قصد پرتاب کردن در دریا قصد اتلاف به وسیله جانوارن دریایی را نیز در خود دارد .

اما اگر سبب جنایت از لوازم عرفی و یا عوارض طبیعی فعل مقصود نبوده و امری خارج از قصد مجرم باشد، جنایت عمدی شناخته نمی شود . مثلاً در یک فرض نادر اگر جانی با قصد غرق کردن مجنی علیه کودک شیرخواری را به دریا افکند و قبل از وصول به آب اتفاقاً به وسیله پرندگان وحشی کشته شود ، در این صورت هر چند جنایت مستند به فعل جانی است ، اما سبب قتل داخل در قصد تلف با پرتاب کردن در آب نبوده است .

بنابراین هرگاه شخصی با وسیله و فعلی مشخص قصد قتل نماید ، لیکن جنایت به سبب و طریقی دیگر واقع شود، در صورتی که فعل موجب جنایت داخل در قصد سبب معین ولو بر نحو اجمال باشد، قتل عمدی بوده و موجب قصاص است . اما اگر فعل واقعه هیچگونه ارتباط و مدخلیتی در فعل قصد شده نداشته باشد ، عمد ثابت نخواهد بود زیرا قتل به فعل مقصود حاصل نشده است.[۲]

---

[۱]. شهید ثانی ، مسالک جلد ۲ ، ص ۴۵۷

[۲]. دکترمحمدهادی صادقی ، منبع پیشین ، ص ۱۰۹

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۲. قصد شخص معین

علاوه بر لزوم قصد فعل واقع شده ، توجه ذهنی جانی به شخص مجنی علیه نیز از اجزاء ضروری دیگر در ثبوت عمد است. به عبارت دیگر نه تنها لازم است فعل واقع شده از سوی مجرم قصد شده باشد، بلکه علاوه بر آن ، شخصی که فعل زیانبار بر وی اعمال شده نیز باید مقصود جانی بوده و فعل قصد شده بر شخص مورد نظر واقع شده باشد.

قصد شخص مجنی علیه ممکن است به صورت مطلق و یا مقید باشد.

قصد شخص معین به طور مقید وقتی است که جانی قصد جنایت بر شخص یا اشخاصی معین داشته و با فعل خویش موجب مرگ یا صدمه بر فرد یا افراد مورد نظر خود شده است.

قصد شخص به طور مطلق یا غیر معین وقتی است که جانی قصد جنایت بر فرد یا افراد بخصوصی ندارد ، بلکه به طور کلی خواست وی وقوع جنایت نسبت به هرکسی است که فعل بر او واقع شود ، مانند آنکه تیری را به طرف جمعیتی رها کند بدون آنکه شخص معینی را قصد کرده باشد . در واقع قصد شخص مجنی علیه را به طور ضمنی داشته است . زیرا در قصد کلی قصد افراد نیز قهراً وجود دارد . بنابراین در احراز عمد کافی است جانی قصد جنایت بر فردی غیر معین از یک جمع را نموده وی را به قتل برساند.

قانونگذار در بند « ۱ » ماده ۲۹۰ قانون جدید مجازات اسلامی ، با توجه به منابع فقهی ، ثبوت عمد در جنایت را منوط به قصد شخص معین دانسته احراز « قصد فعل واقع شده بر مجنی علیه » را ضروری شمرده است . به طوری که به رغم وجود قصد قتل چنانچه فعل ارتکابی متوجه شخص غیر مقصود شده و موجب مرگ وی گردد قتل عمدی نخواهد بود زیرا آنچه مقصود جانی بوده واقع نشده و قتل واقع شده بر مجنی علیه نیز مقصود وی نبوده است[۱].

ب – قصد نتیجه

جزء دیگر رکن روانی در جنایات عمدی قصد خاص یا قصد مرگ و صدمه بر مجنی علیه است. زیرا این جنایت از جرایم قصد به نتیجه بوده و تمام شدن جرم متوقف بر حدوث مرگ یا ضرب وجرح است.

از این رو ثبوت عمد علاوه بر قصد فعل نیازمند وجود قصد جنایات و نتیجهٔ حاصل است . قانونگذار ضرورت قصد خاص را در مادهٔ ۲۹۰ قانون جدید مجازات اسلامی با عبارت « ایراد جنایت » مورد توجه قرار داده و بر آن تأکید کرده است.

قصد نتیجه ممکن است به یکی از دو صورت « قصد صریح و ابتدایی » و یا « قصد تبعی » محقق گردد.

۱. قصد ابتدائی و صریح

قصد ابتدایی یا صریح که به آن قصد اصالی و مستقیم نیز گفته می‌شود، وقتی است که جانی به روشنی قصد کشتن یا قطع یا جرح عضو دیگری را داشته ، اراده ابتدایی وی بر قتل یا صدمه بر مجنی علیه تعلق گرفته باشد. در این صورت چگونگی انجام فعل ارتکابی و ویژگیهای آلات و ابزار جنایت در نوع جرم مؤثر نبوده و در هر حال جنایت مذکور عمدی قلمداد می‌گردد.

زیرا آنچه ملاک در تحقق عمد است، قصد جنایت بر دیگری با انجام امری است که به وسیله آن جنایت بر مجنی علیه واقع شده است . از این رو حقوقدانان اسلامی عموماً در بیان ضابط عمد ، ارتکاب هر فعلی را با وجود قصد قتل و یا قصد قطع و جرح بر اعضاء در ثبوت آن کافی شمرده‌اند و جنایت را عمدی و مرتکب را مشمول قصاص می‌دانند .

گاه جانی با وجود قصد ابتدائی بر عزم خویش جزم داشته و با انجام فعلی که عادتاً منتهی به جنایت می‌گردد ، مجنی علیه را هدف قرار می دهد مانند آنکه با استفاده از سلاح در هلاکت وی مباشرت نماید. اما در مواردی به رغم وجود قصد ابتدائی بر قتل، به انجام فعلی دست می زند که هر چند عادتاً نتیجه مرگ را به دنبال ندارد، اما وی با ارتکاب آن فعل به وقوع جنایت امیدوار است. مثلاً مجنی علیه را به قصد قتل نزد حیوان درنده ای که خوی وحشیگری خود را از دست داده است ، انداخته و در حالیکه امید و آرزوی مرگ وی را دارد در اثر حمله آن حیوان کشته شود. در این صورت گرچه حدوث قتل به سبب آن

[۱]. دکترمحمدهادی صادقی ، منبع پیشین

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

فعل محتمل و غیر قطعی است، اما جانی بر این احتمال امید بسته و آگاهانه فعلی را مرتکب شده است که ممکن است مقصودی را محقق سازد. بنابراین آنچه واقع شده مقصود وی بوده و بر آن عمد داشته است.

دکتر میر محمد صادقی می نویسد : مواردی که مرتکب با انجام کاری قصد کشتن یا قطع عضو یا مجروح کردن دیگری را داشته باشد ، و عملاً به نتیجه مورد نظر خود برسد ، بدون توجه به نوع وسیله به کار رفته و بدون توجه به این که آیا آن کار نوعاً چنین نتیجه ای را در بردارد یا خیر ، عمدی محسوب می شود .

بدین ترتیب هرگاه شخصی ، به قصد کشتن یا مجروح کردن دیگری ، به کتک زدن وی با یک تکه چوب نازک بپردازد و عملاً باعث مرگ یا مجروح شدن قربانی شود ، جرم وی عمدی محسوب خواهد شد ، هر چند که این عمل نوعاً چنین نتیجه‌ای را در برندارد . لازم به ذکر است که بسیاری از فقهای اهل سنت ، از جمله ابوحنیفه ، فعل عمدی را فعلی می دانند که نوعاً کشنده باشد ، یعنی با ابزاری مثل سلاح و نظایر آن انجام گیرد .

از نظر حقوق ایران ، وقتی مرتکب با قصد کشتن یا مجروح کردن دیگری عملی را انجام می دهد که می داند شانس موفق شدن در آن کم است نیز عمل وی ، در صورت حصول نتیجه ، عمدی محسوب خواهد شد . پس اگر کسی با سلاحی که بُرد آن بسیار کم است شخصی را که در فاصلهٔ زیادی از وی قرار دارد ، به قصد کشتن او ولی با علم به این که احتمال موفقیت وی بسیار کم است ، هدف بگیرد و گلوله به قربانی اصابت کرده و وی را به قتل رساند ، چنین قتلی عمدی محسوب خواهد شد . همین طور اگر کسی ، با کشیدن ماشهٔ هفت تیری که تنها یک گلوله در آن است ، دیگری را به قصد قتل هدف بگیرد ، در حالی که می داند احتمال قرار داشتن گلوله در مقابل ماشه و در نتیجه شلیک شدن آن ، با احتساب احتمالات ، تنها یک به هفت است ، در صورت شلیک شدن گلوله و کشته یا مجروح شدن قربانی ، عمل مرتکب عمدی محسوب می شود . همین حکم در مواردی جاری خواهد بود که کسی ، به قصد کشتن مقام بلند پایه ای ، غذای وی را مسموم کند در حالی که می‌داند، به احتمال قریب به یقین ، محافظان وی قبل از خودش غذا را می چشند تا از سالم بودن آن مطمئن شوند و در نتیجه احتمال این که مسموم کننده به هدف خود برسد بسیار ناچیز است .

همان طور که دیوان عالی کشور نیز در یکی از آرای خود اشاره کرده است ، انگیزه مرتکب تأثیری در تحقق یا عدم تحقق جرم قتل عمدی یا ایراد صدمات جسمانی عمدی ندارد . بنابراین ، انگیزهٔ شریرانه ، مثل تیراندازی و کشتن مأمور پلیس برای فرار از دستگیر شدن ، یا کشتن قربانی جرم تجاوز جنسی یا هر جرم دیگری برای جلوگیری از مورد شناسایی قرار گرفتن ، یا کشتن صاحب مال برای تسهیل ارتکاب جرم سرقت و نظایر آنها ، و نیز انگیزهٔ شرافتمندانه ، مثل کشتن دیگری به قصد رهانیدن وی از درد و رنج ، تأثیری در مسئولیت و میزان مجازات مرتکب ندارد .

اگر کسی خانه‌ای را ، بدون آگاهی از سکونت افرادی در آن ، آتش بزند و در نتیجه ساکنان آن بمیرند ، یا کسی را که خوابیده به تصور این که مرده است از بلندی به پائین پرتاب کند ، و او بر اثر همین پرتاب شدن بمیرد ، عمل مرتکب قتل عمدی محسوب نمی شود . به همین دلیل ، در یکی از آرای اصراری دیوان عالی کشور [سبق تصمیم و قصد قتل شرط تحقق و ثبوت قتل عمدی] دانسته شده است .

ناگفته پیداست که اثبات قصد مرتکب آسان نیست ، زیرا هیچ کس نمی تواند با تعبیهٔ کنتور بر روی مغز دیگری از آنچه که در آن می گذرد یا در زمان ارتکاب رفتار مجرمانه در آن می‌گذشته است آگاهی یابد . به همین دلیل ، قصد غیرمستقیم یا تبعی برای احراز مسئولیت مرتکب کافی دانسته شده است . بنابراین ، منفجر کردن هواپیما و کشتن مسافران آن قتل عمدی محسوب می شود هر چند که مرتکب ادعا یا حتی اثبات کند که قصد اولیهٔ وی از منفجر کردن هواپیما از بین بردن محموله و اخذ خسارت از شرکت بیمه بوده و هیچ تمایلی به مردن مسافران نداشته است . در اینجا همین که مرتکب [می داند] که مرگی در نتیجهٔ عمل او رخ می دهد و با این حال عمل مورد نظر خود را انجام می دهد به معنی " خواستن " نتیجه حاصله می باشد .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

جز قصد سلب حیات یا قصد ایراد صدمات جسمانی ، وجود سوء نیت خاصی برای تحقق جرم قتل عمدی یا جرم ایراد صدمات جسمانی عمدی ضرورت ندارد . لیکن ،در صورت وجود برخی از مقاصد خاص ، جرایم دیگری ممکن است به وقوع بپیوندد . برای مثال ، وجود قصد خاص [از بین بردن همه یا بخشی از یک گروه قومی ، ملی ،نژادی ، یا مذهبی] در قاتل یا ضارب ، ممکن است موجب محکوم شدن وی به جرم نسل کشی (نسل زادیی) مذکور در " کنوانسیون نسل کشی " مصوب سال ۱۹۴۸ و برخی از قوانین داخلی کشورها شود . البته ، زمان نگارش این متن ، علیرغم برخی از تلاشها و علیرغم پیوستن ایران به کنوانسیون مورد اشاره ، نسل کشی در قوانین ایران ، بر خلاف بسیاری از کشورهای اروپایی ، جرم انگاری نشده است [۱].

۲. قصد تبعی

در مواردی مجرم بدون آنکه قصد صریح بر وقوع پدیده مجرمانه داشته باشد، قصد فعل به تنهائی در تحقق عمد کافی است، در این صورت فعل ارتکابی باید از چنان خصوصیاتی برخوردار باشد که به موجب آن بتوان قصد مجرمانه را مفروض قلمداد کرد، این نوع از قصد را ، غیر مستقیم ، تبعی و یا ضمنی می خوانیم .

ملاک تشخیص قصد تبعی ، نوع فعل صورت گرفته است نه نوع وسایل و ابزاری که بکار رفته است . دکتر آقایی نیا معتقد است : کشنده بودن می تواند به اعتبار وسیله « اسلحه » به اعتبار موضع « ضربه‌ای که به محل حساس بر خورد می‌کند » به اعتبار فعل « مشت » و یا به اعتبار وضعیت محل « پرتاب از بلندی ولو با سرانگشت » باشد.[۲]

بنابراین در صورتی که استفاده جانی از آلات کشنده به گونه ای باشد که معمولاً موجب قتل نبوده لیکن اتفاقاً منتهی به مرگ مجنی علیه شده باشد. قتل حاصله عمدی نخواهد بود. مثل موردی که شخصی با اسلحه پای دیگری را نشانه بگیرد و اتفاقاً گلوله به محل دیگر اصابت کرده ، موجب مرگ وی گردد.[۳]

در مورد **آلت قتاله** باید گفت : حقوقدانان اسلامی بر ضابطه مشخصی در تمیز افعال و آلات غالباً کشنده اتفاق نکرده و بعضاً نظریات متفاوتی را ابراز داشته اند.

برخی استعمال ابزار و انجام افعال منتهی به جنایت را در صورتی موجب قصاص می دانند که وسیله قتل برای کشتن مهیا و ساخته شده باشد. بر این اساس اگر قاتل با استفاده از وسایلی مانند سنگ مجنی علیه را به قتل برساند قاتل عمد نبوده و محکوم به قصاص نمی‌گردد . گروهی عمد را در مواردی ثابت شمرده اند که فعل ارتکابی موجب تفریق اجزاء بدن و متلاشی شدن آن می‌شود ، مانند استفاده از شمشیر ، آتش و . . . . .

فقهای امامیه با توجه به انگیزه‌ای که غالباً در استعمال عرفی ابزار و وسایل جنایت وجود دارد ، آلات قتاله را وسایلی دانسته اند که غالباً به آنها قصد قتل شده و معمولاً استفاده از آنها با قصد جنایت همراه است .[۴]

از نظر دکتر سپهوند وسیله تاثیری از لحاظ ایجاد تفاوت ندارد. از نظر ایشان وسیله ممکن است اعضای بدن یا اشیاء باشد ، اعم از چوب ، سنگ ، آهن ، سلاح سرد و گرم ، مواد شیمیایی و سمومی ، فرقی نمی کند و قانون توجهی به وسیله ندارد.

در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ که اخیراً منسوخ اعلام شد به اعتبار وسیله ، قتل حالات مختلف پیدا می‌کرد . اگر وسیله قتل از سموم بود، مقررات و مجازات بازمانی که وسیله قتل غیر از سموم باشد تفاوت داشت ، ولی در حال حاضر این تفاوت وجود ندارد و هیچ تفاوتی بین زمانی که کسی به دیگری سم بدهد ودر اثر مسمومیت طرف فوت شود و زمانی که با اسلحه گرم طرف را بکشد وجودندارد. یعنی در وضع موجود، قانون به وسیله توجهی ندارد ، آنچه لازم است این است که کسی کاری انجام دهد و این کار منتهی شود به سلب حیات.[۵]

---

[۱]. دکتر حسین میرمحمد صادقی ، جرائم علیه اشخاص ، نشر میزان

[۲]. دکتر آقایی نیا ، تقریرات حقوق جزای اختصاصی «۱»

[۳]. دکتر گلدوزیان این مورد را قتل عمدی می داند .

[۴] دکترمحمدهادی صادقی ، منبع پیشین

[۵]. دکترسپهوند ، تقریرات حقوق جزای اختصاصی ، (قوه قضائیه – دوره ۵۶)

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

بنابراین مقصود از قتاله بودن ، خصوصیت نوع فعل است و نه نوع آلت . چرا که ممکن است به نحوی از آلات قتاله استفاده شود که از نظر عرف غالباً قتل بر اینگونه افعال مترتب نشود هر چند آلت برای کشتن فراهم آمده باشد.

در مورد **انواع افعال غالباً** کشنده باید گفت : استفاده از برخی وسایل و انجام بعضی از اعمال نسبت به هر کسی و در هر شرایطی غالباً کشنده محسوب می‌شود، مانند انفجار بمب ، پرتاب دیگری از بنای مرتفع و جرح عمیق در ناحیه سینه و قلب و .... (**اعمال مطلقاً قتاله**)

بدیهی است استفاده از وسایل و انجام افعال مذکور مگر در غیر مورد قتل قابل تصور نبوده وبه وضوح ظهور در وجود قتل دارد. بند ۲ ماده ۲۹۰ قانون جدید مجازات اسلامی ، به این نوع از افعال کشنده توجه داشته و در بیان موارد قتل عمد مقرر می‌دارد : هرگاه مرتکب ، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایتِ واقع شده می گردد ، هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب جنایت یا نظیر آن می شود .

بنابراین اگر شخصی به قصد صدمه با چوب بر قسمتهای حساس بدن مانند سر ضربه وارد کند و موجب مرگ شود قاتل عمد خواهد بود . زیرا به اعتبار عمل ارتکابی عادتاً قتاله شمرده می شود. همچنین است ایراد ضرب به ناحیه شکم با لگد ، ایراد جرح به وسیله قیچی در قسمت فوقانی قفسه سینه ، به شدت سیلی زدن در ناحیه شقیقه و کوبیدن سنگ بر سر دیگری که به لحاظ حساس بودن موضع فعل، غالباً کشنده تلقی شده‌اند.

در مواردی خصوصیت قتاله بودن فعل ناشی از ویژگی خاصی خارج از آن فعل است ، به طوری که فعل ارتکابی به طور مطلق، در هر شرایطی و نسبت به هر کس غالبا کشنده تلقی نشده ، بلکه با توجه به توان جسمی مجنی علیه و یا شرایط محیطی غالباً کشنده محسوب می گردد. (**افعال قتاله نسبی**) مثلا سیلی زدن نوعاً کشنده نیست ، لیکن همین عمل وقتی نسبت به یک کودک تازه متولد شده یا یک بیمار کهنسال انجام شود ممکن است چنین ویژگی را یافته و در نتیجه ، در صورت مرگ قربانی یا ورود جراحت به وی ، عمل مرتکب قتل یا ایراد جرح عمدی محسوب شود . به همین دلیل ، دیوان عالی کشور در یکی از آرایی که در زمان حاکمیت "قانون مجازات عمومی " سابق صادر کرده است اشعار می دارد ، [منظور از کلمه آلت قتاله وسیله ای است که مرتکب به کار برده و به مرگ منتهی شده باشد و اعم است از این که وسیله مزبور معمولاً کشنده باشد و یا آن که از جهت حساس بودن موضع اصابت به مرگ مجنی علیه منتهی گردد و محدود ساختن آلت قتاله به موردی که آلت عرفاً قتاله شناخته شود (مثل کارد یا قمه) موافق با این نیست .] همین طور ، به موجب رأی اصراری دیوان عالی کشور ، هر چند ریختن بنزین بر روی دیگری عمل نوعاً کشنده نیست اما ، هرگاه قربانی در کنار آتش نشسته باشد ، این عمل نوعاً کشنده محسوب می شود، و در صورت مرگ قربانی یا ورود جراحت به وی ، جرم ارتکابی عمدی خواهد بود .

گاه ویژگی کشنده بودن فعل ناشی از شرایط خاص روحی و جسمی مجنی علیه است به طوریکه اعمال این افعال بر اشخاص متعارف و عادی غالباً منتهی به مرگ نمی شود ، اما نسبت به مجنی علیه به دلیل بیماری ، پیری ، ناتوانی، کودکی و امثال آن عادتاً کشنده قلمداد می گردد ، مثل ایراد ضرب و جرح خفیف علیه شخص بیمار و پرتاب کردن کودک شیرخوار از ارتفاع کم و . . . . .[1] **(کشنده بودن فعل نسبت به شخص مجنی علیه)**

گاه شرایط طبیعی مانند سرما یا گرمای شدید دما موجب می شود فعل ارتکابی در آن موقعیت عادتاً کشنده محسوب گردد ، هر چند آن فعل در شرایط عادی غالباً کشنده نبوده است ، بنابر این به آب انداختن دیگری در هوای بسیار سرد و یا زدن به وسیله شلاق در هوای بسیار گرم به نحوی که نوعاً در این شرایط افراد تحمل آن ضربات را نداشته باشند ، موجب قصاص خواهد بود ، اگر چه این افعال در هوای معتدل کشنده تلقی نمی گردد. این ضابطه در تنوع افعال منتهی به جنایت مادون نفسی نیز می تواند مورد توجه قرار گیرد . **(کشنده بودن فعل در شرایط خاص)**

هر گاه کسی فرد دیگری را که شنا نمی داند به داخل استخر عمیقی پرتاب کند یا وی را از بالای بلندی به پائین اندازد و یا به طرف او گلوله ای شلیک نماید ، در صورت وقوع مرگ یا جراحت ، عمل وی ، حتی در صورت فقدان قصد قتل یا ایراد

[1] . دکتر محمد هادی صادقی ، منبع پیشین

صدمه ، عمدی محسوب خواهد شد . در صورتی که به قصد شوخی فردی را که شنا نمی داند به درون دریا بیندازد ، اگر چنین فردی بمیرد ، طبق حقوق ایران مرتکب ، به دلیل ارتکاب عمل نوعاً کشنده ، قاتل عمدی محسوب می شود ، در حالی که مطابق حقوق انگلستان ، به دلیل نداشتن قصد ایراد صدمهٔ شدید جسمانی ، وی قاتل عمدی نیست .

بالعکس ، هر عملی که به قصد ایراد صدمهٔ شدید جسمانی انجام می شود لزوماً کشنده نیست ، مثل این که کسی دست دیگری را بشکند ، بدون این که قصد کشتن او را داشته باشد . در صورت مردن قربانی از این عمل ، مرتکب ، طبق حقوق انگلستان ، قاتل عمدی خواهد بود ، زیرا قصد ایراد صدمهٔ شدید جسمانی به قربانی را داشته است ولی ، از نظر حقوق ایران ،چون شکستن دست نوعاً کشنده نیست ، عمل وی قتل عمدی نبوده بلکه قتل شبه عمد محسوب خواهد شد .

شعب مختلف دیوان عالی کشور در آرای مختلفی ، چه در زمان حاکمیت " قانون مجازات عمومی " و چه در زمان حاکمیت قوانین پس از انقلاب ، ارتکاب اعمال مختلفی را حتی بدون قصد قتل موجب عمدی محسوب شدن نتیجهٔ حاصله دانسته اند ، که از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد :

فشردن گلوله ، چوب زدن به سر ، سیلی زدن به شقیقه ، سنگ زدن به موضع حساس ، با میله گرد آهنی به سر و بدن زدن ، سنگ زدن به گردن و سر ، تاب دادن گردن و زدن سر به زمین ، فرو بردن کارد قصابی به پشت ران پای چپ ، ریختن بنزین بر روی کسی که کنار آتش نشسته است و پرتاب سنگ با شدت و از فاصله نزدیک به سر قربانی .

دیوان عالی کشور در آرای دیگری مواردی مثل لگد زدن به پهلوی متوفی که موجب اصابت سر وی با تیر برق و مرگ او شده است ، لگد زدن به سینه ، سیلی زدن به فرد کهنسال ، و ایراد جراحت به قسمت داخلی ران را نوعاً کشنده ندانسته و در نتیجه مرتکب را ، علیرغم مردن قربانی ، قاتل عمد محسوب نکرده است .

همین طور ، فقها تیراندازی به سوی قربانی را عمل نوعاً کشنده و قتل ناشی از آن را ، حتی بدون داشتن قصد قتل ، عمدی دانسته اند ، در حالی که وارد کردن ضربه با عصا به دیگری و کشتن او بدون داشتن قصد قتل را در صورتی عمل نوعاً کشنده و در نتیجه قتل عمدی محسوب کرده‌اند[1] .

ج – لزوم آگاهی در قصد

انجام فعلی که غالبا موجب جنایت می گردد ، در صورتی صلاحیت جانشینی قصد جنایت دارد که جانی بر خصوصیت فعل خویش آگاهی داشته باشد . گرچه قانونگذار در بند ۲ ماده ۲۹۰ بر ضرورت علم تصریح نکرده است . اما این امر به معنای عدم لزوم آن نبوده بلکه با عنایت به عبارت«**نوعا**» کشنده بودن فعل ، آگاهی جانی را بر این ویژگی مفروض دانسته است . به این دلیل هرگاه کسی ، بدون توجه به این که دیگری ساعتی قبل عمل جراحی سنگینی را پشت سر گذاشته و در ضعف مفرط به سر می برد ، بدون قصد قتل ، به وی سیلی بزند و قربانی بر اثر همین ضربه بمیرد ، عمل مرتکب قتل عمدی نبوده بلکه قتل شبه عمد خواهد بود ؛ در حالی که ، در صورت آگاه بودن قاتل به وضعیت خاص قربانی ، قتل عمدی می باشد .

از این رو عملی که نوعا ، غالبا و یا عادتا کشنده باشد هنگامی موجب قصاص می گردد که ویژگی قتاله بودن آن بدور از توجه مردم نبوده، عرف جامعه آن را وسیله مرگ تشخیص دهد . لذا باید قتاله بودن فعل نزد عرف روشن و معلوم باشد . جانی نیز که در میان همین مردم بوده و آشنا به امور متعارف آنهاست بر قتاله بودن فعل خویش طبیعتا آگاهی خواهد داشت . به بیان دیگر قصد فعل با آگاهی بر سببیت آن از برای وقوع جنایت خود نوعی قصد جنایت خواهد بود . در غیر موارد که کشنده بودن فعل نسبی است بار اثبات علم جانی بر سببیت فعل خویش بر عهده اولیاء دم نبوده بلکه این جانی است که باید دلایل خود را مبنی بر عدم اطلاع و جهل خویش اقامه نماید .

در مواردی که کشنده بودن فعل نسبی بوده و احتمال عقلایی بر عدم آگاهی جانی بر خصوصیات جسمی و روحی مجنی علیه و یا عوامل دیگری که موثر در کشنده بودن فعل وی می گردد وجود دارد ، اصل عدم علم جاری خواهد بود . به عبارت دیگر نسبی بودن خصوصیت فعل جانی از موجبات تردید و تشکیک در آگاهی اوست .

---

[1]. دکتر حسین میر محمد صادقی ، جرائم علیه اشخاص ، نشر میزان

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

همچنین در مواردی که به دلیل عدم شیاع و اشتهار خصوصیت کشنده بودن آلت ، جهل جانی محتمل باشد ، بار دلیل به منظور اثبات التفاف جانی بر سببیت فعل ارتکابی به عهده مدعی خواهد بود .

با این وجود چنانچه جانی مدعی جهل بر خصوصیت فعل باشد ، در صورت اقامه بینه و ارائه ادله معتبر دعوی وی مسموع بوده و در صورت احراز صحت ادعا محکوم به کیفر جنایت عمدی نمی‌گردد . در مواردی که احتمال صدق ادعای جهل درباره مرتکب ممکن باشد عدم پذیرش دعوی وی در «**آنچه مگر از ناحیه خود شخص دانسته نمی‌شود بی‌مورد است .**»

مضافا اینکه در تعارض بین ظاهر و اصل تقدم ظاهر یک امر نسبی است و نمی‌توان گفت چون عمل غالبا کشنده مرتکب شده است ، ظاهر حال به طور مطلق ایجاب می‌کند ، جانی بر خصوصیت فعل آگاهی داشته و ظاهر را مقدم بر اصل عدم دانست . بلکه مواردی که ادله و شواهد کافی مبنی بر عدم یکسانی شرایط جانی با دیگر مردم و در نتیجه جهل وی ، ابراز گردد ، آن دلایل معتبر خواهد بود .

بنابر آنچه گذشت رابطه جانی و فعل ارتکابی از نظر عنصر روانی باید به گونه ای باشد که انجام فعل منفک از قصد نتیجه نبوده بلکه بهترین نمود و مظهر خارجی قصد باشد . از این رو ارتکاب قتل به فعل غالبا کشنده ظاهرا دلالت بر وجود نیت غیر محسوس داشته و با توجه به آنچه از بزهکار ظاهر شده حکم داده می‌شود . بنابراین ثبوت جنایت عمدی در همه موراد متوقف بر احراز عمد در فعل و عمد در نتیجه است و بدون آن هرگز جانی محکوم به قصاص نمی‌گردد[1] .

با توجه به نسبی بودن ویژگی رفتار مرتکب معمولاً نیاز به دخالت کارشناس برای احراز کشنده یا مجروح کننده بودن عمل ارتکابی وجود دارد ، که این موضوع در آرای شعب مختلف دیوان عالی کشور مورد تأکید قرار گرفته است . از جمله در یکی از آرای دیوان عالی کشور آمده است ، [تشخیص حساس بودن موضع از اموری است که باید نظر کارشناسی (در مورد آن) جلب شود] . دیوان در رأی دیگری اشعار می دارد ، [تشخیص حساس بودن یا غیرحساس بودن موضع اصابت امری است فنی و تشخیص آن از صلاحیت دادگاه خارج است . بنابراین در مواردی که آلت نوعاً قتاله نیست و فقط بر حسب موضع اصابت ممکن است قتاله تشخیص شود ، جلب نظر کارشناس ضروری است[2]] .

د – همزمانی قصد فعل و قصد نتیجه

همزمانی و تقارن قصد فعل و نتیجه از شرایط اساسی احراز عمد در جنایات است . از این رو لازم است جانی در زمان ارتکاب فعل – و نه بعد از آن – قصد قتل را نیز داشته باشد . بنابراین اگر جانی در زمان انجام فعل بدون توجه به قصد سابق خود بر قتل، مجنی‌علیه را مجروح ساخته و اتفاقا موجب مرگ شود مرتکب قتل عمدی نشده است .

همچنین اگر جانی مسموم کردن مجنی علیه راد اشته باشد ، لکن بدون توجه به قصد خود سنگ کوچکی را به طرف وی پرتاب کرده ، اتفاقا منتهی به هلاکت شود قتل عمدی نخواهد بود . قصد موخر بر قتل نیز به دلیل عدم وجود قصد قتل در زمان وقوع فعل مجرمانه مانع از ثبوت عمد می‌گردد .

همچنین اگر راننده‌ای پس از صدمه به دیگری و با علم به اینکه مساعدت وی مانع سرایت جراحات وارده و مرگ مصدوم می‌گردد ، محل حادثه را ترک و اقدام به فرار نماید مرگ وی که ناشی از بی‌احتیاطی در رانندگی است ، قتل عمد تلقی نمی‌گردد . هر چند جانی پس از وقوع تصادم قصد قتل او را کرده باشد .

ندامت جانی پس از ایجاد علت جنایت نیز عمد سابق وی را متزلزل نمی‌سازد . بنابراین اگر جانی غذای دیگری را مسموم کرده باشد ، لکن پس از آنکه مجنی علیه مقداری از آن را صرف کرده است ، پشیمان شده غذا را از دسترس وی دور کند و در جهت مداوای مجنی علیه تلاش نماید ، در صورت وقوع مرگ ، قاتل عمده شناخته می‌شود .

---

[1]. دکتر محمد هادی صادقی ، حقوق جزای اختصاصی (جرائم علیه اشخاص) ، نشر میزان

[2]. دکتر محمد هادی صادقی ، جرایم علیه اشخاص ، نشر میزان

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ه – اسناد معنوی [عوامل سالب مسئولیت کیفری]

محکومیت مجرم به مجازات جنایت عمدی، متوقف بر امکان اسناد افعال ارتکابی به اراده آزاد جانی است. به طوری که بتوان فعل بزهکار را ناشی از اراده سالم و خواست وی دانسته و علاوه بر اسناد مادی از نظر معنوی نیز وی را نسبت به رفتار مجرمانه مسئول شمرد .

تحقق اسناد معنوی منوط به آن است که مجرم در هنگام ارتکاب فعل متکی بر قدرت و اختیار و ارادهٔ خویش بوده و با توجه به درک نتایج حاصل از آن و در حالی که قادر به امتناع از انجام جرم است مرتکب بزه شده باشد.

بنابراین در صورت اختلاف کلی یا جزئی در اراده جانی و فقد ادراک و قدرت تمیز و تشخیص، امکان «اسناد معنوی » منتفی بوده و مجرم به مجازات جنایات عمدی محکوم نمی گردد.

عوامل تزلزل رکن روانی ناشی از عدم امکان اسناد معنوی متنوع و مختلف است که برخی به اختلال در اراده و اختیار بازگشت دارد و بعضی دیگر به قوهٔ تشخیص و ادراک.

از جمله اسناد معنوی عبارتند از : مستی ، اضطرار ، اجبار ، اکراه ، حکم قانونی و امر آمر قانونی و ..... که احکام هر کدام در فصل پنجم همین قسمت از جزوه ، تحت عنوان عوامل سالب مسئولیت کیفری آمده است .

بند سوم – رکن قانونی قتل عمدی

در قانون مجازات عمومی ، رکن قانونی قتل عمدی منحصر به ماده ۱۷۰ این قانون بود : « مجازات مرتکب قتل عمدی اعدام است مگر در مواردی که قانونا استثناء شده باشد . » اما در قانون مجازات اسلامی که برگرفته از فقه شیعه است، قاتل به صرف عمدی بودن قتل مستحق قصاص نخواهد بود بلکه علاوه بر آن شرایط دیگری نیز لازم است تا قتل عمدی موجب قصاص شود.

ماده ۳۸۱ قانون جدید مجازات اسلامی مقرر می دارد : مجازات قتل عمدی در صورت تقاضای ولیِ دم و وجود سایر شرایط مقرر در قانون ، قصاص و در غیر این صورت مطابق مواد دیگر این قانون دیه و تعزیر عمل می گردد.

مطابق ماده ۱۴۰ قانون جدید مجازات اسلامی : مسئولیت کیفری در « حدود ، قصاص و تعزیرات » تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم ، عاقل ، بالغ و مختار باشد به جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در قسمت (قصاص) آمده است .

الف – شرایط قاتل

۱. بلوغ

مقنن حکم کلی جنایات صغیر اعم از عمد یا غیر عمد را در ماده ۱۴۰ و همچنین در ماده ۱۴۶ قانون جدید مجازات اسلامی با عنوان : [افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند] آورده است . بر این اساس :

نخست این که در بعضی شرایط سنی که طفل فاقد توانایی شناخت موضوع جرم یا عمد در فعل باشد ، عمد قابل تحقق نیست .[1]

دوم اینکه عمدی بودن قتل ملازمه با مسوولیت کیفری مرتکب ندارد . به عبارت دیگر باید میان تحقق ارکان جرم و مسوولیت کیفری مرتکب قایل به تفصیل شد . یکی از شرایط مسوولیت کیفری بلوغ مجرم است و لذا صغیر به رغم ارتکاب قتل عمدی مسوولیت کیفری نداشته و دیه بر عهده عاقله خواهد بود .

سوم اینکه با ارتکاب جرم قتل عمدی از سوی صغیر ، مبری بودن وی از مسوولیت کیفری تاثیری در حق معاون وی یا شرکاء نخواهد داشت (ماده ۱۲۹ قانون جدید مجازات اسلامی) .

چهارم اینکه معیار نابالغ بودن باید با توجه به ماده ۱۴۷ قانون جدید مجازات مشخص گردد : « سن بلوغ ، در دختران و پسران ، به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است » .

۲. عقل

مستندات قانونی ضرورت عقل در قاتل همان موادی است که در بحث بلوغ مطرح شد . اما حکم کلی در باب مسوولیت کیفری مجنون در ماده ۱۴۰ و همچنین در ماده ۱۴۹ قانون جدید مجازات اسلامی با این عبارت بیان شده است : « هرگاه

[1]. دکترحسین آقایی نیا ، جرایم علیه اشخاص ، نشر میزان

مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوهٔ تمییز باشد مجنون محسوب می شود و مسئولیت کیفری ندارد . » از مجموع متون قانونی در این مورد این نتیجه بدست می‌آید که مقنن ما با الهام از فقه ، ارتکاب جرم از ناحیه مجنون را پذیرفته است و در واقع همانند بلوغ ، تحقق جرم را موکول به عقل نیز نمی‌داند . آنچه موجب اشتباه می‌شود تعاریف متفاوتی است که از عقل و رکن معنوی و در بحث حاضر عمد وجود دارد . از دیدگاه قانون مجازات اسلامی، عمد چیزی بیشتر از شناخت موضوع و وصف آن و اراده به انجام عملی علیه انسان زنده به قصد سلب حیات نیست . بررسی قوه تشخیص حسن و قبح عمل یعنی عقل ، بحث جداگانه‌ای است که پس از وقوع جرم برای احراز مسوولیت کیفری مطرح می‌شود . بدیهی است هرگاه مجنون توانایی عامد بودن را نداشته باشد ، قتل واقع شده به لحاظ فقدان چنین توانایی ذهنی عمدی به حساب نمی‌آید .

مطابق ماده ۱۵۰ قانون جدید مجازات اسلامی : هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب ، مجنون باشد یا در جرائم موجب تعزیر پس از وقوع جرم مبتلا به جنون شود چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص ، ثابت و آزاد بودن وی مخل نظم و امنیت عمومی باشد به دستور دادستان تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب نگهداری می شود . شخص نگهداری شده یا خویشاوندان او می توانند در دادگاه به این دستور اعتراض کنند که در این صورت ، دادگاه با حضور معترض، موضوع را با جلب نظر کارشناس در جلسهٔ اداری رسیدگی می کند و یا تشخیص رفع حالت خطرناک در مورد خاتمهٔ اقدام تأمینی و در غیر این صورت در تأیید دستور دادستان حکم صادر می کند . این حکم قطعی است ولی شخص نگهداری شده یا خویشاوندان وی ، هرگاه علائم بهبود را مشاهده کردند حق اعتراض به این حکم را دارند .

این امر مانع از آن نیست که هرگاه بنا به تشخیص متخصص بیماری های روانی ، مرتکب ، درمان شده باشد ، بر حسب پیشنهاد مدیر محل نگهداری او دادستان دستور خاتمهٔ اقدام تأمینی را صادر کند .

تبصره۱ هرگاه مرتکب یکی از جرائم موجب حد پس از صدور حکم قطعی دچار جنون شود حد ساقط نمی شود . در صورت عارض شدن جنون قبل از صدور حکم قطعی در حدودی که جنبهٔ حق الهی دارد تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر می افتد . نسبت به مجازات هایی که جنبهٔ حق‌الناسی دارد مانند قصاص و دیه و همچنین ضرر و زیان ناشی از جرم ، جنون مانع از تعقیب و رسیدگی نیست .

تبصره۲ قوهٔ قضائیه موظف است مراکز اقدام تأمینی را در هر حوزهٔ قضائی برای نگهداری افراد موضوع این ماده تدارک ببیند . تا زمان شروع به کار این اماکن ، قسمتی از مراکز روان درمانی ، بهزیستی یا بیمارستانی موجود به این افراد اختصاص داده می شود .

به هر حال ، عناوینی مانند جنون ، شعور ، تمیز ، عقل و امثال آنها در روانشناسی و روانپزشکی قابل بررسی است و ماهیتا فاقد جنبه فقهی و حقوقی است و ضرورت ارجاع به کارشناسی اجتناب ناپذیر است .

با این حال ، با توجه به نص صریح قانون در پذیرش این که ارتکاب قتل عمدی از ناحیه مجنون متصور است مواردی مانند معاونت یا شرکت در قتل عمدی با مجنون تابع احکام مربوط خواهد بود و همواره باید توجه داشت که جنون وصف مجرمانه را لزوما زایل نمی‌کند .

مطابق مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ قانون جدید مجازات اسلامی :

ارتکاب جنایت در حال مستی و عدم تعادل روانی در اثر مصرف مواد مخدر ، روانگردان و مانند آنها ، موجب قصاص است ، مگر اینکه ثابت شود بر اثر مستی و عدم تعادل روانی ، مرتکب به کلی مسلوب الاختیار بوده است ، که در این صورت ، علاوه بر دیه به مجازات تعزیری مقرر در «تعزیرات » محکوم می شود . لکن اگر ثابت شود که مرتکب قبلاً خود را برای چنین عملی مست کرده و یا علم داشته است که مستی و عدم تعادل روانی وی موجب ارتکاب آن جنایت یا نظیر آن از جانب او می شود ، جنایت ، عمدی محسوب می شود .

اگر پس از تحقیق و بررسی به وسیلهٔ مقام قضائی ، در بالغ یا عاقل بودن مرتکب ، هنگام ارتکاب جنایت ، تردید وجود داشته باشد و ولیِ دم یا مجنی علیه ادعا کند که جنایت عمدی در حال بلوغ وی یا افاقهٔ او از جنون سابقش انجام گرفته است ، لکن مرتکب خلاف آن را ادعا کند ، ولیِ دم یا مجنی علیه باید برای ادعای خود بینه اقامه کند . در صورت عدم اقامهٔ بینه ، قصاص منتفی است . اگر حالت سابق بر زمان جنایت ، افاقه مرتکب بوده است ، مرتکب باید جنون خود در حال ارتکاب جرم را اثبات کند تا قصاص ساقط شود ؛ در غیر این صورت با سوگند ولیِ دم یا مجنی علیه یا ولیِ او قصاص ثبات می شود .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۳. اکراه

مطابق مواد ۳۷۵ الی ۳۸۰ قانون جدید مجازات اسلامی :

اکراه در قتل مجوز قتل نیست و مرتکب ، قصاص می شود و اکراکننده ، به حبس ابد محکوم می گردد .

تبصره۱ اگر اکراه شونده طفل غیرممیز یا مجنون باشد فقط اکراه کننده محکوم به قصاص است .

تبصره۲ اگر اکراه شونده طفل ممیز باشد عاقلهٔ او دیهٔ مقتول را می پردازد . در این مورد اکراه کننده به حبس ابد محکوم می شود.

مجازات حبس ابد برای اکراه کننده ، مشروط به وجود شرایط عمومی قصاص در اکراه کننده و حق اولیاء دم می‌باشد و قابل گذشت و مصالحه است . اگر اکراه کننده به هر علّت ، به حبس ابد محکوم نشود ، به مجازات معاون در قتل محکوم می شود .

اکراه در جنایت بر عضو موجب قصاص اکراه کننده است .

ادعای اکراه بر جنایت بر عضو باید در دادگاه ثابت شود و در صورت عدم اثبات ، با سوگند صاحب حق قصاص مباشر قصاص می شود .

هرگاه کسی دیگری را به رفتاری اکراه کند که موجب جنایت بر اکراه شونده گردد ، جنایت عمدی است و اکراه کننده قصاص می شود مگر اکراه کننده قصد جنایت بر او را نداشته و آگاهی و توجه به اینکه این اکراه نوعاً موجب جنایت بر او می‌شود نیز نداشته باشد که در این صورت جنایت شبه عمدی است و اکراه کننده به پرداخت دیه محکوم می شود .

اگر شخصی برای دفاع و رهایی از اکراه ، با رعایت شرایط مقرر در دفاع مشروع ، مرتکب قتل اکراه کننده شود یا آسیبی به او وارد کند ، قصاص ، دیه و تعزیر ندارد .

ب – شرایط مقتول

۱. عدم استحقاق قتل

« قتل نفس در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعا مستحق کشتن نباشد .... ».

بنابراین کشتن کسی که شرعا و قانونا مستحق قتل است و اصطلاحاً گناهکار یا مهدورالدم نامیده می‌شود موجب قصاص نخواهد بود .

۲. عاقل بودن

از دیگر شرایط قصاص آن است که مقتول عاقل باشد و جنون مقتول موجب می‌شود که قتل عمدی موجب قصاص نشود . حکم کلی این موضوع در ماده ۱۴۰ قانون جدید مجازات اسلامی آمده است . همچنین ماده ۳۰۱ قانون جدید مجازات اسلامی مقرر می‌دارد : « قصاص در صورتی ثابت می شود که مرتکب ، پدر یا از اجداد پدری مجنی علیه نبوده و مجنی علیه ، عاقل و در دین با مرتکب مساوی باشد » .

تبصره– چنانچه مجنی علیه مسلمان باشد ، مسلمان نبودن مرتکب مانع قصاص نیست .

این حکم که مبتنی بر روایات معتبر است از شروط قصاص است . این موضوع که با عنوان تساوی در عقل نیز مطرح می‌شود به دلیل این است که دیوانه به دلیل نداشتن عقل یک انسان کامل نیست تا انسان کاملی در مقابل او قصاص شود . اما چنین حکمی در مورد قتل صغیر جاری نیست و قتل صغیر از سوی بالغ موجب قصاص است (ماده ۳۰۴ قانون جدید) هر چند که صغیر در صورت ارتکاب قتل عمدی قصاص نمی‌شود .

۳. مسلمان بودن

مسلمان بودن مقتول شرط دیگری است که باید به عمدی بودن قتل اضافه شود تا موجب قصاص گردد. مطابق تبصره ماده ۳۰۱ قانون جدید مجازات اسلامی ، چنانچه مقتول مسلمان باشد ، مسلمان نبودن مرتکب مانع قصاص نیست .

مطابق مواد ۳۱۰ و ۳۱۱ قانون جدید مجازات اسلامی :

هرگاه غیرمسلمان ، مرتکب جنایت عمدی بر مسلمان ، ذمی ، مستأمن یا معاهد شود ، حق قصاص ثابت است . در این امر ، تفاوتی میان ادیان، فرقه ها و گرایش های فکری نیست .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

اگر مسلمان ، ذمی ، مستأمن یا معاهد ، بر غیرِمسلمانی که ذمی ، مستأمن یا معاهد نیست جنایتی وارد کند ، قصاص نمی شود . در این صورت مرتکب به تعزیر مقرر در « تعزیرات » محکوم می‌شود .

تبصره۱ غیرمسلمانی که ذمی ، مستأمن یا معاهد نبوده و تابعیت ایران را داشته یا تابعیت کشورهای خارجی را دارند و با رعایت قوانین و مقررات وارد کشور شده اند ، در حکم مستأمن می باشند .

تبصره۲ اگر مجنی علیه غیرمسلمان باشد و مرتکب پیش از اجرای قصاص ، مسلمان شود ، قصاص ساقط و علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری مقرر در «تعزیرات » ، محکوم می شود .

بر اساس ماده ۳۸۲ قانون جدید مجازات اسلامی : هرگاه زن مسلمانی عمداً کشته شود ، حق قصاص ثابت است ؛ لکن اگر قاتل ، مرد مسلمان باشد ، ولیِ دم باید پیش از قصاص ، نصف دیهٔ کامل را به او بپردازد و اگر قاتل ، مرد غیرمسلمان باشد ، بدون پرداخت چیزی قصاص می شود . در قصاص مرد غیرمسلمان به سبب قتل زن غیرمسلمان، پرداخت مابه التفاوت دیهٔ آنها لازم است .

اگر پس از تحقیق و بررسی به وسیلهٔ مقام قضائی ، در مسلمان بودن مجنی علیه ، هنگام ارتکاب جنایت ، تردید وجود داشته و حالت او پیش از جنایت ، عدم اسلام باشد و ولیِ دم یا مجنی علیه ادعا کند که جنایت عمدی در حال اسلام او انجام شده است و مرتکب ادعا کند که ارتکاب جنایت، پیش از اسلام آوردن وی بوده است ، ادعای ولیِ دم یا مجنی علیه باید ثابت شود و در صورت عدم اثبات ، قصاص منتفی است و مرتکب به پرداخت دیه و مجازات تعزیری مقرر در « تعزیرات » محکوم می شود . اگر حالت پیش از زمان جنایت ، اسلام او بوده است ، وقوع جنایت در حالت عدم اسلام مجنی علیه باید اثبات شود تا قصاص ساقط گردد و در صورت عدم اثبات ، با سوگند ولیِ دم یا مجنی علیه یا ولی او قصاص ثابت می‌شود . حکم این ماده در صورتی که در مجنون بودن مجنی علیه تردید وجود داشته باشد نیز جاری است .

***

گفتار دوم – شروع به قتل عمدی

ماده ۶۱۳ قانون تعزیرات مقرر می‌دارد : « هر گاه کسی شروع به قتل عمد نماید ولی نتیجه منظور بدون اراده او محقق نگردد به شش ماه تا سه سال حبس تعزیری محکوم خواهد شد» . با توجه به ماده ۱۲۲ قانون جدید مجازات اسلامی که در مقام تعریف شروع به جرم و احکام آن است و از مفهوم مخالف ماده ۱۲۳ که مقرر می‌دارد : « مجرد قصد ارتکاب جرم و عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم نداشته باشد شروع به جرم نبوده و از این حیث قابل مجازات نیست » ، می‌توان گفت که نظریه ذهنی در شروع به جرم مورد پذیرش قانون جدید مجازات اسلامی است .

بنابراین شروع به جرم عبارت است از انجام عمدی بخشی از عملی که قانون انجام آن را برای تحقق جرم لازم دانسته و یا انجام عملیات مقدماتی مشروط بر این که با عملیات اجرایی (رکن مادی) رابطه مستقیم داشته و به عبارت بهتر فاصله زمانی و مکانی میان عملیات مقدماتی و رکن مادی جرم وجود نداشته باشد .

این تحلیل در مورد قتل عمدی نیز مصداق دارد . از آنجا که قتل عمدی جرمی ساده است و در اکثر موارد ، عملیات مقدماتی لازمه انجام رکن مادی است لذا احراز رابطه مستقیم میان آن دو ضروری است . تذکر این نکته لازم است که اصطلاح شروع به جرم به تعبیری دیگر یعنی حالتی که رکن مادی جرم به طور کامل انجام نشده و حتی ممکن است با توجه به نظریه ذهنی ، هیچ بخشی از رکن مادی (عمل مرتکب) محقق نشود و عدم تحقق نتیجه در قتل عمدی در حالت شروع به دلیل کامل نشدن عملیات اجرایی است .

تحلیل ماهوی ماده ۶۱۳ قانون تعزیرات متضمن نکات ذیل است :

۱. مقنن در این ماده بر خلاف ماده ۱۲۲ قانون جدید مجازات تنها یک مصداق از شروع به قتل عمدی را جرم دانسته و آن موردی است که نتیجه منظور بدون اراده او محقق نگردد . مانند این که مرتکب در جریان عملیات اجرایی دستگیر شود یا دستگاه کنترل از راه دور که برای انفجار مواد منفجره جاسازی شده تهیه شده است در لحظه موعود عمل نکند و امثال اینها .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۲. با توجه به سکوت مقنن در ماده ۶۱۳ قانون تعزیرات در خصوص مواردی که مرتکب شروع به قتل عمدی ، با اراده (داوطلبانه) از تحقق نتیجه منظور جلوگیری می کند ، دو دیدگاه در مورد جرم بودن چنین شروع به جرمی قابل طرح است : نخست این که با توجه به تخصیص ماده مرقوم به شروع به قتل ، انصراف ارادی را مشمول ماده ۱۲۴ قانون جدید مجازات قرار دهیم که مقرر می‌دارد : « هرگاه کسی که شروع به جرمی نماید به ارادهٔ خود آن را ترک کند به اتهام شروع به آن جرم ، تعقیب نمی شود ، لکن اگر همان مقدار رفتاری که مرتکب شده است جرم باشد به مجازات آن محکوم می شود » .

در دیدگاه دوم اعتقاد بر این است که مقنن در ماده ۶۱۳ قانون تعزیرات بر خلاف تمامی مواد قانونی ناظر به شروع به جرم مصوب ۱۳۷۵ (مواد ۵۴۲ ، ۵۹۴ ، تبصره ماده ۶۲۱ ، ماده ۶۵۵ ، تبصره دو ماده ۶۷۵ و تبصره ماده ۶۸۷) که تنها به اصطلاح شروع به جرم اکتفا نموده و در هیچ یک از انصراف ارادی و یا غیر ارادی صحبتی به میان نیاورده است ، قایل به تفصیل میان آنها شده و در واقع نظر براین داشته که در باب قتل عمدی ، فقط شروع به قتلی جرم است که عدم تحقق مرگ بدون اراده مرتکب باشد و سکوت او در خصوص مصداق دیگر به معنای جرم نبودن چنین شروعی است . به نظر دکتر آقایی نیا این استدلال منطقی‌تر و می‌تواند نشان از سیاست کیفری معقولی باشد که زمینه ترغیب مرتکبان این نوع شروع به قتل عمدی را به انصراف ارادی از محقق کردن نتیجه فراهم می‌کند . مضافا به این که این دیدگاه با سیاست‌های جرم زدائی و کیفر زدایی چند سال اخیر انطباق بیشتری دارد .[۱]

- قانونگذار ایران تنها زمانی شروع به قتل عمدی را قابل مجازات می داند که مرتکب ، بر خلاف میل و اراده خود ، به نتیجهٔ مورد نظر، یعنی مرگ قربانی ، نرسد . لیکن ، اگر مرتکب خود پشیمان شده و پس از ورود به عملیات اجراییِ قتل آن را ادامه ندهد ، به شروع به قتل عمد محکوم نخواهد شد .
- با توجه به اهمیت جرایم علیه مادون نفس ، به ویژه برخی از مصادیق شدید آن ، جا داشت که مقنن شروع به آن جرایم را هم جرم و قابل مجازات می دانست . لیکن ، با عدم جرم انگاری قانونگذار در این مورد ، تنها در صورتی می توان مرتکب را مجازات کرد که، به موجب ماده ۱۲۲ « قانون جدید مجازات اسلامی » ، « اقدامات انجام گرفته جرم باشد » ، که در چنین صورتی مرتکب « محکوم به مجازات همان جرم می شود . »
- به موجب بندهای ۲ و ۳ ماده ۲۹۰ « قانون جدید مجازات اسلامی » ، هرگاه عمل مرتکب ، چه به طور مطلق و چه با توجه به شرایط خاص مجنیٌ علیه ، نوعاً کشنده یا مجروح کننده باشد ، مرتکب ، علیرغم نداشتن قصد قتل یا ایراد جرح ، به ارتکاب عمدی این جنایات محکوم خواهد شد . این قاعده را نمی توان به شروع به جرم تسّری داد . برای مثال اگر کسی ، بدون قصد قتل ، با چوب به نقطهٔ حساسی از سر دیگری بزند ولی آن دیگری نمیرد ، نمی توان مرتکب را به شروع به قتل عمدی محکوم کرد ، هر چند اگر مجنیٌ علیه می مرد مرتکب ، بنا به تصریح بند دوم ماده ۲۹۰ ، به ارتکاب قتل عمدی محکوم می شد[۲] .

***

گفتار سوم – شرکت در قتل عمدی

در مواردی جنایت ناشی از مداخله عوامل متعددی است که هر یک به نحوی وقوع آن را موجب شده اند. در این صورت چنانچه جنایت ارتکابی به همه عوامل مذکور مستند شود مداخله کنندگان تحت عنوان شرکاء در جنایت قابل پیگرد خواهند بود. لکن اگر برخی با قصد مشترک مجرم اصلی را در تحقق جنایت یاری کرده باشد، با وجود شرایط به عنوان معاون تعقیب می شوند.

شرکت در جرم ، به موجب ماده ۱۲۵« قانون جدید مجازات اسلامی » ، زمانی رخ می دهد که جرم مستند به عمل همهٔ افراد دخیل در آن باشد ، « خواه عمل هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد ، خواه متفاوت . » در چنین حالتی مجازات هر یک از شرکا معادل مجازات فاعل مستقل آن جرم خواهد بود .

بدین ترتیب ، چه یک نفر به تنهایی مرتکب عنصر مادی جرم شود و چه آن را به همراه شخص یا اشخاص دیگر انجام دهد (مثل این که چند نفر با یکدیگر اقدام به ربودن مال غیر نمایند) و چه یک عامل بی گناه (مثلاً یک صغیرِ غیرممیز) را به ارتکاب جرم وادارد ، در همهٔ حالات ، مرتکب یا مرتکبان ، به دلیل مستند بودن جرم به عمل آنها ، به مجازات فاعل مستقل جرم محکوم خواهند شد[۳] .

---

[۱]. دکترحسین آقایی نیا ، حقوق جزای اختصاصی « جرایم علیه اشخاص » نشرمیزان

[۲]. دکتر حسین میر محمد صادقی ، « حقوق جزای اختصاصی » ، جرائم علیه اشخاص ، نشر میزان

[۳]. دکتر حسین میر محمد صادقی ، « حقوق جزای اختصاصی » ، جرائم علیه اشخاص ، نشر میزان

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

برای تحقق شرکت ، باید اَعمال متعدد در عرض هم ارتکاب یافته باشند . همان طور که تساوی عمل همهٔ شرکا شرط نیست ، همان طور ، ارتکاب هم زمانِ اَعمال متعدد نیز شرط نیست .

همچنین این نکته که هر یک از ضربات به تنهایی برای حصول نتیجه کافی بوده است ، مسئولیت سایر ضاربان را زائل نخواهد کرد . به همین دلیل ، مادهٔ ۳۷۱ قانون جدید مجازات کسی را که مرگ مستند به فعل اوست قاتل دانسته و اِشعار می‌دارد ، «هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند و بعد از آن دیگری او را به قتل برساند قاتل همان نفر دوم است اگرچه آسیب سابق به تنهایی موجب مرگ می‌گردید و اولی فقط به قصاص عضو محکوم می شود ». زیرا در این حالت رابطهٔ سببیت بین جراحت وارده از سوی نفر اول و مرگ قربانی برقرار نیست . استثنای این حالت در مادهٔ ۳۷۲ ذکر شده است که به موجب آن : « هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند به گونه ای که وی را در حکم مرده قرار دهد و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری با انجام رفتاری به حیات غیرمستقر او پایان دهد نفر اول قصاص می شود و نفر دوم به مجازات جنایت بر میت محکوم می‌گردد . حکم این ماده و مادهٔ (۳۷۱) در مورد جنایت غیرعمدی نیز جاری است » .

بنداول – ارکان شرکت

ارکان و عناصر لازم به منظور تحقق شرکت در هر جرم « اعم از حدود ، قصاص ، دیات و تعزیرات به شرح ذیل خواهد بود :

الف– وجود عوامل متعدد

تحقق شرکت منوط به وجود بیش از یک عامل در ارتکاب جرم است ، اگر چه عناصر دخالت کننده در وقوع جرم غالباً افراد انسانی هستند. در مواردی ممکن است عوامل غیر انسانی که اصولاً فاقد مسئولیت جزایی هستند در ارتکاب جرم با بزهکار مشارکت نمایند . قابل ذکر است که گاه بزه دیده نیز خود می تواند به عنوان یکی از شرکاء در جرم قلمداد گردد.

ب– هم عرض بودن عوامل متعدد

چنانکه افراد و عوامل دخالت کننده در جرم، در طول یکدیگر قرار داشته و تأثیر فعل هر یک منوط به وجود دیگری باشد، شرکت در جرم محقق نخواهد بود. بنابراین اگر سبب و مباشر و یا اسباب متعدد در وقوع جرمی به نحوی مداخله نمایند که تأثیر آنها در تمام شدن جرم در یک زمان نبوده باشد، به موجب قاعدهٔ اجتماع سبب و مباشر و اجتماع اسباب متعدد فقط یکی از آنها به عنوان مجرم اصلی تحت تعقیب قرار می گیرد. لکن، اگر سبب و مباشر یا اسباب متعدد در عرض یکدیگر واقع شده هرکدام مستقل از دیگری مؤثر در وقوع جرم باشند، شریک در جرم خواهند بود .[1]

ج– اسناد جرم به همهٔ شرکاء

دخالت عوامل متعدد در صورتی مشارکت در جرم محسوب می گردد که وقوع جرم برآیند اعمال و اقدامات انجام شده به وسیلهٔ آنها باشد به طوری که بتوان با توجه به سرایت اثر افعال شرکاء جرم را مستند به همهٔ آنها دانست . از این رو برای تحقق شرکت لازم است معلوم گردد جراحات به وسیله آلت واحده ایجاد شده یا با آلات مختلفه، و روشن شدن این امر در کشف حقیقت و تحقق شرکت در قتل و عدم تحقق آن مؤثر می باشد. بنابراین مداخله کنندگان در جنایت نه فقط باید در عرض یکدیگر باشند ، بلکه به نحوی در وقوع جنایت مؤثر باشند که رابطه استناد جنایت به فعل همه آنها احراز گردد.

بند دوم – انواع شرکت

شرکت در جنایت می تواند به صورتهای مختلفی واقع شود. شرکت در جنایت ممکن است به اعتبار چگونگی رکن مادی و یا رکن روانی واقع گردد.

الف– انواع شرکت با توجه به رکن مادی

۱. شرکت در فعل و شرکت در نتیجه

گاه ممکن است همهٔ شرکاء با مداخله در عمل واحدی موجب جنایت شوند. مانند آنکه دو نفر با کمک یکدیگر کاردی را در قلب دیگری فرو کرده و یا او را از بلندی به پایین پرتاب کنند، در این وضعیت همه شرکاء در انجام فعل یا افعال متعددی که منتهی به جنایت شده است دخالت داشته اند.

---

[1]. دکترمحمدهادی صادقی ، جرایم علیه اشخاص « صدمات جسمانی » نشرمیزان

گاه می شود که شرکت در جنایت با انجام افعال واعمال متعدد واقع شود، بدون آنکه افراد در انجام هر یک از آنها با یکدیگر مشارکت نموده باشند. در این صورت اگر چه هریک از شرکاء فعل جداگانه‌ای را بر مجنی علیه اعمال می‌کند، اما جنایت ناشی از سرایت اثر افعال متعدد شرکاء بوده، بر آیند مجموع اقدامات آنها شناخته می شود. بنابراین هرچند هر یک از شرکاء در ارتکاب فعل با دیگری مشارکت نکرده است لکن، در نتیجه ای که از اقدامات انجام شده حاصل آمده شرکت داشته است (شرکت در نتیجه)

بنابراین اگر هر کدام از مداخله کنندگان مستقلاً فعلی را انجام دهد که به تنهایی موجب قطع عضو نشود، شریک در جنایت نخواهد بود، هر چند افعال متعدد جانیان منجر به قطع گردد. از این رو اگر یکی از آنها کارد برنده‌ای را زیر دست مجنی علیه قرار دهد و دیگری کارد دیگری را در همان قسمت و روی دست وی گذاشته و با فشار هر دو، دست مجنی علیه قطع شود، شرکت محقق نشده و هیچکس محکوم به کیفر قطع نخواهد شد . زیرا هر کدام جزئی را مرتکب شده که دیگری در آن شرکت نداشته ، بنابراین هر یک نسبت به جنایت خود و به اندازهٔ جرمی که وارد کرده است مجازات می‌شود. با این وجود تصریح کرده‌اند که اگر هرکدام قسمتی از دست را مجروح سازد و در اثر «سرایت» جراحات متعدد عضو مجنی علیه قطع گردد به طوری که جنایت مستند به فعل همهٔ مداخله کنندگان باشد، همهٔ آنها شریک در جنایت خواهند بود.

۲. شرکت بالمباشره و شرکت بالتسبیب

ارتکاب جنایت ممکن است بالمباشره یا بالتسبیب واقع شود؛ شرکاء در جنایت نیز ممکن است همگی مباشرتاً مرتکب قتل شوند مانند آنکه هریک از شرکاء با ضرب و جرح مجنی علیه در مرگ وی مباشرت نمایند. همچنین گاه می شود که دو سبب در عرض یکدیگر قرار گرفته هر دو بالتسبیب در جنایت شرکت داشته باشند . در این فرض هیچیک از شرکاء مستقیماً در وقوع جنایت دخالت ننموده اند، بلکه با ایجاد سبب قتل موجبات حدوث مرگ مجنی علیه را فراهم ساخته اند. مانند آنکه چند نفر با انجام یک فعل یا افعال متعدد غذای مقتول رابه سم آلوده کرده و سبب جنایت بر او شوند ، یا آنکه با اقامهٔ گواهی کذب در محکمه قتل دیگری شوند.

۳. شرکت سبب و مباشر

اگر سبب و مباشر در عرض یکدیگر با هم اجتماع نموده ، جنایت مستند به هر یک از آنها باشد ، هر دو شریک در جنایت خواهند بود . بنابراین اگر اولی سبب قتل را فراهم آورد و دومی مباشرتاً اقدام به عملیات منجر به قتل کند، چنانچه این دو در طول یکدیگر قرار نگرفته باشند، شرکت در جنایت محقق شده است. مانند آنکه ، یکی طعام مجنی علیه را آلوده به سم کند و دیگری وی را به شدت مجروح سازد و مرگ ناشی از جراحت و مسمومیت تشخیص گردد .

۴. اجتماع شرکاء در یک زمان

اعمال شرکاء ممکن است در یک هنگام واقع شود، و یا گاه می شود که با وجود اجتماع شرکاء ، افعال ارتکابی هر یک، متعاقب دیگری واقع گردد. در این صورت چنانکه مرگ مستند به فعل همهٔ ضاربین تشخیص گردد ، همهٔ آنها شریک در قتل خواهند بود، لکن ، اگر مرگ فقط ناشی از آثار آخرین ضربه بوده ، موت مستندبه آن باشد، آخرین ضارب قاتل قلمداد می‌شود. زیرا مورد عرفاً از مصادیق شرکت محسوب نشده است[1].

۵ .ارتکاب فعل شرکاء در زمانهای مختلف

همزمانی یا قرائت وقوع فعل شرکاء به منظور تحقق عنوان شرکت ضروری نخواهد بود. بنابراین ممکن است اقدامات شرکاء در زمانهایی نزدیک به هم یا به دور از یکدیگر انجام شود، مانند آنکه دومی چند روز بعد از جراحت نفر اول و سومی چند ماه بعد، مجنی علیه را مجروح ساخته و وی به سبب سرایت هر سه جنایت به قتل برسد.

۶. شرکت افعال متساوی التأثیر و مختلف التأثیر

در مواردی تأثیر فعل هر یک از شرکاء در وقوع جنایت مساوی بوده و هرکدام به یک نسبت مجنی علیه را مورد ضرب و جرح قرار می‌دهند. اختلاف تأثیر افعال در جنایت نیز مانع تحقق شرکت نخواهد بود . بنابراین چنانچه اعمال هریک از شرکاء صدمات متفاوتی را از جهت شدت و ضعف سبب شده باشد، همه آنها شریک در جنایت خواهند بود. از این رو اختلاف تأثیر فعل شرکاء یا تفاوت آنها از جهت نوع و میزان ، در تحقق شرکت مؤثر نبوده به مجرد حصول رابطهٔ علیت بین جنایت و افعال ارتکابی ضمان بر عهدهٔ همهٔ افراد ثابت می گردد.

---

[1]. مستنبط از ماده ۳۷۱ قانون جدید مجازات اسلامی

۷. شرکت مجنی علیه با جانی

گاه می شود که بزه دیده خود در جنایت بر خویش با جانی مشارکت نماید ، به طوری که صدمه یا مرگ واقع شده مستند به فعل هر دوی آنها باشد. در این صورت آنچه در مقابل فعل مجنی علیه ایجاد می‌گردد ، ساقط است. زیرا خود وی عامل وجود آن می باشد، بنابراین ولی دم بعد از رد نصف دیه می تواند جانی را قصاص نماید.

۸. شرکت با حیوان

اگر مرگ مستند به دو جرمی باشد که یکی از آنها ناشی از حمله حیوان است، جارح فقط ضامن نیمی از جنایت خواهد بود، مانند آنکه فردی دیگری را مجروح ساخته و پس از آن حیوانی وحشی نیز او را گاز گرفته و هردو جرح موجب مرگ مجنی علیه شود. در صورتی که اولیاء دم مطالبهٔ دیه نمایند ، جانی فقط مسئول پرداخت نصف دیه خواهد بود[۱].

- ♣ هر گاه کسی جراحتی به شخصی وارد کند و بعد از آن دیگری او را به قتل برساند قاتل همان دومی است اگر چه جراحت سابق به تنهائی موجب مرگ می‌گردید و اولی فقط محکوم به قصاص طرف یا دیهٔ جراحتی است که وارد کرده مگر مواردی که در قصاص جراحت خطر مرگ باشد که در این صورت فقط محکوم به دیه می‌باشد.
- ♣ هر گاه جراحتی که نفر اول وارد کرده مجروح را در حکم مرده قرار داده و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری کاری را انجام دهد که به حیات او پایان بخشد اولی قصاص می‌شود و دومی تنها دیهٔ جنایت بر مرده را می‌پردازد.
- ♣ هر گاه ایراد جرح هم موجب نقص عضو شود و هم موجب قتل چنانچه با یک ضربت باشد قصاص قتل کافی است و نسبت به نقص عضو قصاص یا دیه نیست.

ب– انواع شرکت به اعتبار رکن روانی

با توجه به امکان وحدت قصد مداخله کنندگان در جنایت یا اختلاف آنها در حوزهٔ رکن روانی، شرکت در جنایت می تواند به انواع زیر تقسیم گردد.

۱. شرکت عامدین

هرگاه چند نفر به طور عمدی در ایجاد جنایت مشارکت نمایند ، همهٔ آنها پس از پرداخت دیهٔ مازاد بر استحقاق و با وجود شرایط لازم قصاص می شوند . در این باب علم و اطلاع شرکاء از وجود یکدیگر و توافق یا تبانی سابق آنان به منظور تحقق « شرکت » در جرائم ضروری نبوده ، به رغم عدم اطلاع شریک محسوب می گردند.

غالب فقهای شیعه شرکت در جرم را از موضوعات مطرح در قلمرو رکن مادی جرم قلمداد کرده ، صدق عرفی شرکت را با توجه به امکان رابطهٔ استناد ملاک دانسته اند.

۲. شرکت عمد و شرکت شبه عمد

ممکن است جانی عامد با دیگری که به طور شبیه عمد مجنی را مجروح کرده است، مشارکت نماید. در این صورت اولیاء دم می توانند با اخذ نصف دیه از جانی شبه عمد و پرداخت آن به جانی عمد از وی قصاص کنند.

۳. شرکت عمد و خطای محض

عامد و جانی خطئی محض نیز می توانند در جنایت مشارکت نمایند، مانند آنکه کسی به قصد شکار تیری را رها کند و اتفاقاً به انسانی که قبلاً به وسیلهٔ دیگری به طور عمد مجروح شده است اصابت نماید. در این فرض نیز با احراز رابطهٔ علیّت میان جنایت و فعل هر دو، عاقلهٔ جانی خطایی نیمی از دیهٔ جنایت را پرداخت نموده و مجنی علیه یا اولیاء وی می توانند با رد نصف دیه به جانی عمد قصاص او را مطالبه کنند.

۴. شرکت عمد، شبه عمد و خطای محض

گاه می شود که سه نوع جنایت به نحوی در وقوع مرگ مؤثر باشد که قتل مستند به هر سهٔ آنها تشخیص داده شود. مانند آنکه اولی به طور عمد و با قصد قتل ، مجنی علیه را مجروح سازد و دومی در اثر خطای شبیه عمد و سومی به سبب خطای محض

---

[۲]. دکتر محمد هادی صادقی ، منبع پیشین

جراحات دیگری را بر وی وارد نموده ، موجب مرگ شوند، در این صورت نیز هر یک از شرکاء متناسب با ماهیت جنایت ارتکابی و به نسبت حدود مسئولیت خود ضامن خواهد بود. به طوری که جانی عمد پس از پرداخت $\frac{۲}{۳}$ دیه به وی محکوم به قصاص بوده و از جانی شبه عمد و عاقلهٔ جانی خطایی هر کدام $\frac{۱}{۳}$ دیه دریافت می‌گردد.

بند سوم – شبهه در اسناد جنایت به شرکاء

آنچه در تحقق « شرکت » از اهمیت اساسی برخوردار است تشخیص رابطهٔ استناد جرم به فعل همهٔ شرکاء می‌باشد. بنابراین اگر در صلاحیت تأثیر فعل یکی از شرکاء به هر دلیل مانند نوع فعل یا میزان شدت آن تردید شود، احکام شرکت جاری نشده و نمی توان استیفا قصاص نمود، زیرا بنابر قوانین موجود، تبانی و توافق مجرمین موجب تحقق عنوان شرکت نبوده، بلکه وجود رابطهٔ علیت میان جنایت و فعل فرد فرد آنها برای شریک شمردن جانیان ضروری است.

اثبات استناد جنایت به فعل همهٔ شرکاء بر عهدهٔ مدعی است. لکن اگر در اسناد جنایت به فعل همهٔ جانیان شبهه حاصل آمده و مشخص نگردد که مرگ از فعل کدامیک از آنها ناشی شده است ، به استناد « قاعدهٔ دوره » قصاص منتفی شده و تبدیل به دیه می‌گردد، و محکمه نمی تواند به استدلال اینکه معلوم نیست مرتکب کدامیک از آنهاست هردو را تبرئه کند.

حقوقدانان اسلامی در اینکه چه کسی عهده دار پرداخت دیه می گردد اختلاف کرده‌اند.

بند چهارم – مجازات شرکت

مطابق ماده ۱۲۵ قانون جدید مجازات اسلامی : هرکس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرائی جرمی مشارکت کند و جرم ، مستند به رفتار همهٔ آنها باشد خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت ، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است . در مورد جرائم غیرعمدی نیز چنانچه جرم ، مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد مقصرین ، شریک در جرم محسوب می شوند و مجازات هر یک از آنان ، مجازات فاعل مستقل آن جرم است .

همچنین ماده ۳۶۸ همان قانون ، پیرامون شرکت در جنایت مقرر می دارد : اگر عده ای ، آسیب هایی را بر مجنی علیه وارد کنند و تنها برخی از آسیب ها ، موجب قتل او شود ، فقط واردکنندگان این آسیب ها ، شریک در قتل می باشند و دیگران حسب مورد ، به قصاص عضو یا پرداخت دیه محکوم می شوند[۱] .

در مورد کیفر شرکای در قتل ، برخی معتقدند که قصاص کردن همهٔ آنها بر خلاف اصل مماثله ، که زیربنای قصاص را تشکیل می دهد ، بوده و با برخی از دستورات قرآنی ، مثل « النفس بالنفس » یا « فلا یُسرف فی القتل » ، منافات دارد . لیکن عقیدهٔ جمهور فقهای اهل سنت و نظر مشهور در میان فقهای شیعه آن است که در چنین حالتی همهٔ مرتکبان ، بدون توجه به تعداد آنها ، قاتل محسوب شده و طبق موازین مربوطه قابل مجازات می باشند . زیرا ، در غیر این صورت ، هر کس که قصد قتل را داشته باشد برای فرار از قصاص برای خود شریکی در ارتکاب جرم می جوید ، در حالی که دلیلی برای سقوط قصاص ، به صِرفِ تعدد قاتلان ، وجود ندارد .

بدین ترتیب ، ماده ۵۳۳ قانون جدید مجازات اسلامی ، با قبول نظر مشهور ، اشعار داشته است ، « هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند ، به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد ، به طور مساوی ضامن می باشند» . بدین ترتیب و با توجه به مفاد این ماده ، در صورت اشتراک چند نفر در کشتن عمدی دیگری ، اولیای دم مقتول می‌توانند به انتخاب یکی از گزینه های زیر دست زنند .

۱. عفو همهٔ قاتلان بدون قید و شرط .

۲. عفو همهٔ قاتلان به شرط پرداخت دیه ، که در این حالت دیه به تساوی از قاتلان گرفته می شود .

---

[۱] . **بر اساس ماده ۳۸۱ قانون جدید مجازات اسلامی :** مجازات قتل عمدی در صورت تقاضای ولیِ دم و وجود سایر شرایط مقرر در قانون ، قصاص و در غیر این صورت مطابق مواد دیگر این قانون دیه و تعزیر عمل می گردد.

۳. قصاص کردن برخی از قاتلان و عفو سایرین با اخذ دیه ، که در چنین حالتی اولیای دم باید دیهٔ مازاد بر جنایت را به قاتلانی که قصاص می شوند پرداخت نموده و از قاتلان بخشیده شده دیهٔ متناسب اخذ نمایند . نکتهٔ قابل ذکر در اینجا آن است که حتی اگر اولیای دم ، قاتل یا قاتلانی را با اخذ مبلغی بیش از دیهٔ مقدر عفو کرده باشند ، تفاضل دیهٔ قابل پرداخت به قاتلان مورد قصاص بر مبنای همان دیهٔ مقدر تعیین می شود و اولیای دم در قبال آنان چیز بیشتری بر عهده نخواهند داشت . برای مثال ، اگر آنان از یکی از دو مردی که مرد سومی را با شرکت یکدیگر کشته اند معادل هزار شتر دیه بگیرند و او را عفو کنند ، تنها موظف به پرداخت معادل پنجاه شتر به قاتل مورد قصاص خواهند بود .

۴. قصاص کردن بعضی از قاتلان و عفو سایرین بدون قید و شرط ، که در این حالت اولیای دم باید ، از جیب خود ، دیهٔ مازاد بر جنایت را به هر یک از قاتلانی که می خواهند آنها را قصاص کنند پرداخت نمایند .

۵. قصاص کردن همهٔ قاتلان ، که در چنین حالتی اولیای دم موظف به پرداخت دیه مازاد بر جنایت به هر یک از قاتلان خواهند بود .

در هر مورد که باید مقداری از دیه را به قاتل بدهند و قصاص کنند باید پرداخت دیه قبل از قصاص باشد . این حکم ، که در جراحات نیز جاری است ، متأثر از نظر مشهور فقها می باشد و به موجب آن فاضل دیه حق جانی است ، که قطعاً حق صرف نظر کردن از آن را نیز دارد .

مسئولیت پرداخت فاضل دیه با ولی دم می باشد و اوست که با پرداخت تفاضل دیه به قصاص شوندگان آنها را قصاص می‌کند و سهم دیهٔ عفو شدگان را از آنها می گیرد ، نه این که عفوشدگان مستقیماً در مقابل قصاص شوندگان مسئولیتی بر عهده داشته باشند .

اشاره به این نکته ضروری است که دیه قابل پرداخت به مقتول از سوی شرکا ، بدون توجه به میزان تأثیر عمل هر یک در حصول نتیجه ، به طور مساوی پرداخت می شود . در صورت عمدی بودن جنایت نیز قصاص بر همهٔ آنها به تساوی خواهد بود .

مواد ۵۲۷ و ۵۲۸ به موضوع برخورد دو نفر یا دو وسیله نقلیه به یکدیگر پرداخته و ، بدون توجه به میزان تقصیر ، نصف دیه و خسارت هر طرف را بر عهدهٔ طرف مقابل دانسته‌اند .

مطابق مواد ۵۲۷ الی ۵۳۲ قانون جدید مجازات اسلامی :

هرگاه دو نفر بر اثر برخورد بی واسطه با یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند ، چنانچه میزان تأثیر آنها در برخورد ، مساوی باشد در مورد جنایت شبه عمدی نصف دیهٔ هر کدام از مال دیگری و در مورد خطاء محض نصف دیهٔ هر کدام به وسیلهٔ عاقلهٔ دیگری پرداخت می شود و اگر تنها یکی از آنها کشته شود یا آسیب ببیند ، حسب مورد عاقله یا خود مرتکب ، نصف دیه را باید به مجنی علیه یا اولیاء دم او بپردازند[1] .

هرگاه در اثر برخورد دو وسیلهٔ نقلیهٔ زمینی ، آبی یا هوایی ، راننده یا سرنشینان آنها کشته شوند یا آسیب ببینند در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده ، هر یک مسئول نصف دیهٔ رانندهٔ مقابل و سرنشینان هر دو وسیلهٔ نقلیه است و چنانچه سه وسیلهٔ نقلیه با هم برخورد کنند هر یک از رانندگان مسئول یک سوم دیهٔ راننده های مقابل و سرنشینان هر سه وسیلهٔ نقلیه می‌باشد و به همین صورت در وسایل نقلیهٔ بیشتر ، محاسبه می شود و هرگاه یکی از طرفین مقصر باشد به گونه ای که برخورد به او مستند باشد ، فقط او ضامن است[2] .

در کلیهٔ مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است ، دادگاه موظف است استناد نتیجهٔ حاصله به تقصیر مرتکب را احراز نماید .

هرگاه برخورد بین دو یا چند نفر یا وسیلهٔ نقلیه بر اثر عوامل قهری مانند سیل و طوفان به وجود آید ، ضمان منتفی است .

در موارد برخورد ، هرگاه حادثه به یکی از طرفین مستند باشد مثل اینکه حرکت یکی از طرفین به قدری ضعیف باشد که اثری بر آن مترتب نگردد ، تنها دربارهٔ طرفی که حادثه مستند به اوست ، ضمان ثابت است .

---

[1]. ماده ۵۲۷ قانون جدید مجازات اسلامی

[2]. ماده ۵۲۸ قانون جدید مجازات اسلامی

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که منابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

در برخورد دو وسیلهٔ نقلیه ، هرگاه رفتار هر دو یا یکی از آنها مشمول تعریف جنایات عمدی گردد حسب مورد حکم به قصاص یا دیه می شود .

هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند ، به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد ، به طور مساوی ضامن می باشند .

آنچه که در مواد ۵۲۷ و ۵۲۸ در مورد برخورد دو نفر یا دو وسیلهٔ نقلیه به آن اشاره شده است ، شرکت در جنایت توسط جانی و شخص مجنیٌ علیه است ، که در چنین صورتی تنها نصف دیه بر عهده جانی می باشد ، زیرا مسئولیت نصف دیگر دیه بر عهدهٔ خود مجنیٌ علیه قرار دارد . مثال های دیگر از این نوع شرکت شامل حالتی است که یک سر طنابی را که دور گردن مجنیٌ علیه بسته شده خود وی و سر دیگر آن را دیگری بکشد و در نتیجه مجنیٌ علیه در اثر خفگی بمیرد ، یا این که شخصی به دیگری جراحتی وارد کند و مجنیٌ علیه ، به قصد مداوای خود ، داروی نامناسبی را به اشتباه مصرف کرده و در نتیجهٔ تأثیر مشترک جراحت و دارو جان بازد .

همین طور ، اگر مثلا سه نفر در تخریب دیواری مشارکت نمایند ، و بر اثر ریزش دیوار ، یکی از آن سه تن کشته یا مجروح شود ، دو سوم دیهٔ وی بر عهدهٔ دو شریک دیگر قرار دارد که هر یک مسئول پرداخت یک سوم دیه خواهد بود . در مواردی نیز که عوامل دیگری مثل حیوانات به همراه شخص جانی در وقوع جنایت مؤثر بوده اند باید تنها نیمی از دیه را از جانی مطالبه کرد ، مثل این که کسی به دیگری زخمی وارد کند ، و بعد از آن ، حیوان درنده ای وی را گاز بگیرد و مجنیٌ علیه در اثر سرایت هر دو زخم بمیرد . در این حالت ، بنا به گفتهٔ محقق حلی در شرایع الاسلام قصاص ساقط نمی شود ولی نصف دیه به جانی قصاص شونده قابل پرداخت می باشد . به نظر می رسد که همین حکم در مواردی جاری باشد که تأثیر مشترک عمل جانی و اشیایی مثل سنگِ فروریخته از کوه بر سر قربانی موجب مرگ وی شود .

در مواردی ممکن است یک انسان به همراه چند حیوان موجب جراحت یا مرگ انسان دیگری شده باشد ، مثل این که جانی مجنیٌ علیه را مجروح کرده ، حیوان درنده ای وی را گاز بگیرد و ماری نیز او را نیش بزند و مجنیٌ علیه در اثر سرایت هر سه زخم بمیرد .

به نظر می رسد ، در این مورد بر اساس آن که آیا جراحات وارده از سوی دو یا چند حیوان مجموعاً اثر واحد یا متفاوتی داشته‌اند ، می توان پاسخ های متفاوتی ارائه کرد . در حالت اول ، مثلا نیش زدن دو یا چند زنبور ، باید همهٔ حیوانات را مجموعاً یک عامل حساب کرد ، ولی در حالت دوم ، مثلا گاز گرفتن دو عضو مجنیٌ علیه توسط دو حیوان ، هر حیوان عُرفاً عامل مجزایی محسوب می شود و باید به طور جداگانه در احتساب میزان دیهٔ قابل پرداخت از سوی جانی مدنظر قرار گیرد .

بحث شرکت در جنایات مربوط به زمانی است که چند نفر در کشتن یا ایراد جراحت به یک یا چند تن دیگر دخالت دارند . هرگاه عکس موضوع رخ دهد ، موضوع تعدد جرم پیش خواهد آمد ، مثل این که یک نفر تعداد زیادی را کشته یا مجروح سازد . در این صورت همهٔ آنها یا اولیای دم آنان می توانند خواهان قصاص شده یا مطالبه دیه کنند ولی هرگاه یکی از مجنی علیهم یا اولیای دم آنها مبادرت به قصاص کند برای دیگران حقی باقی نمی ماند ، زیرا مجازات اصلی و ابتدایی قصاص است و تنها با رضایت ولی دم یا مجنیٌ علیه و قاتل تبدیل به دیه می شود .

در مجموع و به طور خلاصه باید گفت : هر یک از شرکاء با توجه به عنوان جنایتی که از او صادر شده است و متناسب با سهم خویش مسؤلیت خواهد داشت. پس اگر پدری در قتل عمدی فرزند خود با بیگانه مشارکت کند، پدر محکوم به تعزیر و پرداخت نصف دیه بوده و از قاتل دیگر با رد نصف دیه به وی قصاص می‌گردد. و اگر چند نفر بیگانه به طور عمد مرتکب جنایت شده باشند ، در صورت مطالبهٔ اولیاء دم همگی محکوم به قصاص می شوند، به عبارت دیگر ولی دم مخیر است بین قصاص همهٔ آنها بعد از رد زائد از دیه مقتول و یا کشتن یکی از آنها.

قول مشهور فقهای امامیه و غالب فقیهان اهل سنت قصاص همهٔ شرکاء در مقابل قتل یک فرد است.

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

در صورت شبهه در اسناد جنایت به شرکا ، مثل حالتی که دو نفر به مقتول جرحی وارد کرده و مقتول تنها در اثر یکی از آنها فوت کند و هر یک دیگری را متهم کند که جرح متعلق به اوست. در این حالت به علت وجود شبهه ، بر اساس قاعده ، « قصاص » ساقط می شود ، اما دیه حکم خود را خواهد داشت .

نکته ها :

مطابق مواد ۳۷۳ و ۳۷۴ قانون جدید مجازات اسلامی :

در موارد شرکت در جنایت عمدی ، حسب مورد ، مجنی علیه یا ولی دم می تواند یکی از شرکاء در جنایت عمدی را قصاص کند و دیگران باید فوراً سهم خود از دیه را به قصاص شونده بپردازند و یا اینکه همهٔ شریکان یا بیش از یکی از آنان را قصاص کند ، مشروط بر اینکه دیهٔ مازاد بر جنایت پدید آمده را پیش از قصاص ، به قصاص شوندگان بپردازد . اگر قصاص شوندگان همهٔ شرکاء نباشند، هر یک از شرکاء که قصاص نمی شود نیز باید سهم خود از دیهٔ جنایت را به نسبت تعداد شرکاء بپردازد .

تبصره- اگر مجنی علیه یا ولیِ دم ، خواهان قصاص برخی از شرکاء باشد و از حق خود نسبت به برخی دیگر مجانی گذشت کند یا با آنان مصالحه نماید، در صورتی که دیهٔ قصاص شوندگان بیش از سهم جنایتشان باشد ، باید پیش از قصاص ، مازاد دیهٔ آنان را به قصاص شوندگان بپردازد .

هرگاه دیهٔ جنایت ، بیش از دیهٔ مقابل آن جنایت در مرتکب باشد - مانند اینکه زنی ، مردی را یا غیرمسلمانی ، مسلمانی را عمداً به قتل برساند یا دست وی را قطع کند - اگر مرتکب یک نفر باشد ، صاحب حق قصاص افزون بر قصاص ، حق گرفتن فاضل دیه را ندارد و اگر مرتکبان متعدد باشند ، صاحب حق قصاص می تواند پس از پرداخت مازاد دیهٔ قصاص شوندگان بر دیهٔ جنایت به آنان ، همگی را قصاص کند . همچنین می تواند به اندازهٔ دیهٔ جنایت ، از شریکان در جنایت ، قصاص کند و چیزی نپردازد ، که در این صورت ، شرکائی که قصاص نمی شوند ، سهم دیهٔ خود از جنایت را به قصاص شوندگان می‌پردازند . افزون بر این ، صاحب حق قصاص می تواند یکی از آنان را که دیه اش کمتر از دیهٔ جنایت است ، قصاص کند و فاضل دیه را از دیگر شریکان بگیرد ؛ لکن صاحب حق قصاص نمی تواند بیش از این مقدار را از هر یک مطالبه کند ، مگر در صورتی که بر مقدار بیشتر مصالحه نماید .

همچنین اگر ولیِ دم خواهان قصاص همه یا برخی از آنان که دیهٔ مجموع شان بیش از دیهٔ جنایت است باشد ، نخست باید فاضل دیهٔ قصاص شونده نسبت به سهمش از جنایت را به او بپردازد و سپس قصاص نماید .

مطابق مواد ۳۶۸ الی ۳۷۰ قانون جدید مجازات اسلامی :

اگر عده ای ، آسیب هایی را بر مجنی علیه وارد کنند و تنها برخی از آسیب ها ، موجب قتل او شود ، فقط واردکنندگان این آسیب ها ، شریک در قتل می باشند و دیگران حسب مورد ، به قصاص عضو یا پرداخت دیه محکوم می شوند .

قتل یا هر جنایت دیگر ، می تواند نسبت به هر یک از شرکاء ، حسب مورد ، عمدی ، شبه عمدی یا خطای محض باشد .

ثابت نبودن حق قصاص بر بعضی از شرکاء ، به هر دلیل ، مانند فقدان شرطی از شرایط معتبر در قصاص یا غیرعمدی بودن جنایت نسبت به او ، مانع از حق قصاص بر دیگر شرکاء نیست و هر یک از شرکاء حکم خود را دارند .

ماده ۵۲۶ قانون جدید مجازات اسلامی نیز مقرر می دارد : هرگاه دو یا چند عامل ، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی ، تأثیر داشته باشند ، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد ، به طور مساوی ضامن می باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئولند.

در صورتی که مباشر در جنایت بی اختیار ، جاهل ، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب ، ضامن است .

***

گفتار چهارم - معاونت در قتل عمد

معاون کسی است که هر چند مانند شریک در انجام جرم مداخله نموده است ، لکن بر خلاف مجرم یا مجرمین اصلی ، وقوع جرم به وی اسناد داده نمی‌شود . بنابراین ممیز اساسی معاونت از شرکت فقدان رابطه استناد بین جرم و معاون است .

مطابق ماده ۱۲۶ قانون جدید مجازات اسلامی : اشخاص زیر معاون جرم محسوب می شوند :

۱. هرکس ، دیگری را ترغیب ، تهدید ، تطمیع یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با سوء استفاده از قدرت ، دسیسه یا فریب موجب وقوع جرم گردد .

۲. هر کس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریقهٔ ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد .

۳. هرکس وقوع جرم را تسهیل کند .

تبصره- برای تحقق معاونت در جرم ، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است . چنانچه فاعل اصلی جرم ، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده مرتکب شود ، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف تر محکوم می شود .

بند اول - ارکان معاونت

مادهٔ ۱۲۶ قانون جدید مجازات معاونت در جرائم را به طور کلی توصیف مجرمانه و ارکان متشکله جرم معاونت را تشریح کرده است . به موجب این ماده وقوع معاونت در جرم متوقف بر وجود عناصر و شرایط زیر است.

۱. انجام فعل مادی یا غیر مادی به یکی از صورتهای مذکور در مادهٔ ۱۲۶ قانون جدید مجازات اسلامی ، از قبیل تحریک ، ترغیب ، تهدید ، دسیسه، فریب ونیرنگ ، تهیه وسایل و . . .

۲. صدور فعل مجرمانه از مجرم اصلی ـ از آنجا که قانونگذار به پیروی از یکی از نظریات فقیهان اسلامی عاریتی بودن توصیف جزایی فعل معاون را تأیید و وصف مجرمانه آن را ناشی از جرم ارتکابی به وسیلهٔ مجرم اصلی می‌داند ، چنانچه مجرم اصلی از انجام جنایت سر باز زند معاونت در جرم نیز موضوعاً منتفی می گردد، از این رو امکان تحقق شروع به معاونت نیز وجود نخواهد داشت.

بنابر این اگر کسی دیگری را تحریک به ارتکاب جرمی کند، ولی از ناحیهٔ تحریک شده عملی سرنزند ، تحریک کننده مستوجب مجازاتی نیست و به طور کلی معاون وقتی مستوجب مجازات است که فاعل اصلی مرتکب جرمی شود یا شروع به اجرای آن بنماید . مثلاً اگر زنی به طفل دوازده ساله سم دهد که به شوهر سابق او بخوراند ، ولی هیچ عملی از طفل سرنزند ، با اینکه عمل زن در معاونت تمام است ، چون جرمی از طرف طفل سر نزده ، معاون نیز قابل مجازات نیست.

۳. تأثیر فعل معاون در وقوع جرم - از آنجا که معاونت یک امر واقعی و عینی است تحقق آن منوط به تأثیر اعانت و کمک مرتکب در وقوع جرم است، بنابراین بدیهی است که اگر کسی به قصد مساعدت در جرم اقداماتی را انجام دهد که ثابت شود هیچگونه دخالت و نقشی در وقوع جرم اصلی نداشته است معاون در آن جرم نخواهد بود.

۴. همزمانی یا تقدم فعل معاون بر فعل مجرم اصلی - ضرورت تأثیر مادی یا غیر مادی فعل معاون در تحقق جرم مستلزم همزمانی این دو فعل یا مقدم بودن اقدامات معاون نسبت به جرم است ؛ از این رو عملیاتی که پس از وقوع جرم صورت می‌پذیرد نمی توان به عنوان معاونت در همان جرم قلمداد گردد.

۵. عدم استناد جرم به فعل معاون - از آنجا که این صورت از همکاری در جرم غالباً مصادیق اجتماع سبب و مباشر و یا اجتماع اسباب متعدد در طول یکدیگر است، چنانچه سبب، اقوی از مباشر بوده یا آنکه سبب مقدم در تأثیر قلمداد شود معاونت منتفی و همان به عنوان مجرم اصلی تعقیب می گردد.

۶. علم و اطلاع معاون از مجرمانه بودن فعل جانی - نظر به اینکه فعل معاون وصف مجرمانه خود را از عمل مجرمانه مرتکب جرم وام می-گیرد ، آگاهی معاون بر مجرمانه بودن فعل خویش منوط به علم و اطلاع وی نسبت به ممنوعیت اقدامات مجرم اصلی شده است.

۷. قصد فعل اعانت- معاونت یک جرم عمدی است . بنابراین معاون باید انجام یکی از افعال مذکور در مادهٔ ۴۳ قانون مجازات اسلامی را قصد کند.

۸. قصد حصول نتیجه - معاون باید فعل خود رابه قصد تحقق ارتکاب جرم مورد نظر به وسیلهٔ جانی به انجام رساند. پس اگر کسی فعلی را قصد کند که نسبت به تأثیر آن در وقوع جنایت آگاهی داشته و مثلاً « طریق ارتکاب آن را با علم به قصد

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

مرتکب ارائه دهد » معاون در جرم است. زیرا علم به این امر که عمل وی در انجام جرم به وسیلهٔ مرتکب اصلی سببیّت خواهد داشت، خود قصد ضمنی معاونت در آن جرم است.

۹. وحدت قصد - یکسانی و وحدت قصد معاون و جانی از دیگر شرایط لازم در معاونت است، پس اگر کسی اسلحهٔ خود را به مجرم می سپارد تا گوسفندان دیگری را تلف کند. لکن مجرم با همان اسلحه انسانی را به قتل برساند معاون در قتل نخواهد بود. زیرا هرچند قصد وی وقوع فعل عدوانی و نامشروع می باشد، لکن قصد مساعدت در آنچه واقع شده نداشته است.

از این شرط می توان استنباط کرد که معاونت تنها در قتل عمدی امکان پذیر است و در قتل شبه عمدی و خطایی محض قابل تحقق نیست . پس هرگاه کسی اگرچه به قصد قتل، دیگری را تحریک به زدن نماید و جانی بدون قصد ابتدایی یا تبعی قتل ، مجنی علیه را بزند و اتفاقاً منتهی به مرگ شود ، به عنوان معاونت در جنایت شبه عمدی قابل تعقیب نخواهد بود. لیکن می توان تحریک کننده را به عنوان معاونت درضرب و نه مرگ ناشی از آن تحت تعقیب قرار داد.[۱]

در مجموع و با توجه به آنچه که در فوق آمد ، ارکان معاونت را می توان به شرح ذیل تفکیک و تقسیم نمود :

الف – رکن مادی

عنصر مادی معاونت در ماده ۱۲۶ قانون جدید مجازات اسلامی ، یکی از مصادیق زیر دانسته شده است .

۱. تحریک : به معنی برانگیختن شخص دیگر به ارتکاب جرم

۲. ترغیب : به معنی ایجاد شوق ، میل و رغبت در دیگری نسبت به ارتکاب جرم ، که علی الاصول تأثیر و نفوذ آن از تحریک کمتر است .

۳. تهدید : به معنی واداشتن دیگری به ارتکاب جرم به وسیلهٔ ترساندن او نسبت به جان ، مال ، ناموس ، آبرو و حیثیت وی .

۴. تطمیع : به معنی برانگیختن حس آز و طمع دیگری در جهت ارتکاب جرم .

۵. به کار بردن دسیسه ، فریب و نیرنگ : به معنی حیله گری و انجام اقدامات خدعه آمیز جهت واداشتن دیگری به ارتکاب جرم ، مثل این که شخصی با علم به قصد قطعی دیگری به کشتن فرد خاصی با دسیسه و نیرنگ ترتیب روبرو شدن آنها را با یکدیگر بدهد .

۶. تهیهٔ وسایل ارتکاب جرم : یعنی این که شخص ابزار لازم برای ارتکاب جرم ، مثلا سلاح برای قتل یا کلید برای سرقت یا خانه برای دایر کردن مرکز فساد و فحشا ، را در اختیار دیگری قرار دهد .

۷. ارائه طریق ارتکاب جرم : یعنی این که شخص شیوه و راه ارتکاب جرم را به دیگری بیاموزد ، مثل این که نقشهٔ محل سرقت را به وی بدهد یا شیوهٔ ارتکاب جیب بری را به او یاد دهد و یا قاتل را از مسیر رفت و آمد قربانی آگاه سازد .

۸. تسهیل وقوع جرم : یعنی آسان کردن ارتکاب جرم برای مجرم اصلی ، مثل کشیک دادن در محل سرقت برای مطلع کردن سارق از آمدن مأموران ، یا نگه داشتن قربانی جهت قادر ساختن مجرم به کشتن یا مجروح کردن وی .

بدین ترتیب و با توجه به مصادیق حصری فوق الذکر ، سکوت و جلوگیری نکردن از ارتکاب جرم را نمی توان به منزلهٔ معاونت در آن جرم دانست . بنابراین ، « اگر یکی از دو نفر همکار اداری مرتکب اختلاس شود و دیگری با علم و اطلاع سکوت اختیار کند و گزارش ندهد ، عمل او را نمی شود معاونت تلقی کرد ، چون ... معاونت ..... از امور وجودی است نه عدمی . »

علیرغم آنچه گفته شد ، به نظر می رسد که در صورت موظف بودن کسی به اِعمال کنترل و مراقبت بر اَعمال دیگری ، گاه می‌توان عدم اِعمال این وظیفه را نوعی تشویق مجرم و تسهیل جرم ارتکابی ، و در نتیجه معاونت در جرم دانست . فرض کنید پسر بچهٔ چهارده ساله‌ای در حالی که پدرش نظاره گر اَعمال وی می باشد کلید خودروی پدر را از جیب او بیرون آورده ، و ضمن نشستن پشت فرمان خودرو ، آن را به بیرون هدایت کند . در این حالت سکوت و عدم اقدام پدر به منزلهٔ تشویق فرزند و تسهیل عمل رانندگیِ بدون پروانه از سوی او می باشد و این هر دو ، طبق ماده ۱۲۶، می تواند عنصر مادی معاونت در جرم را

[۱]. دکتر محمد هادی صادقی ، منبع پیشین

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

تشکیل دهد . همین طور ، عدم اقدام عمدی نگهبان مسلح بانک در مقابل سارق می تواند نوعی تشویق سارق و تسهیل عمل سرقت تلقی شود . مستخدمی نیز ، که با علم به قصد دیگری برای کشتن صاحب خانه ، در شب معین از قفل کردن در خانه در آن شب عمداً خودداری می کند می تواند ، در صورت تحقق قتل عمدی ، معاون در آن محسوب شود ، هر چند که هیچ تبانی قبلی با قاتل نکرده باشد .

همانگونه که قبلا ذکر شد ، از لحاظ زمانی ، عمل معاون ، به موجب تبصره ماده ۱۲۶ ، باید مقدم بر عمل مرتکب یا همزمان با آن باشد . بدین ترتیب ، اعمالی که پس از ارتکاب جرم ، در جهت کمک به مجرم برای فرار از دست مأموران یا اختفای آلات جرم صورت می‌گیرد ، معاونت در جرم تلقی نمی شود ، بلکه ممکن است جرم مستقلی باشد . برای مثال ، ماده ۶۳۶ «قانون تعزیرات » در مورد پنهان کردن جسد مقتول مقرر می دارد ، [هر کس جسد مقتولی را با علم به قتل مخفی کند یا قبل از این که به اشخاصی که قانوناً مأمور کشف و تعقیب جرایم هستند خبر دهد آن را دفن نماید ، به حبس از سه ماه و یک روز تا یک سال محکوم خواهد شد .] ماده ۵۵۴ نیز اشعار می دارد ، [هر کس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مساعدت کند ، از قبیل این که برای او منزل تهیه کند یا ادله جرم را مخفی نماید یا برای تبرئه مجرم ادله جعلی ابراز کند ، حسب مورد به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد].

وجود رابطهٔ سببیت بین رفتار معاون و جرم ارتکابی ضروری است . بنابراین هرگاه کسی چاقویی به دیگری برای ارتکاب قتل بدهد ولی او با استفاده از تفنگ مرتکب قتل شود ، فرد اول را نمی توان « تهیه کنندهٔ وسیلهٔ ارتکاب جرم » و در نتیجه معاون در قتل دانست ، مگر آن که بتوان از مجموع شرایط و اوضاع و احوال ، عمل او را به منزلهٔ « تشویق کردن » مجرم اصلی به ارتکاب جرم و در نتیجه از این لحاظ وی را معاون دانست . همین طور ، هرگاه شخصی با فریاد زدن ، دیگری را به کشتن شخص ثالثی تحریک نماید ولی قاتل ، بدون شنیدن آن فریاد ، مرتکب قتل شود ، فریاد زننده را نمی توان معاون در جرم دانست . لیکن ، اگر قاتل پس از شنیدن فریاد ، مرتکب قتل شود ، فریادزننده ، در صورت وجود سایر شرایط ، معاون در قتل محسوب خواهد شد و صرف این که قاتل بگوید حتی اگر آن شخص فریاد نمی زد نیز من مقتول را می کشتم ، موجب سلب مسئولیت معاون نخواهد شد . ولی اگر عمل شخص را به هیچ روی نتوان تسهیل ارتکاب جرم دانست ، حکم به معاونت داده نمی شود .

ب– رکن روانی

برای تحقق عنصر روانی معاونت ، به موجب تبصره ماده ۱۲۶ قانون جدید مجازات اسلامی ، وجود وحدت قصد بین معاون و مرتکب جرم ضروری است . بنابراین ، هرگاه کسی سلاح خود را برای شکار به دیگری بدهد ولی آن شخص با استفاده از آن سلاح مرتکب قتل دیگری شود ، شخص عاریه دهندهٔ سلاح را نمی توان معاون در قتل عمدی دانست . همین حکم در مواردی جاری خواهد بود که شخص برای ارتکاب عمل مجرمانه‌ای (مثلا جعل) به دیگری کمک کند ولی آن شخص از کمک ارائه شده به وی برای ارتکاب جرم دیگری (مثلاً کلاهبرداری) استفاده نماید .

وحدت قصد مستلزم همفکری و تبانی قبلی بین معاون و مباشر جرم نمی باشد . حتی به نظر می رسد که تمایل معاون به ارتکاب جرم از سوی مباشر نیز ضرورت نداشته باشد ، بلکه صِرفِ آگاهی و اطلاع معاون نسبت به این که مساعدت وی برای ارتکاب جرم از سوی مباشر مورد استفاده قرار می‌گیرد کفایت می‌کند .

در مواردی که کسی به هیچ وجه قصد کمک کردن به مرتکب اصلی را نداشته ، بلکه ، برعکس ، قصد بازداشتن وی از ارتکاب جرم را داشته باشد ، وی را نمی توان معاون در جرم دانست ، حتی اگر دخالت وی در عمل باعث ارتکاب جرم از سوی مرتکب شده باشد . بنابراین ، مثلاً اگر کسی با اظهار مطالبی قصد بازداشتن دیگری را از کشتن شخص ثالثی داشته باشد ولی ، از قضا ، سخنان وی موجب تحریک بیشتر شنونده و در نتیجه ارتکاب قتل از سوی وی شود ، گویندهٔ آن سخنان را ، به دلیل نداشتن عنصر روانی ، نمی توان معاون در قتل عمدی دانست .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

آنچه که فوقاً در مورد توسیع مفهوم « وحدت قصد » گفتیم را می توان در جرایم غیر عمدی نیز اعمال کرد . به همین دلیل ، دیوان عالی کشور در یکی از آرای خود مقرر داشته است ، « در جرایم غیرعمدی معاونت به همین قدر صدق می کند که با علم و اطلاع به این که شخصی در کار مهارت ندارد یا آن کار بر خلاف نظامات یا بی احتیاطی است و ممکن است منجر به حادثه خطرناکی شود با آن شخص معاونت کند . بنابراین ، اگر راننده ای رل ماشین را به شاگرد خود که از رانندگی بی اطلاع است بدهد و در نتیجه منجر به قتل کسی شود ، عمل معاونت در جرم .... خواهد بود » .

بند دوم – مجازات معاونت و مسهل در جرم قتل

الف – مجازات معاونت به طور کلی

معاونت در قتل از جرائمی است که از طرف قانونگذار اسلامی شدیداً نهی شده و مرتکب مستحق کیفر دنیوی و اخروی شمرده شده است. مجازات معاون نیز مانند کیفر مرتکب اصلی حق الناس بوده ، تعقیب مجرم و اجرای کیفر علیه وی منوط به مطالبه و درخواست اولیاء دم خواهد بود ، بنابراین با گذشت اولیاء دم ، معاون رها شده و تعقیب متوقف می گردد. لکن اگر فعل معاون از مصادیق تعدد اعتبار بوده ، علاوه بر معاونت در قتل ، عناوین دیگری نیز مانند عفو و گذشت اولیاء دم با وجود هر عامل دیگری که امکان مجازات مقرر برای معاونت در قتل را منتفی سازد، مانع از مجازات وی با توجه به عناوین دیگر نخواهد بود.

علی رغم اینکه طبق ماده ۱۲۹قانون جدید مجازات اسلامی در نظام حقوقی ما تخفیف یا تشدید مجازات مباشر « به علل شخصی » تأثیری در مجازات معاون ندارد لیکن تبصره های مواد ۱۲۷ قانون جدید مجازات اسلامی و ۶۱۲ قانون تعزیرات به این مسأله اشاره کرده اند که اگر به هر دلیلی مباشر قصاص نشود، مجازات معاون کاهش خواهد یافت[1].

ب – مجازات مصادیق مختلف معاونت در جنایات

« قانون مجازات اسلامی » در مواد مختلفی به موضوع معاونت در قتل و سایر جنایات اشاره کرده است ، که ذیلاً به بررسی این مواد و برخی دیگر از مصادیق مهم معاونت در جنایات می پردازیم .

۱. معاونت در جنایات عمدی غیر موجب قصاص

در صورتی ، که به دلیل نبودن شاکی یا گذشت وی یا به هر دلیل دیگری (مثل عدم امکان رعایت مماثله ، یا بودن رابطهٔ پدری بین جانی و مجنیٌ علیه یا قتل کافر توسط مسلمان و یا مجنون توسط عاقل) شخص جانی قصاص نشود ، لیکن اقدام وی موجب اخلال در نظم و امنیت جامعه شده یا بیم تجری مرتکب یا دیگران برود ، وی ، در صورت ارتکاب قتل ، به موجب ماده ۶۱۲ ، به سه تا ده سال حبس ، و در صورت ارتکاب ضرب یا جرحی که به یکی از ضایعات مذکور در ماده ۶۱۴ قانون تعزیرات (یعنی نقصان ، شکستن یا از کار افتادن عضو، مرض دایمی ، فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی علیه) منتهی شود به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد . در چنین حالتی ،که مجازاتِ مرتکبِ جنایت از قصاص به حبس تعزیری به شرح بالا تقلیل می‌یابد ، به نظر مقنن ، معاون نیز مستحق تخفیف است . در راستای اِعمال این نظر ، تبصره ماده ۶۱۲ مجازات معاون قتل عمد را ، در صورت قصاص نشدن قاتل ، به یک تا پنج سال حبس تقلیل داده است .

---

[1]. **مطابق ماده ۱۲۷ قانون جدید مجازات اسلامی ،** در صورتی که در شرع یا قانون ، مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد ، مجازات وی به شرح زیر است :

۱. در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات یا حبس دائم است ، حبس تعزیری درجهٔ دو یا سه

۲. در سرقت حدی و قطع عمدی عضو ، حبس تعزیری درجهٔ پنج یا شش

۳. در جرائمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی است سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجهٔ شش

۴. جرائم موجب تعزیر یک تا دو درجه پایین تر از مجازات جرم ارتکابی

تبصره ۱ در مورد بند (۴) این ماده مجازات معاون از نوع مجازات قانونی جرم ارتکابی است مگر در مورد مصادرهٔ اموال ، انفصال دائم و انتشار حکم محکومیت که مجازات معاون به ترتیب جزای نقدی درجهٔ چهار ، شش و هفت است .

تبصره ۲ در صورتی که به هر علت قصاص نفس یا عضو اجراء نشود ، مجازات معاون بر اساس میزان تعزیر فاعل اصلی جرم، مطابق بند (۴) ، اعمال می شود .

ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات : هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می‌نماید.

تبصره – در این مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از یک تا پنج سال خواهد بود.

ماده ۶۱۴ قانون تعزیرات : هر کس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضاء یا منتهی به مرض دایمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی علیه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می‌شود.

تبصره – در صورتی که جرح وارده منتهی به ضایعات فوق نشود و آلت جرح اسلحه یا چاقو و امثال آن باشد مرتکب به سه ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد.

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

پیش بینی قانونگذار در مورد تقلیل مجازات معاون به تبع تقلیل مجازات مرتکب ناشی از پذیرش اصل استعارهٔ نسبی معاون از مباشر (به جای استعارهٔ مطلق) در قانون ایران می باشد ، که به تبع آن مجازات معاون باید از مجازات مباشر کمتر باشد . بنابراین، نمی توان آن را مغایر با مفاد ماده ۱۲۹ قانون جدید مجازات اسلامی دانست . زیرا طبق ماده مذکور ، [در صورتی که فاعل مرتکب جرم به جهتی از جهات قانونی قابل تعقیب و مجازات نباشد و یا تعقیب و یا اجرای حکم مجازات او به جهتی از جهات قانونی موقوف گردد تأثیری در حق معاون جرم نخواهد داشت] ، در حالی که در ما نَحنُ فیه بحث تقلیل مجازات مباشر از قصاص به حبس است ، و حکم این مورد را نباید با موردی که مجازات مباشر موقوف شده و یا وی قابل تعقیب یا مجازات نباشد یکسان دانست .

۲. معاونت در سقط جنین

مواد ۶۲۳ و ۶۲۴ قانون تعزیرات به نمونه هایی از معاونت در سقط جنین اشاره کرده‌اند . ماده ۶۲۳ به دلالت و راهنمایی کردن زن حامله به استعمال ادویه یا وسایل دیگر برای سقط جنین از سوی اشخاص عادی پرداخته است ، که منطبق بر بند ۲ ماده ۱۲۶ قانون جدید مجازات اسلامی در مورد « ارائه طریق برای ارتکاب جرم » می باشد ، که قطعاً باید چیزی فراتر از صِرفِ تحریک، ترغیب ، تطمیع و نظایر آن و توأم با آموزش و راهنمایی کردن باشد . مجازات شخص معاون در چنین حالتی از سه تا شش ماه حبس خواهد بود .

هرگاه تهیه کردن وسایل سقط جنین ، که منطبق بر همان بند ۲ ماده ۱۲۶در مورد « تهیه وسایل ارتکاب جرم» می‌باشد ، از سوی اشخاص حرفه ای مثل « طبیب یا ماما یا داروفروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا دارو فروشی اقدام می‌کنند » انجام شود مرتکب ، به موجب ماده ۶۲۴ قانون تعزیرات ، به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهد شد[۱] .

۳ . معاونت در منازعه

هرگاه فردی عده ای را به انجام منازعه تحریک ، ترغیب ، تطمیع و .... نماید ، یا وقوع جرم را تسهیل کرده و یا وسایل منازعه (مثل چوب و سنگ و سلاح) در اختیار طرفین قرار دهد ، به عنوان معاون در ارتکاب منازعه مجازات خواهد شد .

مجازات شخص معاون در منازعه با توجه به نتیجهٔ حاصله از آن مشخص می‌شود . با توجه به ماده ۶۱۵ قانون تعزیرات ، اگر منازعه منتهی به قتل شود ، مجازات معاون یک سال حبس ، اگر منتهی به نقص عضو شود ، شش ماه حبس و اگر منتهی به ضرب و جرح شود سه ماه حبس خواهد بود .

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که هرگاه اقدامات معاون در حمایت از یک طرف منازعه انجام شود ، مثل این که یکی از طرفین را به کشتن یا مجروح کردن طرف دیگر ترغیب نماید ، او معاون در هر قتل یا ایراد جرحی است که طرف مورد ترغیب نسبت به طرف مقابل مرتکب می شود ، ولی معاون جنایاتی که ممکن است طرف مقابل نسبت به طرف اول انجام دهد محسوب نمی شود ، زیرا وی درآن جنایت معاونتی نکرده است . بدیهی است در صورت مساعدت کردن او به اصل وقوع منازعه ، وی را می توان معاون در منازعه نیز دانست و احکام تعدّد را بر وی بار کرد .

۴ . معاونت در قتل به شکل امساک

یکی از موارد خاص معاونت در قتل ، که فقها به آن اشاره کرده اند ، امساک یا نگهداشتن کسی برای قادر ساختن دیگری به کشتن او می باشد . مراد از نگه داشتن معنی عرفی آن است که شامل گرفتن با دست ، پیچیدن با طناب ، محبوس ساختن در اتاق و نظایر آن می شود . چون فقیهان امامیه مجازات فرد ممسک را حبس ابد دانسته اند[۲] ، به نظر برخی از حقوقدانان ، همین مجازات در مورد ممسک ، اجرا می شود زیرا ، طبق ماده ۱۲۷ قانون جدید مجازات اسلامی ، [در صورتی که برای معاونت جرمی مجازات خاصی در قانون یا شرع وجود داشته باشد همان مجازات اجرا خواهد شد .]

---

[۱]. **ماده ۶۲۴ قانون تعزیرات :** اگر طبیب یا ماما یا دارو فروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا داروفروشی اقدام می‌کنند وسایل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت.

[۲]. به نظر دکتر آقایی نیا با توجه به نظر حضرت امام « ره » خطاب به آیت الله مومن که اجرای این گونه مجازاتها را به مصلحت ندانسته و موجب وهن اسلام می داند، مجازاتهای شرعی در این موارد اجرا نمی شود .

بدین ترتیب باید تبصره ماده ۶۱۲ شامل همهٔ مصادیق معاونت ، از جمله ممسک و دیده بان (یعنی کسی که مواظب اطراف است تا قاتل بتواند کار خود را به سهولت انجام دهد) می شود ، هر چند که فقها برای معاونت به دو صورت اخیر مجازات‌های خاصی را تعیین کرده‌اند .

۵. معاونت در معاونت

با توجه به این که وجود ارتباط و همفکری بین معاون و مباشر جرم شرط مسئولیت معاون نمی باشد ، می توان معاونت در معاونت را نیز ، در صورت وجود سایر شرایط مثل وحدت قصد و همزمانی یا مقدم بودن عمل معاون نسبت به مباشر ، جرم و قابل مجازات دانست . بدین ترتیب ، هرگاه « الف » کلید منزل مقتول را به « ب » بدهد و « ب » هم درِ منزل را برای ارتکاب قتل از سوی « ج » باز کند ، در صورت ارتکاب قتل از سوی شخص اخیرالذکر ، « الف » و « ب » معاون در قتل عمدی محسوب خواهند شد .

۶. معاونت در شروع جنایت

ماده ۶۱۳ قانون تعزیرات ، برای شروع به ارتکاب قتل عمدی مجازات شش ماه تا سه سال حبس تعزیری را معین کرده است . با توجه به این که شروع به قتل یک جرم تعزیری است ، هرگاه کسی سلاحی را برای ارتکاب قتل در اختیار دیگری قرار دهد ولی گیرندهٔ سلاح ، علیرغم اقدام به تیراندازی یا ورود به عملیات اجرایی ، موفق به کشتن فرد مورد نظر نشود ، مجازات مرتکب شش ماه تا سه سال حبس و مجازات ارائه کنندهٔ سلاح (به عنوان معاون) شش ماه حبس خواهد بود .

۷. معاونت در جنایت ناشی از اشتباه در هویت

اشتباه در هویت موجب خروج عمل از عنوان « عمدی » نمی شود . بنابراین ، هرگاه کسی به دیگری سلاح بدهد تا با آن فرد خاصی را بکشد ولی گیرندهٔ سلاح ، بر اثر اشتباه در هویت ، شخص دیگری را به جای فرد مورد نظر گرفته و بکشد ، عمل مباشر قتل عمدی و عمل معاون نیز معاونت در قتل عمدی است و طبق تبصره ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات ، حبس از یک تا پنج سال خواهد بود[۱] .

***

گفتار پنجم – شرایط دعوی قتل عمد

مدعی باید حین اقامهٔ دعوی ، عاقل و بالغ باشد و چنانچه دعوی مستلزم امر مالی گردد ، رشد نیز شرط است . اما نسبت به مدعی علیه هیچ یک از موارد مذکور شرط نمی‌باشد. مدعی باید نسبت به مورد دعوی جازم باشد و با احتمال و ظن نمی‌توان علیه کسی اقامهٔ دعوی کرد . لکن با وجود اماره و آثار جرم ، دعوی بدون جرم نیز مسموع است. مدعی علیه باید معلوم و مشخص یا محصور در میان عده‌ای معین باشد . مورد دعوی باید معلوم باشد و مدعی قتل باید نوع آن را از لحاظ عمد یا غیر عمد بیان کند و اگر اصل قتل ثابت شود و نوع آن اثبات نشود باید با صلح میان قاتل و اولیاء مقتول و عاقله دعوی را خاتمه داد.

***

گفتار ششم – ادلهٔ اثبات قتل عمدی

طبق ماده ۱۶۰ قانون جدید مجازات اسلامی ادله اثبات جرم عبارتند از:

- اقرار
- شهادت
- قسامه
- علم قاضی

ادله اثبات در جنایت در این ماده حصری است . به عبارتی ، با توجه به مفاد این ماده برای اثبات جنایت ، قاضی مجاز به استناد هیچ دلیل دیگری نخواهد بود[۲] .

---

[۱]. دکتر حسین میر محمد صادقی ، « حقوق جزای اختصاصی » ،جرائم علیه اشخاص ، نشر میزان

[۲]. دکترحسین آقایی نیا ، تقریرات حقوق جزای اختصاصی ، انتشارات دانشگاه تهران ، شماره ۲۴۹۹

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

بند اول – اقرار

به موجب ماده ۱۶۴ قانون جدید مجازات اسلامی ، اقرار عبارت از اخبار شخص به ارتکاب جرم از جانب خود است .

در حقوق خصوصی ، اقرار دارای ارزش و اعتبار مطلق است ولی در امور جزایی به ویژه تعزیرات ، اقرار به تنهایی علیه اقرار کننده دلیل نمی‌باشد و برای موثر بودن آن باید مقرون به قرائن و امارات بوده به طوری که برای قاضی ایجاد یقین و اعتقاد کند، بنابراین اعتبار اقرار نهایتاً بستگی به نظر دادرسان دارد . دیوان عالی کشور در این مورد اعلام داشته است که « اصولاً در امور جزایی تنها اقرار متهم بدون اینکه در باب صحت و اعتبار آن تحقیقاتی به عمل آمده و قرائنی درتایید آن موجود باشد موضوعیت نداشته و ممکن است طریق علم و استنباط محکمه، در تشخیص تقصیر متهم واقع شود نه آنکه به طور کلی و قطع نظر از طریقیت آن بر ضرر متهم دلیل و حجت قانونی به شمار رود، بلکه در مقام حکم به ارتکاب فقط دلیل و شواهد اقناع‌کننده مناط اعتبار خواهد بود.[۱]

به موجب ماده ۱۲۵۹ قانون مدنی اقرار « عبارت است از اخبار به حقی برای غیر بر ضرر خود » و لذا اگر اظهار به امری فاقد هر دو وجه مذکور باشد اقرار تلقی نخواهد شد . به عنوان مثال اگر کسی متهم به قتل عمدی باشد اقرار او به قتل خطئی معتبر نیست . اقرار به موجب ماده ۱۶۸ قانون جدید مجازات اسلامی در صورتی نافذ است که اقرار کننده عاقل ، بالغ ، مختار و قاصد باشد . بنابراین اقرار دیوانه و مست و کودک و مجبور نافذ نیست .

همچنین است اقرار اشخاص فراموش کار ، شوخ ، خواب و بیهوش . اما چنانچه این شرایط از شخص زایل شود آیا تایید اقرار قبلی و یا اقرار فعلی او قابل قبول خواهد بود. مثلا اگر کسی در حال مستی اقرار به قتل کندو پس از به هوش آمدن آن را تایید و یا مجددا اقرار نماید آیا از او پذیرفته است ؟ هر چند شمول یک حکم بر تمام مصادیق خالی از اشکال نیست ولی چنانچه در زمان اقرار ، شرایط ماده ۱۶۸ را داشته باشد منعی نخواهد داشت .

مطابق تبصره ۲ ماده ۲۱۸ قانون جدید مجازات اسلامی : اقرار در صورتی اعتبار شرعی دارد که نزد قاضی در محکمه انجام گیرد .

اداره حقوقی قوۀ قضائیه در نظریات مشورتی خود بر لزوم « عند الحاکم » بودن اقرار تأکید کرده است . مطابق یک نظر ، «اقرار که در قانون مجازات اسلامی از راههای ثبوت جرم به شرح مقرر در آن قانون ذکر شده ،اقراری است که در محضر قاضی و با رعایت شرایط انجام گیرد . » به موجب نظریه مشورتی دیگر ، « ضرورت ندارد که خودِ حاکم شخصاً شهادت شهود و گواهی گواهان را استماع نماید و اظهارات آنان نزد قاضی تحقیق معتبر است ، مگر این که حاکم به جهتی این امر را لازم بداند . اما در مورد اقرار متهم ، مستفاد از ظواهر ادله و منابع فقهی و قوانین موضوعه در باب اقاریر ، این است که اقرار باید نزد حاکم جامع الشرایط بوده باشد و اعتبار اقرار در نزد غیرحاکم رسیدگی کننده ، هر چند قاضی تحقیق بوده باشد ، محرز نیست و با شک در اعتبار ، مقتضای اصل ، عدم اعتبار و عدم وجاهت شرعی و قانونی است ، فلذا لازم است حاکم شخصاً اقرار متهم را استماع نماید . »

بدین ترتیب ، هرگاه اقرار دارای تمامی شرایط صحت باشد ، معتبر بوده و انکار پس از آن نیز مسموع نیست[۲] .

گاه ممکن است بین دو اقرار تعارض حاصل شود . حالت اولِ این تعارض وقتی است که کسی به قتل عمدی شخصی اقرار نموده و دیگری به قتل عمدی یا خطایی همان مقتول اقرار می‌کند ، بدون آن که شخص اول از اقرار خود برگردد . در این حالت ، ولی دم در مراجعه به هر یک از این دو نفر مخیر است که برابر اقرارش عمل نماید و نمی تواند مجازات هر دو را مطالبه کند . بدین ترتیب ولی دم ، حسب این که هر یک از دو مقرّ به قتل عمدی اقرار کرده است یا خطایی ، می تواند از شخص مورد نظرش قصاص یا دیه را مطالبه کند ، زیرا هر یک از دو اقرار سبب مستقلی است برای این که مقتضایش را واجب گرداند . به نظر می رسد که در صورت تعدد اولیای دم نیز همین حکم جاری است و اولیای دم نمی تواند به هر دو مقرّ مراجعه نمایند ، یعنی امکان این که برخی از آنها به شخص اول و برخی به شخص دوم مراجعه کنند ، وجود ندارد چون جمع میان این دو اقرار ممکن نیست .

---

[۱]. دکترایرج گلدوزیان ، حقوق جزای اختصاصی ، انتشارات دانشگاه تهران ، شماره ۲۴۹۹

[۲]. دکتر حسین میرمحمد صادقی ، «حقوق جزای اختصاصی » ، جرائم علیه اشخاص ، نشر میزان

حالت دومِ تعارض بین دو اقرار وقتی است که کسی به قتل عمدی شخصی اقرار می کند و پس از آن دیگری به قتل عمدی همان مقتول اقرار می نماید و اولی از اقرار خود بر می گردد . در این مورد ، قصاص یا دیه از هر دو ساقط است و دیه از بیت‌المال پرداخت می شود و این در حالی است که قاضی احتمال عقلایی ندهد که قضیه توطئه آمیز است[۱] .

اقرار به هر لفظی که واقع شود معتبر خواهد بود (ماده ۱۲۶۰ قانون مدنی) و به صورت غیر شفاهی نیز معتبر است مانند این که کتبی یا فعلی باشد (مواد ۱۲۸۰ و ۱۲۸۱ قانون مدنی)[۲] .

مطابق ماده ۱۷۲ قانون جدید مجازات اسلامی :

در کلیهٔ جرائم ، یکبار اقرار کافی است ، مگر در جرائم زیر که نصاب آن به شرح زیر است :

الف – چهار بار در زنا ، لواط ، تفخیذ و مساحقه

ب– دو بار در شرب خمر ، قوادی ، قذف و سرقت موجب حد

تبصره ۱ برای اثبات جنبهٔ غیرکیفری کلیهٔ جرائم ، یک بار اقرار کافی است .

تبصره ۲ در مواردی که تعدد اقرار شرط است ، اقرار می تواند در یک یا چند جلسه انجام شود .

اقرار طریقه‌ای است برای اقناع وجدانی قاضی جهت احراز تحقق جرم . بنابراین اگر اقرار کذب باشد و این امر بر قاضی ثابت شود اثری بر آن اقرار نخواهد بود (ماده ۱۲۷۶ قانون مدنی) .

طریقت اقرار در امور کیفری یک امر عقلی است زیرا امکان اقرار بر خلاف واقع به انگیزه‌های مختلف منتفی نیست . اشخاص ممکن است با دریافت پول حاضر به اقرار به قتل و یا سایر جنایات شوند . بنابراین صرف اقرار در امور کیفری علی الاصول قاطع دعوای نیست و قاضی باید از صحت آن اطمینان حاصل کند .

اقرار به قتل عمد از کسی که به سبب سفاهت یا افلاس محجور باشد نافذ و موجب قصاص است. از نظر دکتر آقایی نیا ، اقرار سفیه و مفلس در جنایات شبه عمد ، خطای محض و غیر عمدی نیز نافذ است .

به طور کلی اقرار وقتی حجت است که هدف از انجام آن کشف حقیقت باشد. لذا قاضی وقتی اقرار را می‌پذیرد که هیچگونه تردیدی در صحت آن نداشته باشد .

- به موجب اصل ۳۸ قانون اساسی : « هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است . اجبار اشخاص به شهادت ، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است . متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود » .

شکنجه فرد اجلای اجبار یا اکراه اشخاص است . شکنجه در این اصل اعم از شکنجه مادی یا روانی است و لذا ایراد ضرب و جرح و یا صدمات روحی و حیثیتی شکنجه محسوب می‌شود . بنابراین چون از شرایط صحت اقرار، قصد و اختیار است (ماده ۱۶۸) سلب آنها از سوی اشخاص به هر طریقی که باشد موجب عدم نفوذ اقرار خواهد بود . حتی اگر مفاد چنین اقراری صحیح باشد دادگاه به علت بی‌اعتباری آن مجاز به استناد به آن نخواهد بود .

- شخصیت مرتکب اعم از این که دولتی باشد یا غیر دولتی ، تاثیری در بی‌اعتباری اقرار نخواهد داشت بلکه تفاوت آن در نوع واکنش نسبت به مرتکب شکنجه یا اجبار خواهد بود . اگر مرتکب از اشخاص عادی باشد با تعیین عنوان خاص مجرمانه شکنجه یا اجبار بر حسب مورد مجازات خواهد شد ولی چنانچه شکنجه از سوی ماموران دولت اعمال گردد ظاهرا مستند مجازات آنها ماده ۵۷۸ قانون تعزیرات است .

- اقرار دیوانه و مست و کودک و مجبور و اشخاص فاقد قصد ، مثل ساهی (یعنی کسی که از روی سهو و خطا اقرار می‌کند) یا هازل (یعنی کسی که از روی شوخی اقرار می کند) و نائم (یعنی شخص خواب) و نیز شخص بی‌هوش و مست نافذ نیست . برای مثال ، اقراری که در نتیجهٔ شکنجه و تهدید صورت گرفته باشد ، نه تنها موجب مسئولیت کیفری شخص نمی شود ، بلکه موجب ضمان مدنی وی نیز نخواهد شد . طبق اصل ۳۸ « قانون اساسی » ، «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع

---

[۲]. دکتر حسین میرمحمد صادقی ، منبع پیشین

[۳]. **ماده ۱۲۸۰ قانون مدنی :** اقرار کتبی در حکم اقرار شفاهی است .

ماده ۱۲۸۱ قانون مدنی : قید دین در دفتر تجار به منزله اقرار کتبی است .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ممنوع است . اجبار شخص به شهادت ، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است . متخلّف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.» ضمانت اجرای عدم رعایت این اصل در ماده ۵۷۸ قانون تعزیرات آمده است ، «هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیرقضایی دولتی برای این که متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید ، علاوه بر قصاص یا دیه حسب مورد ، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد ، و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند ، مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت[۱] . »

- هرگاه بتوان با دلایل دیگری ، غیر از اقرار ، قاتل عمد بودن یکی از دو اقرارکننده را ثابت کرد ، وی محکوم به قتل عمدی خواهد شد .
- به دلیل وجود همین مشکلات در اقرار متهمان نسبت به ارتکاب بزه ، ادارهٔ حقوقی قوه قضائیه در یکی از نظرات مشورتی خود اظهار داشته است ، « در غیر موارد حدود و قصاص که برای اقرار شرایط و اعتبار خاصی مقرر شده است ، در سایر امور کیفری اقرار زمانی معتبر است که کاشف از حقیقت باشد ، فلذا صرف اقرار برای صدور حکم محکومیت مقرّ کافی نیست . زمانی می‌توان اقرار را حجت دانست که با اوضاع و احوال موجود در پرونده و قرائن و امارات و سایر دلایل تطبیق [کند] و مقرون به واقع بودن آن احراز شود . »
- اظهارات وکیل علیه موکل و ولی و قیم علیه مولی علیه اقرار محسوب نمی شود .
- اقرار باید با لفظ یا نوشتن باشد و در صورت تعذر ، با فعل از قبیل اشاره نیز واقع می شود و در هر صورت باید روشن و بدون ابهام باشد .
- اقراری که تحت اکراه ، اجبار ، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی یا جسمی اخذ شود ، فاقد ارزش و اعتبار است و دادگاه مکلف است از متهم تحقیق مجدد نماید .
- اقرار شخص سفیه که حکم حجر او صادر شده است و شخص ورشکسته ، نسبت به امور کیفری نافذ است ، اما نسبت به ضمان مالی ناشی از جرم معتبر نیست .
- هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرم کند ، اقرار وی معتبر است و نوبت به ادلهٔ دیگر نمی رسد ، مگر اینکه با بررسی قاضی رسیدگی کننده قرائن و امارات برخلاف مفاد اقرار باشد در این صورت دادگاه ، تحقیق و بررسی لازم را انجام می دهد و قرائن و امارات مخالف اقرار را در رأی ذکر می‌کند.
- انکار بعد از اقرار موجب سقوط مجازات نیست به جز در اقرار به جرمی که مجازات آن موجب رجم یا حد قتل است که در این صورت در هر مرحله ، ولو در حین اجراء ، مجازات مزبور ساقط و به جای آن در زنا و لواط صد ضربه شلاق و در غیر آنها حبس تعزیری درجهٔ پنج ثابت می‌گردد.

بند دوم – شهادت

یکی دیگر از دلایل اثبات قتل ، شهادت یا بیّنه است .

مطابق ماده ۱۷۴ قانون جدید مجازات اسلامی :

شهادت عبارت از اخبار شخصی غیر از طرفین دعوی به وقوع یا عدم وقوع جرم به وسیلهٔ متهم یا هر امر دیگری نزد مقام قضائی است .

« بین شهادت و اقرار از جهات ذیل فرق وجود دارد :

- شهادت شاهد به زیان خودش عنوان شهادت ندارد بلکه اقرار محسوب است .
- شهادت حتی نسبت به ثالث هم تاثیر دارد .... حال آنکه اقرار فقط به زیان اقرار کننده تاثیر دارد نه نسبت به دیگران . »

شهادت از نظر دکتر گلدوزیان عبارت است از ، اخبار صحیح از وقوع امری به منظور ثبوت آن در جلسه دادگاه تحت عنوان «من گواهی و شهادت می‌دهم » . شهادت از مهمترین وسایل اثبات دعوای جزایی است .

مطابق ماده ۱۷۷ قانون جدید مجازات اسلامی : شاهد شرعی در زمان ادای شهادت باید شرایط زیر را دارا باشد :

بلوغ ، عقل ، ایمان ، عدالت ، طهارت مولد ، ذینفع نبودن در موضوع ، نداشتن خصومت با طرفین یا یکی از آنها ، عدم اشتغال به تکدی ، ولگرد نبودن .

---

[۱]. دکتر حسین میر محمد صادقی ، « حقوق جزای اختصاصی » ، جرائم علیه اشخاص ، نشر میزان

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

تبصره ۱ شرایط موضوع این ماده باید توسط قاضی احراز شود .

تبصره ۲ در مورد شرط خصومت ، هرگاه شهادت شاهد به نفع طرف مورد خصومت باشد ، پذیرفته می شود .

بر اساس مواد ۱۷۵ ، ۱۷۶ و ۱۸۲ قانون جدید مجازات اسلامی :

شهادت شرعی آن است که شارع آن را معتبر و دارای حجیت دانسته است ؛ اعم از آنکه مفید علم باشد یا نباشد .

در صورتی که شاهد واجد شرایط شهادت شرعی نباشد ، اظهارات او استماع می شود . تشخیص میزان تأثیر و ارزش این اظهارات در علم قاضی ، در حدود امارهٔ قضائی با دادگاه است .

در شهادت شرعی ، در صورت تعدد شهود ، وحدت موضوع شهادت ضروری است و باید مفاد شهادت ها در خصوصیات مؤثر در اثبات جرم یکسان باشد . هرگاه اختلاف مفاد شهادت ها موجب تعارض شود و یا وحدت موضوع را مخدوش کند ، شهادت شرعی محسوب نمی شود .

مطابق مواد ۱۷۸الی ۱۸۱ قانون جدید مجازات اسلامی :

شهادت مجنون ادواری در حال افاقه پذیرفته می شود ، مشروط به آنکه تحمل شهادت نیز در حال افاقه بوده باشد .

هرگاه شاهد در زمان تحمل شهادت ، غیربالغ ممیز باشد ، اما در زمان ادای شهادت به سن بلوغ برسد ، شهادت او معتبر است .

شهادت اشخاص غیرعادی ، مانند فراموشکار و ساهی به عنوان شهادت شرعی معتبر نیست ، مگر آنکه قاضی به عدم فراموشی ، سهو و امثال آن در مورد شهادت علم داشته باشد .

عادل کسی است که در نظر قاضی یا شخصی که بر عدالت وی گواهی می دهد ، اهل معصیت نباشد . شهادت شخصی که اشتهار به فسق داشته باشد ، مرتکب گناه کبیره شود یا بر گناه صغیره اصرار داشته باشد ، تا احراز تغییر در اعمال او و اطمینان از صلاحیت و عدالت وی ، پذیرفته نمی شود .

لازم به ذکر است که ، اگر طرفین دعوی به عدالت شاهد اعتراض نکنند ، باز قاضی مکلف به قبول بدون قید و شرط شهادت نیست.

در مورد **منع اجبار شخص به شهادت** باید گفت که ، اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اجبار شخص به شهادت را مجاز ندانسته و چنین شهادتی را فاقد ارزش و اعتبار می‌داند. همچنین متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود. چنانچه شاهدی تحت تاثیر ترس و وحشت ناشی از اجبار و تهدید، شهادت دروغ بدهد مرتکب جرم شهادت دروغ شده است. ماده ۶۵۰ قانون تعزیرات می‌گوید « هر کس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

مطابق مواد ۱۸۳ الی ۲۰۰ قانون جدید مجازات اسلامی :

شهادت باید از روی قطع و یقین ، به نحوی که مستند به امور حسی و از طریق متعارف باشد ، ادا شود .

شهادت باید با لفظ یا نوشتن باشد و در صورت تعذر ، با فعل از قبیل اشاره واقع شود و در هر صورت باید روشن و بدون ابهام باشد .

در صورت وجود تعارض بین دو شهادت شرعی ، هیچ یک معتبر نیست .

چنانچه حضور شاهد متعذر باشد ، گواهی به صورت مکتوب ، صوتی - تصویری زنده و یا ضبط شده ، با احراز شرایط و صحت انتساب ، معتبر است .

در شهادت شرعی نباید علم به خلاف مفاد شهادت وجود داشته باشد . هرگاه قرائن و امارات بر خلاف مفاد شهادت شرعی باشد ، دادگاه، تحقیق و بررسی لازم را انجام می دهد و در صورتی که به خلاف واقع بودن شهادت ، علم حاصل کند ، شهادت معتبر نیست .

شهادت بر شهادت شرعی در صورتی معتبر است که شاهد اصلی فوت نموده و یا به علت غیبت ، بیماری و امثال آن، حضور وی متعذر باشد .

تبصره ۱ شاهد بر شهادت شاهد اصلی باید واجد شرایط مقرر برای شاهد اصلی باشد .

تبصره ۲ شهادت بر شهادت شاهد فرع ، معتبر نیست .

جرائم موجب حد و تعزیر با شهادت بر شهادت اثبات نمی شود ؛ لکن قصاص ، دیه و ضمان مالی با آن قابل اثبات است .

در صورتی که شاهد اصلی ، پس از اقامه شهادت به وسیلهٔ شهود فرع و پیش از صدور رأی ، منکر شهادت شود ، گواهی شهود فرع از اعتبار ساقط می شود ، اما بر انکار پس از صدور حکم ، اثری مترتب نیست .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

شاهد شرعی قابل جرح و تعدیل است . جرح شاهد عبارت از شهادت بر فقدان یکی از شرایطی که قانون برای شاهد شرعی مقرر کرده است و تعدیل شاهد عبارت از شهادت بر وجود شرایط مذکور برای شاهد شرعی است .

قاضی مکلف است حق جرح و تعدیل شهود را به طرفین اعلام کند .

جرح شاهد شرعی باید پیش از ادای شهادت به عمل آید ، مگر آنکه موجبات جرح پس از شهادت معلوم شود . در این صورت ، جرح تا پیش از صدور حکم به عمل می‌آید و در هر حال دادگاه مکلف است به موضوع جرح ، رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند .

در صورت رد شاهد شرعی از سوی قاضی یا جرح وی ، مدعی صلاحیت شاهد می تواند برای اثبات آن دلیل اقامه کند .

در اثبات جرح یا تعدیل شاهد ، ذکر اسباب آن لازم نیست و گواهی مطلق به تعدیل یا جرح کفایت می‌کند ، مشروط بر آنکه شاهد دارای شرایط شرعی باشد .

تبصره- در اثبات یا نفی عدالت ، علم شاهد به عدالت یا فقدان آن لازم است و حسن ظاهر به تنهایی برای احراز عدالت کافی نیست.

هرگاه گواهی شهود معرفی شده در اثبات جرح یا تعدیل شاهد با یکدیگر معارض باشد ، از اعتبار ساقط است .

هرگاه دادگاه ، شهود معرفی شده را واجد شرایط قانونی تشخیص دهد ، شهادت را می پذیرد و در غیر این صورت، شهادت را شهادت شرعی محسوب نمی‌کند و اگر از وضعیت آنها اطلاع نداشته باشد ، تا زمان احراز شرایط و کشف وضعیت که نباید بیش از ده روز طول بکشد ، رسیدگی را متوقف و پس از آن حسب مورد ، اتخاذ تصمیم می‌کند ، مگر اینکه به نظر قاضی احراز شرایط در مدت ده روز ممکن نباشد .

رجوع از شهادت شرعی ، قبل از صدور حکم موجب سلب اعتبار شهادت می شود و اعادهٔ شهادت پس از رجوع از آن ، مسموع نیست .

نصاب شهادت در کلیهٔ جرائم دو شاهد مرد است مگر در زنا ، لواط ، تفخیذ و مساحقه که با چهار شاهد مرد اثبات می‌گردد . برای اثبات زنای موجب حد جلد ، تراشیدن و یا تبعید ، شهادت دو مرد و چهار زن عادل کافی است . زمانی که مجازات غیر از موارد مذکور است ، حداقل شهادت سه مرد و دو زن عادل لازم است در این مورد هرگاه دو مرد و چهار زن عادل به آن شهادت دهند تنها حد شلاق ثابت می‌شود . جنایات موجب دیه با شهادت یک شاهد مرد و دو شاهد زن نیز قابل اثبات است .

در خصوص شهادت بر زنا یا لواط ، شاهد باید حضوری عملی را که زنا یا لواط با آن محقق می شود دیده باشد و هرگاه شهادت مستند به مشاهده نباشد و همچنین در صورتی که شهود به عدد لازم نرسند شهادت در خصوص زنا یا لواط قذف محسوب می شود و موجب حد است .

بند سوم – قسامه

قسامه ، در واقع نوعی سوگند است ، بنابراین جهت وضوح بیشتر موضوع ، ابتدا بطور مختصر در مورد سوگند و سپس به تفصیل در مورد قسامه می‌پردازیم :

الف – سوگند

در مقابل استناد به شهادت که در اصل با مدعی است، مدعی علیه که در مقام انکار اقرار می‌گیرد ملزم به ادای سوگند می‌باشد. حال چنانچه مدعی علیه از ادای سوگند خودداری نماید پرونده به زیان او منتهی و محکوم به بی حقی است. زیرا اغلب امتناع از ادای سوگند مساوی و معادل است با اقرار ضمنی.

در امور کیفری امتناع از ادای سوگند موجبی برای اعمال مجازات نیست و این تنها اقرار صریح است که مجازات را ممکن می‌سازد. در مقابل ، توسل به سوگند از طرف مدعی به عنوان دلیلی برای احراز ضرر و زیان مدنی ناشی از جرم قابل قبول نیست.

لازم به تذکر است که سوگند همراه با شهادت جایگزین وجود دو مورد شهادت از برای اثبات وقایع می‌گردد. بنابراین هنگامی که عده شهود قانوناً برای شهادت مؤثر از برای صدور حکم، کافی نباشد، مدعی می‌تواند برای تکمیل شهادت به ادای سوگند مبادرت نماید.

به موجب مواد ۲۰۱ الی ۲۱۰ قانون مجازات اسلامی :

سوگند عبارت از گواه قراردادن خداوند بر درستی گفتار اداکنندهٔ سوگند است .

اداکنندهٔ سوگند باید عاقل ، بالغ ، قاصد و مختار باشد .

سوگند باید مطابق قرار دادگاه و با لفظ جلاله والله ، بالله ، تالله یا نام خداوند متعال به سایر زبان ها اداء شود و در صورت نیاز به تغلیظ و قبول اداء کنندهٔ سوگند ، دادگاه کیفیت ادای آن را از حیث زمان ، مکان ، الفاظ و مانند آنها تعیین می‌کند . در هر صورت ، بین مسلمانان و غیرمسلمان در اداء سوگند به نام خداوند متعال تفاوتی وجود ندارد .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

سوگند باید مطابق با ادعا ، صریح در مقصود و بدون هرگونه ابهامی باشد و از روی قطع و یقین ادا شود .
سوگند باید با لفظ باشد و در صورت تعذر ، با نوشتن یا اشاره ای که روشن در مقصود باشد ، اداء شود .
در مواردی که اشاره ، مفهوم نباشد یا قاضی به زبان شخصی که سوگند یاد می‌کند ، آشنا نباشد و یا اداکنندهٔ سوگند قادر به تکلم نباشد ، دادگاه به وسیله مترجم یا متخصص امر ، مراد وی را کشف می‌کند .
سوگند فقط نسبت به طرفین دعوا و قائم مقام آنها مؤثر است .
حدود و تعزیرات با سوگند نفی یا اثبات نمی شود ؛ لکن قصاص ، دیه ، ارش و ضرر و زیان ناشی از جرائم ، مطابق مقررات این قانون با سوگند اثبات می‌گردد .
هرگاه در دعاوی مالی ، مانند دیهٔ جنایات و همچنین دعاوی که مقصود از آن مال است مانند جنایت خطایی و شبه عمدی موجب دیه ، برای مدعی خصوصی امکان اقامهٔ بینه شرعی نباشد ، وی می تواند با معرفی یک شاهد مرد یا دو شاهد زن به ضمیمهٔ یک سوگند ، ادعای خود را فقط از جنبهٔ مالی اثبات کند .
تبصره– در موارد مذکور در این ماده ، ابتدا شاهد واجد شرایط شهادت می دهد و سپس سوگند توسط مدعی ادا می شود .
هرگاه ثابت شود سوگند ، دروغ و یا اداء کنندهٔ سوگند فاقد شرایط قانونی بوده است ، به سوگند مزبور ترتیب اثر داده نمی شود .

ب – قسامه

قسامه به فتح قاف و کسر میم برابر ماده ۳۱۲ قانون جدید مجازات اسلامی ، یکی از راه‌های اثبات قتل است . مقنن احکام قسامه را در مواد ۳۱۳ لغایت ۳۴۶ همین قانون مطرح نموده است . قسامه از جمله تاسیسات فقه جزایی است که اختلاف نظر در احکام آن فراوان است و لذا با توجه به لزوم رعایت اصل قانونی بودن حقوق جزا به شرح قانون اکتفا می‌شود .
مطابق ماده ۳۱۳ قانون جدید مجازات اسلامی : قسامه عبارت است از سوگندهایی که در صورت فقدان ادلهٔ دیگر غیر از سوگند منکر و وجود لوث ، شاکی برای اثبات جنایت عمدی یا غیرعمدی یا خصوصیات آن و متهم برای دفع اتهام از خود اقامه می‌کند .
لوث در لغت به معنی آلایش و آلودگی و در اصطلاح اماره ای است که موجب ظن به صدق ادعای مدعی می شود (اللوث امارةٌ یُظَنّ بها صدقُ المدعی) .
مطابق ماده ۳۱۴ قانون جدید مجازات اسلامی ، لوث عبارت است از وجود قرائن و اماراتی که موجب ظن قاضی به ارتکاب جنایت یا نحوهٔ ارتکاب از جانب متهم می شود .
مواد ۳۱۵ و ۳۱۶ قانون جدید مجازات اسلامی مقرر می دارد :
فقدان قرائن و امارات موجب ظن و صرف حضور فرد در محل وقوع جنایت ، از مصادیق لوث محسوب نمی شود و او با ادای یک سوگند ، تبرئه می شود .
مقام قضائی موظف است در صورت استناد به قسامه ، قرائن و امارات موجب لوث را در حکم خود ذکر کند . مواردی که سوگند یا قسامه، توسط قاضی رد می شود ، مشمول این حکم است .
کاربرد قسامه را می‌توان به شرح ذیل مشخص نمود :
۱. قسامه ویژه جنایت است و نمی‌توان سایر جرایم را با آن به اثبات رسانید . باید تاکید کرد که قسامه در مورد جرح نیز قابل استناد است . بنابراین هر چند ضرب از مصادیق جنایت محسوب می‌شود ولی از شمول قسامه خارج‌است.
بنابراین قسامه تنها برای اثبات اتهام یا برائت از اتهام قتل یا جراحات (نه سایر جرایم یا ضرب) به کار می رود . برخی حالت اول را « قسامهٔ اثبات » و حالت دوم را « قسامهٔ نفی » نامیده اند . در صورتی که اصل جنایت ثابت شده باشد ، قسامه برای اثبات نوع جنایت مورد استفاده قرار می‌گیرد .
۲. قسامه هم برای اثبات و هم برای برائت از جنایت قابل استناد است .
۳. شخصیت متهم تاثیری در اجرای قسامه ندارد

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۴. رکن معنوی جنایت و یا نوع جنایت تاثیری بر شمول قسامه بر آنها ندارد . بنابراین اثبات جنایت اعم از این که عمد، شبه عمد و یا خطای محض باشد و یا برائت از آنها با قسامه امکان‌پذیر است .

برای اجرای قسامه ، تحقق لوث ضروری است .

بنابراین می‌توان نمای قسامه را به شکل زیر ترسیم نمود .

وجود قراین یا امارات و امثال آنها ⟵ تحقق ظن برای قاضی = لوث ⟵ اجرای قسامه .

پس لوث حاصل جمع دو پدیده است که عبارتند از قراین و امارات و امثال آنها و ظن قاضی که مبتنی برآنهاست.[۱]

به عبارتی ، توسل به قسامه در صورتی ممکن خواهد بود که اولا ، قرائن و امارات موجود باعث گمان و ظن نوعی در مورد ارتکاب جرم از سوی متهم شود .

ثانیاً ، این قرائن باید برای شخص قاضی نیز ، ایجاد ظن کند . بدین ترتیب ، دو معیار نوعی و شخصی با هم به کار برده می‌شوند، یعنی ظنِ ایجاد شده برای قاضی باید مبتنی بر مبانی متعارف باشد ، و با فقدان هر یک از دو شرط، لوث ایجاد نخواهد شد . بدیهی است در صورت « تعارض ظنون » ، یعنی وقتی قرائن و نشانه های ظنی معارض یکدیگر باشند ، مورد از موارد لوث محسوب نمی شود (مثل حضور هم زمان یک شخص چاقو به دست و یک حیوان درنده در محل قتل) . همین طور ، «در صورت نبودن قرائن موجب ظن به انتساب قتل ، صرف حضور مدعی علیه هنگام قتل در محل واقعه از مصادیق لوث محسوب نمی شود ، و مدعی علیه با ادای یک سوگند تبرئه می گردد » .

مواد ۳۱۷ و ۳۱۸ قانون جدید مجازات اسلامی مقرر می دارد :

در صورت حصول لوث ، نخست از متهم ، مطالبهٔ دلیل بر نفی اتهام می شود . اگر دلیلی ارائه شود ، نوبت به قسامهٔ شاکی نمی رسد و متهم تبرئه می گردد . در غیر این صورت با ثبوت لوث ، شاکی می تواند اقامهٔ قسامه کند یا از متهم درخواست قسامه نماید .

اگر شاکی اقامهٔ قسامه نکند و از مطالبهٔ قسامه از متهم نیز خودداری ورزد ، متهم در جنایات عمدی ، با تأمین مناسب و در جنایات غیرعمدی ، بدون تأمین آزاد می شود ؛ لکن حق اقامهٔ قسامه یا مطالبهٔ آن برای شاکی باقی می ماند .

تبصره– در مواردی که تأمین گرفته می شود ، حداکثر سه ماه به شاکی فرصت داده می شود تا اقامهٔ قسامه نماید یا از متهم مطالبهٔ قسامه کند و پس از پایان مهلت ، از تأمین اخذ شده رفع اثر می شود .

طبق اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اجبار شخص به سوگند مجاز نیست و چنین سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است.

در موارد قسامه چنانچه برائت مدعی علیه ثابت شود و قاتل مشخص نباشد دیه مقتول از بیت‌المال پرداخت می‌شود. هر گاه ولی دم ، مدعی قتل عمد شود و یکی از دو شاهد عادل به قتل عمد ودیگری به اصل قتل شهادت دهد و متهم قتل عمد را انکار کند، در صورتی که موجب ظن برای قاضی باشد ، این قتل از باب لوث محسوب می‌شود و مدعی باید قتل را با اقامهٔ قسامه ثابت کند . هرگاه یکی از دو مرد عادل شهادت به قتل به وسیلهٔ متهم دهد و دیگری به اقرار متهم به قتل شهادت دهد ، قتل ثابت نمی‌شود وچنانچه موجب ظن برای قاضی باشد، مورد از موارد لوث خواهد بود.

در صورتی که قرائن و نشانه‌های ظنی معارض یکدیگر باشند مورد از موارد لوث محسوب نمی‌گردد.

مدعی ممکن است مرد یا زن باشد و در هر حال باید از وراث فعلی مقتول محسوب شود.

اگر مدعی علیه حضور خود را هنگام قتل در محل واقعه منکر باشد و قراینی که موجب ظن به وقوع قتل توسط وی گردد وجود نداشته باشد لوث محسوب نمی‌شود. مگر اینکه مدعی بینه‌ای بر حضور او هنگام قتل در محل واقعه اقامه کند و موجب ظن به وقوع قتل توسط او گردد در این صورت لوث ثابت می‌شود و مدعی باید اقامهٔ قسامه کند و در صورت امتناع از اقامهٔ قسامه می‌تواند از مدعی علیه مطالبهٔ قسامه کند ؛ در این حالت اگر مدعی علیه از اقامهٔ قسامه ابا نماید محکوم به پرداخت دیه می‌شود.[۱]

---

[۱]. دکتر حسین آقایی نیا ، حقوق جزای اختصاصی « جرایم علیه اشخاص » نشر میزان

[۲]. اصلاحی مصوب ۲۳ /۱۰/ ۱۳۸۰.

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

به موجب مواد ۳۱۹ الی ۳۲۳ قانون جدید مجازات اسلامی :

اگر شاکی از متهم درخواست قسامه کند و وی حاضر به قسامه نشود ، به پرداخت دیه محکوم می شود و اگر اقامهٔ قسامه کند ، تبرئه می‌گردد و شاکی حق ندارد برای بار دیگر ، با قسامه یا بینه ، دعوا را علیه او تجدید کند . در این مورد متهم نمی تواند قسامه را به شاکی رد نماید .

اقامهٔ قسامه یا مطالبهٔ آن از متهم ، باید حسب مورد ، توسط صاحب حق قصاص یا دیه ، یا ولیِ او یا وکیل آنها باشد. همچنین است اقامهٔ قسامه برای برائت متهم که به وسیلهٔ متهم ، ولیِ او یا وکیل آنها صورت می گیرد . اتیان سوگند به وسیلهٔ افراد قابل توکیل نیست .

اگر مجنی علیه یا ولیِ دم فوت کند ، هر یک از وارثان متوفی ، بدون نیاز به توافق دیگر ورثهٔ متوفی یا دیگر اولیای دم ، حق مطالبه یا اقامهٔ قسامه را دارند .

اگر برخی از ورثه ، اصل اتهام یا برخی خصوصیات آن را از متهم نفی کنند ، حق دیگران با وجود لوث ، برای اقامهٔ قسامه محفوظ است .

اگر چند نفر ، متهم به شرکت در یک جنایت باشند و لوث علیه همهٔ آنان باشد ، اقامهٔ یک قسامه بر اثبات شرکت آنان در ارتکاب جنایت، کافی است و لزومی به اقامهٔ قسامه برای هر یک نیست .

هرگاه شخصی در اثر ازدحام کشته شود یا جسد مقتولی در شراع عام پیدا شود و قرائن ظنی برای قاضی بر نسبت قتل او به شخص یا جماعتی نباشد حاکم شرع باید دیه او را از بیت المال بپردازد و اگر شرایط ظنی نزد حاکم اقامه شود که آن قتل به شخص یا اشخاص معین منسوب است مورد از موارد لوث خواهد بود.

قسم شرعی تنها به نام خداوند متعال و به یکی از سه لفظ « والله » ، « بالله » و « تالله » ادا می شود ، که باید از روی جزم ادا شود. بدین ترتیب ، قسم خورندگان باید علم به ارتکاب قتل داشته باشند و از روی جزم قسم بخورند و قسم از روی ظن کفایت نمی‌کند. در صورتی که قاضی احراز نماید که تمام یا بعضی از قسم خورندگان از روی ظن قسم می‌خورند قسم‌های مذکور اعتبار ندارد .

پی آمدهای اجرا یا عدم اجرای قسامه را می توان در چهار حالت خلاصه کرد .

۱. در صورت اقامه قسامه از سوی مدعی ، حسب مورد ، حکم به قصاص یا دیه علیه مدعی علیه داده خواهد شد . هرگاه قصاص به هر دلیل اجرا نشود ، در هر حال تردیدی وجود ندارد که مرتکب را نمی توان ، بر اساس تبصرهٔ مادهٔ ۶۱۴ قانون تعزیرات محکوم کرد ، زیرا تبصره مذکور در صورتی علیه مجروح کننده قابل اِعمال است که آلت جرح ، اسلحه ، چاقو یا امثال آن باشد و این امر با قسامه قابل اثبات نیست ، زیرا قسامه تنها اصل جنایت و نوع آن (و نه وسیلهٔ به کار رفته) را اثبات می کند .

۲. در صورت عدم اقامهٔ قسامه از سوی مدعی و عدم مطالبهٔ آن از مدعی علیه ، حکم به برائت مدعی علیه داده می شود .

۳. در صورت عدم اقامهٔ قسامه از سوی مدعی و مطالبهٔ آن از مدعی علیه و اقامه قسامه توسط مدعی علیه ممکن است دیه از بیت‌المال پرداخت شود .

۴. در صورت عدم اقامهٔ قسامه از سوی مدعی و مطالبهٔ آن از مدعی علیه و امتناع مدعی علیه از این کار ، مدعی علیه به پرداخت دیه محکوم خواهد شد .

گاه ممکن است در جنایت واحد مدعی یا مدعی علیه متعدد باشند . در این حالت سوالی که پیش می آید این است که آیا تعداد سوگندها به نسبت تعداد افراد افزایش می یابد ، یعنی آیا هر یک باید پنجاه سوگند خورده یا پنجاه خویشاوند نسبی را برای ادای سوگند حاضر نماید یا خیر . فقهای شیعه ، در صورت تعدد مدعی ، حکم به افزایش سوگند ها نداده اند ، ولی در صورت تعدد مدعی علیه ، برخی از فقها ، معتقدند که هر یک باید برای نفی اتهام از خود پنجاه قسم خورده و یا از خویشان نسبی خود برای این کار استفاده کند .

هرگاه حالت لوث علیه چند نفر وجود داشته و مدعی ادعا کند که آنها در ارتکاب جنایت عمدی شرکت داشته‌اند و اقامهٔ قسامه بنماید ، همه مدعی علیهم را می توان ، با رعایت سایر شرایط از جمله پرداخت فاضل دیه ، به قصاص محکوم کرد . از سوی دیگر ، هرگاه مدعی ، قسامه را به متهمان رد کند ، هر یک از متهمان باید برای تبرئه خود به قسامه عمل نماید و در صورتی که برخی یا همه آنها از این کار امتناع کنند محکوم به پرداخت دیه به میزان سهم خود خواهند شد .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

هرگاه مقتولان متعدد ولی مدعی واحد باشد (مثل کشته شدن دو فرزند یک نفر توسط کسی که حالت لوث علیه وی وجود دارد) با اجرای قسامه توسط مدعی در مورد یکی از دو فرزند قصاص علیه متهم ثابت می شود و دیگر نیازی به اجرای قسامه در مورد قتل دوم نخواهد بود . لیکن ، در صورتی که قصاص در مورد مقتول اول به دلایلی ساقط شود ، قسامه مجدداً در مورد مقتول دوم قابل اجرا خواهد بود .

نکته ها :

مطابق مواد ۳۲۳ الی ۳۴۶ قانون مجازات اسلامی :

اگر چند نفر ، متهم به شرکت در یک جنایت باشند و لوث علیه همهٔ آنان باشد ، اقامهٔ یک قسامه بر اثبات شرکت آنان در ارتکاب جنایت، کافی است و لزومی به اقامهٔ قسامه برای هر یک نیست .

اگر شاکی ادعا کند که تنها یک شخص معین از دو یا چند نفر ، مجرم است و قسامه بر شرکت در جنایت اقامه شود ، شاکی نمی تواند غیر از آن یک نفر را قصاص کند و چنانچه دیهٔ قصاص شونده بیش از سهم دیهٔ جنایت او باشد شریک یا شرکاء دیگر باید مازاد دیهٔ مذکور را به قصاص شونده بپردازند . رجوع شاکی از اقرار به انفراد مرتکب ، پس از اقامهٔ قسامه مسموع نیست .

اگر برخی از صاحبان حق قصاص یا دیه از متهم درخواست قسامه کنند ، قسامهٔ متهم فقط حق مطالبه کنندگان را ساقط می‌کند و حق دیگران برای اثبات ادعایشان محفوظ است و اگر بتوانند موجب قصاص را اثبات کنند ، باید پیش از استیفاء قصاص ، سهم دیهٔ گروه اول را حسب مورد به خود آنها یا به مرتکب بپردازند .

اگر شاکی علی رغم حصول لوث علیه متهم اقامهٔ قسامه نکند و از او مطالبهٔ قسامه کند و متهم دربارهٔ اصل جنایت یا خصوصیت آن ، ادعای عدم علم کند ، شاکی می تواند از وی مطالبهٔ اتیان سوگند بر عدم علم نماید . اگر متهم بر عدم علم به اصل جنایت سوگند یاد کند ، دعوا متوقف و وی بدون تأمین آزاد می شود و اگر سوگند متهم فقط بر عدم علم به خصوصیات جنایت باشد ، دعوا فقط در مورد آن خصوصیت ها متوقف می‌شود . لکن اگر متهم از سوگند خوردن خودداری ورزد و شاکی بر علم داشتن او سوگند یاد کند ، ادعای متهم به عدم علم رد شده و شاکی حق دارد از متهم اقامهٔ قسامه را درخواست نماید . در این صورت اگر متهم اقامهٔ قسامه نکند به پرداخت دیه محکوم می شود .

در صورتی که شاکی متعدد باشد ، اقامهٔ یک قسامه برای همهٔ آنان کافی است ؛ لکن در صورت تعدد متهمان ، برای برائت هر یک ، اقامهٔ قسامه مستقل لازم است .

در صورت تعدد متهمان ، هر یک از آنها می تواند به نفع متهم دیگر ، در قسامه شرکت کند .

قسامه فقط به مقداری که لوث حاصل شده است ، موجب اثبات می شود و اثبات خصوصیات جنایت از قبیل عمد ، شبه عمد ، خطا ، مقدار جنایت ، شرکت در ارتکاب جنایت یا انفراد در آن نیازمند حصول لوث در این خصوصیات است .

اگر نسبت به خصوصیات جنایت لوث حاصل نشود یا سوگند خورندگان ، بر آن خصوصیت ها سوگند یاد نکنند و فقط بر انتساب جنایت به مرتکب سوگند بخورند ، اصل ارتکاب جنایت اثبات و دیه تعلق می‌گیرد .

چنانچه اصل ارتکاب جنایت ، با دلیلی به جز قسامه اثبات شود ، خصوصیات آن در صورت حصول لوث در هر یک از آنها ، به وسیلهٔ قسامه قابل اثبات است ؛ مانند آنکه یکی از دو شاهد عادل ، به اصل قتل و دیگری به قتل عمدی شهادت دهد که در این صورت اصل قتل با بینه اثبات می شود و در صورت لوث ، عمدی بودن قتل با اقامهٔ قسامه ثابت می‌گردد .

اگر لوث علیه دو یا چند نفر به شکل مردد حاصل شود ، پس از تعیین مرتکب به وسیلهٔ مجنی علیه یا ولیِ دم و اقامهٔ قسامه علیه او ، وقوع جنایت اثبات می شود .

اگر لوث علیه دو یا چند نفر به شکل مردد ثابت باشد و قسامه به همین گونه علیه آنان اقامه شود ، جنایت بر عهدهٔ یکی از چند نفر ، به صورت مردد اثبات می شود و قاضی از آنان می خواهد که بر برائت خود سوگند بخورند . اگر همگی از سوگند خوردن خودداری ورزند یا برخی از آنان سوگند یاد کنند و برخی نکنند ، دیه بر ممتنعان ثابت می شود . اگر ممتنعان متعدد باشند ، پرداخت دیه به نسبت مساوی میان آنان تقسیم می شود . اگر همهٔ آنان بر برائت خود سوگند یاد کنند ، در خصوص قتل ، دیه از بیت المال پرداخت می شود و در غیر قتل ، دیه به نسبت مساوی میان آنان تقسیم می‌گردد .

اگر لوث علیه دو یا چند نفر به شکل مردد ثابت باشد ، چنانچه شاکی از آنان درخواست اقامهٔ قسامه کند ، هر یک از آنان باید اقامهٔ قسامه کند . در صورت خودداری همه یا برخی از آنان از اقامهٔ قسامه ، پرداخت دیه بر ممتنع ثابت می شود و در صورت تعدد ممتنعان ، پرداخت دیه به نسبت مساوی میان آنان تقسیم می شود . اگر همگی اقامهٔ قسامه کنند ، در قتل ، دیه از بیت المال پرداخت می‌گردد .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

چنانچه لوث تنها علیه برخی از افراد حاصل شود و شاکی علیه افراد بیشتری ادعای مشارکت در ارتکاب جنایت را نماید ، با قسامه ، جنایت به مقدار ادعای مدعی ، در موردی که لوث حاصل شده است اثبات می شود ؛ مانند آنکه ولی دم مدعی مشارکت سه مرد در قتل عمدی مردی باشد و لوث فقط علیه مشارکت دو نفر از آنان باشد ، پس از اقامهٔ قسامه علیه آن دو نفر ، حق قصاص علیه آن دو به مقدار سهم شان ثابت است . اگر ولیِ دم بخواهد هر دو نفر را قصاص کند ، باید به سبب اقرار خود به اشتراک سه مرد ، دو سوم دیه را به هر یک از قصاص شوندگان بپردازد .

تبصره- رجوع شاکی از اقرار به شرکت افراد بیشتر پذیرفته نیست ، مگر اینکه از ابتدا شرکت افراد بیشتر را به نحو تردید ذکر کرده باشد و کسانی که در قسامه اتیان سوگند کرده اند نیز شرکت افراد دیگر را در ارتکاب جنایت نفی کرده و بر ارتکاب قتل توسط افراد کمتر سوگند یاد کرده باشند .

نصاب قسامه در اثبات قتل عمدی ، سوگند پنجاه مرد از خویشاوندان و بستگان مدعی است . با تکرار سوگند قتل ثابت نمی شود .

سوگند شاکی ، خواه مرد باشد خواه زن ، جزء نصاب محسوب می شود .

در صورتی که شاکی از متهم درخواست اقامهٔ قسامه کند ، متهم باید برای برائت خود ، اقامهٔ قسامه نماید ، که در این صورت ، باید حسب مورد به مقدار نصاب مقرر سوگند خورنده داشته باشد . اگر تعداد آنان کمتر از نصاب باشد ، سوگندها تا تحقق نصاب ، توسط آنان یا خود او تکرار می‌شود و با نداشتن سوگند خورنده ، خود متهم ، خواه مرد باشد خواه زن ، همه سوگندها را تکرار می نماید و تبرئه می‌شود.

در قسامه ، همهٔ شرایط مقرر در « کلیات » این قانون که برای اتیان سوگند ذکر شده است رعایت می شود .

لازم نیست اداکنندهٔ سوگند ، شاهد ارتکاب جنایت بوده باشد و علم وی به آنچه بر آن سوگند یاد می‌کند ، کافی است . همچنین لازم نیست قاضی منشأ علم اداکننده سوگند را بداند و ادعای علم از سوی اداکنندهٔ سوگند ، تا دلیل معتبری برخلاف آن نباشد ، معتبر است .

در هر صورت تحقیق و بررسی مقام قضائی از اداکنندهٔ سوگند بلامانع است .

اگر احتمال آن باشد که اداکنندهٔ سوگند ، بدون علم و بر اساس ظن و گمان یا با تبانی سوگند می خورد ، مقام قضائی موظف به بررسی موضوع است . اگر پس از بررسی ، امور یاد شده احراز نشود ، سوگند وی معتبر است .

لازم است سوگند خورندگان از کسانی باشند که احتمال اطلاع آنان بر وقوع جنایت ، موجه باشد .

قاضی می تواند پیش از اجراء قسامه ، مجازات قانونی و مکافات اخروی سوگند دروغ و عدم جواز توریه در آن را برای سوگند خورندگان بیان کند .

اگر پس از اقامهٔ قسامه و پیش از صدور حکم ، دلیل معتبری ، بر خلاف قسامه یافت شود و یا فقدان شرایط قسامه اثبات گردد ، قسامه باطل می شود و چنانچه بعد از صدور حکم باشد موضوع از موارد اعادهٔ دادرسی است .

پس از اقامهٔ قسامه توسط متهم ، شاکی نمی تواند با بینه یا قسامه دعوا را علیه متهم تجدید کند .

اگر پس از صدور حکم ، بطلان همه یا برخی از سوگندها ثابت شود ، مانند آنکه برخی از سوگندخورندگان ، از سوگندشان عدول کنند یا دروغ بودن سوگند یا سوگند بدون علم ، برای دادگاه صادرکنندهٔ حکم ثابت شود ، مورد از جهات اعادهٔ دادرسی است .

در جرائم زنا ، شرب خمر، محاربه و افساد فی‌الارض و همچنین در سرقت ، سوگند نقشی نداشته و مهمترین راه ثبوت جرائم مزبور، اقرار یا شهادت شهود عادل و در مواردی هم علم قاضی است. شایعات و شواهد کم و بیش در موارد محارب و سارق و قطاع الطریق که حکم محارب را دارد به عنوان دلیل قابل قبول است.

بند چهارم – علم قاضی

گاه ممکن است قاضی بدون این که متهم اقرار به ارتکاب جرم کند یا شهودی علیه وی شهادت دهند به ارتکاب جرم از سوی متهم علم پیدا کند .

در مواردی که علم قاضی جزء ادله ثبوت جرم تعیین شده است و یا اصولاً راههای ثبوت جرمی در قانون احصاء نشده باشد ، قاضی مجاز به مراجعه به علم خود است . ولی اگر دلائل اثبات جرمی در قانون به قید حصر ذکر شده باشد و علم قاضی جزء ادله محصوره نباشد ، در چنین جرمی قاضی نمی‌تواند به علم خود مراجعه نماید.

کمیسیون استفتائات شورایعالی قضایی در تاریخ ۱۳۶۳/۳/۲۰ اعلام نموده است: «حجیت علم قاضی از باب کشف و طریقیت است و مختص به مجتهد نیست بلکه علم حاصل از طرق متعارفه برای قاضی مأذون نیز حجیت دارد و در عداد ادله شمرده شده است.

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

با پذیرش علم قاضی ، به عنوان یکی از طرق اثبات جرایم در حقوق اسلامی ، می توان شیوه های جدید کشف و اثبات جرم را،که با استفاده از علومی مثل پزشکی قانونی ، پلیس عمومی ، عکسبرداری جنایی و شیوه هایی چون آزمایش DNA ، آزمایش خون ، اثر انگشت و نظایر آنها ابداع گشته اند ، وارد حقوق جزای اسلامی کرد . البته قانون باید حدود و ثغور علم قاضی و راههای حصول به آن از طرق متعارف را تا حدّ امکان روشن نموده و با توجه به اصل ۱۶۶ قانون اساسی که مطابق آن احکام باید مستدل باشند ، قاضی را مکلف به ذکر مستند علم خود نماید ، تا راه بر هرگونه سوء استفادهٔ احتمالی بسته شده و ثبات و یکنواختی تصمیمات قضایی نیز تضمین گردد .

بر اساس مواد ۲۱۱ الی ۲۱۳ قانون جدید مجازات اسلامی :

علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بیّن در امری است که نزد وی مطرح می شود . در مواردی که مستند حکم ، علم قاضی است ، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند .

تبصره– مواردی از قبیل نظریهٔ کارشناس ، معاینهٔ محل ، تحقیقات محلی ، اظهارات مطلع ، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم آور باشند می تواند مستند علم قاضی قرار گیرد . در هر حال مجرد علم استنباطی که نوعاً موجب یقین قاضی نمی شود ، نمی تواند ملاک صدور حکم باشد .

در صورتی که علم قاضی با ادلهٔ قانونی دیگر در تعارض باشد ، اگر علم بین باقی بماند ، آن ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادلهٔ دیگر ، رأی صادر می کند و چنانچه برای قاضی علم حاصل نشود ، ادله قانونی معتبر است و بر اساس آنها رأی صادر می‌شود .

در تعارض سایر ادله با یکدیگر ، اقرار بر شهادت شرعی ، قسامه و سوگند مقدم است . همچنین شهادت شرعی بر قسامه و سوگند تقدم دارد .

***

گفتار هفتم – مجازات قتل عمدی [قصاص]

حکم اولی در مجازات مرتکب جنایات عمد ، قصاص است . مطابق ماده ۱۶ قانون جدید مجازات اسلامی : « قصاص مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس ، اعضاء و منافع است ».

به موجب ماده ۳۸۱ قانون جدید مجازات اسلامی ، مجازات قتل عمدی در صورت تقاضای ولیِ دم و وجود سایر شرایط مقرر در قانون ، قصاص و در غیر این صورت مطابق مواد دیگر این قانون دیه و تعزیر عمل می‌گردد.

ثبوت و اجرای کیفر قصاص منوط به وجود شرایطی است که فقدان هریک از آنها می‌تواند مانع مجازات قصاص گردد.

بند اول – شرایط ثبوت قصاص

تحقق مسئولیت کیفری و ثبوت ضمان قصاص بر جانی علاوه بر ارتکاب جنایت عمدی متوقف بر شرایط دیگری است که حقوقدانان اسلامی در کتب خود به تفصیل به شرح آنها پرداخته اند. این شرایط عبارتند از : تساوی در دین ، تساوی در عقل ، انتفاء ابوت [فقدان رابطه پدری] .

الف – شرایط عمومی قصاص [نفس ، عضو]

مطابق مواد ۳۰۱ الی ۳۱۱ قانون جدید مجازات اسلامی :

قصاص در صورتی ثابت می شود که مرتکب ، پدر یا از اجداد پدری مجنی علیه نبوده و مجنی علیه ، عاقل و در دین با مرتکب مساوی باشد .

تبصره– چنانچه مجنی علیه مسلمان باشد ، مسلمان نبودن مرتکب مانع قصاص نیست .

در صورتی که مجنی علیه دارای یکی از حالات زیر باشد مرتکب به قصاص و پرداخت دیه ، محکوم نمی شود :

۱. مرتکب جرم حدی مستوجب سلب حیات است .

۲. مرتکب جرم حدی که مستوجب قطع عضو است ، مشروط بر اینکه جنایت وارد شده ، بیش از مجازات حدی او نباشد ، در غیر این صورت ، مقدار اضافه بر حد ، حسب مورد ، دارای قصاص و یا دیه و تعزیر است .

۳. مستحق قصاص نفس یا عضو ، فقط نسبت به صاحب حق قصاص و به مقدار آن قصاص نمی شود .

۴. متجاوز و کسی که تجاوز او قریب الوقوع است و در دفاع مشروع به شرح مقرر در مادهٔ (۱۵۶) این قانون جنایتی بر او وارد شود .

۵. زانی و زانیه در حال زنا نسبت به به شوهر زانیه در غیر موارد اکراه و اضطرار به شرحی که در قانون مقرر است .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

تبصره۱ اقدام در مورد بندهای ۱و ۲ و ۳ این ماده بدون اجازهٔ دادگاه جرم است و مرتکب به تعزیر مقرر در قسمت تعزیرات این قانون محکوم می شود .

تبصره۲ در مورد بند ۴ چنانچه نفس دفاع صدق کند ولی از مراتب آن تجاوز شود قصاص ، منتفی است . لکن مرتکب به شرح مقرر در قانون به دیه و مجازات تعزیری محکوم می شود .

هرگاه مرتکب ، مدعی باشد که مجنی علیه ، حسب مورد در نفس یا عضو ، مشمول مادهٔ (۳۰۲)[1] این قانون است یا وی با چنین اعتقادی ، مرتکب جنایت بر او شده است این ادعا باید طبق موازین در دادگاه ثابت شود و دادگاه موظف است نخست به ادعای مذکور رسیدگی کند . اگر ثابت نشود که مجنی علیه مشمول مادهٔ (۳۰۲) است و نیز ثابت نشود که مرتکب بر اساس چنین اعتقادی ، مرتکب جنایت شده است مرتکب به قصاص محکوم می شود ولی اگر ثابت شود که به اشتباه با چنین اعتقادی ، دست به جنایت زده و مجنی علیه نیز موضوع ماده (۳۰۲) نباشد مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به مجازات مقرر در تعزیرات محکوم می شود .

جنایت عمدی نسبت به نابالغ موجب قصاص است .

مرتکب جنایت عمدی نسبت به مجنون علاوه بر پرداخت دیه ، به تعزیر مقرر در « تعزیرات » نیز محکوم می شود .

جنایت عمدی بر جنین ، هرچند پس از حلول روح باشد ، موجب قصاص نیست . در این صورت مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری مقرر در قسمت تعزیرات این قانون محکوم می شود .

تبصره – اگر جنینی زنده متولد شود و دارای قابلیت ادامهٔحیات باشد و جنایت قبل از تولد ، منجر به نقص یا مرگ او پس از تولد شود و یا نقص او بعد از تولد باقی بماند قصاص ثابت است .

ارتکاب جنایت در حال مستی و عدم تعادل روانی در اثر مصرف مواد مخدر ، روانگردان و مانند آنها ، موجب قصاص است ، مگر اینکه ثابت شود بر اثر مستی و عدم تعادل روانی ، مرتکب به کلی مسلوب الاختیار بوده است ، که در این صورت ، علاوه بر دیه به مجازات تعزیری مقرر در «تعزیرات » محکوم می شود . لکن اگر ثابت شود که مرتکب قبلاً خود را برای چنین عملی مست کرده و یا علم داشته است که مستی و عدم تعادل روانی وی موجب ارتکاب آن جنایت یا نظیر آن از جانب او می شود ، جنایت ، عمدی محسوب می شود .

اگر پس از تحقیق و بررسی به وسیلهٔ مقام قضائی ، در بالغ یا عاقل بودن مرتکب ، هنگام ارتکاب جنایت ، تردید وجود داشته باشد و ولیِ دم یا مجنی علیه ادعا کند که جنایت عمدی در حال بلوغ وی یا افاقهٔ او از جنون سابقش انجام گرفته است ، لکن مرتکب خلاف آن را ادعا کند ، ولیِ دم یا مجنی علیه باید برای ادعای خود بینه اقامه کند . در صورت عدم اقامهٔ بینه ، قصاص منتفی است . اگر حالت سابق بر زمان جنایت ، افاقه مرتکب بوده است ، مرتکب باید جنون خود در حال ارتکاب جرم را اثبات کند تا قصاص ساقط شود ؛ در غیر این صورت با سوگند ولیِ دم یا مجنی علیه یا ولیِ او قصاص ثبات می شود .

این ادعا که مرتکب ، پدر یا یکی از اجداد پدری مجنی علیه است ، باید در دادگاه ثابت شود و در صورت عدم اثبات ، حق قصاص ، حسب مورد ، با سوگند ولیِ دم یا مجنی علیه یا ولی او ثابت می شود .

هرگاه غیرمسلمان ، مرتکب جنایت عمدی بر مسلمان ، ذمی ، مستأمن یا معاهد شود ، حق قصاص ثابت است . در این امر ، تفاوتی میان ادیان، فرقه ها و گرایش های فکری نیست . اگر مسلمان ، ذمی ، مستأمن یا معاهد ، بر غیرِمسلمانی که ذمی ، مستأمن یا معاهد نیست جنایتی وارد کند ، قصاص نمی شود . در این صورت مرتکب به تعزیر مقرر در « تعزیرات » محکوم می شود .

تبصره۱ غیرمسلمانی که ذمی ، مستأمن یا معاهد نبوده و تابعیت ایران را داشته یا تابعیت کشورهای خارجی را دارند و با رعایت قوانین و مقررات وارد کشور شده اند ، در حکم مستأمن می باشند .

تبصره۲ اگر مجنی علیه غیرمسلمان باشد و مرتکب پیش از اجرای قصاص ، مسلمان شود ، قصاص ساقط و علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری مقرر در «تعزیرات » ، محکوم می شود .

---

[1] . **ماده ۳۰۲ قانون جدید مجازات اسلامی :** در صورتی که مجنی علیه دارای یکی از حالات زیر باشد مرتکب به قصاص و پرداخت دیه ، محکوم نمی شود :

۱. مرتکب جرم حدی مستوجب سلب حیات است .

۲. مرتکب جرم حدی که مستوجب قطع عضو است ، مشروط بر اینکه جنایت وارد شده ، بیش از مجازات حدی او نباشد ، در غیر این صورت ، مقدار اضافه بر حد ، حسب مورد ، دارای قصاص و یا دیه و تعزیر است .

۳. مستحق قصاص نفس یا عضو ، فقط نسبت به صاحب حق قصاص و به مقدار آن قصاص نمی شود .

۴. متجاوز و کسی که تجاوز او قریب الوقوع است و در دفاع مشروع به شرح مقرر در مادهٔ (۱۵۶) این قانون جنایتی بر او وارد شود .

۵. زانی و زانیه در حال زنا نسبت به به شوهر زانیه در غیر موارد اکراه و اضطرار به شرحی که در قانون مقرر است .

تبصره۱ اقدام در مورد بندهای ۱و ۲ و ۳ این ماده بدون اجازهٔ دادگاه جرم است و مرتکب به تعزیر مقرر در قسمت تعزیرات این قانون محکوم می شود .

تبصره۲ در مورد بند ۴ چنانچه نفس دفاع صدق کند ولی از مراتب آن تجاوز شود قصاص ، منتفی است . لکن مرتکب به شرح مقرر در قانون به دیه و مجازات تعزیری محکوم می شود .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

اگر پس از تحقیق و بررسی به وسیلهٔ مقام قضائی ، در مسلمان بودن مجنی علیه ، هنگام ارتکاب جنایت ، تردید وجود داشته و حالت او پیش از جنایت ، عدم اسلام باشد و ولیِ دم یا مجنی علیه ادعا کند که جنایت عمدی در حال اسلام او انجام شده است و مرتکب ادعا کند که ارتکاب جنایت، پیش از اسلام آوردن وی بوده است ، ادعای ولیِ دم یا مجنی علیه باید ثابت شود و در صورت عدم اثبات ، قصاص منتفی است و مرتکب به پرداخت دیه و مجازات تعزیری مقرر در « تعزیرات » محکوم می شود . اگر حالت پیش از زمان جنایت ، اسلام او بوده است ، وقوع جنایت در حالت عدم اسلام مجنی علیه باید اثبات شود تا قصاص ساقط گردد و در صورت عدم اثبات ، با سوگند ولیِ دم یا مجنی علیه یا ولی او قصاص ثابت می‌شود . حکم این ماده در صورتی که در مجنون بودن مجنی علیه تردید وجود داشته باشد نیز جاری است .

بر اساس مواد ۳۸۲ الی ۳۸۵ قانون جدید مجازات اسلامی :

هرگاه زن مسلمانی عمداً کشته شود ، حق قصاص ثابت است ؛ لکن اگر قاتل ، مرد مسلمان باشد ، ولیِ دم باید پیش از قصاص ، نصف دیهٔ کامل را به او بپردازد و اگر قاتل ، مرد غیرمسلمان باشد ، بدون پرداخت چیزی قصاص می شود . در قصاص مرد غیرمسلمان به سبب قتل زن غیرمسلمان، پرداخت مابه التفاوت دیهٔ آنها لازم است .

اگر یک نفر ، دو یا چند نفر را عمداً به قتل برساند ، اولیاء دم هر یک از مقتولان می توانند به تنهایی و بدون گرفتن رضایت اولیاء مقتولان دیگر و بدون پرداخت سهمی از دیه به آنان اقدام به قصاص کنند .

اگر یک نفر ، دو یا چند نفر را عمداً به قتل برساند و اولیاء همهٔ مقتولان ، خواهان قصاص باشند ، قاتل بدون اینکه دیه ای بپردازد ، قصاص می شود . اگر اولیاء برخی از مقتولان ، خواهان قصاص باشند و اولیاء دم مقتول یا مقتولان دیگر ، خواهان دیه باشند ، در صورت موافقت قاتل به پرداخت دیه به آنان در مقابل گذشت از حق قصاص شان ، دیهٔ آنان از اموال قاتل پرداخت می شود و بدون موافقت قاتل ، حق اخذ دیه از او و یا اموالش را ندارند.

اگر قتل در یکی از ماههای حرام (محرم ، رجب ، ذیقعده و ذی الحجه) یا در حرم مکه مکرمه واقع شده باشد یا قاتل در زمان یا مکان مذکور ، قصاص شود و قصاص مستلزم پرداخت فاضل دیه از سوی ولی دم به قاتل باشد ، فاضل دیه تغلیظ نمی شود . همچنین است دیه‌ای که ولی دم به دیگر اولیاء می پردازد لکن اگر قتل در زمان یا مکان مذکور باشد دیه ای که شریکان قاتل ، به علّت سهم شان از جنایت ، حسب مورد به قصاص شونده یا ولیِ دم یا به هر دوی آنان می پردازند ، تغلیظ می شود .

ب – شرایط اضافی لازم برای قصاص عضو

در اجرای قصاص عضو نه تنها تمام شرایط مذکور در قصاص نفس که در فوق آمد ، شرط شده است ، بلکه علاوه بر آن به موجب ماده ۳۹۳ قانون جدید مجازات اسلامی ، شرایط دیگری نیز به شرح زیر باید رعایت شود :

۱. محل عضو مورد قصاص ، با مورد جنایت یکی باشد .
۲. قصاص با مقدار جنایت ، مساوی باشد .
۳. خوف تلف مرتکب یا صدمه بر عضو دیگر نباشد .
۴. قصاص عضو سالم ، در مقابل عضو ناسالم نباشد .
۵. قصاص عضو اصلی ، در مقابل عضو غیراصلی نباشد .
۶. قصاص عضو کامل در مقابل عضو ناقص نباشد .

بدیهی است در صورت عدم امکان رعایت هر یک از شرایط فوق و یا فقدان شرایط دیگری که در قصاص نفس ذکر گردید ، اجرای قصاص[1] عضو منتفی می گردد .

به موجب مطابق مواد ۳۹۴ الی ۴۱۶ قانون جدید مجازات اسلامی :

رعایت تساوی مقدار طول و عرض ، در قصاص جراحات لازم است ؛ لکن اگر طول عضو مورد قصاص ، کمتر از طول عضو آسیب دیده در مجنی علیه باشد ، قصاص نباید به عضو دیگر سرایت کند و نسبت به مازاد جنایت ، دیه گرفته می‌شود ؛ لکن میزان در عمق جنایت ، صدق عنوان جنایت وارده است .

[1]. دکتر حسین میر محمد صادقی ، منبع پیشین

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که منابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

اگر عضو مورد جنایت ، سالم یا کامل باشد و عضو مرتکب ، ناسالم یا ناقص باشد ، مجنی علیه می تواند قصاص کند یا با رضایت مرتکب، دیه بگیرد .

تبصره- عضو ناسالم ، عضوی است که منفعت اصلی آن از بین رفته باشد ؛ مانند عضو فلج و در غیر این صورت ، عضو سالم محسوب می‌شود ، هر چند دارای ضعف یا بیماری باشد .

عضو قوی و صحیح ، در برابر عضو ضعیف و معیوب غیرفلج ، قصاص می شود .

عضو کامل ، در برابر عضو ناقص قصاص نمی شود ؛ لکن عضو ناقص ، در برابر عضو کامل قصاص می شود ، که در این صورت ، مرتکب باید مابه التفاوت دیه را بپردازد .

تبصره- عضو ناقص ، عضوی است که فاقد بخشی از اجزاء باشد ؛ مانند دستی که فاقد یک یا چند انگشت یا فاقد بخشی از یک یا چند انگشت است .

اگر عضو مورد جنایت و عضو مورد قصاص ، هر دو ناقص یا ناسالم باشند ، فقط در صورتی که نقصان و عدم سلامت در عضو مورد قصاص، مساوی یا بیشتر از عضو مورد جنایت باشد ، حق قصاص ثابت است .

اگر عضو مورد جنایت ، زائد باشد و مرتکب ، عضو زائد مشابه نداشته باشد ، به پرداخت ارش محکوم می شود .

اگر رعایت تساوی در طول و عرض و عمق جنایت ، ممکن نباشد و قصاص به مقدار کمتر ممکن باشد مجنی علیه می تواند به قصاص کمتر ، اکتفاء کند و مابه التفاوت را ارش مطالبه نماید و یا با رضایت جانی دیهٔ جنایت را بگیرد .

در جنایت مأمومه ، دامغه ، جائفه ، هاشمه ، منقله ، شکستگی استخوان و صدماتی که موجب تغییر رنگ پوست یا ورم بدن می‌شود ، قصاص ساقط است و مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به تعزیر مقرر در « تعزیرات » نیز محکوم می شود . حکم مذکور در هر مورد دیگری که خطر تجاوز در قصاص عضو یا منافع وجود داشته باشد نیز جاری است .

اگر شخصی یک چشم کسی را درآورد یا کور کند ، قصاص می شود ، گرچه مرتکب بیش از یک چشم نداشته باشد و دیه ای به وی پرداخت نمی شود . این حکم ، در مورد همهٔ اعضاء زوج بدن جاری است .

اگر شخصی که دارای دو چشم است ، چشم کسی را که فقط یک چشم دارد ، درآورد یا آن را کور کند ، مجنی علیه می‌تواند یک چشم مرتکب را قصاص کند و نصف دیهٔ کامل را هم دریافت دارد یا از قصاص یک چشم مرتکب منصرف شود و دیهٔ کامل بگیرد ، مگر اینکه مجنی علیه یک چشم خود را قبلاً در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیهٔ آن را داشته ، از دست داده باشد ، که در این صورت می تواند یک چشم مرتکب را قصاص کند و یا با رضایت مرتکب ، نصف دیهٔ کامل را دریافت نماید .

اگر شخصی بدون آسیب رساندن به حدقهٔ چشم دیگری ، بینایی آن را از بین ببرد ، فقط بینایی چشم مرتکب ، قصاص می شود . چنانچه بدون آسیب به حدقهٔ چشم مرتکب ، قصاص ممکن نباشد ، تبدیل به دیه می شود و مرتکب به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در قانون محکوم می شود .

چشم سالم ، در برابر چشم هایی که از لحاظ دید و یا شکل ، متعارف نیستند ، قصاص می شود .

پلک دارای مژه ، در برابر پلک بدون مژه قطع نمی شود ؛ لکن پلک چشم بینا در برابر پلک چشم نابینا قصاص می شود.

قطع لالهٔ گوش که موجب زوال شنوایی یا قطع بینی که موجب زوال بویایی شود ، دو جنایت محسوب می شود .

قطع بینی یا گوش ، موجب قصاص است ، گرچه حسب مورد حس بویایی و شنوایی نداشته باشند .

قطع زبان یا لب ، موجب قصاص است و باید مقدار و محل آنها رعایت شود .

اگر شخص گویا ، زبان کسی را که لال است ، قطع کند ، قصاص ساقط است و دیه گرفته می شود ؛ لکن زبان کسی که لال است ، در برابر زبان لال دیگری و زبان گویا قصاص می شود و زبان دارای حس چشایی در برابر زبان بدون حس چشایی قصاص می شود .

زبان گویا در برابر زبان کودکی که هنوز به حد سخن گفتن نرسیده است ، قصاص می شود ، مگر آنکه لال بودن کودک ثابت شود .

اگر کسی دندان دیگری را بشکند یا بکند ، به قصاص محکوم می شود و در قصاص آن ، رعایت تساوی در محل دندان ، لازم است .

اگر دندان کسی توسط دیگری کنده شود ، چنانچه تا زمان قصاص ، دندان سالمی به جای آن بروید ، مرتکب قصاص نمی‌شود و به تعزیر مقرر در « تعزیرات » و ارش و جراحت و مدتی که مجنی علیه بدون دندان بوده است محکوم می شود . اگر دندان جدید معیوب باشد ، مرتکب افزون بر محکومیت های مذکور ، به پرداخت ارش عیب نیز محکوم می‌شود. اگر مجنی علیه کودک باشد ، صدور حکم به مدت متعارف برای روییدن دندان به تأخیر می افتد و در صورت رویش دندان یکصدم دیه پرداخت می شود . اگر مجنی علیه در این مدت فوت کند ، مرتکب افزون بر تعزیر مذکور ، به پرداخت دیه محکوم می شود .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

اگر دندان مرتکب ، شیری و دندان مجنی علیه غیرشیری باشد ، مجنی علیه بین قصاص دندان شیری و تأخیر قصاص تا رویش دندان غیرشیری در مرتکب ، مختار است .

اگر دندان مجنی علیه پس از اجرای قصاص یا گرفتن دیه بروید ، چیزی بر عهدهٔ مجنی علیه نیست و اگر گرفتن دیه به جهت عدم امکان قصاص بوده باشد ، دیه نیز بازگردانده نمی شود .

اگر دندان مرتکب ، پس از اجراء قصاص بروید ، مجنی علیه حق قصاص دوبارهٔ آن را ندارد .

مطابق مواد ۳۸۶ الی ۳۹۲ قانون جدید مجازات اسلامی :

مجازات جنایت عمدی بر عضو در صورت تقاضای مجنی علیه یا ولیِ او و وجود سایر شرایط مقرر در قانون ، قصاص و در غیر این صورت مطابق مواد دیگر این قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می گردد .

جنایت بر عضو عبارت از هر آسیب کمتر از قتل ، مانند قطع عضو ، جرح و صدمه های وارد بر منافع است .

زن و مرد مسلمان ، در قصاص عضو برابرند و مرد به سبب آسیبی که به زن وارد کرده است ، به قصاص محکوم می شود ؛ لکن اگر دیه جنایت وارد بر زن مساوی یا بیش از ثلث دیهٔ کامل باشد ، قصاص ، پس از پرداخت نصف دیهٔ عضو مورد قصاص اجراء می شود . حکم مذکور در صورتی که مجنی علیه زن غیرمسلمان و مرتکب مرد غیرمسلمان باشد نیز جاری است . ولی اگر مجنی علیه ، زن مسلمان و مرتکب ، مرد غیرمسلمان باشد ، مرتکب بدون پرداخت نصف دیه قصاص می شود .

اگر به علّت یک یا چند ضربه ، جنایت های متعددی در یک یا چند عضو به وجود آید ، حق قصاص برای هر جنایت ، به طور جداگانه ثابت است و مجنی علیه می تواند دربارهٔ بعضی ، با مرتکب مصالحه نماید ، نسبت به بعضی دیگر گذشت و بعضی را قصاص کند .

اگر جنایت بر عضو ، دارای مراتب باشد ، مجنی علیه می تواند با رضایت مرتکب قسمتی از جنایت را قصاص کند ؛ مانند آنکه در جراحت موضحه به متلاحمه و در قطع دست از آرنج به قطع دست از مچ بسنده و از قصاص قسمت دیگر گذشت یا مصالحه نماید .

هرگاه کسی جنایت عمدی بر اعضاء متعدد یک نفر وارد کند و امکان قصاص همهٔ آنها نباشد ، مانند این که دو دوست یک نفر را قطع کند و خود یک دست بیشتر نداشته باشد ، مرتکب در مقابل جنایت هایی که امکان قصاص آن هست ، قصاص می شود و برای دیگر جنایات ، به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در (تعزیرات) محکوم می شود .

هرگاه کسی جنایت عمدی بر اعضاء چند نفر وارد کند ، اگر امکان قصاص همهٔ آنها باشد ، قصاص می شود و اگر امکان قصاص برای همهٔ جنایات نباشد مجنی علیه اول که جنایت بر او پیش از دیگری واقع شده است ، در استیفاء قصاص ، مقدم است و در صورت انجام قصاص ، مرتکب برای جنایاتی که محلی برای قصاص آن نیست به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در (تعزیرات) محکوم می شود .

اگر وقوع دو جنایت ، در یک زمان باشد ، هر یک از دو مجنی علیه می توانند مبادرت به قصاص کند و پس از استیفاء قصاص ، برای دیگر جنایت‌هایی که قصاص ممکن نیست ، مرتکب به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در (تعزیرات) محکوم می شود . در صورتی که پس از قصاص اول ، محل قصاص برای مجنی علیه دوم باقی باشد ، لکن کمتر از عضو مورد جنایت از او باشد ، می تواند مقدار موجود را قصاص کند و مابه‌التفاوت را دیه بگیرد ؛ مانند اینکه مرتکب نخست انگشت دست راست کسی و آنگاه دست راست شخص دیگری را قطع کرده باشد که در این صورت ، مجنی علیه اول در اجراء قصاص مقدم است و با اجراء قصاص او ، مجنی علیه دوم می تواند دست راست مرتکب را قصاص کند و دیهٔ انگشت خود را نیز از او بگیرد .

بند دوم – شرایط اجرای قصاص

پس از ثبوت کیفر قصاص اجرای آن منوط به رعایت شرایط متفاوتی است که اهم شرایط مذکور عبارتنداز :

الف – شرایط عمومی اجرای قصاص

به موجب مواد ۴۱۷ الی ۴۳۵ قانون جدید مجازات اسلامی :

در اجرای قصاص ، اذن مقام رهبری یا نمایندهٔ او لازم است .

استیذان از مقام رهبری در اجرای قصاص ، برای نظارت بر صحت اجراء و رعایت حقوق صاحب حق قصاص و اطراف دیگر دعوا است و نباید مراسم استیذان ، مانع از امکان استیفاء قصاص توسط صاحب حق قصاص و محروم شدن او از حق خود شود .

اجرای قصاص و مباشرت در آن ، حق ولی دم و مجنی علیه است که در صورت مرگ آنان ، این حق به ورثهٔ ایشان منتقل می شود و باید پس از استیذان از مقام رهبری ، از طریق واحد اجرای احکام کیفری مربوط انجام گیرد .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

اگر صاحب حق قصاص ، بر خلاف مقررات اقدام به قصاص کند ، به تعزیر مقرر در (تعزیرات) محکوم می شود .
هیچ کس غیر از مجنی علیه یا ولیِ او حق قصاص مرتکب را ندارد و اگر کسی بدون اذن آنان او را قصاص کند ، مستحق قصاص است .
در هر حق قصاصی هر یک از صاحبان آن ، به طور مستقل حق قصاص دارند ؛ لکن هیچ یک از آنان در مقام استیفاء نباید حق دیگران را از بین ببرد . در صورتی که ، بدون اذن و موافقت دیگر افرادِ خواهانِ قصاص ، مبادرت به استیفاء قصاص کند ضامن سهم دیهٔ دیگران است .
در هر حق قصاصی اگر بعضی از صاحبان آن ، خواهان دیه باشند یا از قصاص مرتکب گذشت کرده باشند ، کسی که خواهان قصاص است باید نخست سهم دیهٔ دیگران را در صورت گذشت آنان ، به مرتکب و در صورت درخواست دیه ، به خود آنان بپردازد .
در هر حق قصاصی ، اگر بعضی از صاحبان آن ، غائب باشند و مدت غیبت آنان کوتاه باشد صدور حکم تا آمدن غائب به تعویق می افتد و اگر غیبت طولانی باشد و یا امیدی به بازگشت آنان نباشد مقام رهبری به عنوان ولی غائب ، به جای آنان تصمیم می‌گیرد و چنانچه زمان بازگشت معلوم نباشد مقام رهبری برای آنها پس از گذشت زمان کوتاه و قبل از طولانی شدن زمان غیبت اتخاذ تصمیم می نماید ، کسانی که حاضرند ، می توانند پس از تأمین سهم غائبان در دادگاه ، قصاص کنند و اگر حاضران ، گذشت کنند یا با او مصالحه نمایند ، حق قصاص غائبان محفوظ است و اگر آنان پس از حاضر شدن ، خواهان قصاص باشند ، باید نخست سهم دیهٔ کسانی را که گذشت نموده اند یا با مرتکب مصالحه کرده اند ، به مرتکب بپردازند و سپس قصاص کنند .
اگر مرتکب عمداً جنایتی بر دیگری وارد کند و دیهٔ جنایت وارد شده بر مجنی علیه بیش از دیهٔ آن در مرتکب باشد مانند آنکه زن مسلمانی مرد مسلمانی را به قتل برساند صاحب حق قصاص نمی تواند افزون بر قصاص ، تفاوت دیه را نیز مطالبه کند .
در موارد ثبوت حق قصاص ، اگر دیهٔ جنایت وارده بر مجنی علیه کمتر از دیهٔ آن در مرتکب باشد ، صاحب حق قصاص در صورتی می تواند قصاص را اجراء کند که نخست فاضل دیه را به او بپردازد و بدون پرداخت آن اجراء قصاص جایز نیست و در صورت مخالفت و اقدام به قصاص ، افزون بر الزام به پرداخت فاضل دیه ، به مجازات مقرر در کتاب پنجم (تعزیرات) محکوم می شود .
در مواردی که صاحب حق قصاص برای اجراء قصاص باید بخشی از دیه را به دیگر صاحبان حق قصاص بپردازد ، پرداخت آن باید پیش از قصاص صورت گیرد و در صورت تخلف صاحب حق قصاص از این امر ، افزون بر پرداخت دیهٔ مذکور ، به مجازات مقرر در « تعزیرات » این قانون محکوم می شود .
در مواردی که جنایت ، نظم و امنیت عمومی را بر هم زند یا احساسات عمومی را جریحه دار کند و مصلحت در اجراء قصاص باشد ، لکن خواهان قصاص تمکن از پرداخت فاضل دیه یا سهم دیگر صاحبان حق قصاص را نداشته باشد ، با درخواست دادستان و تأیید رئیس قوهٔ قضائیه ، مقدار مذکور از بیت المال پرداخت می شود .
در مواردی که محکوم به قصاص ، در زندان است و صاحب حق قصاص ، بدون عذر موجه یا به علّت ناتوانی در پرداخت فاضل دیه یا به جهت انتظار برای بلوغ یا افاقهٔ ولیِ دم یا مجنی علیه ، مرتکب را در وضعیت نامعین رها نماید ، با شکایت محکوم علیه از این امر ، دادگاه صادرکنندهٔ حکم ، مدت مناسبی را مشخص و به صاحب حق قصاص اعلام می‌کند تا ظرف مهلت مقرر نسبت به گذشت ، مصالحه یا اجراء قصاص اقدام کند . در صورت عدم اقدام او در این مدت ، دادگاه می‌تواند پس از تعیین تعزیر بر اساس قانون (تعزیرات) و گذشتن مدت زمان آن با اخذ وثیقهٔ مناسب و تأیید رئیس حوزهٔ قضائی و رئیس کل دادگستری استان ، تا تعیین تکلیف از سوی صاحب حق قصاص ، مرتکب را آزاد کند .
در موارد لزوم پرداخت فاضل دیه ، اگر مقتول یا صاحب حق قصاص ، طلبی از مرتکب داشته باشد ، طلب مذکور با رضایت صاحب آن ، هرچند بدون رضایت مرتکب ، به عنوان فاضل دیه ، قابل محاسبه است .
فاضل دیه یا سهم پرداختی شرکاء از دیهٔ جنایت ، متعلق به قصاص شونده است و او می تواند آن را به صاحب حق قصاص یا شرکاء خود ببخشد و یا هر نوع تصرف مالکانهٔ دیگری در آن انجام دهد ؛ لکن اگر آن را دریافت کرده باشد و قصاص صورت نگیرد ، باید آن را برگرداند .
هرگاه مجنی علیه پیش از استیفاء حق قصاص فوت کند و ترکهٔ او برای اداء دیون او کافی نباشد ، صاحب حق قصاص ، بدون اداء یا تضمین آن دیون ، حق استیفاء قصاص را دارد ؛ لکن حق گذشت مجانی ، بدون اداء یا تضمین دیون را ندارد و اگر به هر علّت ، قصاص به دیه تبدیل شود ، باید در ادای دیون مذکور صرف شود . این حکم در مورد ترکهٔ مقتول نیز جاری است .
اگر مجنی علیه یا همهٔ اولیاء دم ، پیش از قصاص یا در حین اجراء آن ، از قصاص مرتکب گذشت کنند ، قصاص متوقف می شود و آنان ضامن خساراتی که در حین اجراء قصاص به مرتکب رسیده ، نمی باشند و اگر برخی از آنان گذشت نمایند یا مصالحه کنند ، خواهان قصاص باید پیش از اجراء قصاص ، سهم آنها را ، حسب مورد ، به آنان یا مرتکب بپردازد .

هرگاه کسی فردی را که مرتکب جنایت عمدی شده است فراری دهد ، به تحویل وی الزام می شود . اگر در موارد قتل و جنایت بر عضو که منجر به قطع یا نقص عضو یا از بین رفتن یکی از منافع آن شده است ، بازداشت فراری دهنده مؤثر در حضور مرتکب یا الزام فراری دهنده به احضار مرتکب باشد ، دادگاه باید با درخواست صاحب حق قصاص ، تا زمان دستگیری مرتکب ، فراری دهنده را بازداشت کند . اگر مرتکب پیش از دستگیری بمیرد یا دستگیری وی متعذر شود یا صاحب حق قصاص رضایت دهد ، فراری دهنده آزاد می شود و صاحب حق قصاص در همهٔ مواردِ قصاص نفس و عضو ، می تواند در صورت فوت مرتکب یا تعذر دستگیری او ، دیه را از اموال وی یا فراری دهنده بگیرد . فراری دهنده می تواند پس از پرداخت دیه برای دریافت آن به مرتکب رجوع کند .

هرگاه در جنایت عمدی ، به علت مرگ یا فرار ، دسترسی به مرتکب ممکن نباشد با درخواست صاحب حق ، دیهٔجنایت از اموال مرتکب پرداخت می شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد در خصوص قتل عمد ، ولی دم می تواند دیه را از عاقله بگیرد و در صورت نبود عاقله یا عدم دسترسی به آنها یا عدم تمکن آنها ، دیه از بیت المال پرداخت می شود و در غیر قتل ، دیه بر بیت المال خواهد بود . چنانچه پس از اخذ دیه ، دسترسی به مرتکب جنایت اعم از قتل و غیرقتل ، ممکن شود در صورتی که اخذ دیه به جهت گذشت از قصاص نباشد ، حق قصاص حسب مورد برای ولی دم یا مجنی علیه محفوظ است ، لکن باید قبل از قصاص ، دیه گرفته شده را برگرداند .

ب – شرایط اجرای قصاص نفس

به موجب مواد ۴۳۶ الی ۴۳۸ قانون جدید مجازات اسلامی :

قصاص نفس فقط به شیوه های متعارف ، که کمترین آزار را به قاتل می رساند ، جایز است و مثله کردن او پس از قصاص ، ممنوع و موجب دیه و تعزیر مقرر در (تعزیرات) است .

زن حامله ، که محکوم به قصاص نفس است ، نباید پیش از وضع حمل قصاص شود . اگر پس از وضع حمل نیز بیم تلف طفل باشد ، تا زمانی که حفظ حیات طفل تأمین شود ، قصاص به تأخیر می افتد .

اگر پس از اجرای قصاص نفس ، قاتل زنده بماند ، حق قصاص برای ولیِ دم محفوظ است ؛ لکن اگر وی را به گونه ای که جایز نیست ، قصاص کرده باشد ، در صورتی که قاتل آسیب ببیند ، مشروط به شرایط قصاص عضو ، از جمله ، عدم خوف تلف ولیِ دم ، قاتل حق قصاص عضو او را دارد و حق قصاص نفس نیز برای ولیِ دم باقی است ولی قبل از اجرای قصاص نفس قاتل باید حق خود را استیفاء ، مصالحه یا گذشت کند لکن اگر ولیِ دم نخواهد دوباره قصاص کند ، قاتل حق قصاص او را ندارد . اگر قاتل برای فرار از قصاص نفس حاضر به گذشت ، مصالحه و استیفاء حق خود نشود با شکایت ولیِ دم از این امر ، دادگاه مدت مناسبی را مشخص و به قاتل اعلام می کند تا ظرف مهلت مقرر به گذشت ، مصالحه یا مطالبهٔ قصاص عضو اقدام کند . در صورت عدم اقدام او در این مدت ، ولیِ دم به تعزیر مقرر در قانون محکوم می شود و با مطالبهٔ او قصاص نفس اجراء می گردد و حق قصاص عضو برای ورثهٔ جانی ، محفوظ است .

ج – شرایط اجرای قصاص عضو

بر اساس مواد ۴۳۹ الی ۴۴۷ قانون جدید مجازات اسلامی :

ابزار قطع و جرح در قصاص عضو باید تیز ، غیرآلوده و مناسب با اجراء قصاص باشد و ایذاء مرتکب ، بیش از مقدار جنایت او ممنوع و موجب تعزیر مقرر در قانون است . اگر مرتکب ، بیمار بوده یا شرایط زمان و مکان به گونه ای باشد که در قصاص ، بیم سرایت به نفس یا صدمهٔ دیگر باشد ، در صورت امکان ، موانع رفع و قصاص اجراء می شود . در غیر این صورت، تا برطرف شدن بیم سرایت ، قصاص به تأخیر می افتد .

قصاص عضو را می توان فوراً اجراء کرد لکن اگر علم به سرایت وجود نداشته باشد و قصاص اجراء شود و پس از آن ، جنایت سرایت کند و سرایت پدید آمده ، عمدی محسوب شود ، مرتکب حسب مورد ، به قصاص نفس یا عضو محکوم می‌شود ؛ لکن پیش از اجرای قصاص نفس ولیِ دم باید ، دیهٔ جنایتی را که به عنوان قصاص عضو بر مرتکب وارد شده است ، به او بپردازد و اگر سرایت پدیدآمده ، غیرعمدی محسوب شود ، مرتکب به دیهٔ جنایتی که به وسیلهٔ سرایت ، پدید آمده است، محکوم می شود و دیهٔ مقداری که قصاص شده است کسر نمی شود .

برای رعایت تساوی قصاص عضو با جنایت ، باید حدود جراحت کاملاً اندازه گیری شود و هر چیزی که مانع از استیفاء قصاص یا موجب ازدیاد آن باشد ، برطرف گردد .

اگر مرتکب به سبب حرکت یا غیر آن ، موجب شود که قصاص بیش از جنایت انجام شود ، قصاص کننده ضامن نیست و اگر قصاص کننده یا فرد دیگری موجب زیاده باشد ، حسب مورد ، به قصاص یا دیه محکوم می شود .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

اگر زن حامله ، محکوم به قصاص عضو باشد و در اجرای قصاص ، پیش یا پس از وضع حمل ، بیم تلف یا آسیب بر طفل باشد ، قصاص تا زمانی که بیم مذکور برطرف شود ، به تأخیر می افتد .

قصاص کردن مرتکب در جنایت بر عضو ، بدون بیهوش کردن وی یا بی حس کردن عضو او ، حق مجنی علیه است ، مگر اینکه جنایت در حال بیهوشی یا بی حسی عضو مجنی علیه اتفاق افتاده باشد .

مداوا و بیهوش کردن مرتکب و بی حس کردن عضو او پس از اجرای قصاص جایز است .

اگر شخصی همه یا مقداری از عضو دیگری را قطع کند و مجنی علیه قسمت جدا شده را پیوند بزند ، قصاص ساقط نمی شود.

موارد مربوط به اجرای قصاص که قانون جدید مجازات به قانون تعزیرات ارجاع می دهد ، در خصوص قتل عمدی مطابق مادهٔ (۶۱۲ قانون تعزیرات) آن قانون و در سایر جنایات عمدی مطابق ماده (۶۱۴ قانون تعزیرات) و تبصرهٔ آن عمل می شود[1] .

به موجب ماده ۲۹۶ الی ۳۰۰ قانون جدید مجازات اسلامی :

اگر کسی ، عمداً جنایتی را بر عضو فردی وارد سازد و او به سبب سرایت جنایت فوت کند ، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد ، قتل عمدی محسوب می شود ، در غیر این صورت ، قتل شبه عمدی است و مرتکب علاوه بر قصاصِ عضو به پرداخت دیهٔ نفس نیز محکوم می شود .

اگر مرتکب با یک ضربه عمدی ، موجب جنایتی بر عضو شود که منجر به قتل مجنی علیه گردد ، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد ، قتل عمدی محسوب می شود و به علت نقص عضو یا جراحتی که سبب قتل شده است ، به قصاص یا دیه محکوم نمی گردد .

اگر کسی با یک ضربهٔ عمدی ، موجب جنایات متعدد بر اعضاء مجنی علیه شود ، چنانچه همه آنها مشترکاً موجب قتل او شود و قتل نیز مشمول تعریف جنایات عمدی باشد ، فقط به قصاص نفس محکوم می شود .

اگر کسی با ضربه های متعدد عمدی ، موجب جنایات متعدد و قتل مجنی علیه شود و قتل نیز مشمول تعریف جنایات عمدی باشد ، چنانچه برخی از جنایت ها موجب قتل شود و برخی در واقع شدن قتل نقشی نداشته باشند ، مرتکب علاوه بر قصاصِ نفس ، حسب مورد ، به قصاصِ عضو یا دیهٔ جنایت هایی که تأثیری در قتل نداشته است ، محکوم می شود . لکن اگر قتل به وسیلهٔ مجموع جنایات پدید آید ، در صورتی که ضربات به صورت متوالی وارد شده باشد در حکم یک ضربه است ؛ در غیر این صورت به قصاص یا دیهٔ عضوی که جنایت بر آن ، متصل به فوت نبوده است نیز محکوم می گردد .

تبصره–احکام مقرر در مواد (۲۹۶) ، (۲۹۷) ، (۲۹۸) و (۲۹۹) قانون جدید مجازات اسلامی[2] در مواردی که جنایت یا جنایات ارتکابی به قسمت بیشتری از همان عضو یا اعضای دیگر مجنیٌ علیه سرایت کند نیز جاری است .

اگر مجنی علیه در جنایت واقع شده بر او به تصور اینکه جنایت وارد شده ، به قتل منجر نمی شود و یا اگر به قتل منجر می شود ، قتل عمدی محسوب نمی شود ، قصاص کند یا گذشت یا مصالحه بر دیه یا غیر آن نماید و بعد از آن ، جنایت واقع شده ، به نفس سرایت کند و به فوت

---

[1]. با دنبال هم شدن شمارهٔ مواد قسمت تعزیرات با قانون جدید شمارهٔ (۶۱۲) به (۸۴۳) و (۶۱۴) به (۸۴۵) می تواند تغییر یابد .

مادهٔ ۶۱۲ قانون تعزیرات : هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می‌نماید.[1]

تبصره - در این مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از یک تا پنج سال خواهد بود.

مادهٔ ۶۱۴ قانون تعزیرات : هر کس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضاء یا منتهی به مرض دایمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی علیه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می‌شود

تبصره - در صورتی که جرح وارده منتهی به ضایعات فوق نشود و آلت جرح اسلحه یا چاقو و امثال آن باشد مرتکب به سه ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد.

[2]. **مطابق مواد ۲۹۶ الی ۲۹۹ قانون جدید مجازات اسلامی :**

اگر کسی ، عمداً جنایتی را بر عضو فردی وارد سازد و او به سبب سرایت جنایت فوت کند ، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد ، قتل عمدی محسوب می شود ، در غیر این صورت ، قتل شبه عمدی است و مرتکب علاوه بر قصاصِ عضو به پرداخت دیهٔ نفس نیز محکوم می شود .

اگر مرتکب با یک ضربه عمدی ، موجب جنایتی بر عضو شود که منجر به قتل مجنی علیه گردد ، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد ، قتل عمدی محسوب می شود و به علت نقص عضو یا جراحتی که سبب قتل شده است ، به قصاص یا دیه محکوم نمی گردد .

اگر کسی با یک ضربهٔ عمدی ، موجب جنایات متعدد بر اعضاء مجنی علیه شود ، چنانچه همه آنها مشترکاً موجب قتل او شود و قتل نیز مشمول تعریف جنایات عمدی باشد ، فقط به قصاص نفس محکوم می شود .

اگر کسی با ضربه های متعدد عمدی ، موجب جنایات متعدد و قتل مجنی علیه شود و قتل نیز مشمول تعریف جنایات عمدی باشد ، چنانچه برخی از جنایت ها موجب قتل شود و برخی در واقع شدن قتل نقشی نداشته باشند ، مرتکب علاوه بر قصاصِ نفس ، حسب مورد ، به قصاصِ عضو یا دیهٔ جنایت هایی که تأثیری در قتل نداشته است ، محکوم می شود . لکن اگر قتل به وسیلهٔ مجموع جنایات پدید آید ، در صورتی که ضربات به صورت متوالی وارد شده باشد در حکم یک ضربه است ؛ در غیر این صورت به قصاص یا دیهٔ عضوی که جنایت بر آن ، متصل به فوت نبوده است نیز محکوم می گردد .

تبصره– احکام مقرر در مواد (۲۹۶) ، (۲۹۷) ، (۲۹۸) و (۲۹۹) در مواردی که جنایت یا جنایات ارتکابی به قسمت بیشتری از همان عضو یا اعضای دیگر مجنیٌ علیه سرایت کند نیز جاری است .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

مجنی علیه منجر شود ، هرگاه قتل مشمول تعریف جنایات عمدی باشد ، قاتل به قصاص نفس محکوم می شود و چنانچه عضو مرتکب ، قصاص شده یا با او مصالحه شده باشد ، ولیِ دم باید قبل از قصاص نفس ، دیهٔ عضو قصاص شده یا وجه المصالحه را به وی بپردازد ؛ لکن اگر جنایت مشمول تعریف جنایات عمدی نگردد ، به پرداخت دیهٔ نفس ، بدون احتساب دیهٔ عضو قصاص شده یا وجه‌المصالحهٔ اخذ شده ، محکوم می‌شود. مفاد این ماده ، در موردی که جنایت ارتکابی به قسمت بیشتری از همان عضو مورد جنایت سرایت کند نیز جاری است .

بند سوم – صاحبان حق قصاص

بر اساس مواد ۳۴۷ الی ۳۶۷ قانون جدید مجازات اسلامی :

صاحب حق قصاص در هر مرحله از مراحل تعقیب ، رسیدگی یا اجراء حکم می تواند به طور مجانی یا با مصالحه در برابر حق یا مال گذشت کند .

حق قصاص ، به شرح مندرج در این قانون به ارث می رسد .

ولیِ دم نمی تواند پیش از فوت مجنی علیه مرتکب را قصاص کند و در صورتی که اقدام به قتلِ مرتکب نماید ، چنانچه جنایت در نهایت سبب فوت مجنی علیه نشود مستحق قصاص است ، در غیر این صورت به تعزیر مقرر در قانون محکوم می شود . مگر در موردی که ولی دم اعتقاد دارد مرتکب مشمول مادهٔ (۳۰۲) این قانون است که در این صورت ، مستحق قصاص نیست .

در صورت تعدد اولیاء دم ، حق قصاص برای هر یک از آنان ، به طور جداگانه ثابت است .

ولیِ دم ، همان ورثهٔ مقتول است ، به جز زوج یا زوجهٔ او که حق قصاص ندارد .

اگر حق قصاص ، به هر علت ، تبدیل به دیه شود یا به مال یا حقی مصالحه شود ، همسر مقتول نیز از آن ارث می‌برد. اگر برخی از اولیای دم ، خواهان قصاص و برخی خواهان دیه باشند ، همسر مقتول ، از سهم دیهٔ کسانی که خواهان دیه می باشند ، ارث می برد .

هرگاه صاحب حق قصاص فوت کند ، حق قصاص به ورثهٔ او می رسد حتی اگر همسر مجنی علیه باشد .

اگر مجنی علیه یا همهٔ اولیاء دم یا برخی از آنان ، صغیر یا مجنون باشند ، ولّی آنان با رعایت مصلحت شان حق قصاص ، مصالحه و گذشت دارد و همچنین می تواند تا زمان بلوغ یا افاقهٔ آنان منتظر بماند . اگر برخی از اولیاء دم ،کبیر و عاقل و خواهان قصاص باشند ، می توانند مرتکب را قصاص کنند . لکن در صورتی که ولی صغیر یا مجنون خواهان اداء یا تأمین سهم دیهٔ مولی علیه خود از سوی آنها باشد باید مطابق خواست او عمل کنند . مفاد این ماده ، در مواردی که حق قصاص به علت مرگ مجنی علیه یا ولّیِ دم به ورثهٔ آنان منتقل می شود باشد نیز جاری است . این حکم در مورد جنایاتی که پیش از لازم‌الاجرا شدن این قانون واقع شده است نیز جاری است . [ماده ۳۵۴ قانون جدید مجازات اسلامی]

در مورد مادهٔ (۳۵۴)[1] این قانون ، جنین در صورتی ولّیِ دم محسوب می شود که زنده متولد شود .

اگر مقتول یا مجنی علیه یا ولیِ دمی که صغیر یا مجنون است ولی نداشته باشد و یا ولی او شناخته نشود و یا به او دسترسی نباشد ، ولی او ، مقام رهبری است و رئیس قوهٔ قضائیه با استیذان از مقام رهبری و در صورت موافقت ایشان ، اختیار آن را به دادستان های مربوط تفویض می کند .

اگر مرتکب یا شریک در جنایت عمدی ، از ورثه باشد ، ولیِ دم به شمار نمی‌آید و حق قصاص و دیه ندارد و حق قصاص را نیز به ارث نمی برد.

اگر مجنی علیه یا ولیِ دم ، صغیر یا مجنون باشد و ولّی او ، مرتکب جنایت عمدی شود یا شریک در آن باشد ، در این مورد ، ولایت ندارد .

در موارد ثبوت حق قصاص ، اگر قصاص مشروط به رد فاضل دیه نباشد ، مجنی علیه یا ولیِ دم ، تنها می تواند قصاص یا گذشت نماید و اگر خواهان دیه باشد ، نیاز به مصالحه با مرتکب و رضایت او دارد .

---

[1]. **ماده ۳۵۴ قانون جدید مجازات اسلامی :** اگر مجنی علیه یا همهٔ اولیاء دم یا برخی از آنان ، صغیر یا مجنون باشند ، ولّی آنان با رعایت مصلحت شان حق قصاص ، مصالحه و گذشت دارد و همچنین می تواند تا زمان بلوغ یا افاقهٔ آنان منتظر بماند . اگر برخی از اولیاء دم ،کبیر و عاقل و خواهان قصاص باشند ، می توانند مرتکب را قصاص کنند . لکن در صورتی که ولی صغیر یا مجنون خواهان اداء یا تأمین سهم دیهٔ مولی علیه خود از سوی آنها باشد باید مطابق خواست او عمل کنند . مفاد این ماده ، در مواردی که حق قصاص به علت مرگ مجنی علیه یا ولّیِ دم به ورثهٔ آنان منتقل می شود باشد نیز جاری است . این حکم در مورد جنایاتی که پیش از لازم الاجرا شدن این قانون واقع شده است نیز جاری است .

در مواردی که اجرای قصاص ، مستلزم پرداخت فاضل دیه به قصاص شونده است ، صاحب حق قصاص ، میان قصاص با رد فاضل دیه و گرفتن دیهٔ مقرر در قانون ولو بدون رضایت مرتکب مخیر است .

اگر مجنی علیه یا ولیِ دم ، گذشت و اسقاط حق قصاص را مشروط به پرداخت وجه المصالحه یا امر دیگری کند ، حق قصاص تا حصول شرط ، برای او باقی است .

اگر پس از مصالحه یا گذشت مشروط ، مرتکب حاضر یا قادر به پرداخت وجه المصالحه یا انجام دادن تعهد خود نباشد یا شرط محقق نشود ، حق قصاص محفوظ است و پرونده برای بررسی به همان دادگاه ارجاع می شود مگر مصالحه شامل فرض انجام ندادن تعهد نیز باشد .

گذشت یا مصالحه ، پیش از صدور حکم یا پس از آن ، موجب سقوط حق قصاص است .

رجوع از گذشت پذیرفته نیست . اگر مجنی علیه یا ولیِ دم ، پس از گذشت ، مرتکب را قصاص کند ، مستحق قصاص است .

در قتل و سایر جنایات عمدی ، مجنی علیه می تواند پس از وقوع جنایت و پیش از فوت ، از حق قصاص گذشت کرده یا مصالحه نماید و اولیاء دم نمی توانند پس از فوت او ، حسب مورد ، مطالبهٔ قصاص نفس یا دیه کنند ، لکن مرتکب به تعزیر مقرر در « تعزیرات » محکوم می شود .

بر اساس ماده ۳۶۶ ، اگر وقوع قتل های عمد از جانب دو یا چند نفر ثابت باشد ، لکن مقتول هر قاتلی مردد باشد ؛ مانند اینکه دو نفر ، توسط دو نفر به قتل رسیده باشند و اثبات نشود که هر کدام به دست کدام قاتل کشته شده است ، اگر اولیاء هر دو مقتول ، خواهان قصاص باشند ، هر دو قاتل قصاص می شوند و اگر اولیاء یکی از دو مقتول ، به هر سبب ، حق قصاص نداشته یا آن را ساقط کرده باشند ، حق قصاص اولیاء مقتول دیگر نیز به سبب مشخص نبودن قاتل ، به دیه تبدیل می شود .

تبصره– مفاد این ماده ، در جنایت عمدی بر عضو نیز جاری است ، مشروط بر آنکه جنایت های وارد شده بر مجنی علیهم یکسان باشد ؛ لکن اگر جنایت‌های وارده بر هر یک از مجنی علیهم با جنایت های دیگری متفاوت باشد ، امکان قصاص حتی در فرضی که همهٔ مجنی علیهم خواهان قصاص باشند نیز منتفی است و به دیه تبدیل می شود .

در مادهٔ (۳۶۶) این قانون ، اگر اولیاء هر دو مجنی علیه ، خواهان قصاص باشند و دو مجنی علیه از نظر دیه ، یکسان نباشند و دیهٔ مرتکبان بیش از دیهٔ مجنی علیهم باشد ، مانند اینکه هر دو قاتل ، مرد باشند و یکی از دو مقتول ، زن باشد ، خواهان قصاص از سوی زن باید نصف دیهٔ کامل را بپردازد که در این صورت ، به سبب مشخص نبودن مرتکب قتل زن ، فاضل دیهٔ مذکور میان مرتکبان ، به نسبت مساوی تقسیم می شود .

تبصره– دیهٔ موضوع این ماده طبق این قانون و قبل از قصاص به مستحق پرداخت می شود .

***

گفتار هشتم – قطع و ضرب و جرح عمدی

ایراد صدمات بدنی کمتر از قتل که موضوع آن انسان است به سه صورت ممکن است وقوع یابد :

- قطع عضوی از اعضاء بدن انسان
- جراحات وارده بر بدن ، سر یا استخوان
- ایراد ضرب عمدی

مطابق ماده ۶۱۰ قانون جدید مجازات اسلامی ، شکافتن هر دو لب به نحوی که باعث نمایان شدن دندان ها شود ، یک سوم دیهٔ کامل و درصورت بهبودی بدون عیب ، یک پنجم دیهٔ کامل دارد . شکافتن یک لب موجب یک ششم دیهٔ کامل و در صورت بهبودی بدون عیب ، موجب یک دهم دیهٔ کامل است .

قطع عضو و یا جرح آن شامل بریدن عضوی از اعضاء بدن مانند گوش ، بینی ، زبان و یا شکستن و کندن دندان ، وقتی عمدی باشد موجب قصاص است و مجنی علیه می‌تواند با اذن ولی امر جانی را با شرایطی قصاص کند .

جرح صدمه‌ای است که موجب ضایعه عضوی ، نسجی یا بافتی در بدن انسان با استفاده از وسایل فیزیکی ، شیمیایی یا مکانیکی می شود . در جرح فرض بر ورود صدمه بر بدن انسان است و این صدمه ممکن است به صورت شکستگی استخوان ، سوختگی بدن و یا هر نوع زخم باشد .

ضرب عبارت است از نوعی تصادم و برخورد و تلاقی است که توسط مرتکب بر مجنی علیه خواه مستقیما و بدون دخالت یک وسیله خارجی مانند زدن یا مشت و یا لگد و سیلی و یا با سر و تنه بدن و خواه با برخورد غیر مستقیم بوسیله اشیاء مانند سنگ و چوب و بیل و شلاق حادث می‌شود .

ضربه باید دارای درجه‌ای از شدت باشد و لذا به ضربات خفیفی که موجب درد و تالم نباشد اطلاق ضرب نمی‌شود . در هر حال لازم نیست که آثار ضربه برای مدت طولانی باقی بماند .

تفاوت ضرب با جرح در این است که جرح معمولا همراه با زخم و خونریزی است . در حالی که ضرب ، خونریزی و زخمی به دنبال ندارد . در حقوق موضوعه ایران ، جرح عمدی مستوجب قصاص و غیر عمدی آن مستوجب دیه است . دیه جرح عمدی در مواد ۷۰۹ الی ۷۱۵ قانون جدید مجازات اسلامی به شرح ذیل آمده است . [۱]

جراحات سر و صورت و دیهٔ آنها [بر اساس ماده ۷۰۹] به ترتیب ذیل است :

۱. حارصه : خراش پوست بدون آنکه خون جاری شود ، یک صدم دیهٔ کامل

۲. دامیه : جراحتی که اندکی وارد گوشت شود و همراه با جریان کم یا زیاد خون باشد ، دوصدم دیهٔ کامل

۳. متلاحمه : جراحتی که موجب بریدگی عمیق گوشت شود لکن به پوست نازک روی استخوان نرسد ، سه صدم دیهٔ کامل

۴. سمحاق : جراحتی که به پوست نازک روی استخوان برسد ؛ چهارصدم دیهٔ کامل

۵. موضحه : جراحتی که پوست نازک روی استخوان را کنار بزند و استخوان را آشکار کند ، پنج صدم دیهٔ کامل

۶. هاشمه : جنایتی که موجب شکستگی استخوان شود گرچه جراحتی را ایجاد نکند ، ده صدم دیهٔ کامل

۷. مُنَقِّله : جنایتی که درمان آن جز با جابه جاکردن استخوان میسر نباشد ، پانزده صدم دیهٔ کامل

۸. مأمومه : جراحتی که به کیسهٔ مغز برسد یک سوم دیهٔ کامل

۹. دامغه : صدمه یا جراحتی که کیسهٔ مغز را پاره کند ، که علاوه بر دیهٔ مأمومه ، موجب ارش پاره شدن کیسهٔ مغز نیز می باشد .

تبصره۱ جراحات گوش ، بینی ، لب ، زبان و داخل دهان در غیر مواردی که برای آن دیه معین شده است ، در حکم جراحات سر و صورت است.

تبصره۲ ملاک دیه در جراحت های مذکور ، مقدار نفوذ جراحت است و طول و عرض آن تأثیری در میزان دیه ندارد .

تبصره۳ جنایت بر گونه در صورتی که داخل دهان را نمایان نسازد ، موجب یک بیستم دیهٔ کامل و اگر به نحوی باشد که داخل دهان را نمایان سازد ، موجب یک پنجم دیهٔ کامل است . در این مورد چنانچه پس از بهبودی جراحت ، اثر و عیب فاحشی ، در صورت باقی بماند، علاوه بر آن ، یک بیستم دیهٔ دیگر نیز باید پرداخت شود .

تبصره۴ هرگاه جنایت موضحهٔ صورت بعد از التیام ، اثری از خود بر جای بگذارد ، علاوه بر دیهٔ موضحه ، یک هشتادم دیهٔ کامل نیز ثابت است و هرگاه جنایت در حد موضحه نبوده و بعد از التیام اثری از آن باقی بماند ، علاوه بر دیهٔ جنایت ، یک صدم دیهٔ کامل نیز ثابت است و چنانچه جنایت ، شکافی در صورت ایجاد کند دیهٔ آن هشت صدم دیهٔ کامل است .

هرگاه یکی از جراحت های مذکور در بند (۱) تا (۵) مادهٔ (۷۰۹) این قانون در غیر سر و صورت واقع شود ، در صورتی که آن عضو دارای دیهٔ معین باشد، دیه به حساب نسبت های فوق از دیهٔ آن عضو تعیین می شود و اگر آن عضو دارای دیهٔ معین نباشد، ارش ثابت است .

تبصره۱ جراحات وارده به گردن ، در حکم جراحات بدن است .

---

[۱] . دکتر ایرج گلدوزیان ، حقوق جزای اختصاصی ، انتشارات دانشگاه تهران ، شماره ۲۴۹۹

تبصره۲ هرگاه هر یک از جراحت های مذکور در مادهٔ (۷۰۹) این قانون با یک ضربه به وجود آمده باشد که از حیث عمق متعدد باشد یک جراحت محسوب می‌شود و دیهٔ جراحت بیشتر را دارد لکن اگر با چند ضربه ایجاد شود مانند اینکه با یک ضربه حارصه ایجاد شو دو با ضربهٔ دیگر آن جراحت مبدل به موضحه مبدل شود برای هر جراحت ، دیه مستقل ثابت است ، خواه مرتکب هر دو جنایت یک نفر خواه دو نفر باشد .

جائفه جراحتی است که با واردکردن هر نوع وسیله و از هر جهت به درون بدن انسان اعم از شکم ، سینه ، پشت و پهلو ایجاد می شود و موجب یک سوم دیهٔ کامل است . در صورتی که وسیله مزبور از یک طرف وارد و از طرف دیگر خارج گردد ، دو جراحت جائفه محسوب می شود .

تبصره- هرگاه در جائفه به اعضاء درونی بدن آسیب برسد و یا از بین برود ، علاوه بر دیهٔ جائفه ، دیه یا ارش آن نیز محاسبه می شود.

هرگاه نیزه یا گلوله و مانند آن علاوه بر ایجاد جراحت موضحه یا هاشمه و یا مُنَقِّله به داخل بدن مانند حلق و گلو یا سینه فرو رود ، دو جراحت محسوب و علاوه بر دیهٔ موضحه یا هاشمه و مُنَقِّله ، دیهٔ جراحت جائفه نیز ثابت می شود .

نافذه جراحتی است که با فرو رفتن وسیله ای مانند نیزه یا گلوله در دست یا پا ایجاد می شود دیهٔ آن در مرد یک دهم دیهٔ کامل است و در زن ارش ثابت می شود .

تبصره۱ حکم مذکور در این ماده نسبت به اعضایی است که دیهٔ آن عضو بیشتر از یک دهم دیهٔکامل باشد ، در عضوی که دیهٔ آن مساوی یا کمتر از یک دهم دیهٔ کامل باشد ، ارش ثابت است مانند اینکه گلوله در بند انگشت فرو رود .

تبصره۲ هرگاه شیئی که جراحت نافذه را به وجود آورده است از طرف دیگر خارج گردد ، دو جراحت نافذه محسوب می‌شود .

دیهٔ صدماتی که موجب تغییر رنگ پوست می شود ، به شرح ذیل است :

الف- سیاه شدن پوست صورت ، شش هزارم ، کبود شدن آن ، سه هزارم و سرخ شدن آن ، یک و نیم هزارم دیهٔ کامل

ب- تغییر رنگ پوست سایر اعضا ، حسب مورد نصف مقادیر مذکور در بند « الف »

تبصره۱ در حکم مذکور فرقی بین اینکه عضو دارای دیهٔ مقدر باشد یا نباشد ، نیست . همچنین فرقی بین تغییر رنگ تمام یا قسمتی از عضو و نیز بقاء یا زوال اثر آن نمی باشد .

تبصره۲ در تغییر رنگ پوست سر ، ارش ثابت است .

صدمه ای که موجب تورم بدن ، سر یا صورت گردد ، ارش دارد و چنانچه علاوه بر تورم موجب تغییر رنگ پوست نیز گردد ، حسب مورد دیه و ارش تغییر رنگ به آن افزوده می شود.

چند نکته

- ♣ قصاص عضو را می‌شود فوراً اجراء نمود و لازم نیست صبر کنند تا وضع جرح روشن شود پس اگر قصاص اجراء شود و جرح منجر به مرگ مجنی علیه گردد در صورتی که جنایت عمدی باشد جانی به قصاص نفس محکوم می‌شود لکن قبل از اجراء قصاص نفس باید دیهٔ جرحی که قبلاً به عنوان قصاص عضو بر جانی وارد شده به او پرداخت شود
- ♣ برای رعایت تساوی قصاص با جنایت باید حدود جراحت کاملاً اندازه‌گیری شود و هر چیزی که مانع از استیفاء قصاص یا موجب ازدیاد آن باشد باید برطرف گردد.
- ♣ اگر گرمی یا سردی هوا موجب سرایت زخم بشود باید قصاص در هوای معتدل انجام گیرد.
- ♣ ابزار قصاص باید تیز و غیر مسموم و مناسب با اجراء قصاص و قطع و جرح مخصوص باشدو ایذاء جانی بیش از مقدار جنایت او ممنوع است.
- ♣ هر گاه شخصی یک چشم کسی را کور کند یا در آورد قصاص می‌شود گر چه جانی بیش از یک چشم نداشته باشد و چیزی به عنوان دیه به او داده نمی‌شود.
- ♣ هر گاه شخصی که دارای دو چشم است چشم کسی را که فقط دارای یک چشم است درآورد مجنی علیه می‌تواند یک چشم جانی را قصاص کند و نصف دیهٔ کامل را هم دریافت نماید، یا از قصاص یک چشم جانی منصرف شود و دیهٔ کامل بگیرد مگر در صورتی که مجنی علیه یک چشم خود را قبلاً در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیهٔ آن را داشته است از دست داده باشد که در این مورد می‌تواند یک چشم جانی را قصاص کند و یا با رضایت جانی نصف دیهٔ کامل دریافت نماید.

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

- هر گاه شخصی بدون آسیب به حدقهٔ چشم دیگری بینائی آن را از بین ببرد فقط بینائی چشم جانی مورد قصاص قرار می‌گیرد و اگر بدون آسیب به حدقهٔ چشم جانی قصاص ممکن نباشد جانی باید دیهٔ آن را بپردازد.
- چشم سالم در برابر چشم هائی که از لحاظ دیدن متعارف نیستند قصاص می‌شود.
- هر گاه شخصی مقداری از گوش کسی را قطع کند و مجنی علیه قسمت جدا شده را به گوش خود پیوند دهد قصاص ساقط نمی‌شود و اگر جانی بعد از آنکه مقداری از گوش او به عنوان قصاص بریده شد آن قسمت جدا شده را به گوش خود پیوند دهد هیچ کس نمی‌تواند آن را دوباره برای حفظ اثر قصاص قطع کند.
- قطع لالهٔ گوش که موجب زوال شنوائی بشود دو جنایت محسوب می‌شود.
- هر گاه شخصی بینی کسی را قطع کند مجنی علیه می‌تواند قصاص نماید گر چه بینی مجنی علیه دارای حس بویائی نباشد.
- هر گاه شخصی زبان یا لب کسی را قطع نماید با رعایت تساوی مقدار و محل مورد قصاص قرار می‌گیرد.
- در صورتی که فردگویا ، زبان فرد لال را قطع کند قصاص جایز نیست و تبدیل به دیه می‌شود. هر گاه شخصی دندان کسی را بشکند یا بکند با رعایت شرایط قصاص عضو قصاص می‌شود.
- در صورتی که مجنی علیه قبل از قصاص دندان درآورد اگر دندان جدید معیوب باشد جانی به پرداخت ارش محکوم می‌گردد و اگر سالم باشد تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می‌گردد.
- اگر مجنی علیه طفل باشد باید به مدت متعارف صدور حکم به تأخیر افتد در صورتی که کودک دندان جدید درآورد مجرم محکوم به ارش و گر نه محکوم به قصاص است .

***

DEPARTMENT OF LAW AND POLITICAL SCIENCES
دپارتمان حقوق و علوم سیاسی

فصل پنجم

مجموعه قوانین

گفتار اول – قانون جدید مجازات اسلامی

بند اول – حدود

ماده ۲۱۷ در جرائم موجب حد ، مرتکب در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن علم ، قصد و شرایط مسئولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتکابی نیز آگاه باشد .

ماده ۲۱۸ در جرائم موجب حد هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری را در زمان ارتکاب جرم نماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و اگر ادعا کند که اقرار او با تهدید و ارعاب یا شکنجه گرفته شده است ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می شود .

تبصره۱ در جرائم محاربه و افساد فی الارض و جرائم منافی عفت با عنف ، اکراه ، ربایش یا اغفال ، صرف ادعا ، مسقط حد نیست و دادگاه موظف به بررسی و تحقیق است .

تبصره۲ اقرار در صورتی اعتبار شرعی دارد که نزد قاضی در محکمه انجام گیرد .

ماده ۲۱۹ دادگاه نمی تواند کیفیت ، نوع و میزان حدود شرعی را تغییر یا مجازات را تقلیل دهد یا تبدیل یا ساقط نماید . این مجازات ها تنها از طریق توبه و عفو به کیفیت مقرر در قانون قابل سقوط ، تقلیل یا تبدیل است .

ماده ۲۲۰ در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است طبق اصل یکصد و شصت و هفتم (۱۶۷) قانون اساسی عمل می‌شود .

الف – جرائم موجب حد

۱. زنا

ماده ۲۲۱ زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقهٔ زوجیت بین آنها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد .

تبصره۱ جماع با دخول اندام تناسلی مرد به اندازهٔ ختنه گاه در قُبُل یا دُبُر زن محقق می شود .

تبصره۲ هرگاه طرفین یا یکی از آنها نابالغ باشد ، زنا محقق است ، لکن نابالغ مجازات نمی شود و حسب مورد به اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در قسمت کلیات این قانون محکوم می گردد .

ماده ۲۲۲ جماع با میت ، زنا است ، مگر جماع زوج با زوجه متوفای خود که زنا نیست لکن موجب سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجهٔ شش می شود .

ماده ۲۲۳ هرگاه متهم به زنا ، مدعی زوجیت یا وطی به شبهه باشد ، ادعای وی بدون بینه یا سوگند پذیرفته می شود ، مگر آنکه خلاف آن با حجت شرعی لازم ثابت شود .

ماده ۲۲۴ حد زنا در موارد زیر اعدام است :

الف – زنا با محارم نسبی .

ب – زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است .

پ – زنای مرد غیرمسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانی است .

ت – زنای به عنف یا اکراه از سوی زانی ، که موجب اعدام زانی است .

تبصره۱ مجازات زانیه در بند (ب) و (پ) حسب مورد ، تابع سایر احکام مربوط به زنا است .

تبصره۲ هرگاه کسی با زنی که راضی به زنای با او نباشد در حال بیهوشی ، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زنای به عنف است . در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش ، تهدید و یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است .

ماده ۲۲۵ حد زنا برای زانی محصن و زانیهٔ محصنه رجم است . در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکنندهٔ حکم قطعی و موافقت رئیس قوهٔ قضائیه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد ، موجب اعدام زانی محصن و زانیهٔ محصنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می باشد .

ماده ۲۲۶ احصان در هر یک از مرد و زن به نحو زیر محقق می شود :

الف – احصان مرد عبارت است از آنکه دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده از طریق قُبُل با وی در حال بلوغ جماع کرده باشد و هر وقت بخواهد امکان جماع از طریق قُبُل را با وی داشته باشد .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ب- احصان زن عبارت است از آنکه دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده ، با او از طریق قُبُل جماع کرده باشد و امکان جماع از طریق قُبُل را با شوهر داشته باشد .

ماده ۲۲۷ اموری از قبیل مسافرت ، حبس ، حیض ، نفاس ، بیماری مانع از مقاربت یا بیماری که موجب خطر برای طرف مقابل می گردد مانند ایدز و سفلیس ، زوجین را از احصان خارج می کند .

ماده ۲۲۸ در زنا با محارم نسبی و زنای محصنه ، چنانچه زانیه بالغ و زانی نابالغ باشد مجازات زانیه فقط صد ضربه شلاق است .

ماده ۲۲۹ مردی که همسر دائم دارد ، هرگاه قبل از دخول ، مرتکب زنا شود حد وی صد ضربه شلاق ، تراشیدن موی سر و تبعید به مدت یک سال قمری است .

ماده ۲۳۰ حد زنا در مواردی که مرتکب غیرمحصن باشد ، صد ضربه شلاق است .

ماده ۲۳۱ در موارد زنای به عنف و در حکم آن ، در صورتی که زن باکره باشد مرتکب علاوه بر مجازات مقرر به پرداخت ارش البکاره و مهرالمثل نیز محکوم می شود . و در صورتی که باکره باشد ، فقط به مجازات و پرداخت مهرالمثل محکوم می گردد .

ماده ۲۳۲ هرگاه مرد یا زنی کمتر از چهار بار اقرار به زنا نماید به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجهٔ شش محکوم می شود . حکم این ماده در مورد لواط ، تفخیذ و مساحقه نیز جاری است .

۲. لواط ، تفخیذ و مساحقه

ماده ۲۳۳ لواط عبارت است از دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه گاه در دبر انسان مذکر .

ماده ۲۳۴ حد لواط برای فاعل ، در صورت عنف ، اکراه یا دارا بودن شرایط احصان ، اعدام و در غیر این صورت صد ضربه شلاق است . حد لواط برای مفعول در هر صورت (وجود یا عدم احصان) اعدام است .

تبصره۱ در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول ، مسلمان باشد ، حد فاعل اعدام است .

تبصره۲ احصان عبارت است از آن که مرد همسر دائمی و بالغ داشته باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده از طریق قُبُل با همان همسر در حال بلوغ وی جماع کرده باشد و هر وقت بخواهد امکان جماع از همان طریق را با وی داشته باشد .

ماده ۲۳۵ تفخیذ عبارت است از قرار دادن اندام تناسلی مرد بین ران ها یا نشیمنگاه انسان مذکر .

تبصره- دخول کمتر از ختنه گاه در حکم تفخیذ است .

ماده ۲۳۶ در تفخیذ ، حد فاعل و مفعول صد ضربه شلاق است و از این جهت فرقی میان محصن و غیرمحصن و عنف و غیرعنف نیست .

تبصره- در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول ، مسلمان باشد ، حد فاعل اعدام است .

ماده ۲۳۷ همجنس گرایی انسان مذکر در غیر از لواط و تفخیذ ، از قبیل تقبیل و ملامسه از روی شهوت ، موجب سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجهٔ شش است .

تبصره۱ حکم این ماده در مورد انسان مؤنث نیز جاری است .

تبصره۲ حکم این ماده شامل مواردی که شرعاً مستوجب حد است ، نمی گردد .

ماده ۲۳۸ مساحقه عبارت است از اینکه انسان مؤنث ، اندام تناسلی خود را بر اندام تناسلی همجنس خود قرار دهد .

ماده ۲۳۹ حد مساحقه ، صد ضربه شلاق است .

ماده ۲۴۰ در حد مساحقه ، فرقی بین فاعل و مفعول و مسلمان و غیرمسلمان و محصن و غیرمحصن و عنف و غیرعنف نیست .

ماده ۲۴۱ در صورت نبود ادلهٔ اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است . موارد احتمال ارتکاب با عنف ، اکراه ، آزار ، ربایش یا اغفال یا مواردی که به موجب این قانون در حکم ارتکاب به عنف است از شمول این حکم مستثنی است .

۳. قوادی

ماده ۲۴۲ قوادی عبارت از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط است .

تبصره۱ حد قوادی منوط به تحقق زنا یا لواط است در غیر این صورت عامل ، مستوجب تعزیر مقرر در مادهٔ (۲۴۴) این قانون است .

تبصره۲ در قوادی ، تکرار عمل شرط تحقق جرم نیست .

ماده ۲۴۳ حد قوادی برای مرد هفتاد و پنج ضربه شلاق و برای بار دوم علاوه برهفتاد و پنج ضربه شلاق به عنوان حد ، به تبعید تا یک سال نیز محکوم می شود که مدت آن را قاضی مشخص می کند و برای زن فقط هفتاد و پنج ضربه شلاق است .

ماده ۲۴۴ کسی که دو یا چند نابالغ را برای زنا یا لواط به هم برساند مستوجب حد نیست . لکن به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و حبس تعزیری درجهٔ شش محکوم می شود .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۴. قذف

ماده ۲۴۵ قذف عبارت است از نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر ، هرچند مرده باشد .

ماده ۲۴۶ قذف باید روشن و بدون ابهام بوده ، نسبت دهنده به معنای لفظ آگاه و قصد انتساب داشته باشد گرچه مقذوف یا مخاطب در حین قذف از مفاد آن آگاه نباشد .

تبصره – قذف علاوه بر لفظ ، با نوشتن ، هرچند به شیوهٔ الکترونیکی نیز محقق می شود .

ماده ۲۴۷ هرگاه کسی به فرزند مشروع خود بگوید « تو فرزند من نیستی » و یا به فرزند مشروع دیگری بگوید « تو فرزند پدرت نیستی » قذف مادر وی محسوب می شود .

ماده ۲۴۸ هرگاه قرینه ای در بین باشد که مشخص گردد منظور قذف نبوده است حد ثابت نمی شود .

ماده ۲۴۹ هرگاه کسی به دیگری بگوید « تو با فلان زن زنا یا با فلان مرد لواط کرده ای » فقط نسبت به مخاطب ، قاذف محسوب می شود .

ماده ۲۵۰ حد قذف ، هشتاد ضربه شلاق است .

ماده ۲۵۱ قذف در صورتی موجب حد می شود که قذف شونده در هنگام قذف ، بالغ ، عاقل ، مسلمان ، معین و غیرمتظاهر به زنا یا لواط باشد .

تبصره۱ هرگاه قذف شونده ، نابالغ ، مجنون ، غیرمسلمان یا غیرمعین باشد قذف کننده به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجهٔ شش محکوم می شود ، لکن قذف متظاهر به زنا یا لواط ، مجازات ندارد .

تبصره۲ قذف کسی که متظاهر به زنا یا لواط است نسبت به آنچه متظاهر به آن نیست موجب حد است مثل نسبت دادن لواط به کسی که متظاهر به زنا است .

ماده ۲۵۲ کسی که به قصد نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری ، الفاظی غیر از زنا و لواط به کار ببرد که صریح در انتساب زنا یا لواط به افرادی از قبیل همسر ، پدر ، مادر ، خواهر یا برادر مخاطب باشد ، نسبت به کسی که زنا یا لواط را به او نسبت داده است ، محکوم به حد قذف و دربارهٔ مخاطب اگر به علت این انتساب اذیت شده باشد ، به مجازات توهین محکوم می گردد .

ماده ۲۵۳ هرگاه کسی زنا یا لواطی که موجب حد نیست مانند زنا یا لواط در حال اکراه یا عدم بلوغ را به دیگری نسبت دهد ، به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجهٔ شش محکوم می شود .

ماده ۲۵۴ نسبت دادن زنا یا لواط به کسی که به خاطر همان زنا یا لواط محکوم به حد شده است ، قبل از توبهٔ مقذوف مجازات ندارد.

ماده ۲۵۵ حد قذف حق الناس است و تعقیب ، اجرای مجازات منوط به مطالبه مقذوف است . در صورت گذشت مقذوف در هر مرحله ، حسب مورد تعقیب ، رسیدگی و اجراء مجازات متوقف می شود .

ماده ۲۵۶ کسی که چند نفر را به طور جداگانه قذف کند خواه همگی با هم شکایت کنند ، خواه جداگانه در برابر قذف هر یک ، حد مستقلی بر او جاری می شود .

ماده ۲۵۷ کسی که چند نفر را به یک لفظ قذف نماید هر کدام از قذف شوندگان می تواند جداگانه شکایت نماید و در صورت صدور حکم محکومیت ، اجرای آن را مطالبه کند . چنانچه قذف شوندگان یکجا شکایت نمایند بیش از یک حد جاری نمی شود .

ماده ۲۵۸ کسی که دیگری را به یک یا چند سبب ، یکبار یا بیشتر قبل از اجرای حد ، قذف نماید فقط به یک حد محکوم می‌شود ، لکن اگر پس از اجرای حد ، قذف را تکرار نماید حد نیز تکرار می شود و اگر بگوید آنچه گفته ام حق بود به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجهٔ شش محکوم می گردد .

ماده ۲۵۹ پدر یا جد پدری که فرزند یا نوهٔ خود را قذف کند به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجهٔ شش محکوم می گردد .

ماده ۲۶۰ حد قذف اگر اجرا نشده و مقذوف نیز گذشت نکرده باشد به همهٔ ورثه به غیر از همسر منتقل می گردد و هر یک از ورثه می تواند تعقیب و اجرای آن را مطالبه کند هرچند دیگران گذشت کرده باشند .

تبصره – در صورتی که قاذف ، پدر یا جد پدری وارث باشد ، وارث نمی تواند تعقیب متهم یا اجرای حد را مطالبه کند .

ماده ۲۶۱ در موارد زیر حد قذف در هر مرحله از مراحل تعقیب ، رسیدگی و اجرا ساقط می شود :

۱. هرگاه مقذوف ، قاذف را تصدیق نماید .

۲. هرگاه آنچه به مقذوف نسبت داده شده با شهادت یا علم قاضی اثبات شود .

۳. هرگاه مقذوف و در صورت فوت وی ، ورثهٔ او ، گذشت کند .

۴. هرگاه مردی زنش را پس از قذف به زنای پیش از زوجیت یا زمان زوجیت لعان کند .

۵. هرگاه دو نفر یکدیگر را قذف کنند ، خواه قذف آنها همانند باشد خواه مختلف .

تبصره – مجازات مرتکبین در بند ۵ ، سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجهٔ شش است .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۵. سب نبی

ماده ۲۶۲ هرکس پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و یا هر یک از انبیاء عظام الهی را دشنام دهد یا قذف کند ساب النبی است و به اعدام محکوم می‌شود.

تبصره- قذف هر یک از ائمه معصومین علیهم السلام و یا حضرت فاطمه زهرا سلام ا..... علیها یا دشنام به ایشان در حکم سب نبی است .

ماده ۲۶۳ هرگاه متهم به سب ادعا نماید که اظهارات وی از روی اکراه ، غفلت ، سهو یا در حالت مستی یا غضب یا سبق لسان یا بدون توجه به معانی کلمات و یا نقل قول از دیگری بوده است ساب النبی محسوب نمی شود .

تبصره- هرگاه سب در حالت مستی یا غضب یا به نقل از دیگری باشد و صدق اهانت کند موجب تعزیر تا هفتاد و چهار ضربه است .

۶. مصرف مسکر

ماده ۲۶۴ مصرف مسکر از قبیل خوردن ، تزریق و تدخین آن کم باشد یا زیاد ، جامد باشد یا مایع ، مست کند یا نکند ، خالص باشد یا مخلوط به گونه‌ای که آن را از مسکر بودن خارج نکند ، موجب حد است .

تبصره- خوردن فقاع (آبجو مسکر) موجب حد است هرچند مستی نیاورد .

ماده ۲۶۵ حد مصرف مسکر ، هشتاد ضربه شلاق است .

ماده ۲۶۶ غیرمسلمان تنها در صورت تظاهر به مصرف مسکر محکوم به حد می شود .

تبصره- اگر مصرف مسکر توسط غیرمسلمان علنی نباشد لکن مرتکب در حال مستی در معابر یا اماکن عمومی ظاهر شود به مجازات مقرر برای تظاهر به عمل حرام محکوم می گردد .

۷. سرقت

ماده ۲۶۷ سرقت عبارت از ربودن مال متعلق به غیر است .

ماده ۲۶۸ سرقت در صورتی که دارای تمام شرایط زیر باشد موجب حد است :

۱. شی ء مسروق شرعاً مالیت داشته باشد .

۲. مال مسروق در حرز باشد .

۳. سارق هتک حرز کند .

۴. سارق مال را از حرز خارج کند .

۵. هتک حرز و سرقت مخفیانه باشد .

۶. سارق پدر یا جد پدری صاحب مال نباشد .

۷. ارزش مال مسروق در زمان اخراج از حرز ، معادل چهار و نیم نخود طلای مسکوک باشد .

۸. مال مسروق از اموال دولتی یا عمومی ، وقف عام و یا وقف بر جهات عامه نباشد .

۹. سرقت در زمان قحطی صورت نگیرد .

۱۰. صاحب مال از سارق نزد مرجع قضائی شکایت کند .

۱۱. صاحب مال قبل از اثبات سرقت سارق را نبخشد .

۱۲. مال مسروق قبل از اثبات سرقت تحت ید مالک قرار نگیرد .

۱۳. مال مسروق قبل از اثبات جرم به ملکیت سارق در نیاید .

۱۴. مال مسروق از اموال سرقت شده یا مغصوب نباشد .

ماده ۲۶۹ حرز عبارت است از مکان متناسبی که مال عرفاً در آن از دستبرد محفوظ می ماند .

ماده ۲۷۰ در صورتی که مکان نگهداری مال از کسی غصب شده باشد ، نسبت به وی و کسانی که از طرف او حق دسترسی به آن مکان را دارند ، حرز محسوب نمی شود .

ماده ۲۷۱ هتک حرز عبارت است از نقض غیرمجاز حرز که از طریق تخریب دیوار یا بالارفتن از آن یا بازکردن یا شکستن قفل و امثال آن محقق می شود .

ماده ۲۷۲ هرگاه کسی مال را توسط مجنون ، طفل غیرممیز ، حیوان یا هر وسیلهٔ بی اراده ای از حرز خارج کند مباشر محسوب می شود و در صورتی که مباشر طفل ممیز باشد رفتار آمر حسب مورد مشمول یکی از سرقت های تعزیری است .

ماده ۲۷۳ در صورتی که مال در حرزهای متعدد باشد ، ملاک ، اخراج از بیرونی ترین حرز است .

ماده ۲۷۴ ربایش مال به اندازهٔ نصاب باید در یک سرقت انجام شود .

ماده ۲۷۵ هرگاه دو یا چند نفر به طور مشترک مالی را بربایند باید سهم بالسویه هر کدام از آنها به حد نصاب برسد .

ماده ۲۷۶ سرقت در صورت فقدان هر یک از شرایط موجب حد ، حسب مورد مشمول یکی از سرقت های تعزیری است .

ماده ۲۷۷ هرگاه شریک یا صاحب حق ، بیش از سهم خود ، سرقت نماید و مازاد بر سهم او به حد نصاب برسد ، مستوجب حد است .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ماده ۲۷۸ حد سرقت به شرح زیر است :

الف – در مرتبهٔ اول ، قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن ، به طوری که انگشت شست و کف دست باقی بماند.

ب – در مرتبهٔ دوم ، قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی ، به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح باقی بماند .

ج – در مرتبهٔ سوم ، حبس ابد است .

د– در مرتبهٔ چهارم ، اعدام است هر چند سرقت در زندان باشد.

تبصره۱ هرگاه سارق ، فاقد عضو متعلق قطع باشد ، حسب مورد مشمول یکی از سرقت های تعزیری می شود .

تبصره۲ در مورد بند « ج » این ماده و سایر حبس هایی که مشمول عنوان تعزیر نیست هرگاه مرتکب حین اجراء مجازات توبه نماید و مقام رهبری آزادی او را مصلحت بداند با عفو ایشان از حبس آزاد می شود .

همچنین مقام رهبری می تواند مجازات او را به مجازات تعزیری دیگری مبدل نماید .

۸ . محاربه

ماده ۲۷۹ محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان ، مال یا ناموس مردم یا ارعاب آنها است ، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد . هرگاه کسی با انگیزهٔ شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبهٔ عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد ، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود ، محارب محسوب نمی شود .

ماده ۲۸۰ فرد یا گروهی که برای دفاع و مقابله با محاربان ، دست به اسلحه ببرد محارب نیست .

ماده ۲۸۱ راهزنان ، سارقان و قاچاقچیانی که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راهها شوند محاربند .

ماده ۲۸۲ حد محاربه یکی از چهار مجازات زیر است :

۱. اعدام

۲. صلب

۳. قطع دست راست و پای چپ

۴. نفی بلد

ماده ۲۸۳ انتخاب هر یک از امور چهارگانه مذکور در مادهٔ (۲۸۲) به اختیار قاضی است .

ماده ۲۸۴ مدت نفی بلد در هر حال کمتر از یک سال نیست ، اگرچه محارب بعد از دستگیری توبه نماید و در صورتی که توبه نکند همچنان در تبعید باقی می ماند .

ماده ۲۸۵ در نفی بلد ، محارب باید تحت مراقبت قرار گیرد و با دیگران معاشرت ، مراوده و رفت و آمد نداشته باشد .

۹. بغی و افساد فی الارض

ماده ۲۸۶ هرکس به طور گسترده ، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد ، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی ، نشر اکاذیب ، اخلال در نظام اقتصادی کشور ، احراق و تخریب ، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایرکردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد ، به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور ، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی ، یا سبب اشاعهٔ فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردد .

تبصره – هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی ، ایجاد ناامنی ، ایراد خسارت عمده و یا اشاعهٔ فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند ، و جرم ارتکابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد ، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم مرتکب به حبس تعزیری درجهٔ پنج یا شش محکوم می شود .

ماده ۲۸۷ گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران ، قیام مسلحانه کند یاغی محسوب و در صورت استفاده از سلاح ، اعضاء آن به مجازات اعدام محکوم می گردند .

ماده ۲۸۸ هرگاه اعضاء گروه یاغی ، قبل از درگیری و استفاده از سلاح ، دستگیر شوند ، چنانچه سازمان و مرکزیت آن وجود داشته باشد ، به حبس تعزیری درجهٔ سه و در صورتی که سازمان و مرکزیت آن از بین رفته باشد به حبس تعزیری درجهٔ پنج محکوم می شوند .

بند دوم – قصاص

۱. اقسام و تعاریف جنایات

ماده ۲۸۹ جنایت بر نفس ، عضو و منفعت بر سه قسم : عمدی ، شبه عمدی ، خطای محض است .

ماده ۲۹۰ جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می شود :

۱. هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود ، خواه کار ارتکابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت بشود ، خواه نشود .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۲. هرگاه مرتکب ، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایتِ واقع شده می گردد ، هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب جنایت یا نظیر آن می شود .

۳. هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است ، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایتِ واقع شده یا نظیر آن نمی شود ، لکن در خصوص مجنی علیه ، به علت بیماری ، ضعف ، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت می شود ، مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.

۴. هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد ، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد و در عمل نیز جنایتِ مقصود یا نظیر آن واقع شود . مانند اینکه در اماکن عمومی بمب گذاری کند .

تبصره۱ در بند ۲ عدم آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات گردد و در صورت عدم اثبات جنایت عمدی است ، مگر جنایت واقع شده صرفاً به علت حساسیت زیاد موضع آسیب واقع شده باشد و این حساسیت نیز غالباً شناخته شده نباشد که در این صورت آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات شود و در صورت عدم اثبات ، جنایتِ عمدی ثابت نمی شود .

تبصره۲ در بند ۳ باید آگاهی و توجه مرتکب به اینکه کار نوعاً نسبت به مجنی علیه موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می شود اثبات شود و در صورت عدم اثبات ، جنایت عمدی ثابت نمی شود .

ماده ۲۹۱ جنایت در موارد زیر شبه عمدی محسوب می شود :

۱. هرگاه مرتکب نسبت به مجنی علیه قصد رفتاری را داشته ، لکن قصد جنایتِ واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد ، و از مواردی که مشمول تعریف جنایات عمدی می گردد ، نباشد .

۲. هرگاه مرتکب ، جهل به موضوع داشته باشد مانند آنکه جنایتی را با اعتقاد به اینکه موضوع رفتار وی شیء یا حیوان و یا افراد مشمول مادهٔ (۳۰۲) این قانون است به مجنی علیه وارد کند ، سپس خلاف آن معلوم گردد .

۳. هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود ، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده یا نظیر آن مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد .

ماده ۲۹۲ جنایت در موارد زیر خطاء محض محسوب می شود :

۱. در حال خواب و بی هوشی و مانند آنها واقع شود .

۲. به وسیلهٔ صغیر و مجنون ارتکاب یابد .

۳. جنایتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را ، مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید .

تبصره – در مورد بندهای ۱ و ۳ هرگاه مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می گردد ، جنایت عمدی محسوب می شود.

ماده ۲۹۳ هرگاه فردی مرتکب جنایت عمدی گردد لکن نتیجهٔ رفتار ارتکابی ، بیشتر از مقصود وی واقع شود ، چنانچه جنایت واقع شده ، مشمول تعریف جنایات عمدی نشود ، نسبت به جنایت کمتر ، عمدی و نسبت به جنایت بیشتر ، شبه عمدی محسوب می‌شود ؛ مانند آنکه انگشت کسی را قطع کند و به سبب آن دستش قطع شده و یا فوت کند که نسبت به قطع انگشت عمدی و نسبت به قطع دست و یا فوت ، شبه عمدی خواهد بود .

ماده ۲۹۴ اگر کسی به علت اشتباه در هویت ، مرتکب جنایتی بر دیگری شود در صورتی که مجنی علیه و فرد موردنظر هر دو مشمول ماده (۳۰۲) این قانون نباشند ، جنایت عمدی محسوب می شود .

ماده ۲۹۵ هرگاه کسی فعلی که انجام آن را بر عهده گرفته یا قانون وظیفهٔ خاصی را بر عهدهٔ او گذاشته است ، ترک کند و به سبب آن ، جنایتی واقع شود ، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد جنایتِ حاصل ، به او مستند می شود و حسب مورد عمدی ، شبه عمدی ، یا خطای محض است ، مانند اینکه مادر یا دایه ای که شیردادن را بر عهده گرفته است ، کودک را شیر ندهد یا پزشک یا پرستار وظیفهٔ قانونی خود را ترک کند .

۲. تداخل جنایات

ماده ۲۹۶ اگر کسی ، عمداً جنایتی را بر عضو فردی وارد سازد و او به سبب سرایت جنایت فوت کند ، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد ، قتل عمدی محسوب می شود ، در غیر این صورت ، قتل شبه عمدی است و مرتکب علاوه بر قصاصِ عضو به پرداخت دیهٔ نفس نیز محکوم می شود .

ماده ۲۹۷ اگر مرتکب با یک ضربه عمدی ، موجب جنایتی بر عضو شود که منجر به قتل مجنی علیه گردد ، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد ، قتل عمدی محسوب می شود و به علت نقص عضو یا جراحتی که سبب قتل شده است ، به قصاص یا دیه محکوم نمی گردد .

ماده ۲۹۸ اگر کسی با یک ضربهٔ عمدی ، موجب جنایات متعدد بر اعضاء مجنی علیه شود ، چنانچه همه آنها مشترکاً موجب قتل او شود و قتل نیز مشمول تعریف جنایات عمدی باشد ، فقط به قصاص نفس محکوم می شود .

ماده ۲۹۹ اگر کسی با ضربه های متعدد عمدی ، موجب جنایات متعدد و قتل مجنی علیه شود و قتل نیز مشمول تعریف جنایات عمدی باشد ، چنانچه برخی از جنایت ها موجب قتل شود و برخی در واقع شدن قتل نقشی نداشته باشند ، مرتکب علاوه بر قصاصِ نفس ، حسب مورد ، به قصاصِ عضو یا دیهٔ جنایت هایی که تأثیری در قتل نداشته است ، محکوم می شود . لکن اگر قتل به وسیلهٔ مجموع جنایات پدید آید ، در صورتی که ضربات به صورت متوالی وارد شده باشد در حکم یک ضربه است ؛ در غیر این صورت به قصاص یا دیهٔ عضوی که جنایت بر آن ، متصل به فوت نبوده است نیز محکوم می گردد .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

تبصره- احکام مقرر در مواد (۲۹۶) ، (۲۹۷) ، (۲۹۸) و (۲۹۹) در مواردی که جنایت یا جنایات ارتکابی به قسمت بیشتری از همان عضو یا اعضای دیگر مجنیٌ علیه سرایت کند نیز جاری است .

ماده ۳۰۰ اگر مجنی علیه در جنایت واقع شده بر او به تصور اینکه جنایت وارد شده ، به قتل منجر نمی شود و یا اگر به قتل منجر می شود ، قتل عمدی محسوب نمی شود ، قصاص کند یا گذشت یا مصالحه بر دیه یا غیر آن نماید و بعد از آن ، جنایت واقع شده ، به نفس سرایت کند و به فوت مجنی علیه منجر شود ، هرگاه قتل مشمول تعریف جنایات عمدی باشد ، قاتل به قصاص نفس محکوم می شود و چنانچه عضو مرتکب ، قصاص شده یا با او مصالحه شده باشد ، ولیِ دم باید قبل از قصاص نفس ، دیهٔ عضو قصاص شده یا وجه المصالحه را به وی بپردازد ؛ لکن اگر جنایت مشمول تعریف جنایات عمدی نگردد ، به پرداخت دیهٔ نفس ، بدون احتساب دیهٔ عضو قصاص شده یا وجه المصالحهٔ اخذ شده ، محکوم می شود . مفاد این ماده ، در موردی که جنایت ارتکابی به قسمت بیشتری از همان عضو مورد جنایت سرایت کند نیز جاری است .

۳. شرایط عمومی قصاص

ماده ۳۰۱ قصاص در صورتی ثابت می شود که مرتکب ، پدر یا از اجداد پدری مجنی علیه نبوده و مجنی علیه ، عاقل و در دین با مرتکب مساوی باشد .

تبصره- چنانچه مجنی علیه مسلمان باشد ، مسلمان نبودن مرتکب مانع قصاص نیست .

ماده ۳۰۲ در صورتی که مجنی علیه دارای یکی از حالات زیر باشد مرتکب به قصاص و پرداخت دیه ، محکوم نمی شود :

۱. مرتکب جرم حدی مستوجب سلب حیات است .

۲. مرتکب جرم حدی که مستوجب قطع عضو است ، مشروط بر اینکه جنایت وارد شده ، بیش از مجازات حدی او نباشد ، در غیر این صورت ، مقدار اضافه بر حد ، حسب مورد ، دارای قصاص و یا دیه و تعزیر است .

۳. مستحق قصاص نفس یا عضو ، فقط نسبت به صاحب حق قصاص و به مقدار آن قصاص نمی شود .

۴. متجاوز و کسی که تجاوز او قریب الوقوع است و در دفاع مشروع به شرح مقرر در مادهٔ (۱۵۶) این قانون جنایتی بر او وارد شود .

۵. زانی و زانیه در حال زنا نسبت به به شوهر زانیه در غیر موارد اکراه و اضطرار به شرحی که در قانون مقرر است .

تبصره۱ اقدام در مورد بندهای ۱و ۲ و ۳ این ماده بدون اجازهٔ دادگاه جرم است و مرتکب به تعزیر مقرر در قسمت تعزیرات این قانون محکوم می شود .

تبصره۲ در مورد بند ۴ چنانچه نفس دفاع صدق کند ولی از مراتب آن تجاوز شود قصاص ، منتفی است . لکن مرتکب به شرح مقرر در قانون به دیه و مجازات تعزیری محکوم می شود .

ماده ۳۰۳ هرگاه مرتکب ، مدعی باشد که مجنی علیه ، حسب مورد در نفس یا عضو ، مشمول مادهٔ (۳۰۲) این قانون است یا وی با چنین اعتقادی ، مرتکب جنایت بر او شده است این ادعا باید طبق موازین در دادگاه ثابت شود و دادگاه موظف است نخست به ادعای مذکور رسیدگی کند . اگر ثابت نشود که مجنی علیه مشمول مادهٔ (۳۰۲) است و نیز ثابت نشود که مرتکب بر اساس چنین اعتقادی ، مرتکب جنایت شده است مرتکب به قصاص محکوم می شود ولی اگر ثابت شود که به اشتباه با چنین اعتقادی ، دست به جنایت زده و مجنی علیه نیز موضوع ماده (۳۰۲) نباشد مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به مجازات مقرر در تعزیرات محکوم می شود .

ماده ۳۰۴ جنایت عمدی نسبت به نابالغ موجب قصاص است .

ماده ۳۰۵ مرتکب جنایت عمدی نسبت به مجنون علاوه بر پرداخت دیه ، به تعزیر مقرر در « تعزیرات » نیز محکوم می شود .

ماده ۳۰۶ جنایت عمدی بر جنین ، هرچند پس از حلول روح باشد ، موجب قصاص نیست . در این صورت مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری مقرر در قسمت تعزیرات این قانون محکوم می شود .

تبصره- اگر جنینی زنده متولد شود و دارای قابلیت ادامهٔحیات باشد و جنایت قبل از تولد ، منجر به نقص یا مرگ او پس از تولد شود و یا نقص او بعد از تولد باقی بماند قصاص ثابت است .

ماده ۳۰۷ ارتکاب جنایت در حال مستی و عدم تعادل روانی در اثر مصرف مواد مخدر ، روانگردان و مانند آنها ، موجب قصاص است ، مگر اینکه ثابت شود بر اثر مستی و عدم تعادل روانی ، مرتکب به کلی مسلوب الاختیار بوده است ، که در این صورت ، علاوه بر دیه به مجازات تعزیری مقرر در «تعزیرات » محکوم می شود . لکن اگر ثابت شود که مرتکب قبلاً خود را برای چنین عملی مست کرده و یا علم داشته است که مستی و عدم تعادل روانی وی موجب ارتکاب آن جنایت یا نظیر آن از جانب او می شود ، جنایت ، عمدی محسوب می شود .

ماده ۳۰۸ اگر پس از تحقیق و بررسی به وسیلهٔ مقام قضائی ، در بالغ یا عاقل بودن مرتکب ، هنگام ارتکاب جنایت ، تردید وجود داشته باشد و ولیِ دم یا مجنی علیه ادعا کند که جنایت عمدی در حال بلوغ وی یا افاقهٔ او از جنون سابقش انجام گرفته است ، لکن مرتکب خلاف آن را ادعا کند ، ولیِ دم یا مجنی علیه باید برای ادعای خود بینه اقامه کند . در صورت عدم اقامهٔ بینه ، قصاص منتفی است . اگر حالت سابق بر زمان جنایت ، افاقه مرتکب بوده است ، مرتکب باید جنون خود در حال ارتکاب جرم را اثبات کند تا قصاص ساقط شود ؛ در غیر این صورت با سوگند ولیِ دم یا مجنی علیه یا ولیِ او قصاص ثبات می شود .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ماده ۳۰۹ این ادعا که مرتکب ، پدر یا یکی از اجداد پدری مجنی علیه است ، باید در دادگاه ثابت شود و در صورت عدم اثبات ، حق قصاص ، حسب مورد ، با سوگند ولیِ دم یا مجنی علیه یا ولی او ثابت می شود .

ماده ۳۱۰ هرگاه غیرمسلمان ، مرتکب جنایت عمدی بر مسلمان ، ذمی ، مستأمن یا معاهد شود ، حق قصاص ثابت است . در این امر ، تفاوتی میان ادیان، فرقه ها و گرایش های فکری نیست . اگر مسلمان ، ذمی ، مستأمن یا معاهد ، بر غیرِمسلمانی که ذمی ، مستأمن یا معاهد نیست جنایتی وارد کند ، قصاص نمی شود . در این صورت مرتکب به تعزیر مقرر در « تعزیرات » محکوم می شود .

تبصره۱ غیرمسلمانی که ذمی ، مستأمن یا معاهد نبوده و تابعیت ایران را داشته یا تابعیت کشورهای خارجی را دارند و با رعایت قوانین و مقررات وارد کشور شده اند ، در حکم مستأمن می باشند .

تبصره۲ اگر مجنی علیه غیرمسلمان باشد و مرتکب پیش از اجرای قصاص ، مسلمان شود ، قصاص ساقط و علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری مقرر در «تعزیرات » ، محکوم می شود .

ماده ۳۱۱ اگر پس از تحقیق و بررسی به وسیلهٔ مقام قضائی ، در مسلمان بودن مجنی علیه ، هنگام ارتکاب جنایت ، تردید وجود داشته و حالت او پیش از جنایت ، عدم اسلام باشد و ولیِ دم یا مجنی علیه ادعا کند که جنایت عمدی در حال اسلام او انجام شده است و مرتکب ادعا کند که ارتکاب جنایت، پیش از اسلام آوردن وی بوده است ، ادعای ولیِ دم یا مجنی علیه باید ثابت شود و در صورت عدم اثبات ، قصاص منتفی است و مرتکب به پرداخت دیه و مجازات تعزیری مقرر در « تعزیرات » محکوم می شود . اگر حالت پیش از زمان جنایت ، اسلام او بوده است ، وقوع جنایت در حالت عدم اسلام مجنی علیه باید اثبات شود تا قصاص ساقط گردد و در صورت عدم اثبات ، با سوگند ولیِ دم یا مجنی علیه یا ولی او قصاص ثابت می‌شود . حکم این ماده در صورتی که در مجنون بودن مجنی علیه تردید وجود داشته باشد نیز جاری است .

۴. راههای اثبات جنایت

ماده ۳۱۲ جنایات علاوه بر طرق مقرر در « کلیات » این قانون از طریق قسامه نیز ثابت می شود .

ماده ۳۱۳ قسامه عبارت است از سوگندهایی که در صورت فقدان ادلهٔ دیگر غیر از سوگند منکر و وجود لوث ، شاکی برای اثبات جنایت عمدی یا غیرعمدی یا خصوصیات آن و متهم برای دفع اتهام از خود اقامه می کند .

ماده ۳۱۴ لوث عبارت است از وجود قرائن و اماراتی که موجب ظن قاضی به ارتکاب جنایت یا نحوهٔ ارتکاب از جانب متهم می شود .

ماده ۳۱۵ فقدان قرائن و امارات موجب ظن و صرف حضور فرد در محل وقوع جنایت ، از مصادیق لوث محسوب نمی شود و او با ادای یک سوگند ، تبرئه می شود .

ماده ۳۱۶ مقام قضائی موظف است در صورت استناد به قسامه ، قرائن و امارات موجب لوث را در حکم خود ذکر کند . مواردی که سوگند یا قسامه ، توسط قاضی رد می شود ، مشمول این حکم است .

ماده ۳۱۷ در صورت حصول لوث ، نخست از متهم ، مطالبهٔ دلیل بر نفی اتهام می شود . اگر دلیلی ارائه شود ، نوبت به قسامهٔ شاکی نمی رسد و متهم تبرئه می گردد . در غیر این صورت با ثبوت لوث ، شاکی می تواند اقامهٔ قسامه کند یا از متهم درخواست قسامه نماید .

ماده ۳۱۸ اگر شاکی اقامهٔ قسامه نکند و از مطالبهٔ قسامه از متهم نیز خودداری ورزد ، متهم در جنایات عمدی ، با تأمین مناسب و در جنایات غیرعمدی ، بدون تأمین آزاد می شود ؛ لکن حق اقامهٔ قسامه یا مطالبهٔ آن برای شاکی باقی می ماند .

تبصره– در مواردی که تأمین گرفته می شود ، حداکثر سه ماه به شاکی فرصت داده می شود تا اقامهٔ قسامه نماید یا از متهم مطالبهٔ قسامه کند و پس از پایان مهلت ، از تأمین اخذ شده رفع اثر می شود .

ماده ۳۱۹ اگر شاکی از متهم درخواست قسامه کند و وی حاضر به قسامه نشود ، به پرداخت دیه محکوم می شود و اگر اقامهٔ قسامه کند ، تبرئه می گردد و شاکی حق ندارد برای بار دیگر ، با قسامه یا بینه ، دعوا را علیه او تجدید کند . در این مورد متهم نمی تواند قسامه را به شاکی رد نماید .

ماده ۳۲۰ اقامهٔ قسامه یا مطالبهٔ آن از متهم ، باید حسب مورد ، توسط صاحب حق قصاص یا دیه ، یا ولیِ او یا وکیل آنها باشد. همچنین است اقامهٔ قسامه برای برائت متهم که به وسیلهٔ متهم ، ولیِ او یا وکیل آنها صورت می گیرد . اتیان سوگند به وسیلهٔ افراد قابل توکیل نیست .

ماده ۳۲۱ اگر مجنی علیه یا ولیِ دم فوت کند ، هر یک از وارثان متوفی ، بدون نیاز به توافق دیگر ورثهٔ متوفی یا دیگر اولیای دم ، حق مطالبه یا اقامهٔ قسامه را دارند .

ماده ۳۲۲ اگر برخی از ورثه ، اصل اتهام یا برخی خصوصیات آن را از متهم نفی کنند ، حق دیگران با وجود لوث ، برای اقامهٔ قسامه محفوظ است .

ماده ۳۲۳ اگر چند نفر ، متهم به شرکت در یک جنایت باشند و لوث علیه همهٔ آنان باشد ، اقامهٔ یک قسامه بر اثبات شرکت آنان در ارتکاب جنایت ، کافی است و لزومی به اقامهٔ قسامه برای هر یک نیست .

ماده ۳۲۴ اگر شاکی ادعا کند که تنها یک شخص معین از دو یا چند نفر ، مجرم است و قسامه بر شرکت در جنایت اقامه شود ، شاکی نمی تواند غیر از آن یک نفر را قصاص کند و چنانچه دیهٔ قصاص شونده بیش از سهم دیهٔ جنایت او باشد شریک یا شرکاء دیگر باید مازاد دیهٔ مذکور را به قصاص شونده بپردازند . رجوع شاکی از اقرار به انفراد مرتکب ، پس از اقامهٔ قسامه مسموع نیست .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ماده ۳۲۵ اگر برخی از صاحبان حق قصاص یا دیه از متهم درخواست قسامه کنند ، قسامهٔ متهم فقط حق مطالبه کنندگان را ساقط می‌کند و حق دیگران برای اثبات ادعایشان محفوظ است و اگر بتوانند موجب قصاص را اثبات کنند ، باید پیش از استیفاء قصاص ، سهم دیهٔ گروه اول را حسب مورد به خود آنها یا به مرتکب بپردازند .

ماده ۳۲۶ اگر شاکی علی رغم حصول لوث علیه متهم اقامهٔ قسامه نکند و از او مطالبهٔ قسامه کند و متهم دربارهٔ اصل جنایت یا خصوصیت آن ، ادعای عدم علم کند ، شاکی می تواند از وی مطالبهٔ اتیان سوگند بر عدم علم نماید . اگر متهم بر عدم علم به اصل جنایت سوگند یاد کند ، دعوا متوقف و وی بدون تأمین آزاد می شود و اگر سوگند متهم فقط بر عدم علم به خصوصیات جنایت باشد ، دعوا فقط در مورد آن خصوصیت ها متوقف می شود . لکن اگر متهم از سوگند خوردن خودداری ورزد و شاکی بر علم داشتن او سوگند یاد کند ، ادعای متهم به عدم علم رد شده و شاکی حق دارد از متهم اقامهٔ قسامه را درخواست نماید . در این صورت اگر متهم اقامهٔ قسامه نکند به پرداخت دیه محکوم می شود .

ماده ۳۲۷ در صورتی که شاکی متعدد باشد ، اقامهٔ یک قسامه برای همهٔ آنان کافی است ؛ لکن در صورت تعدد متهمان ، برای برائت هر یک ، اقامهٔ قسامه مستقل لازم است .

ماده ۳۲۸ در صورت تعدد متهمان ، هر یک از آنها می تواند به نفع متهم دیگر ، در قسامه شرکت کند .

ماده ۳۲۹ قسامه فقط به مقداری که لوث حاصل شده است ، موجب اثبات می شود و اثبات خصوصیات جنایت از قبیل عمد ، شبه عمد ، خطا ، مقدار جنایت ، شرکت در ارتکاب جنایت یا انفراد در آن نیازمند حصول لوث در این خصوصیات است .

ماده ۳۳۰ اگر نسبت به خصوصیات جنایت لوث حاصل نشود یا سوگند خورندگان ، بر آن خصوصیت ها سوگند یاد نکنند و فقط بر انتساب جنایت به مرتکب سوگند بخورند ، اصل ارتکاب جنایت اثبات و دیه تعلق می‌گیرد .

ماده ۳۳۱ چنانچه اصل ارتکاب جنایت ، با دلیلی به جز قسامه اثبات شود ، خصوصیات آن در صورت حصول لوث در هر یک از آنها ، به وسیلهٔ قسامه قابل اثبات است ؛ مانند آنکه یکی از دو شاهد عادل ، به اصل قتل و دیگری به قتل عمدی شهادت دهد که در این صورت اصل قتل با بینه اثبات می شود و در صورت لوث ، عمدی بودن قتل با اقامهٔ قسامه ثابت می‌گردد .

ماده ۳۳۲ اگر لوث علیه دو یا چند نفر به شکل مردد حاصل شود ، پس از تعیین مرتکب به وسیلهٔ مجنی علیه یا ولیِ دم و اقامهٔ قسامه علیه او ، وقوع جنایت اثبات می شود .

ماده ۳۳۳ اگر لوث علیه دو یا چند نفر به شکل مردد ثابت باشد و قسامه به همین گونه علیه آنان اقامه شود ، جنایت بر عهدهٔ یکی از چند نفر ، به صورت مردد اثبات می شود و قاضی از آنان می خواهد که بر برائت خود سوگند بخورند . اگر همگی از سوگند خوردن خودداری ورزند یا برخی از آنان سوگند یاد کنند و برخی نکنند ، دیه بر ممتنعان ثابت می شود . اگر ممتنعان متعدد باشند ، پرداخت دیه به نسبت مساوی میان آنان تقسیم می شود . اگر همهٔ آنان بر برائت خود سوگند یاد کنند ، در خصوص قتل ، دیه از بیت المال پرداخت می شود و در غیر قتل ، دیه به نسبت مساوی میان آنان تقسیم می‌گردد .

ماده ۳۳۴ اگر لوث علیه دو یا چند نفر به شکل مردد ثابت باشد ، چنانچه شاکی از آنان درخواست اقامهٔ قسامه کند ، هر یک از آنان باید اقامهٔ قسامه کند . در صورت خودداری همه یا برخی از آنان از اقامهٔ قسامه ، پرداخت دیه بر ممتنع ثابت می شود و در صورت تعدد ممتنعان ، پرداخت دیه به نسبت مساوی میان آنان تقسیم می شود . اگر همگی اقامهٔ قسامه کنند ، در قتل ، دیه از بیت المال پرداخت می‌گردد .

ماده ۳۳۵ چنانچه لوث تنها علیه برخی از افراد حاصل شود و شاکی علیه افراد بیشتری ادعای مشارکت در ارتکاب جنایت را نماید ، با قسامه ، جنایت به مقدار ادعای مدعی ، در موردی که لوث حاصل شده است اثبات می شود ؛ مانند آنکه ولی دم مدعی مشارکت سه مرد در قتل عمدی مردی باشد و لوث فقط علیه مشارکت دو نفر از آنان باشد ، پس از اقامهٔ قسامه علیه آن دو نفر ، حق قصاص علیه آن دو به مقدار سهم شان ثابت است . اگر ولیِ دم بخواهد هر دو نفر را قصاص کند ، باید به سبب اقرار خود به اشتراک سه مرد ، دو سوم دیه را به هر یک از قصاص شوندگان بپردازد .

تبصره – رجوع شاکی از اقرار به شرکت افراد بیشتر پذیرفته نیست ، مگر اینکه از ابتدا شرکت افراد بیشتر را به نحو تردید ذکر کرده باشد و کسانی که در قسامه اتیان سوگند کرده اند نیز شرکت افراد دیگر را در ارتکاب جنایت نفی کرده و بر ارتکاب قتل توسط افراد کمتر سوگند یاد کرده باشند .

ماده ۳۳۶ نصاب قسامه در اثبات قتل عمدی ، سوگند پنجاه مرد از خویشاوندان و بستگان مدعی است . با تکرار سوگند قتل ثابت نمی شود .

ماده ۳۳۷ سوگند شاکی ، خواه مرد باشد خواه زن ، جزء نصاب محسوب می شود .

ماده ۳۳۸ در صورتی که شاکی از متهم درخواست اقامهٔ قسامه کند ، متهم باید برای برائت خود ، اقامهٔ قسامه نماید ، که در این صورت ، باید حسب مورد به مقدار نصاب مقرر سوگند خورنده داشته باشد . اگر تعداد آنان کمتر از نصاب باشد ، سوگندها تا تحقق نصاب ، توسط آنان یا خود او تکرار می‌شود و با نداشتن سوگند خورنده ، خود متهم ، خواه مرد باشد خواه زن ، همه سوگندها را تکرار می نماید و تبرئه می شود .

ماده ۳۳۹ در قسامه ، همهٔ شرایط مقرر در « کلیات » این قانون که برای اتیان سوگند ذکر شده است رعایت می شود .

ماده ۳۴۰ لازم نیست اداکنندهٔ سوگند ، شاهد ارتکاب جنایت بوده باشد و علم وی به آنچه بر آن سوگند یاد می‌کند ، کافی است . همچنین لازم نیست قاضی منشأ علم اداکننده سوگند را بداند و ادعای علم از سوی اداکنندهٔ سوگند ، تا دلیل معتبری برخلاف آن نباشد ، معتبر است . در هر صورت تحقیق و بررسی مقام قضائی از اداکنندهٔ سوگند بلامانع است .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ماده ۳۴۱ اگر احتمال آن باشد که اداکنندهٔ سوگند ، بدون علم و بر اساس ظن و گمان یا با تبانی سوگند می خورد ، مقام قضائی موظف به بررسی موضوع است . اگر پس از بررسی ، امور یاد شده احراز نشود ، سوگند وی معتبر است .

ماده ۳۴۲ لازم است سوگند خورندگان از کسانی باشند که احتمال اطلاع آنان بر وقوع جنایت ، موجه باشد .

ماده ۳۴۳ قاضی می تواند پیش از اجراء قسامه ، مجازات قانونی و مکافات اخروی سوگند دروغ و عدم جواز توریه در آن را برای سوگند خورندگان بیان کند.

ماده ۳۴۴ اگر پس از اقامهٔ قسامه و پیش از صدور حکم ، دلیل معتبری ، بر خلاف قسامه یافت شود و یا فقدان شرایط قسامه اثبات گردد ، قسامه باطل می شود و چنانچه بعد از صدور حکم باشد موضوع از موارد اعادهٔ دادرسی است .

ماده ۳۴۵ پس از اقامهٔ قسامه توسط متهم ، شاکی نمی تواند با بینه یا قسامه دعوا را علیه متهم تجدید کند .

ماده ۳۴۶ اگر پس از صدور حکم ، بطلان همه یا برخی از سوگندها ثابت شود ، مانند آنکه برخی از سوگندخورندگان ، از سوگندشان عدول کنند یا دروغ بودن سوگند یا سوگند بدون علم ، برای دادگاه صادرکنندهٔ حکم ثابت شود ، مورد از جهات اعادهٔ دادرسی است .

۵. صاحب حق قصاص

ماده ۳۴۷ صاحب حق قصاص در هر مرحله از مراحل تعقیب ، رسیدگی یا اجراء حکم می تواند به طور مجانی یا با مصالحه در برابر حق یا مال گذشت کند .

ماده ۳۴۸ حق قصاص ، به شرح مندرج در این قانون به ارث می رسد .

ماده ۳۴۹ ولیِ دم نمی تواند پیش از فوت مجنی علیه مرتکب را قصاص کند و در صورتی که اقدام به قتلِ مرتکب نماید ، چنانچه جنایت در نهایت سبب فوت مجنی علیه نشود مستحق قصاص است ، در غیر این صورت به تعزیر مقرر در قانون محکوم می شود . مگر در موردی که ولی دم اعتقاد دارد مرتکب مشمول مادهٔ (۳۰۲) این قانون است که در این صورت ، مستحق قصاص نیست .

ماده ۳۵۰ در صورت تعدد اولیاء دم ، حق قصاص برای هر یک از آنان ، به طور جداگانه ثابت است .

ماده ۳۵۱ ولیِ دم ، همان ورثهٔ مقتول است ، به جز زوج یا زوجهٔ او که حق قصاص ندارد .

ماده ۳۵۲ اگر حق قصاص ، به هر علت ، تبدیل به دیه شود یا به مال یا حقی مصالحه شود ، همسر مقتول نیز از آن ارث می‌برد. اگر برخی از اولیای دم ، خواهان قصاص و برخی خواهان دیه باشند ، همسر مقتول ، از سهم دیهٔ کسانی که خواهان دیه می باشند ، ارث می برد .

ماده ۳۵۳ هرگاه صاحب حق قصاص فوت کند ، حق قصاص به ورثهٔ او می رسد حتی اگر همسر مجنی علیه باشد .

ماده ۳۵۴ اگر مجنی علیه یا همهٔ اولیاء دم یا برخی از آنان ، صغیر یا مجنون باشند ، ولّی آنان با رعایت مصلحت شان حق قصاص ، مصالحه و گذشت دارد و همچنین می تواند تا زمان بلوغ یا افاقهٔ آنان منتظر بماند . اگر برخی از اولیاء دم ،کبیر و عاقل و خواهان قصاص باشند ، می توانند مرتکب را قصاص کنند . لکن در صورتی که ولی صغیر یا مجنون خواهان اداء یا تأمین سهم دیهٔ مولی علیه خود از سوی آنها باشد باید مطابق خواست او عمل کنند . مفاد این ماده ، در مواردی که حق قصاص به علت مرگ مجنی علیه یا ولّیِ دم به ورثهٔ آنان منتقل می شود باشد نیز جاری است . این حکم در مورد جنایاتی که پیش از لازم الاجرا شدن این قانون واقع شده است نیز جاری است .

ماده ۳۵۵ در مورد مادهٔ (۳۵۴) این قانون ، جنین در صورتی ولّیِ دم محسوب می شود که زنده متولد شود .

ماده ۳۵۶ اگر مقتول یا مجنی علیه یا ولیِ دمی که صغیر یا مجنون است ولی نداشته باشد و یا ولی او شناخته نشود و یا به او دسترسی نباشد ، ولی او ، مقام رهبری است و رئیس قوهٔ قضائیه با استیذان از مقام رهبری و در صورت موافقت ایشان ، اختیار آن را به دادستان های مربوط تفویض می‌کند .

ماده ۳۵۷ اگر مرتکب یا شریک در جنایت عمدی ، از ورثه باشد ، ولیِ دم به شمار نمی‌آید و حق قصاص و دیه ندارد و حق قصاص را نیز به ارث نمی برد .

ماده ۳۵۸ اگر مجنی علیه یا ولیِ دم ، صغیر یا مجنون باشد و ولّی او ، مرتکب جنایت عمدی شود یا شریک در آن باشد ، در این مورد ، ولایت ندارد .

ماده ۳۵۹ در موارد ثبوت حق قصاص ، اگر قصاص مشروط به رد فاضل دیه نباشد ، مجنی علیه یا ولیِ دم ، تنها می تواند قصاص یا گذشت نماید و اگر خواهان دیه باشد ، نیاز به مصالحه با مرتکب و رضایت او دارد .

ماده ۳۶۰ در مواردی که اجرای قصاص ، مستلزم پرداخت فاضل دیه به قصاص شونده است ، صاحب حق قصاص ، میان قصاص با رد فاضل دیه و گرفتن دیهٔ مقرر در قانون ولو بدون رضایت مرتکب مخیر است .

ماده ۳۶۱ اگر مجنی علیه یا ولیِ دم ، گذشت و اسقاط حق قصاص را مشروط به پرداخت وجه المصالحه یا امر دیگری کند ، حق قصاص تا حصول شرط ، برای او باقی است .

ماده ۳۶۲ اگر پس از مصالحه یا گذشت مشروط ، مرتکب حاضر یا قادر به پرداخت وجه المصالحه یا انجام دادن تعهد خود نباشد یا شرط محقق نشود ، حق قصاص محفوظ است و پرونده برای بررسی به همان دادگاه ارجاع می شود مگر مصالحه شامل فرض انجام ندادن تعهد نیز باشد .

ماده ۳۶۳ گذشت یا مصالحه ، پیش از صدور حکم یا پس از آن ، موجب سقوط حق قصاص است .

ماده ۳۶۴ رجوع از گذشت پذیرفته نیست . اگر مجنی علیه یا ولیِ دم ، پس از گذشت ، مرتکب را قصاص کند ، مستحق قصاص است .

ماده ۳۶۵ در قتل و سایر جنایات عمدی ، مجنی علیه می تواند پس از وقوع جنایت و پیش از فوت ، از حق قصاص گذشت کرده یا مصالحه نماید و اولیاء دم نمی توانند پس از فوت او ، حسب مورد ، مطالبهٔ قصاص نفس یا دیه کنند ، لکن مرتکب به تعزیر مقرر در « تعزیرات » محکوم می شود .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ماده ۳۶۶ اگر وقوع قتل های عمد از جانب دو یا چند نفر ثابت باشد ، لکن مقتول هر قاتلی مردد باشد ؛ مانند اینکه دو نفر ، توسط دو نفر به قتل رسیده باشند و اثبات نشود که هر کدام به دست کدام قاتل کشته شده است ، اگر اولیاء هر دو مقتول ، خواهان قصاص باشند ، هر دو قاتل قصاص می شوند و اگر اولیاء یکی از دو مقتول ، به هر سبب ، حق قصاص نداشته یا آن را ساقط کرده باشند ، حق قصاص اولیاء مقتول دیگر نیز به سبب مشخص نبودن قاتل ، به دیه تبدیل می شود .

تبصره- مفاد این ماده ، در جنایت عمدی بر عضو نیز جاری است ، مشروط بر آنکه جنایت های وارد شده بر مجنی علیهم یکسان باشد ؛ لکن اگر جنایت‌های وارده بر هر یک از مجنی علیهم با جنایت های دیگری متفاوت باشد ، امکان قصاص حتی در فرضی که همهٔ مجنی علیهم خواهان قصاص باشند نیز منتفی است و به دیه تبدیل می شود .

ماده ۳۶۷ در مادهٔ (۳۶۶) این قانون ، اگر اولیاء هر دو مجنی علیه ، خواهان قصاص باشند و دو مجنی علیه از نظر دیه ، یکسان نباشند و دیهٔ مرتکبان بیش از دیهٔ مجنی علیهم باشد ، مانند اینکه هر دو قاتل ، مرد باشند و یکی از دو مقتول ، زن باشد ، خواهان قصاص از سوی زن باید نصف دیهٔ کامل را بپردازد که در این صورت ، به سبب مشخص نبودن مرتکب قتل زن ، فاضل دیهٔ مذکور میان مرتکبان ، به نسبت مساوی تقسیم می شود .

تبصره- دیهٔ موضوع این ماده طبق این قانون و قبل از قصاص به مستحق پرداخت می شود .

۶. شرکت در جنایت

ماده ۳۶۸ اگر عده ای ، آسیب هایی را بر مجنی علیه وارد کنند و تنها برخی از آسیب ها ، موجب قتل او شود ، فقط واردکنندگان این آسیب ها ، شریک در قتل می باشند و دیگران حسب مورد ، به قصاص عضو یا پرداخت دیه محکوم می شوند .

ماده ۳۶۹ قتل یا هر جنایت دیگر ، می تواند نسبت به هر یک از شرکاء ، حسب مورد ، عمدی ، شبه عمدی یا خطای محض باشد .

ماده ۳۷۰ ثابت نبودن حق قصاص بر بعضی از شرکاء ، به هر دلیل ، مانند فقدان شرطی از شرایط معتبر در قصاص یا غیرعمدی بودن جنایت نسبت به او ، مانع از حق قصاص بر دیگر شرکاء نیست و هر یک از شرکاء حکم خود را دارند .

ماده ۳۷۱ هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند و بعد از آن دیگری او را به قتل برساند قاتل همان نفر دوم است اگرچه آسیب سابق به تنهایی موجب مرگ می‌گردید و اولی فقط به قصاص عضو محکوم می شود .

ماده ۳۷۲ هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند به گونه ای که وی را در حکم مرده قرار دهد و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری با انجام رفتاری به حیات غیرمستقر او پایان دهد نفر اول قصاص می شود و نفر دوم به مجازات جنایت بر میت محکوم می‌گردد . حکم این ماده و مادهٔ (۳۷۱) در مورد جنایت غیرعمدی نیز جاری است .

ماده ۳۷۳ در موارد شرکت در جنایت عمدی ، حسب مورد ، مجنی علیه یا ولی دم می تواند یکی از شرکاء در جنایت عمدی را قصاص کند و دیگران باید فوراً سهم خود از دیه را به قصاص شونده بپردازند و یا اینکه همهٔ شریکان یا بیش از یکی از آنان را قصاص کند ، مشروط بر اینکه دیهٔ مازاد بر جنایت پدید آمده را پیش از قصاص ، به قصاص شوندگان بپردازد . اگر قصاص شوندگان همهٔ شرکاء نباشند، هر یک از شرکاء که قصاص نمی شود نیز باید سهم خود از دیهٔ جنایت را به نسبت تعداد شرکاء بپردازد .

تبصره- اگر مجنی علیه یا ولیِ دم ، خواهان قصاص برخی از شرکاء باشد و از حق خود نسبت به برخی دیگر مجانی گذشت کند یا با آنان مصالحه نماید، در صورتی که دیهٔ قصاص شوندگان بیش از سهم جنایتشان باشد ، باید پیش از قصاص ، مازاد دیهٔ آنان را به قصاص شوندگان بپردازد .

ماده ۳۷۴ هرگاه دیهٔ جنایت ، بیش از دیهٔ مقابل آن جنایت در مرتکب باشد - مانند اینکه زنی ، مردی را یا غیرمسلمانی ، مسلمانی را عمداً به قتل برساند یا دست وی را قطع کند - اگر مرتکب یک نفر باشد ، صاحب حق قصاص افزون بر قصاص ، حق گرفتن فاضل دیه را ندارد و اگر مرتکبان متعدد باشند ، صاحب حق قصاص می تواند پس از پرداخت مازاد دیهٔ قصاص شوندگان بر دیهٔ جنایت به آنان ، همگی را قصاص کند . همچنین می تواند به اندازهٔ دیهٔ جنایت ، از شریکان در جنایت ، قصاص کند و چیزی نپردازد ، که در این صورت ، شرکائی که قصاص نمی شوند ، سهم دیهٔ خود از جنایت را به قصاص شوندگان می پردازند . افزون بر این ، صاحب حق قصاص می تواند یکی از آنان را که دیه اش کمتر از دیهٔ جنایت است ، قصاص کند و فاضل دیه را از دیگر شریکان بگیرد ؛ لکن صاحب حق قصاص نمی تواند بیش از این مقدار را از هر یک مطالبه کند ، مگر در صورتی که بر مقدار بیشتر مصالحه نماید .

همچنین اگر ولیِ دم خواهان قصاص همه یا برخی از آنان که دیهٔ مجموع شان بیش از دیهٔ جنایت است باشد ، نخست باید فاضل دیهٔ قصاص شونده نسبت به سهمش از جنایت را به او بپردازد و سپس قصاص نماید .

۷. اکراه در جنایت

ماده ۳۷۵ اکراه در قتل مجوز قتل نیست و مرتکب ، قصاص می شود و اکراکننده ، به حبس ابد محکوم می‌گردد .

تبصره۱ اگر اکراه شونده طفل غیرممیز یا مجنون باشد فقط اکراه کننده محکوم به قصاص است .

تبصره۲ اگر اکراه شونده طفل ممیز باشد عاقلهٔ او دیهٔ مقتول را می پردازد . در این مورد اکراه کننده به حبس ابد محکوم می شود.

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ماده ۳۷۶ مجازات حبس ابد برای اکراه کننده ، مشروط به وجود شرایط عمومی قصاص در اکراه کننده و حق اولیاء دم می‌باشد و قابل گذشت و مصالحه است . اگر اکراه کننده به هر علّت ، به حبس ابد محکوم نشود ، به مجازات معاون در قتل محکوم می شود .

ماده ۳۷۷ اکراه در جنایت بر عضو موجب قصاص اکراه کننده است .

ماده ۳۷۸ ادعای اکراه بر جنایت بر عضو باید در دادگاه ثابت شود و در صورت عدم اثبات ، با سوگند صاحب حق قصاص مباشر قصاص می شود .

ماده ۳۷۹ هرگاه کسی دیگری را به رفتاری اکراه کند که موجب جنایت بر اکراه شونده گردد ، جنایت عمدی است و اکراه کننده قصاص می شود مگر اکراه کننده قصد جنایت بر او را نداشته و آگاهی و توجه به اینکه این اکراه نوعاً موجب جنایت بر او می شود نیز نداشته باشد که در این صورت جنایت شبه عمدی است و اکراه کننده به پرداخت دیه محکوم می شود .

ماده ۳۸۰ اگر شخصی برای دفاع و رهایی از اکراه ، با رعایت شرایط مقرر در دفاع مشروع ، مرتکب قتل اکراه کننده شود یا آسیبی به او وارد کند ، قصاص ، دیه و تعزیر ندارد .

ب– قصاص نفس

ماده ۳۸۱ مجازات قتل عمدی در صورت تقاضای ولیِ دم و وجود سایر شرایط مقرر در قانون ، قصاص و در غیر این صورت مطابق مواد دیگر این قانون دیه و تعزیر عمل می گردد.

ماده ۳۸۲ هرگاه زن مسلمانی عمداً کشته شود ، حق قصاص ثابت است ؛ لکن اگر قاتل ، مرد مسلمان باشد ، ولیِ دم باید پیش از قصاص ، نصف دیهٔ کامل را به او بپردازد و اگر قاتل ، مرد غیرمسلمان باشد ، بدون پرداخت چیزی قصاص می شود . در قصاص مرد غیرمسلمان به سبب قتل زن غیرمسلمان، پرداخت مابه التفاوت دیهٔ آنها لازم است .

ماده ۳۸۳ اگر یک نفر ، دو یا چند نفر را عمداً به قتل برساند ، اولیاء دم هر یک از مقتولان می توانند به تنهایی و بدون گرفتن رضایت اولیاء مقتولان دیگر و بدون پرداخت سهمی از دیه به آنان اقدام به قصاص کنند .

ماده ۳۸۴ اگر یک نفر ، دو یا چند نفر را عمداً به قتل برساند و اولیاء همهٔ مقتولان ، خواهان قصاص باشند ، قاتل بدون اینکه دیه ای بپردازد ، قصاص می‌شود . اگر اولیاء برخی از مقتولان ، خواهان قصاص باشند و اولیاء دم مقتول یا مقتولان دیگر ، خواهان دیه باشند ، در صورت موافقت قاتل به پرداخت دیه به آنان در مقابل گذشت از حق قصاص شان ، دیهٔ آنان از اموال قاتل پرداخت می شود و بدون موافقت قاتل ، حق اخذ دیه از او و یا اموالش را ندارند.

ماده ۳۸۵ اگر قتل در یکی از ماههای حرام (محرم ، رجب ، ذیقعده و ذی الحجه) یا در حرم مکه مکرمه واقع شده باشد یا قاتل در زمان یا مکان مذکور ، قصاص شود و قصاص مستلزم پرداخت فاضل دیه از سوی ولی دم به قاتل باشد ، فاضل دیه تغلیظ نمی شود . همچنین است دیه ای که ولی دم به دیگر اولیاء می پردازد لکن اگر قتل در زمان یا مکان مذکور باشد دیه ای که شریکان قاتل ، به علّت سهم شان از جنایت ، حسب مورد به قصاص شونده یا ولیِ دم یا به هر دوی آنان می پردازند ، تغلیظ می شود .

ج– قصاص عضو

۱. موجب قصاص

ماده ۳۸۶ مجازات جنایت عمدی بر عضو در صورت تقاضای مجنی علیه یا ولیِ او و وجود سایر شرایط مقرر در قانون ، قصاص و در غیر این صورت مطابق مواد دیگر این قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می گردد .

ماده ۳۸۷ جنایت بر عضو عبارت از هر آسیب کمتر از قتل ، مانند قطع عضو ، جرح و صدمه های وارد بر منافع است .

ماده ۳۸۸ زن و مرد مسلمان ، در قصاص عضو برابرند و مرد به سبب آسیبی که به زن وارد کرده است ، به قصاص محکوم می شود ؛ لکن اگر دیه جنایت وارد بر زن مساوی یا بیش از ثلث دیهٔ کامل باشد ، قصاص ، پس از پرداخت نصف دیهٔ عضو مورد قصاص اجراء می شود . حکم مذکور در صورتی که مجنی علیه زن غیرمسلمان و مرتکب مرد غیرمسلمان باشد نیز جاری است . ولی اگر مجنی علیه ، زن مسلمان و مرتکب ، مرد غیرمسلمان باشد ، مرتکب بدون پرداخت نصف دیه قصاص می شود .

ماده ۳۸۹ اگر به علّت یک یا چند ضربه ، جنایت های متعددی در یک یا چند عضو به وجود آید ، حق قصاص برای هر جنایت ، به طور جداگانه ثابت است و مجنی علیه می تواند دربارهٔ بعضی ، با مرتکب مصالحه نماید ، نسبت به بعضی دیگر گذشت و بعضی را قصاص کند .

ماده ۳۹۰ اگر جنایت بر عضو ، دارای مراتب باشد ، مجنی علیه می تواند با رضایت مرتکب قسمتی از جنایت را قصاص کند ؛ مانند آنکه در جراحت موضحه به متلاحمه و در قطع دست از آرنج به قطع دست از مچ بسنده و از قصاص قسمت دیگر گذشت یا مصالحه نماید .

ماده ۳۹۱ هرگاه کسی جنایت عمدی بر اعضاء متعدد یک نفر وارد کند و امکان قصاص همهٔ آنها نباشد ، مانند این که دو دوست یک نفر را قطع کند و خود یک دست بیشتر نداشته باشد ، مرتکب در مقابل جنایت هایی که امکان قصاص آن هست ، قصاص می شود و برای دیگر جنایات ، به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در (تعزیرات) محکوم می شود .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ماده ۳۹۲ هرگاه کسی جنایت عمدی بر اعضاء چند نفر وارد کند ، اگر امکان قصاص همهٔ آنها باشد ، قصاص می شود و اگر امکان قصاص برای همهٔ جنایات نباشد مجنی علیه اول که جنایت بر او پیش از دیگری واقع شده است ، در استیفاء قصاص ، مقدم است و در صورت انجام قصاص ، مرتکب برای جنایاتی که محلی برای قصاص آن نیست به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در (تعزیرات) محکوم می شود .

اگر وقوع دو جنایت ، در یک زمان باشد ، هر یک از دو مجنی علیه می توانند مبادرت به قصاص کند و پس از استیفاء قصاص ، برای دیگر جنایت‌هایی که قصاص ممکن نیست ، مرتکب به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در (تعزیرات) محکوم می شود . در صورتی که پس از قصاص اول ، محل قصاص برای مجنی علیه دوم باقی باشد ، لکن کمتر از عضو مورد جنایت از او باشد ، می تواند مقدار موجود را قصاص کند و مابه‌التفاوت را دیه بگیرد ؛ مانند اینکه مرتکب نخست انگشت دست راست کسی و آنگاه دست راست شخص دیگری را قطع کرده باشد که در این صورت ، مجنی علیه اول در اجراء قصاص مقدم است و با اجراء قصاص او ، مجنی علیه دوم می تواند دست راست مرتکب را قصاص کند و دیهٔ انگشت خود را نیز از او بگیرد .

۲. شرایط قصاص

ماده ۳۹۳ در قصاص عضو ، علاوه بر شرایط عمومی قصاص ، شرایط زیر با تفصیلی که در این قانون بیان می شود ، باید رعایت شود :

۱. محل عضو مورد قصاص ، با مورد جنایت یکی باشد .

۲. قصاص با مقدار جنایت ، مساوی باشد .

۳. خوف تلف مرتکب یا صدمه بر عضو دیگر نباشد .

۴. قصاص عضو سالم ، در مقابل عضو ناسالم نباشد .

۵. قصاص عضو اصلی ، در مقابل عضو غیراصلی نباشد .

۶. قصاص عضو کامل در مقابل عضو ناقص نباشد .

تبصره – در صورتی که مجرم دست راست نداشته باشد دست چپ او و چنانچه دست چپ هم نداشته باشد پای او قصاص می شود .

ماده ۳۹۴ رعایت تساوی مقدار طول و عرض ، در قصاص جراحات لازم است ؛ لکن اگر طول عضو مورد قصاص ، کمتر از طول عضو آسیب دیده در مجنی علیه باشد ، قصاص نباید به عضو دیگر سرایت کند و نسبت به مازاد جنایت ، دیه گرفته می‌شود ؛ لکن میزان در عمق جنایت ، صدق عنوان جنایت وارده است .

ماده ۳۹۵ اگر عضو مورد جنایت ، سالم یا کامل باشد و عضو مرتکب ، ناسالم یا ناقص باشد ، مجنی علیه می تواند قصاص کند یا با رضایت مرتکب ، دیه بگیرد .

تبصره – عضو ناسالم ، عضوی است که منفعت اصلی آن از بین رفته باشد ؛ مانند عضو فلج و در غیر این صورت ، عضو سالم محسوب می شود ، هر چند دارای ضعف یا بیماری باشد .

ماده ۳۹۶ عضو قوی و صحیح ، در برابر عضو ضعیف و معیوب غیرفلج ، قصاص می شود .

ماده ۳۹۷ عضو کامل ، در برابر عضو ناقص قصاص نمی شود ؛ لکن عضو ناقص ، در برابر عضو کامل قصاص می شود ، که در این صورت ، مرتکب باید مابه التفاوت دیه را بپردازد .

تبصره – عضو ناقص ، عضوی است که فاقد بخشی از اجزاء باشد ؛ مانند دستی که فاقد یک یا چند انگشت یا فاقد بخشی از یک یا چند انگشت است .

ماده ۳۹۸ اگر عضو مورد جنایت و عضو مورد قصاص ، هر دو ناقص یا ناسالم باشند ، فقط در صورتی که نقصان و عدم سلامت در عضو مورد قصاص، مساوی یا بیشتر از عضو مورد جنایت باشد ، حق قصاص ثابت است .

ماده ۳۹۹ اگر عضو مورد جنایت ، زائد باشد و مرتکب ، عضو زائد مشابه نداشته باشد ، به پرداخت ارش محکوم می شود .

ماده ۴۰۰ اگر رعایت تساوی در طول و عرض و عمق جنایت ، ممکن نباشد و قصاص به مقدار کمتر ممکن باشد مجنی علیه می تواند به قصاص کمتر ، اکتفاء کند و مابه التفاوت را ارش مطالبه نماید و یا با رضایت جانی دیهٔ جنایت را بگیرد .

ماده ۴۰۱ در جنایت مأمومه ، دامغه ، جائفه ، هاشمه ، منقله ، شکستگی استخوان و صدماتی که موجب تغییر رنگ پوست یا ورم بدن می شود ، قصاص ساقط است و مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به تعزیر مقرر در « تعزیرات » نیز محکوم می شود . حکم مذکور در هر مورد دیگری که خطر تجاوز در قصاص عضو یا منافع وجود داشته باشد نیز جاری است .

ماده ۴۰۲ اگر شخصی یک چشم کسی را درآورد یا کور کند ، قصاص می شود ، گرچه مرتکب بیش از یک چشم نداشته باشد و دیه ای به وی پرداخت نمی شود . این حکم ، در مورد همهٔ اعضاء زوج بدن جاری است .

ماده ۴۰۳ اگر شخصی که دارای دو چشم است ، چشم کسی را که فقط یک چشم دارد ، درآورد یا آن را کور کند ، مجنی علیه می تواند یک چشم مرتکب را قصاص کند و نصف دیهٔ کامل را هم دریافت دارد یا از قصاص یک چشم مرتکب منصرف شود و دیهٔ کامل بگیرد ، مگر اینکه مجنی علیه یک چشم خود را قبلاً در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیهٔ آن را داشته ، از دست داده باشد ، که در این صورت می تواند یک چشم مرتکب را قصاص کند و یا با رضایت مرتکب ، نصف دیهٔ کامل را دریافت نماید .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که منابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ماده ۴۰۴ اگر شخصی بدون آسیب رساندن به حدقهٔ چشم دیگری ، بینایی آن را از بین ببرد ، فقط بینایی چشم مرتکب ، قصاص می شود . چنانچه بدون آسیب به حدقهٔ چشم مرتکب ، قصاص ممکن نباشد ، تبدیل به دیه می شود و مرتکب به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در قانون محکوم می شود .

ماده ۴۰۵ چشم سالم ، در برابر چشم هایی که از لحاظ دید و یا شکل ، متعارف نیستند ، قصاص می شود .

ماده ۴۰۶ پلک دارای مژه ، در برابر پلک بدون مژه قطع نمی شود ؛ لکن پلک چشم بینا در برابر پلک چشم نابینا قصاص می شود.

ماده ۴۰۷ قطع لالهٔ گوش که موجب زوال شنوایی یا قطع بینی که موجب زوال بویایی شود ، دو جنایت محسوب می شود .

ماده ۴۰۸ قطع بینی یا گوش ، موجب قصاص است ، گرچه حسب مورد حس بویایی و شنوایی نداشته باشند .

ماده ۴۰۹ قطع زبان یا لب ، موجب قصاص است و باید مقدار و محل آنها رعایت شود .

ماده ۴۱۰ اگر شخص گویا ، زبان کسی را که لال است ، قطع کند ، قصاص ساقط است و دیه گرفته می شود ؛ لکن زبان کسی که لال است ، در برابر زبان لال دیگری و زبان گویا قصاص می شود و زبان دارای حس چشایی در برابر زبان بدون حس چشایی قصاص می شود .

ماده ۴۱۱ زبان گویا در برابر زبان کودکی که هنوز به حد سخن گفتن نرسیده است ، قصاص می شود ، مگر آنکه لال بودن کودک ثابت شود .

ماده ۴۱۲ اگر کسی دندان دیگری را بشکند یا بکند ، به قصاص محکوم می شود و در قصاص آن ، رعایت تساوی در محل دندان ، لازم است .

ماده ۴۱۳ اگر دندان کسی توسط دیگری کنده شود ، چنانچه تا زمان قصاص ، دندان سالمی به جای آن بروید ، مرتکب قصاص نمی‌شود و به تعزیر مقرر در «تعزیرات » و ارش و جراحت و مدتی که مجنی علیه بدون دندان بوده است محکوم می شود . اگر دندان جدید معیوب باشد ، مرتکب افزون بر محکومیت های مذکور ، به پرداخت ارش عیب نیز محکوم می‌شود. اگر مجنی علیه کودک باشد ، صدور حکم به مدت متعارف برای روییدن دندان به تأخیر می افتد و در صورت رویش دندان یکصدم دیه پرداخت می شود . اگر مجنی علیه در این مدت فوت کند ، مرتکب افزون بر تعزیر مذکور ، به پرداخت دیه محکوم می شود.

ماده ۴۱۴ اگر دندان مرتکب ، شیری و دندان مجنی علیه غیرشیری باشد ، مجنی علیه بین قصاص دندان شیری و تأخیر قصاص تا رویش دندان غیرشیری در مرتکب ، مختار است .

ماده ۴۱۵ اگر دندان مجنی علیه پس از اجرای قصاص یا گرفتن دیه بروید ، چیزی بر عهدهٔ مجنی علیه نیست و اگر گرفتن دیه به جهت عدم امکان قصاص بوده باشد ، دیه نیز بازگردانده نمی شود .

ماده ۴۱۶ اگر دندان مرتکب ، پس از اجراء قصاص بروید ، مجنی علیه حق قصاص دوبارهٔ آن را ندارد .

د- اجرای قصاص

۱. مواد عمومی

ماده ۴۱۷ در اجرای قصاص ، اذن مقام رهبری یا نمایندهٔ او لازم است .

ماده ۴۱۸ استیذان از مقام رهبری در اجرای قصاص ، برای نظارت بر صحت اجراء و رعایت حقوق صاحب حق قصاص و اطراف دیگر دعوا است و نباید مراسم استیذان ، مانع از امکان استیفاء قصاص توسط صاحب حق قصاص و محروم شدن او از حق خود شود .

ماده ۴۱۹ اجرای قصاص و مباشرت در آن ، حق ولی دم و مجنی علیه است که در صورت مرگ آنان ، این حق به ورثهٔ ایشان منتقل می شود و باید پس از استیذان از مقام رهبری ، از طریق واحد اجرای احکام کیفری مربوط انجام گیرد .

ماده ۴۲۰ اگر صاحب حق قصاص ، بر خلاف مقررات اقدام به قصاص کند ، به تعزیر مقرر در (تعزیرات) محکوم می شود .

ماده ۴۲۱ هیچ کس غیر از مجنی علیه یا ولیِ او حق قصاص مرتکب را ندارد و اگر کسی بدون اذن آنان او را قصاص کند ، مستحق قصاص است .

ماده ۴۲۲ در هر حق قصاصی هر یک از صاحبان آن ، به طور مستقل حق قصاص دارند ؛ لکن هیچ یک از آنان در مقام استیفاء نباید حق دیگران را از بین ببرد . در صورتی که ، بدون اذن و موافقت دیگر افرادِ خواهانِ قصاص ، مبادرت به استیفاء قصاص کند ضامن سهم دیهٔ دیگران است .

ماده ۴۲۳ در هر حق قصاصی اگر بعضی از صاحبان آن ، خواهان دیه باشند یا از قصاص مرتکب گذشت کرده باشند ، کسی که خواهان قصاص است باید نخست سهم دیهٔ دیگران را در صورت گذشت آنان ، به مرتکب و در صورت درخواست دیه ، به خود آنان بپردازد .

ماده ۴۲۴ در هر حق قصاصی ، اگر بعضی از صاحبان آن ، غائب باشند و مدت غیبت آنان کوتاه باشد صدور حکم تا آمدن غائب به تعویق می افتد و اگر غیبت طولانی باشد و یا امیدی به بازگشت آنان نباشد مقام رهبری به عنوان ولی غائب ، به جای آنان تصمیم می‌گیرد و چنانچه زمان بازگشت معلوم نباشد مقام رهبری برای آنها پس از گذشت زمان کوتاه و قبل از طولانی شدن زمان غیبت اتخاذ تصمیم می نماید ، کسانی که حاضرند ، می توانند پس از تأمین سهم غائبان در دادگاه ، قصاص کنند و اگر حاضران ، گذشت کنند یا با او مصالحه نمایند ، حق قصاص غائبان محفوظ است و اگر آنان پس از حاضر شدن ، خواهان قصاص باشند ، باید نخست سهم دیهٔ کسانی را که گذشت نموده اند یا با مرتکب مصالحه کرده اند ، به مرتکب بپردازند و سپس قصاص کنند .

ماده ۴۲۵ اگر مرتکب عمداً جنایتی بر دیگری وارد کند و دیهٔ جنایت وارد شده بر مجنی علیه بیش از دیهٔ آن در مرتکب باشد مانند آنکه زن مسلمانی مرد مسلمانی را به قتل برساند صاحب حق قصاص نمی تواند افزون بر قصاص ، تفاوت دیه را نیز مطالبه کند .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ماده ۴۲۶ در موارد ثبوت حق قصاص ، اگر دیهٔ جنایت وارده بر مجنی علیه کمتر از دیهٔ آن در مرتکب باشد ، صاحب حق قصاص در صورتی می تواند قصاص را اجراء کند که نخست فاضل دیه را به او بپردازد و بدون پرداخت آن اجراء قصاص جایز نیست و در صورت مخالفت و اقدام به قصاص ، افزون بر الزام به پرداخت فاضل دیه ، به مجازات مقرر در کتاب پنجم (تعزیرات) محکوم می شود .

ماده ۴۲۷ در مواردی که صاحب حق قصاص برای اجراء قصاص باید بخشی از دیه را به دیگر صاحبان حق قصاص بپردازد ، پرداخت آن باید پیش از قصاص صورت گیرد و در صورت تخلف صاحب حق قصاص از این امر ، افزون بر پرداخت دیهٔ مذکور ، به مجازات مقرر در « تعزیرات » این قانون محکوم می شود .

ماده ۴۲۸ در مواردی که جنایت ، نظم و امنیت عمومی را بر هم زند یا احساسات عمومی را جریحه دار کند و مصلحت در اجراء قصاص باشد ، لکن خواهان قصاص تمکن از پرداخت فاضل دیه یا سهم دیگر صاحبان حق قصاص را نداشته باشد ، با درخواست دادستان و تأیید رئیس قوهٔ قضائیه ، مقدار مذکور از بیت المال پرداخت می شود .

ماده ۴۲۹ در مواردی که محکوم به قصاص ، در زندان است و صاحب حق قصاص ، بدون عذر موجه یا به علّت ناتوانی در پرداخت فاضل دیه یا به جهت انتظار برای بلوغ یا افاقهٔ ولیِ دم یا مجنی علیه ، مرتکب را در وضعیت نامعین رها نماید ، با شکایت محکوم علیه از این امر ، دادگاه صادرکنندهٔ حکم ، مدت مناسبی را مشخص و به صاحب حق قصاص اعلام می‌کند تا ظرف مهلت مقرر نسبت به گذشت ، مصالحه یا اجراء قصاص اقدام کند . در صورت عدم اقدام او در این مدت ، دادگاه می‌تواند پس از تعیین تعزیر بر اساس قانون (تعزیرات) و گذشتن مدت زمان آن با اخذ وثیقهٔ مناسب و تأیید رئیس حوزهٔ قضائی و رئیس کل دادگستری استان ، تا تعیین تکلیف از سوی صاحب حق قصاص ، مرتکب را آزاد کند .

ماده ۴۳۰ در موارد لزوم پرداخت فاضل دیه ، اگر مقتول یا صاحب حق قصاص ، طلبی از مرتکب داشته باشد ، طلب مذکور با رضایت صاحب آن ، هرچند بدون رضایت مرتکب ، به عنوان فاضل دیه ، قابل محاسبه است .

ماده ۴۳۱ فاضل دیه یا سهم پرداختی شرکاء از دیهٔ جنایت ، متعلق به قصاص شونده است و او می تواند آن را به صاحب حق قصاص یا شرکاء خود ببخشد و یا هر نوع تصرف مالکانهٔ دیگری در آن انجام دهد ؛ لکن اگر آن را دریافت کرده باشد و قصاص صورت نگیرد ، باید آن را برگرداند .

ماده ۴۳۲ هرگاه مجنی علیه پیش از استیفاء حق قصاص فوت کند و ترکهٔ او برای اداء دیون او کافی نباشد ، صاحب حق قصاص ، بدون اداء یا تضمین آن دیون ، حق استیفاء قصاص را دارد ؛ لکن حق گذشت مجانی ، بدون اداء یا تضمین دیون را ندارد و اگر به هر علّت ، قصاص به دیه تبدیل شود ، باید در ادای دیون مذکور صرف شود . این حکم در مورد ترکهٔ مقتول نیز جاری است .

ماده ۴۳۳ اگر مجنی علیه یا همهٔ اولیاء دم ، پیش از قصاص یا در حین اجراء آن ، از قصاص مرتکب گذشت کنند ، قصاص متوقف می شود و آنان ضامن خساراتی که در حین اجراء قصاص به مرتکب رسیده ، نمی باشند و اگر برخی از آنان گذشت نمایند یا مصالحه کنند ، خواهان قصاص باید پیش از اجراء قصاص ، سهم آنها را ، حسب مورد ، به آنان یا مرتکب بپردازد .

ماده ۴۳۴ هرگاه کسی فردی را که مرتکب جنایت عمدی شده است فراری دهد ، به تحویل وی الزام می شود . اگر در موارد قتل و جنایت بر عضو که منجر به قطع یا نقص عضو یا از بین رفتن یکی از منافع آن شده است ، بازداشت فراری دهنده مؤثر در حضور مرتکب یا الزام فراری دهنده به احضار مرتکب باشد ، دادگاه باید با درخواست صاحب حق قصاص ، تا زمان دستگیری مرتکب ، فراری دهنده را بازداشت کند . اگر مرتکب پیش از دستگیری بمیرد یا دستگیری وی متعذر شود یا صاحب حق قصاص رضایت دهد ، فراری دهنده آزاد می شود و صاحب حق قصاص در همهٔ مواردِ قصاص نفس و عضو ، می تواند در صورت فوت مرتکب یا تعذر دستگیری او ، دیه را از اموال وی یا فراری دهنده بگیرد . فراری دهنده می تواند پس از پرداخت دیه برای دریافت آن به مرتکب رجوع کند .

ماده ۴۳۵ هرگاه در جنایت عمدی ، به علت مرگ یا فرار ، دسترسی به مرتکب ممکن نباشد با درخواست صاحب حق ، دیهٔجنایت از اموال مرتکب پرداخت می شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد در خصوص قتل عمد ، ولی دم می تواند دیه را از عاقله بگیرد و در صورت نبود عاقله یا عدم دسترسی به آنها یا عدم تمکن آنها ، دیه از بیت المال پرداخت می شود و در غیر قتل ، دیه بر بیت المال خواهد بود . چنانچه پس از اخذ دیه ، دسترسی به مرتکب جنایت اعم از قتل و غیرقتل ، ممکن شود در صورتی که اخذ دیه به جهت گذشت از قصاص نباشد ، حق قصاص حسب مورد برای ولی دم یا مجنی علیه محفوظ است ، لکن باید قبل از قصاص ، دیه گرفته شده را برگرداند .

۲. اجراء قصاص نفس

ماده ۴۳۶ قصاص نفس فقط به شیوه های متعارف ، که کمترین آزار را به قاتل می رساند ، جایز است و مثله کردن او پس از قصاص ، ممنوع و موجب دیه و تعزیر مقرر در (تعزیرات) است .

ماده ۴۳۷ زن حامله ، که محکوم به قصاص نفس است ، نباید پیش از وضع حمل قصاص شود . اگر پس از وضع حمل نیز بیم تلف طفل باشد ، تا زمانی که حفظ حیات طفل تأمین شود ، قصاص به تأخیر می افتد .

ماده ۴۳۸ اگر پس از اجرای قصاص نفس ، قاتل زنده بماند ، حق قصاص برای ولیِ دم محفوظ است ؛ لکن اگر وی را به گونه ای که جایز نیست ، قصاص کرده باشد ، در صورتی که قاتل آسیب ببیند ، مشروط به شرایط قصاص عضو ، از جمله ، عدم خوف تلف ولیِ دم ، قاتل حق قصاص عضو او را دارد و حق قصاص نفس نیز برای ولیِ دم باقی است ولی قبل از اجرای قصاص نفس قاتل باید حق خود را استیفاء ، مصالحه یا گذشت کند لکن اگر

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ولیِ دم نخواهد دوباره قصاص کند ، قاتل حق قصاص او را ندارد . اگر قاتل برای فرار از قصاص نفس حاضر به گذشت ، مصالحه و استیفاء حق خود نشود با شکایت ولیِ دم از این امر ، دادگاه مدت مناسبی را مشخص و به قاتل اعلام می‌کند تا ظرف مهلت مقرر به گذشت ، مصالحه یا مطالبهٔ قصاص عضو اقدام کند . در صورت عدم اقدام او در این مدت ، ولیِ دم به تعزیر مقرر در قانون محکوم می شود و با مطالبهٔ او قصاص نفس اجراء می‌گردد و حق قصاص عضو برای ورثهٔ جانی ، محفوظ است .

۳. اجراء قصاص عضو

ماده ۴۳۹ ابزار قطع و جرح در قصاص عضو باید تیز ، غیرآلوده و مناسب با اجراء قصاص باشد و ایذاء مرتکب ، بیش از مقدار جنایت او ممنوع و موجب تعزیر مقرر در قانون است . اگر مرتکب ، بیمار بوده یا شرایط زمان و مکان به گونه ای باشد که در قصاص ، بیم سرایت به نفس یا صدمهٔ دیگر باشد ، در صورت امکان ، موانع رفع و قصاص اجراء می شود . در غیر این صورت، تا برطرف شدن بیم سرایت ، قصاص به تأخیر می افتد .

ماده ۴۴۰ قصاص عضو را می توان فوراً اجراء کرد لکن اگر علم به سرایت وجود نداشته باشد و قصاص اجراء شود و پس از آن ، جنایت سرایت کند و سرایت پدید آمده ، عمدی محسوب شود ، مرتکب حسب مورد ، به قصاص نفس یا عضو محکوم می‌شود ؛ لکن پیش از اجرای قصاص نفس ولیِ دم باید ، دیهٔ جنایتی را که به عنوان قصاص عضو بر مرتکب وارد شده است ، به او بپردازد و اگر سرایت پدیدآمده ، غیرعمدی محسوب شود ، مرتکب به دیهٔ جنایتی که به وسیلهٔ سرایت ، پدید آمده است، محکوم می شود و دیهٔ مقداری که قصاص شده است کسر نمی شود .

ماده ۴۴۱ برای رعایت تساوی قصاص عضو با جنایت ، باید حدود جراحت کاملاً اندازه گیری شود و هر چیزی که مانع از استیفاء قصاص یا موجب ازدیاد آن باشد ، برطرف گردد .

ماده ۴۴۲ اگر مرتکب به سبب حرکت یا غیر آن ، موجب شود که قصاص بیش از جنایت انجام شود ، قصاص کننده ضامن نیست و اگر قصاص کننده یا فرد دیگری موجب زیاده باشد ، حسب مورد ، به قصاص یا دیه محکوم می شود .

ماده ۴۴۳ اگر زن حامله ، محکوم به قصاص عضو باشد و در اجرای قصاص ، پیش یا پس از وضع حمل ، بیم تلف یا آسیب بر طفل باشد ، قصاص تا زمانی که بیم مذکور برطرف شود ، به تأخیر می افتد .

ماده ۴۴۴ قصاص کردن مرتکب در جنایت بر عضو ، بدون بیهوش کردن وی یا بی حس کردن عضو او ، حق مجنی علیه است ، مگر اینکه جنایت در حال بیهوشی یا بی حسی عضو مجنی علیه اتفاق افتاده باشد .

ماده ۴۴۵ مداوا و بیهوش کردن مرتکب و بی حس کردن عضو او پس از اجرای قصاص جایز است .

ماده ۴۴۶ اگر شخصی همه یا مقداری از عضو دیگری را قطع کند و مجنی علیه قسمت جدا شده را پیوند بزند ، قصاص ساقط نمی شود.

ماده ۴۴۷ در کلیهٔ مواردی که در این بخش به کتاب پنجم (تعزیرات) ارجاع داده شده است ، در خصوص قتل عمدی مطابق مادهٔ (۶۱۲) آن قانون و در سایر جنایات عمدی مطابق ماده (۶۱۴) و تبصرهٔ آن عمل می شود[۱] .

بند سوم – دیات

الف – مواد عمومی

۱. تعریف دیه و موارد آن

ماده ۴۴۸ دیه مقدر ، مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیرعمدی بر نفس ، عضو یا منفعت ، یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد ، مقرر شده است .

ماده ۴۴۹ ارش ، دیه غیرمقدر است که میزان آن در شرع تعیین نشده است و دادگاه با لحاظ نوع و کیفیت جنایت و تأثیر آن بر سلامت مجنی علیه و میزان خسارت وارده با در نظر گرفتن دیهٔ مقدر و با جلب نظر کارشناس میزان آن را تعیین می‌کند . مقررات دیهٔ مقدر در مورد ارش نیز جریان دارد ، مگر اینکه در این قانون ترتیب دیگری مقرر شود .

ماده ۴۵۰ در جنایت شبه عمدی ، خطاء محض و جنایت عمدی که قصاص درآن جایز یا ممکن نیست ، در صورت درخواست مجنی علیه یا ولیِ دم دیه پرداخت می شود ، مگر به نحو دیگری مصالحه شود .

ماده ۴۵۱ در صورتی که قاتل از ورثهٔ مقتول باشد چنانچه قتل عمدی باشد از اموال و دیهٔ مقتول و در صورتی که خطاء محض یا شبه عمدی باشد از دیهٔ وی ارث نمی برد . در موارد فقدان وارث دیگر ، مقام رهبری ، وارث است .

۲. ضمان دیه

ماده ۴۵۲ دیه ، حسب مورد حق شخصی مجنی علیه یا ولیِ دم است و احکام و آثار مسئولیت مدنی یا ضمان را دارد . ذمهٔ مرتکب جز با پرداخت دیه ، مصالحه ، ابراء و تهاتر بری نمی‌گردد .

تبصره– ورثهٔ مقتول به جز بستگان مادری به نسبت سهم الارث از دیهٔ مقتول نیز ارث می برند .

---

[۱]. با دنبال هم شدن شمارهٔ مواد قسمت تعزیرات با قانون جدید شمارهٔ (۶۱۲) به (۸۴۳) و (۶۱۴) به (۸۴۵) تغییر یافته است .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ماده ۴۵۳ هرگاه دو یا چند نفر به نحو اشتراک مرتکب جنایتِ موجب دیه گردند ، حسب مورد هر یک از شرکاء یا عاقلهٔ آنها به طور مساوی مکلف به پرداخت دیه است .

۳. راههای اثبات دیه

ماده ۴۵۴ ادلهٔ اثبات دیه ، علاوه بر قسامه ، همان ادلهٔ اثبات دیون و ضمان مالی است .

ماده ۴۵۵ قتل عمدی موجب دیه ، به شرح مقرر در باب قصاص ، با قَسَمِ پنجاه مرد و قتل غیرعمدی ، با قَسَمِ بیست و پنج مرد، تنها در صورت حصول لوث و فقدان ادلهٔ دیگر ، غیر از سوگند منکر اثبات می شود .

ماده ۴۵۶ در جنایت بر اعضاء و منافع ، اعم از عمدی و غیرعمدی ، در صورت لوث و فقدان ادلهٔ دیگر ، غیر از سوگند منکر ، مجنی علیه می تواند با اقامهٔ قسامه ، به شرح زیر ، جنایت مورد ادعا را اثبات و دیهٔ آن را مطالبه کند ؛ لکن حق قصاص با آن ثابت نمی شود .

۱. شش قسم در جنایتی که دیهٔ آن به مقدار دیهٔ کامل است .

۲. پنج قسم در جنایتی که دیهٔ آن پنج ششم دیهٔ کامل است .

۳. چهار قسم در جنایتی که دیهٔ آن دو سوم دیهٔ کامل است .

۴. سه قسم در جنایتی که دیهٔ آن یک دوم دیهٔ کامل است .

۵. دو قسم در جنایتی که دیهٔ آن یک سوم دیهٔ کامل است .

۶. یک قسم در جنایتی که دیهٔ آن یک ششم دیهٔ کامل یا کمتر از آن است .

تبصره ۱ در مورد هر یک از بندهای فوق ، در صورت نبودن نفرات لازم ، مجنی علیه ، خواه مرد باشد خواه زن ، می تواند به همان اندازه قسم را تکرار کند .

تبصره ۲ در هر یک از موارد فوق ، چنانچه مقدار دیه ، بیش از مقدار مقرر در آن بند و کمتر از مقدار مقرر در بند قبلی باشد، رعایت نصاب بیشتر لازم است .

ماده ۴۵۷ در صورتی که مدعی به ترتیب فوق الذکر اقامهٔ قسامه نکند ، می تواند از مدعی علیه ، مطالبهٔ قسامه کند و در این صورت مدعی علیه با قسامه تبرئه می شود .

ماده ۴۵۸ مقررات سوگند در قسامه همان مقررات کتاب قصاص است .

ماده ۴۵۹ هرگاه در اثر جنایت واقع شده مجنی علیه یا ولیِ او مدعی زوال یا نقصان منفعت عضو شود ، در صورت لوث و عدم دسترسی به کارشناس مورد وثوق و عدم امکان آزمایش و اختبار موجب علم ، ادعای مجنی علیه یا ولیِ او با قسامه به ترتیبی که ذکر شد ، اثبات می شود .

ماده ۴۶۰ در اختلاف میان مرتکب و مجنی علیه یا ولی او نسبت به بازگشت تمام یا بخشی از منفعت زایل شده یا نقصان یافته، در صورت فقدان دلیل اثباتی ، قول مجنی علیه یا ولیِ او با سوگند مقدم است و نوبت به اجرای قسامه نمی رسد .

ماده ۴۶۱ هرگاه مجنی علیه در ایامی که کارشناس مورد وثوق برای بازگشت منفعت زایل شده تعیین نموده است فوت نماید و مرتکب ، مدعی بازگشت منفعت قبل از وفات بوده و اولیاء میت ، منکر آن باشند ، در صورتی که مرتکب نتواند ادعای خود را ثابت کند ، قول اولیاء با سوگند مقدم است و نوبت به اجرای قسامه نمی رسد و چنانچه تنها برخی از اولیاء سوگند بخورند ، دیه نسبت به سهم آنان ثابت می شود .

۴. مسئول پرداخت دیه

ماده ۴۶۲ دیهٔ جنایت عمدی و شبه عمدی بر عهدهٔ خود مرتکب است .

ماده ۴۶۳ در جنایت خطای محض در صورتی که جنایت با بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود ، پرداخت دیه بر عهدهٔ عاقله است و اگر با اقرار مرتکب یا نکول او از سوگند یا قسامه ثابت شد بر عهدهٔ خود او است .

تبصره – هرگاه پس از اقرار مرتکب به جنایت خطائی ، عاقله اظهارات او را تصدیق نماید ، عاقله مسئول پرداخت دیه است .

ماده ۴۶۴ در موارد ثبوت اصل جنایت با شهادت ، علم قاضی یا قسامه ، اگر مرتکب مدعی خطائی بودن آن گردد و عاقله خطا بودن جنایت را انکار نماید ، قول عاقله با سوگند پذیرفته می شود و دیه بر عهدهٔ مرتکب است و چنانچه عاقله از اتیان قسم نکول کند با قسم مدعی ، عاقله مکلف به پرداخت دیه است .

تبصره – در صورتی که برخی از افراد عاقله سوگند یاد نمایند ، از پرداخت دیه معاف می شوند و سهم آنها به وسیلهٔ مرتکب پرداخت می گردد .

ماده ۴۶۵ عاقله ، مکلف به پرداخت دیهٔ جنایت هایی که شخص بر خود وارد می سازد نیست .

ماده ۴۶۶ عاقله تنها مکلف به پرداخت دیهٔ خطاء محض است ، لیکن ضامن اتلاف مالی که به طور خطائی تلف شده است نمی باشد .

ماده ۴۶۷ عاقله ، مکلف به پرداخت دیهٔ جنایت های کمتر از موضحه نیست ، هرچند مرتکب ، نابالغ یا مجنون باشد .

تبصره – هرگاه در اثر یک یا چند ضربه خطا ، صدمات متعددی بر یک یا چند عضو وارد آید ، ملاک رسیدن به دیهٔ موضحه ، دیهٔ هر آسیب ، به طور جداگانه است و برای ضمان عاقله ، رسیدن دیهٔ مجموع آنها به دیهٔ موضحه کافی نیست .

ماده ۴۶۸ عاقله عبارت از پدر ، پسر و بستگان ذکور نسبی پدری و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث است . همهٔ کسانی که در زمان فوت می‌توانند ارث ببرند به صورت مساوی مکلف به پرداخت دیه می باشند .

ماده ۴۶۹ عاقله در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن نسبِ مشروع ، عاقل ، بالغ و در مواعد پرداخت اقساط دیه ، تمکن مالی داشته باشد .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ماده ۴۷۰ در صورتی که مرتکب ، دارای عاقله نباشد ، یا عاقلهٔ او به دلیل عدم تمکن مالی نتواند دیه را در مهلت مقرر بپردازد، دیه توسط مرتکب و در صورت عدم تمکن از بیت المال پرداخت می شود . در این مورد فرقی میان دیهٔ نفس و غیر آن نیست .

ماده ۴۷۱ هرگاه فرد ایرانی از اقلیت های دینی شناخته شده در قانون اساسی که در ایران زندگی می کند ، مرتکب جنایت خطاء محض گردد ، شخصاً عهده دار پرداخت دیه است ، لکن در صورتی که توان پرداخت دیه را نداشته باشد ، به او مهلت مناسب داده می شود و اگر با مهلت مناسب نیز قادر به پرداخت نباشد ، معادل دیه توسط دولت پرداخت می شود .

ماده ۴۷۲ در مواردی که اصل جنایت ثابت شود لکن نوع آن اثبات نشود دیه ثابت و پرداخت آن بر عهدهٔ مرتکب است .

ماده ۴۷۳ هرگاه مأموری در اجراء وظایف قانونی ، عملی را مطابق مقررات انجام دهد و همان عمل موجب فوت یا صدمهٔ بدنی کسی شود ، دیه بر عهدهٔ بیت المال است .

تبصره- هرگاه شخصی با علم به خطر یا از روی تقصیر ، وارد منطقهٔ ممنوعهٔ نظامی و یا هر مکان دیگری که ورود به آن ممنوع است ، گردد و مطابق مقررات ، هدف قرار گیرد ، ضمان ثابت نیست و در صورتی که از ممنوعه بودن مکان مزبور آگاهی نداشته باشد ، دیه از بیت المال پرداخت می شود .

ماده ۴۷۴ در جنایت شبه عمدی در صورتی که به دلیل مرگ یا فرار به مرتکب دسترسی نباشد ، دیه از مال او گرفته می شود و در صورتی که مال او کفایت نکند از بیت المال پرداخت می شود .

ماده ۴۷۵ در جنایت خطای محض در مواردی که پرداخت دیه بر عهدهٔ مرتکب است اگر به علت مرگ یا فرار ، دسترسی به او ممکن نباشد دیهٔ جنایت از اموال او پرداخت می شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد دیه از بیت المال پرداخت می شود .

ماده ۴۷۶ در صورت فوت مرتکب در مواردی که خود وی مسئول پرداخت دیه می باشد ، دیه تابع احکام سایر دیون متوفی است .

ماده ۴۷۷ در موارد علم اجمالی به ارتکاب جنایت توسط یک نفر از دو یا چند نفر معین ، در صورت وجود لوث ، بر برخی از اطراف علم اجمالی ، طبق مواد قسامه در این باب عمل می شود و در صورت عدم وجود لوث ، صاحب حق می تواند از متهمان مطالبهٔ سوگند کند که اگر همگی سوگند یاد کنند در خصوص قتل دیه از بیت المال پرداخت می شود و در غیر قتل ، دیه به نسبت مساوی از متهمان دریافت می شود .

تبصره- هرگاه منشأ علم اجمالی ، اقرار متهمان باشد ، حسب مورد اولیای دم یا مجنی علیه مخیرند برای دریافت دیه به هر یک از متهمان مراجعه کنند و در این امر تفاوتی بین جنایت عمدی و غیرعمدی و قتل و غیرقتل نیست .

ماده ۴۷۸ هرگاه همه یا برخی از اطراف علم اجمالی ، از اتیان سوگند یا اقامهٔ قسامه امتناع کنند دیه به طور مساوی بر عهدهٔ امتناع کنندگان ثابت می‌شود و در صورتی که امتناع کننده یکی باشد به تنهایی عهده دار پرداخت دیه خواهد بود . در حکم فوق تفاوتی میان قتل و غیر آن نیست .

ماده ۴۷۹ هرگاه کسی در اثر رفتار عده ای کشته یا مصدوم شود و جنایت ، مستند به برخی از رفتارها باشد و مرتکبِ هر رفتار مشخص نباشد ، همهٔ آنها باید دیهٔ نفس یا دیهٔ صدمات را به طور مساوی بپردازند .

ماده ۴۸۰ در موارد تحقق لوث و امکان اثبات جنایت ، علیه شخصی معین از اطراف علم اجمالی با قسامه ، طبق مقررات قسامه عمل می شود .

ماده ۴۸۱ هرگاه مجنی علیه یا اولیاء دم ادعا کنند که مرتکب شخصی نامعین از دو یا چند نفر معین است ، در صورت تحقق لوث ، مدعی می تواند اقامهٔ قسامه نماید . با اجراء قسامه بر مجرم بودن یکی از آنها ، مرتکب به علم اجمالی مشخص می شود و مفاد مواد فوق اجراء می‌گردد .

ماده ۴۸۲ در موارد علم اجمالی به انتساب جنایت به یکی از دو یا چند نفر و عدم امکان تعیین مرتکب ، چنانچه جنایت ، عمدی باشد قصاص ساقط و حکم به پرداخت دیه می شود .

ماده ۴۸۳ هرگاه کسی اقرار به جنایتِ موجب دیه کند سپس شخص دیگری اقرار کند که مرتکب همان جنایت شده است و علم تفصیلی به کذب یکی از دو اقرار نباشد مدعی مخیر است فقط از یکی از آن دو مطالبهٔ دیه کند .

ماده ۴۸۴ در موارد وقوع قتل و عدم شناسایی قاتل که با تحقق لوث نوبت به قسامه مدعی علیه برسد و او اقامهٔ قسامه کند ، دیه از بیت المال پرداخت می شود و در غیر موارد لوث چنانچه نوبت به سوگند متهم برسد و طبق مقررات بر عدم انجام قتل سوگند بخورد ، دیه از بیت المال پرداخت می شود .

ماده ۴۸۵ هرگاه محکوم به قصاص عفو یا تعزیر یا حد غیرمستوجب سلب حیات در اثر اجرای مجازات کشته شود یا صدمه ای بیش از مجازات مورد حکم به او وارد شود ، چنانچه قتل یا صدمه ، عمدی یا مستند به تقصیر باشد ، مجری حکم ، حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می شود . در غیر این صورت در مورد قصاص و حد ، ضمان منتفی است و در تعزیرات ، دیه از بیت المال پرداخت می شود .

تبصره- چنانچه ورود آسیب اضافی مستند به محکوم علیه باشد ضمان منتفی است .

ماده ۴۸۶ هرگاه پس از اجرای حکم قصاص ، حد یا تعزیر که موجب قتل ، یا صدمهٔ بدنی شده است پرونده در دادگاه صالح طبق مقررات آیین دادرسی ، رسیدگی مجدد شده و عدم صحت آن حکم ثابت شود ، دادگاه رسیدگی کنندهٔ مجدد ، حکم پرداخت دیه از بیت المال را صادر و پرونده را با ذکر مستندات ، جهت رسیدگی به مرجع قضائی مربوط ارسال می نماید تا طبق مقررات رسیدگی شود . در صورت ثبوت عمد یا تقصیر از طرف قاضی صادرکنندهٔ حکم قطعی، وی ضامن است و به حکم مرجع مذکور ، حسب مورد به قصاص یا تعزیر مقرر در « تعزیرات » و بازگرداندن دیه به بیت‌المال محکوم می شود .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آماده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ماده ۴۸۷ اگر شخصی به قتل برسد و قاتل شناخته نشود یا بر اثر ازدحام کشته شود دیه از بیت المال پرداخت می‌گردد .

۵ . مهلت پرداخت دیه

ماده ۴۸۸ مهلت پرداخت دیه ، از زمان وقوع جنایت به ترتیب زیر است ، مگر اینکه به نحو دیگری تراضی شده باشد :

الف–در عمد موجب دیه ، ظرف یک سال قمری

ب– در شبه عمد ، ظرف دو سال قمری

ج–در خطای محض ، ظرف سه سال قمری

تبصره– هرگاه پرداخت کننده در بین مهلت های مقرر نسبت به پرداخت تمام یا قسمتی از دیه اقدام نماید ، محکوم له مکلف به قبول آن است .

ماده ۴۸۹ در جنایت خطای محض ، پرداخت کننده باید ظرف هر سال ، یک سوم دیه و در شبه عمدی ، ظرف هر سال نصف دیه را بپردازد .

ماده ۴۹۰ در صورتی که پرداخت کننده بخواهد هر یک از انواع دیه را پرداخت نماید و یا پرداخت دیه به صورت اقساطی باشد ، معیار ، قیمت زمان پرداخت است مگر آنکه بر یک مبلغ قطعی توافق شده باشد .

ماده ۴۹۱ در مواردی که بین مرتکب جنایت عمدی و اولیاء دم یا مجنی علیه بر گرفتن دیه توافق شود لکن مهلت پرداخت آن مشخص نگردد ، دیه باید ظرف یک سال از حین تراضی پرداخت گردد .

۶ . موجبات ضمان

ماده ۴۹۲ جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجهٔ حاصل شده مستند به رفتار مرتکب باشد ، اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آنها انجام شود .

ماده ۴۹۳ وجود فاصلهٔ زمانی ، میان رفتار مرتکب و نتیجهٔ ناشی از آن ، مانع از تحقق جنایت نیست ؛ مانند فوت ناشی از انتقال عامل بیماری کشنده که حسب مورد موجب قصاص یا دیه است . حکم این ماده و مادهٔ (۴۹۲) این قانون در مورد کلیهٔ جرائم جاری است .

ماده ۴۹۴ مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود .

ماده ۴۹۵ هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می دهد موجب تلف یا صدمهٔ بدنی گردد ، ضامن دیه است ، مگر آنکه عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا اینکه قبل از معالجه برائت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود و چنانچه اخذ برائت از مریض به دلیل نابالغ یا مجنون بودن او ، معتبر نباشد و یا تحصیل برائت از او به دلیل بیهوشی و مانند آن ممکن نگردد ، برائت از ولی مریض تحصیل می شود .

تبصره۱ در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل برای وی ضمان وجود ندارد هرچند برائت اخذ نکرده باشد .

تبصره۲ ولیِ بیمار ، اعم از ولیِ خاص است مانند پدر و ولیِ عام که مقام رهبری است . در موارد فقدان یا عدم دسترسی به ولیِ خاص ، رئیس قوهٔ قضائیه با استیذان از مقام رهبری و تفویض اختیار به دادستان های مربوطه نسبت به اعطاء برائت به طبیب اقدام می نماید .

ماده ۴۹۶ پزشک در معالجاتی که دستور انجام آن را به مریض یا پرستار و مانند آن صادر می نماید ، در صورت تلف یا صدمهٔ بدنی ضامن است مگر آنکه مطابق ماده (۴۹۵) این قانون عمل نماید .

تبصره۱ در موارد مزبور ، هرگاه مریض یا پرستار بداند که دستور اشتباه است و موجب صدمه و تلف می شود و با وجود این به دستور عمل کند ، پزشک ضامن نیست بلکه صدمه و خسارت مستند به خود مریض یا پرستار است .

تبصره۲ در قطع عضو یا جراحات ایجاد شده در معالجات پزشکی طبق مادهٔ (۴۹۵) این قانون عمل می شود .

ماده ۴۹۷ در موارد ضروری که تحصیل برائت ممکن نباشد و پزشک برای نجات مریض ، طبق مقررات اقدام به معالجه نماید، کسی ضامن تلف یا صدمات وارده نیست .

ماده ۴۹۸ هرگاه شیئی که توسط انسان با وسیلهٔ نقلیه حمل می‌گردد به نحوی از انحاء موجب جنایت گردد حمل کننده ضامن دیه است .

ماده ۴۹۹ هرگاه کسی دیگری را بترساند و آن شخص در اثر ترس بی اختیار فرار کند یا بدون اختیار حرکتی از او سر بزند که موجب ایراد صدمه بر خودش یا دیگری گردد ، ترساننده حسب تعاریف جنایات عمدی و غیرعمدی مسئول است .

ماده ۵۰۰ در مواردی که جنایت یا هر نوع خسارت دیگر مستند به رفتار کسی نباشد ، مانند اینکه در اثر علل قهری واقع شود ، ضمان منتفی است .

ماده ۵۰۱ هرگاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا حیوانی مانند سگ را به سوی او برانگیزد یا هر کار دیگری که موجب هراس او می‌گردد ، مانند فریاد کشیدن یا انفجار صوتی انجام دهد و بر اثر این ارعاب ، شخص بمیرد یا مصدوم گردد حسب مورد بر اساس تعاریف انواع جنایات به قصاص یا دیه محکوم می شود .

ماده ۵۰۲ هرگاه کسی خود را از جای بلندی پرت کند و بر روی شخصی بیافتد و سبب جنایت شود بر اساس تعاریف انواع جنایت حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می شود ، لکن اگر فعلی از او سر نزند و به علل قهری همچون طوفان و زلزله پرت شود و به دیگری بخورد و صدمه به او وارد کند ، کسی ضامن نیست .

www.departeman.com تمام جزوات دیارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ماده ۵۰۳ هرگاه کسی دیگری را به روی شخص ثالثی پرت کند و شخص ثالث یا شخص پرت شده بمیرد یا مصدوم گردد ، در صورتی که مشمول تعریف جنایت عمدی نگردد ، جنایت شبه عمدی است .

ماده ۵۰۴ هرگاه راننده ای که با داشتن مهارت و سرعت مجاز و مطمئن و رعایت سایر مقررات در حال حرکت است ، در حالی که قادر به کنترل وسیله نباشد و به کسی که حضورش در آن محل مجاز نیست ، بدون تقصیر برخورد نماید ، ضمان منتفی و در غیر این صورت راننده ضامن است .

تبصره۱ در موارد فوق ، هرگاه عدم رعایت برخی از مقررات رانندگی تأثیری در حادثه نداشته باشد ، به گونه ای که تقصیر مرتکب علت جنایت حاصله نباشد ، راننده ضامن نیست .

تبصره۲ حکم مندرج در این ماده در مورد وسایل و ابزارآلات دیگر نیز جاری است .

ماده ۵۰۵ هرگاه هنگام رانندگی به سبب حوادثی مانند واژگون شدن خودرو و یا برخورد آن با موانع ، سرنشینان خودرو مصدوم یا تلف شوند در صورتی که سبب حادثه ، علل قهری همچون زلزله و سیل نبوده و مستند به راننده باشد ، راننده ضامن دیه است . چنانچه وقوع حادثه مستند به شخص حقیقی یا حقوقی دیگری باشد آن شخص ضامن است .

ماده ۵۰۶ تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود ، به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی شد مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند .

ماده ۵۰۷ هرگاه شخصی در معابر و اماکن عمومی یا ملک دیگری بدون اذن مالک ، گودالی حفر کند یا چیز لغزنده ای در آن قرار دهد و یا هر عملی انجام دهد که سبب آسیب دیگری گردد ، ضامن دیه است مگر اینکه فرد آسیب دیده با علم به آن و امکان اجتناب ، عمداً با آن برخورد نماید .

ماده ۵۰۸ هرگاه شخصی یکی از کارهای مذکور در مادهٔ (۵۰۷) این قانون را در ملک خویش یا مکانی که در تصرف و اختیار اوست، انجام دهد و سبب آسیب دیگری گردد ، ضامن نیست مگر اینکه شخصی را که آگاه به آن نیست به آنجا بخواند و به استناد آن ، جنایتی به وی وارد گردد .

تبصره۱ هرگاه شخص آسیب دیده بدون اذن مالک یا با اذنی که قبل از انجام اعمال مذکور از مالک گرفته ، وارد شود و صاحب ملک از ورود او اطلاع نداشته باشد ، مالک ضامن نیست مگر اینکه صدمه یا تلف به علت اغواء ، سهل انگاری در اطلاع دادن و مانند آن مستند به مالک باشد .

تبصره۲ هرگاه کسی در ملک دیگری و بدون اذن او ، مرتکب یکی از کارهای مذکور در ماده (۵۰۷) این قانون گردد و شخص ثالثی که بدون اذن وارد آن ملک شده است ، آسیب ببیند ، مرتکب عهده دار دیه است ، مگر اینکه بروز حادثه و صدمه مستند به خود مصدوم باشد که در این صورت مرتکب ضامن نیست . مانند اینکه مرتکب علامتی هشداردهنده بگذارد یا درب محل را قفل کند لکن مصدوم بدون توجه به علائم یا با شکستن درب وارد شود .

ماده ۵۰۹ هرگاه کسی در معابر یا اماکن عمومی با رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی عملی به مصلحت عابران انجام دهد و اتفاقاً موجب وقوع جنایت یا خسارت گردد ، ضامن نیست .

ماده ۵۱۰ هرگاه شخصی با انگیزهٔ احسان و کمک به دیگری رفتاری را که به جهت حفظ مال ، جان ، عرض یا ناموس او لازم است ، انجام دهد و همان عمل موجب صدمه و یا خسارت شود در صورت رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی ، ضامن نیست .

ماده ۵۱۱ کسی که در ملک خود یا در مکان یا راهی که توقف در آنجا مجاز است توقف کند یا وسیلهٔ نقلیهٔ خود یا هر شیء مجاز دیگری را در آنجا قرار دهد و شخصی با آنها برخورد کند و مصدوم گردد یا فوت کند ضامن نیست و چنانچه خسارتی بر او یا مالش وارد شود ، برخوردکننده ضامن است.

ماده ۵۱۲ هرگاه شخصی در محل هایی که توقف در آنها مجاز نیست ، توقف نماید یا شیء و یا حیوانی را در این قبیل محل‌ها مستقر سازد یا چیز لغزنده‌ای در آن قرار دهد و دیگری بدون توجه به آنها در اثر برخورد یا لغزش مصدوم شود یا فوت کند یا خسارت مالی ببیند ، شخص متوقف یا کسی که آن شیء یا حیوان را مستقر نموده یا راه را لغزنده کرده است ، ضامن دیه و سایر خسارات می باشد مگر آنکه عابر با وسعت راه و محل عمداً با آن برخورد کند که در این صورت نه فقط خسارت به او تعلق نمی‌گیرد بلکه عهده دار خسارت وارده نیز می شود .

ماده ۵۱۳ هرگاه شخصی را که شبانه و به طور مشکوکی از محل اقامتش فراخوانده و بیرون برده اند ، مفقود شود ، دعوت کننده ، ضامن دیهٔ اوست مگر اینکه ثابت کند که دعوت شده زنده است یا اگر فوت کرده به مرگ عادی یا علل قهری بوده که ارتباطی به او نداشته است یا اگر کشته شده دیگری او را به قتل رسانده است . این حکم در مورد کسی که با حیله یا تهدید یا هر طریق دیگری ، کسی را برباید و یا شخص مفقود گردد نیز جاری است .

تبصره- هرگاه پس از دریافت دیه ، مشخص شود که شخص مفقود زنده است و یا قاتل شناسایی گردد ، دیه مسترد می گردد و چنانچه ثابت شود که دعوت کننده شخص مفقود را عمداً کشته است قصاص ثابت می شود .

ماده ۵۱۴ هرگاه در اثر علل قهری مانند سیل و زلزله مانعی به وجود آید و موجب آسیب گردد ، هیچ کس ضامن نیست ، اگرچه شخص یا اشخاصی تمکن برطرف کردن آنها را داشته باشند و اگر سیل یا مانند آن ، چیزی را به همراه آورد و لکن کسی آن را در جایی نامناسب مانند جای اول یا در جای بدتری قرار دهد که موجب آسیب شود ، عهده دار دیه است و اگر آن را از جای نامناسب بردارد و در جهت مصلحت عابرین در جای نامناسب تری قرار دهد ضامن نیست.

تبصره۱ هرگاه مانع مزبور توسط شخصی به وجود آمده باشد تغییردهندهٔ وضعیت به حالت مناسب تر نیز ضامن نیست .

تبصره۲ افراد یا دستگاههایی که مسئولیت اصلاح یا رفع آثار این گونه حوادث را بر عهده دارند ، در صورت تقصیر یا قصور قابل استناد در انجام وظیفه ، ضامن می باشند .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ماده ۵۱۵ هرگاه قرار دادن کالا در خارج مغازه یا توقف اتومبیل در مقابل منزل و امثال آن عرف و عادت شده باشد ، گذارندهٔ کالا یا متوقف کنندهٔ اتومبیل در صورت عدم منع قانونی و عریض بودن معبر و عدم ایجاد مزاحمت برای عابران ضامن زیان های وارده نیست .

ماده ۵۱۶ هرگاه کسی چیزی را در مکانی مانند دیوار یا بالکن ملک خود که قراردادن اشیاء در آن جایز است ، قرار دهد و در اثر حوادث پیش بینی نشده به معبر عام و یا ملک دیگری بیفتد و موجب صدمه یا خسارت شود ضمان منتفی است ، مگر آنکه آن را طوری گذاشته باشد که نوعاً مستعد صدمه یا خسارت باشد .

ماده ۵۱۷ اگر مالک یا کسی که عهده دار احداث ملکی است بنایی را به نحو مجاز بسازد یا بالکن و مانند آن را با رعایت نکات ایمنی و ضوابط فنی که در استحکام بنا لازم است در محل مجاز احداث کند و اتفاقاً موجب آسیب یا خسارت گردد ، ضامن نیست .

تبصره- اگر عمل غیرمجاز به گونه ای باشد که نتوان آن را به مالک مستند نمود مانند آنکه مستند به مهندسین ذیربط ساختمان باشد ضمان از مالک منتفی و کسی که عمل مذکور مستند به اوست ضامن است .

ماده ۵۱۸ هرگاه شخصی بنا یا دیواری را بر پایهٔ محکم و با رعایت مقرراتی که در استحکام بنا و ایمنی لازم است احداث نماید ، لکن به علّت حوادث پیش بینی نشده ، مانند زلزله یا سیل ، سقوط کند و موجب آسیب گردد ، ضامن نیست و چنانچه دیوار یا بنا را به سمت ملک خود احداث نماید که اگر سقوط کند طبعاً در ملک خود ، سقوط می کند ، لکن اتفاقاً به سمت دیگری سقوط نماید و موجب آسیب گردد ، ضامن نیست .

ماده ۵۱۹ هرگاه دیوار یا بنایی که بر پایهٔ استوار و غیرمتمایل احداث شده است در معرض ریزش قرار گیرد یا متمایل به سقوط به سمت ملک دیگری یا معبر گردد ، اگر قبل از آنکه مالک تمکن اصلاح یا خراب کردن آن را پیدا کند ساقط شود و موجب آسیب گردد ، ضمان منتفی است ، مشروط به آنکه به نحو مقتضی افراد در معرض آسیب را از وجود خطر آگاه کرده باشد . چنانچه مالک با وجود تمکن از اصلاح یا رفع یا آگاه سازی و جلوگیری از وقوع آسیب ، سهل انگاری نماید ، ضامن است .

تبصره- هرگاه دیوار یا بنایی که ساقط شده متعلق به صغیر یا مجنون باشد ، ولیِ او ضامن است ، یا بنای مذکور از بناهای عمومی و دولتی باشد ، متولی و مسئول آن ضامن است .

ماده ۵۲۰ هرگاه شخصی دیوار یا بنای دیگری را بدون اذن او متمایل به سقوط نماید ، عهده دار صدمه و خسارت ناشی از سقوط آن است .

ماده ۵۲۱ هرگاه شخصی در ملک خود یا مکان مجاز دیگری ، آتشی روشن کند و بداند که به جایی سرایت نمی کند و غالباً نیز سرایت نکند لکن اتفاقاً به جایی دیگر سرایت کرده و موجب خسارت و صدمه گردد ضمان ثابت نیست و در غیر این صورت ضامن است .

ماده ۵۲۲ متصرف هر حیوانی که از احتمال حملهٔ آن آگاه است باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر تقصیر او ، حیوان مزبور به دیگری صدمه وارد سازد ، ضامن است . ولی اگر از احتمال حملهٔ حیوان آگاه نبوده و عدم آگاهی ناشی از تقصیر او نباشد ، ضامن نیست .

تبصره۱ نگهداری حیوانی که شخص توانایی حفظ آن را ندارد ، تقصیر محسوب می شود .

تبصره۲ نگهداری هر وسیله یا شیء خطرناکی که دیگران را در معرض آسیب قرار دهد و شخص قادر به حفظ و جلوگیری از آسیب رسانی آن نباشد ، مشمول حکم تبصرهٔ (۱) این ماده است .

ماده ۵۲۳ هرگاه شخصی با اذن کسی که حق اذن دارد ، وارد منزل یا محلی که در تصرف اوست ، گردد و از ناحیهٔ حیوان یا شیئی که در آن مکان است صدمه و خسارت ببیند ، اذن دهنده ضامن است ، خواه آن شیء یا حیوان قبل از اذن در آن محل بوده یا بعداً در آن قرار گرفته باشد و خواه اذن دهنده نسبت به آسیب رسانی آن علم داشته باشد خواه نداشته باشد .

تبصره- در مواردی که آسیب مستند به مصدوم باشد مانند آنکه وارد شونده بداند حیوان مزبور خطرناک است و اذن دهنده از آن آگاه نیست و یا قادر به رفع خطر نمی باشد ، ضمان منتفی است .

ماده ۵۲۴ هرگاه کسی که سوار حیوان است آن را در معابر عمومی یا دیگر محل های غیرمجاز متوقف نماید در مورد تمام خسارت هایی که آن حیوان وارد می کند و مستند به فعل شخص مزبور می باشد ضامن است و چنانچه مهار حیوان در دست دیگری باشد مهارکننده به ترتیب فوق ضامن است .

ماده ۵۲۵ هرگاه شخصی عملی انجام دهد که موجب تحریک و یا وحشت حیوان گردد ضامن جنایت هایی است که حیوان در اثر تحریک یا وحشت وارد می کند ، مگر آنکه عمل مزبور مصداق دفاع مشروع باشد .

ماده ۵۲۶ هرگاه دو یا چند عامل ، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی ، تأثیر داشته باشند ، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد ، به طور مساوی ضامن می باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئولند . در صورتی که مباشر در جنایت بی اختیار ، جاهل ، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب ، ضامن است .

ماده ۵۲۷ هرگاه دو نفر بر اثر برخورد بی واسطه با یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند ، چنانچه میزان تأثیر آنها در برخورد ، مساوی باشد در مورد جنایت شبه عمدی نصف دیهٔ هر کدام از مال دیگری و در مورد خطاء محض نصف دیهٔ هر کدام به وسیلهٔ عاقلهٔ دیگری پرداخت می شود و اگر تنها یکی از آنها کشته شود یا آسیب ببیند ، حسب مورد عاقله یا خود مرتکب ، نصف دیه را باید به مجنی علیه یا اولیاء دم او بپردازند .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که منابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ماده ۵۲۸ هرگاه در اثر برخورد دو وسیلهٔ نقلیهٔ زمینی ، آبی یا هوایی ، راننده یا سرنشینان آنها کشته شوند یا آسیب ببینند در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده ، هر یک مسئول نصف دیهٔ رانندهٔ مقابل و سرنشینان هر دو وسیلهٔ نقلیه است و چنانچه سه وسیلهٔ نقلیه با هم برخورد کنند هر یک از رانندگان مسئول یک سوم دیهٔ راننده های مقابل و سرنشینان هر سه وسیلهٔ نقلیه می‌باشد و به همین صورت در وسایل نقلیهٔ بیشتر ، محاسبه می شود و هرگاه یکی از طرفین مقصر باشد به گونه ای که برخورد به او مستند باشد ، فقط او ضامن است .

ماده ۵۲۹ در کلیهٔ مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است ، دادگاه موظف است استناد نتیجهٔ حاصله به تقصیر مرتکب را احراز نماید .

ماده ۵۳۰ هرگاه برخورد بین دو یا چند نفر یا وسیلهٔ نقلیه بر اثر عوامل قهری مانند سیل و طوفان به وجود آید ، ضمان منتفی است .

ماده ۵۳۱ در موارد برخورد ، هرگاه حادثه به یکی از طرفین مستند باشد مثل اینکه حرکت یکی از طرفین به قدری ضعیف باشد که اثری بر آن مترتب نگردد ، تنها دربارهٔ طرفی که حادثه مستند به اوست ، ضمان ثابت است .

ماده ۵۳۲ در برخورد دو وسیلهٔ نقلیه ، هرگاه رفتار هر دو یا یکی از آنها مشمول تعریف جنایات عمدی گردد حسب مورد حکم به قصاص یا دیه می شود .

ماده ۵۳۳ هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند ، به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد ، به طور مساوی ضامن می باشند .

ماده ۵۳۴ هرگاه بر اثر ایجاد مانع یا سببی دو یا چندنفر یا وسیلهٔ نقلیه با هم برخورد کنند و به علّت برخورد آسیب ببینند و یا کشته شوند ، مسبب ضامن است .

ماده ۵۳۵ هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد ، ضامن است مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت ، کسی که سنگ را گذاشته ، ضامن است . مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می شود .

ماده ۵۳۶ هرگاه در مورد ماده (۵۳۵) این قانون عمل یکی از دو نفر غیرمجاز و عمل دیگری مجاز باشد مانند آنکه شخصی وسیله یا چیزی را در کنار معبر عمومی که مجاز است ، قرار دهد و دیگری کنار آن چاهی حفر کند که مجاز نیست ، شخصی که عملش غیرمجاز بوده ، ضامن است . اگر عمل شخصی پس از عمل نفر اول و با توجه به اینکه ایجاد آن سبب در کنار سبب اول موجب صدمه زدن به دیگران می شود انجام گرفته باشد ، نفر دوم ضامن است .

ماده ۵۳۷ در کلیهٔ موارد مذکور در این فصل هرگاه جنایت منحصراً مستند به عمد و یا تقصیر مجنی علیه باشد ضمان ثابت نیست . در مواردی که اصل جنایت مستند به عمد یا تقصیر مرتکب باشد لکن سرایت آن مستند به عمد یا تقصیر مجنی علیه باشد مرتکب نسبت به مورد سرایت ضامن نیست .

۷. تداخل و تعدد دیات

ماده ۵۳۸ در تعدد جنایات ، اصل بر تعدد دیات و عدم تداخل آنهاست مگر مواردی که در این قانون خلاف آن مقرر شده است .

ماده ۵۳۹ هرگاه مجنی علیه در اثر سرایت صدمه یا صدمات غیرعمدی فوت نماید یا عضوی از اعضاء او قطع شود یا آسیب بزرگتری ببیند به ترتیب ذیل دیه تعیین می شود :

الف- در صورتی که صدمهٔ وارده یکی باشد ، تنها دیهٔ نفس یا عضو یا آسیب بزرگتر ثابت می شود .

ب- در صورت تعدد صدمات چنانچه مرگ یا قطع عضو یا آسیب بیشتر ، در اثر سرایت تمام صدمات باشد ، تنها دیهٔ نفس یا عضو یا آسیب بزرگتر ثابت می شود و اگر مرگ یا قطع عضو یا آسیب بزرگتر در اثر سرایت برخی از صدمات باشد ، دیهٔ صدمات مسری در دیهٔ نفس یا عضو یا آسیب بزرگتر تداخل می‌کند و دیهٔ صدمات غیرمسری ، جداگانه محاسبه و مورد حکم واقع می شود .

ماده ۵۴۰ هرگاه صدمهٔ وارده عمدی باشد و نوعاً کشنده یا موجب قطع عضو یا آسیب بیشتر نباشد لکن اتفاقاً سرایت کند ، علاوه بر حق قصاص یا دیه، نسبت به جنایت عمدی کمتر حسب مورد دیهٔ جنایت بیشتر نیز باید پرداخت شود ، مانند اینکه شخصی عمداً انگشت دیگری را قطع کند و اتفاقاً این قطع سرایت کند و موجب فوت مجنی علیه یا قطع دست او گردد ، علاوه بر حق قصاص یا دیهٔ انگشت ، حسب مورد دیهٔ نفس یا دیهٔ دست مجنی علیه نیز باید پرداخت شود .

ماده ۵۴۱ هرگاه در اثر یک ضربه یا هر رفتار دیگر ، آسیب های متعدد در اعضاء بدن به وجود آید ، چنانچه هر یک از اعضاء مختلف باشد یا همه در یک عضو بوده ولی نوع هر آسیبی غیر از نوع دیگری باشد و یا از یک نوع بوده و لکن در دو یا چند محل جداگانه از یک عضو باشد ، هر آسیب دیهٔ جداگانه دارد .

ماده ۵۴۲ هرگاه در اثر رفتارهای متعدد ، آسیب های متعدد ایجاد شود ، هر آسیبی دیهٔ جداگانه دارد .

ماده ۵۴۳ در صورت وجود مجموع شرایط چهارگانهٔ ذیل ، دیهٔ آسیب های متعدد ، تداخل می‌کند و تنها دیهٔ یک آسیب ثابت می شود :

الف- همه آسیب های ایجاد شده مانند شکستگی های متعدد یا جراحات متعدد از یک نوع باشد ؛

ب- آسیب ها همه در یک عضو باشد ؛

ج- آسیب ها متصل به هم یا به گونه ای نزدیک به هم باشد که عرفاً یک آسیب محسوب شود ؛

د- مجموع آسیب ها با یک رفتار مرتکب به وجود آید .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آماده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ماده ۵۴۴ هرگاه در اثر یک یا چند رفتار منافع متعدد زایل یا ناقص شود مانند اینکه در اثر ضربه به سر ، بینایی و شنوایی و عقل کسی از بین برود یا کم شود ، هر یک دیهٔ جداگانه دارد .

ماده ۵۴۵ هرگاه منفعتی قائم به عضوی باشد ، در جنایت بر آن عضو که منجر به زوال یا اختلال منفعت گردد تنها دیهٔ بیشتر ثابت می شود . ولی اگر منفعت قائم به آن عضو نبوده و میان از بین رفتن عضو و زوال منفعت ملازمه نباشد ، اگر چه وجود آن عضو در تقویت و تسهیل منفعت مؤثر باشد ، مانند لالهٔ گوش و بینی که در تقویت شنوایی و بویایی مؤثرند ، و به سبب قطع لالهٔ گوش یا بینی ، شنوایی یا بویایی نیز زایل یا ناقص گردد ، هر کدام دیهٔ جداگانه دارد .

ماده ۵۴۶ چنانچه به سبب ایراد ضربه یا جراحت ، صدمهٔ بزرگتری به وجود آید مانند اینکه با شکستن سر ، عقل زایل شود ، هرگاه آن جراحت علّت و سبب زوال یا نقصان منفعت باشد اگر با یک ضربه یا جراحت واقع شده باشد دیهٔ ضربه یا جراحت در دیهٔ بیشتر تداخل می کند و تنها دیهٔ زوال یا نقصان منفعت که بیشتر است پرداخت می شود و چنانچه زوال منفعت یا نقصان آن با ضربه یا جراحت دیگری غیر از ضربه ای که جراحت را ایجاد کرده است، واقع شده باشد و یا ضربه یا جراحت وارده علت زوال یا نقصان منفعت به گونه ای که لازم و ملزوم یکدیگرند ، نباشد و اتفاقاً با آن ضربه و جراحت ، منفعت نیز زایل گردد یا نقصان یابد ، ضربه یا جراحت و منفعت ، هر کدام دیهٔ جداگانه دارد .

ماده ۵۴۷ هرگاه جراحت عمیقی مانند منقله و یا جائفه یکباره واقع شود ، تنها دیهٔ همان جراحت عمیق پرداخت می شود و اگر به تدریج واقع شود یعنی ابتدا جراحت خفیف تر مانند موضحه و سپس جراحت شدیدتر مانند منقله ایجاد شود ، چنانچه به سبب سرایت جراحت اول باشد تنها دیهٔ جراحت شدیدتر پرداخت می شود و در صورتی که سبب ضربه دیگری باشد ، خواه دو ضربه از یک نفر باشد خواه از چند نفر هر یک از دو جراحت دیهٔ جداگانه دارد .

ماده ۵۴۸ در اعضاء و منافع ، مقدار ارش یک جنایت ، بیش از دیه مقدر برای آن عضو یا منفعت نیست و چنانچه به سبب آن جنایت ، منفعت یا عضو دیگری از بین رود یا عیبی در آنها ایجاد شود ، برای هر آسیب دیهٔ جداگانه‌ای تعیین می‌گردد .

ب – مقادیر دیه

۱. دیهٔ نفس

ماده ۵۴۹ موارد دیهٔ کامل همان است که در مقررات شرع تعیین شده است و میزان آن در ابتدای هر سال توسط رئیس قوهٔ قضائیه به تفصیل بر اساس نظر مقام رهبری تعیین و اعلام می شود .

ماده ۵۵۰ دیهٔ قتل زن ، نصف دیهٔ مرد است .

ماده ۵۵۱ دیهٔ خنثای ملحق به مرد ، دیهٔ مرد و دیهٔ خنثای ملحق به زن ، دیهٔ زن و دیهٔ خنثای مشکل ، نصف دیهٔ مرد به علاوه نصف دیهٔ زن است .

تبصره– در کلیهٔ جنایاتی که مجنی علیه مرد نیست ، معادل تفاوت دیه تا سقف دیهٔ مرد از صندوق جبران خسارت های بدنی پرداخت می شود .

ماده ۵۵۲ شخص متولد از زنا ، در صورتی که هر دو یا یکی از طرفین زنا مسلمان باشند ، در احکام دیه مانند مسلمان است .

ماده ۵۵۳ وارث دیهٔ شخص متولد از زنا ، در صورتی که فرزند و همسر نداشته باشد و زنا از هر دو طرف با رضایت صورت گرفته باشد ، مقام رهبری است و چنانچه یکی از طرفین شبهه داشته یا اکراه شده باشد ، همان طرف یا اقوام او ، وارث دیه می باشند .

ماده ۵۵۴ بر اساس نظر حکومتی مقام رهبری ، دیهٔ جنایت بر اقلیت های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اندازهٔ دیهٔ مسلمان تعیین می‌گردد.

ماده ۵۵۵ هرگاه رفتار مرتکب و فوت مجنی علیه هر دو در ماههای حرام (رجب ، ذی القعده ، ذی الحجه و محرم) یا در محدودهٔ حرم مکه ، واقع شود، خواه جنایت عمدی خواه غیرعمدی باشد ، علاوه بر دیهٔ نفس ، یک سوم دیه نیز افزوده می گردد . سایر مکان ها و زمان های مقدس و متبرک مشمول حکم تغلیظ دیه نیست .

تبصره– معیار شروع و پایان ماههای حرام ، مغرب شرعی است . مانند ماه رجب که از غروب آفتاب آخرین روز ماه جمادی الثانی ، شروع و با غروب آفتاب آخرین روز ماه رجب به پایان می رسد .

ماده ۵۵۶ در حکم تغلیظ دیه فرقی میان بالغ و غیربالغ ، زن و مرد و مسلمان و غیرمسلمان نیست . سقط جنین نیز پس از پیدایش روح ، مشمول حکم تغلیظ است . تغلیظ دیه ، در مواردی که عاقله یا بیت المال پرداخت کنندهٔ دیه باشد نیز جاری است . در قتل عمدی که به علت عدم امکان قصاص یا عدم جواز آن دیه پرداخت می شود نیز این حکم جاری است .

ماده ۵۵۷ تغلیظ دیه مخصوص قتل نفس است و در جنایت بر اعضاء و منافع جاری نیست .

۲. قواعد عمومی دیهٔ اعضاء

ماده ۵۵۸ در جنایت غیرعمدی بر اعضاء و جنایت عمدی که قصاص ندارد یا قصاص در آن ممکن نیست یا بر دیه مصالحه شده و مقدار آن مشخص نشده است به شرح مقرر در این قانون ، دیه ثابت می شود .

ماده ۵۵۹ هرگاه در اثر جنایت صدمه ای بر عضو یا منافع آن وارد آید چنانچه برای آن جنایت در شرع دیه مقدر یا نسبت معینی از آن به شرح مندرج در این قانون مقرر شده باشد مقدار مقرر و چنانچه شرعاً مقدار خاصی برای آن تعیین نشده ارش آن قابل مطالبه است .

ماده ۵۶۰ دیهٔ زن و مرد در اعضاء و منافع تا کمتر از ثلث دیهٔ کامل مرد یکسان است و چنانچه ثلث یا بیشتر شود دیهٔ زن به نصف تقلیل می یابد .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ماده ۵۶۱ هرگاه در اثر یک یا چند ضربه ، آسیب های متعددی بر یک یا چند عضو وارد شود ، ملاک رسیدن دیه به ثلث ، دیهٔ هر آسیب به طور جداگانه است ، مگر اینکه آسیب های وارد بر عضو ، عرفاً یک آسیب و جنایت محسوب شود .

ماده ۵۶۲ در موارد ارش فرقی میان زن و مرد نیست لکن میزان ارش جنایت وارده بر اعضاء و منافع زن نباید بیش از دیهٔ اعضاء و منافع او باشد ، اگرچه مساوی با ارش همان جنایت در مرد باشد .

ماده ۵۶۳ از بین بردن هر یک از اعضاء فرد و هر دو عضو از اعضاء زوج دیهٔ کامل و از بین بردن هر یک از اعضاء زوج نصف دیهٔ کامل خواهد داشت. خواه عضو مزبور از اعضاء داخلی بدن باشد خواه از اعضاء ظاهری ، مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد .

ماده ۵۶۴ فلج کردن عضو دارای دیهٔ معین ، دو سوم دیهٔ آن عضو و از بین بردن عضو فلج ، یک سوم دیهٔ همان عضو را دارد . در فلج کردن نسبی عضو که درصدی از کارایی آن از بین می رود ، با توجه به کارایی از دست رفته ، ارش تعیین می گردد .

ماده ۵۶۵ از بین بردن قسمتی از عضو یا منفعت دارای دیهٔ مقدر به همان نسبت دیه دارد به این ترتیب که از بین بردن نصف آن به میزان نصف و از بین بردن یک سوم آن به میزان یک سوم دیه خواهد داشت مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد .

تبصره۱ در مواردی که نسبت از بین رفته قابل تشخیص نباشد ، ارش تعیین می شود .

تبصره۲ هرگاه جنایت ، عضو را در وضعیتی قرار دهد که به تشخیص کارشناس مجنی علیه ناگزیر از قطع آن باشد دیه قطع عضو ثابت می شود .

ماده ۵۶۶ دیهٔ اعضائی که با پیوند و امثال آن در محل عضو از بین رفته قرار گرفته و مانند عضو اصلی دارای حیات می شوند به میزان دیهٔ عضو اصلی است و اگر دارای حیات گردد ولی از جهت دیگری معیوب شود ، دیهٔ عضو معیوب را دارد . از بین بردن اعضاء مصنوعی ، تنها موجب ضمان مالی است .

ماده ۵۶۷ در مواردی که رفتار مرتکب نه موجب آسیب و عیبی در بدن گردد و نه اثری از خود در بدن برجای بگذارد ضمان منتفی است لکن در موارد عمدی در صورت عدم تصالح ، مرتکب به حبس یا شلاق تعزیری درجهٔ هفت محکوم می شود .

ماده ۵۶۸ در شکستگی عضوی که دارای دیهٔ مقدر است ، چنانچه پس از جنایت به گونه ای اصلاح شود که هیچ عیب و نقصی در آن باقی نماند ، چهار بیست و پنجم دیهٔ آن عضو ثابت است و چنانچه با عیب و نقص اصلاح شود ، یا برای آن عضو دیهٔ مقدری نباشد ، ارش ثابت است مگر در مواردی که در این قانون خلاف آن مقرر شده باشد .

ماده ۵۶۹ دیهٔ شکستن ، ترک برداشتن و خرد شدن استخوان هر عضو دارای دیهٔ مقدر به شرح زیر است :

الف- دیهٔ شکستن استخوان هر عضو یک پنجم دیهٔ آن عضو و اگر بدون عیب درمان شود چهارپنجم دیهٔ شکستن آن است .

ب- دیهٔ خرد شدن استخوان هر عضو یک سوم دیهٔ آن عضو و اگر بدون عیب درمان شود چهارپنجم دیهٔ خرد شدن آن استخوان است .

پ- دیهٔ ترک برداشتن استخوان هر عضو چهارپنجم دیهٔ شکستن آن عضو است .

ت- دیهٔ جراحتی که به استخوان نفوذ کند بدون آنکه موجب شکستگی آن گردد و نیز دیهٔ موضحهٔ آن ، یک چهارم دیهٔ شکستگی آن عضو است .

ماده ۵۷۰ هرگاه یک استخوان از چند نقطه جدای از هم بشکند یا خرد شود یا ترک بخورد ، در صورتی که عرفاً جنایت های متعدد محسوب گردد ، هر یک دیهٔ جداگانه ای خواهد داشت هرچند با یک ضربه به وجود آید و مجموع دیهٔ جنایت های مزبور از دیهٔ عضو هم بیشتر باشد .

ماده ۵۷۱ دررفتگی استخوان از مفصل ، در صورتی که موجب شل یا از کارافتادگی کامل عضو نگردد ، موجب ارش و در غیر این صورت موجب دو سوم دیهٔ همان عضو و در صورت درمان بدون عیب موجب چهارپنجم از دو سوم دیهٔ آن عضو می‌باشد .

ماده ۵۷۲ هرگاه در اثر جنایتی تکهٔ کوچکی از استخوان از آن جدا شود ، دیهٔ شکستگی ثابت است .

ماده ۵۷۳ هرگاه صدمه بر استخوان ، موجب نقص عضو یا صدمهٔ دیگری گردد ، هر یک دیهٔ جداگانه ای دارد .

ماده ۵۷۴ هرگاه بر اثر یک یا چند ضربه ، علاوه بر دررفتگی مفصل ، استخوان نیز بشکند یا ترک بخورد ، دو جنایت محسوب می شود و هر یک دیه یا ارش جداگانه دارد. اگر بر اثر ضربه ای هم استخوان بشکند و هم جراحتی مانند موضحه یا نافذه و یا جائفه در بدن ایجاد شود نیز این حکم جاری است .

ماده ۵۷۵ پیوند خوردن عضو پس از جنایت تأثیری در دیه ندارد .

۳. دیهٔ مقدر اعضاء

دیهٔ مو

ماده ۵۷۶ کندن و یا از بین بردن تمام موی سر یا ریش مرد ، در صورتی که دیگر نروید ، دیهٔ کامل دارد و اگر دوباره بروید ، نسبت به موی سر ارش و نسبت به ریش یک سوم دیهٔ کامل ثابت است . در این حکم فرقی میان موی کم پشت و پرپشت و کودک و بزرگسال نیست .

ماده ۵۷۷ کندن و یا از بین بردن تمام موی سر زن ، در صورتی که دیگر نروید ، موجب دیهٔ کامل زن و اگر دوباره بروید ، موجب مهرالمثل است . در این حکم فرقی میان موی کم پشت و کودک بزرگسال نیست .

تبصره- اگر مهرالمثل بیش از دیهٔ کامل زن باشد فقط به مقدار دیهٔ کامل زن ، پرداخت می شود .

ماده ۵۷۸ چنانچه قسمتی از موی سر مرد یا زن یا ریش مرد طوری از بین برود که دیگر نروید ، باید به نسبت ، دیه پرداخت شود و اگر دوباره بروید ، در موی سر مرد ، ارش و در ریش به نسبت از یک سوم دیهٔ کامل و در موی سر زن به همان نسبت از مهرالمثل ، باید دیه پرداخت شود .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی معمور به مهر سبزی هستند که منابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ماده ۵۷۹ کندن موی سر زن یا مرد یا ریش مرد ، چنانچه با رضایت شخص یا در مواردی که اذن شخص معتبر نیست ، با رضایت ولی او باشد یا به جهت ضرورت های پزشکی لازم باشد ، دیه یا ارش ندارد .

ماده ۵۸۰ تشخیص روییدن و نروییدن مو با کارشناس مورد وثوق است . چنانچه نظر کارشناس بر نروییدن باشد و دیه پرداخت شود ، ولی پس از آن خلاف نظر او ثابت گردد ، باید مازاد بر ارش یا یک سوم دیه و یا مهرالمثل ، حسب مورد به پرداخت کنندهٔ دیه ، مسترد شود و اگر نظر کارشناس بر روییدن باشد و ارش یا یک سوم دیه و یا مهرالمثل ، حسب مورد پرداخت شود ولی خلاف نظر او ثابت گردد ، باید مابه التفاوت آن ، پرداخت شود .

ماده ۵۸۱ کندن و یا از بین بردن هر یک از ابروها ، اگر بدون رضایت شخص یا ولی او در مواردی که اذن شخص معتبر نیست و یا بدون ضرورت تجویزکننده باشد یک چهارم دیهٔ کامل دارد و اگر دوباره بروید ، موجب ارش است و اگر مقداری از آن بروید نسبت به مقداری که روییده ، ارش و نسبت به مقداری که نروییده ، دیه با احتساب مقدار مساحت ، تعیین می شود.

ماده ۵۸۲ اگر مقداری از موی سر ، ریش و ابرو پیش از جنایت از بین رفته باشد ، زایل کردن باقی ماندهٔ آنها ، حکم از بین بردن قسمتی از مو را دارد .

ماده ۵۸۳ هرگاه با از بین بردن عضو یا پوست و مانند آن ، موی سر ، ریش یا ابرو از بین برود ، علاوه بر دیهٔ مو یا ریش یا ابرو ، حسب مورد دیه یا ارش جنایت نیز پرداخت می شود .

ماده ۵۸۴ از بین بردن تمام یا قسمتی از موی پلک یا سایر موهای بدن در صورت بروز عیب و نقص موجب ارش است ، خواه بروید خواه نروید و چنانچه با از بین بردن عضو یا کندن پوست و مانند آن باشد ، تنها دیه یا ارش محل مو پرداخت می شود .

ماده ۵۸۵ هرگاه موی سر مرد یا زن یا ریش مرد که از بین رفته است با عیب و نقص بروید مانند آنکه رنگ یا حالت طبیعی آن تغییر کند یا کم پشت بروید ، ارش ثابت است . مقدار ارش مزبور در مورد ریش باید بیشتر از یک سوم دیهٔ کامل و در مورد موی سر مرد ، بیشتر از ارشی باشد که در صورت رویش بدون عیب تعیین می شود . در مورد موی سر زن نیز علاوه بر ارش یا ثلث دیه یا مهرالمثل حسب مورد باید ارش دیگری برای عیب حاصله پرداخت شود .

ماده ۵۸۶ ملاک مسئولیت صدمه به مو ، از بین بردن آن است و شیوهٔ از بین بردن مانند کندن یا سوزاندن ، تأثیری در حکم ندارد .

دیهٔ چشم

ماده ۵۸۷ درآوردن و یا از بین بردن دو چشم بینا دیهٔ کامل و هر یک از آنها نصف دیه دارد . چشم هایی که بینایی دارند در این حکم یکسانند هرچند میزان بینایی آنها متفاوت باشد یا از جهات دیگر مانند شب کوری و منحرف بودن با هم فرق داشته باشند .

تبصره- هرگاه لکهٔ دائمی موجود در چشم مانع بینایی قسمتی از چشم گردد ، در صورتی که تعیین مقدار آن ممکن باشد ، به همان نسبت از دیه کسر و در غیر این صورت ، ارش پرداخت می شود .

ماده ۵۸۸ درآوردن یا از بین بردن چشم بینای کسی که فقط یک چشم بینا دارد و چشم دیگرش نابینای مادرزادی بوده و یا به علل غیرجنایی از بین رفته باشد موجب دیهٔ کامل است لکن اگرچشم دیگرش را در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیهٔ آن را داشته از دست داده باشد دیهٔ چشم بینا ، نصف دیهٔ کامل می باشد .

ماده ۵۸۹ دیهٔ درآوردن و یا از بین بردن هر چشمی که بینایی ندارد یک ششم دیه کامل است .

ماده ۵۹۰ دیهٔ مجموع چهار پلک دو چشم ، دیهٔ کامل است و دیهٔ پلک های بالا یک ششم دیهٔ کامل و دیهٔ پلک های پایین یک چهارم دیهٔ کامل است .

تبصره- هرگاه کسی چشم و پلک را یکجا از بین ببرد ، هر یک دیهٔ جداگانه دارد .

ماده ۵۹۱ شکافتن هر یک از پلک های بالا ، موجب یک ششم دیه و شکافتن هر یک از پلک های پایین ، موجب یک چهارم دیه است .

دیهٔ بینی

ماده ۵۹۲ قطع کردن و یا از بین بردن تمام بینی یا نرمه ای که پایین استخوان بینی است دیهٔ کامل دارد . از بین بردن تمام نرمه با تمام یا مقداری از استخوان بینی در صورتی که در یک دفعه باشد ، موجب دیهٔ کامل است لکن اگر نرمهٔ بینی در یک دفعه و تمام یا مقداری از استخوان بینی در دفعهٔ دیگر از بین برود ، برای نرمه دیه کامل و برای استخوان ، ارش تعیین می شود .

ماده ۵۹۳ شکستن استخوان بینی در صورتی که موجب فساد بینی و از بین رفتن آن شود ، دیهٔ کامل دارد و چنانچه بدون عیب و نقص اصلاح شود ، موجب یک دهم دیهٔ کامل و اگر با عیب و نقص بهبود پیدا کند ، موجب ارش است . در کج شدن بینی یا شکستن استخوان بینی که منجر به فساد آن نشود ، ارش ثابت می شود .

ماده ۵۹۴ از بین بردن هر یک از پره های بینی یا پردهٔ میان دو سوراخ ، موجب یک سوم دیهٔ کامل است .

ماده ۵۹۵ فلج کردن بینی ، موجب دو سوم دیهٔ کامل و از بین بردن بینی فلج ، موجب یک سوم دیهٔ کامل است .

ماده ۵۹۶ سوراخ کردن هر دو طرف بینی و پردهٔ فاصل میان آن ، خواه با پارگی همراه باشد خواه نباشد ، در صورتی که باعث از بین رفتن بینی یا نوک آن نشود ، موجب یک سوم دیهٔ کامل است و اگر بهبود یابد ، موجب یک پنجم دیهٔ کامل است .

ماده ۵۹۷ دیهٔ سوراخ کردن یک طرف بینی در صورتی که بهبود نیابد یک نهم دیهٔ کامل و در صورتی که بهبود یابد ، یک بیستم دیهٔ کامل است و دیهٔ سوراخ کردن یک طرف بینی با پردهٔ وسط آن در صورتی که بهبود نیابد دونهم دیهٔ کامل و در صورتی که بهبود یابد ، یک پانزدهم دیهٔ کامل است.

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که منابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ماده ۵۹۸ دیهٔ پاره کردن بینی در صورتی که سبب از بین رفتن بینی یا نوک آن نشود ، یک سوم دیهٔ کامل و اگر بهبود یابد یک دهم دیهٔ کامل است .

ماده ۵۹۹ دیه از بین بردن نوک بینی که محل چکیدن خون است ، نصف دیهٔ کامل می باشد .

دیه لاله گوش

ماده ۶۰۰ از بین بردن دو لالهٔ گوش ، دیهٔ کامل و از بین بردن هر یک از آنها نصف دیهٔ کامل دارد .

تبصره- از بین بردن نرمه هر گوش ، موجب یک ششم دیهٔ کامل است .

ماده ۶۰۱ پاره کردن لالهٔ یک گوش ، موجب یک ششم دیهٔ کامل و پاره کردن نرمهٔ یک گوش ، موجب یک نهم دیهٔ کامل است و در هر دو مورد در صورت بهبودی کامل ، ارش ثابت است .

ماده ۶۰۲ فلج کردن لالهٔ هر گوش ، دوسوم دیهٔ آن و بریدن لالهٔ گوش فلج شده ، یک سوم دیهٔ آن را دارد .

ماده ۶۰۳ هرگاه لالهٔ گوش به نحوی قطع شود که استخوان زیر آن ظاهر گردد علاوه بر دیهٔ لالهٔ گوش ، دیهٔ موضحه نیز باید پرداخت شود .

ماده ۶۰۴ گوش شنوا و ناشنوا یا معیوبی که لالهٔ آن سالم و دارای حس و حیات کامل باشد ، در احکام این فصل یکسانند .

ماده ۶۰۵ پاره کردن پردهٔ گوش ، موجب ارش است و اگر در اثر آن حس شنوایی نیز از بین برود یا نقصان پیدا کند ، دیهٔ آن نیز باید پرداخت شود .

ماده ۶۰۶ هرگاه آسیب رساندن به گوش به حس شنوایی سرایت کند یا موجب سرایت به استخوان و شکستگی آن شود ، هر کدام دیهٔ جداگانه ای دارد.

دیهٔ لب

ماده ۶۰۷ از بین بردن دو لب ، دیهٔ کامل و هر یک ، نصف دیهٔ کامل دارد و دیهٔ از بین بردن مقداری از لب به نسبت تمام لب محاسبه می شود .

تبصره- حدود لب بالا از نظر عرض مقداری است که لثه را می پوشاند و به دو روزنه و دیوارهٔ بینی متصل بوده و طول آن همان طول دهان است و حدود لب پایین از نظر عرض ، مقداری است که لثه را می پوشاند و طول آن همان طول دهان است . حاشیهٔ گونه ها جزء لب ها محسوب نمی شود .

ماده ۶۰۸ جنایتی که باعث جمع شدن یک یا دو لب و قسمتی از آن گردد موجب ارش است خواه موجب نمایان شدن دندان ها بشود خواه نشود .

ماده ۶۰۹ جنایتی که موجب سست و فلج شدن هر یک از لب ها گردد به گونه ای که با خنده و مانند آن از دندان ها کنار نرود ، موجب دو سوم دیه یک لب و از بین بردن هر یک از لب های سست و فلج شده موجب یک سوم دیهٔ آن است .

ماده ۶۱۰ شکافتن هر دو لب به نحوی که باعث نمایان شدن دندان ها شود ، یک سوم دیهٔ کامل و درصورت بهبودی بدون عیب ، یک پنجم دیهٔ کامل دارد .

شکافتن یک لب موجب یک ششم دیهٔ کامل و در صورت بهبودی بدون عیب ، موجب یک دهم دیهٔ کامل است .

تبصره- جراحات وارده بر لب هرگاه باعث نمایان شدن دندان ها نگردد در صورتی که از مصادیق حارصه ، دامیه و متلاحمه باشد ، حکم جراحات مذکور را دارد .

دیهٔ زبان

ماده ۶۱۱ قطع و یا از بین بردن تمام زبان گویا موجب دیهٔ کامل است و دیهٔ از بین بردن قسمتی از آن به نسبت گویایی از بین رفته است که با تقسیم تمام دیه به حروف محاسبه می شود .

تبصره۱ دیهٔ از بین بردن اداء هر حرف با توجه به حروف زبان تکلم مجنی علیه تعیین می شود مانند اینکه از بین بردن قدرت اداء یک حرف شخص فارسی زبان ، یک سی و دوم دیهٔ کامل است .

تبصره۲ شخصی که دارای لکنت زبان است و یا به کندی یا تندی سخن می‌گوید یا برخی از حروف را نمی تواند تلفظ کند، گویا محسوب می شود .

ماده ۶۱۲ قطع و از بین بردن تمام زبان لال موجب یک سوم دیهٔ کامل است و از بین بردن مقداری از آن ، موجب همان مقدار دیه به نسبت مساحت تمام زبان است .

تبصره- لال اعم از مادرزادی و عارضی است ، لکن کسی که به واسطهٔ عارضه ای به طور موقت قادر به سخن گفتن نیست ، گویا محسوب می شود .

ماده ۶۱۳ هرگاه شخصی مقداری از زبان کسی را قطع کند و موجب از بین رفتن قدرت اداء تعدادی از حروف گردد و شخص دیگری مقدار دیگری از زبان او را قطع کند و موجب از بین رفتن قدرت اداء تعداد دیگری از حروف گردد ، هر شخص به نسبت تعداد حروفی که قدرت اداء آنها را از بین برده است ، ضامن می باشد .

ماده ۶۱۴ قطع و از بین بردن تمام زبان کودکی که زمان سخن گفتن او فرا نرسیده ، موجب دیهٔ کامل است لکن اگر بعداً معلوم شود که لال بوده ، مازاد بر یک سوم دیه مسترد خواهد شد .

ماده ۶۱۵ هرگاه قسمتی از زبان کودکی که زمان سخن گفتن او فرا نرسیده است ، قطع شود به میزان نسبت مساحت قطع شده، دیه پرداخت می شود ، لکن اگر بعداً معلوم شود که کودک لال بوده است ، دو سوم آن مسترد می‌گردد و چنانچه معلوم شود که گویا بوده است ، در صورتی که دیهٔ حروف از بین رفته از دیهٔ نسبت گویایی از بین رفته بیشتر باشد ، مابه‌التفاوت آن باید پرداخت شود .

دیهٔ دندان

ماده ۶۱۶ از بین بردن تمام دندان های دائم بیست و هشتگانه دیهٔ کامل دارد که به ترتیب زیر توزیع می شود :

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۱. دندان های جلو که عبارتند از : پیش ، چهارتایی و نیش که از هر کدام دو عدد در بالا و دو عدد در پایین می روید و جمعاً دوازده عدد است ، هر کدام یک بیستم دیهٔ کامل دارد .

۲. دندان های عقب که در چهار سمت پایانی از بالا و پایین در هر کدام یک ضاحک و سه ضرس قرار دارد و جمعاً شانزده عدد است ، هر کدام یک چهلم دیهٔ کامل دارد .

ماده ۶۱۷ داندان های اضافی به هر نام که باشد و به هر نحو که روییده باشد ، اگر در کندن آنها نقصی حاصل شود ، ارش ثابت می‌گردد و اگر هیچگونه نقصی حاصل نشود ارش نیز ندارد .

تبصره۱ هرگاه در کندن دندان زائد نقصی حاصل نشود لکن جراحتی به وجود آید ، برای جراحت مزبور ، ارش ثابت است.

تبصره۲ هرگاه در مورد اینکه دندان کنده شده اصلی است یا زائد تردید وجود داشته باشد و با رجوع به کارشناس ، زائد یا اصلی بودن آن مشخص نشود، اقل الامرین از دیهٔ دندان اصلی و ارش دندان زائد پرداخت می شود .

ماده ۶۱۸ هرگاه دندان های اصلی دائمی از بیست و هشت عدد کمتر باشد ، به همان نسبت از دیهٔ کامل کاهش می یابد خواه خقلتاً کمتر باشد یا در اثر عارضه ای کم شده باشد .

ماده ۶۱۹ در میزان دیه تفاوتی میان دندان هایی که رنگ های گوناگون دارند ، وجود ندارد و اگر دندانی در اثر جنایت ، سیاه شود و نیفتد دیهٔ آن دو سوم دیهٔ همان دندان است و دیهٔ دندانی که قبلاً سیاه شده است ، یک سوم دیهٔ همان دندان است .

تبصره– در تغییر رنگ دندان ، بدون آنکه سیاه شود یا منفعت آن از بین برود ، ارش ثابت است و اگر پس از آن شخصی دندان مزبور را بکند ، باید دیه کامل همان دندان را بدهد .

ماده ۶۲۰ ایجاد ترک یا لق کردن دندان ، هرگاه در حکم از بین بردن آن باشد ، موجب دیهٔ همان دندان و در غیر این صورت موجب ارش است .

ماده ۶۲۱ کندن دندان لق یا ترک خورده که منفعت آن باقی است ، موجب دیهٔ همان دندان و در غیر این صورت موجب ارش است .

ماده ۶۲۲ شکستن آن مقدار از دندان که نمایان است با بقاء ریشه ، دیهٔ همان دندان را دارد و اگر کسی بعد از شکستن مقدار مزبور ریشه را بکند ، خواه مرتکب کسی باشد که مقدار نمایان دندان را شکسته است یا دیگری ارش تعیین می شود .

تبصره۱ شکستن مقداری از قسمت نمایان دندان به همان نسبت دیه دارد .

تبصره۲ هرگاه قسمتی از دندان کنده شده در اثر جنایت یا عارضه ای قبلاً از بین رفته باشد به همان نسبت از دیهٔ دندان کاهش می یابد .

ماده ۶۲۳ در کندن دندان شیری یک صدم دیهٔ کامل ثابت است مگر اینکه کندن آن موجب گردد دندان دائمی نروید که در این صورت باید دیهٔ کامل دندان دائمی پرداخت شود .

تبصره– شکستن ، معیوب کردن و شکافتن دندان شیری موجب ارش است .

ماده ۶۲۴ با کنده شدن دندان دائمی و دیهٔ همان دندان ثابت می شود ، اگرچه دوباره در محل آن دندان دیگری بروید و مانند سابق شود و چنانچه شخصی دندان روییده شده را دوباره بکند ، باید دیهٔ کامل همان دندان را بپردازد .

ماده ۶۲۵ هرگاه به جای دندان کنده شده دندان دیگری یا همان دندان قرار گیرد و مانند دندان اصلی دارای حس و حیات شود ، کندن آن ، دیهٔ همان دندان را دارد ؛ لکن اگر دارای حس و حیات نباشد ، کندن آن موجب ضمان مالی است .

دیهٔ گردن

ماده ۶۲۶ کج شدن و خمیدگی گردن در اثر شکستگی در صورت عدم بهبودی و باقی ماندن این حالت موجب دیهٔ کامل و در صورت بهبودی و زوال حالت خمیدگی و کج شدگی موجب ارش است .

ماده ۶۲۷ شکستگی گردن بدون کج شدن و خمیدگی آن موجب ارش است .

ماده ۶۲۸ جنایت بر گردن که مانع فروبردن یا جویدن غذا و یا نقص آن و یا مانع حرکت گردن شود موجب ارش است .

دیهٔ فک

ماده ۶۲۹ قطع کردن و یا از بین بردن دو استخوان چپ و راست فک که محل رویش دندان های پایین است ، دیهٔ کامل ، هر کدام از آنها نصف دیهٔ کامل ، و مقداری از آنها به همان نسبت دیه دارد .

ماده ۶۳۰ دیهٔ فک ، مستقل از دیهٔ دندان و سایر اعضاء است و اگر با فک ، دندان یا غیر آن از بین برود یا آسیب ببیند هر کدام دیه یا ارش جداگانه دارد.

ماده ۶۳۱ جنایتی که موجب کندی حرکت فک شود ، ارش دارد و چنانچه مانع جویدن یا موجب نقص آن شود ، ارش آن نیز افزوده می شود .

ماده ۶۳۲ از بین بردن تمام یا قسمتی از فک بالا ، موجب ارش است .

ماده ۶۳۳ شکستگی استخوان فک پایین مشمول حکم شکستگی استخوان و شکستگی استخوان فک بالا مشمول حکم شکستگی استخوان های سر و صورت است .

ماده ۶۳۴ فلج کردن فک پایین دوسوم دیهٔ کامل و قطع فک فلج ، یک سوم دیهٔ کامل دارد .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

دیهٔ دست و پا

ماده ۶۳۵ قطع کردن و یا از بین بردن هر یک از دست ها از مفصل مچ به شرط آنکه دارای انگشتان کامل باشد ، موجب نصف دیهٔ کامل است خواه مجنی علیه دارای دو دست و خواه به هر علت دارای یک دست باشد .

ماده ۶۳۶ قطع تمام انگشتان یک دست از انتهای انگشتان یا تا مچ ، موجب نصف دیهٔ کامل است .

ماده ۶۳۷ قطع کردن و یا از بین بردن کف دستی که به هر علت دارای انگشت نمی باشد ، موجب ارش است .

تبصره – در قطع کردن و یا از بین بردن کف دستی که کمتر از پنج انگشت دارد ، علاوه بر دیهٔ آن انگشتان ، نسبتی از ارش کف دست نیز ثابت است . بدین ترتیب که اگر مچ دست دارای یک انگشت باشد ، علاوه بر دیهٔ یک انگشت ، چهارپنجم ارش کف دست و اگر دارای دو انگشت باشد ، علاوه بر دیهٔ دو انگشت ، سه پنجم ارش کف دست و اگر دارای سه انگشت باشد ، علاوه بر دیهٔ سه انگشت ، دوپنجم ارش کف دست و اگر دارای چهار انگشت باشد ، علاوه بر دیهٔ چهارانگشت ، یک پنجم ارش کف دست نیز پرداخت می شود .

ماده ۶۳۸ قطع دست دارای ساعد از آرنج ، خواه دارای کف باشد خواه نباشد نصف دیهٔ کامل دارد همچنین قطع دست دارای بازو از شانه ، خواه دارای آرنج باشد خواه نباشد نصف دیهٔ کامل دارد .

ماده ۶۳۹ دستی که دارای انگشتان است اگر بالاتر از مفصل مچ و نیز دستی که دارای ساعد است اگر بالاتر از آرنج قطع گردد علاوه بر نصف دیهٔ کامل ، موجب ارش مقدار زائدی که قطع شده نیز می باشد .

ماده ۶۴۰ قطع دست اصلی کسی که از مچ یا آرنج یا شانه دارای دو دست است ، موجب نصف دیه کامل و قطع دست زائد موجب ارش است . تشخیص دست اصلی و زائد بر عهدهٔ کارشناس مورد وثوق است .

ماده ۶۴۱ دیهٔ هر یک از انگشتان اصلی دست یک دهم دیهٔ کامل است .

ماده ۶۴۲ بریدن یا از بین بردن هر بند انگشت غیر شست ، موجب یک سوم دیهٔ آن انگشت و هر بند انگشت شست ، موجب نصف دیهٔ شست است .

ماده ۶۴۳ دیهٔ انگشت زائد یک سوم دیهٔ انگشت اصلی و دیهٔ بندهای انگشت زائد ، یک سوم دیهٔ همان بند اصلی و دیهٔ بند زائد انگشت اصلی یک سوم دیهٔ بند اصلی همان انگشت است .

تبصره – در صورتی که بند انگشت نقصان داشته باشد به همان میزان از مقدار دیهٔ آن کاسته می شود .

ماده ۶۴۴ دیهٔ فلج کردن هر دست دوسوم دیهٔ دست ، دیهٔ فلج کردن هر انگشت دوسوم دیهٔ همان انگشت ، دیهٔ قطع دست فلج یک سوم دیهٔ دست و دیهٔ قطع انگشت فلج یک سوم دیهٔ همان انگشت است .

ماده ۶۴۵ دیه از بین بردن ناخن به طوری که دیگر نروید یا فاسد و معیوب بروید ، یک درصد دیهٔ کامل و اگر بدون عیب بروید ، نیم درصد دیهٔ کامل می باشد .

ماده ۶۴۶ احکام مذکور در دیهٔ دست و انگشتان آن ، در پا و انگشتان آن نیز جاری است .

دیهٔ ستون فقرات ، نخاع و نشیمنگاه

ماده ۶۴۷ دیهٔ شکستن ستون فقرات به ترتیب ذیل است :

الف – شکستن ستون فقرات ، در صورتی که اصلاً درمان نشود و یا بعد از علاج به صورت خمیده درآید ، موجب دیهٔ کامل است .

ب– شکستن ستون فقرات که بی عیب درمان شود ولی موجب از بین رفتن یکی از منافع گردد مانند اینکه مجنی علیه توان راه رفتن یا نشستن نداشته باشد و یا توان جنسی یا کنترل ادرار وی از بین برود ، موجب دیهٔ کامل است .

ج– شکستن ستون فقرات که درمان نشود و موجب عوارضی از قبیل موارد مندرج در بند « ب » شود ، علاوه بر دیهٔ کامل شکستگی ستون فقرات ، موجب دیه یا ارش هر یک از عوارض حاصله نیز است .

د– شکستن ستون فقرات که بدون عیب درمان شود ، موجب یک دهم دیهٔ کامل است .

ه– شکستن ستون فقرات که موجب فلج و بی حس شدن پاها گردد علاوه بر دیهٔ ستون فقرات ، موجب دو سوم دیه برای فلج دو پا نیز است .

تبصره۱ مراد از شکستن ستون فقرات ، شکستن یک یا چند مهره از مهره های ستون فقرات به جز مهره های گردن و استخوان دنبالچه می باشد .

تبصره۲ جنایتی که سبب خمیدگی پشت شود بدون آنکه موجب شکستن ستون فقرات گردد در صورتی که خمیدگی درمان نشود ، موجب دیهٔ کامل و در صورتی که بدون عیب درمان شود ، دیهٔ آن یک دهم دیهٔ کامل است .

ماده ۶۴۸ قطع نخاع دیهٔ کامل و قطع جزئی از آن به نسبت مساحت عرض ، دیه دارد .

ماده ۶۴۹ هرگاه قطع نخاع موجب عیب عضو دیگر شود ، حسب مورد دیه یا ارش آن عضو بر دیهٔ نخاع افزوده می شود .

ماده ۶۵۰ از بین بردن دو کپل به نحوی که به استخوان برسد ، دیهٔ کامل و هر کدام از آنها ، نصف دیهٔ کامل و قسمتی از آن، به همان نسبت دیه دارد.

ماده ۶۵۱ شکستن استخوان دنبالچه ، موجب ارش است مگر آن که جنایت مزبور باعث شود مجنی علیه قادر به ضبط مدفوع نباشد که در این صورت دیهٔ کامل دارد و اگر قادر به ضبط مدفوع باشد ولی قادر به ضبط باد نباشد ، ارش آن نیز پرداخت می‌شود .

ماده ۶۵۲ هرگاه صدمه ای که به حدفاصل بیضه ها و مقعد وارد شده است موجب عدم ضبط ادرار یا مدفوع یا هر دو گردد ، یک دیهٔ کامل دارد .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

دیهٔ دنده و ترقوه

ماده ۶۵۳ دیهٔ شکستن هر یک از دنده های محیط به قلب که از آن حفاظت می کند ، یک چهلم دیهٔکامل و دیهٔ شکستن هر یک از دنده های دیگر یک صدم دیهٔ کامل می باشد .

تبصره – کندن دنده موجب ارش است .

ماده ۶۵۴ دیهٔ موضحه هر یک از دنده ها ، یک چهارم دیهٔ شکستن آن ، دیه ترک خوردن هر یک از دنده های محیط به قلب، یک هشتادم دیهٔ کامل و دیهٔ دررفتگی آن ، هفت و نیم هزارم دیهٔ کامل است . دیهٔ ترک خوردن هر یک از دنده های دیگر هفت هزارم دیهٔ کامل و دیهٔ دررفتگی آنها پنج هزارم دیهٔ کامل است .

ماده ۶۵۵ قطع و از بین بردن دو استخوان ترقوه ، موجب دیهٔ کامل و هر کدام از آنها ، موجب نصف دیهٔ کامل است .

ماده ۶۵۶ شکستن هر یک از استخوان های ترقوه در صورتی که بدون عیب درمان شود ، موجب چهار درصد دیهٔ کامل و در صورتی که درمان نشود و یا با عیب درمان شود ، موجب نصف دیهٔ کامل است .

ماده ۶۵۷ دیهٔ ترک خوردن هر یک از استخوان های ترقوه ، سی و دو هزارم ، دیهٔ موضحهٔ آن ، بیست و پنج هزارم ، دیهٔ دررفتگی آن ، بیست هزارم و دیهٔ سوراخ شدن آن ، ده هزارم دیهٔ کامل است .

دیه ازالهٔ بکارت و افضاء

ماده ۶۵۸ هرگاه ازالهٔ بکارت غیرهمسر با انگشت یا به هر وسیلهٔ دیگری و بدون رضایت صورت گرفته باشد موجب ضمان مهرالمثل است .

تبصره۱ هرگاه ازالهٔ بکارت با مقاربت و با رضایت انجام گرفته باشد چیزی ثابت نیست .

تبصره۲ رضایت دختر نابالغ یا مجنون یا مکرهی که رضایت واقعی به زنا نداشته در حکم عدم رضایت است .

ماده ۶۵۹ هرگاه به همراه ازالهٔ بکارت جنایت دیگری نیز به وجود آید مانند آنکه مثانه آسیب دیده و شخص نتواند ادرار خود را ضبط کند ، جنایت مزبور حسب مورد دیه یا ارش جداگانه دارد .

ماده ۶۶۰ افضای همسر به ترتیب ذیل موجب ضمان است :

الف – هرگاه همسر ، بالغ و افضاء به سببی غیر از مقاربت باشد ، دیهٔ کامل زن باید پرداخت شود .

ب– هرگاه همسر، نابالغ و افضاء به سبب مقاربت جنسی باشد علاوه بر تمام مهر و دیهٔ کامل زن ، نفقه نیز تا زمان وفات یکی از زوجین بر عهدهٔ زوج است هرچند او را طلاق داده باشد .

تبصره – افضاء عبارت از یکی شدن دو مجرای بول و حیض یا حیض و غائط است .

ماده ۶۶۱ افضای غیرهمسر ، به ترتیب ذیل موجب ضمان است :

الف – هرگاه افضاء شده نابالغ یا مکره بوده و افضاء به سبب مقاربت باشد ، علاوه بر مهرالمثل و دیهٔ کامل زن ، در صورت ازالهٔ بکارت ، ارش البکاره نیز ثابت خواهد بود و اگر افضاء به غیرمقاربت باشد ، دیهٔ کامل زن و در صورت ازالهٔ بکارت ، مهرالمثل نیز ثابت است .

ب– هرگاه افضاء با رضایت زن بالغ و از طریق مقاربت انجام گرفته باشد ، تنها پرداخت دیهٔ کامل زن ثابت خواهد بود .

ج– افضای ناشی از وطی به شبهه علاوه بر مهرالمثل و دیه ، در صورت ازالهٔ بکارت ، موجب ارش البکاره نیز می باشد .

دیهٔ اندام تناسلی و بیضه

ماده ۶۶۲ قطع و از بین بردن اندام تناسلی مرد تا ختنه گاه و یا بیشتر از آن ، موجب دیهٔ کامل است و در کمتر از ختنه گاه به نسبت ختنه گاه محاسبه و به همان نسبت دیه پرداخت می شود .

تبصره۱ در این حکم تفاوتی بین اندام کودک ، جوان ، پیر ، عقیم و شخصی که دارای بیضهٔ سالم یا معیوب یا فاقد بیضه است ، وجود ندارد .

تبصره۲ هرگاه با یک ضربه تا ختنه گاه از بین برود و سپس مرتکب با شخص دیگری باقی مانده یا قسمتی دیگر از اندام تناسلی را از بین ببرد ، نسبت به ختنه گاه ، دیهٔ کامل و در مقدار بیشتر ، ارش ثابت است .

تبصره۳ هرگاه قسمتی از ختنه گاه را شخصی و قسمت دیگر از ختنه گاه را شخص دیگری قطع کند ، هر یک به نسبت مساحتی که از ختنه گاه قطع کرده‌اند ، ضامن می باشند و چنانچه شخصی قسمتی از ختنه گاه را قطع کند و دیگری باقی ماندهٔ ختنه گاه را به انضمام تمام یا قسمتی از اندام تناسلی قطع کند ، نسبت به جنایت اول ، دیه به مقدار مساحت قطع شده از ختنه‌گاه و نسبت به جنایت دوم ، ارش مقدار قطع شده از اندام تناسلی ثابت است .

ماده ۶۶۳ قطع اندام تناسلی فلج ، موجب یک سوم دیهٔ کامل و فلج کردن اندام سالم موجب دو سوم دیهٔکامل است لکن در قطع اندام عنین ثلث دیهٔکامل ثابت است .

ماده ۶۶۴ قطع و از بین بردن هر یک از دو طرف اندام تناسلی زن ، موجب نصف دیهٔ کامل زن است و قطع و از بین بردن بخشی از آن ، به همان نسبت دیه دارد . در این حکم فرقی میان باکره و غیرباکره ، خردسال و بزرگسال سالم و معیوب از قبیل رتقاء و قرناء نیست .

ماده ۶۶۵ قطع دو بیضه یکباره دیهٔ کامل و قطع بیضهٔ چپ ، دو ثلث دیه و قطع بیضهٔ راست ، ثلث دیه دارد .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

تبصره- فرقی در حکم مذکور بین جوان و پیر و کودک و بزرگ و عنین و سالم و مانند آن نیست .

ماده ۶۶۶ دیهٔ ورم کردن یک بیضه ، دو دهم دیهٔ کامل است و اگر تورم مانع راه رفتن مفید شود دیهٔ آن هشت دهم دیهٔ کامل است .

ماده ۶۶۷ قطع بیضه ها یا اندام تناسلی مردانهٔ خنثای ملحق به مرد ، موجب دیه کامل است . قطع بیضه ها یا اندام تناسلی مردانهٔ خنثای مشکل یا ملحق به زن ، موجب ارش است .

ماده ۶۶۸ از بین بردن عانهٔ مرد یا زن ، موجب ارش است .

دیهٔ پستان

ماده ۶۶۹ قطع و از بین بردن هر یک از دو پستان زن ، موجب نصف دیهٔ کامل زن و از بین بردن مقداری از آن به همان نسبت موجب دیه است و اگر همراه با از بین رفتن تمام یا بخشی از پستان مقداری از پوست یا گوشت اطراف آن هم از بین برود یا موجب جنایت دیگری گردد ، علاوه بر دیهٔ پستان ، دیه یا ارش جنایت مزبور نیز باید پرداخت شود .

ماده ۶۷۰ در قطع کردن شیر پستان زن یا از بین بردن قدرت تولید شیر یا متعذر کردن خروج شیر از پستان و یا ایجاد هر نقص دیگری در آن ، ارش ثابت است .

۴. قواعد عمومی دیهٔ منافع

ماده ۶۷۱ ادلهٔ اثبات دیهٔ منافع ، همان ادلهٔ اثبات دیهٔ اعضاء است . در موارد اختلاف میان مرتکب و مجنی علیه در زوال منفعت یا نقصان آن ، چنانچه از طریق اختیار و آزمایش ، اقرار ، بینه ، علم قاضی یا قول کارشناس مورد وثوق ، زوال یا نقصان منفعت ثابت نشود درصورت تحقق لوث ، مجنی علیه می‌تواند با قسامه به نحوی که در دیهٔ اعضاء مقرر است ، دیه را ثابت کند و چنانچه نسبت به بازگشت منفعت زایل یا ناقص شده اختلاف باشد دیه با یک سوگند مجنی علیه ثابت می شود و نیازی به قسامه نیست .

ماده ۶۷۲ در مواردی که نظر کارشناسی بازگشت منفعت زایل یا ناقص شده در مدت معینی باشد چنانچه مجنی علیه قبل از مدت تعیین شده فوت کند دیه ثابت خواهد شد .

ماده ۶۷۳ هرگاه جنایتی که موجب زوال یکی از منافع شده است سرایت کند و سبب مرگ مجنی علیه شود دیهٔ منفعت در دیهٔ نفس تداخل می کند و تنها دیهٔ نفس قابل مطالبه است .

ماده ۶۷۴ هرگاه در مهلتی که به طریق معتبری برای بازگشت منفعت زایل یا ناقص شده ، تعیین گردیده ، عضوی که منفعت ، قائم به آن است از بین برود ، به عنوان مثال چشمی که بینایی آن به طور موقت از بین رفته است از حدقه بیرون بیاید ، مرتکب تنها ضامن ارش زوال موقت آن منفعت است و چنانچه از بین رفتن آن عضو به سبب جنایت شخص دیگر باشد مرتکب دوم ، ضامن دیهٔ کامل آن عضو می باشد .

۵ . دیهٔ مقرر منافع

دیهٔ عقل

ماده ۶۷۵ زایل کردن عقل موجب دیهٔ کامل و ایجاد نقص در آن موجب ارش است ، خواه جنایت در اثر ایراد ضربه و جراحت باشد خواه ترساندن و مانند آن .

تبصره- در صورتی که مجنی علیه دچار جنون ادواری شود ارش ثابت است .

ماده ۶۷۶ در زوال و نقصان حافظه و نیز اختلال روانی در صورتی که به حد جنون نرسد ارش ثابت است .

ماده ۶۷۷ جنایتی که موجب زوال عقل یا کم شدن آن شود ، هرچند عمدی باشد حسب مورد ، موجب دیه یا ارش است و مرتکب قصاص نمی شود .

ماده ۶۷۸ هرگاه در اثر صدمه‌ای مانند شکستن سر یا صورت ، عقل زایل شود یا نقصان یابد ، هر یک دیه یا ارش جداگانه ای دارد .

ماده ۶۷۹ هرگاه در اثر جنایتی عقل زایل گردد و پس از دریافت دیهٔ کامل عقل برگردد ، دیه مسترد و ارش پرداخت می‌شود.

ماده ۶۸۰ هرگاه در اثر جنایتی مجنی علیه بیهوش شود و به اغما برود ، چنانچه منتهی به فوت او گردد ، دیه نفس ثابت می‌شود و چنانچه به هوش آید ، نسبت به زمانی که بیهوش بوده ، ارش ثابت می شود و چنانچه عوارض و آسیب های دیگری نیز به وجود آید ، دیه یا ارش عوارض مزبور نیز باید پرداخت شود .

ماده ۶۸۱ جنایت بر کسی که در اغماء یا بیهوشی و مانند آن است از جهت احکام مربوط به قصاص و دیه ، جنایت بر شخص هوشیار محسوب می شود.

دیهٔ شنوایی

ماده ۶۸۲ از بین بردن شنوایی هر دو گوش دیهٔ کامل و از بین بردن شنوایی یک گوش نصف دیهٔ کامل دارد هرچند شنوایی دو گوش به یک اندازه نباشد .

ماده ۶۸۳ از بین بردن شنوایی گوش شنوای شخصی که یکی از گوش های او نمی شنود ، موجب نصف دیهٔ کامل است .

ماده ۶۸۴ کاهش شنوایی در صورتی که مقدار آن قابل تشخیص باشد ، به همان نسبت دیه دارد .

ماده ۶۸۵ هرگاه با قطع یا از بین بردن گوش و یا هر جنایت دیگری شنوایی از بین برود یا نقصان یابد ، هر یک از جنایت ها دیه یا ارش جداگانه دارد .

ماده ۶۸۶ هرگاه در اثر جنایتی در مجرای شنوایی نقص دائمی ایجاد شود ، به نحوی که به طور کامل مانع شنیدن گردد ، دیهٔ شنوایی ثابت است و در صورتی که نقص موقتی باشد ارش تعیین می شود .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ماده ۶۸۷ هرگاه کودکی که زمان سخن گفتن او فرا نرسیده است در اثر کر شدن نتواند سخن بگوید و یا کودکی که تازه زمان سخن گفتن او فرارسیده است در اثر کر شدن نتواند کلمات دیگر را یاد گیرد و بر زبان آورد ، علاوه بر دیه شنوایی ، دیه یا ارش زوال یا نقص گفتار نیز ، حسب مورد ثابت خواهد شد .

ماده ۶۸۸ هرگاه در اثر جنایتی حواس شنوایی و گویایی ، هر دو از بین برود ، هر کدام یک دیهٔ کامل خواهد داشت .

دیهٔ بینایی

ماده ۶۸۹ از بین بردن بینایی هر دو چشم دیهٔ کامل و از بین بردن بینایی یک چشم نصف دیهٔ کامل دارد .

تبصره- چشم هایی که بینایی دارند در حکم مذکور یکسانند هرچند میزان بینایی آنها متفاوت باشد یا از جهات دیگر مانند شب کوری و منحرف بودن با هم تفاوت داشته باشند .

ماده ۶۹۰ کاهش بینایی ، در صورتی که مقدارآن قابل تشخیص باشد به همان نسبت دیه دارد و چنانچه قابل تشخیص نباشد ، موجب ارش است .

ماده ۶۹۱ از بین بردن بینایی چشم کسی که فقط یک چشم بینا دارد و چشم دیگرش نابینای مادرزادی بوده و یا در اثر علل غیرجنایی از بین رفته باشد ، موجب دیهٔ کامل است لکن اگر چشم دیگرش را در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیهٔ آن را داشته ، از دست داده باشد دیهٔ چشم بینا ، نصف دیهٔ کامل می باشد .

ماده ۶۹۲ از بین بردن یا بیرون آوردن چشم از حدقه فقط یک دیه دارد و از بین رفتن بینایی ، دیهٔ دیگری ندارد لکن اگر در اثر صدمه دیگری مانند شکستن سر ، بینایی نیز از بین برود یا نقصان یابد ، هر کدام حسب مورد دیه یا ارش جداگانه دارد .

دیهٔ بویایی

ماده ۶۹۳ از بین بردن کامل بویایی ، موجب دیهٔ کامل است و از بین بردن قسمتی از آن ، ارش دارد .

تبصره- اگر در اثر جنایت ، بویایی یکی از دو سوراخ بینی به طور کامل از بین برود نصف دیهٔ کامل دارد .

ماده ۶۹۴ هرگاه در اثر بریدن یا از بین بردن بینی یا جنایت دیگری بویایی نیز از بین برود یا نقصان یابد ، هر جنایت دیه یا ارش جداگانه خواهد دارد .

دیهٔ چشایی

ماده ۶۹۵ از بین بردن حس چشایی و نقصان آن ، موجب ارش است .

ماده ۶۹۶ هرگاه با قطع تمام زبان ، حس چشایی از بین برود ، فقط دیهٔ قطع زبان پرداخت می شود و اگر با قطع بخشی از زبان، چشایی از بین برود یا نقصان یابد ، در صورتی که چشایی از بین رفته مربوط به همان قسمت زبان باشد ، هرکدام از ارش چشایی و دیهٔ زبان که بیشتر باشد ، باید پرداخت شود و اگر چشایی از بین رفته مربوط به همان قسمت از زبان نباشد ، ارش چشایی و دیهٔ زبان جداگانه باید پرداخت شود مگر اینکه از دیهٔ کامل بیشتر باشد که در این صورت فقط به میزان دیهٔ کامل پرداخت می شود و اگر با جنایت بر غیر زبان چشایی از بین برود یا نقصان پیدا کند ، دیه یا ارش آن جنایت بر ارش چشایی افزوده می‌گردد .

دیهٔ صورت و گویایی

ماده ۶۹۷ از بین بردن صوت به طور کامل ، به گونه ای که شخص نتواند صدایش را آشکار کند ، دیهٔ کامل دارد گرچه بتواند با اخفات و آهسته صدایش را برساند .

ماده ۶۹۸ از بین بردن گویایی به طور کامل و بدون قطع زبان ، دیهٔ کامل و از بین بردن قدرت ادای برخی از حروف ، به همان نسبت دیه دارد .

تبصره- شخصی که دارای لکنت زبان است و یا به کندی یا تندی سخن می‌گوید یا برخی از حروف را نمی تواند تلفظ کند ، گویا محسوب می شود و دیهٔاز بین بردن ادای هر حرف ، با توجه به تعداد حروف زبان تکلم مجنی علیه تعیین می شود . مانند این که از بین بردن قدرت ادای یک حرف شخص فارسی زبان ، یک سی و دوم دیهٔ کامل است .

ماده ۶۹۹ جنایتی که موجب پیدایش عیبی در گفتار یا ادای حروف گردد و یا عیب موجود در آن را تشدید کند ، موجب ارش است .

ماده ۷۰۰ جنایتی که باعث شود مجنی علیه حرفی را به جای حرف دیگر اداء نماید ، مانند آنکه به جای حرف « ل » ، حرف « ر » تلفظ نماید ، اگر عرفاً عیب تلقی شود ، موجب ارش است .

ماده ۷۰۱ جنایتی که موجب عیبی در صوت مانند کاهش طنین صدا ، گرفتگی آن و یا صحبت کردن از طریق بینی شود ، ارش دارد.

ماده ۷۰۲ از بین رفتن صوت بعضی از حروف ، موجب ارش است .

ماده ۷۰۳ در صورتی که جنایت ، علاوه بر زوال صوت ، موجب زوال نطق نیز گردد ، دو دیه ثابت می شود .

دیه سایر منافع

ماده ۷۰۴ جنایتی که به طور دائم موجب سلس و ریزش ادرار گردد دیه کامل دارد و جنایتی که موجب ریزش غیردائمی ادرار گردد ، موجب ارش است .

ماده ۷۰۵ جنایتی که موجب عدم ضبط دائم مدفوع یا ادرار شود ، دیهٔ کامل دارد .

ماده ۷۰۶ از بین بردن قدرت انزال یا تولید مثل مرد یا بارداری زن و یا از بین بردن لذت مقاربت زن یا مرد موجب ارش است.

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ماده ۷۰۷ از بین بردن کامل قدرت مقاربت ، موجب دیهٔ کامل است .

ماده ۷۰۸ از بین بردن یا نقص دائم یا موقت حواس یا منافع دیگر مانند لامسه ، خواب و عادت ماهانه و نیز به وجود آوردن امراضی مانند لرزش ، تشنگی ، گرسنگی ، ترس و غش ، موجب ارش است .

۶. دیهٔ جراحات

ماده ۷۰۹ جراحات سر و صورت و دیهٔ آنها به ترتیب ذیل است :

۱. حارصه : خراش پوست بدون آنکه خون جاری شود ، یک صدم دیهٔ کامل

۲. دامیه : جراحتی که اندکی وارد گوشت شود و همراه با جریان کم یا زیاد خون باشد ، دوصدم دیهٔ کامل

۳. متلاحمه : جراحتی که موجب بریدگی عمیق گوشت شود لکن به پوست نازک روی استخوان نرسد ، سه صدم دیهٔ کامل

۴. سمحاق : جراحتی که به پوست نازک روی استخوان برسد ؛ چهارصدم دیهٔ کامل

۵. موضحه : جراحتی که پوست نازک روی استخوان را کنار بزند و استخوان را آشکار کند ، پنج صدم دیهٔ کامل

۶. هاشمه : جنایتی که موجب شکستگی استخوان شود گرچه جراحتی را ایجاد نکند ، ده صدم دیهٔ کامل

۷. مُنَقِّله : جنایتی که درمان آن جز با جابه جاکردن استخوان میسر نباشد ، پانزده صدم دیهٔ کامل

۸. مأمومه : جراحتی که به کیسهٔ مغز برسد یک سوم دیهٔ کامل

۹. دامغه : صدمه یا جراحتی که کیسهٔ مغز را پاره کند ، که علاوه بر دیهٔ مأمومه ، موجب ارش پاره شدن کیسهٔ مغز نیز می باشد .

تبصره۱ جراحات گوش ، بینی ، لب ، زبان و داخل دهان در غیر مواردی که برای آن دیه معین شده است ، در حکم جراحات سر و صورت است.

تبصره۲ ملاک دیه در جراحت های مذکور ، مقدار نفوذ جراحت است و طول و عرض آن تأثیری در میزان دیه ندارد .

تبصره۳ جنایت بر گونه در صورتی که داخل دهان را نمایان نسازد ، موجب یک بیستم دیهٔکامل و اگر به نحوی باشد که داخل دهان را نمایان سازد ، موجب یک پنجم دیهٔ کامل است . در این مورد چنانچه پس از بهبودی جراحت ، اثر و عیب فاحشی ، در صورت باقی بماند ، علاوه بر آن ، یک بیستم دیهٔ دیگر نیز باید پرداخت شود .

تبصره۴ هرگاه جنایت موضحهٔ صورت بعد از التیام ، اثری از خود بر جای بگذارد ، علاوه بر دیهٔ موضحه ، یک هشتادم دیهٔ کامل نیز ثابت است و هرگاه جنایت در حد موضحه نبوده و بعد از التیام اثری از آن باقی بماند ، علاوه بر دیهٔ جنایت ، یک صدم دیهٔ کامل نیز ثابت است و چنانچه جنایت ، شکافی در صورت ایجاد کند دیهٔ آن هشت صدم دیهٔ کامل است .

ماده ۷۱۰ هرگاه یکی از جراحت های مذکور در بند (۱) تا (۵) مادهٔ (۷۰۹) این قانون در غیر سر و صورت واقع شود ، در صورتی که آن عضو دارای دیهٔ معین باشد، دیه به حساب نسبت های فوق از دیهٔ آن عضو تعیین می شود و اگر آن عضو دارای دیهٔ معین نباشد ، ارش ثابت است .

تبصره۱ جراحات وارده به گردن ، در حکم جراحات بدن است .

تبصره۲ هرگاه هر یک از جراحت های مذکور در مادهٔ (۷۰۹) این قانون با یک ضربه به وجود آمده باشد که از حیث عمق متعدد باشد یک جراحت محسوب می‌شود و دیهٔ جراحت بیشتر را دارد لکن اگر با چند ضربه ایجاد شود مانند اینکه با یک ضربه حارصه ایجاد شو دو با ضربهٔ دیگر آن جراحت مبدل به موضحه مبدل شود برای هر جراحت ، دیه مستقل ثابت است ، خواه مرتکب هر دو جنایت یک نفر خواه دو نفر باشد .

ماده ۷۱۱ جائفه جراحتی است که با واردکردن هر نوع وسیله و از هر جهت به درون بدن انسان اعم از شکم ، سینه ، پشت و پهلو ایجاد می شود و موجب یک سوم دیهٔ کامل است . در صورتی که وسیله مزبور از یک طرف وارد و از طرف دیگر خارج گردد ، دو جراحت جائفه محسوب می شود .

تبصره– هرگاه در جائفه به اعضاء درونی بدن آسیب برسد و یا از بین برود ، علاوه بر دیهٔ جائفه ، دیه یا ارش آن نیز محاسبه می شود.

ماده ۷۱۲ هرگاه نیزه یا گلوله و مانند آن علاوه بر ایجاد جراحت موضحه یا هاشمه و یا مُنَقِّله به داخل بدن مانند حلق و گلو یا سینه فرو رود ، دو جراحت محسوب و علاوه بر دیهٔ موضحه یا هاشمه و مُنَقِّله ، دیهٔ جراحت جائفه نیز ثابت می شود .

ماده ۷۱۳ نافذه جراحتی است که با فرو رفتن وسیله ای مانند نیزه یا گلوله در دست یا پا ایجاد می شود دیهٔ آن در مرد یک دهم دیهٔ کامل است و در زن ارش ثابت می شود .

تبصره۱ حکم مذکور در این ماده نسبت به اعضایی است که دیهٔ آن عضو بیشتر از یک دهم دیهٔکامل باشد ، در عضوی که دیهٔ آن مساوی یا کمتر از یک دهم دیهٔ کامل باشد ، ارش ثابت است مانند اینکه گلوله در بند انگشت فرو رود .

تبصره۲ هرگاه شیئی که جراحت نافذه را به وجود آورده است از طرف دیگر خارج گردد ، دو جراحت نافذه محسوب می‌شود .

ماده ۷۱۴ دیهٔ صدماتی که موجب تغییر رنگ پوست می شود ، به شرح ذیل است :

الف– سیاه شدن پوست صورت ، شش هزارم ، کبود شدن آن ، سه هزارم و سرخ شدن آن ، یک و نیم هزارم دیهٔ کامل

ب– تغییر رنگ پوست سایر اعضا ، حسب مورد نصف مقادیر مذکور در بند « الف »

www.departeman.com تمام جزوات دیارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

تبصره۱ در حکم مذکور فرقی بین اینکه عضو دارای دیهٔ مقدر باشد یا نباشد ، نیست . همچنین فرقی بین تغییر رنگ تمام یا قسمتی از عضو و نیز بقاء یا زوال اثر آن نمی باشد .

تبصره۲ در تغییر رنگ پوست سر ، ارش ثابت است .

ماده ۷۱۵ صدمه ای که موجب تورم بدن ، سر یا صورت گردد ، ارش دارد و چنانچه علاوه بر تورم موجب تغییر رنگ پوست نیز گردد ، حسب مورد دیه و ارش تغییر رنگ به آن افزوده می شود.

۷. دیهٔ جنین

ماده ۷۱۶ دیه سقط جنین به ترتیب ذیل است :

۱. نطفه ای که در رحم مستقر شده است ، دوصدم دیهٔ کامل

۲. علقه که در آن جنین به صورت خون بسته درمی آید ، چهارصدم دیهٔ کامل

۳. مضغه که در آن جنین به صورت توده گوشتی درمی آید ، شش صدم دیهٔ کامل

۴. عظام که در آن جنین به صورت استخوان درآمده لکن هنوز گوشت روییده نشده است ، هشت صدم دیهٔ کامل

۵. جنینی که گوشت و استخوان بندی آن تمام شده ولی روح در آن دمیده نشده است یک دهم دیهٔ کامل

۶. دیهٔ جنینی که روح در آن دمیده شده است ، اگر پسر باشد ، دیهٔ کامل و اگر دختر باشد نصف آن و اگر مشتبه باشد ، سه چهارم دیهٔ کامل

ماده ۷۱۷ هرگاه در اثر جنایت وارد بر مادر ، جنین از بین برود ، علاوه بر دیه یا ارش جنایت بر مادر ، دیهٔ جنین نیز در هر مرحله ای از رشد که باشد پرداخت می شود .

ماده ۷۱۸ هرگاه زنی جنین خود را ، در هر مرحله ای که باشد ، به عمد ، شبه عمد یا خطاء از بین ببرد ، دیهٔ جنین ، حسب مورد توسط مرتکب یا عاقلهٔ او پرداخت می شود .

تبصره– هرگاه جنینی که بقاء آن برای مادر خطر جانی دارد ، به منظور حفظ نفس مادر سقط شود ، دیه ثابت نمی شود .

ماده ۷۱۹ هرگاه چند جنین در یک رحم باشند سقط هر یک از آنها ، دیهٔ جداگانه خواهد داشت .

ماده ۷۲۰ دیهٔ اعضاء و دیگر صدمات وارد بر جنین در مرحله ای که استخوان بندی آن کامل شده ولی روح در آن دمیده نشده است به نسبت دیهٔ جنین در این مرحله محاسبه می گردد و بعد از دمیده شدن روح ، حسب جنسیت جنین ، دیه محاسبه می شود و چنانچه بر اثر همان جنایت جنین از بین برود ، فقط دیهٔ جنین پرداخت می شود .

ماده ۷۲۱ هرگاه در اثر جنایت و یا صدمه ، چیزی از زن سقط شود که به تشخیص کارشناس مورد وثوق منشأ انسان بودن آن ثابت نگردد ، دیه و ارش ندارد لکن اگر در اثر آن ، صدمه ای بر مادر وارد گردد ، حسب مورد دیه یا ارش تعیین می شود

۸ . دیهٔ جنایت بر میت

ماده ۷۲۲ دیهٔ جنایت بر میت ، یک دهم دیهٔ کامل انسان زنده است . مثلاً جدا کردن سر از بدن میت ،یک دهم دیه و جدا کردن یک دست ، یک بیستم دیه و هر دو دست ، یک دهم دیه و یک انگشت ، یک صدم دیهٔ کامل دارد . دیهٔ جراحات وارده به سر و صورت و سایر اعضاء و جوارح میت، به همین نسبت محاسبه می شود .

تبصره– دیهٔ جنایت بر میت به ارث نمی رسد بلکه متعلق به خود میت است که در صورت مدیون بودن وی و عدم کفایت ترکه ، صرف پرداخت بدهی او می گردد و در غیر این صورت برای او در امور خیر صرف می شود .

ماده ۷۲۳ هرگاه آسیب وارد بر میت ، دیهٔ مقدر نداشته باشد ، یک دهم ارش چنین جنایتی نسبت به انسان زنده محاسبه و پرداخت می گردد .

ماده ۷۲۴ قطع اعضاء میت برای پیوند به دیگری در صورتی که با وصیت او باشد ، دیه ندارد .

ماده ۷۲۵ دیهٔ جنایت بر میت حالّ است مگر اینکه مرتکب نتواند فوراً آن را پرداخت کند که در این صورت به او مهلت مناسب داده می شود .

ماده ۷۲۶ دیهٔ جنایت بر میت خواه عمدی باشد یا خطایی توسط خود مرتکب پرداخت می شود .

ماده ۷۲۷ هرگاه شخصی به طور عمدی ، جنایتی بر میت وارد سازد یا وی را هتک نماید ، علاوه بر پرداخت دیه یا ارش جنایت ، به سی و یک تا هفتاد و چهارضربه شلاق تعزیری درجهٔ شش محکوم خواهد شد .

ماده ۷۲۸ کلیهٔ قوانین و مقررات مغایر با این قانون از جمله قانون مجازات اسلامی مصوب ۵۱۳۷۰/۸ ، مواد (۶۲۵) تا (۶۲۹) و مواد (۷۲۶) تا (۷۲۸) قانون مجازات اسلامی « تعزیرات و مجازات های بازدارنده » مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ ، قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۲ و قانون تعریف محکومیت های مؤثر در قوانین جزائی مصوب ۱۳۶۶/۷/۲۶ و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها نسخ می گردد .

قانون فوق مشتمل بر هفتصد و بیست و هشت ماده در جلسهٔ مورخ اول اردیبهشت ماه یکهزاروسیصدونود و دو کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی طبق اصل هشتاد و پنج (۸۵) قانون اساسی تعریف گردید و پس از موافقت مجلس با اجرای آزمایشی آن به مدت پنج سال ، در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱۱ به تأیید شورای نگهبان رسید .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

گفتار دوم – قانون تعزیرات

بند اول – جرایم علیه اشخاص و اطفال

مادهٔ ۶۱۲ هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می‌نماید.[۱]

تبصره– در این مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از یک تا پنج سال خواهد بود.

مادهٔ ۶۱۳ هر گاه کسی شروع به قتل عمد نماید ولی نتیجهٔ منظور بدون ارادهٔ وی محقق نگردد به شش ماه تا سه سال حبس تعزیری محکوم خواهد شد.

مادهٔ ۶۱۴ هر کس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضاء یا منتهی به مرض دایمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی علیه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می‌شود.

تبصره– در صورتی که جرح وارده منتهی به ضایعات فوق نشود و آلت جرح اسلحه یا چاقو و امثال آن باشد مرتکب به سه ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد.

مادهٔ ۶۱۵ هر گاه عده‌ای با یکدیگر منازعه نمایند هر یک از شرکت کنندگان در نزاع حسب مورد به مجازات زیر محکوم می‌شوند:

۱. در صورتی که نزاع منتهی به قتل شود به حبس از یک تا سه سال.

۲. در صورتی که منتهی به نقص عضو شود به حبس از شش ماه تا سه سال.

۳. در صورتی که منتهی به ضرب و جرح شود به حبس از سه ماه تا یک سال.

تبصرهٔ ۱ در صورتی که اقدام شخص، دفاع مشروع تشخیص داده شود مشمول این ماده نخواهد بود.

تبصرهٔ ۲ مجازات‌های فوق مانع اجرای مقررات قصاص یا دیه حسب مورد نخواهد شد.

مادهٔ ۶۱۶ در صورتی که قتل غیر عمد به واسطهٔ بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود مسبب به حبس از یک تا سه سال و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیهٔ اولیای دم محکوم خواهد شد مگر اینکه خطای محض باشد.

تبصره– مقررات این ماده شامل قتل غیر عمد در اثر تصادف رانندگی نمی‌گردد.

مادهٔ ۶۱۷ هر کس به وسیلهٔ چاقو و یا هر نوع اسلحهٔ دیگر تظاهر یا قدرت نمایی کند یا آن را وسیلهٔ مزاحمت اشخاص یا اخاذی یا تهدید قرار دهد یا با کسی گلاویز شود در صورتی که از مصادیق محارب نباشد به حبس از شش ماه تا دو سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

مادهٔ ۶۱۸ هرکس با هیاهو و جنجال یا حرکات غیر متعارف یا تعرض به افراد موجب اخلال نظم و آسایش و آرامش عمومی گردد یا مردم را از کسب و کار باز دارد به حبس از سه ماه تا یک سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

مادهٔ ۶۱۹ هرکس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شؤون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

مادهٔ ۶۲۰ هرگاه جرایم مذکور در مواد (۶۱۶) و (۶۱۷) و (۶۱۸) در نتیجهٔ توطئهٔ قبلی و دسته جمعی واقع شود هریک از مرتکبین به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

مادهٔ ۶۲۱ هرکس به قصد مطالبهٔ وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حیله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد.

تبصره– مجازات شروع به ربودن سه تا پنج سال حبس است.

مادهٔ ۶۲۲ هرکس عالماً عامداً به واسطهٔ ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.

مادهٔ ۶۲۳ هرکس به واسطهٔ دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب سقط جنین زن گردد به شش ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود و اگر عالماً و عامداً زن حامله‌ای را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری نماید که جنین وی سقط گردد به حبس از سه تا شش ماه محکوم خواهد شد مگر این که ثابت شود این اقدام برای حفظ حیات مادر می‌باشد و در هر مورد حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط داده خواهد شد.

---

[۱]. **نظریه اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه**

سوال : آیا گذشت شاکی خصوصی در قتل عمدی موضوع ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات قابل استفاده برای معاون جرم نیز می باشد ؟

نظریه : مجازات موضوع ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات ربطی به شاکی ندارد تا گذشت او در اسقاط یا تعیین میزان آن مؤثر باشد ، بلکه از باب حفظ نظم و امنیت جامعه برقرار شده است و مجازات مقرر در تبصره ذیل این ماده کیفر اخلال در نظم و امنیت جامعه نیست بلکه مجازات معاونت در قتل عمد است بنابراین معاونت در قتل عمدی با توجه به تبصره ذیل ماده ۶۱۲ همان قانون جنبه عمومی دارد .

نظریه شماره ۷/۸۸۱۴–۱۳۸۲/۱۱/۹ ، روزنامه رسمی شماره ۱۷۸۱۶–۱۳۸۵/۲/۱۰

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

مادهٔ ۶۲۴ اگر طبیب یا ماما یا دارو فروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا داروفروشی اقدام می‌کنند وسایل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت.

مادهٔ ۶۲۵ الی **مادهٔ ۶۲۹**، مطابق **مادهٔ ۷۲۸** قانون جدید مجازات اسلامی حذف شد .

مادهٔ ۶۳۰ هر گاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد را می‌تواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است.

مادهٔ ۶۳۱ الی ۶۳۳ به موجب طرح بحث آن در قسمت دوم جزوه ، به مجموعه قوانین همان قسمت منتقل شده است .

مادهٔ ۶۳۴ هر کس بدون مجوز مشروع نبش قبر نماید به مجازات حبس از سه ماه و یک روز تا یک سال محکوم می‌شود و هر گاه جرم دیگری نیز با نبش قبر مرتکب شده باشد به مجازات آن جرم هم محکوم خواهد شد.

مادهٔ ۶۳۵ هر کس بدون رعایت نظامات مربوط به دفن اموات جنازه‌ای را دفن کند یا سبب دفن آن شود یا آن را مخفی نماید به جزای نقدی از یکصد هزار تا یک میلیون ریال محکوم خواهد شد.

مادهٔ ۶۳۶ هر کس جسد مقتولی را با علم به قتل مخفی کند یا قبل از اینکه به اشخاصی که قانوناً مأمور کشف و تعقیب جرایم هستند خبر دهد آن را دفن نماید به حبس از سه ماه و یک روز تا یک سال محکوم خواهد شد.

بند دوم – جرایم ناشی از تخلفات رانندگی

مادهٔ ۷۱۴ هرگاه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده (اعم از وسائط نقلیهٔ زمینی یا آبی یا هوایی) یا متصدی وسیلهٔ موتوری منتهی به قتل غیر عمدی شود مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیهٔ اولیای دم محکوم می‌شود.

مادهٔ ۷۱۵ هرگاه یکی از جهات مذکور در مادهٔ (۷۱۴) موجب مرض جسمی یا دماغی که غیر قابل علاج باشد و یا از بین رفتن یکی از حواس یا از کار افتادن عضوی از اعضاء بدن که یکی از وظایف ضروری زندگی انسان را انجام می‌دهد یا تغییر شکل دائمی عضو یا صورت شخص یا سقط جنین شود مرتکب به حبس از دو ماه تا یک سال و به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیهٔ مصدوم محکوم می‌شود.

مادهٔ ۷۱۶ هرگاه یکی از جهات مذکور در مادهٔ (۷۱۴) موجب صدمهٔ بدنی شودکه باعث نقصان یا ضعف دائم یکی از منافع یا یکی از اعضای بدن شود و یا باعث از بین رفتن قسمتی از عضو مصدوم گردد، بدون آنکه عضواز کار بیافتد یا باعث وضع حمل زن قبل از موعد طبیعی شود مرتکب به حبس از دو ماه تا شش ماه و پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیهٔ مصدوم محکوم خواهد شد.

مادهٔ ۷۱۷ هرگاه یکی از جهات مذکور در مادهٔ (۷۱۴) موجب صدمهٔ بدنی شود مرتکب به حبس از یک تا پنج ماه و پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیهٔ مصدوم محکوم می‌شود.

مادهٔ ۷۱۸ در مورد مواد فوق هر گاه راننده یا متصدی وسایل موتوری در موقع وقوع جرم مست بوده یا پروانه نداشته یا زیادتر از سرعت مقرر حرکت می‌کرده است یا آنکه دستگاه موتوری را با وجود نقص و عیب مکانیکی مؤثر در تصادف به کار انداخته یا در محل‌هایی که برای عبور پیاده رو علامت مخصوص گذارده شده است، مراعات لازم ننماید و یا از محل‌هایی که عبور از آن ممنوع گردیده است رانندگی نموده به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد فوق محکوم خواهد شد. دادگاه می‌تواند علاوه بر مجازات فوق مرتکب را برای مدت یک تا پنج سال از حق رانندگی یا تصدی وسایل موتوری محروم نماید. [1]

تبصره – اعمال مجازات موضوع مواد (۷۱۴) و (۷۱۸) این قانون از شمول بند (۱) مادهٔ (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ مجلس شورای اسلامی مستثنی می‌باشد. [2]

---

[1]. **رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور**

به صراحت ماده ۷۱۸ قانون تعزیرات ناظر به مواد ۷۱۴ الی ۷۱۷ همان قانون که مقرر داشته هرگاه راننده یا متصدی وسائل موتوری که در حین رانندگی مرتکب قتل غیرعمد شده در موقع وقوع جرم مست بوده یا پروانه نداشته باشد ... به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد فوق محکوم خواهد شد موضوع از مصادیق بارز تعدد معنوی جرم می باشد زیرا چنانچه نظر مقنن بر اعمال مقررات مربوط به تعدد مادی جرم بوده که مستلزم تعیین مجازات جداگانه برای هر یک از جرائم مزبور می باشد ، با وجود مواد ۷۱۴ و ۷۲۳ و ۴۷ قانون تعزیرات دیگر نیازی به وضع مواد ۷۱۸ آن قانون نبوده و با این اوصاف نداشتن پروانه رانندگی در چنین وضعیتی از موجبات مشدده جرم است که در خود قانون ، مجازات خاصی برای آن در نظر گرفته شده است بنا به مراتب فوق الاشعار هیأت عمومی دیوان عالی کشور به اکثریت آراء ، رأی شعبه ششم دادگاه تجدید نظر استان آذربایجان شرقی را که در مورد اتهام قتل غیرعمد بدون داشتن گواهینامه رانندگی به استناد ماده ۷۱۸ قانون مارالذکر یک فقره مجازات برای متهم تعیین کرده منطبق با مقررات و موازین قانونی و صحیح تشخیص می دهد . این رأی به موجب ماده ۳ اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ برای کلیه دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است .

رأی شماره ۶۳۸ – ۱۳۷۸/۶/۹ ، روزنامه رسمی شماره ۱۵۹۳۰- ۱۳۷۸/۸/۱۱

[2]. **بند ۱ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۷۳/۱۲/۲۸**

در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از نود و یک روز حبس و یا مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی می باشد از این پس به جای حبس یا مجازات تعزیری حکم به جزای نقدی از هفتاد هزار و یک (۷۰۰۰۱) ریال تا یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) ریال صادر می شود .

مجموعه قوانین ۱۳۷۳ ، صفحه ۱۰۶۶

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

مادهٔ ۷۱۹ هر گاه مصدوم احتیاج به کمک فوری داشته و راننده با وجود امکان رساندن مصدوم به مراکز درمانی و یا استمداد از مأمورین انتظامی از این کار خودداری کند و یا به منظور فرار از تعقیب محل حادثه را ترک و مصدوم را رها کند حسب مورد به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد (۷۱۴) و (۷۱۵) و (۷۱۶) محکوم خواهد شد. دادگاه نمی‌تواند در مورد این ماده اعمال کیفیت مخففه نماید.

تبصرهٔ ۱ راننده در صورتی می‌تواند برای انجام تکالیف مذکور در این ماده وسیلهٔ نقلیه را از صحنهٔ حادثه حرکت دهد که برای کمک رسانیدن به مصدوم توسل به طریق دیگر ممکن نباشد.

تبصرهٔ ۲ در تمام موارد مذکور هر گاه راننده مصدوم را به نقاطی برای معالجه و استراحت برساند و یا مأمورین مربوطه را از واقعه آگاه کند و یا به هرنحوی موجبات معالجه و استراحت و تخفیف آلام مصدوم را فراهم کند دادگاه مقررات تخفیف رادربارهٔ او رعایت خواهدنمود.

مادهٔ ۷۲۰ هر کس در ارقام و مشخصات پلاک وسائل نقلیهٔ موتوری زمینی، آبی یا کشاورزی تغییر دهد و یا پلاک وسیلهٔ نقلیهٔ موتوری دیگری را به آن الصاق نماید یا برای آن پلاک تقلبی به کار برد یا چنین وسایلی را با علم به تغییر و یا تعویض پلاک تقلبی مورد استفاده قرار دهد و همچنین هر کس به نحوی از انحاء در شمارهٔ شاسی، موتور یا پلاک وسیلهٔ نقلیهٔ موتوری و یا پلاک‌های موتور و شاسی که از طرف کارخانهٔ سازنده حک یا نصب شده بدون تحصیل مجوز از راهنمایی و رانندگی تغییر دهد و آن را از صورت اصلی کارخانه خارج کند به حبس از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

مادهٔ ۷۲۱ هر کس بخواهد وسیلهٔ نقلیهٔ موتوری را اوراق کند مکلف است مراتب را با تعیین محل توقف وسیلهٔ نقلیه به راهنمایی و رانندگی محل اطلاع دهد ، راهنمایی و رانندگی محل باید ظرف مدت یک هفته اجازهٔ اوراق کردن وسیلهٔ نقلیه را بدهد و اگر به دلایلی با اوراق کردن موافقت ندارد تصمیم قطعی خود را ظرف همان مدت با ذکر دلیل به متقاضی ابلاغ نماید، هر گاه راهنمایی و رانندگی هیچگونه اقدامی در آن مدت نکرد اوراق کردن وسیلهٔ نقلیه پس از انقضای مدت مجاز است. تخلف از این ماده برای اوراق کننده موجب محکومیت از دو ماه تا یک سال حبس خواهد بود.

مادهٔ ۷۲۲ چنانچه وسیلهٔ موتوری یا پلاک آن سرقت یا مفقود شود، شخصی که وسیله در اختیار و تصرف او بوده است اعم از آنکه مالک بوده یا نبوده پس از اطلاع مکلف است بلافاصله مراتب را به نزدیک ترین مرکز نیروی انتظامی اعلام نماید، متخلف از این ماده به جزای نقدی از پانصد هزار تا یک میلیون ریال محکوم خواهد شد.

مادهٔ ۷۲۳ هر کس بدون گواهینامهٔ رسمی اقدام به رانندگی و یا تصدی وسایل موتوری که مستلزم داشتن گواهینامهٔ مخصوص است، بنماید و همچنین هر کس به موجب حکم دادگاه از رانندگی وسایل نقلیهٔ موتوری ممنوع باشد به رانندگی وسائل مزبور مبادرت ورزد برای بار اول به حبس تعزیری تا دو ماه یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال و یا به هر دو مجازات و در صورت ارتکاب مجدد به دو ماه تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد.

مادهٔ ۷۲۴ هر رانندهٔ وسیلهٔ نقلیه‌ای که در دستگاه ثبت سرعت وسیلهٔ نقلیهٔ عمداً تغییری دهد که دستگاه سرعتی کمتر از سرعت واقعی نشان دهد و یا با علم به اینکه چنین تغییری در دستگاه مزبور داده شده با آن وسیلهٔ نقلیه رانندگی کند برای بار اول به حبس از ده روز تا دو ماه و یا جزای نقدی از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال و یا هر دو مجازات و در صورت تکرار به دو تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد.

مادهٔ ۷۲۵ هر یک از مأمورین دولت که متصدی تشخیص مهارت و دادن گواهینامهٔ رانندگی هستند اگر به کسی که واجد شرایط رانندگی نبوده پروانه بدهند به حبس تعزیری از شش ماه تا یک سال و به پنج سال انفصال از خدمات دولتی محکوم خواهد شد و پروانه صادره نیز ابطال می‌گردد.

***

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که منتابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

فصل ششم

پرسشنامه

توجه : سؤالات مندرج در پرسشنامه های حقوق جزای اختصاصی ، به خصوص پرسشنامه قسمت اول و تا حدودی قسمت دوم و بعضاً دیگر قسمت ها ، ذکر شده از سال ۱۳۷۱ الی ۱۳۹۱ ، بر اساس قوانین اسبق جزائی ، از جمله قانون سابق مجازات اسلامی طرح و تنظیم شده است . بر این اساس ، با تصویب قانون جدید مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ ، موضوعیت و استفاده از سؤالات از ۱۳۷۱ الی ۱۳۹۱ به پرسشنامه ها محل تردید شد ، در نهایت ، به جهت آنکه برای خودآزمائی به قلت سؤال مواجه نباشیم ، ترجیح داده شد که ، پرسشهای مذکور باقی بمانند ، منتهی خوانندگان گرامی با توجه به متن درس ، برای پرسشهای مذکور ، گزینه ها و پاسخ های جدید تنظیم نمایند ، تا به نوعی ، کمکی هم باشد در بازآوری و نیز ثبات و حفظ محفوظات . بنابراین پرسشنامه اصلی و جدید جزوات ، در واقع سؤالاتی است که از ۱۳۹۲ به بعد آورده شده است .

۱– اگر کسی را وادار به قتل دیگری کنند، مرتکب قتل به کدام یک از مجازاتهای زیر محکوم می شود؟ **ارشد سراسری ۷۱**

الف– به قصاص
ب– به حبس ابد
ج– به حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال
د– به پرداخت دیه قتل و تعزیر

۲– قتل عمد با چند بار اقرار در دادگاه ثابت می شود؟ **ارشد سراسری ۷۱**

الف– با یک بار
ب– با سه بار
ج– با دو بار
د– با چهار بار

۳– قتل عمد با شهادت چند مرد عادل در دادگاه ثابت می شود؟ **ارشد سراسری ۷۱**

الف– با شهادت یک مرد عادل
ب– با شهادت دو مرد عادل
ج– با شهادت سه مرد عادل
د– با شهادت چهار مرد عادل

۴– قتل اقارب در صورتی که دیه به آن تعلق گیرد: **ارشد سراسری ۷۱**

الف– موجب مستقلی برای تغلیظ دیه است
ب– موجب مستقلی برای تغلیظ دیه نیست
ج– موجب تقسیم دیه با توجه به ارتباط خویشاوندی است
د– هیچکدام از موارد فوق نیست

۵– اگر زنی از زنا آبستن شود ؛ **ارشد سراسری ۷۲**

الف– می تواند جنین را پیش از ماهگی سقط کند
ب– می تواند جنین را سقط کند و دیه آن را بپردازد
ج– نمی تواند جنین را سقط کند
د– نمی تواند جنین را سقط کند وگرنه قصاص می شود

۶– به موجب قانون مجازات اسلامی تعیین ارش : **ارشد سراسری ۷۲**

الف– با قاضی است
ب– با کارشناس است
ج– با جانی است
د– هرگاه برای قاضی مقدور نباشد با کارشناس است

۷– اگر در بین اولیاء دم مقتول ، بعضی صغیر و بعضی دیگر کبیر باشند، اولیاء کبیر : **ارشد سراسری ۷۲**

الف– می توانند با پرداخت حق دیه صغیر تقاضای قصاص نمایند
ب– می توانند تواماً با ولی صغیر تقاضای قصاص نمایند
ج– نمی توانند تا رسیدن صغیر به سن بلوغ شرعی تقاضای قصاص نمایند
د– می توانند چنانچه خود ولی صغیر باشند تقاضای قصاص نمایند

۱- الف | ۲- الف | ۳- ب | ٤- ب | ٥- ج | ٦- ب | ۷- الف

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۸– هرگاه ایراد جرح هم موجب نقص عضو و هم موجب قتل شود و اولیاء دم بخواهند قصاص کنند می توانند : ارشد سراسری۷۲
الف– ابتدا نسبت به نقص عضو و سپس نسبت به نفس قصاص کنند
ب– نسبت به نفس قصاص و نسبت به نقص عضو دیه طلب کنند
ج– فقط نسبت به نفس قصاص کنند و نسبت به نقص عضو قصاص و دیه نیست
د– نسبت به نقص عضو قصاص و نسبت به نفس طلب دیه کنند

۹– الف مأمور دولت برای وادار کردن متهم به سرقت و اخذ اقرار از اوامر به اذیت و آزار بدنی او به کارمند خود « ب » می دهد و او نیز این امر را اجرا می کند « الف » در این دستور چه عنوانی دارد؟ ارشد سراسری ۷۲
الف– معاون قوی تراز مباشر است
ب– معاون ضعیف تراز مباشر است
ج– عنوان مستقل محرمانه دارد
د– شریک جرم است

۱۰– چنانچه در دادگاه احراز شود که آقای« الف » در ضمن رانندگی مرتکب به خلافی نشده است و حادثه رانندگی منتهی به قتل، صرفاً به لحاظ تخلف مقتول بوده است، راننده آقای « الف » ارشد سراسری ۷۳
الف– فقط به جزای نقدی محکوم می شود
ب– به حبس محکوم می شود
ج– به پرداخت دیه محکوم می شود
د– هیچگونه مسئولیتی ندارد

۱۱– مادری در حال خواب بر اثر حرکت و غلتیدن موجب مرگ نوزاد خود می گردد جنایت او به منزله : ارشد سراسری ۷۳
الف– قتل عمدی است
ب– قتل شبه عمدی است
ج– قتل ناشی از تقصیر است
د– خطاء محض است و عاقله وی عهده دار دیه است

۱۲– پنج نفر محکوم به شرکت در قتل عمدی یک نفر می باشند، ولی دم می تواند : ارشد سراسری ۷۳
الف– هر ۵ نفر را قصاص کنند
ب– چهار پنجم دیه هر کدام را بدهد و تمامی ۵ نفر را قصاص کند
ج– ۴ نفر را قصاص کند و از یک نفر دیه کامل اخد کند
د– یک نفر را در قبال یک نفر مقتول قصاص و از بقیه دیه کامل بگیرد

۱۳– با فرض عمدی بودن عمل مرتکب، کدام مورد صحیح نیست ؟ ارشد سراسری ۷۳
الف– از بین بردن عقل بدون صدمه جسمی موجب قصاص است
ب– از بین بردن بینایی چشم دیگری بدون آسیب به حدقه چشم موجب قصاص است
ج– زوال شنوایی بدون قطع لاله گوش موجب قصاص است
د– قطع زبان فرد لال از سوی فرد گویا موجب دیه است

۱۴– کسی که به علت ارتکاب قتل عمدی محکوم به قصاص گردیده با کدام اذن مستحق کشتن است ؟ ارشد سراسری۷۳
الف– شرع
ب– حاکم شرع و ولی دم
ج– ولی دم
د– دادستان

۱۵– هرگاه مرد مسلمانی عمداً دو زن مسلمانی را بکشد، محکوم به قصاص است. لیکن باید ولی یا اولیاء زنان قبل از قصاص قاتل ارشد سراسری۷۳
الف– یا بعد از آن نباید دیه ای به او بدهند
ب– نصف دیه زنان را به او بدهند
ج– یک دیه کامل « به ازاء هر زن نصف » به او بدهند
د– جمعاً نصف دیه مرد را به او بدهند

۱۶– به استناد قانون مجازات اسلامی هرگاه کسی که مرتکب قتل موجب قصاص شده است بمیرد : ارشد سراسری ۷۳
الف– قصاص تبدیل به دیه شود
ب– قصاص و دیه به هر حال ساقط می شود
ج– شخص فرار ی دهنده ضامن دیه مقتول است
د– قصاص و دیه در صورت فراری نبودن ساقط می شود

۸- ج ۹- ج ۱۰- د ۱۱- د ۱۲- ب ۱۳- الف ۱۴- ج ۱۵- ج ۱۶- ب

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۱۷- هرگاه کسی در حال خواب، شخصی را بکشد، به موجب قانون مجازات اسلامی : **ارشد سراسری۷۳**

الف- جنایت او به منزله خطاء محض است
ب- محکوم به پرداخت دیه خواهد بود
ج- عمل او جرم نیست
د- قصاص نمی شود ولی عاقله عهده دار است

۱۸- عنصر مادی جرم قتل عمدی در قانون مجازات اسلامی با ارتکاب کدام یک از مصادیق زیر محقق می گردد؟ **ارشد سراسری ۷۳**

الف- فعل مادی
ب- فعل مادی و ترک فعل
ج- فعل اعم از مادی و غیر مادی
د- فعل مادی و غیر مادی و ترک فعل

۱۹- کشنده بودن نوعی کار در مادهٔ ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی جزء کدام یک از عناصر جرم قتل عمدی است؟ **ارشد سراسری ۷۳**

الف- عنصر مادی
ب- عنصر مادی و معنوی
ج- عنصر معنوی
د- عنصر مادی و قانونی

۲۰- قتل یا ضرب یا جرح هرگاه بر اثر بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم مهارت واقع شود، جرم ارتکابی ماهیتاً: **ارشد سراسری ۷۳**

الف- خطای محض است
ب- در حکم خطای محض است
ج- در حکم شبیه عمد است
د- شبه عمد است

۲۱- پیوند عضوی که عمداً قطع گردیده است . . . **ارشد سراسری ۷۳**

الف- مانع قصاص است ولی دیه باید پرداخت شود
ب- مانع قصاص است ولی ارش باید پرداخت شود
ج- مانع قصاص نیست
د- اگر پس از پیوند با وضعیت قبلی تفاوت فاحش نداشته باشد، مرتکب ضامن و تعزیر می شود

۲۲- هرگاه بر اثر بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم مهارت و عدم رعایت مقررات مربوط به امری قتل واقع شود که اگر آن مقررات رعایت می شد حادثه ای اتفاق نمی افتاد . . . **ارشد سراسری ۷۴**

الف- خطای محض است و دیه بر عهده عاقله
ب- در حکم شبه عمد خواهد بود و دیه بر عهدهٔ قاتل است
ج- در حکم عمد خواهد بود ولی قصاص به دیه تبدیل می گردد
د- شبیه عمد خواهد بود و دیه بر عهده قاتل است

۲۳- هرگاه دو وسیله نقلیه در اثر برخورد باهم باعث کشته شدن سرنشینان گردند در صورت شبه عمد راننده هریک از دو وسیله نقلیه : **ارشد سراسری ۷۴**

الف- ضامن تمام دیه سرنشینان وسیله نقلیهٔ دیگری خواهد بود
ب- ضامن تمام دیه سرنشینان وسیلهٔ نقلیه خود خواهد بود
ج- به نسبت تقصیر ارتکابی در پرداخت دیه مسئولیت خواهد داشت
د- ضامن نصف دیه تمام سرنشینان خواهد بود

۲۴- هرگاه کسی که مرتکب قتل موجب قصاص شده است بلافاصله پس از قتل بمیرد ، **ارشد سراسری ۷۴**

الف- در صورت گذشت و توافق اولیاء دم دیه ساقط می شود
ب- قصاص و دیه ساقط می شود
ج- قصاص تبدیل به دیه می شود که باید از مال قاتل پرداخت گردد
د- قصاص تبدیل به دیه می شود و از اموال نزدیک ترین خویشان او به نحو « الاقرب فالاقرب » پرداخت می شود.

۲۵- در قتل عمدی که نوبت به قسامه رسیده باشد اگر مدعی علیه در صورت مطالبه مدعی از اقامه قسامه خودداری نماید **ارشد سراسری ۷۴**

الف- با ادای سوگند تبرئه می شود
ب- محکوم به قصاص می شود
ج- محکوم به پرداخت دیه می شود
د- محکوم به تعزیر می شود

۱۷- ب	۱۸- الف	۱۹- الف	۲۰- الف	۲۱- ج	۲۲- ب	۲۳- د	۲٤- ب	۲۵- ج	

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۲۶- درصورت تحقق اکراه در قتل مسئولیت مکرَه و مکرِه به نحو زیر است : **ارشد سراسری ۷۴**

الف- قصاص منتفی و هر دو محکوم به پرداخت دیه می شوند
ب- مکرَه قصاص می شود و مکرِه به حبس ابد محکوم می شود
ج- مکرَه به حبس ابد محکوم میَ شود و مکرِه قصاص می شود
د- هردو قصاص می شوند و اولیاء دم به اندازهَ یک دیه به اولیاء دم مکرَه و مکرِه می پردازد

۲۷- با احراز حضور مدعی علیه هنگام قتل ..... **ارشد سراسری ۷۴**

الف- لوث ثابت نیست و اثبات آن موکول به اقرار مدعی است
ب- لوث ثابت نیست ولی مدعی می تواند با سوگند آن را ثابت نماید
ج- لوث ثابت است و مدعی باید اقامه قسامه نماید
د- مدعی علیه می تواند برای تبرئه خود اقامه بینه نماید و در غیر این صورت لوث ثابت می شود

۲۸- هرگاه کسی در حال خواب شخصی را بکشد ، **ارشد سراسری ۷۴**

الف- جنایت او به منزلهٔ خطاء محض بوده و عاقله او عهده دار خواهد بود
ب- جنایت او در حکم عمد است ولی قصاص نمی شود
ج- شخصاً مسئول پرداخت دیه خواهد بود
د- قصاص نمی شود زیرا اراده نداشته است و دیه بر عهده عاقله است

۲۹- هرگاه دیوانه ای عمداً دیگری را مجروح نماید و پس از افاقه مرتکب مجنی علیه بر اثر سرایت فوت شود . **ارشد سراسری ۷۴**

الف- قصاص نمی شود ولی عاقله او باید دیه را پرداخت نماید
ب- چون صغیر نمی تواند عمد در قتل داشته باشد فقط به پرداخت دیه محکوم می شود
ج- قصاص می شود چون نتیجه در زمان افاقه « عقل » محقق شده است
د- قصاص نمی شود اما ولی او دیه را پرداخت می نماید

۳۰- شخصی به طور اتفاقی با دیگری نزاع می کند و عمداً مشتی به کتف او می زند و مصدوم در اثر آن می میرد این قتل : **قضاوت ۷۴**

الف- عمدی است
ب- شبه عمدی است
ج- در حکم شبه عمدی است
د- خطای محض است

۳۱- هرگاه کسی که محکوم به قصاص شده فرار کند و قبل از دستگیری بمیرد چه حکمی دارد ؟ **قضاوت۷۴**

الف- قصاص ساقط می شود
ب- قصاص و دیه ساقط می شود
ج- ورثه باید دیه پرداخت نماید
د- دیه باید از بیت المال پرداخت گردد

۳۲- مهلت پرداخت دیه در چه تاریخی است ؟ **قضاوت ۷۴**

الف- از تاریخ قطعیت دادنامه
ب- از تاریخ صدور دادنامه
ج- از تاریخ وقوع جرم
د- از تاریخ شکایت

۳۳- دیه قتل شبه عمدی ظرف چه مدتی باید پرداخت شود ؟ **قضاوت۷۴**

الف- ۱ سال
ب- ۲ سال
ج- ۳ سال
د- ۴ سال

۳۴- شخصی قصد قتل حسن را داشته و به طرف او تیراندازی می کند لیکن در اثر عدم « مهارت » تیر او به حسین برخورد و به جای حسن ، حسین کشته می شود این شخص مرتکب چه نوع قتلی شده‌است؟ **قضاوت۷۴**

الف- قتل عمدی
ب- قتل شبه عمدی
ج- قتل خطای محض
د- قتل در حکم شبه عمدی

۲۶- ب	۲۷- الف	۲۸- ج	۲۹- الف	۳۰- ج	۳۱- الف	۳۲- ج	۳۳- ب	۳۴- ج

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی معمور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۳۵- شخصی اتومبیل خود را با علم و اطلاع از اینکه شخص دیگر فاقد گواهینامه رانندگی است برای رانندگی به این شخص می‌دهد و شخص فاقد گواهینامه حین راندن اتومبیل مرتکب قتل شبه عمدی می شود عمل صاحب اتومبیل چیست؟ **قضاوت۷۴**

الف- شرکت در قتل شبه عمدی
ب- معاونت در قتل شبه عمدی
ج- معاونت در رانندگی بدون گواهینامه
د- جرمی مرتکب نشده است

۳۶- کدام عبارت صحیح نیست ؟ **سردفتری ۷۴**

الف- اکراه درقتل مجوز قتل نیست
ب- قتل در حال مستی موجب قصاص است
ج- هرگاه بالغ نابالغی را بکشد قصاص نمی شود
د- قتل عمدی توسط دیوانه موجب ضمان عاقله است

۳۷- اگر اولیاء دم متعدد و تعدادی از آنها بالغ و خواهان قصاص و تعدادی صغیر باشند اجرای قصاص موکول به . . . **سردفتری۷۴**

الف- توافق کلیه اولیاء دم است
ب- پرداخت سهم صغار از سوی اولیاء دم بالغ است
ج- پرداخت سهم دیه صغار از سوی اولیاء دم بالغ و رضایت با اولیاء نابالغ است
د- رسیدن اولیاء دم نابالغ به سن بلوغ و توافق بر قصاص است

۳۸- ولی امر مسلمین در کدام مورد ولی دم مجنی علیه است؟ **سردفتری ۷۴**

الف- مجنی علیه صغیر باشد
ب- مجنی علیه ولی نداشته یا شناخته نشود یا صغیر باشد
ج- مجنی علیه ولی نداشته یا شناخته نشود و یا به او دسترسی نباشد
د- مجنی علیه ولی نداشته یا شناخته نشود یا به او دسترسی نباشد یا صغیر باشد

۳۹- دیه قتل در صورتیکه . . . در یکی از ماههای حرام در حرم مکه معظمه واقع شود موجب تغلیظ خواهد بود . **سردفتری۷۴**

الف- صدمه و فوت هردو
ب- صدمه منجر به فوت
ج- فوت ناشی از صدمه
د- سبب فوت

۴۰- قتل ناشی از بی احتیاطی، بی مبالاتی . . . **سردفتری ۷۴**

الف- خطئی است و دیه آن بر عهدهٔ عاقله است
ب- شبیه عمد است و دیه آن بر عهده جانی است
ج- خطئی است ولی دیهٔ آن بر عهدهٔ جانی است
د- در حکم شبه عمد است و دیهٔ آن بر عهدهٔ عاقله است

۴۱- هرگاه دو وسیله نقلیه در اثر برخورد با هم باعث کشته شدن سرنشینان گردند در صورت شبه عمد هر یک از دو وسیله نقلیه : **سردفتری ۷۴**

الف- ضامن دیه سرنشینان خود خواهد بود
ب- به نسبت خطای ارتکابی ضامن دیه خواهد بود
ج- ضامن نصف دیه تمام سرنشینان خواهد بود
د- ضامن دیه سرنشینان وسیله نقلیه دیگر است

۴۲- هرگاه مأمور انتظامی در اجراء دستور آمر قانونی و با رعایت مقررات به سوی دیگری تیراندازی و او را مجروح کند چه مسئولیتی دارد ؟

الف- دیه مجروح از بیت المال پرداخت می شود **ارشد سراسری ۷۵**
ب- ضامن دیه مجروح است
ج- ضامن دیه مجروح نیست
د- قصاص می شود

۴۳- هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه سرنشینان آنها کشته شوند ، در صورت شبه عمدی بودن عمل ، رانندگان آن چه مسئولیتی خواهند داشت ؟

الف- دیه سرنشینان هر وسیله به عهده راننده همان وسیله است **ارشد سراسری۷۵**
ب- راننده هر یک از دو وسیله نقلیه ضامن دیه کامل تمام سرنشینان خواهد بود
ج- راننده هریک از دو وسیله نقلیه ضامن نصف دیه تمام سرنشینان خواهد بود
د- نصف دیه سرنشینان هر وسیله به عهده راننده همان وسیله است

۳۵- ج	۳۶- ج	۳۷- ب	۳۸- ج	۳۹- الف	۴۰- ب	۴۱- ج	۴۲- ج	۴۳- ج

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۴۴– « الف » بدون اذن ولی دم ، « ب » را که محکوم به قصاص بوده می کشد، عمل او موجب کدام مجازات است ؟ **ارشد سراسری۷۵**

الف– دیه قتل شبه عمدی
ب– دیه قتل خطاء محض
ج– دیه قتل به تسبیب
د– قصاص

۴۵– « الف » به قصد متوقف ساختن « ب » پای او را هدف گلوله قرار می دهد لکن گلوله به قلب « ب » اصابت کرده و موجب مرگ وی شده نوع قتل عبارتست از :

الف– قتل شبه عمدی **ارشد سراسری۷۵**
ب– قتل عمدی
ج– قتل خطاء محض
د– قتل در حکم شبه عمد

۴۶– « الف » مقداری سم کشنده در لیوان شربتی به قصد مسموم ساختن « ب » ریخته و در دسترس او قرار داده است لیکن « ج» با نوشیدن شربت مزبور مسموم گردیده و فوت می شود نوع قتل چیست ؟ **ارشد سراسری ۷۵**

الف– قتل شبه عمدی
ب– قتل در حکم شبه عمد
ج– قتل خطای محض
د– قتل عمدی

۴۷– اگریکی از مأمورین دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید و در نتیجه این اعمال آن شخص فوت شود :

الف– به عنوان معاون قتل به ۳ تا ۱۵ سال حبس تعزیری محکوم می شود **ارشد سراسری ۷۵**
ب– به عنوان مباشر قتل به مجازات قصاص نفس محکوم می شود
ج– دیه مجنی علیه را باید بپردازد. علاوه بر آن به ۶ ماه تا ۳ سال حبس تعزیری محکوم خواهد شد.
د– فقط ۶ ماه تا ۳ سال حبس تعزیری خواهد داشت

۴۸– لوث در کدام یک از موارد ذیل ثابت می شود؟ **ارشد سراسری ۷۵**

الف– محرز بودن حضور متهم در محل قتل و در هنگام قتل همراه با آثار جرم و شهادت یک شاهد
ب– نبودن بینه
ج– محرز بودن حضور متهم در محل قتل
د– محرز بودن حضور متهم در محل قتل در هنگام قتل

۴۹– در جرم قتل عمدی « قصد سلب حیات » مبین کدام یک از انواع سوء نیت است؟ **ارشد سراسری ۷۵**

الف– احتمالی
ب– خاص
ج– عام
د– نامعین

۵۰– اگر کسی در اثر لغزش یا علل قهری دیگر و بی اختیار به جایی پرت شود و موجب جنایت گردد حکمش چیست ؟ **ارشد سراسری۷۵**

الف– خودش ضامن است
ب– خودش ضامن است و اگر مالی نداشت عاقله اش ضامن است
ج– عاقله اش ضامن است
د– نه خودش ضامن است و نه عاقله اش

۵۱– مطابق قانون مجازات اسلامی تعریف عاقله چیست ؟ **ارشد سراسری ۷۵**

الف– بستگان ذکور نسبی ابوینی یا ابی قاتل بر اساس طبقات ارث
ب– بیت المال
ج– ورثه مقتول که حین الفوت از او ارث می برند
د– ولی قهری یا قیم قانونی افراد نابالغ یا مجنون که ضامن جنایات آنها هستند

۵۲– عاقله عبارتست از : **ارشد آزاد ۷۵**

الف– بستگان سببی پدری و مادری
ب– بستگان ذکور سببی پدری و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث
ج– بستگان نسبی پدری و مادری
د– بستگان ذکور نسبی پدری و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث

۴۴- د	۴۵- ب	۴۶- ج	۴۷- ب	۴۸- الف	۴۹- ب	۵۰- الف	۵۱- الف	۵۲- الف

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۵۳- اگر کسی مرتکب قتل عمد شود و فرار کند و بعداً فوت نماید : **ارشد آزاد ۷۵**
الف- قصاص تبدیل به دیه می شود که پرداخت آن بر عهده عاقله است
ب- قصاص تبدیل به دیه می شود که از بیت المال باید پرداخت گردد.
ج- قصاص تبدیل به دیه می شود که باید از مال قاتل پرداخت گردد
د- مجازات ساقط می گردد

۵۴- اگر زن حامله ای خود با آزار خویش موجب سقط خویش شود به کدامیک از مجازاتهای زیر محکوم می شود ؟ **ارشد آزاد ۷۵**
الف- فقط به پرداخت دیه
ب- به قصاص حسب مورد
ج- به پرداخت دیه و قصاص حسب مورد
د- به پرداخت دیه و قصاص و حبس از ۱ تا ۳ سال

۵۵- یکی از مأمورین دولت با علم و اطلاع مکانی برای توصیف شخصی که بدون حکمی از جانب مقامات صلاحیتدار توقیف شده است ، تهیه کرده و بدین ترتیب با مباشر جرم معاونت می نماید مجازات این فرد : **ارشد آزاد ۷۵**
الف- به نظر دادگاه تعزیر می شود
ب- حداقل مجازات مباشر جرم است
ج- حبس از ۳ ماه تا ۱ سال و ۷۴ ضربه شلاق است
د- حبس از ۳ ماه تا ۱ سال یا جزای نقدی از ۱ میلیون و پانصدهزار ریال تا ۶ میلیون ریال است

۵۶- چنانچه پدری مرتکب قتل عمدی فرزند خود شود ..... **سردفتری ۷۵**
الف- قصاص می شود
ب- تعزیر می شود و دیه را نیز می پردازد
ج- فقط به پرداخت دیه محکوم خواهد شد
د- علاوه بر پرداخت دیه با رعایت سایر شرایط به ۳ تا ۱۰ سال حبس محکوم خواهد شد

۵۷- اگر کسی برای حفظ حیات زن حامله ای او را به استعمال ادویه دلالت نماید و موجب سقط جنین او شود : **سردفتری ۷۵**
الف- به حبس از ۳ ماه تا ۶ ماه محکوم خواهد شد
ب- به عنوان معاونت در سقط جنین عمدی تعزیر می شود
ج- دیه جنین را بر حسب وضعیت پرداخت و تعزیر می شود
د- مجازات نمی شود

۵۸- چنانچه محکوم علیه مبتلا به جنون شود **سردفتری ۷۵**
الف- اگر در حال تحمل کیفر باشد به بیمارستان روانی منتقل و این مدت جزو مدت محکومیت او محسوب می شود
ب- اگر در حال تحمل کیفر نباشد به بیمارستان روانی منتقل می شود ولی این مدت جزو مدت محکومیت او محسوب نمی شود.
ج- به علت فقدان مسئولیت کیفری تبرئه می شود
د- تا زمان افاقه از تعقیب و مجازات معاف است

۵۹- مجازات طبیعی که بدون ضرورت مشروع عمداً مبادرت به سقط جنینی کند که روح در آن پیدا شده است، کدام است ؟ **سردفتری ۷۵**
الف- دیه
ب- دیه وتعزیر
ج- قصاص
د- قصاص و دیه

۶۰- اقرار به قتلی عمدی از طرف کسی که به سبب . . . محجور باشد نافذ و موجب قصاص است : **سردفتری۷۵**
الف- سفاهت یا افلاس
ب- سفاهت و بیهوشی
ج- جنون و صغر
د- افلاس و بیهوشی

۶۱- مجازات قتل غیر عمدی ناشی از تقصیر موجب کدام است ؟ **سردفتری ۷۵**
الف- پرداخت دیه از سوی عاقله
ب- پرداخت دیه « در حکم قتل شبه عمد » از سوی مرتکب
ج- حبس و پرداخت دیه
د- سه تا ده سال حبس در صورت اخلال درنظم جامعه با خوف یا بیم تجری

۵۳- ج ۵۴- الف ۵۵- د ۵۶- ب ۵۷- ج ۵۸- الف ۵۹- ج ۶۰- الف ۶۱- ب

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۶۲- چنانچه شخصی محکوم به قصاص را رهایی دهد و او در حال فرار بمیرد ، به کدام مجازات محکوم می شود به .... ارشد سراسری ۷۶

الف- حبس ابد
ب- حبس تعزیری
ج- قصاص نفس
د- پرداخت دیه

۶۳- هرگاه دو وسیله نقلیه در اثر خطای راننده های آن ها باهم برخورد کنند و سرنشینان هر دو وسیله کشته شوند، مسئولیت به عهدهٔ کیست ؟

الف- به دلیل وجود خطای مشترک مسئولیت هر دو راننده ساقط می شود **ارشد سراسری۷۶**
ب- راننده هریک از دو وسیله نقلیه ضامن دیه تمام سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است
ج- هر راننده ای ضامن دیه سرنشینان وسیله نقلیه خودش است
د- هر راننده ای ضامن دیه سرنشینان وسیله نقلیه مقابل است

۶۴- عاقله عبارتست از خویشاوندان ذکور : ارشد سراسری۷۶

الف- نسبی پدر و مادری یا پدری
ب- سببی
ج- اناث پدر و مادری یا پدری
د- اناث سببی و نسبی

۶۵- لوث . . . . است . . . . که موجب ظن قاضی به صدق مدعی شود. ارشد سراسری۷۶

الف- اماره ای ـ قانونی
ب- اماره ای ـ عرفی
ج- دلیلی ـ قانونی
د- دلیلی ـ قضایی

۶۶- احمد به سوی شکاری تیری رها می کند اما تیر او به انسان بی گناهی اصابت کرده و او را به قتل می رساند . قتل از چه نوع است ؟

الف- خطای محض **ارشد سراسری ۷۶**
ب- عمدی
ج- شبه عمدی
د- در حکم شبه عمدی

۶۷- در نزد مشاهیر فقهای امامیه قتل از دیدگاه رکن معنوی آن معمولاً به . . . نوع تقسیم می شود . ارشد آزاد۷۶

الف- سه
ب- دو
ج- چهار
د- پنج

۶۸- نظریه مبتنی بر این امر که : « قتل اقارب در ماههای حرام و حرمین شریفین نیز موجب تغلیظ دیه خواهد بود » از طرف کدامیک از مراجع زیر در سال ۱۳۷۱ عنوان شده است؟ ارشد آزاد۷۶

الف- شورای نگهبان
ب- هیئت عمومی دیوانعالی کشور
ج- مجمع تشخیص مصلحت نظام
د- هیچکدام

۶۹- مهلت پرداخت دیه قتل جنین در صورتیکه قتل شبه عمد شناخته شود . . . سال است . ارشد آزاد۷۶

الف- ۱ سال
ب- ۲ سال
ج- ۳ سال
د- مهلت ندارد

۷۰- کسی که با عقد ضمان جریره، دیه جنایت بر دیگری را بر عهده گرفته . . . نامیده می شود . ارشد آزاد۷۶

الف- مسبب
ب- مباشر
ج- هیچکدام
د- عاقله

۶۲- د ۶۳- ب ۶۴- الف ۶۵- الف ۶۶- الف ۶۷- الف ۶۸- الف ۶۹- ب ۷۰- د

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۷۱- کدام یک از گزینه های زیر صحیح نیست ؟ **ارشد آزاد۷۶**

الف- عاقله در جنایتهای خطایی که شخص بر خود وارد می آورد ضامن نیست
ب- عاقله ضامن پرداخت دیه در مدت ۱ سال است که اگر نپردازد دیه از بیت المال پرداخت می شود.
ج- عاقله در مورد اتلاف مالی که بطور خطای محض حاصل می شود ضامن نیست
د- عاقله در مورد پرداخت خسارتهای حاصل از جنایتهای خطایی محض از قتل تا موضحه ضامن است

۷۲- در قتل عمدی اگر اولیاء دم متعدد و کبیر و صغیر باشند و اولیاء دم کبیر تقاضای قصاص نمایند . . . **قضاوت۷۶**

الف- قصاص عملی نیست و بایستی صبر کرد تا صغیر کبیر شود
ب- در صورت تأدیه سهم صغار از دیه قصاص عملی است
ج- قصاص بدون پرداخت دیه عملی است
د- اولیاء دم کبیر بایستی دیه مطالبه کنند وقصاص عملی نیست

۷۳- اگر کسی با نیت مهدورالدم بودن یک نفر مرتکب قتل وی شود ..... **قضاوت ۷۶**

الف- اگر قصد و نیت او در دادگاه ثابت شود نه قصاص دارد و نه دیه
ب- در صورتی که قصدو نیّت او ثابت شود و مقتول مهدورالدم باشد قتل شبه عمد است و دیه می پردازد
ج- خواه نیت ثابت شود یا نشود اگر مقتول مهدورالدم باشد نه دیه دارد نه قصاص
د- اگرنیت ثابت و مقتول مهدورالدم باشد نه دیه دارد و نه قصاص

۷۴- اگر در حین منازعه که عده ای در آن شرکت دارند یک نفر به قتل برسد و قاتل معلوم باشد . . . **قضاوت۷۶**

الف- کلیه شرکت کنندگان در منازعه مستوجب قصاص هستند
ب- قاتل قصاص و سایرین تعزیر می شوند
ج- قاتل قصاص می شود و سایرین مجازاتی ندارند
د- قاتل علاوه بر قصاص به مجازات شرکت در منازعه و سایرین به مجازات شرکت در منازعه محکوم می شوند

۷۵- در قتل خطئی که با شهادت شهود ثابت می شود مسئول پرداخت دیه . . . **قضاوت ۷۶**

الف- قاتل است
ب- بستگان قاتل است
ج- عاقله است
د- دیه از بیت المال پرداخت می شود

۷۶- جرح عضو در صورتی که عمدی باشد . . . **قضاوت ۷۶**

الف- موجب قصاص است
ب- موجب پراخت دیه است
ج- در صورتی که مصدوم زن باشد موجب پرداخت دیه است
د- با وجود شرایط قصاص عضو موجب قصاص است

۷۷- درصدمات بدنی دیه زن و مرد . . .. **قضاوت ۷۶**

الف- یکسان است
ب- دیه زن نصف دیه مرد است
ج- اگر دیه عضو مصدوم بیشتر از ثلث دیه کامله باشد دیه زن نصف دیه مرد است
د- اگر دیه عضو کمتر از ثلث دیه کامله باشد دیه زن نصف دیه مرد است

۷۸- درقتل عمدی درصورتی قصاص تبدیل به تعزیر می شود که مرتکب. . . **سردفتری۷۶**

الف- با پرداخت دیه و جلب رضایت کلیه شکات قصاص را ساقط کند
ب- شاکی نداشته یا شاکی گذشت کرده باشد و یا مورد عفو ولی امر قرار گیرد
ج- شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد
د- شاکی نداشته با شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده و یا به هر علتی قصاص نشود

۷۹- اگر طبیب عالماً و عامداً مباشرت به اسقاط جنینی نماید که روح در آن دمیده شده باشد: **سردفتری ۷۶**

الف- به حبس از ۲ تا ۵ سال و پرداخت دیه مطابق مقررات محکوم می شود
ب- علاوه بر دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از ۱ تا ۳ سال محکوم می شود.
ج- علاوه بر پرداخت دیه برای جراحات وارده بر زن حامله قصاص خواهد شد.
د- قصاص می شود و در صورت گذشت اولیاء دم به حبس و پرداخت دیه محکوم می گردد

۷۱- ب	۷۲- ب	۷۳- د	۷۴- ب	۷۵- ج	۷۶- د	۷۷- ج	۷۸- د	۷۹- الف

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۸۰- درقتل عمدی در صورت فوت جانی : **سردفتری ۷۶**

الف- قصاص و دیه ساقط می شود
ب- قصاص ساقط ولی دیه از اموال او پرداخت خواهد شد
ج- قصاص ساقط ولی دیه از اموال جانی و در صورت عدم امکان از خویشان نزدیک پرداخت می شود
د- به علت عدم امکان قصاص و جلوگیری از هدر رفتن خون جانی دیه به هر حال باید پرداخت شود

۸۱- در کدامیک از قتل های زیر درصورتی که قاتل در مدت معین قادر به پرداخت نباشد، به او مهلت مناسب داده می‌شود ؟ **سردفتری ۷۶**

الف- عمد
ب- خطای محض
ج- شبه عمد
د- درهمه انواع قتل

۸۲- « الف » جراحتی بر « ب » وارد کرده به نحوی که مجروح را در حکم مرده قرار داده و تنها آخرین رمق حیات برای « ب » باقی مانده ودر این حال « ج » کاری انجام داده که به حیات « ب » پایان بخشیده است ، « الف » : **ارشد سراسری۷۷**

الف- حبس می شود
ب- دیه پرداخت می کند
ج- دیه جنایت بر مرده را می پردازد
د- قصاص می شود

۸۳- در تصادف رانندگی چنانچه قتل خطئی باشد و کسی که ارتکاب آن به او نسبت داده شده هیچگونه خلافی مرتکب نشده باشد و وقوع قتل، صرفاً به لحاظ تخلف مقتول باشد، راننده : **ارشد سراسری ۷۷**

الف- به حبس محکوم می شود
ب- فقط به جزای نقدی محکوم می شود
ج- محکوم به پرداخت دیه می شود
د- مسئول نیست

۸۴- « الف » با آگاهی از عدم مهارت « ب » در امر رانندگی، اتومبیل خود را در اختیار وی قرارمی دهد، نهایتاً « ب » با عابری تصادف می کند و موجب مرگ وی می شود ، اتهام « الف » عبارت است از: **ارشد سراسری۷۷**

الف- مباشرت در قتل غیر عمدی عابر
ب- معاونت در قتل غیر عمدی ارتکابی توسط « ب »
ج- معاونت در جرم رانندگی بدون پروانه « ب »
د- شرکت در قتل غیرعمدی ارتکابی توسط « ب »

۸۵- اگر در یک بزرگراه، راننده با سرعت غیر مجاز موجب قتل عابری که در عرض بزرگراه حرکت می کند بشود و کارشناس هر دو را مقصّر اعلام نماید، در این فرض راننده : **ارشد سراسری ۷۷**

الف- به هیچ وجه ضامن نیست
ب- ضامن پرداخت نصفه دیه عابر است و نیز تعزیر خواهد شد
ج- ضامن پرداخت دیه کامل عابر است
د- فقط تعزیر می شود

۸۶- اگر « الف » به قصد شوخی « ب» رابه یک رودخانهٔ عمیق بدون علم به کشنده بودن آن بیفکند و او را به قتل رساند عمل او کدام جنایت است ؟

الف- خطئی محض **ارشد سراسری۷۷**
ب- در حکم شبه عمد
ج- شبه عمد
د- عمدی

۸۷- زنی شخصاً جنین خود را سقط می کند. در بررسی پزشکی مشخص می گردد که سه جنین در رحم مادر موجود بوده است . در چنین شرایطی :

الف- به عدد هر یک از جنین ها دیه جداگانه بر عهده زن خواهد بود **ارشد آزاد۷۷**
ب- فقط یک دیه دریافت خواهد شد
ج- زن فقط یک دیه پرداخت خواهد کرد اما تعزیر نیز خواهد شد
د- فقط مستحق پرداخت یک دیه است اما دیه تغلیظ می شود

۸۰- الف ۸۱- ج ۸۲- ج ۸۳- د ۸۴- ج ۸۵- ب ۸۶- د ۸۷- الف

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۸۸- در بحث قصاص مدعی قتل کدام یک از شرایط زیر را باید حین اقامه دعوی داشته باشد ؟ **ارشد آزاد۷۷**
الف- نسبت به مورد دعوی جازم باشد
ب- قاصد باشد
ج- عاقل و بالغ باشد و نسبت به مورد دعوی جازم باشد
د- عاقل و بالغ باشد و نسبت به مورد دعوی قاصد باشد

۸۹- موقعیت حقوقی «ارش» در حقوق جزای اسلامی : **وکالت ۷۷**
الف- «ارش» همان دیه است
ب- «ارش» خسارت غیر عمدی جنایت بر عضو است که برای آن عضو دیه ای مقرر نشده
ج- تخفیف دادن دیه را «ارش» می نامند
د- در صورتی که خسارات وارده بر عضو عمدی باشد «ارش» نامیده می شود

۹۰- شخصی فردی را مورد ضرب و جرح عمدی قراد داده که منجر به مرگ مجنی علیه می شود «مجنی علیه» قبل از مرگ، جانی را از قصاص نفس عفو می نماید در این صورت اولیاء دم : **وکالت ۷۷**
الف- می توانند تقاضای قصاص جانی را بنمایند
ب- حق قصاص ندارند بلکه بجای قصاص نفس باید تقاضای مجازات تعزیری جانی را بنمایند
ج- حق قصاص اولیاء دم ساقط می شود و آنها بعد از مرگ مجنی علیه نمی توانند تقاضای قصاص جانی را بنمایند
د- حق قصاص ندارند بلکه به جای قصاص باید مطالبه دیه کنند

۹۱- هرگاه مرد مسلمانی عمداً دو زن مسلمان را بکشد محکوم به قصاص است لکن باید ولی یا اولیاء زنان قبل از قصاص قاتل : **قضاوت ۷۷**
الف- یا بعد از آن نباید دیه ای بدهند
ب- نصف دیه زنان را به او بدهند
ج- جمعاً نصف دیه مرد را به او بدهند
د- به ازاء هر زن نصف دیه کامل به او بدهند

۹۲- اگر طفل غیر ممیز یا مجنون به قتل اکراه باشد در این صورت : **قضاوت۷۷**
الف- ولی طفل یا مجنون محکوم به قصاص است
ب- خود طفل یا مجنون محکوم به قصاص است
ج- فقط اکراه کننده محکوم به قصاص است
د- هیچکدام

۹۳- اگر مجنون ادواری در حال جنون مرتکب ضرب و جرح شود و پس از مدتی افاقه پیدا کند لکن مجنی علیه دراثر سرایت ضربه یا جرح فوت کند :
الف- مرتکب فقط تعزیر می شود **قضاوت۷۷**
ب- مرتکب به لحاظ افاقه قصاص می شود
ج- مرتکب باید دیه را بپردازد
د- مرتکب قصاص نمی شود

۹۴- قتل نفس در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعاً : **قضاوت۷۷**
الف- مستحق کشتن نباشد
ب- مهدورالدم نباشد
ج- محقون الدم باشد
د- هر سه مورد

۹۵- در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت کدام یک ضامن است ؟ **قضاوت۷۷**
الف- مباشر
ب- سبب
ج- هردو به تساوی
د- هردو به تناسب و دخالت در عمل

۹۶- جنایتهای عمدی دیوانه و نابالغ : **قضاوت۷۷**
الف- به منزله خطای محض است
ب- به منزلهٔ شبه عمد است
ج- اولی خطای محض و دومی شبه عمد است
د- اولی شبه عمد و دومی خطای محض است

۸۸- ج	۸۹- ب	۹۰- ج	۹۱- الف	۹۲- ج	۹۳- د	۹۴- د	۹۵- الف	۹۶- الف

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۹۷- چنانچه در دادگاه معلوم شود راننده مرتکب جرمی در رانندگی نشده و حادثه درنتیجه تخلف مقتول اتفاق افتاده است ، راننده: قضاوت۷۷
الف- فقط به حبس محکوم می شود
ب- هیچگونه مسئولیتی ندارد
ج- فقط به حبس و جزای نقدی محکوم می شود
د- فقط به پرداخت دیه محکوم می شود

۹۸- پدری اتومبیل خود را در اختیار فرزندش که فاقد گواهینامه رانندگی است می گذارد نامبرده در نتیجه تخطی از سرعت مطمئنه و عدم توجه به جلو با عابری تصادف کرده و در نتیجه عابر فوت می نماید عمل پدر : قضاوت۷۷
الف- معاونت در قتل غیر عمدی
ب- شرکت درقتل غیر عمدی
ج- معاونت در رانندگی بدون پروانه
د- معاونت در قتل غیر عمدی و رانندگی بدون پروانه

۹۹- درقتل عمدی و در قسامه اگر مدعی علیه با وجود درخواست مدعی اجرای قسامه ننماید قضاوت۷۷
الف- به حبس محکوم می شود
ب- به پرداخت دیه محکوم می شود
ج- قصاص می شود
د- ازاتهام قتل عمدی تبرئه می شود

۱۰۰- در موردی که عده ای با یکدیگر منازعه می کنند و یک نفر به قتل معلوم است مجازات قانونی کدام مورد از موارد زیر است؟ قضاوت ۷۷
الف- کلیه شرکت کنندگان در منازعه به عنوان شرکت در قتل مجازات می شوند
ب- فقط قاتل قصاص می شود
ج- قاتل قصاص می شود و سایرین تعزیر می شوند
د- قاتل قصاص و سایرین به مجازات مقرر در قانون محکوم می شوند

۱۰۱- دیه قتل در کدام مورد از موارد زیر تغلیظ می شود ؟ قضاوت ۷۷
الف- در کلیه قتلهای غیر عمد
ب- در قتل شبه عمد
ج- قتل و صدمه در ماه حرام باشد
د- قتل در ماه حرام واقع شود

۱۰۲- چنانچه طبیب قبل از انجام عمل جراحی از مریض یا ولی او برائت حاصل کند و احراز عدم تقصیر ضامن خسارت مالی سردفتری۷۷
الف- است ولی ضامن خسارت جانی یا نقص عضو نیست
ب- نیست ولی ضامن خسارت جانی یا نقص عضو است
ج- جانی یا نقص عضو نیست
د- جانی با نقص عضو خواهد بود

۱۰۳- اکراه از نظر حقوق ایران نسبت به شخص مکره : سردفتری۷۷
الف- تنها در قتل رافع مسئولیت کیفری است
ب- در غیر موارد قتل رافع مسئولیت کیفری است
ج- در همه موارد رافع مسئولیت کیفری است
د- در هیچ موردی رافع مسئولیت کیفری نیست

۱۰۴- چنانچه شخص « الف » که فاقد گواهینامه رانندگی است، بدون اطلاع مالک با اتومبیل وی رانندگی و با عابری تصادف و منتهی به فوت عابر شود ؟
الف- راننده مرتکب دو جرم رانندگی بدون پروانه و قتل در حکم شبه عمدی شده و مالک مسئولیت ندارد **سردفتری ۷۷**
ب- راننده و مالک اتومبیل هر دو شریک جرم درقتل غیر عمدی هستند
ج- راننده مرتکب قتل شبه عمدی و مالک اتومبیل معاون درقتل شبه عمدی است
د- راننده مرتکب جرم رانندگی بدون پروانه و مالک اتومبیل در حکم مباشر درقتل شبه عمدی است

۱۰۵- در قتل ناشی از رانندگی ، وقتی قتل خطئی باشد و کسی که ارتکاب آن به او نسبت داده شده ، هیچگونه خطائی مرتکب نشده و وقوع قتل هم صرفاً به لحاظ تخلّف مقتول باشد . . . سردفتری۷۷
الف- دولت مسئول پرداخت دیه است
ب- راننده مسئول پرداخت دیه نیست
ج- راننده مسئول پرداخت دیه است
د- عاقله مسئول پرداخت دیه مقتول است

۹۷- ب | ۹۸- ج | ۹۹- ب | ۱۰۰- د | ۱۰۱- ج | ۱۰۲- ج | ۱۰۳- ب | ۱۰۴- الف | ۱۰۵- ب

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۱۰۶– آقای «الف» طفلی را که قادر به محافظت خود نبوده، در جائی که خالی از سکنه است رها نموده و منتهی به مرگ طفل شده است، اقدام مرتکب، ارتکاب جرم ... **سردفتری۷۷**

الف- از طریق فعل است
ب- از طریق ترک فعل است
ج- به صورت فعل ناشی از ترک فعل است
د- به صورت داشتن و نگهداری است

۱۰۷– فرض شروع به جرم در جرائم غیر عمدی **سردفتری۷۷**

الف- به علت وجود اراده در رفتار امکان پذیر است
ب- منتفی و غیر ممکن است
ج- همانند تهیه مقدمات تلقی و امکان پذیر است
د- همانند جرم عقیم تلقی و امکان پذیر است

۱۰۸– اقدام به سقط جنین زنی که اصلاً حامله نبوده است چگونه جرمی است؟ **سردفتری۷۷**

الف – جرم تام
ب- جرم عقیم
ج- جرم محال
د- شروع به جرم

۱۰۹– فردی که موجب تلف دیگری در حال خواب به لحاظ حرکت یا غلطیدن شود، مرتکب چه نوع جنایتی شده است؟ **ارشد سراسری ۷۸**

الف- به منزله شبیه عمد
ب- به منزله خطای محض
ج- خطای محض
د- شبه عمد

۱۱۰– اگر شخصی دیوانه، مرتکب قتل عمد شود، قتل چه حکمی دارد و دیه را چه کسی می پردازد؟ **ارشد سراسری ۷۸**

الف- در حکم شبیه عمد ـ پس از افاقه خودش
ب- خطا ـ عاقله
ج- خطا ـ پس از افاقه خودش
د- شبه عمد ـ عاقله

۱۱۱– اقرار سفیه در قتل عمد: **ارشد سراسری ۷۸**

الف- نافذ نیست
ب- نافذ بوده و اولیاء یا سرپرستان قانونی دیه می پردازند
ج- نافذ بوده و عاقله دیه می پردازد
د- نافذ و موجب قصاص است

۱۱۲– در کدام یک از موارد ذیل در ارتکاب قتل عمدی، قاتل قصاص نشده و دیه نیز ساقط است ؟ **ارشد سراسری ۷۸**

الف- وقتی که قاتل فرار کند و به او دسترس نباشد
ب- وقتی که قاتل فرار کند و تعقیب مشمول مرور زمان شود
ج- وقتی که قاتل بمیرد
د- وقتی که قاتل فرار کند و تا هنگام مردن به او دسترسی نباشد

۱۱۳– قتل ناشی از تقصیر جزایی در قانون مجازات اسلامی ، چه نوع قتلی است ؟ **ارشد سراسری ۷۸**

الف- خطای محض
ب- در حکم شبه عمد
ج- درحکم خطای محض
د- شبه عمد

۱۱۴– الف مبادرت به صدور دستور به ب برای ارتکاب قتل ج نموده است. الف به عنوان آمر به کدام مجازات محکوم می شود ؟ **ارشد سراسری ۷۸**

الف- تعزیر و پرداخت دیه قتل
ب- حبس تعزیری از ۳ تا ۱۵ سال
ج- حبس ابد
د- قصاص

۱۰۶- الف ۱۰۷- ب ۱۰۸- ج ۱۰۹- ب ۱۱۰- ب ۱۱۱- د ۱۱۲- ج ۱۱۳- ب ۱۱۴- ج

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۱۱۵- الف بدون اذن ولی دم ، محکوم به قصاص ب را به قتل رسانده است. الف مرتکب قتلی شده است که موجب . . . . . است. **ارشد سراسری ۷۸**
الف- دیه قتل در حکم شبه عمدی
ب- دیه قتل شبه عمدی
ج- دیه قتل به تسبیب
د- قصاص

۱۱۶- ارتکاب قتل درحین رانندگی با نداشتن گواهینامه : **ارشد سراسری ۷۸**
الف- از مصادیق تعدد جرم قتل غیر عمدی و رانندگی بدون گواهینامه است
ب- به منزله قتل خطای محض است
ج- در حکم قتل عمدی است
د- موجب تشدید مجازات قتل غیر عمدی ناشی از تخلفات رانندگی است

۱۱۷- برای اثبات قتل از طریق قسامه قاضی باید : **ارشد سراسری۷۸**
الف- صرفاً سوگند قسم خوردگان را استماع نماید
ب- ظن قسم خوردگان را به ارتکاب قتل توسط متهم احراز کند
ج- علم قسم خوردگان را به ارتکاب قتل توسط متهم احراز نماید
د- قبل از ظن به ارتکاب جرم توسط متهم، به قسم سوگند خوردگان متوسل شد.

۱۱۸- قتل ناشی از بی احتیاطی چه نوع قتلی است ؟ **ارشد آزاد۷۸**
الف- قتل خطاء محض است
ب- قتل در حکم شبه عمد است
ج- قتل غیر عمد است
د- قتل در حکم خطاء محض است

۱۱۹- در قتل در حال خواب چه کسی باید دیه بپردازد؟ **ارشد آزاد۷۸**
الف- همان شخصی که مرتکب شده است
ب- عاقله بایستی دیه بپردازد
ج- اساساً دیه وجود ندارد
د- دیه بر بیت المال است

۱۲۰- مجازات شروع به قتل عمد از نوع . . . . **ارشد آزاد۷۸**
الف- حبس بازدارنده است
ب- شلاق تعزیری است
ج- حبس تعزیری است
د- حبس از نوع اقدامات تامینی و تربیتی است

۱۲۱- دیه هر یک از دنده هایی که در پهلوی چپ و محیط به قلب است عبارتست از : **وکالت ۷۸**
الف- ده دینار
ب- بیست و پنج دینار
ج- یک دوازدهم دیه کامل
د- ده درصد دیه کل

۱۲۲- تسبیب در قتل مستوجب کدامیک از عناوین ذیل است ؟ **وکالت ۷۸**
الف- نفی بلد
ب- قصاص
ج- حبس بیشتر از ده سال
د- پرداخت دیه

۱۲۳- کسی که در حال مستی مرتکب قتل عمدی می شود . . . **قضاوت۷۸**
الف- قابل قصاص نیست
ب- به حد شرب مسکر و قصاص نفس محکوم می شود
ج- فقط از بابت اخلال در نظم به حبس محکوم می شود
د- فقط به حد شرب مسکر محکوم می شود

۱۱۵- د | ۱۱۶- د | ۱۱۷- ج | ۱۱۸- ب | ۱۱۹- الف | ۱۲۰- ج | ۱۲۱- ب | ۱۲۲- د | ۱۲۳- ب

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۱۲۴- در کدام یک از موارد زیر با وجود شرایط مقرره تغلیظ دیه عملی است ؟ **قضاوت۷۸**

الف- در قتل
ب- در ضرب و جرح عمدی
ج- نقص عضوی
د- نقص عضو عمدی و غیر عمدی

۱۲۵- در قسامه و در موارد لوث درصورتی که مدعی از اجرای قسامه خودداری نماید تکلیف مدعی علیه چیست ؟ **قضاوت ۷۸**

الف- با اجرای قسامه تبرئه می شود
ب- به پرداخت دیه محکوم می شود
ج- از بابت اخلال در نظم به حبس محکوم می شود.
د- با استفاده از قاعده مدعی و منکر و خوردن قسم تبرئه می شود.

۱۲۶- در قتل عمدی در موردی که اولیاء دم عده ای کبیر و تعدادی صغیرند و اولیای دم کبیر درخواست قصاص دارند حکم قضیه چیست؟ **قضاوت ۷۸**

الف- بایدصبر کرد تا صغار کبیر شود
ب- حکم به قصاص صادر و اجرا می شود
ج- با مصالحه موضوع حل می شود
د- باتادیه سهم صغار از دیه به وسیله اولیای دم خواهان حکم به قصاص صادر و اجرا می شود

۱۲۷- اگر شخصی تیری را به سوی انسانی پرتاب نموده و به لحاظ عدم مهارت او، تیر مزبور به فرد موردنظر اصابت ننماید، کدامیک از جرائم ذیل اتفاق افتاده است ؟ **سردفتری ۷۸**

الف- جرم عقیم
ب- جرم محال
ج- جرم مطلق
د- شروع به جرم

۱۲۸- الف با قصدکشتن ب طنابی خریداری کرده است . با فرض تعقیب موضوع و احراز مطلب مزبور توسط قاضی الف با این میزان از اقدام : **سردفتری ۷۸**

الف- به عنوان شروع به جرم قتل عمدی قابل تعقیب کیفری است
ب- فاقد تعقیب کیفری است
ج- به عنوان معاونت در ارتکاب قتل عمدی قابل تعقیب کیفری است
د- به عنوان ارتکاب یک جرم مستقل قابل تعقیب کیفری است

۱۲۹- کدامیک از اقربا در تقاضای اجرای قصاص نفس و عفو قاتل در ارتکاب قتل عمدی فاقد اختیارند؟ **سردفتری ۷۸**

الف- پسر و دختر
ب- شوهر و زن
ج- پدر و مادر
د- برادر و خواهر

۱۳۰- الف به منظور کشتن ب چاقوی دستی در اختیار ج قرار می دهد . ج به وسیله طناب ب را به قتل می رساند . در این صورت الف : **سردفتری ۷۸**

الف- مرتکب جرم نشده و فاقد مسئولیت کیفری است
ب- تحت عنوان شروع به جرم قتل عمدی ب قابل تعقیب و مجازات است
ج- تحت عنوان معاونت در ارتکاب قتل عمدی ب قابل تعقیب و مجازات است
د- به عنوان ارتکاب یک جرم مستقل قابل تعقیب و مجازات است

۱۳۱- در حقوق موضوعه ایران طبیعی که مباشرتاً بیماری را بطور متعارف و با اذن او معالجه کند و اتفاقاً سبب مرگ او شود، مرتکب قتل . . . شده است. **ارشد سراسری ۷۹**

الف- به تسبیب
ب- خطای محض
ج- در حکم شبه عمدی
د- شبه عمد

۱۳۲- در قانون مجازات اسلامی انواع قتل عبارتند از : عمد، شبه عمد، . . . **ارشد سراسری ۷۹**

الف- در حکم شبه عمد
ب- در حکم شبه عمد ، خطای محض
ج- خطای محض
د- خطای محض ، در حکم شبه عمد، در حکم خطای محض

۱۲۴- الف | ۱۲۵- الف | ۱۲۶- د | ۱۲۷- الف | ۱۲۸- ب | ۱۲۹- ب | ۱۳۰- الف | ۱۳۱- د | ۱۳۲- د

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۱۳۳- راننده ای ضمن عدم رعایت نظامات دولتی مرتکب قتل دیگری شده و از صحنه تصادف فرار می کند. رفتار او مشمول عنوان مجرمانه، قتل . . . . **ارشد سراسری ۷۹**
الف- عمدی
ب- در حکم شبه عمد
ج- خطای محض
د- شبه عمد

۱۳۴- دیه شکستن استخوان هر عضوی که برای آن عضو دیه معینی است ، اگر معالجه شود و بدون عیب گردد : **وکالت ۷۹**
الف- یک پنجم دیه عضو است
ب- چهار پنجم دیه عضو است
ج- چهار پنجم دیه شکستن آن عضو است
د- ارزش آن توسط دادرس دادگاه تعیین می شود

۱۳۵- قتلی در اثر خطای محض واقع شده و جانی نیز به قتل اقرار نموده است. در این صورت دیه آن بر عهده چه کسی است ؟ **وکالت ۷۹**
الف- جانی مسؤول پرداخت دیه است
ب- جانی و عاقله متضامناً مسؤول پرداخت دیه هستند
ج- دیه از بیت المال داده می شود
د- عاقله جانی مسؤول پرداخت دیه است

۱۳۶- شخصی متهم به معاونت در قطع عضوی از اعضای بدن شاکی است . مجازات چنین شخصی در صورت اثبات جرم چقدر است ؟ **وکالت ۷۹**
الف- قطع همان عضو متهم است
ب- سه ماه تا یک سال حبس است
ج- ۹۹ ضربه شلاق است
د- متهم باید دیه پرداخت کند و دیه آن همان دیه عضوی است که قطع شده است

۱۳۷- کسی که به شخصی تیراندازی می کند ولی تیر او به دیگری اصابت می کند و او را می کشد مرتکب . . . . . **قضاوت ۷۹**
الف- قتل عمدی می شود
ب- قتل شبه عمدی می شود
ج- قتل در حکم شبه عمد می شود
د- قتل خطای محض می شود

۱۳۸- در ضرب و جرح منتهی به فوت در صورتی دیه تغلیظ می شود که . . . **قضاوت ۷۹**
الف- ضرب و جرح در ماه حرام وارد شود
ب- ضرب و جرح و قتل در ماه حرام باشد
ج- قتل در ماه حرام باشد
د- ضرب و جرح و قتل در ماه غیر حرام باشد

۱۳۹- کدام جرم از جرایم زیر مقید محسوب می شود ؟ **قضاوت ۷۹**
الف- قتل عمدی
ب- سقط جنین
ج- سقط حمل
د- هر سه مورد

۱۴۰- عنوان کیفری که مردم را به کشتار با یکدیگر تحریک و اغوا می نماید . . . . است . **قضاوت ۷۹**
الف- شرکت در جرم
ب- جرمی مستقل
ج- معاونت
د- شروع به جرم

۱۴۱- با توجه به مقررات قانون مجازات اسلامی و رویه قضایی شروع به جرم در صورتی جرم است که . . . . **قضاوت ۷۹**
الف- مقصود محقق شود
ب- اقدامات انجام شده جرم باشد
ج- در قانون تصریح شده باشد
د- مجرم به میل خود اقدامات را متوقف نماید

۱۳۳- ب	۱۳۴- ج	۱۳۵- الف	۱۳۶- ب	۱۳۷- د	۱۳۸- ب	۱۳۹- د	۱۴۰- ب	۱۴۱- ب

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۱۴۲- از نظر تقسیمات جرایم ، قتل عمدی جرمی است : **قضاوت ۷۹**
الف- آنی
ب- مستمر
ج- مقید
د- به عادت

۱۴۳- با وجود ولی دم صغیر اگر ولی دم کبیر خواهان قصاص قاتل باشد، کدام مورد از موارد یا مقررات و موازین قابل تطبیق است ؟ **قضاوت ۷۹**
الف- دادرسی تا کبیر شدن صغیر متوقف می شود
ب- قاتل به پرداخت دیه محکوم می شود
ج- طبق درخواست رئیس کل دادگستری استان حکم صادر می شود
د- حکم به قصاص صادر و سهم صغیر از دیه تادیه می شود

۱۴۴- بر طبق ضوابط عمومی قتل در صورتی شبه عمد است که . . . . **قضاوت ۷۹**
الف- قاتل قصد فعل و قصد نتیجه ندارد
ب- قاتل بدون قصد قتل و داشتن قصد فعل کاری که انجام می دهد نوعاً کشنده نیست
ج- قاتل قصد نتیجه دارد قصد فعل ندارد.
د- قاتل قصد فعل و قصد نتیجه دارد.

۱۴۵- درمنازعه ای که چند نفر در آن شرکت می کنند و عده ای مجروح می شوند اما معلوم نیست چه کسی جراحت را وارد کرده مجازات شرکت کننـــدگان در منازعه با کدام مورد قابل تطبیق می باشد ؟ **قضاوت ۷۹**
الف- کلیه شرکت کنندگان در منازعه غیر از مجروحین به حبس محکوم می شوند.
ب- کلیه شرکت کنندگان د رمنازعه به حبس و پرداخت دیه محکوم می شوند
ج- کلیه شرکت کنندگان در منازعه به حبس محکوم می شوند
د- کلیه شرکت کنندگان در منازعه به قصاص عضو و پرداخت دیه محکوم می شوند

۱۴۶- جنون بعد از صدور حکم ، موجب : **سردفتری ۷۹**
الف- تبدیل مجازات تعزیری است
ب- تخفیف مجازات تعزیری است
ج- سقوط مجازات تعزیری است
د- سقوط مجازات تعزیری نمی باشد

۱۴۷- زندانی محکوم به قصاص با تبانی مامور مراقبت زندان از زندان فرار و فوت کرده است ، در این فرض : **سردفتری ۷۹**
الف- پرداخت دیه به عهده بیت المال است
ب- پرداخت دیه به عهده عاقله است
ج- دیه و قصاص ساقط است
د- پرداخت دیه به عهده فراری دهنده است

۱۴۸- الف به اتهام قتل عمدی ب و ج به عنوان معاون در قتل عمدی ب تحت تعقیب قرار گرفته اند ، دادگاه پس از رسیدگی و به جهت دفاع مـــشروع الـــف را از قتل عمدی تبرئه کرده است . در این فرض، تبرئه الف به عنوان فاعل جرم : **سردفتری ۷۹**
الف- تاثیری در حق معاون جرم نخواهد داشت
ب- موثر در مجازات ج و موجب تبرئه معاون می گردد
ج- موجب تخفیف مجازات ج می گردد
د- موجب تبدیل مجازات ج می گردد

۱۴۹- قتل اقارب : **سردفتری ۷۹**
الف- در ماههای حرام و حرمین شریفین موجب تغلیظ دیه است
ب- درماههای حرام و حرمین شریفین موجب تغلیظ دیه نیست
ج- فقط در ماههای حرام موجب تغلیظ دیه است
د- فقط در حرمین شریفین موجب تغلیظ دیه است

۱۵۰- الف به قصد قتل و با فریاد کشیدن باعث وحشت ب شده و بر اثر این ارعاب «ج» فوت کرده است. در این فرض الف مرتکب قتل . . . . شده است **سردفتری ۷۹**
الف- خطاء محض
ب- عمدی
ج- شبیه به عمد
د- در حکم شبه عمد

۱۴۲- ج | ۱۴۳- د | ۱۴۴- ب | ۱۴۵- ب | ۱٤٦- د | ۱۴۷- د | ۱۴۸- ب | ۱۴۹-الف | ۱۵۰- ب

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۱۵۱– اگر پزشکی مباشرتاً بیکاری را به طور متعارف معالجه کند و اتفاقاً سبب جنایت بر او شود و بیمار فوت کند ، در این فرض پزشک مرتکب : **سردفتری ۷۹**
الف- جرم نشده است
ب- قتل عمدی شده است
ج- قتل خطاء محض شده است
د- قتل خطاء و شبه به عمد شده است

۱۵۲– هرگاه دو وسیله نقلیه بر اثر بی احتیاطی راننده ها با همدیگر برخورد و هر دو راننده کشته شوند، چه حکمی دارد؟ **ارشد سراسری ۸۰**
الف- هر یک ضامن نصف دیه دیگری است .
ب- هیچیک ضامن دیه دیگری نیستند.
ج- هر یک ضامن تمام دیه دیگری است.
د- عاقله ضامن پرداخت دیه است.

۱۵۳– منظور از سوء قصد به جان مقامات سیاسی داخلی و خارجی در قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) چیست؟ **ارشد سراسری ۸۰**
الف- قصد قتل
ب- شروع به قتل
ج- قصد قتل یا ایراد جراحت
د- شروع به ایراد ضرب

۱۵۴– در موردی که کسی صغیر غیر ممیز را وادار و امر به قتل می نماید . . . . **قضاوت ۸۰**
الف- عاقله صغیر ضامن پرداخت دیه است
ب- آمرو دستور دهنده قصاص می شود ، صغیر و عاقله مجازاتی ندارند
ج- آمر و دستور دهنده به حبس ابد محکوم می شود
د- آمر به حبس ابد محکوم و عاقله ی صغیر ضامن پرداخت دیه است

۱۵۵– اقرار سفیه به قتل عمدی . . . **سردفتری ۸۰**
الف- نافذ و موجب تعزیر است.
ب- نافذ و موجب دیه است.
ج- نافذ و موجب قصاص است.
د- نافذ نیست .

۱۵۶– در صدمات بدنی منتهی به فوت دیه قتل در صورتی تغلیظ می شود که . . . **مشاوره حقوقی ۸۰**
الف- فوت در ماه حرام باشد .
ب- صدمه و فوت در ماه حرام باشد.
ج- صدمه در ماه حرام باشد.
د- فوت در ماه حرام و صدمه در ماه غیرحرام باشد.

۱۵۷– اگر پزشک متخصص و حاذق با اذن مریض یا ولی او شخصاً مریضی را با رعایت موازین، عمل نماید و در اثر جراحی وی مریض فوت کند . . .
الف- هیچگونه مسئولیتی اعم از دیه و تعزیر متوجه پزشک نمی باشد . **ارشد سراسری ۸۱**
ب- اگر پزشک مرتکب تقصیر شده باشد موظف به پرداخت دیه است و الّا دیه متوفی منتفی می باشد.
ج- به هر حال دیهٔ متوفی بر عهده پزشک است و اذن مریض یا ولی او موجب سقوط دیه نمی شود مگر اینکه پزشک برائت ذمّه گرفته باشد.
د- با توجه به اذن مریض یا ولی او، دیهٔ متوفی ساقط می شود ولی به هر حال حبس تعزیری ناشی از قتل غیرعمدی متوجه پزشک خواهد بود.

۱۵۸– برای تحقق جرم شرکت در قتل عمدی طبق قوانین جزایی کشور ما . . . **ارشد سراسری ۸۱**
الف- لازم است متهمین به قتل همزمان اقدام به ایراد جرح نموده باشند .
ب- ضروری است مرگ مجنی علیه مستند به عمل همه متهمین باشد.
ج- لازم است که در یک زمان و با تأثیر عمل مساوی، اقدامات معاونین صورت گرفته باشد.
د- ضروری است میزان تأثیر عمل شرکاء مساوی باشد گرچه در یک زمان عمل آنها صورت نگرفته باشد.

۱۵۹– در جرم قتل عمد، اگر اولیاء دم از قصاص قاتل چشم پوشی کنند : **ارشد سراسری ۸۱**
الف- این امر موجب تبرئه معاون قتل هم می شود.
ب- این امر تأثیری در مجازات معاون قتل ندارد.
ج- این امر موجب تخفیف مجازات معاون قتل هم می شود.
د- به شرطی که معاون قتل هم مورد گذشت اولیاء دم واقع شود در مجازات او تأثیر دارد و الّا تأثیری در مجازات معاون ندارد.

۱۵۱- د	۱۵۲- الف	۱۵۳- ب	۱۵۴- ب	۱۵۵- ج	۱۵۶- ب	۱۵۷- ج	۱۵۸- ب	۱۵۹- ج

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۱۶۰ – اقدام کسی که محکوم به قصاص را بدون اذن ولی دم بکشد با کدام مورد منطبق است؟ **قضاوت. شهریور ۸۲**

الف ـ قابل مجازات نیست.
ب ـ قاتل شبه عمد است.
ج ـ مرتکب قتلی می‌شود که موجب قصاص است.
د ـ ضمان مالی دارد.

۱۶۱ – در زنای موجب حد در صورتیکه متهم پس از اقرار توبه کند . . . . **قضاوت. شهریور ۸۲**

الف ـ حد ساقط می‌شود.
ب ـ قاضی او را عفو می‌کند.
ج ـ فقط تعزیر می‌شود.
د ـ قاضی از ولی امر درخواست عفو و یا حد را احراز می‌کند.

۱۶۲ – در طرق ثبوت قتل عمد، کدام یک از گزینه‌های زیر در مورد اقرار کننده فاقد اعتبار است؟ **وکالت. مهر۸۲**

الف ـ عقل
ب ـ بلوغ
ج ـ اراده
د ـ قصد

۱۶۳ – در کدام یک از موارد زیر، در قتل خطای محض پرداخت دیه به عهدهٔ عاقله نیست؟ **وکالت. مهر ۸۲**

الف ـ در صورتی که قتل با اقرار متهم ثابت شود.
ب ـ در صورتی که قتل با بینه ثابت شود.
ج ـ در صورتی که قتل با علم قاضی ثابت شود.
د ـ در صورتی که قتل با قسامه ثابت شود.

۱۶۴ – سه مرد مرتکب شرکت در قتل عمدی یک مرد شده‌اند اولیاء دم می‌توانند: **مشاوره حقوقی. آذر ۸۲**

الف ـ با پرداخت دو سوم دیه هر کدام تقاضای هر سه نفر را بنماید.
ب ـ یک نفر از مرتکبین را با پرداخت دو سوم دیه او قصاص و از سایرین هر کدام یک سوم دیه دریافت نمایند.
ج ـ صرفاً می‌توانند دیه بگیرند و حق قصاص ندارند.
د ـ هر یک از موارد مندرج در بندهای الف و یا ب.

۱۶۵ – مهلت پرداخت دیه قتل شبه عمد دو سال است، این مهلت از چه تاریخی محاسبه می‌شود؟ **مشاوره حقوقی. آذر ۸۲**

الف ـ از تاریخ ابلاغ دادنامه قطعی به محکوم علیه .
ب ـ از تاریخ وقوع جرم .
ج ـ از تاریخ صدور دادنامه قطعی .
د ـ از تاریخ درخواست محکوم له .

۱۶۶ـ بین دو وسیله نقلیه در اثر ریزش کوه تصادم حاصل شده است. در این فرض . . . . **سردفتری. بهمن ۸۲**

الف ـ هیچ گونه ضمانی در بین نیست.
ب ـ بیت‌المال ضامن دیه تمام سرنشینان می‌باشد.
ج ـ عاقله هر کدام عهده‌دار نصف دیه تمام سرنشینان می‌باشد.
د ـ راننده هر دو وسیله نقلیه ضامن نصف دیه تمام سرنشینان خواهند بود.

۱۶۷ـ جنایت‌های شبه عمدی نابالغ . . . . است. **سردفتری. بهمن ۸۲**

الف ـ غیر عمد
ب ـ خطاء محض
ج ـ خطاء شبیه عمد
د ـ به منزلهٔ خطاء محض

۱۶۸ـ نادر در مقام دفاع مشروع مرتکب قتل شده و آن را در دادگاه ثابت کرده است. در این فرض دادگاه . . . . **سردفتری. بهمن ۸۲**

الف ـ قرار منع تعقیب صادر می‌کند.
ب ـ قرار موقوفی تعقیب صادر می‌کند.
ج ـ مجازات او را تخفیف می‌دهد.
د ـ او را قابل تعقیب نمی‌داند و حکم به مجازات نخواهد داد.

۱۶۰– ج ۱۶۱- د ۱۶۲- ج ۱۶۳- الف ۱۶۴- د ۱۶۵- ب ۱۶۶- الف ۱۶۷- ب ۱۶۸- د

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۱۶۹ـ قتل خطای محض با نکول قاتل از سوگند ثابت شده است. در این فرض پرداخت دیه به عهده . . . . است. **سردفتری. بهمن ۸۲**
الف ـ قاتل
ب ـ عاقله
ج ـ بیت‌المال
د ـ بستگان ذکور نسبی پدر و مادری

۱۷۰ـ «الف» در ملک متعلق به خود توقف کرده است، دیگری به او برخورد نموده و مصدوم شده است، در این فرض شخص متوقف مسئول پرداخت . . . . **سردفتری. بهمن ۸۲**
الف ـ ارش است.
ب ـ خسارت است.
ج ـ خسارت نیست.
د ـ نصف خسارت است.

۱۷۱ـ کسی که به علت ارتکاب قتل عمدی محکوم به قصاص شده است چنانچه از زندان فرار کند و اولیاء دم به وی دسترسی نداشته باشند . . . . **ارشد سراسری . اسفند ۸۲**
الف ـ قصاص او منتفی می‌شود، و اولیاء دم می‌توانند از اموال او دیهٔ مقتول را دریافت کنند.
ب ـ هر کسی که به او دسترسی داشته باشد می‌تواند او را به قتل برساند چون مهدورالدم محسوب می‌شود.
ج ـ مأموران دولت می‌توانند وی را قصاص کنند، چون پس از فرار از زندان، مهدورالدم خواهد بود.
د ـ قصاص او منتفی نمی‌شود، و اولیاء دم می‌توانند به دیگران اجازه اجرای قصاص را بدهند و الا از اموال وی دیه خواهند گرفت.

۱۷۲ـ چنانچه کسی در اثر ضرب و جرح عده‌ای کشته شود و مرگ او مستند به عمل مرتکبین باشد: **ارشد سراسری. اسفند ۸۲**
الف ـ شرکت در قتل تحقق می‌یابد.
ب ـ شرکت در منازعه تحقق می‌یابد.
ج ـ شرکت در ضرب و جرح تحقق می‌یابد.
د ـ شرکت در قتل و شرکت در منازعه تحقق می‌یابد.

۱۷۳ـ راههای ثبوت قتل در دادگاه، مطابق قانون مجازات اسلامی عبارتند از: **ارشد سراسری. اسفند ۸۲**
الف ـ اقرار، شهادت، قسامه، سوگند
ب ـ اقرار، شهادت، قسامه، علم قاضی
ج ـ اقرار، شهادت، قسامه، اماره قانونی
د ـ اقرار، شهادت، قسامه، اماره قضائی

۱۷۴ـ علی «۱۲ ساله» و محمد «۱۶ ساله» با وارد کردن ضربات چاقو حسین را به قتل می‌رسانند. در صورتیکه اولیاء دم مقتول از محمد تقاضای دیه کنند مسئولیت هر یک از ضاربین چیست؟ **ارشد سراسری. اسفند ۸۲**
الف ـ علی قصاص می‌شود و محمد دیه کامل می‌پردازد.
ب ـ نصف دیه بر عهده عاقله علی و نصف بر عهده محمد است.
ج ـ علی قصاص می‌شود و محمد نصف دیه مرد را به اولیاء دم می‌پردازد.
د ـ علی و محمد هر دو مسئولیت پرداخت نصف دیه کامل را دارند.

۱۷۵ ـ اگر آقای الف عمداً جراحتی به مجنی علیه وارد سازد ولی به دلیل صغر سن فعلاً قصاص جرح صورت نگیرد، و پس از بلوغ وی، مجنی علیه در اثر همان جرح فوت کند . . . . . **ارشد سراسری. اسفند ۸۲**
الف ـ آقای «الف» پس از بلوغ قصاص نمی‌شود.
ب ـ آقای «الف» پس از بلوغ قصاص نفس خواهد شد.
ج ـ آقای «الف» پس از بلوغ فقط قصاص جرح خواهد شد.
د ـ آقای «الف» پس از بلوغ نسبت به جرح قصاص و نسبت به نفس دیه خواهد داد.

۱۷۶– اگر شخصی مرتکب قتل عمد شود و دادگاه او را به قصاص محکوم نماید و شخص دیگری بدون اینکه از ولی دم مقتول اجازه گرفته باشد محکوم را به قتل برساند ، این شخص : **وکالت. مهر۸۳**
الف – مرتکب قتل غیرعمد شده است.
ب – عملی انجام داده که مشمول تعزیر است
ج – مرتکب جرمی نشده تا مجازات شود
د – مرتکب قتلی شده که مستوجب قصاص است

۱۷۷–پدری فرزند خود را عمداً به قتل می رساند در این صورت و با جمع شرایط: **وکالت. مهر۸۳**
الف – تعزیر می شود
ب – قصاص می شود
ج – فقط به پرداخت دیه به ورثه محکوم می شود و مجازات دیگری ندارد
د – به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول محکوم شده و تعزیر هم می شود.

۱۶۹- الف ۱۷۰- ج ۱۷۱- الف ۱۷۲- د ۱۷۳- ب ۱۷۴- ب ۱۷۵- الف ۱۷۶- د ۱۷۷- د

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۱۷۸– مطابق قوانین کیفری ایران اگر نابالغی به طور عمد فردی را به قتل برساند در این صورت : **وکالت. مهر۸۳**
الف – نابالغ مرتکب قتل خطئی شده و عاقله وی باید دیه قتل خطئی رابه ورثه مقتول بدهد
ب – نابالغ مرتکب قتل غیر عمد شده و منحصراً باید دیه قتل شبه عمد را به ورثه مقتول بدهد.
ج – نابالغ مرتکب قتل عمدی شده و باید قصاص شود.
د – نابالغ از مسئولیت بری است .

۱۷۹– در مورد دعوی قتل اصل قتل ثابت شده لکن نوع آن از لحاظ عمد یا غیرعمد ثابت نیست ، در این صورت: **وکالت. مهر ۸۳**
الف – قتل غیرعمد تلقی می شود
ب – قتل عمدی تلقی می شود تا خلاف آن ثابت گردد.
ج – باید با صلح میان قاتل و اولیاء مقتول و عاقله دعوی را پایان داد.
د – چون دلیلی بر عمدی یا غیرعمدی بودن در دسترس نیست موضوع قابل تعقیب نمی باشد.

۱۸۰– فردی با ایراد جرحی که با یک ضربت انجام شده هم موجب نقص عضو و هم موجب قتل می گردد، مجازات چنین شخصی چیست ؟ **وکالت. مهر۸۳**
الف – منحصراً به مجازات قصاص نفس محکوم می گردد
ب – هم به مجازات قصاص نفس و هم به مجازات نقص عضو محکوم می گردد.
ج – نسبت به قتل قصاص می شود و نسبت به نقص عضو باید دیه پرداخت کند.
د – نسبت به قتل قصاص می شود و نسبت به نقص عضو به مجازات تعزیری محکوم می گردد.

۱۸۱–قوادی عبارت است از جمع و مرتبط کردن دو نفر یا بیشتر برای : **وکالت. مهر۸۳**
الف – زنا
ب – لواط
ج – زنا یا لواط
د - روابط نامشروع

۱۸۲– آقای (الف) به اتهام ارتکاب قتل خطایی تحت تعقیب کیفری قرار گرفته و در جریان تحقیقات به ارتکاب قتل اقرار کرده است . در این فرض: **سردفتری. اسفند ۸۳**
الف - خود جنی ضامن پرداخت دیه است.
ب - عاقله عهده دار پرداخت دیه است.
ج- بیت المال عهده دار پرداخت دیه است.
د - ابتدا خود جانی و در صورت عدم تمکن مالی بیت المال ضامن پرداخت دیه است.

۱۸۳– آقای (الف) در جرم ارتکابی از سوی (ب) معاونت کرده است. اگر فعل (ب) به علت وجود یکی از جهات موجهه، جرم نباشد در این صورت: **سردفتری. اسفند ۸۳**
الف - تأثیری در مجازات آقای (الف) ندارد.
ب - آقای (الف) قابل تعقیب کیفری نیست.
ج - در مجازات آقای (الف) تخفیف داده می شود.
د - به تشخیص قاضی رسیدگی کننده، در مجازات (الف) تخفیف داده می شود.

۱۸۴– آقای (الف)، شخص (ب) را مورد ضرب و جرح عمدی قرار داده که منجر به فوت منجی علیه می شود. شخص (ب) قبل از مرگ، جانی را از قصاص عضو عفو می نماید. در این فرض اولیاء دم: **سردفتری. اسفند ۸۳**
الف- می توانند تقاضای قصاص عضو نمایند.
ب- می توانند درخواست دیه نفس را نمایند.
ج- نمی توانند تقاضای قصاص نفس جانی را بنمایند.
د- می توانند تقاضای قصاص نفس جانی را بنمایند.

۱۸۵– آقای (الف) در معبر عام عملی را به مصلحت عابران انجام داده که این عمل منجر به جنایت گردیده است. در این فرض : **سردفتری . اسفند ۸۳**
الف- عاقله ضامن دیه است.
ب- بیت المال ضامن دیه است
ج- آقای (الف) ضامن دیه نیست.
د- آقای (الف) ضامن دیه است.

۱۸۶– بهروز به عنوان معاونت در قتل عمدی شخص (ب) تحت تعقیب کیفری قرار گرفته است . اولیاء دم از قصاص گذشت کرده اند. در این فرض مجازات بهروز..... **سردفتری. اسفند۸۳**
الف- یک تا پنج سال حبس است.
ب- دو تا پنج سال حبس است.
ج- سه تا ده سال حبس است.
د- سه تا پانزده سال حبس است.

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۱۸۷– شخص (الف) با شخص (ب) در قتل عمدی پسر خود معاونت می کند ، در این صورت شخص (الف) : ارشد سراسری. اسفند۸۳

الف– از مجازات معاف است .
ب– همانند افراد عادی مستوجب مجازات است .
ج– از معاذیر قانونی تخفیف مجازات برخوردار می شود .
د– در صورت قصاص قاتل مجازات می شود و گرنه از مجازات معاف می شود .

۱۸۸– شخص (الف) به قصد متوقف ساختن شخص (ب) پای او را هدف گلوله قرار داده است ، لکن گلوله به قلب شخص (ب) اصابت و موجب مرگ وی شده ، نوع قتل عبارت است از : ارشد سراسری. اسفند ۸۳

الف– شبه عمدی
ب– عمدی
ج– غیرعمدی
د– خطایی محض

۱۸۹– رکن مادی جرم توهین به افراد عادی ..... است . قضاوت. اردیبهشت ۸۴

الف – فعل
ب – لفظ
ج – ترک فعل
د– هرسه مورد

۱۹۰ – کدام یک از موارد زیر موجب قصاص عضو است؟ قضاوت . اردیبهشت۸۴

الف – قطع عضو از اینکه عمدی یا غیرعمدی باشد.
ب – جرح عضو اعم از اینکه عمدی یا غیرعمدی باشد.
ج – قطع عضو و یا جرح آن به طور عمدی
د – قطع عضو یا جرح آن به طور عمدی با وجود شرایطی

۱۹۱ – کسی که محکوم به قصاص را بکشد ..... قضاوت . اردیبهشت ۸۴

الف – مستوجب پرداخت دیه است.
ب – مستوجب قصاص نفس است.
ج – نه دیه دارد و نه قصاص
د – اگر بدون اذن ولی دم باشد مستوجب قصاص نفس است.

۱۹۲– با لگد به شکم زنی که هفت ماهه حامله است زدن به قصد این که جنین وی زنده به دنیا آمده و سپس بمیرد ، به شرط وقوع چنین رخدادی ، چه جرمی است؟ ارشد آزاد . اردیبهشت۸۴

الف– سقط جنین مستوجب قصاص
ب– قتل عمد و ایراد ضرب و جرح
ج– سقط جنین و مستوجب دیه
د– قتل عمد

۱۹۳– اگر به ولی دم مقتولی دسترسی نباشد ، کدام گزینه در مورد تعقیب و اجرای مجازات علیه قاتل صحیح است ؟ مشاوره حقوقی. شهریور۸۴

الف– دادستان نسبت به تعقیب مجرم و تقاضای قصاص با دیه اقدام خواهد کرد .
ب– قصاص از قاتل ساقط می شود .
ج– قاتل در حبس نگه داشته می شود .
د– قاتل حق انتخاب بین پرداخت دیه و قصاص شدن را دارد .

۱۹۴– شخصی مرتکب قتل عمد شده و سپس فرار کرده و مرده است، دراین صورت : وکالت. آبان۸۴

الف– دیه بایستی از ما ترک قاتل برداشته شود و اگر قاتل مالی نداشته است دیه لاوصول می ماند.
ب– هیچ مسئولیتی برای پرداخت دیه متوجه ورثه قاتل برای پرداخت دیه از ماترک قاتل یا سایر بازماندگان وی نیست.
ج– قصاص تبدیل به دیه شده و بازماندگان قاتل بایستی دیه را پرداخت نمایند، در صورتی که بازماندگان فاقد تمکن مالی باشند از پرداخت دیه معاف می شوند و دیه لاوصول می ماند.
د– دیه بایستی از ما ترک قاتل پرداخت گردد و اگر قاتل مالی نداشته باشد از اموال بستگان نزدیک وی پرداخت می شود ولی هرگاه قاتل بستگانی نداشته باشد یا بستگان قاتل فاقد تمکن مالی باشند دیه از بیت المال پرداخت می شود.

۱۸۷- ب	۱۸۸- ب	۱۸۹- د	۱۹۰- د	۱۹۱- د	۱۹۲- الف	۱۹۳- ج	۱۹۴- د	

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۱۹۵– ماههای حرام که باعث تغلیظ دیه می شود کدامند؟ **وکالت. آبان ۸۴**

الف– رمضان– رجب– محرم– ذیحجه

ب– رجب– محرم– ذیقعده– ذیحجه

ج– صفر– رجب– رمضان– ذیحجه

د– رمضان– محرم – ذیحجه– ذیقعده

۱۹۶– اگر «الف» و به قصد شوخی «ب» را با علم به اینکه او شنا بلد نیست به داخل استخر عمیق بیفکند و «ب» غرق شود : **وکالت. آبان ۸۴**

الف– مرتکب قتل عمد شده است.

ب– مرتکب قتل شبه عمد شده است.

ج– این قتل در حکم شبه عمد است.

د– مرتکب قتل خطای محض شده است.

۱۹۷– درتضادف اتومبیل با عابر پیاده، در چه صورت راننده ضامن دیه نیست؟ **وکالت. آبان۸۴**

الف– سرعت راننده مجاز باشد.

ب– وسیله نقلیه فاقد نقص فنی باشد.

ج– محل تصادف برای عبور عابر پیاده ممنوع باشد.

د– درصورت اجتماع هر سه شرط ۱ و ۲ و ۳.

۱۹۸– چنانچه ولی دم درقتل عمدی به سن بلوغ رسیده ولی کمتر از ۱۸ سال سن داشته و رشد وی ثابت نشده باشد : **وکالت. آبان۸۴**

الف– بایستی صدور حکم تا زمان احراز رشد وی به تأخیر افتد.

ب– با توجه به لزوم رعایت مصلحت احتمالی وی ، قصاص تبدیل به دیه می شود.

ج– نظر شخص بالغ در خصوص تقاضا یا اسقاط قصاص معتبر است هر چند رشد وی احراز نشده باشد.

د– هیچکدام

۱۹۹– شخص «الف» سندی عادی را برای ارتکاب جعل به شخص «ب» تحویل داده و پس از انجام جعل توسط وی،مورد استفاده قرار داده است، .....

الف– شخص «الف» و شخص «ب» به عنوان شرکت در جعل تعقیب می‌شوند. **ارشد سراسری . اسفند ۸۴**

ب– شخص «الف» مرتکب معاونت در جعل و شخص «ب» مباشر آن است.

ج– شخص «الف» به عنوان استفاده از سند مجعول و شخص «ب» به عنوان مرتکب جعل تعقیب می‌شوند.

د– شخص«الف» به عنوان معاونت درجعل‌و مباشرت‌در استفاده‌از سند مجعول و شخص «ب» به اتهام مباشرت در جعل تعقیب می‌شوند.

۲۰۰ – با توجه به قانون مجازات اسلامی ،هرگاه کسی که مرتکب قتل موجب قصاص شده است، بمیرد: **ارشد سراسری. اسفند ۸۴**

الف– قصاص ودیه در صورت فراری نبودن قاتل ، ساقط می‌شود.

ب– بیت‌المال عهده‌دار پرداخت دیه مقتول خواهد بود .

ج– در هر صورت قصاص تبدیل به دیه می‌شود.

د– در هر صورت قصاص و دیه ساقط می‌شود.

۲۰۱ – مهلت پرداخت دیه در قتل شبه عمدی و قتل در حکم شبه عمدی به چه صورت است؟ **ارشد سراسری. اسفند ۸۴**

الف– مدت دو سال است و مبداءاین مهلت از زمان وقوع قتل محاسبه می‌شود.

ب– مدت دو سال است و مبداءاین مهلت از زمان قطعیت حکم محاسبه می‌شود.

ج– مدت سه سال است و مبداء این مهلت از زمان وقوع قتل محاسبه می‌شود .

د– تعیین مهلت پرداخت با دادگاه است و مهلت قانونی خاص وجود ندارد.

۲۰۲ – اگرکسی‌به‌قتل عمدی شخصی اقرار کند و پس از آن دو شاهد عادل به ارتکاب همان قتل توسط شخص دیگری شهادت دهند:

الف– اولیاء دم در رجوع به هر یک از آن‌ها مخیراند و به هر کدام رجوع‌کنند حسب اقرار مقر یا شهادت شهود می‌توانند قصاص یا دیه را استیفا کنند.

ب– قصاص و دیه از هر دو ساقط می‌شود و دیه مقتول از بیت‌المال پرداخت می‌شود. **ارشد .سراسری . اسفند۸۴**

ج– شهادت شهود در مقابل اقرار اعتبار ندارد و تنها مقر قصاص می‌شود.

د– قصاص از هر دو ساقط می‌شود و آن‌ها باید مشترکاًدیه مقتول را بپردازند.

۲۰۳ – در جرم قتل عمدی، هرگاه مجنی علیه قبل از مرگ جانی را از قصاص نفس عفو کند . . . . . **ارشد سراسری. اسفند ۸۴**

الف– اگر گذشت منجی علیه مطلق باشد، قصاص نفس ساقط می‌شود ولی دیه نفس و تعریز ناشی از قتل عمدی ساقط نمی‌شود.

ب– حق قصاص نفس و نیز تعریز ناشی‌از قتل عمدی ساقط می‌شود ولی اولیاء دم می‌توانند در هر صورت دیه نفس را از قاتل اخذ کنند.

ج– حق قصاص نفس ساقط می‌شود، ولی دیه ناشی از قتل عمدی و نیز تعریز موضوع ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی در هر صورت ساقط نمی‌شود.

د– قصاص نفس ساقط می‌گرد، ولی تعریز ناشی از قتل عمدی ساقط نمی‌شود و در صورتی که گذشت مجنی علیه به شرط دیه باشد، اولیاء دم می‌توانند دیه اخذ کنند.

۱۹۵- ب | ۱۹۶- الف | ۱۹۷- د | ۱۹۸- ج | ۱۹۹- د | ۲۰۰- الف | ۲۰۱- الف | ۲۰۲- الف | ۲۰۳- د

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۲۰۴– هرگاه در اثر کشتن مادر، جنین بمیرد و یا سقط شود..... ارشد سراسری. اسفند۸۴

الف– در مقابل مادر حسب مورد قصاص یا دیه تعیین می‌شود و نسبت به چنین هم‌جانی تعریز می‌شود.
ب– چنانچه این عمل با یک ضربه صورت گیرد فقط دیه مادر پرداخت می‌شود و برای جنین چیزی پرداخت نمی‌شود.
ج– دیه جنین در هر مرحله‌ای که باشد به دیه مادر افزوده می‌شود و اگر در مقابل مادر ، جانی قصاص شود ، تأثیری در دیهٔ جنین نخواهد داشت.
د– اگر جنایت عمدی باشد و در مقابل مادر جانی قصاص شود دیگر برای جنین چیزی منظور نمی‌شود والا دیه جنین به دیهٔ مادر اضافه می‌شود.

۲۰۵– منظور از «عاقله» که مسئولیت پرداخت دیه در قتل خطا محض و یا در حکم خطا محض را به عهده دارد عبارتست از : ارشد سراسری. اسفند ۸۴

الف– کلیه بستگان ذکور ابوینی یا ابی به ترتیب طبقات ارث ، به طوری‌که همه وراث حین‌الفوت به میزان حق‌السهم‌ارث، پرداخت دیه را به عهده دارند.
ب– کلیه بستگان ذکور نسبی ابوینی یا ابی که به ترتیب طبقات ارث و با اولویت هر طبقه نسبت به طبقه بعدی ، بصورت مساوی عهده‌دار پرداخت دیه می‌باشند.
ج– کلیه بستگان ذکور نسبی ابوینی یا ابی که به ترتیب طبقات ارث و با اولویت هر طبقه نسبت به طبقه بعدی، به نسبت حق‌الارث، عهده‌دار پرداخت دیه می‌باشند.
د– کلیه بستگان ابوینی یا ابی تنها و یا امی به ترتیب طبقات ارث ، به طوری‌که همه وراث حین‌الفوت بصورت مساوی عهده‌دار پرداخت دیه می‌باشند.

۲۰۶ – هرگاه شخص نابالغ و ممیزی مرتکب ایراد جرح عمدی گردد، و پس از بلوغ وی ، مجنی علیه در اثر همان جرح فوت کند...

الف– قاتل قصاص نمی‌شود ، ولی باید دیه مقتول را شخصاً بپردازد. **ارشد سراسری. اسفند۸۴**
ب– قاتل به مجازات قصاص نفس ناشی از قتل عمدی محکوم می‌شود.
ج– قاتل قصاص نمی‌شود و عاقله وی باید دیه مقتول را به اولیاءمقتول بپردازند.
د– قاتل قصاص نمی‌شود ،ولی به مجازات حبس تعزیری ۱۰–۳ سال موضوع ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی و دیه ناشی از قتل محکوم می‌شود.

۲۰۷ – کدام جمله در مورد شرایط اجرای قصاص عضو صحیح است؟ ارشد سراسری. اسفند ۸۴

الف– فقط وجود همان شرایط قصاص نفس در قصاص عضو کفایت می‌کند.
ب– شرایط لازم برای اجرای قصاص عضو با شرایط لازم برای اجرای قصاص نفس کاملاً متفاوت است.
ج– شرایط لازم برای قصاص نفس از شرایطی که رعایت آنها در قصاص عضو ضروری است بیشتر است .
د– در قصاص عضو ، علاوه بر شرایطی که در اجرای قصاص نفس ضروری است، وجود شرایط دیگری هم لازم است.

۲۰۸ – کدام جمله در مورد قتل مجنون به وسیله عاقل و قتل صغیر به وسیله کبیر صحیح است ؟ ارشد سراسری. اسفند۸۴

الف– اولی موجب قصاص نمی‌شود ولی دومی با جود سایر شرایط موجب قصاص است
ب– در صورت درخواست اولیای دم ، هر دو موجب قصاص است.
ج– هیچ یک موجب قصاص نمی‌شود.
د– هر دو موجب قصاص می‌شود.

۲۰۹ – در دعوی قتل کدام یک از شرایط زیر در مورد مدعی علیه شرط است ؟ ارشد آزاد . اردیبهشت ۸۵

الف – عقل
ب – بلوغ
ج – رشد
د – هیچکدام

۲۱۰– قانون مهلت پرداخت دیه از زمان وقوع قتل را معین کرده که در قتل عمد یکسال ، شبه عمد دو سال و خطای محض سه سال است. تاخیر از این مهلت ها : ارشد آزاد . اردیبهشت۸۵

الف – مطلقا جایز نیست
ب - با اجازه دادگاه امکان دارد
ج – با درخواست متهم امکان دارد
د – بدون تراضی طرفین جایز نیست

۲۱۱– سه نفر با یکدیگر گلاویز شده‌اند . رهگذر بر اثر اصابت یک ضربه که معلوم نیست توسط کدامیک از این سه نفر وارد شده می‌میرد . دیه مقتول باید چگونه پرداخت شود ؟ مشاوره حقوقی. مرداد۸۵

الف – از بیت المال
ب – حسب قرعه
ج – به تساوی از سوی سه نفر
د – دیه‌ای پرداخت نمی‌شود

۲۱۲– شخصی بر اثر لغزیدن از بام به روی دیگری افتاده او را مجروح می‌سازد ، مسوول پرداخت دیه کیست ؟ مشاوره حقوقی. مرداد۸۵

الف – خود وی
ب – عاقله
ج – بیت‌المال
د – دیه‌ای پرداخت نمی‌شود

۲۰۴- ج	۲۰۵- الف	۲۰۶- ج	۲۰۷- د	۲۰۸- الف	۲۰۹- د	۲۱۰- د	۲۱۱- ج	۲۱۲- الف

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۲۱۳– مقاومت در برابر قوای انتظامی و تامینی دفاع مشروع محسوب میشود: **وکالت. آبان۸۵**

الف – حتی اگرمامورین مشغول انجام وظیفه باشند.
ب – حتی اگر مامورین ازحدود وظایف خود خارج نشده باشند.
ج – اگر عملیات مامورین بدون اخطار قبلی انجام شده باشد.
د – اگر مامورین مشغول انجام وظیفه نبوده ویا از حدود وظایف خود خارج شده باشند.

۲۱۴– درطریق اثبات قتل عمدی از طریق قسامه: **وکالت. آبان۸۵**

الف – درصورت رد قسامه به مدعی علیه ،درهر حال وی باید پنجاه نفر برای قسم حاضر کند.
ب – در صورت رد قسامه به مدعی علیه ، وی با ادای یک قسم تبرئه می شود.
ج – مدعی باید در هرحال پنجاه نفر برای ادای قسم حاضر کند و خودش می تواند یکی از آنان باشد.
د – مدعی باید پنجاه نفر برای قسامه حاضرکند، لیکن اگر خویشاوندان نسبی مرد به این تعداد نداشت و یا حاضر به قسم نشدند، هرقسم خورنده می تواند بیش از یک قسم یاد کند تا تعداد قسم ها به عدد پنجاه برسد.

۲۱۵– در مقایسه دیه زن و مرد در صورت جنایت مرد برعضوی از بدن زن ، کدام یک ازگزینه های زیر درست است ؟ **وکالت. آبان۸۵**

الف – دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی که مقدار دیه به ثلث دیه کامل برسد.
ب – دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی که مقدار دیه به ثلث دیه زن برسد.
ج – دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی که مقدار دیه به بیش از ثلث دیه زن برسد.
د – دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی که مقدار دیه به بیش از ثلث دیه کامل برسد.

۲۱۶– شخصی با عمل نوعا کشنده ، دیگری را به قتل می رساند اما از ماهیت نوعا کشنده بودن عمل آگاهی ندارد ، در این فرض عنوان عمل مرتکب چیست؟
وکالت. آبان۸۵

الف – قتل عمدی است
ب – قتل شبه عمدی است
ج – قتل در حکم عمدی است
د – قتل در حکم شبه عمدی است

۲۱۷– تغلیظ دیه در مواردی صورت می گیرد که : **ارشد سراسری . اسفند ۸۵**

الف– فوت در یکی از چهارماه حرام واقع شود
ب– صدمه در یکی از چهارماه حرام واقع شود
ج– صدمه و فوت هر دو در یکی از چهارماه حرام واقع شود
د– صدمه و فوت هر دو در یکی از روزهای ماه رمضان واقع شود

۲۱۸– دیه چشم نابینای کسی که دارای یک چشم بینا و یک چشم نابینای مادرزاد است چه مقدار می باشد ؟ **ارشد سراسری . اسفند۸۵**

الف– دیه کامل
ب– نصف دیه کامل
ج– دو سوم دیه کامل
د– ثلث دیه کامل

۲۱۹– کدام گزینه در مورد همسر مقتول در قتل عمد نادرست است ؟ **ارشد سراسری . اسفند۸۵**

الف – نمی تواند شاکی باشد
ب– نمی تواند متقاضی قصاص باشد
ج– نمی تواند قاتل را از قصاص عفو نماید
د– می تواند در صورت تبدیل قصاص به دیه از دیه سهم ببرد

۲۲۰– « الف » به قصد قتل پیرزنی و با علم به این که وی به تازگی عمل جراحی قلب انجام داده است تلفنی خبر دروغ تصادف و فوت فرزندش را به او می دهد و او هم با شنیدن این خبر می میرد . چه قتلی محقق شده است ؟ **ارشد سراسری . اسفند۸۵**

الف– عمد
ب– شبه عمد
ج– در حکم شبه عمد
د– خطای محض

۲۲۱– در قتل عمد چنانچه قاتل و مقتول هر دو غیر مسلمان باشند ، ..... **ارشد سراسری . اسفند۸۵**

الف – در هر حال قصاص ثابت می گردد
ب– در صورتی که هر دو پیرو یک دین باشند قصاص ثابت می گردد
ج– درصورتی که هر دو از کفار ذمی باشند ، قصاص ثابت می گردد
د– در صورتی که مقیم کشور جمهوری اسلامی ایران باشند ، قصاص ثابت می گردد

۲۱۳- د	۲۱۴- ج	۲۱۵- الف	۲۱۶- الف	۲۱۷- ج	۲۱۸- الف	۲۱۹- الف	۲۲۰- الف	۲۲۱- ج	

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۲۲۲- چنانچه مرد و زنی به طور مشترک زنی را به قتل برسانند و اولیای دم مقتوله تقاضای قصاص هر دو را داشته باشند به هر کدام از آنها باید چقدر دیه پرداخت کنند ؟ **ارشد سراسری . اسفند۸۵**

الف- به هر کدام یک دوم دیه کامل مرد
ب- به هر کدام یک دوم دیه کامل زن
ج- به مرد یک دوم دیه کامل مرد و به زن یک دوم دیه کامل زن
د- به مرد سه چهارم دیه کامل مرد و به زن یک دوم دیه کامل زن

۲۲۳- طبق قانون مجازات اسلامی ، قتل ..... با وجود سایر شرایط مستوجب قصاص است . **ارشد سراسری . اسفند۸۵**

الف- نابالغ توسط مجنون
ب- مجنون توسط عاقل
ج- نابالغ توسط سفیه
د- بالغ توسط نابالغ

۲۲۴- هرگاه کسی که مرتکب قتل موجب قصاص شده است بمیرد : **وکالت . آذر۸۶**

الف - قصاص ساقط می شود و دیه مستقر می گردد و بر عهده وراث جانی است
ب- قصاص ساقط می شود و پرداخت دیه بر عهده عاقله است
ج- قصاص و دیه هر دو ساقط می شود
د- قصاص ساقط می شود اما پرداخت دیه منوط به تقاضای اولیای دم است

۲۲۵- کدام گزینه در مورد قسامه قتل عمد نادرست است ؟ **وکالت . آذر۸۶**

الف- قسم خورندگان به شرط رعایت نصاب قانونی باید از خویشان و بستگان مدعی باشند
ب- قسم خورندگان باید مرد باشند مگر آن که مدعی زن باشد
ج- قسم خورندگان باید از روی علم به ارتکاب قتل سوگند بخورند
د- اگر تعداد قسم خورندگان مدعی کمتر از پنجاه نفر باشد تکرار قسم تا کامل شدن حدنصاب امکان پذیر نیست

۲۲۶- زنای مرد غیرمسلمان با زن مسلمان موجب : **وکالت . آذر۸۶**

الف- فقط قتل زانی است و زانیه حسب مورد مجازات می شود
ب- موجب قتل هر دو است
ج- موجب جلد هر دو است
د- موجب رجم هر دو است

۲۲۷- ماههای حرام که باعث تغلیظ دیه می شود کدامند ؟ **سردفتری . آذر۸۶**

الف- ذیحجه ، ذیقعده ، محرم ، صفر
ب- رجب ، ذیقعده ، ذیحجه ، محرم
ج- رمضان ، محرم ، رجب ، ذیحجه
د- محرم ، صفر ، رمضان ، ذیقعده

۲۲۸- اگر کسی دستور به قتل رساندن دیگری را بدهد : **سردفتری . آذر۸۶**

الف- مرتکب به حبس ابد و آمر به پرداخت دیه محکوم می گردد
ب- مرتکب قصاص و آمر به حبس ابد محکوم می گردد
ج- آمر محکوم به قصاص و مرتکب به حبس ابد محکوم می گردد
د- مرتکب فقط به پرداخت دیه و آمر به حبس ابد محکوم می گردد

۲۲۹- هرگاه ارتکاب قتل با شهادت شهود عادل ثابت شود و قاتل مدعی خطاء و عاقله منکر خطائی بودن آن باشد : **سردفتری . آذر۸۶**

الف- قول عاقله مقدم بر قول جانی می باشد
ب- قول جانی مقدم بر قول عاقله می باشد
ج- قول عاقله با سوگند مقدم بر قول جانی می باشد
د- قول جانی با سوگند مقدم بر قول عاقله می باشد

۲۳۰- هرگاه دو نفر عدواناً در وقوع جنایتی به نحو سبب دخالت داشته باشند : **سردفتری . آذر۸۶**

الف- بطور مساوی عهده دار خسارت خواهند بود
ب- متضامناً مسئول جبران خسارات وارده هستند
ج- به تناسب نحوه مداخله هر یک ، میزان مسئولیت آنان از طرف دادگاه تعیین خواهد شد
د- کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب دیگری باشد ضامن خواهد بود

۲۲۲- د	۲۲۳- ج	۲۲۴- ج	۲۲۵-ب	۲۲۶- الف	۲۲۷- ب	۲۲۸- ب	۲۲۹- ج	۲۳۰- د	

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۲۳۱- اگر کسی سبب پاره شدن پرده گوش دیگری شود محکوم به پرداخت ..... است . **سردفتری . آذر۸۶**

الف- ارش
ب- ثلث دیه کامله
ج- نصف دیه کامله
د- همان دیه شنوائی

۲۳۲- فردی با ایراد جرحی که با یک ضربت انجام شده هم موجب نقص عضو و هم موجب قتل می گردد . مجازات چنین شخصی چیست ؟

الف- تنها به مجازات قصاص نفس محکوم می گردد **سردفتری . آذر۸۶**
ب- هم به مجازات نفس و هم به مجازات نقص عضو محکوم می گردد
ج- نسبت به قتل قصاص می شود و نسبت به نقص عضو باید دیه پرداخت کند
د- نسبت به قتل قصاص می شود و نسبت به نقص عضو به مجازات تعزیری محکوم می گردد

۲۳۳- هرگاه جراحتی که نفر اول وارد کرده مجروح را در حکم مرده قرار داده و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حالت دیگری کاری را انجام دهد که به حیات او پایان بخشد :

الف- ولی دم می تواند با اذن ولی امر هر دو نفر را قصاص کند **سردفتری . آذر۸۶**
ب- اولی قصاص می شود و دومی تنها دیه جنایت بر مرده را می پردازد
ج- اولی قصاص می شود و نسبت به عمل دومی مسئولیتی بار نیست
د- قاتل همان دومی است اگر چه جراحت سابق به تنهائی موجب مرگ می گردید

۲۳۴- در جنایتی که موجب نقصان صوت شود : **سردفتری . آذر۸۶**

الف- ارش تعیین می شود
ب- تکلیف به مصالحه می شود
ج- دیه مقرر در قانون پرداخت می شود
د- حسب مورد دیه یا ارش پرداخت می شود

۲۳۵- شخص « الف » از بلندی به پایین پریده و بر اثر برخورد با شخص « ب » که در پایین در حال راه رفتن در پیاده رو است ، جان مـی بـازد . شـخص « ب» مرتکب چه قتلی شده است ؟ **ارشد سراسری . اسفند ۸۶**

الف – خطای محض
ب- شبه عمد
ج- در حکم خطای محض
د- قتلی به وی قابل انتساب نیست

۲۳۶- از نظر قانون مجازات اسلامی مجازات زنی که جنین خود را پس از ولوج روح در آن سقط می کند ، چیست ؟ **ارشد سراسری . اسفند ۸۶**

الف- قصاص
ب- پرداخت دیه نفس از سوی زن
ج- پرداخت دیه نفس از سوی زن و حبس تعزیری وی
د- پرداخت دیه نفس از سوی عاقله زن و حبس تعزیری زن

۲۳۷- کدام گزینه در مورد کاربردهای قسامه ، صحیح است ؟ **ارشد سراسری . اسفند ۸۶**

الف- فقط برای اثبات قتل به کار می رود
ب- فقط برای اثبات قتل یا جنایات مادون نفس به کار می رود
ج- برای اثبات محکومیت یا برائت از ارتکاب جنایت و یا اثبات نوع جنایت به کار می رود
د- در قتل یا جنایات مادون نفس فقط برای اثبات محکومیت یا برائت از ارتکاب جنایت به کار می رود

۲۳۸- اگر اولیاء دم مقتول بدون اذن ولی امر ، اقدام به قصاص قاتل کنند ، ..... **ارشد سراسری . اسفند ۸۶**

الف- چون استیفاء حق نموده اند هیچ گونه مجازاتی برای آنان در قانون مجازات اسلامی مشخص نشده است
ب- عمل آنان مشمول اخلال در نظم و امنیت بوده و به موجب ماده ۶۱۲ به سه تا ده سال حبس محکوم می شوند
ج- مرتکب قتلی شده اند که موجب قصاص است ، بنابراین وراث قاتل می توانند تقاضای قصاص آن ها را بنمایند
د- از حیث ارتکاب قتل ، عمل مجرمانه ای انجام نداده اند ، لیکن به علت عدم اذن ولی امر ، به یک تا پنج سال حبس تعزیری محکوم می شوند

۲۳۱- ب	۲۳۲- الف	۲۳۳- ب	۲۳٤- الف	۲۳۵- ب	۲۳٦- ب	۲۳۷- ج	۲۳۸- د	

۲۳۹- هرگاه دو یا چند نفر در ارتکاب قتل شرکت کنند ولی یکی از آنان جنبه سردستگی نسبت به سایرین داشته باشد ، برابر مقررات جاری کشور ، سردستگی وی ..... ارشد سراسری . اسفند ۸۶

الف- در قصاص نفس تأثیری نخواهد داشت اما اگر نوبت به دیه رسید به نسبت نقش سردستگی سهم او در پرداخت دیه بیشتر از سایرین خواهد بود
ب- هیچ تأثیری در مجازات قصاص و یا دیه بدل از قصاص نفس و نیز مجازات حبس تعزیری ناشی از ارتکاب قتل عمدی نخواهد داشت
ج- موجب می شود که مسئولیت اصلی قتل بر عهده وی بوده و قصاص نفس یا دیه بدل از قصاص و نیز حبس تعزیری ناشی از ارتکاب قتل عمدی متوجه وی شود .
د- از حیث مجازات قصاص و یا دیه بدل از قصاص نفس ، تأثیری در مجازات وی و سایرین نخواهد داشت ، لیکن از حیث مجازات حبس تعزیری ناشی از قتل عمدی ، سردستگی وی می تواند موجب تشدید مجازات تعزیری شود

۲۴۰- در کدام یک از موارد زیر سقط جنین مجاز است ؟ ارشد سراسری . اسفند ۸۶

الف- تأیید پزشکی قانونی ، رضایت پدر و مادر در صورتی که جنین کمتر از چهار ماه باشد .
ب- گواهی یک پزشک متخصص ، تأیید پزشکی قانونی ، رضایت مادر در صورتی که جنین کمتر از چهارماه باشد.
ج- تشخیص قطعی سه پزشک متخصص ، تأیید پزشکی قانونی و رضایت مادر در صورتی که جنین کمتر از چهارماه باشد.
د- تشخیص قطعی سه پزشک متخصص ، تأیید پزشکی قانونی ، رضایت پدر و مادر و پرداخت دیه به بیت المال در صورتی که جنین کمتر از چهارماه باشد .

۲۴۱- شخصی در اثر وقوع آتش سوزی از روی اضطرار به پایین پریده و اتفاقا روی عابری افتاده و موجب مرگ وی می شود . قتل ارتکابی چه نوع قتلی است ؟ ارشد سراسری . اسفند ۸۶

الف – عمد
ب- شبه عمد
ج- خطای محض
د- در حکم عمد

۲۴۲- در بزه منازعه که منتهی به قتل یا ضرب و جرح شود. باید تعداد شرکت کنندگان: وکالت . بهمن۸۷

الف- حداقل ۳ نفر باشند.
ب- تعداد شرکت کنندگان باید ۵۰ نفر باشند.
ج- تعداد شرکت کنندگان باید بین ۲ تا ۱۰ نفر باشند.
د- تعداد مطرح نیست.

۲۴۳- پدری در مقام قتل عمدی فرزند خود بر می‌آید در چنین صورتی: وکالت . بهمن۸۷

الف- پدر قصاص می‌شود.
ب- مجازات پدر منحصرا دیه است.
ج- پدر به هیچ مجازاتی محکوم نمی‌شود.
د- به پرداخت دیه به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد.

۲۴۴- هرگاه کسی اقرار به زنایی نماید که مجازات آن رجم یا قتل است در صورت انکار متهم : وکالت . بهمن۸۷

الف- انکار مورد پذیرش قرار می‌گیرد و حد قتل و رجم ساقط می‌شود.
ب- انکار بعد از اقرار پذیرفته نیست.
ج- بستگی به رضایت زانی یا زانیه دارد در صورت رضایت زانی یا زانیه انکار مورد پذیرش قرار می‌گیرد.
د- پذیرش انکار بعد از اقرار بستگی به سایر دلایل دارد و تقویت کننده آن است و به تنهایی جایگاهی ندارد.

۲۴۵- قتل شبه عمد ..... ثابت می‌شود: وکالت . بهمن۸۷

الف- با شهادت ۲ زن عادل
ب- با شهادت ۲ مرد عادل
ج- با شهادت یک مرد عادل
د- با شهادت ۱ مرد عادل و ۱ زن عادل

۲۴۶- یکی از راه‌های ثبوت سرقت مشمول حد گواهی است مشروط به اینکه: وکالت . بهمن۸۷

الف- دو زن و دو مرد عادل باشند.
ب- یک مرد عادل و ۲ زن عادل باشند.
ج- گواهان ۲ مرد عادل باشند.
د- یک مرد عادل و زن عادل باشند.

۲۴۷- هرگاه کسی در حال خواب یا بیهوشی شخصی را بکشد: وکالت . بهمن۸۷

الف- قاتل قصاص می‌شود.
ب- قاتل به دیه و تعزیر محکوم می‌شود.
ج- قاتل تعزیر می‌شود.
د- قاتل فقط به دیه قتل به ورثه مقتول محکوم خواهد شد.

۲۳۹- د ۲۴۰- ج ۲۴۱- ج ۲۴۲- الف ۲۴۳- د ۲۴۴- الف ۲۴۵- ب ۲۴۶- ج ۲۴۷- د

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۲۴۸- دو نفر در اثر برخورد با یکدیگر می‌شوند و موضوع شبه عمد تشخیص داده می‌شود در این صورت : **وکالت . بهمن۸۷**
الف- دیه‌ای به هیچ کدام تعلق نمی گیرد.
ب- نصف دیه هر کدام از مال دیگری پرداخت می‌شود.
ج- نصف دیه هر کدام از مال بستگان نزدیک آنها پرداخت می‌شود.
د- نصف دیه هر کدام به عهده بیت المال است.

۲۴۹- مجازات تبعید در کدام‌یک از جرم‌های مشمول حد آمده است: **وکالت . بهمن۸۷**
الف- قوادی – زنا – محاربه و افساد فی‌الارض
ب- قذف – سرقت
ج- شرب خمر – مساحقه
د- تفخیذ

۲۵۰- شخص «الف» به قصد مجروح ساختن شخص «ب» پای او را هدف گلوله قرار می‌دهد اما گلوله به قلب وی اصابت می‌کند که موجب مرگ او می‌شود نوع قتل کدام است؟ **ارشد سراسری . بهمن۸۷**
الف- عمدی
ب- شبه عمد
ج- خطای محض
د- در حکم شبه عمد

۲۵۱- هرگاه شخصی به قصد کشتن دیگری ضربه‌ای به سر وی وارد سازد که موجب کور شدن یکی از چشمان وی گردد ولی مجنی علیه از مرگ نجات یابد در این صورت مرتکب ..... **ارشد سراسری . بهمن ۸۷**
الف- تنها به پرداخت دیه‌ی کور شدن یک چشم محکوم خواهد شد .
ب- به مجازات شروع به قتل عمدی و پرداخت دیه‌ی یک چشم محکوم خواهد شد.
ج- به مجازات ایراد صدمه‌ی بدنی منجر به فقدان بینایی و پرداخت دیه‌ی یک چشم محکوم می‌شود.
د- به مجموع مجازات‌های شروع به قتل عمدی و ایراد ضرب و جرح منجر به نابینایی و پرداخت دیه‌ی چشم محکوم می‌شود.

۲۵۲- شخص «الف» شخص «ب» را تهدید می‌کند که اگر «ج» را نکشد «الف» پنج نفر را خواهد کشت. شخص «ب» در نتیجه‌ی این تهدید مرتکب قتل «ج» می‌شود. مجازات «الف» و «ب» که هر دو بالغ و عاقل هستند، به ترتیب کدام است ؟ **ارشد سراسری . بهمن ۸۷**
الف- حبس ابد- قصاص
ب- قصاص- تعزیر
ج- قصاص- حبس ابد
د- تعزیر- تعزیر

۲۵۳- حداقل صدمه‌ای که ورود آن بتواند موجب ثبوت قصاص شود کدام است؟ **ارشد سراسری . بهمن ۸۷**
الف- تغییر رنگ
ب- خراش پوست
ج- ورود ضربه
د- تورم

۲۵۴- شخصی که گوش راست ندارد گوش راست دیگری را قطع می‌کند مجازات وی چیست؟ **ارشد سراسری . بهمن ۸۷**
الف- فقط تعزیر
ب- قصاص گوش چپ
ج- قصاص گوش چپ یا پرداخت دیه
د- پرداخت دیه گوش راست و تعزیر

۲۵۵- هرگاه مجموع اروش(ارش‌های) یک ضربه وارد به زن به ثلث دیه‌ی کامله برسد... **ارشد سراسری . بهمن ۸۷**
الف- مجموع تنصیف خواهد شد بنا به رای وحدت رویه
ب- تنصیف انجام نمی‌شود بنا به رای وحدت رویه
ج- تنصیف انجام نمی‌شود بنا به نص قانون مجازات اسلامی
د- مجموع تنصیف خواهد شد بنا به نص قانون مجازات اسلامی

۲۵۶- کدام یک از تاریخ‌های زیر در مورد تصویب کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی با عنوان «تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده» صحیح است :
الف-۱۳۶۱ **ارشد آزاد . اردیبهشت ۸۸**
ب- ۱۳۶۲
ج- ۱۳۷۵
د- ۱۳۷۷

۲۴۸- ب ۲۴۹- الف ۲۵۰- الف ۲۵۱- ج ۲۵۲- الف ۲۵۳- ب ۲۵۴- د ۲۵۵- الف ۲۵۶- ج

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۲۵۷- کدام یک از معانی زیر در مورد لغت«لوث» صحیح نیست؟ **ارشدآزاد . اردیبهشت۸۸**
الف- خلط کردن
ب- مشتبه ساختن
ج- پلیدی
د- از بین بردن

۲۵۸- کدام یک از گزینه‌های زیر در مورد طرق اثبات سرقت موجب حد صحیح نیست؟ **ارشد آزاد . اردیبهشت ۸۸**
الف- شهادت دو مرد عادل
ب- علم قاضی
ج- دو مرتبه اقرار سارق نزد قاضی مشروط بر آنکه اقرار کننده بالغ، عاقل و مختار باشد.
د- دو مرتبه اقرار سارق نزد قاضی مشروط بر آنکه اقرار کننده بالغ، عاقل و قاصد و مختار باشد.

۲۵۹- «الف» به پرداخت مبلغ دیه در مورد ارتکاب قتل شبه عمد محکوم شده و محکومیت قابلیت اجرا پیدا کرده است اما محکوم فرار می‌کند در چنین شرایطی کدام یک از گزینه‌های زیر در مورد او قابل اجرانیست؟ **ارشد آزاد . اردیبهشت ۸۸**
الف- از مال او گرفته می‌شود .
ب- از عاقله وی دریافت می‌شود در صورتی که مالی از محکوم یافت نشود.
ج- از بستگان نزدیک او گرفته می‌شود در صورتی که مالی از محکوم گرفته نشود.
د- از بیت‌المال داده می‌شود در صورتی که مالی از محکوم یافت نشود و از بستگان وی نیز نتوان دریافت نمود.

۲۶۰- در تصادف رانندگی ، نوع جراحات حاصله عبارتست از متلاحمه ناحیه سر ، دامیه بازوی دست راست و دو فقره حارصه ساق پای راست ، مجموع دیات مزبور چه درصدی از دیه کامل است ؟ **مشاوران حقوقی . تیر ۸۸**
الف- پنج درصد
ب- شش درصد
ج- هفت درصد
د- هشت درصد

۲۶۱- حد قوادی عبارتست از : **مشاوران حقوقی . تیر ۸۸**
الف- ۷۵ تازیانه
ب- ۷۵ تازیانه و تبعید برای مرد
ج- ۸۰ تازیانه
د- ۸۰ تازیانه و تبعید برای زن یا مرد

۲۶۲- کدام گزینه صحیح است؟ **وکالت . آذر ۸۸**
الف- عدم اعلام سرقت یا فقدان پلاک وسیله نقلیه موتوری جرم است .
ب- عدم اعلام سرقت وسیله موتوری جرم است .
ج- عدم اعلام سرقت وسیله موتوری فقط از جانب مالک جرم است .
د- موارد الف و ب صحیح است .

۲۶۳- عدم ثبت کدام یک از وقایع زیر به موجب قانون مجازات اسلامی جرم نیست ؟ **وکالت . آذر ۸۸**
الف- نکاح دائم و منقطع
ب- نکاح دائم
ج- نکاح منقطع و فسخ نکاح
د- طلاق و رجوع و نکاح دائم

۲۶۴- اگر الف با اسلحه پر و با تصور خالی بودن آن به طرف ب تیراندازی کند و او را به قتل رساند : **وکالت . آذر ۸۸**
الف- قتل عمد است .
ب- قتل در حکم شبه عمد است .
ج- قتل در حکم عمد است .
د- قتل شبه عمد است .

۲۶۵- کدام عبارت صحیح نیست ؟ **وکالت . آذر ۸۸**
الف- هرگاه بالغ نابالغ را بکشد قصاص نمی شود .
ب- قتل در حالت مستی مستوجب قصاص است .
ج- اکراه در قتل مجوز قتل نیست .
د- قتل عمدی توسط دیوانه موجب ضمان عاقله است .

۲۵۷- د ۲۵۸- ج ۲۵۹- ب ۲۶۰- الف ۲۶۱- ب ۲۶۲- د ۲۶۳- د ۲۶۴- ب ۲۶۵- الف

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۲۶۶- در قطع لاله گوش در جنایت که موجب زوال شنوایی شود : وکالت . آذر ۸۸
الف- فقط دیه زوال شنوایی پرداخت می شود .
ب- فقط دیه لاله گوش پرداخت می شود .
ج- دو دیه کامل پرداخت می شود .
د- دو جنایت محسوب شده و برای هر جنایت دیه آن جنایت پرداخت می شود .

۲۶۷- شخصی در ماه ذی القعده در حرم مکه معظمه دیگری را مجروح می سازد . شخص مجروح در ماه ذی الحجه در ایران می میرد . دیه قابل پرداخت چه مقدار است ؟ ارشد سراسری . بهمن ۸۸
الف- دو دیه کامله
ب- دیه کامله
ج- دیه کامله به علاوه یک سوم آن
د- دیه کامله به علاوه دو سوم آن

۲۶۸- اگر شخصی یک خبر ناگوار را با علم به کشنده بودن آن با توجه به شرایط روحی و جسمی ضعیف دیگری ، به وی بدهد و در نتیجه شخص مذکور بمیرد ، مرتکب ، به عنوان ارتکاب قتل ..... مورد تعقیب و مجازات قرار خواهد گرفت . ارشد سراسری . بهمن ۸۸
الف- در حکم شبه عمد
ب- شبه عمد
ج- عمدی
د- خطای محض

۲۶۹- دیه جنایتی که موجب کج شدن گردن شود و همچنین جنایتی که مانع فرو بردن غذا شود ، چقدر است ؟ ارشد سراسری . بهمن ۸۸
الف- دیه کامل
ب- ثلث دیه کامل
ج- دو ثلث دیه کامل
د- با نظر حاکم تعیین خواهد شد .

۲۷۰- قسمت اخیر ماده ۳۶۴ قانون مجازات اسلامی ، در صورت اجتماع دو سبب عدوانی و غیرعدوانی ، شخص متعدی را ضامن دانسته است . معیار یا معیارهای تشخیص عدوانی بودن رفتار ، چیست ؟ ارشد سراسری . بهمن ۸۸
الف- عدم مهارت مرتکب
ب- عامد بودن مرتکب
ج- برخورداری مرتکب از سوء نیت
د- خروج مرتکب از حد متعارف ، انجام کار بدون اذن یا انجام کار بدون رعایت مقررات

۲۷۱- در کدام یک از موارد زیر دیه در صورت ارتکاب قتل در ماه حرام تغلیظ می شود ؟ ارشد سراسری . بهمن ۸۸
الف- تغلیظ دیه در هر حال و بدون توجه به اینکه چه کسی مسئول پرداخت آن است انجام می شود .
ب- تنها درصورت پرداخت دیه از سوی خود مرتکب یا عاقله وی
ج- تنها در صورت پرداخت دیه از سوی بستگان یا بیت المال
د- تنها در صورت پرداخت دیه از سوی خود مرتکب

۲۷۲- مردی در ماه حرام ، زنی را به قتل رسانده است . اولیای دم زن در ماه حرام قصد قصاص مرد را دارند . فاضل دیه قابل پرداخت چه میزان است ؟
ارشد سراسری . بهمن ۸۸
الف- ثلث دیه کامله
ب- دو ثلث دیه کامله
ج- نصف دیه کامله
د- چهارپنجم دیه کامله

۲۷۳- منظور ماده ۳۲۷ قانون مجازات اسلامی از عبارت « همچنین است اگر با وجود قصد پرت شدن ، بی اختیار پرت شود » ، چیست ؟
ارشد سراسری . بهمن ۸۸
الف - پرت شدن بر اثر هُل دادن دیگری
ب- پرت شدن از روی ناچار ،اضطرار و نظایر آنها
ج- قصد پرت شدن بر روی شخص معینی ولی افتادن بر روی دیگری
د- پرت شدن بدون اختیار در حالی که لحظاتی قبل ازآن قصد پرت شدن وجود داشته است .

۲۷۴- کدام گزینه مشمول قتل در حکم خطای محض نمی باشد ؟ ارشد آزاد . اردیبهشت ۸۹
الف- قتل در حالت خواب
ب- قتل توسط نابالغ
ج- قتل در حالت مستی
د- قتل توسط دیوانه

۲۶۶- د	۲۶۷- ج	۲۶۸- ج	۲۶۹- د	۲۷۰- د	۲۷۱- الف	۲۷۲- ب	۲۷۳- ج	۲۷۴- ج

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۲۷۵- زنای مرد محصن به صورت عنف مشمول کدام مجازات است ؟ **ارشد آزاد . اردیبهشت ۸۹**

الف- رجم
ب- قتل
ج- گزینه های الف و ب
د- هیچ کدام

۲۷۶- هرگاه محکوم به مجازات حد سرقت ، مجنون شود : **ارشد آزاد . اردیبهشت ۸۹**

الف- مجازات حدی از او ساقط نمی شود .
ب- مجازات حدی تا رفع حالت دیوانگی منتفی است .
ج- مجازات حدی ساقط است .
د- هیچ کدام

۲۷۷- هرگاه قاتل عمدی فوت نماید : **ارشد آزاد . اردیبهشت ۸۹**

الف- قصاص ساقط و دیه از بیت المال پرداخت می شود .
ب- قصاص و دیه ساقط است .
ج- قصاص ساقط ولی اگر در حالت فرار بمیرد دیه از بستگان گرفته می شود .
د- گزینه های ب و ج صحیح است .

۲۷۸- هرگاه در اکراه در قتل ، اکراه شونده صغیر ممیز باشد و اکراه کننده بالغ و عاقل ، مجازات چگونه خواهد بود ؟ **ارشد آزاد . اردیبهشت ۸۹**

الف- اکراه کننده حبس ابد و دیه مقتول را عاقله اکراه کننده می پردازد .
ب- اکراه کننده قصاص و اکراه شونده مسئولیتی ندارد .
ج- اکراه کننده حبس ابد و اکراه شونده دیه را پرداخت نماید .
د- هیچ کدام

۲۷۹- مشمول تغلیظ دیه چه مواردی را در برمی گیرد ؟ **ارشد آزاد . اردیبهشت ۸۹**

الف- تمامی انواع قتل
ب- فقط قتل عمد
ج- قتل عمدی و ضرب و جرح عمدی
د- تمامی انواع قتل و ضرب و جرح عمدی

۲۸۰- انکار پس از اقرار کدام مجازات را در بزه زنا ساقط می نماید ؟ **ارشد آزاد . اردیبهشت ۸۹**

الف- شلاق
ب- رجم
ج- قتل
د- گزینه های ب و ج

۲۸۱- زنای محصنه با مرد نابالغ چه مجازاتی دارد ؟ **ارشد آزاد . اردیبهشت ۸۹**

الف – رجم
ب- جلد
ج- قتل
د- هیچ کدام

۲۸۲- در حقوق کیفری ایران ، جهل حکمی : **وکالت . آذر ۸۹**

الف- رافع مسئولیت کیفری است .
ب- رافع مسئولیت کیفری نیست .
ج- استثنائاً رافع مسئولیت کیفری است .
د- استثنائاً رافع مسئولیت کیفری نیست .

۲۸۳- اگر ولی دم بدون اذن ولی امر محکوم به قصاص را بکشد : **وکالت .آذر ۸۹**

الف- فاقد عنوان مجرمانه است .
ب- مرتکب قتل موجب قصاص شده است .
ج- مرتکب قتل در حکم شبه عمد گردیده است .
د- عاقلهٔ وی محکوم به پرداخت دیه می شود .

۲۷۵- ب	۲۷۶- الف	۲۷۷ - د	۲۷۸- الف	۲۷۹- الف	۲۸۰- د	۲۸۱- ب	۲۸۲- ج	۲۸۳- الف	

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۲۸۴- حکم موردی که شخص بالغ و عاقلی یک طفل ممیز را وادار به قتل شخصی کند چه خواهد بود ؟ **ارشد سراسری . بهمن۸۹**

الف- اکراه کننده به پرداخت دیهٔ مقتول و حبس تعزیری به مدت ۱۰-۳ سال محکوم می شود .
ب- اکراه کننده به پرداخت دیهٔ مقتول و حبس ابد محکوم خواهد شد .
ج- طفل مذکور در حکم وسیله بوده و اکراه کننده به قصاص نفس محکوم خواهد شد .
د- اکراه کننده به حبس ابد محکوم می شود و دیهٔ مقتول بر عهدهٔ عاقلهٔ طفل می باشد .

۲۸۵- هرگاه رانندهٔ وسیلهٔ نقلیه که فاقد گواهینامهٔ رانندگی است ، در اثر بی احتیاطی و تصادف با عابر ، موجب سقط جنین وی شود چه مجازاتی خواهد داشت؟

الف- علاوه بر پرداخت دیه ، به مجازات تعزیری ناشی از ایراد صدمهٔ منجر به سقط جنین غیرعمدی محکوم می شود . در این صورت نداشتن پروانهٔ رانندگی از علل مشددهٔ مجازات تعزیری خواهد بود . **ارشد سراسری . بهمن ۸۹**
ب- علاوه بر پرداخت دیه و مجازات رانندگی بدون گواهینامه ، به مجازات تعزیری ناشی از ایراد صدمهٔ منجر به سقط جنین غیرعمدی محکوم می شود .
ج- علاوه بر پرداخت دیه ، به مجازات تعزیری ناشی از ایراد صدمهٔ منجر به سقط جنین غیرعمدی محکوم می شود . در این صورت قاضی ، در صورت صلاحدید ، می تواند به دلیل نداشتن پروانهٔ رانندگی مجازات تعزیری را تشدید کند .
د- علاوه بر پرداخت دیه ، به مجازات تعزیری به دلیل سقط جنین و حبس تعزیری ناشی از رانندگی منجر به صدمهٔ بدنی محکوم می شود .

۲۸۶- چنانچه یک کارگر متصدی اتصالات لوله های گاز ، با سهل انگاری خود جوشکاری ناقص نماید و سپس مهندس ناظر هم مسامحه نموده و دستور رفع نقص جوشکاری را ندهد و در نتیجهٔ نشت گاز ، فردی کشته شود ، مسئولیت هر یک چه خواهد بود ؟ **ارشد سراسری . بهمن ۸۹**

الف- مهندس به دلیل تقدم اثر مسئول است .
ب- کارگر به دلیل تقدم اثر مسئول است .
ج- مسئولیت کارگر و مهندس از حیث پرداخت دیه به قید قرعه تعیین خواهد شد .
د- کارگر و مهندس شرکای در قتل محسوب می شوند و مسئولیت مساوی خواهند داشت .

۲۸۷- کسی به قصد ایراد جرح ، عمل نوعاً کشنده ای را علیه دیگری انجام می دهد ، مثلاً ضربهٔ چماقی را حوالهٔ گیجگاه او می کند ، ولی قربانی جاخالی می‌دهد که در نتیجه ضربه به دست او خورده وی را مجروح می سازد . چه جرم یا جرایمی ارتکاب یافته است ؟ **ارشد سراسری . بهمن ۸۹**

الف- ایراد جرح عمدی
ب- شروع به قتل عمدی
ج- ایراد جرح غیرعمدی
د- شروع به قتل عمدی و ایراد جرح عمدی

۲۸۸- کدام گزینه در مورد قسامه صحیح است؟ **قضاوت . آبان ۹۰**

الف- صرف حضور مدعی علیه هنگام قتل در محل واقعه از مصادیق لوث نیست و مدعی علیه با ادای یک سوگند تبرئه می شود.
ب- صرف حضور مدعی علیه هنگام قتل در محل واقعه از مصادیق لوث نیست و او با اقامه بینه تبرئه می شود.
ج- صرف حضور مدعی علیه هنگام قتل در محل واقعه از مصادیق لوث است و او برای تبرئه باید اقامه قسامه کند
د- صرف حضور مدعی علیه هنگام قتل در محل واقعه از مصادیق لوث است و او برای تبرئه باید اقامه بینه کند.

۲۸۹- در جرم زنا: **قضاوت . آبان ۹۰**

الف- اساسا ارش البکاره به زن تعلق نمی گیرد.
ب- مهرالمثل به جای ارش البکاره به زن پرداخت می شود.
ج- ارش البکاره به زن تعلق می گیرد هر چند زنا با رضایت او باشد.
د- ارش البکاره به زن تعلق می گیرد در صورتیکه بدون رضایت او زنا صورت گرفته باشد.

۲۹۰- اثبات جرم شرب خمر با شهادت چگونه است؟ **قضاوت . آبان ۹۰**

الف- فقط با شهادت دو مرد ثابت می شود.
ب- با شهادت یک مرد و دو زن ثابت می شود.
ج- با شهادت زنان منفرداً و مجتمعاً قابل اثبات است.
د- با شهادت چهارزن ثابت می شود.

۲۹۱- هرگاه مرتکب قتل موجب قصاص بمیرد: **قضاوت . آبان ۹۰**

الف- دیه مقتول از ورثه اخذ می شود.
ب- دیه مقتول از بیت المال پرداخت می شود.
ج- دیه و قصاص ساقط می شود.
د- دیه مقتول از اموال قاتل استیفاء می شود و اگر نداشته باشد از اقربای او به ترتیب الاقرب فالاقرب گرفته می شود.

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۲۹۲- مجازات اسقاط عمدی جنینی که دارای روح باشد توام با صدمه عمدی به مادر: **قضاوت . آبان ۹۰**
الف- قصاص نسبت به مادر و جنین است.
ب- قصاص صدمات وارده به مادر و پرداخت دیه جنین است.
ج- قصاص نسبت به جنین و دیه نسبت به مادر تعیین می شود.
د- دیه برای مادر و جنین تعیین می شود.

۲۹۳ - تحریک یا ترغیب به خودکشی : **وکالت . آذر ۹۰**
الف- جرم نیست.
ب- تسبیب در قتل تلقی می‌شود.
ج- معاونت در قتل به حساب می‌آید.
د- در صورتی که از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صورت گیرد جرم تلقی می‌گردد.

۲۹۴ - هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه سرنشین یا سرنشینان آنها کشته شوند و کارشناس تصادفات یکی از رانندگان را ۶۰ ٪و یکی را ۴۰٪ مقصر اعلام نماید: **وکالت . آذر ۹۰**
الف- رانندگان به تناسب تقصیر خود مسئولیت دارند.
ب- در صورت فوت رانندگان، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌گردد.
ج- تقصیر رانندگان به هر میزان که باشد مسئولیت آنها به طور مساوی خواهد بود.
د- در صورت داشتن بیمه‌نامه، رانندگان به تناسب تقصیر خود مسئولیت دارند.

۲۹۵- آقای الف به آقای ب مراجعه تا برای معافیت وی از خدمت نظام وظیفه گواهی پزشکی به اسم طبیب جعل نماید. فرد ب عمل موصوف را انجام می‌دهد، در این صورت : **وکالت . آذر ۹۰**
الف- عمل هر دو مباشرت تلقی می‌گردد.
ب- آقای الف جاعل و آقای ب معاون محسوب می‌گردد.
ج- آقای الف معاون و آقای ب جاعل محسوب می‌گردد.
د- آقای ب جاعل تلقی و عمل آقای الف فاقد وصف مجرمانه است.

۲۹۶ - کدام یک از موارد زیر جزء شرایط لازم برای تحقق سقط جنین قانونی نمی‌باشد؟ **وکالت . آذر ۹۰**
الف- رضایت پدر و تجویز دادگاه
ب- وقوع سقط جنین قبل از ولوج روح
ج- ناقص‌الخلقه بودن جنین که موجب حرج مادر است.
د- تشخیص قطعی سه پزشک و تایید پزشکی قانونی

۲۹۷- آقای الف در یکی از ماه‌های حرام اقدام به جرح غیرعمدی ب نموده که در نهایت موجب کوری کامل هر دو چشم مجنی‌علیه گردیده است، در این صورت مرتکب باید: **وکالت . آذر ۹۰**
الف- دیه کامل پرداخت نماید.
ب- دیه کامل به اضافه ارش پرداخت نماید.
ج- دیه کامل به اضافه نصف دیه پرداخت نماید.
د- دیه کامل به اضافه ثلث دیه کامل پرداخت نماید.

۲۹۸ - آقای الف که فاقد پروانه رانندگی است لکن تخلف دیگری مرتکب نشده است در محلی که عبور عابر پیاده ممنوع می‌باشد با عابری تصادف و باعث مرگ وی می‌شود، در این صورت: **وکالت . آذر ۹۰**
الف- راننده ضامن نیست.
ب- راننده ضامن است.
ج- راننده ضامن است و به علت فقدان گواهینامه رانندگی مجازات وی تشدید می‌شود.
د- پرداخت دیه به عهده بیت‌المال و راننده فقط به مجازات رانندگی بدون پروانه محکوم می‌شود.

۲۹۹ - اگر زانی یا زانیه ادعا کنند به زنا اکراه شده‌اند: **وکالت . آذر ۹۰**
الف- لازم است مدعیان اکراه، آن را به اثبات برسانند.
ب- چنانچه دادگاه احتمال دهد این ادعا خلاف واقع است به آن ترتیب اثر نمی‌دهد.
ج- صرف چنین ادعایی برای سقوط حد کافی است مگر یقین بر خلاف آن وجود داشته باشد.
د- چنانچه برای ادعای خود دلیل اقامه نمایند حد ساقط می‌شود.

۳۰۰ - کدام یک از عبارات زیر در مورد قسامه صحیح نیست؟ **وکالت . آذر ۹۰**
الف- می‌توان با آن نوع قتل را مشخص کرد.
ب- می‌توان با استناد به آن نوع جرح را مشخص کرد.
ج- می‌توان با استناد به آن معاونت در قتل را ثابت نمود.
د- می‌توان با استناد به آن قصاص عضو را اثبات نمود.

۲۹۲- ب	۲۹۳- د	۲۹۴- ج	۲۹۵- ج	۲۹۶- الف	۲۹۷- الف	۲۹۸- الف	۲۹۹- ج	۳۰۰- د

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۳۰۱- هرگاه شخصی به دلیل حمله‌ی شدید فرد مجنون از خود دفاع کرده و با اخذ سلاح از دست مجنون او را به قتل برساند، در این صورت چه حکمی راجع به آن فرد صادر خواهد شد؟ **ارشد سراسری . بهمن ۹۰**

الف- به دلیل دفاع مشروع، مسئولیت کیفری ندارد ولی باید دیه‌ی قتل را بپردازد.
ب- به دلیل دفاع بیش از حد تناسب، قصاص می شود.
ج- به دلیل دفاع مشروع، مرتکب جرمی نشده است.
د- به دلیل دفاع بیش از حد تناسب، تعزیر می شود و باید دیه‌ی قتل را به اولیای دم مقتول بپردازد.

۳۰۲- «الف» عمداً به قتل رسیده است ورثه‌ی حین الفوت عبارتند از یک زوجه، یک پسر و یک دختر. دختر خواهان دیه، زوجه‌ی مقتول هم خواهان دیه، اما پسر خواهان قصاص است. تکلیف چیست؟ **ارشد سراسری . بهمن ۹۰**

الف- پسر می تواند با پرداخت سهم خواهر خود از دیه قاتل را قصاص کند.
ب- پسر بدون جلب رضایت خواهر و مادر خود حق قصاص ندارد.
ج- پسر بدون جلب رضایت خواهر خود حق قصاص ندارد.
د- پسر می تواند با پرداخت سهم خواهر و مادر خود از دیه قاتل را قصاص کند.

۳۰۳- در صورتی که قتل خطای محض به دلیل بی‌احتیاطی مرتکب رخ دهد، دادگاه چه حکمی را صادر خواهد کرد؟ **ارشد سراسری . بهمن ۹۰**

الف- پرداخت بالمناصفه دیه از سوی مرتکب و عاقله‌ی وی
ب- پرداخت دیه از سوی عاقله‌ی مرتکب
ج- پرداخت دیه از سوی مرتکب
د- پرداخت دیه از سوی مرتکب به علاوه‌ی یک تا سه سال حبس

۳۰۴- شخص «الف» برای فرار از زلزله و شخص «ب» برای هنرنمایی به بیرون می پرند. شخص «ج» هم در نتیجه وقوع زلزله به بیرون پرتاب می شود. در اثر اصابت هر سه با عابری شخص عابر کشته می شود. مسئولیت هر کدام چگونه خواهد بود؟ **ارشد سراسری . بهمن ۹۰**

الف- اخذ ثلث دیه از «الف» و ثلث دیه از «ب»
ب- اخذ نصف دیه از«الف» و نصف دیه از «ب»
ج- اخذ دیه از هر سه نفر به تساوی
د- اخذ ثلث دیه از «الف»، ثلث دیه از «ب» و ثلث دیه از عاقله‌ی «ج»

۳۰۵- مجازات معاونت در شروع به ارتکاب قتل عمدی چه میزان است ؟ **ارشد سراسری . بهمن ۹۰**

الف- از شش ماه تا سه سال حبس
ب- شش ماه حبس
ج- جزای نقدی
د- مجازات ندارد.

۳۰۶- مهدور الدم بودن مقتول در چه زمانی موجب عدم ثبوت قصاص می شود؟ **ارشد سراسری . بهمن ۹۰**

الف- در زمان صدور حکم
ب- فقط در زمان وقوع مرگ
ج- فقط در زمان ایراد ضربه
د- در هر یک از دو زمان ایراد ضربه یا وقوع مرگ

۳۰۷ - عمل نابالغی که عمداً کسی را بکشد، مشمول کدام عنوان است ؟ **وکالت . آبان ۹۱**

الف- قتل عمد
ب- قتل خطای محض
ج- قتل در حکم خطای محض
د- قتل در حکم عمد

۳۰۸ - هرگاه طفل ممیزی طفل غیرممیزی را اکراه به قتل کند، در این صورت : **وکالت . آبان ۹۱**

الف- دیه از بیت المال پرداخت می شود .
ب- عاقله هر دو محکوم به پرداخت دیه می شوند .
ج- عاقله طفل غیرممیز محکوم به پرداخت دیه می شوند و طفل ممیز تعزیر می شود .
د- عاقله طفل ممیز محکوم به پرداخت دیه می شود .

۳۰۹ - کدام یک از شروط، شرط تحقق حالت اضطرار نیست ؟ **وکالت . آبان۹۱**

الف- بروز خطر شدید
ب- ضرورت ارتکاب عمل برای رفع خطر
ج- نداشتن وظیفه مقابله با خطر
د- تناسب جرم با خطر موجود

۳۰۱- د	۳۰۲- د	۳۰۳- ج	۳۰۴- الف	۳۰۵- ب	۳۰۶- د	۳۰۷- ج	۳۰۸- د	۳۰۹- ج

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۳۱۰- تأثیر وسیله در تحقق قتل و نوع آن ، کدام است ؟ **قضاوت . آبان ۹۱**

الف- موضوعیت دارد و در تحقق آن ، مؤثر است .
ب- موضوعیت ندارد لکن می تواند در نوع قتل مؤثر باشد .
ج- موضوعیت دارد لکن در نوع آن ، کاملاً بی اثر است .
د- موضوعیت ندارد لکن نوع قتل همواره بستگی به وسیله دارد .

۳۱۱- کارگر یک رستوران که از رفتار یک مهمان ناراحت است ،موضوع را به مدیر خود منعکس می کند و به تحریک مدیر ، قصد جان مهمان را می کند . مهمان یاد شده غالباً در میز شماره ۱۰ می نشسته است . کارگر غذا را سمی کرده و در حالی که مهمان دیگری در میز شماره ۱۰ نشسته است ، با عجله همان غذا را مقابل آن مهمان جدید می گذارد و در نهایت این مهمان می میرد . مطابق نظر حقوقدانان ، نوع قتل و ماهیت عمل مدیر چیست ؟ **قضاوت . آبان ۹۱**

الف- به منزله خطای محض - شرط
ب- شبه عمد - سبب
ج- در حکم عمد - معاونت
د- عمد - معاونت

۳۱۲- عباس که شاهد قتل حمید به دست رحیم است ، پس از رؤیت این صحنه و در حالی که رحیم در حال فرار است ، او را می کشد . عمل او مشمول کدام عنوان مجرمانه است ؟ **قضاوت . آبان۹۱**

الف- در صورت اجازه اولیای دم نسبت به عمل او ، رافع مجازات قصاص است .
ب- قتل عمدی ، موجب دیه و دارای مجازات تعزیری است .
ج- با توجه به مهدورالدم بودن قاتل ، فاقد وصف جزایی است .
د- قتل عمدی ، موجب قصاص است .

۳۱۳- فردی به منزل خانمی زنگ زده و به دروغ خبر تصادف و مرگ تنها فرزندش را به او می دهد و او هم با توجه به بیماری قلبی در دم جان می سپارد . کدام مورد ، در خصوص قتل واقع شده صحیح است ؟ **قضاوت . آبان۹۱**

الف- قتل بالمباشره است که حسب مورد مستوجب قصاص یا دیه است .
ب- قتل خطای محض از طریق فعل معنوی است .
ج- قتل بالتسبیب است که حسب مورد مستوجب قصاص یا دیه است .
د- قتل شبه عمد از طریق فعل معنوی است .

۳۱۴- با توجه به نص قانون مجازات اسلامی ، عاقله در صورت تحقق اکراه در قتل ، در کدام مورد ، مسئول است ؟ **قضاوت . آبان ۹۱**

الف- اگر اکراه کننده ، کودک غیرممیز باشد قصاص نمی شود بلکه عاقله دیه می دهد .
ب- اگر اکراه کننده ، کودک ممیز باشد قصاص نمی شود بلکه عاقله دیه می دهد .
ج- اگر اکراه شونده ، کودک ممیز باشد قصاص نمی شود بلکه عاقله او دیه می دهد .
د- اگر اکراه شونده ، کودک غیرممیز باشد قصاص نمی شود بلکه عاقله دیه می دهد .

۳۱۵- اگر قتل خطای محض به دلیل بی احتیاطی یا بی مبالاتی مرتکب رخ دهد ، دادگاه چه حکمی صادر خواهد کرد ؟ **قضاوت . آبان۹۱**

الف- پرداخت دیه از سوی مرتکب
ب- پرداخت دیه مشترکاً از سوی مرتکب و عاقله
ج- پرداخت دیه از سوی عاقله مرتکب
د- پرداخت دیه از سوی مرتکب به علاوه یک تا سه سال حبس

۳۱۶- با عنایت به قانون مجازات اسلامی ، در اتهام شرب خمر ، ..... **قضاوت . آبان ۹۱**

الف- صرف ادعای جهل به قانون ، رافع مسئولیت است .
ب- ادعای جهل به قانون و اثبات آن ، رافع مسئولیت است .
ج- طبق قاعده کلی جهل به قانون ، رافع مسئولیت نیست .
د- ادعای جهل به قانون و احتمال صحت این ادعا ، رافع مسئولیت است .

۳۱۷- کدام جمله در مورد شرکت در منازعه صحیح است ؟ **ارشد سراسری . بهمن ۹۱**

الف- شرکت در منازعه یک جرم مقیّد است .
ب- برای تحقق جرم شرکت در منازعه باید نتیجهٔ نهایی در صحنهٔ نزاع رخ دهد .
ج- مجازات شرکت در منازعه فقط در مواردی اعمال می شود که قاتل یا ضارب شناسایی نشود .
د- مجازات شرکت در منازعه فقط علیه صدمه زنندگان اعمال می گردد .

۳۱۸- شخص « الف » با چاقو دیگری را شدیداً مجروح می کند . پس از انتقال شخص مجروح به بیمارستان ، « ب » (که پزشک کشیک است) به دستور « ج » (که رئیس بیمارستان است) در پذیرش وی تعلّل می کند و مجنی علیه جان می سپارد . چه کسی قاتل محسوب می شود ؟ **ارشد سراسری . بهمن ۹۱**

الف- الف
ب- ب
ج- الف و ب مشترکاً
د- الف ، ب ، ج مشترکاً

۳۱۰- ب ۳۱۱- د ۳۱۲- د ۳۱۳- ج ۳۱۴- ج ۳۱۵- د ۳۱۶- د ۳۱۷- الف ۳۱۸- الف

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۳۱۹- کدام معیار می تواند در تشخیص اقوی بودن سبب از مباشر به کار رود ؟ **ارشد سراسری . بهمن ۹۱**
الف- تنها صغر سن یا جنون مباشر
ب- فقط ماهیت انتظار عرف از هر یک از مباشر یا سبب
ج- صغر سن ، جنون ، جهل یا فریب خوردن مباشر و ماهیت انتظار عرف از هر یک از مباشر یا سبب
د- تنها جهل یا فریب خوردن یا اکراه شدن مباشر

۳۲۰- دیهٔ چشم بینای کسی که چشم دیگرش را قبلاً ، به دلیل جنایت دیگری بر آن ، از دست داده است چه مقدار می باشد ؟ **ارشد سراسری . بهمن۹۱**
الف- دیهٔ کامل
ب- دو برابر دیهٔ کامل
ج- یک و نیم برابر دیهٔ کامل
د- یک دوم دیهٔ کامل

۳۲۱- شخصی در نتیجهٔ تأثیر مشترک یک ضربهٔ چاقو ، نیش زنبور و گازگرفتگی سگ می میرد . مسئولیت ضارب برای پرداخت دیه چه میزان است ؟
الف- دیهٔ کامل **ارشد سراسری . بهمن ۹۱**
ب- نصف دیهٔ کامل
ج- یک سوم دیهٔ کامل
د- دو سوم دیهٔ کامل

۳۲۲ - هرگاه نابالغی عمداً کسی را مجروح کند و شخص مرتکب ، قبل از مردن مجروح در اثر آن جراحت ، بالغ شده باشد ، قصاص یا پرداخت دیه به چه صورت خواهد بود ؟ **ارشد سراسری . بهمن ۹۱**
الف- عاقله باید دیهٔ مقتول را بپردازد .
ب- مرتکب خود باید دیهٔ مقتول را بپردازد .
ج- دیه از بیت المال پرداخت می شود و مرتکب به حبس تعزیری مقرر در مادهٔ ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی محکوم می گردد .
د- چون قبل از وقوع مرگ مقتول ، مرتکب بالغ شده است پس قصاص می شود .

۳۲۳- هرگاه برخورد دو یا چند وسیلهٔ نقلیه منتهی به قتل سرنشین یا سرنشینان آن گردد ، مسئولیت پرداخت دیه به چه صورت خواهد بود ؟
الف- در صورت عدم تقصیر ، با بیت المال خواهد بود . **ارشد سراسری . بهمن ۹۱**
ب- در صورت تقصیر ، به میزان تقصیر هر یک محاسبه خواهد شد .
ج- در صورت تقصیر ، به میزان تقصیر هر یک و در صورت عدم تقصیر ، به صورت مساوی محاسبه خواهد شد .
د- در صورت تقصیر ، به هر میزان که باشد به نحو تساوی خواهد بود .

۳۲۴- « الف » که به قصاص نفس محکوم شده از بازداشتگاه فرار می کند و سپس توسط « ب » به صورت عمدی به قتل می رسد ، کدام گزینه در مورد قتل مجنی علیه اول صحیح است ؟ **ارشد سراسری . بهمن ۹۱**
الف- قصاص و دیه ساقط می شود .
ب- قصاص به دیه تبدیل و از بیت المال داده می شود .
ج- قصاص به دیه تبدیل و از اموال « الف » داده می شود .
د- قصاص به دیه تبدیل و از اموال « ب » داده می شود .

۳۲۵- هرگاه راننده که ارتکاب قتل به او منتسب است ، مرتکب تقصیری نشده باشد ، مسئولیت وی چگونه خواهد بود ؟ **ارشد سراسری . بهمن ۹۱**
الف- فقط ضامن دیه است .
ب- فقط قابل مجازات حبس است .
ج- حکم به دیه و تعزیر وی داده نمی شود .
د- ضامن دیه و قابل مجازات حبس است .

۳۲۶- « الف » به قصد قتل « ب » وی را مورد ضرب و جرح قرار می دهد . در صورت عدم تحقق قتل ، از حیث مجازات تعزیری کدام گزینه صحیح است ؟
الف- ازآنجا که ضرب و جرح مقدمهٔ قتل است ، « الف » تنها به مجازات شروع به قتل محکوم می گردد . **ارشد سراسری . بهمن ۹۱**
ب- از آنجا که ضرب و جرح مقدمهٔ قتل است ، « الف » تنها به مجازات ایراد ضرب و جرح عمدی محکوم می گردد .
ج- با توجه به تحقق تعدد مادی بین جرم شروع به قتل عمد و ایراد ضرب و جرح ، « الف » به جمع مجازات ها محکوم می گردد .
د- با توجه به تحقق تعدد معنوی بین جرم شروع به قتل و ایراد ضرب و جرح عمدی ، « الف » به مجازات اشد محکوم می شود .

۳۲۷- در کدام یک از جنایات زیر ، حکم تغلیظ دیه جاری نمی شود ؟ **قضاوت . آبان ۹۲**
الف- وارده بر غیر مسلمانان
ب- علیه اشخاص نابالغ
ج- غیرعمدی
د- مادون نفس

۳۱۹- ج	۳۲۰- د	۳۲۱- ج	۳۲۲- الف	۳۲۳- د	۳۲٤- ج	۳۲۵- ج	۳۲٦- د	۳۲۷- د

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۳۲۸- د و نفر با تبانی یکدیگر تصمیم به مجروح کردن شخص سومی می گیرند و برای این کار ، اولی سنگی را در معبر عام گذاشته و دومی چاهی در مقابل آن حفر می کند . شخص ثالث بر اثر برخورد با سنگ و افتادن در چاه مصدوم می شود . مسئولیت متوجه کیست ؟ **قضاو ت . آبان ۹۲**

الف- هر دو نفر به تساوی
ب- شخص مسئول ، به قید قرعه تعیین خواهد شد .
ج- شخص دوم ، که سبب موخر در حدوث را به وجود آورده است .
د- شخص اول ، که سبب مقدم در تأثیر را به وجود آورده است .

۳۲۹- پزشک در معالجاتی که انجام می دهد ، هرگاه موجب تلف یا صدمه بدنی شود ، کدام مورد ، صحیح است ؟ **قضاوت . آبان ۹۲**

الف- ضامن نیست .
ب- در صورت اخذ برائت ، در هر صورت ضامن نیست .
ج- در صورت عدم قصور یا تقصیر در علم و عمل و علاوه بر آن اخذ برائت ، ضامن نیست .
د- در صورت عدم قصور یا تقصیر در علم و عمل ، ضامن نیست .

۳۳۰- هرگاه شریک ، بیش از سهم خود از مال مشاع سرقت نماید ، کدام مورد صحیح است ؟ **قضاوت . آبان ۹۲**

الف- سرقت تعزیری است ، هر چند شرایط سرقت مستوجب حد را داشته و مازاد بر سهم او به حد نصاب هم برسد .
ب- چنانچه مازاد بر سهم او به حد نصاب برسد ، مستوجب حد است .
ج- وصف کیفری ندارد .
د- خیانت در امانت است .

۳۳۱- اگر شخصی برای رهایی از اکراه ، مرتکب قتل اکراه کننده شود ، کدام مورد صحیح است ؟ **قضاوت . آبان ۹۲**

الف- تحت هر شرایطی ، دیه و تعزیر دارد .
ب- در صورت رعایت شرایط دفاع مشروع ،قصاص ، دیه و تعزیر ندارد .
ج- با شخص قاضی صادر کننده حکم ، هر یک از مجازات ها به تنهایی ساقط یا ثابت می گردد .
د- در صورت رعایت شرایط دفاع مشروع ، قصاص ساقط ، ولکن دیه به قوت خود باقی است .

۳۳۲- کدام مورد صحیح است ؟ **قضاوت . آبان ۹۲**

الف- در صورتی که شخصی مال را توسط صغیر ممیز از حرز خارج کند ، مباشر محسوب می شود و در صورت وجود شرایط دیگر ، مستوجب حد است .
ب- در صورتی که ارزش مال مشاع بیش از نصاب باشد ، شریکی که آن را سرقت کرده است ، مستحق حد است .
ج- هرگاه سارق فاقد متعلق باشد ، نوبت به عضو مخالف می رسد .
د- در صورتی که شخص مرتکب سرقت حدی و سرقت تعزیری شود ، فقط به مجازات حدی محکوم می شود .

۳۳۳- کدام یک از موارد زیر ، جنایت شبه عمدی محسوب می شود ؟ **قضاوت . آبان ۹۲**

الف- هرگاه مرتکب ، جهل به موضوع داشته باشد مانند آن که با اعتقاد به اینکه موضوع رفتار وی حیوان است ، جنایتی را وارد کند ، سپس خلاف آن معلوم گردد .
ب- هرگاه کسی به علت اشتباه در هویت ، مرتکب جنایتی بر دیگری شود ،در صورتی که نه مجنی علیه و نه فرد مورد نظر مهدورالدم نباشند.
ج- جنایت عمدی فردی که نتیجه رفتار ارتکابی بیشتر از مقصود وی است ، نسبت به جنایت کمتر .
د- در صورتی که مرتکب در حال خواب جنایتی کند ، در حالی که آگاه و متوجه است که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری است .

۳۳۴- در موردی که شخصی دست دیگری را عمداً از آرنج قطع کرده است ، آیا مجنی علیه می تواند دست جانی را از قسمت مچ قصاص کند ؟
قضاوت . آبان ۹۲

الف- در هر صورت می تواند
ب- با رضایت جانی می تواند
ج- در هر صورت نمی تواند
د- با اذن ولی امر و بدون رضایت جانی می تواند

۳۳۵- در زنای محصنه ، چنانچه زانیه بالغ و زانی نابالغ باشد ، مجازات زانیه کدام است ؟ **قضاوت . آبان ۹۲**

الف- نود و نه ضربه شلاق
ب- صد ضربه شلاق
ج- اعدام
د- رجم

۳۳۶- اگر کسی به علت اشتباه در هویت ، مرتکب قتل انسان بی گناهی شود ، جنایت ارتکابی مشمول کدام یک از عناوین حقوقی است ؟
قضاوت . آبان ۹۲

الف- قتل عمد
ب- قتل شبه عمد
ج- قتل در حکم شبه عمد
د- قتل خطای محض

۳۲۸- الف	۳۲۹- د	۳۳۰- ب	۳۳۱- ب	۳۳۲- ب	۳۳۳- الف	۳۳۴- ب	۳۳۵- ب	۳۳۶- الف

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که منابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۳۳۷- اگر فردی از اقلیتهای دینی شناخته شده در قانون اساسی که در ایران زندگی می کند ، مرتکب جنایت خطای محض شده و در مهلت مناسب قادر به پرداخت دیه نباشد ، پرداخت دیه چه حکمی دارد ؟ **قضاوت . آبان ۹۲**

الف- در هر حال ، خود جانی مکلف به پرداخت دیه است .
ب- معادل دیه توسط دولت پرداخت می شود .
ج- دیه ساقط می شود .
د- عاقله او باید دیه بدهد .

۳۳۸- در جنایت عمدی ، اگر شاکی از متهم درخواست قسامه کند و او حاضر به قسامه نشود ، چه وضعیتی برای متهم پیش خواهد آمد ؟ **قضاوت . آبان ۹۲**

الف- به قصاص محکوم می شود .
ب- تبرئه می شود .
ج- به پرداخت دیه محکوم می شود .
د- می تواند مجدداً قسامه را به شاکی رد کند.

۳۳۹- در موارد علم اجمالی به ارتکاب قتل توسط یک نفر از دو نفر یا چند نفر معین ، در صورت عدم وجود لوث و تقاضای صاحب حق برای ادای سوگند : **وکالت . آذر ۹۲**

الف- در صورت ادای سوگند توسط متهمین ، دیه از آنها اخذ می شود .
ب- در صورت ادای سوگند توسط متهمین ، دیه از بیت المال پرداخت می شود .
ج- در صورت امتناع متهمین از ادای سوگند ، دیه از بیت المال پرداخت می شود .
د- در صورت امتناع متهمین از ادای سوگند ، دیه به قید قرعه از یک نفر اخذ می شود .

۳۴۰- در مواردی که رفتار مرتکب موجب آسیب و عیبی در بدن نشود و اثری هم بر جای نگذارد : **وکالت . آذر ۹۲**

الف- در هر صورت ضمان منتفی و مرتکب تعزیر می شود .
ب- ضمان منتفی است ولی در صورت عمدی بودن و عدم مصالحه ، مرتکب تعزیر می شود .
ج- در صورت عمدی بودن ، عمل جرم قابل تعزیر بوده و با عدم مصالحه ارش تعیین می گردد .
د- در هر صورت عمل جرم قابل تعزیر بوده و با عدم مصالحه ارش تعیین می گردد .

۳۴۱ - در صورتی که همگی اولیای دم صغیر یا مجنون باشند : **وکالت . آذر ۹۲**

الف- تا زمان بلوغ یا افاقه ، امر قصاص به تأخیر می افتد .
ب- ولی امر در خصوص قصاص یا اخذ دیه تصمیم می گیرد که می تواند این امر را به رئیس قوه قضائیه تفویض نماید .
ج- ولی آنان با رعایت مصلحتشان حق قصاص یا صلح به دیه دارد .
د- ولی آنان با رعایت مصلحتشان حق قصاص ، مصالحه و گذشت دارد و یا می تواند تا زمان بلوغ یا افاقه آنان منتظر بماند .

۳۴۲ - در دفاع مشروع ، چنانچه نفس دفاع صدق کند ، لکن مدافع با تجاوز از مراتب دفاع ، مرتکب قتل مهاجم شود : **وکالت . آذر ۹۲**

الف- قصاص منتفی و مرتکب مستوجب دیه و تعزیر است .
ب- مرتکب مستوجب قصاص است .
ج- مرتکب ضامن دیه بوده ولی مستوجب تعزیر نیست .
د- مرتکب مستوجب تعزیر بوده ولی ضامن دیه نیست .

۳۴۳- هرگاه شریکی مال مشترک را سرقت نماید ، به ارتکاب چه جرمی محکوم خواهد شد ؟ **ارشد سراسری . بهمن ۹۲**

الف- چنانچه بیش از سهم خود سرقت کرده باشد و مازاد سهم او به حد نصاب برسد ، مستوجب حد سرقت می باشد .
ب- چنانچه قیمت کل مالی که سرقت کرده است به حد نصاب برسد ، جرم سرقت محقق می شود و مستوجب حد سرقت می باشد .
ج- حتی اگر بیش از سهم خود سرقت کرده باشد ، جرم سرقت محقق نمی شود ولی نسبت به مازاد سهم خود ضامن است و باید جبران نماید .
د- چنانچه بیش از سهم خود سرقت کرده باشد ، جرم سرقت محقق می شود ولی فقط مستوجب مجازات تعزیری خواهد بود .

۳۴۴- آقای « الف » که در ساحل دریا به حرفه نجات غریق اشتغال دارد ، با مشاهدهٔ استمداد فردی در دریا در شرایطی که امکان کمک رسانی به او را دارد ، از نجات وی خودداری می کند . ترک فعل او بر اساس کدام یک از مبانی زیر جرم تلقی می شود ؟ **ارشد سراسری . بهمن ۹۲**

الف- ترک وظیفه ناشی از قانون یا قرارداد
ب- ترک وظیفه ناشی از وجود رابطه خاص
ج- ترک وظیفه ناشی از ایجاد خطر قبلی
د- ترک وظیفه ناشی از پذیرش اختیاری مسئولیت

۳۴۵- اگر در میان اولیای دم مقتول ولی دم صغیری وجود داشته باشد نسبت به سهم صغیر چه کسی حق تصمیم گیری دارد ؟ **ارشد سراسری . بهمن ۹۲**

الف- ولی او فقط حق قصاص یا مصالحه دارد .
ب- ولی او ، حق قصاص ، مصالحه و گذشت دارد .
ج- در هر حال مقام رهبری می تواند در مورد او تصمیم بگیرد .
د- حتماً باید صبر کرد تا صغیر بالغ شود و خود او تصمیم بگیرد .

۳۳۷- ب ۳۳۸- ج ۳۳۹- ب ۳۴۰- ب ۳۴۱- د ۳۴۲- الف ۳۴۳- الف ۳۴۴- الف ۳۴۵- ب

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۳۴۶- کدام یک از شرایط زیر برای مستوجب حد شدن سرقت ضروری است ؟ **ارشد سراسری . بهمن ۹۲**

۱- مخفیانه بودن ربایش ۲- مخفیانه بودن هتک حرز ۳- رسیدن سهم هر شریک به حد نصاب ۴ - رسیدن ارزش مال مسروق به حدنصاب بدون توجه به تعداد سارقان

الف - موارد ۱ ، ۲ و ۳

ب- موارد ۱ و ۳

ج- موارد ۱ ، ۳ و ۴

د- همه موارد

۳۴۷- مهدور الدم بودن مقتول در چه زمانی موجب عدم ثبوت قصاص نفس یا دیهٔ نفس می شود ؟ **ارشد سراسری . بهمن ۹۲**

الف- در زمان محاکمه متهم

ب- فقط در زمان ایراد ضربه

ج- فقط در زمان وقوع مرگ

د- در زمان ایراد ضربه یا وقوع مرگ

۳۴۸ - هرگاه در اثر رفتار مرتکب آسیب های متعدد در بدن بزه دیده ایجاد شده باشد ، کدام گزینه در مورد میزان دیه صحیح است ؟

الف- چنانچه آسیب ها در اثر یک ضربه باشد تنها یک دیه دارد و اگر در اثر چند ضربهٔ مرتکب باشد چند دیه دارد . **ارشد سراسری . بهمن ۹۲**

ب- چنانچه همهٔ آسیب ها در یک عضو بوده ولی نوع هر آسیب غیر از نوع دیگر باشد ، هر آسیب دیهٔ جداگانه دارد .

ج- چنانچه همهٔ آسیب ها از یک نوع باشد ، تنها یک دیه دارد و اگر از چند نوع باشد برای هر آسیب دیهٔ جداگانه تعیین می شود .

د- چنانچه آسیب ها در اعضای مختلف باشد ، هر آسیب دیهٔ جداگانه دارد و اگر همه آسیب ها در یک عضو باشد ، تنها یک دیه دارد .

۳۴۹- کدام گزینه در مورد کسی که مرتکب قتل سارقی شود که محکوم به مجازات جرم سرقت گردیده ، صحیح است ؟ **ارشد سراسری . بهمن ۹۲**

الف- چنانچه مجنی علیه سرقت تعزیری مرتکب شده باشد ، قاتل وی قصاص می شود و اگر سرقت وی مستوجب هر حدی باشد قاتل وی فقط به پرداخت دیه محکوم می شود .

ب- چنانچه مجنی علیه سرقت مستوجب هر حدی مرتکب شده باشد ، قاتل وی به قصاص و پرداخت دیهٔ وی محکوم می شود .

ج- چنانچه مجنی علیه سرقت مستوجب هر حدی مرتکب شده باشد ، قاتل وی قصاص ندارد ولی به پرداخت دیهٔ وی محکوم می شود .

د- چنانچه مجنی علیه سرقت مستوجب حد اعدام مرتکب شده باشد ، قاتل وی به قصاص و پرداخت دیه محکوم نمی شود .

۳۵۰- در جرم قتل در صورت وجود قصد در فعل ارتکابی کدام گزینه صحیح است ؟ **ارشد سراسری . بهمن ۹۲**

الف- اگر مرتکب شبهٔ موضوعیه نسبت به موضوع رفتار خود داشته باشد ، عمل وی مشمول قتل شبه عمدی می گردد .

ب- اگر مرتکب شبهٔ موضوعیه نسبت به موضوع رفتار خود داشته باشد ، تأثیری در ماهیت عمل او ندارد و فعل ارتکابی قتل عمدی محسوب می شود .

ج- اگر مرتکب شبهٔ موضوعیه نسبت به موضوع رفتار خود داشته باشد ، ولی فعل او نوعاً کشنده باشد ، قتل عمدی واقع شده و الا قتل شبه عمدی خواهد بود .

د- تنها در صورتی که مرتکب هم شبهٔ موضوعیه نسبت به موضوع رفتار خود و هم شبهٔ حکمیه نسبت به عمل ارتکابی داشته باشد قتل شبه عمدی و الا قتل عمدی محقق می شود .

۳۵۱- اگر کسی به قصد نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری ، الفاظی به کار برد که صریح در انتساب زنا یا لواط به خواهر یا برادر مخاطب باشد ، چه جرمی محقق شده است؟ **ارشد سراسری .بهمن ۹۲**

الف- هم جرم قذف محقق شده و هم جرم توهین که در صورت شکایت مخاطب ، مرتکب به هر دو مجازات جرم قذف و توهین محکوم می گردد .

ب- فقط جرم قذف نسبت به کسی که زنا یا لواط به او نسبت داده شده محقق شده است و به شرط شکایت وی ، به مجازات حد محکوم می شود .

ج- جرم قذف محقق نشده است ولی نسبت به مخاطب اگر به علت این انتساب اذیت شده باشد ، جرم توهین محقق شده است .

د- نسبت به کسی که زنا یا لواط متوجه او شده جرم قذف و نسبت به مخاطب جرم توهین محقق شده است .

۳۵۲- مطابق ضوابط عرفی راجع به تشخیص اقوی بودن سبب از مباشر ، در کدام مورد ، شخص مباشر را می توان مسئول صدمه وارد بر خویش قلمداد کرد ؟

الف- دختری که برای فرار از تجاوز جنسی ، خود را از بلندی پرت می کند . **ارشد سراسری . بهمن ۹۲**

ب- خانمی که برای فرار از مزاحمت های جنسی رانندهٔ خودرو ، در خودرو را باز کرده و به بیرون می پرد .

ج- کارگری که پس از ایجاد شدن حریق در ساختمان تولیدی محل کارش ، برای فرار از آتش ، از پنجره به بیرون می پرد .

د- خانمی که برای فرار از تعقیب ایذائی یک مرد متعرض ، با دویدن در خیابان خود را زیر چرخ های یک اتومبیل در حال حرکت می اندازد .

۳۵۳- قذف در چه صورتی مجازات حد ندارد ؟ **ارشد سراسری . بهمن ۹۲**

الف- تحریک شدن قاذف

ب- فرزند بودن قاذف نسبت به مقذوف

ج- نابالغ بودن بزه دیده یا پدر بودن قاذف نسبت به مقذوف

د- فقط در صورت پدر بودن قاذف نسبت به مقذوف

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۳۵۴- شخصی در نتیجهٔ تأثیر مشترک یک ضربهٔ چاقو و نیش سه حشره جان می سپارد . مسئولیت ضارب برای پرداخت دیه چه میزان است ؟ **ارشد سراسری . بهمن ۹۲**
الف- دیه کامل
ب- نصف دیهٔ کامل
ج- یک سوم دیهٔ کامل
د- یک چهارم دیهٔ کامل

۳۵۵- شخصی جهت کشتن دیگری سنگ بزرگی را به سر او کوبیده و او را به زمین انداخته است . یک ساعت بعد مراجعه کرده و متوجه می شود که مجنی علیه زنده بوده و تلاش دارد خود را نجات دهد ، ضربات مهلکی را با چاقو به وی وارد می کند . مجازات مرتکب در صورت مرگ مجنی علیه چگونه خواهد بود ؟ **دکتری سراسری . اسفند ۹۲**
الف- مرتکب فقط به قصاص نفس محکوم می شود .
ب- مرتکب علاوه بر قصاص نفس به مجازات جنایت بر میت محکوم خواهد شد .
ج- مرتکب علاوه بر مجازات قصاص نفس ، به پرداخت دیه و مجازات بابت صدمات وارده بر سر محکوم خواهد شد .
د- مرتکب علاوه بر قصاص نفس به حبس تعزیری ناشی از شروع به قتل عمدی محکوم خواهد شد .

۳۵۶- کدام جمله در مورد میزان ارش جنایات وارده بر زن و مرد صحیح است ؟ **دکتری سراسری . اسفند ۹۲**
الف- ارش جنایات وارده به زن همواره نصف ارش جنایات وارده به مرد است .
ب- از لحاظ میزان ، در مورد ارش فرقی میان زن و مرد نیست .
ج- در صورتی که میزان ارش ثلث یا بیشتر باشد ، ارش جنایات وارده به زن نصف ارش جنایات وارده به مرد است .
د- در صورت بیشتر بودن میزان ارش از ثلث ، ارش جنایات وارده به زن نصف ارش جنایات وارده به مرد است .

۳۵۷- در صورتی که ضربهٔ مرتکب هیچ اثری بر مجنی علیه باقی نگذارد ، چه جرمی از سوی وی ارتکاب یافته است ؟ **دکتری سراسری . اسفند ۹۲**
الف- جرم ایراد ضرب مستوجب دیه
ب- جرم ایراد ضرب مستوجب ارش
ج- جرم توهین ساده مستوجب تعزیر
د- یک جرم خاص مستوجب تعزیر

۳۵۸- اکراه در جنایت بر نفس و یا عضو دارای چه حکمی است ؟ **دکتری سراسری . اسفند ۹۲**
الف- موجب قصاص مباشر در جنایت بر نفس و قصاص اکراه کننده در جنایت بر عضو می باشد .
ب- موجب قصاص اکراه کننده در جنایت بر نفس و قصاص مباشر در جنایت بر عضو می باشد .
ج- در هر دو مورد موجب قصاص اکراه کننده می شود .
د- در هر دو مورد موجب قصاص مباشر (فاعل) می شود .

۳۵۹- هرگاه در سرقت مستوجب حد ، سارق فاقد دست راست باشد ، تکلیف چیست ؟ **دکتری سراسری . اسفند ۹۲**
الف- سارق تعزیر می شود .
ب- پای چپ او قطع می گردد .
ج- حسب نظر قاضی دست چپ و یا یکی از پاهایش قطع می شود .
د- دست چپ او قطع می گردد .

۳۶۰- شخص « الف » بدون سلاح برای ایراد ضرب به « ب » به سوی وی حمله ور می شود ، ولی قبل از اینکه بتواند قصد خود را عملی سازد با شلیک گلولهٔ « ب» کشته می شود . مجازات « ب » چه خواهد بود ؟ **دکتری سراسری . اسفند ۹۲**
الف- دیه
ب- مجازات تعزیری
ج- قصاص
د- دیه و مجازات تعزیری

۳۶۱- اعضای گروه باغی در چه صورتی به حبس تعزیری محکوم نخواهند شد ؟ **دکتری سراسری . اسفند ۹۲**
الف- در صورتی که قبل از درگیری و استفاده از سلاح دستگیر شوند .
ب- در صورتی که مرکزیت گروه از بین رفته باشد .
ج- در صورتی که قبل از دستیابی نظام توبه کرده باشند .
د- در هر صورت این مجازات را تحمل می کنند .

۳۶۲- چنانچه یکی از اولیای دم بر خلاف مقررات اقدام به اجرای قصاص قاتل عمدی نماید ، مجازات او چیست ؟ **دکتری سراسری . اسفند ۹۲**
الف- به قصاص نفس در مقابل آن قاتل محکوم می شود .
ب- به مجازات تعزیری مربوط در بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی محکوم می شود .
ج- به پرداخت دیه به اولیای دم آن قاتل محکوم می شود .
د- به پرداخت دیهٔ مجنی علیه به اولیاء دم دیگر محکوم می شود و خود سهمی از آن نمی برد .

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۳۶۳- در منازعه ای یک نفر به قتل رسیده است ولی این که عامل قتل کدام یک از منازعه کنندگان بوده است به هیچ وجه مشخص نیست ، در این حالت چه حکمی داده می شود ؟ **دکتری سراسری . اسفند ۹۲**

الف- قصاص یا دیه ، حسب مورد ، از طریق اجرای قسامه ثابت می شود .
ب- قصاص ساقط و مسئول پرداخت دیه به قید قرعه انتخاب می شود .
ج- قصاص ساقط و علاوه بر تعزیر منازعه کنندگان ، دیه مجنی علیه به تساوی از آنها اخذ می شود .
د- قصاص ساقط و دیه از بیت المال پرداخت می شود .

۳۶۴- زنی آلوده به ویروس ایدز ، با هدف مبتلا کردن مردان به ویروس مزبور به قصد قتل آنها ، با چند نفر ارتباط جنسی برقرار می کند ، اما هیچ کدام از مردان مبتلا به ویروس ایدز نمی شوند . کدام مورد ، صحیح است ؟ **دکتری سراسری . اسفند ۹۳**

الف- صرفاً در صورتی که ارتباط جنسی نامشروع باشد ، به جرم زنا و مجازات آن محکوم می شود .
ب- چنانچه عمل مرتکب ، موجب اخلال در نظم عمومی گردد ، وی با نظر قاضی تعزیر می شود .
ج- در صورت نامشروع بودن ارتباط ، علاوه بر زنا ، مرتکب شروع به جرم قتل عمدی شده است .
د- در صورت علم مردان به نامشروع بودن رابطه ، زن مرتکب شروع به قتل نشده است .

۳۶۵- مجنی علیه پیش از استیفای حق قصاص ، فوت کرده و ترکه برای ادای دیون وی کافی نیست . حکم مسئله کدام است ؟ **دکتری سراسری . اسفند ۹۳**

الف- وراث مجنی علیه ، بدون اداء یا تضمین آن دیون ، حق استیفای قصاص را دارند .
ب- وراث مجنی علیه در صورتی می توانند قصاص کنند که دیون مجنی علیه را پرداخت یا تضمین کنند .
ج- وراث مجنی علیه ، بدون اداء یا تضمین دیون مورث خود ، حق گذشت از قصاص و دیه را دارند .
د- اگر به هر علت قصاص به دیه تبدیل شود ، وراث مجنی علیه حق دریافت دیه بدون اداء دیون متوفی را دارند .

۳۶۶- چنانچه پس از اجرای حکم قصاص عفو ، پرونده در دادگاه صالح ، رسیدگی مجدد شده و عدم صحت حکم قبلی و تقصیر یا عمد قاضی صادرکننده حکم احراز شود ، مسئولیت قاضی صادرکننده حکم قبلی ، کدام است ؟ **دکتری سراسری . اسفند ۹۳**

الف- از سمت قضایی منفصل شده و محکوم به پرداخت دیه عضو محکوم علیه می شود .
ب- به مجازات تعزیری تخلف از وظایف قضائی محکوم و دیه عضو محکوم علیه از بیت المال پرداخت می شود .
ج- علاوه بر پرداخت دیه ، به انفصال از شغل و مجازات تعزیری ناشی از تخلف از وظایف قضایی محکوم می شود .
د- به قصاص عضو یا تعزیر و دیه ناشی از قطع عضو به علاوه مجازات تلف از وظایف قضایی محکوم می شود .

۳۶۷- در جرایم موجب حد ، هرگاه متهم مدعی فقدان قصد در زمان ارتکاب جرم شود ، حکم قضیه کدام است ؟ **دکتری سراسری . اسفند ۹۳**

الف- در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود ، ادعای او بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می شود .
ب- اگر موجب علم قاضی در خصوص مدعی به شود ، پذیرفته می شود .
ج- باید ادعای خود را ثابت کند و گرنه پذیرفته نمی شود .
د- ادعای او هرگز پذیرفته نمی شود .

۳۶۸- در اثر سهل انگاری قابله ای در هنگام وضع حمل زن ، جنین ضایعه مغزی پیدا کرده و چند روز پس از تولد می‌میرد. کدام جرم به قابله قابل استناد است؟

الف- با توجه به قاعده احسان ، مسئولیتی متوجه وی نیست . **دکتری سراسری . اسفند ۹۳**
ب- قتل خطای محض در حکم شبه عمد
ج- قتل شبه عمد
د- سقط جنین

۳۶۹- پیرو موافقت قاتل و اولیای دم مقتول ، آنان به شرط گرفتن مبلغی پول از قصاص گذشت می کنند ، ولی قاتل از پرداخت مبلغ خودداری می کند . حکم قضیه کدام است ؟ **دکتری سراسری . اسفند ۹۳**

الف- قصاص در هر حال ساقط شده ، ولی دادگاه از لحاظ جنبه عمومی جرم ، قاتل را به تحمل حبس تعزیری محکوم می کند و اولیای دم نیز می‌توانند خواهان اجرای تعهد مالی قاتل شوند .
ب- اولیای دم می توانند مجدداً شکایتی به دادگاه ، دایر بر ملزم شدن قاتل به پرداخت دیه تقدیم کنند .
ج- قصاص در هر حال ساقط شده و اولیای دم فقط می توانند اجرای تعهد مالی قاتل را خواستار شوند .
د- به دلیل عدم تحقق شرط ، حق قصاص برای اولیای دم محفوظ است .

۳۷۰- در کدام مورد ، اخذ دیه منوط به رضایت جانی نیست ؟ **دکتری سراسری .اسفند ۹۳**

الف- اگر صاحب حق قصاص ، به شرط اخذ دیه ، از قصاص گذشت کند .
ب- اگر اجرای قصاص ، مستلزم پرداخت دیه به قصاص شونده باشد .
ج- در همه موارد ، رضایت جانی ضروری است .
د- هیچ گاه رضایت جانی ضروری نیست .

۳۶۳- ج	۳۶۴- ج	۳۶۵- الف	۳۶۶- د	۳۶۷- الف	۳۶۸- ج	۳۶۹- د	۳۷۰- ب		

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که متابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

۳۷۱- هرگاه بعضی از اولیای دم محجور باشند ، ولیّ آنها کدام حق را دارد ؟ **دکتری سراسری . اسفند ۹۳**

الف- به خاطر رعایت مصلحت آنها ، فقط حق مطالبه دیه کامله یا مصالحه به بیشتر از آن را دارد .
ب- با رعایت مصلحت آنها ، فقط حق قصاص یا اخذ دیه کامله را دارد ولی حق گذشت ندارد .
ح- با رعایت مصلحت آنها ، حق قصاص ، مصالحه ، گذشت یا انتظار تا زمان رفع حجر را دارد .
د- باید تا زمان رفع حجر آنها منتظر بماند .

۳۷۲- در اثر برخورد دو خودرو با یکدیگر ، سرنشینان هر دو خودرو به جز رانندگان فوت می کنند . کارشناسان مسئولیت حادثه را به میزان هفتاد درصد بـرای «الف» (راننده اول) و سی درصد برای « ب » (راننده دوم) تعیین می کنند . دیه به کدام نسبت قابل پرداخت است ؟ **دکتری سراسری . اسفند ۹۳**

الف- « الف » هفتاد درصد دیهٔ سرنشینان خودروی مقابل و « ب » سی درصد دیهٔ سرنشینان خودروی مقابل را می پردازد .
ب- « الف » هفتاد درصد دیهٔ کلیه سرنشینان و « ب » سی درصد دیهٔ کلیه سرنشینان را می پردازد .
ج- هر راننده مسئول پرداخت نصف دیه سرنشینان خودروی مقابل است .
د- هر راننده مسئول پرداخت نصف دیه کلیه سرنشینان است .

۳۷۳- « الف » در مقابل سنگی که ساعتی قبل از سوی « ب » در خیابان بسیار پرترددی گذاشته شده است ، چاهی را حفر می کند . عابری پـس از برخـورد بـا سنگ ، به داخل چاه افتاده و مجروح می شود . مسئولیت ایراد جرح بر عهده چه کسی است ؟ **دکتری سراسری . اسفند ۹۳**

الف- « الف » به عنوان سبب مؤخر در حدوث
ب- « الف » به دلیل علم به ایجاد صدمه
ج- « ب » به عنوان سبب مقدم در تأثیر
د- « الف » و « ب » مشترکاً

۳۷۴- فردی مرتکب یک بار زنا و دو بار قوادی شده است و پس از هر بار ارتکاب جرم ، حد اجرا شده است . در مرتبه چهارم ، مرتکب زنای دیگری می شـود . مجازات وی چیست ؟ **دکتری سراسری . اسفند ۹۴**

الف- جمع حد زنا و قوادی و باید مجازات اشد اجرا شود .
ب- حد اعدام به علت ارتکاب جرم حدی در بار چهارم
ج- جمع حد زنا و اعدام و تنها اعدام اجرا می شود .
د- یک حد زنا

۳۷۵- « الف » ، عمداً « ب » را می کشد و به زندان می افتد . او در زندان در یک درگیری با « ج » ، عمداً توسط « ج » به قتل می رسد . کدام مورد صحیح است؟

الف- « ج » علاوه بر قصاص در قبال « الف » به پرداخت دیه به اولیای « ب » محکوم می شود . **دکتری سراسری . اسفند ۹۴**
ب- اولیای دم « ب » نمی توانند از اموال « الف » دیه بگیرند ، چون دیه در قتل عمد تصالحی است .
ج- دیه « ب » از اموال « الف » پرداخت می شود و در صورت نداشتن مال ، از عاقلهٔ او گرفته می شود .
د- دیه «ب » را بیت المال می پردازد و در صورت پیدا شدن عاقله ، حق مراجعه به عاقله وجود دارد .

۳۷۶- « الف » در چند نوبت با زدن چهار ضربه به ترتیب دست راست ، دست چپ ، پای راست و پای چپ « ب » را قطع می کند . « ب » در اثر خونریزی شـدید ناشی از همه ضربات می میرد . کدام مورد در خصوص مجازات قاتل ، صحیح است ؟ **دکتری سراسری . اسفند ۹۴**

الف- به قصاص دست راست ، دست چپ ، پای راست و قصاص نفس محکوم می شود .
ب- به قصاص همهٔ اعضا و قصاص نفس محکوم می شود .
ج- به دیهٔ همهٔ اعضاء و قصاص نفس محکوم می شود .
د- تنها به قصاص نفس محکوم می شود .

۳۷۷- شخصی در حالِ مستی مرتکب قتل دیگری شده است . برای دادگاه ثابت شده که مرتکب به کلی مسلوب الاختیار بوده ولی دادگاه به علت خصومت قاتل و مقتول احتمال می دهد که مرتکب ، خود را برای قتل مست کرده باشد . کدام مورد در خصوص مجازات قاتل ، صحیح است ؟

الف- به قصاص محکوم می شود ، مگر اینکه ثابت کند خود را برای قتل مست نکرده است . **دکتری سراسری . اسفند ۹۴**
ب- به علت مسلوب الاختیار بودن به دیه محکوم می شود ،حتی اگر ثابت شود وی خود را برای جرم مست کرده است .
ج- به قصاص محکوم می شود ، مگر اینکه برای دادگاه شبهه قوی پیش آید که قاتل خود را برای قتل مست نکرده است .
د- به پرداخت دیه و تعزیر محکوم می شود ، مگر اینکه دادستان یا ولی دم بتوانند اثبات کنند که وی خود را برای قتل مست کرده است .

دپارتمان حقوق و علوم سیاسی

۳۷۱- ج	۳۷۲- د	۳۷۳- ب	۳۷۴- د	۳۷۵- ج	۳۷۶- الف	۳۷۷- د

ردیف	الف	ب	ج	د
۱	♣			
۲	♣			
۳		♣		
٤		♣		
٥			♣	
٦		♣		
۷	♣			
۸			♣	
۹			♣	
۱۰				♣
۱۱				♣
۱۲		♣		
۱۳	♣			
۱٤			♣	
۱٥			♣	
۱٦		♣		
۱۷		♣		
۱۸	♣			
۱۹	♣			
۲۰	♣			
۲۱			♣	
۲۲		♣		
۲۳				♣
۲٤		♣		
۲٥			♣	
۲٦		♣		
۲۷	♣			
۲۸			♣	
۲۹	♣			
۳۰			♣	
۳۱	♣			
۳۲			♣	
۳۳		♣		
۳٤			♣	
۳٥			♣	
۳٦			♣	
۳۷		♣		
۳۸			♣	
۳۹	♣			
٤۰		♣		
٤۱			♣	
٤۲			♣	
٤۳			♣	
٤٤				♣
٤٥		♣		
٤٦			♣	
٤۷		♣		
٤۸	♣			
٤۹		♣		
٥۰	♣			

ردیف	الف	ب	ج	د
٥۱	♣			
٥۲				♣
٥۳			♣	
٥٤	♣			
٥٥				♣
٥٦		♣		
٥۷			♣	
٥۸	♣			
٥۹			♣	
٦۰	♣			
٦۱		♣		
٦۲				♣
٦۳		♣		
٦٤	♣			
٦٥	♣			
٦٦	♣			
٦۷	♣			
٦۸	♣			
٦۹		♣		
۷۰				♣
۷۱		♣		
۷۲		♣		
۷۳				♣
۷٤		♣		
۷٥			♣	
۷٦				♣
۷۷			♣	
۷۸				♣
۷۹	♣			
۸۰	♣			
۸۱			♣	
۸۲			♣	
۸۳				♣
۸٤			♣	
۸٥		♣		
۸٦				♣
۸۷	♣			
۸۸			♣	
۸۹		♣		
۹۰			♣	
۹۱	♣			
۹۲			♣	
۹۳				♣
۹٤				♣
۹٥	♣			
۹٦	♣			
۹۷		♣		
۹۸			♣	
۹۹		♣		
۱۰۰				♣

ردیف	الف	ب	ج	د
۱۰۱			♣	
۱۰۲			♣	
۱۰۳		♣		
۱۰٤	♣			
۱۰٥		♣		
۱۰٦	♣			
۱۰۷		♣		
۱۰۸			♣	
۱۰۹		♣		
۱۱۰		♣		
۱۱۱				♣
۱۱۲			♣	
۱۱۳		♣		
۱۱٤			♣	
۱۱٥				♣
۱۱٦				♣
۱۱۷			♣	
۱۱۸		♣		
۱۱۹	♣			
۱۲۰			♣	
۱۲۱		♣		
۱۲۲				♣
۱۲۳		♣		
۱۲٤	♣			
۱۲٥	♣			
۱۲٦				♣
۱۲۷	♣			
۱۲۸		♣		
۱۲۹		♣		
۱۳۰	♣			
۱۳۱				♣
۱۳۲				♣
۱۳۳		♣		
۱۳٤			♣	
۱۳٥	♣			
۱۳٦		♣		
۱۳۷				♣
۱۳۸		♣		
۱۳۹				♣
۱٤۰		♣		
۱٤۱		♣		
۱٤۲			♣	
۱٤۳				♣
۱٤٤		♣		
۱٤٥		♣		
۱٤٦				♣
۱٤۷				♣
۱٤۸		♣		
۱٤۹	♣			
۱٥۰		♣		

ردیف	الف	ب	ج	د
۱٥۱				♣
۱٥۲	♣			
۱٥۳		♣		
۱٥٤		♣		
۱٥٥			♣	
۱٥٦		♣		
۱٥۷			♣	
۱٥۸		♣		
۱٥۹			♣	
۱٦۰			♣	
۱٦۱				♣
۱٦۲			♣	
۱٦۳	♣			
۱٦٤				♣
۱٦٥		♣		
۱٦٦	♣			
۱٦۷		♣		
۱٦۸				♣
۱٦۹	♣			
۱۷۰			♣	
۱۷۱	♣			
۱۷۲				♣
۱۷۳		♣		
۱۷٤		♣		
۱۷٥	♣			
۱۷٦				♣
۱۷۷				♣
۱۷۸	♣			
۱۷۹			♣	
۱۸۰	♣			
۱۸۱			♣	
۱۸۲	♣			
۱۸۳	♣			
۱۸٤			♣	
۱۸٥			♣	
۱۸٦			♣	
۱۸۷		♣		
۱۸۸		♣		
۱۸۹				♣
۱۹۰				♣
۱۹۱				♣
۱۹۲	♣			
۱۹۳			♣	
۱۹٤				♣
۱۹٥		♣		
۱۹٦	♣			
۱۹۷				♣
۱۹۸			♣	
۱۹۹				♣
۲۰۰	♣			

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ردیف	الف	ب	ج	د
۲۰۱	♣			
۲۰۲	♣			
۲۰۳				♣
۲۰۴			♣	
۲۰۵	♣			
۲۰۶			♣	
۲۰۷				♣
۲۰۸	♣			
۲۰۹				♣
۲۱۰				♣
۲۱۱			♣	
۲۱۲	♣			
۲۱۳				♣
۲۱۴			♣	
۲۱۵	♣			
۲۱۶	♣			
۲۱۷			♣	
۲۱۸	♣			
۲۱۹	♣			
۲۲۰	♣			
۲۲۱			♣	
۲۲۲				♣
۲۲۳			♣	
۲۲۴			♣	
۲۲۵		♣		
۲۲۶	♣			
۲۲۷		♣		
۲۲۸		♣		
۲۲۹			♣	
۲۳۰				♣
۲۳۱	♣			
۲۳۲	♣			
۲۳۳		♣		
۲۳۴	♣			
۲۳۵		♣		
۲۳۶		♣		
۲۳۷			♣	
۲۳۸				♣
۲۳۹				♣
۲۴۰			♣	
۲۴۱			♣	
۲۴۲	♣			
۲۴۳				♣
۲۴۴	♣			
۲۴۵		♣		
۲۴۶			♣	
۲۴۷				♣
۲۴۸		♣		
۲۴۹	♣			
۲۵۰	♣			

ردیف	الف	ب	ج	د
۲۵۱			♣	
۲۵۲	♣			
۲۵۳		♣		
۲۵۴				♣
۲۵۵	♣			
۲۵۶			♣	
۲۵۷				♣
۲۵۸			♣	
۲۵۹		♣		
۲۶۰	♣			
۲۶۱		♣		
۲۶۲				♣
۲۶۳				♣
۲۶۴		♣		
۲۶۵	♣			
۲۶۶				♣
۲۶۷			♣	
۲۶۸			♣	
۲۶۹				♣
۲۷۰				♣
۲۷۱	♣			
۲۷۲		♣		
۲۷۳			♣	
۲۷۴			♣	
۲۷۵		♣		
۲۷۶	♣			
۲۷۷				♣
۲۷۸	♣			
۲۷۹	♣			
۲۸۰				♣
۲۸۱		♣		
۲۸۲			♣	
۲۸۳	♣			
۲۸۴				♣
۲۸۵	♣			
۲۸۶				♣
۲۸۷	♣			
۲۸۸	♣			
۲۸۹			♣	
۲۹۰	♣			
۲۹۱	♣			
۲۹۲		♣		
۲۹۳				♣
۲۹۴			♣	
۲۹۵			♣	
۲۹۶	♣			
۲۹۷	♣			
۲۹۸	♣			
۲۹۹			♣	
۳۰۰				♣

ردیف	الف	ب	ج	د
۳۰۱				♣
۳۰۲				♣
۳۰۳			♣	
۳۰۴	♣			
۳۰۵		♣		
۳۰۶				♣
۳۰۷			♣	
۳۰۸				♣
۳۰۹			♣	
۳۱۰		♣		
۳۱۱				♣
۳۱۲				♣
۳۱۳			♣	
۳۱۴			♣	
۳۱۵				♣
۳۱۶				♣
۳۱۷	♣			
۳۱۸	♣			
۳۱۹			♣	
۳۲۰				♣
۳۲۱			♣	
۳۲۲	♣			
۳۲۳				♣
۳۲۴			♣	
۳۲۵			♣	
۳۲۶				♣
۳۲۷				♣
۳۲۸	♣			
۳۲۹				♣
۳۳۰		♣		
۳۳۱		♣		
۳۳۲		♣		
۳۳۳	♣			
۳۳۴		♣		
۳۳۵		♣		
۳۳۶	♣			
۳۳۷		♣		
۳۳۸			♣	
۳۳۹		♣		
۳۴۰		♣		
۳۴۱				♣
۳۴۲	♣			
۳۴۳	♣			
۳۴۴	♣			
۳۴۵		♣		
۳۴۶	♣			
۳۴۷				♣
۳۴۸		♣		
۳۴۹				♣
۳۵۰	♣			

ردیف	الف	ب	ج	د
۳۵۱				♣
۳۵۲				♣
۳۵۳			♣	
۳۵۴		♣		
۳۵۵				♣
۳۵۶		♣		
۳۵۷				♣
۳۵۸	♣			
۳۵۹	♣			
۳۶۰				♣
۳۶۱				♣
۳۶۲		♣		
۳۶۳			♣	
۳۶۴			♣	
۳۶۵	♣			
۳۶۶				♣
۳۶۷	♣			
۳۶۸			♣	
۳۶۹				♣
۳۷۰		♣		
۳۷۱			♣	
۳۷۲				♣
۳۷۳		♣		
۳۷۴				♣
۳۷۵			♣	
۳۷۶	♣			
۳۷۷				♣
۳۷۸				
۳۷۹				
۳۸۰				
۳۸۱				
۳۸۲				
۳۸۳				
۳۸۴				
۳۸۵				
۳۸۶				
۳۸۷				
۳۸۸				
۳۸۹				
۳۹۰				
۳۹۱				
۳۹۲				
۳۹۳				
۳۹۴				
۳۹۵				
۳۹۶				
۳۹۷				
۳۹۸				
۳۹۹				
۴۰۰				

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ردیف	الف	ب	ج	د
۱				
۲				
۳				
٤				
٥				
٦				
۷				
۸				
۹				
۱۰				
۱۱				
۱۲				
۱۳				
۱٤				
۱٥				
۱٦				
۱۷				
۱۸				
۱۹				
۲۰				
۲۱				
۲۲				
۲۳				
۲٤				
۲٥				
۲٦				
۲۷				
۲۸				
۲۹				
۳۰				
۳۱				
۳۲				
۳۳				
۳٤				
۳٥				
۳٦				
۳۷				
۳۸				
۳۹				
٤۰				
٤۱				
٤۲				
٤۳				
٤٤				
٤٥				
٤٦				
٤۷				
٤۸				
٤۹				
٥۰				

ردیف	الف	ب	ج	د
٥۱				
٥۲				
٥۳				
٥٤				
٥٥				
٥٦				
٥۷				
٥۸				
٥۹				
٦۰				
٦۱				
٦۲				
٦۳				
٦٤				
٦٥				
٦٦				
٦۷				
٦۸				
٦۹				
۷۰				
۷۱				
۷۲				
۷۳				
۷٤				
۷٥				
۷٦				
۷۷				
۷۸				
۷۹				
۸۰				
۸۱				
۸۲				
۸۳				
۸٤				
۸٥				
۸٦				
۸۷				
۸۸				
۸۹				
۹۰				
۹۱				
۹۲				
۹۳				
۹٤				
۹٥				
۹٦				
۹۷				
۹۸				
۹۹				
۱۰۰				

ردیف	الف	ب	ج	د
۱۰۱				
۱۰۲				
۱۰۳				
۱۰٤				
۱۰٥				
۱۰٦				
۱۰۷				
۱۰۸				
۱۰۹				
۱۱۰				
۱۱۱				
۱۱۲				
۱۱۳				
۱۱٤				
۱۱٥				
۱۱٦				
۱۱۷				
۱۱۸				
۱۱۹				
۱۲۰				
۱۲۱				
۱۲۲				
۱۲۳				
۱۲٤				
۱۲٥				
۱۲٦				
۱۲۷				
۱۲۸				
۱۲۹				
۱۳۰				
۱۳۱				
۱۳۲				
۱۳۳				
۱۳٤				
۱۳٥				
۱۳٦				
۱۳۷				
۱۳۸				
۱۳۹				
۱٤۰				
۱٤۱				
۱٤۲				
۱٤۳				
۱٤٤				
۱٤٥				
۱٤٦				
۱٤۷				
۱٤۸				
۱٤۹				
۱٥۰				

ردیف	الف	ب	ج	د
۱٥۱				
۱٥۲				
۱٥۳				
۱٥٤				
۱٥٥				
۱٥٦				
۱٥۷				
۱٥۸				
۱٥۹				
۱٦۰				
۱٦۱				
۱٦۲				
۱٦۳				
۱٦٤				
۱٦٥				
۱٦٦				
۱٦۷				
۱٦۸				
۱٦۹				
۱۷۰				
۱۷۱				
۱۷۲				
۱۷۳				
۱۷٤				
۱۷٥				
۱۷٦				
۱۷۷				
۱۷۸				
۱۷۹				
۱۸۰				
۱۸۱				
۱۸۲				
۱۸۳				
۱۸٤				
۱۸٥				
۱۸٦				
۱۸۷				
۱۸۸				
۱۸۹				
۱۹۰				
۱۹۱				
۱۹۲				
۱۹۳				
۱۹٤				
۱۹٥				
۱۹٦				
۱۹۷				
۱۹۸				
۱۹۹				
۲۰۰				

ردیف	الف	ب	ج	د
۲۰۱				
۲۰۲				
۲۰۳				
۲۰٤				
۲۰۵				
۲۰٦				
۲۰۷				
۲۰۸				
۲۰۹				
۲۱۰				
۲۱۱				
۲۱۲				
۲۱۳				
۲۱٤				
۲۱۵				
۲۱٦				
۲۱۷				
۲۱۸				
۲۱۹				
۲۲۰				
۲۲۱				
۲۲۳۲				
۲۲۳				
۲۲٤				
۲۲۵				
۲۲٦				
۲۲۷				
۲۲۸				
۲۲۹				
۲۳۰				
۲۳۱				
۲۳۲				
۲۳۳				
۲۳٤				
۲۳۵				
۲۳٦				
۲۳۷				
۲۳۸				
۲۳۹				
۲٤۰				
۲٤۱				
۲٤۲				
۲٤۳				
۲٤٤				
۲٤۵				
۲٤٦				
۲٤۷				
۲٤۸				
۲٤۹				
۲۵۰				

ردیف	الف	ب	ج	د
۲۵۱				
۲۵۲				
۲۵۳				
۲۵٤				
۲۵۵				
۲۵٦				
۲۵۷				
۲۵۸				
۲۵۹				
۲٦۰				
۲٦۱				
۲٦۲				
۲٦۳				
۲٦٤				
۲٦۵				
۲٦٦				
۲٦۷				
۲٦۸				
۲٦۹				
۲۷۰				
۲۷۱				
۲۷۲				
۲۷۳				
۲۷٤				
۲۷۵				
۲۷٦				
۲۷۷				
۲۷۸				
۲۷۹				
۲۸۰				
۲۸۱				
۲۸۲				
۲۸۳				
۲۸٤				
۲۸۵				
۲۸٦				
۲۸۷				
۲۸۸				
۲۸۹				
۲۹۰				
۲۹۱				
۲۹۲				
۲۹۳				
۲۹٤				
۲۹۵				
۲۹٦				
۲۹۷				
۲۹۸				
۲۹۹				
۳۰۰				

ردیف	الف	ب	ج	د
۳۰۱				
۳۰۲				
۳۰۳				
۳۰٤				
۳۰۵				
۳۰٦				
۳۰۷				
۳۰۸				
۳۰۹				
۳۱۰				
۳۱۱				
۳۱۲				
۳۱۳				
۳۱٤				
۳۱۵				
۳۱٦				
۳۱۷				
۳۱۸				
۳۱۹				
۳۲۰				
۳۲۱				
۳۲۲				
۳۲۳				
۳۲٤				
۳۲۵				
۳۲٦				
۳۲۷				
۳۲۸				
۳۲۹				
۳۳۰				
۳۳۱				
۳۳۲				
۳۳۳				
۳۳٤				
۳۳۵				
۳۳٦				
۳۳۷				
۳۳۸				
۳۳۹				
۳٤۰				
۳٤۱				
۳٤۲				
۳٤۳				
۳٤٤				
۳٤۵				
۳٤٦				
۳٤۷				
۳٤۸				
۳٤۹				
۳۵۰				

ردیف	الف	ب	ج	د
۳۵۱				
۳۵۲				
۳۵۳				
۳۵٤				
۳۵۵				
۳۵٦				
۳۵۷				
۳۵۸				
۳۵۹				
۳٦۰				
۳٦۱				
۳٦۲				
۳٦۳				
۳٦٤				
۳٦۵				
۳٦٦				
۳٦۷				
۳٦۸				
۳٦۹				
۳۷۰				
۳۷۱				
۳۷۲				
۳۷۳				
۳۷٤				
۳۷۵				
۳۷٦				
۳۷۷				
۳۷۸				
۳۷۹				
۳۸۰				
۳۸۱				
۳۸۲				
۳۸۳				
۳۸٤				
۳۸۵				
۳۸٦				
۳۸۷				
۳۸۸				
۳۸۹				
۳۹۰				
۳۹۱				
۳۹۲				
۳۹۳				
۳۹٤				
۳۹۵				
۳۹٦				
۳۹۷				
۳۹۸				
۳۹۹				
٤۰۰				

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ردیف	الف	ب	ج	د
۱				
۲				
۳				
٤				
٥				
٦				
۷				
۸				
۹				
۱۰				
۱۱				
۱۲				
۱۳				
۱٤				
۱٥				
۱٦				
۱۷				
۱۸				
۱۹				
۲۰				
۲۱				
۲۲				
۲۳				
۲٤				
۲٥				
۲٦				
۲۷				
۲۸				
۲۹				
۳۰				
۳۱				
۳۲				
۳۳				
۳٤				
۳٥				
۳٦				
۳۷				
۳۸				
۳۹				
٤۰				
٤۱				
٤۲				
٤۳				
٤٤				
٤٥				
٤٦				
٤۷				
٤۸				
٤۹				
٥۰				

ردیف	الف	ب	ج	د
٥۱				
٥۲				
٥۳				
٥٤				
٥٥				
٥٦				
٥۷				
٥۸				
٥۹				
٦۰				
٦۱				
٦۲				
٦۳				
٦٤				
٦٥				
٦٦				
٦۷				
٦۸				
٦۹				
۷۰				
۷۱				
۷۲				
۷۳				
۷٤				
۷٥				
۷٦				
۷۷				
۷۸				
۷۹				
۸۰				
۸۱				
۸۲				
۸۳				
۸٤				
۸٥				
۸٦				
۸۷				
۸۸				
۸۹				
۹۰				
۹۱				
۹۲				
۹۳				
۹٤				
۹٥				
۹٦				
۹۷				
۹۸				
۹۹				
۱۰۰				

ردیف	الف	ب	ج	د
۱۰۱				
۱۰۲				
۱۰۳				
۱۰٤				
۱۰٥				
۱۰٦				
۱۰۷				
۱۰۸				
۱۰۹				
۱۱۰				
۱۱۱				
۱۱۲				
۱۱۳				
۱۱٤				
۱۱٥				
۱۱٦				
۱۱۷				
۱۱۸				
۱۱۹				
۱۲۰				
۱۲۱				
۱۲۲				
۱۲۳				
۱۲٤				
۱۲٥				
۱۲٦				
۱۲۷				
۱۲۸				
۱۲۹				
۱۳۰				
۱۳۱				
۱۳۲				
۱۳۳				
۱۳٤				
۱۳٥				
۱۳٦				
۱۳۷				
۱۳۸				
۱۳۹				
۱٤۰				
۱٤۱				
۱٤۲				
۱٤۳				
۱٤٤				
۱٤٥				
۱٤٦				
۱٤۷				
۱٤۸				
۱٤۹				
۱٥۰				

ردیف	الف	ب	ج	د
۱٥۱				
۱٥۲				
۱٥۳				
۱٥٤				
۱٥٥				
۱٥٦				
۱٥۷				
۱٥۸				
۱٥۹				
۱٦۰				
۱٦۱				
۱٦۲				
۱٦۳				
۱٦٤				
۱٦٥				
۱٦٦				
۱٦۷				
۱٦۸				
۱٦۹				
۱۷۰				
۱۷۱				
۱۷۲				
۱۷۳				
۱۷٤				
۱۷٥				
۱۷٦				
۱۷۷				
۱۷۸				
۱۷۹				
۱۸۰				
۱۸۱				
۱۸۲				
۱۸۳				
۱۸٤				
۱۸٥				
۱۸٦				
۱۸۷				
۱۸۸				
۱۸۹				
۱۹۰				
۱۹۱				
۱۹۲				
۱۹۳				
۱۹٤				
۱۹٥				
۱۹٦				
۱۹۷				
۱۹۸				
۱۹۹				
۲۰۰				

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰

ردیف	الف	ب	ج	د
۳۵۱				
۳۵۲				
۳۵۳				
۳۵۴				
۳۵۵				
۳۵۶				
۳۵۷				
۳۵۸				
۳۵۹				
۳۶۰				
۳۶۱				
۳۶۲				
۳۶۳				
۳۶۴				
۳۶۵				
۳۶۶				
۳۶۷				
۳۶۸				
۳۶۹				
۳۷۰				
۳۷۱				
۳۷۲				
۳۷۳				
۳۷۴				
۳۷۵				
۳۷۶				
۳۷۷				
۳۷۸				
۳۷۹				
۳۸۰				
۳۸۱				
۳۸۲				
۳۸۳				
۳۸۴				
۳۸۵				
۳۸۶				
۳۸۷				
۳۸۸				
۳۸۹				
۳۹۰				
۳۹۱				
۳۹۲				
۳۹۳				
۳۹۴				
۳۹۵				
۳۹۶				
۳۹۷				
۳۹۸				
۳۹۹				
۴۰۰				

ردیف	الف	ب	ج	د
۳۰۱				
۳۰۲				
۳۰۳				
۳۰۴				
۳۰۵				
۳۰۶				
۳۰۷				
۳۰۸				
۳۰۹				
۳۱۰				
۳۱۱				
۳۱۲				
۳۱۳				
۳۱۴				
۳۱۵				
۳۱۶				
۳۱۷				
۳۱۸				
۳۱۹				
۳۲۰				
۳۲۱				
۳۲۲				
۳۲۳				
۳۲۴				
۳۲۵				
۳۲۶				
۳۲۷				
۳۲۸				
۳۲۹				
۳۳۰				
۳۳۱				
۳۳۲				
۳۳۳				
۳۳۴				
۳۳۵				
۳۳۶				
۳۳۷				
۳۳۸				
۳۳۹				
۳۴۰				
۳۴۱				
۳۴۲				
۳۴۳				
۳۴۴				
۳۴۵				
۳۴۶				
۳۴۷				
۳۴۸				
۳۴۹				
۳۵۰				

ردیف	الف	ب	ج	د
۲۵۱				
۲۵۲				
۲۵۳				
۲۵۴				
۲۵۵				
۲۵۶				
۲۵۷				
۲۵۸				
۲۵۹				
۲۶۰				
۲۶۱				
۲۶۲				
۲۶۳				
۲۶۴				
۲۶۵				
۲۶۶				
۲۶۷				
۲۶۸				
۲۶۹				
۲۷۰				
۲۷۱				
۲۷۲				
۲۷۳				
۲۷۴				
۲۷۵				
۲۷۶				
۲۷۷				
۲۷۸				
۲۷۹				
۲۸۰				
۲۸۱				
۲۸۲				
۲۸۳				
۲۸۴				
۲۸۵				
۲۸۶				
۲۸۷				
۲۸۸				
۲۸۹				
۲۹۰				
۲۹۱				
۲۹۲				
۲۹۳				
۲۹۴				
۲۹۵				
۲۹۶				
۲۹۷				
۲۹۸				
۲۹۹				
۳۰۰				

ردیف	الف	ب	ج	د
۲۰۱				
۲۰۲				
۲۰۳				
۲۰۴				
۲۰۵				
۲۰۶				
۲۰۷				
۲۰۸				
۲۰۹				
۲۱۰				
۲۱۱				
۲۱۲				
۲۱۳				
۲۱۴				
۲۱۵				
۲۱۶				
۲۱۷				
۲۱۸				
۲۱۹				
۲۲۰				
۲۲۱				
۲۲۳۲				
۲۲۳				
۲۲۴				
۲۲۵				
۲۲۶				
۲۲۷				
۲۲۸				
۲۲۹				
۲۳۰				
۲۳۱				
۲۳۲				
۲۳۳				
۲۳۴				
۲۳۵				
۲۳۶				
۲۳۷				
۲۳۸				
۲۳۹				
۲۴۰				
۲۴۱				
۲۴۲				
۲۴۳				
۲۴۴				
۲۴۵				
۲۴۶				
۲۴۷				
۲۴۸				
۲۴۹				
۲۵۰				

www.departeman.com تمام جزوات دپارتمان حقوق و علوم سیاسی ممهور به مهر سبزی هستند که مشابه آن در زمینه جزوات آمده است ، هرگونه تبدیل و کپی از جزوات دارای منع قانونی است. ۰۹۱۲۳۷۸۷۱۹۹ ـ ۶۶۹۱۲۱۸۰